انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران

دانشگاه رازی

چکیده مجموعه مقالات
دوازدهمین گردهمایی بین المللی
ترویج زبان و ادب فارسی

به کوشش
دکتر خلیل بیگ‌زاده
دکتر الیاس نورایی
دکتر عبدالرضا نادری فر

چکیده مجموعه مقالات دوازدهمین گردهمایی بین المللی ترویج زبان و ادب فارسی

به کوشش: دکتر خلیل بیگ‌زاده، دکتر الیاس نورایی، دکتر عبدالرضا نادری فر







انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران



پایگاه استنادی علوم جهان اسلام



چکیده مجموعه مقالات

دوازدهمین گردهمایی بین المللی ترویج زبان و ادب فارسی

به کوشش

دکتر خلیل بیک زاده

دکتر الیاس نورایی

دکتر عبدالرضا نادری فر

دبیران گردهمایی

دبیر علمی: دکتر خلیل بیک زاده

دبیر اجرایی: دکتر الیاس نورایی

کمیته اجرایی دبیرخانه

دکتر خلیل بیک زاده، دکتر الیاس نورایی، دکتر عبدالرضا نادری فر، لیلا رحمتیان، اسماء رستمی جلیلیان

نشانی دبیرخانه گردهمایی

کرمانشاه: تاق بستان، باغ ابریشم، دانشگاه رازی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه زبان و ادبیات فارسی

سرشناسه	: دوازدهمین گردهمایی بین‌المللی ترویج زبان و ادب فارسی
عنوان و نام پدیدآور	: چکیده مجموعه‌مقالات دوازدهمین گردهمایی بین‌المللی ترویج زبان و ادب فارسی/ به کوشش: دکتر خلیل بیگ‌زاده، دکتر الیاس نورایی، دکتر عبدالرضا نادری‌فر
برگزارکننده	: دانشگاه رازی و انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران
یادداشت	: کتاب حاضر چکیده مجموعه‌مقالات دوازدهمین گردهمایی بین‌المللی ترویج زبان و ادب فارسی است.
زبان عنوان	: چکیده مجموعه‌مقالات دوازدهمین گردهمایی بین‌المللی ترویج زبان و ادب فارسی
موضوع	: زبان و ادب فارسی/ تاریخ و نقد ادبی/ گردهمایی‌ها و همایش‌های بین‌المللی
شناسهٔ افزوده	: بیگ‌زاده، خلیل، ۱۳۴۲، گردآورنده/ نورایی، الیاس، ۱۳۴۵، گردآورنده/ نادری‌فر، عبدالرضا، ۱۳۴۵، گردآورنده
شناسهٔ افزوده	: دوازدهمین گردهمایی بین‌المللی ترویج زبان و ادب فارسی(دوازدهمین، ۱۳۹۶، کرمانشاه)
شناسهٔ افزوده	: ایران، کرمانشاه، دانشگاه رازی/ ایران، تهران، انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران

چکیده مجموعه‌مقالات دوازدهمین گردهمایی بین‌المللی ترویج زبان و ادب فارسی

به کوشش: دکتر خلیل بیگ‌زاده، دکتر الیاس نورایی، دکتر عبدالرضا نادری‌فر

ویراستار علمی: دکتر خلیل بیگ‌زاده

صفحه‌آرا: اسماء رستمی جلیلیان و لیلا رحمتیان

طرّاح جلد: صدیقه رضایی

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۶

ناشر: انتشارات یار دانش

پاسداران، ساقدوش، بوستان نهم، پلاک ۳۷، زنگ یک غربی

تلفن: ۰۲۱۲۲۵۶۷۲۵۸- ۰۹۳۹۴۳۵۱۲۳۳

اعضای شورای علمی گردهمایی به ترتیب حروف الفبا

دکتر فرامرز آدینه کلات (دانشگاه پیام نور)، دکتر سجاد آیدنلو (دانشگاه پیام نور)، دکتر خدابخش اسداللهی (دانشگاه محقّق اردبیلی)، دکتر نصرالله امامی (دانشگاه شهید چمران اهواز)، دکتر احمد امیری خراسانی (دانشگاه شهید باهنر کرمان)، دکتر نعمت‌الله ایران‌زاده (دانشگاه علامه طباطبایی)، دکتر محمد ایرانی (دانشگاه رازی)، دکتر مهری باقری (دانشگاه تبریز)، دکتر خلیل بیگ‌زاده (دانشگاه رازی)، دکتر احمد پارسا (دانشگاه کردستان)، دکتر موسی پرنیان (دانشگاه رازی)، دکتر نجم‌الدین جباری (دانشگاه کردستان)، دکتر سوسن جبری (دانشگاه رازی)، دکتر سعید حسام‌پور (دانشگاه شیراز)، دکتر کاووس حسن لی (دانشگاه شیراز)، دکتر محمدرضا حسنی جلیلیان (دانشگاه لرستان)، دکتر علی حیدری (دانشگاه لرستان)، دکتر احمد خاتمی (دانشگاه شهید بهشتی)، دکتر مریم خلیلی جهان‌تیغ (دانشگاه سیستان و بلوچستان)، دکتر رحمان ذبیحی (دانشگاه ایلام)، دکتر ابراهیم رحیمی زنگنه (دانشگاه رازی)، دکتر رؤیا رضایی (دانشگاه فرهنگیان)، دکتر احمد رضی (دانشگاه گیلان)، دکتر محمود رنجبر (دانشگاه گیلان)، دکتر تورج زینی‌وند (دانشگاه رازی)، دکتر غلامرضا سالمیان (دانشگاه رازی)، دکتر مهدی شریفیان (دانشگاه بوعلی همدان)، دکتر قهرمان شیری (دانشگاه بوعلی همدان)، دکتر علیرضا شوهانی (دانشگاه ایلام)، دکتر قاسم صحرایی (دانشگاه لرستان)، دکتر علی صفایی (دانشگاه گیلان)، دکتر اسحق طغیانی (دانشگاه اصفهان)، دکتر امیرعباس عزیزی‌فر (دانشگاه رازی)، دکتر مهیار علوی مقدم (دانشگاه حکیم سبزواری)، دکتر غلام‌حسین غلام‌حسین‌زاده (دانشگاه تربیت مدرّس)، دکتر فاطمه کلاهچیان (دانشگاه رازی)، دکتر محمدکاظم کهدویی (دانشگاه یزد)، دکتر محمدابراهیم مالمیر (دانشگاه رازی)، دکتر محمود فتوحی، دانشگاه فردوسی مشهد، دکتر وحید مبارک (دانشگاه رازی)، دکتر مهدی محقّق (دانشگاه تهران)، دکتر علی محمدی (دانشگاه بوعلی همدان)، دکتر عبدالرضا مدرّس‌زاده (دانشگاه آزاد اسلامی)، دکتر فاطمه مدرّسی (دانشگاه ارومیّه)، دکتر محمد مهدی‌پور (دانشگاه تبریز)، دکتر سیدعلی‌اصغر میرباقری فرد (دانشگاه اصفهان)، دکتر عبدالرضا نادری‌فر (دانشگاه رازی)، دکتر محمدرضا نجاریان (دانشگاه یزد)، دکتر عیسی نجفی (دانشگاه رازی)، دکتر الیاس نورایی (دانشگاه رازی)، دکتر علیرضا نیکویی (دانشگاه گیلان)، دکتر عباسعلی وفایی (دانشگاه علامه طباطبایی)، دکتر توفیق سبحانی (دانشگاه پیام نور)، دکتر محمدجعفر یاحقی (دانشگاه فردوسی مشهد)، دکتر احمدرضا یلمه‌ها (دانشگاه آزاد اسلامی)

اعضای کمیتهٔ داوری گردهمایی به ترتیب بسامد داوری

اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها

دکتر فاطمه مدرسی (دانشگاه ارومیه)، دکتر فرهاد کاکه‌رش (دانشگاه آزاد اسلامی مهاباد)، دکتر غلامرضا سالمیان (دانشگاه رازی)، دکتر شهریار شادی‌گو (دانشگاه ایلام)، دکتر خلیل بیگ‌زاده (دانشگاه رازی)، دکتر نجم‌الدّین جبّاری (دانشگاه کردستان)، دکتر احمدرضا نظری چروده (دانشگاه آزاد آستارا)، دکتر سولماز مظفری (دانشگاه فرهنگیان شیراز)، دکتر محمود رنجبر (دانشگاه گیلان)، دکتر علی‌اکبر کمالی‌نهاد (دانشگاه فرهنگیان شهر ری)، دکتر محمد پاک‌نهاد (دانشگاه فرهنگیان همدان)، دکتر محمدکاظم کهدویی (دانشگاه یزد)، دکتر محمدرضا نجاریان (دانشگاه یزد)، دکتر محمدرضا ساعدی (دانشگاه فرهنگیان خراسان رضوی)، دکتر وحید مبارک (دانشگاه رازی)، دکتر غلامرضا حیدری (دانشگاه آزاد ابهر)، دکتر علی تسنیمی (دانشگاه حکیم سبزواری)، دکتر فریبا عطاشیبانی (دانشگاه فرهنگیان مشهد)، دکتر زهرا درّی (دانشگاه آزاد اسلامی کرج)، دکتر صدف گلمرادی (دانشگاه فرهنگیان تهران)، دکتر آرش امرایی(دانشگاه خرّمشهر)، دکتر تورج زینی‌وند (دانشگاه رازی)، دکتر فاطمه کلاهچیان (دانشگاه رازی)، دکتر علیرضا شوهانی (دانشگاه ایلام)، دکتر شهرام احمدی (دانشگاه مازندران)، دکتر سعید روزبهانی (دانشگاه آزاد حکیم سبزواری)، دکتر اصغر شهبازی (دانشگاه شهر کرد)، دکتر رؤیا رضایی (دانشگاه فرهنگیان کرمانشاه)، دکتر بدریه قوامی (دانشگاه آزاد سنندج)، دکتر مصطفی کریمی مومونڈی (دانشگاه فرهنگیان زنجان)، دکتر مهران عبداللهی (دانشگاه آزاد اسلامی ملایر)، دکتر ناصر کاظم‌خانلو (دانشگاه پیام‌نور همدان)، دکتر محمدجواد زینلی (دانشگاه پیام نور سمنان)، دکتر رضا صادقی شهپر (دانشگاه آزاد اسلامی همدان)، دکتر آذر دانشگر (دانشگاه آزاد اسلامی کرج)، دکتر مهران بیغمی (دانشگاه فرهنگیان شهید مفتح تهران)، دکتر مسروره مختاری (دانشگاه محقق اردبیلی)، دکتر مهدیه ولی محمدآبادی (دانشگاه آزاد دهاقان)، دکتر مریم سلحشور (دانشگاه آزاد اسلامی تبریز)، دکتر محمدابراهیم مالمیر (دانشگاه رازی)، دکتر زیبا اسماعیلی (دانشگاه شهید رجایی)، دکتر امیرحسین آریان (دانشگاه آزاد اسلامی زنجان)، دکتر ماندانا کلاهدوز محمدی (دانشگاه پیام‌نور تبریز)، دکتر رقیه صدرایی (دانشگاه علوم و تحقیقات)، دکتر

فاطمه امامی (دانشگاه آزاد اسلامی رودهن)، دکتر ابراهیم کنعانی (دانشگاه کوثر بجنورد)، دکتر رؤیا احمدامرجی (دانشگاه آزاد اسلامی یادگار امام (ره))، دکتر علی خسروی (دانشگاه فرهنگیان کرمانشاه)، دکتر ماندانا علیمی (دانشگاه آزاد اسلامی آزادشهر)، دکتر ابوالقاسم غیاثی زارچ (دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین)، دکتر علی گراوند (دانشگاه ایلام)، دکتر سهیلا فرهنگی (دانشگاه پیام نور رشت)، دکتر شراره الهامی (دانشگاه آزاد سنندج)، دکتر فاطمه کاسی (دانشگاه پیام نور تالش)، دکتر مهرداد نصرتی (دانشگاه یزد، مدعو)، دکتر هادی یوسفی (دانشگاه پیام نور سنندج)، دکتر حجت‌الله امیدعلی (دانشگاه اراک)، دکتر طاهره کوچکیان (دانشگاه پیام نور کرمانشاه)، دکتر رجب توحیدیان (دانشگاه آزاد اسلامی سلماس)، دکتر فرزاد فرزی (دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین)، دکتر قدرت‌اله ضرونی (دانشگاه شهید چمران اهواز)، دکتر نصرالله زیرک (دانشگاه آزاد اسلامی رشت)، دکتر نعیمه کیالاشکی (دانشگاه آزاد اسلامی چالوس)، دکتر عیسی نجفی (دانشگاه رازی)، دکتر جواد صدیقی لیقوان (دانشگاه حکیم سبزواری)، دکتر فرشته محجوب (دانشگاه پیام‌نور اصفهان)، دکتر فروزان آزادبخت (دانشگاه آزاد اسلامی خرم‌آباد)، دکتر حاتم زندی (دانشگاه فرهنگیان تهران)، دکتر حمید باقری فارسانی (دانشگاه فرهنگیان شهرکرد)، دکتر عبدالله غلامی (دانشگاه رازی)، دکتر فضل‌الله خدادادی (دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین)، دکتر علی‌محمد محمودی (دانشگاه شیخ بهایی اصفهان)، دکتر ابراهیم ظاهری عبدوند (دانشگاه شهر کرد)، دکتر احترام رضایی (دانشگاه پیام‌نور شاهین دژ)، دکتر مائده السادات میرطلائی (دانشگاه صنعتی همدان)، دکتر سیدایوب نقشبندی (دانشگاه فرهنگیان کردستان)، دکتر شهین اجاق علیزاده (دانشگاه آزاد رودهن)، دکتر سیدحسن نورانی مکرمدوست (دانشگاه آزاد اسلامی زنجان)، دکتر نازنین غفاری (دانشگاه شهید باهنر کرمان)، دکتر احمدنور وحیدی (مجتمع آموزش عالی سراوان)، دکتر آرزو پوریزدان پناه (دانشگاه یزد)، دکتر سیدعلی کرامتی مقدم (دانشگاه فرهنگیان مشهد)، دکتر رضا برزویی (دانشگاه آزاد سنندج)، دکتر دیار رفاعی (دانشگاه فرهنگیان سنندج)، دکتر سعید کریمی قره بابا (دانشگاه پیام‌نور تبریز)، دکتر سبیکه اسفندیار (دانشگاه سیستان و بلوچستان)، دکتر سیدمهدی خیراندیش (دانشگاه پیام نور شیراز)، دکتر رامین صادقی‌نژاد (دانشگاه آزاد اسلامی اهر)، دکتر

حشمت‌الله آذرمکان (دانشگاه هرمزگان)، دکتر عبّاس زاهدی (دانشگاه کرمان)، دکتر نورالدین پیدا (دانشگاه شهید مدنی آذربایجان)، دکتر مریم زیبایی‌نژاد (دانشگاه آزاد شیراز)، دکتر شیرین صمصامی(؟؟؟؟)، دکتر محمدباقر میرزایی (؟؟؟؟)، دکتر کمال رضایی شعبان (دانشگاه سیستانو بلوچستان)، دکتر حمیدرضا قانونی (دانشگاه پیام‌نور نجف‌آباد)، دکتر علی‌حسن سهراب‌نژاد (دانشگاه پیام‌نور ایلام)، دکتر فاطمه جعفری کمانگر (دانشگاه فرهنگیان بابل)، دکتر مریم ترکاشوند (دانشگاه فرهنگیان همدان)، دکتر شهین شیخ سنگ تجن (دانشگاه پیام‌نور رشت)، دکتر احمدرضا یلمه‌ها (دانشگاه آزاد دهاقان)، دکتر علی‌اصغر باباسالار (؟؟؟؟).

دکتری و دانشجوی دکتری

مهناز حسنی حمیدآبادی (دانشگاه آزاد اسلامی قائمشهر)، قاسم مهرآور گیگلو (دانشگاه محقق اردبیلی)، سمانه‌السادات آقادادی (دانشگاه اصفهان)، طیبه صابری (دانشگاه شهرکرد)، اکرم رضوی‌زاده، (دانشگاه آزاد اسلامی اردبیل)، گلرخ کیانی (دانشگاه گیلان)، حامد مهراد (دانشگاه فردوسی مشهد)، دکتر فاطمه اختران‌فر (؟؟؟؟)، محمود آقاخانی بیژنی (دانشگاه اصفهان)، فاطمه ایبک‌آبادی (دانشگاه رازی)، زهره لک (دانشگاه علّامه طباطبایی)، نیلوفرسادات عبداللهی (دانشگاه تهرن)، دکتر فرشته محمدزاده (دانشگاه فردوسی مشهد)، جعفر عشقی (دانشگاه محقق اردبیلی)، پروین پیکانی (دانشگاه ایلام)، صفوراسادات رشیدی (دانشگاه مازندران)، ماندانا کمرخانی، (دانشگاه علوم و تحقیقات)، نسرین داودنیا (؟؟؟؟)، وحید رحمانی (؟؟؟؟)، یداله محمدی (دانشگاه کردستان)، مژگان محمدی (؟؟؟؟)، مرجان کامیاب (دانشگاه کردستان)، توران محمدی (دانشگاه سیستان و بلوچستان)، میلاد جعفرپور(دانشگاه یزد)، محمدمصطفی رسالت پناهی (دانشگاه کاشان)، فرشته آلیانی (دانشگاه گیلان)، معصومه‌سادات میرجعفری (دانشگاه کاشان)، سهیلا مرادقلی (دانشگاه فردوسی مشهد)، مهدی میرزارسول‌زاده(دانشگاه محقق اردبیلی)، مهدیه ولی محمدآبادی (دانشگاه آزاد دهاقان)، منصوره حاجی هادیان (دانشگاه هنر اصفهان)، مرضیه‌السادات فاطمی (دانشگاه اصفهان)، علیرضا خانی (دانشگاه فردوسی مشهد).

سخن دبیر علمی گردهمایی

بسم‌الله الرّحمن الرّحیم، الحمدلله ربّ العالمین، ایاکّ نعبدُ و ایاکّ نستعین

اول هـــر اندیشـــه کـــه پیوســـته‌اند | بـــر پـــر مرغـــان ســـخن بســـته‌اند
بلبـــل عرشـــند ســـخن پـــروران | بـــاز چـــه ماننـــد بـــه آن دیگـــران
زاتـش فکـرت چـو پریشـان شـوند | بـا ملـک از جملـهٔ خویشـان شـوند
پـــردهٔ رازی کـــه سخن‌پروریســـت | ســـایه‌ای از پـــردهٔ پیغمبریســـت
پـیش و پسـی بسـت صـفت کبریـا | پـــس شـــعرا آمـــد و پـــیش انبیـــا
ایـن دو نظـر محـرم یـک دوسـتند | این دو چه مغز، آن همه چون پوستند
هـر رطبـی کـز سـر ایـن خـوان بـود | آن نـه سـخن، پـاره‌ای از جـان بـود

کرمانشاه، گهوارهٔ تمدن در پستوی هزاره‌ها و سرزمین مازهای راز است که فرهادهـا را بـه دامان خویش پروریده تا سینهٔ ستبر باشد و شیرین‌ها را بـه سـان پریـان رازآشـنا بـه سـامان خویش فراخوان کرده تا چهرهٔ زیبای ایران، این کهن بوم و بر دیریاز در فراسـوی مینـوی برین گردد.

کاویدن ساحت فرهنگ بسـندگی لـازم را در بسـیاری از بنیان‌هـای اجتمـاعی، اقتصـادی و سیاسـی فراهم خواهد کرد، چون فرهنگ اساس امنیّـت اسـت و اگـر فرهنـگ پویـا باشـد، امنیّـت نیـز پویـا خواهد بود و اگر فرهنگ خوار باشد، ذات امنیّت خدشه خواهـد داشـت. بنـابر ایـن، امنیّـت فرزنـد فرهنگ است و جوامعی که برای فرهنگ هزینه کننـد، شایسـتگی و بالنـدگی درو خواهنـد کـرد و انسانی توانا از درون این هزینه‌های فرهنگی برون خواهـد آمـد، چـون توانـا بـود هـر کـه دانـا بـود. ادبیات فارسی از دیرباز خاستگاه فرهنگ ایران و جهان است و هیچ گرایش علمی در گسترهٔ علـوم انسانی نیست که چنان ادبیات فارسی بتواند پژواک اخلـاق، خـردورزی و جـذابیّت باشـد و وظیفـهٔ خطیری در گسـترهٔ فرهنـگ داشـته و مأموریّـت مهمّـی را بـه فرجـام رسانیده‌باشـد. بـر ایـن اسـاس

دوازدهمین گردهمایی بین‌المللی ترویج زبان و ادب فارسی از سلسله برنامه‌های انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران با میزبانی دانشگاه رازی در ۱۵- ۱۷ شهریورماه ۹۶ برگزار شد که اعضای شورای علمی این گردهمایی بیش از یکصد استاد صاحب نام ملی و بین‌المللی زبان و ادبیات فارسی با رتبهٔ استادی، دانشیاری و استادیاری بوده که هر یک ساحت ویژه‌ای از فرهنگ و ادب ایران، این بر و بوم کهن‌آوازه و جهان را کاویده‌اند و نیز بیش از یکصد و پنجاه استاد گرامی و دانشجوی دورهٔ دکتری مقالات گردهمایی را داوری کردند.

این گردهمایی در تاریخ رخدادهای فرهنگی- ادبی کرمانشاه بی سابقه و برگ زرینی برای دانشگاه رازی و نیز گروه زبان و ادبیات فارسی در گسترهٔ فعالیت‌های فرهنگی و ادبی است. دانشگاه رازی چنان دانشگاه مادر در استان کرمانشاه و در غرب کشور میزبان دوازدهمین گردهمایی بین‌المللی ترویج زبان و ادب فارسی و انجمن ترویج زبان و ادب فارسی حامی معنوی آن بودند. اگر چه رویکرد گردهمایی بین‌المللی بود، امّا از ساحت‌های ملی و استانی آن غفلت نشد، بلکه پیوندی میان دانشگاه و جامعه فراهم کرده و نشان داده‌است که دانشگاه خاستگاه خیزابه‌های فرهنگی است و از این زاویه رسالت دانشگاه را به جامعه منتقل کرده تا پیوند دانشگاه و جامعه بتواند دستاوردهای ارزشمندی را در ساحت تحولات فرهنگی- ادبی ایجاد کند و دانشگاه به وظیفهٔ خود در گسترهٔ فرهنگ‌سازی عمل کند.

هدف و دستاورد گردهمایی: گسترش زبان فارسی چنان عنصر پایه‌ای هویّت و وحدت ملی، احیای فرهنگ و گسترش آن در پرتو گسترش زبان فارسی، حضور حدود ۲۵۰ استاد ملی و بین‌المللی از ایران و جهان در کرمانشاه برای سه شبانه‌روز، پیوند بین‌نسلی سه نسل پیشکسوتان، میانه و نسل نو (دانشجویان) و شناخت رنج‌ها و تلاش‌هایی که عزیزان پیشکسوت در پویایی زبان فارسی داشته‌اند، خیزابه‌های علمی، فرهنگی و ادبی در کشور و استان میزبان (کرمانشاه)، ایجاد نشاط و بالندگی فرهنگی در میان دانشجویان، انجمن‌های ادبی و دبیران زبان و ادب فارسی، شناخت آثار و مفاخر فرهنگی کشور و استان میزبان (کرمانشاه)، آوردن دبیرخانهٔ دائمی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی شعبهٔ کرمانشاه به دانشگاه رازی به نمایندگی استان‌های غرب کشور برای بالندگی فرهنگی از دستاوردهای این گردهمایی است.

دوازدهمین گردهمایی بین‌المللی ترویج زبان و ادب فارسی با میزبانی دانشگاه رازی در کرمانشاه بیش از ۱۵۰۰ مقاله را در ساحت‌های گوناگون ادب حماسی، عرفانی، غنایی، معاصر، فرهنگ و ادب عامه، ادبیات کود و نوجوان، ادبیات تطبیقی، ادبیات تعلیمی، نقد و نظریهٔ ادبی، ساحت‌های میان‌رشته‌ای چنان ادبیات و فلسفه، ادبیات و روانشناسی، ادبیات و روانکاوی، ادبیات و دانش‌های اجتماعی و ... دریافت کرده‌است که این حجم از مقاله بیش از ۱۲ هزار بار بین پژوهشگران، دبیرخانهٔ گردهمایی و داوران محترم گردش کار داشته‌است که اگر هر مقاله را ۲۰ صفحه فرض کنیم که فرضی حداقلی است، بیش از ۲۴۰ هزار صفحه کاغذ A4 در فضای مجازی در گردش بوده‌است که خود کاری عظیم در راستای تحقق دولت الکترونیک و اقتصاد مقاومتی است.

ارزیابی علمی مقالات بر اساس شاخص‌های داوری بوده که از میان بیش از ۱۵۰۰ مقاله دریافتی، ۱۹۰ مقاله با نمره بالای ۷۲/۵ از نمرهٔ ۱۰۰ برای سخنرانی و چاپ متن کامل در مجموعه مقالات گردهمایی پذیرش شده، حدود ۴۲۰ مقاله با نمرهٔ ۵۷/۵ تا ۷۲/۵ برای چاپ متن کامل بدون سخنرانی که با این رویکرد ۶۳۰ مقاله از ۱۵۰۰ مقاله چاپ متن کامل خواهند شد و حدود ۱۹۰ مقاله با نمرهٔ ۵۰ تا ۵۷/۵ صرفاً در حد چکیده پذیرش گرفته‌اند و مقالاتی که نمرهٔ داوری آن‌ها زیر ۵۰ بوده، با عدم پذیرش مواجه شده‌اند. شایان ذکر است که آن دسته از مقالاتی که هزینه پذیرش و چاپ واریز کرده‌اند، در اختیار پژوهشگران ساحت فرهنگ و ادب، جامعهٔ دانشگاهی، استادان و دانشجویان به‌ویژه دانشجویان تحصیلات تکمیلی دوره‌های ارشد و دکتری، فرهنگ‌دوستان و ادیبان، انجمن‌ها و کانون‌های ادبی، دبیران زبان و ادبیات فارسی و دیگر پژوهشگران فرهنگ‌دوست نهاده شده‌است.

افتتاحیه با حضور بزرگان گسترهٔ فرهنگ و ادب با برنامه‌های پربار و ارزشمند تلاوت آیاتی از قرآن کریم، سرود جمهوری اسلامی ایران، نماهنگ دانشگاه رازی، سخنرانی معاون محترم آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشگاه به جانشینی رییس محترم دانشگاه، گزارش دبیر علمی گردهمایی، سخنرانی استاندار محترم، سخنرانی امام جمعهٔ کرمانشاه و نمایندهٔ محترم ولی فقیه در استان، سخنرانی قائم‌مقام وزیر علوم، تحقیقات و فناوری در امور بین‌الملل، قرائت پیام رئیس محترم فرهنگستان زبان و ادب فارسی، سخنرانی رییس محترم انجمن ترویج زبان و ادب فارسی

ایران، برگزاری نشست‌های سخنرانی ۱۲ استاد برجسته برای شنوندگان عمومی در ۲ نوبت کاری، برگزاری نشست‌های تخصصی در ۴ نوبت کاری و هر نوبت ۵ نشست با ۶ سخنران که به ۱۲۰ سخنرانی تخصصی در گسترهٔ نظریه و نقد ادبی، ادبیات تطبیقی، گونه‌های ادب حماسی، عرفانی و غنایی، فنون ادبی و بلاغی، ادبیات معاصر، فرهنگ و ادب عامه و ادبیات پایداری و انقلاب اسلامی رسید. **اختتامیه** شامل تلاوت آیاتی از قرآن کریم، سرود جمهوری اسلامی ایران، نماهنگ فعالیت‌های دبیرخانهٔ گردهمایی، گزارش دبیر علمی گردهمایی، سخنرانی یا قرائت پیام وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، گزارش نایب‌رییس انجمن ترویج زبان و ادب فارسی، گزارش دبیر اجرایی گردهمایی، تجلیل از شخصیّت‌های فرهنگی- ادبی نمادین، تجلیل از داوران برتر گردهمایی، تجلیل از پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و رساله‌های دکتری برتر، بیانیهٔ پایانی بوده‌است.

دوازدهمین گردهمایی بین‌المللی ترویج زبان و ادب فارسی فراتر از یک همایش بین‌المللی بود، چون علاوه بر دریافت بیش از ۱۵۰۰ مقاله چنان آخرین دستاوردهای پژوهشی استادان دانشگاه‌های ایران و جهان و دیگر پژوهشگران در گسترهٔ فرهنگ و اندیشه و ادب و پذیرش حدود ۶۰۰ مقاله با تکیه بر آخرین استانداردهای داوری علمی، برنامه‌های جنبی دیگری با ارزش علمی بالا داشته‌است که هر یک از آن‌ها پژواکی از دغدغه‌های علمی و فرهنگی تلاشگران گسترهٔ فرهنگ و اندیشه و ادب است. یکی از برنامه‌های جنبی این بود که دانشگاه رازی توانست، میزبان بیش از ۲۰۰ چهرهٔ فرهنگی- ادبی اندیشمند از استادان داخلی و خارجی برای ۳ شبانه‌روز در کرمانشاه باشد که این دستاورد یعنی دسترسی آسان دانش‌پژوهان و دانشجویان علوم انسانی به‌ویژه دانشجویان زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی و دیگر مراکز فرهنگی استان به استادانی بزرگ باشد که دیدار هر یک از آن‌ها برای لحظاتی نیازمند هزینهٔ مالی و وقت فراوان است، امّا این امکان با همّت برگزارکنندگان گردهمایی به‌آسانی فراهم شد.

دستاورد دیگر گردهمایی، نمایشگاه کتاب با حضور انتشاراتی‌های مهمّ مانند انتشارات سخن و نیز کتاب کودک و نوجوان با مخاطب‌های چندگانه بود که تازه‌ترین دستاوردهای علمی سال‌های ۹۴، ۹۵ و ۹۶ را در گسترهٔ کتاب با تکیه بر فرهنگ و ادب و اندیشه به گردهمایی آوردند و با

تخفیف سی درصد به مخاطبان عرضه کردند و از این آثار استقبال خوبی شد. دستاورد دیگر گردهمایی برگزاری ۳ کارگاه آموزشی در موضوعات مهمّ روز جامعهٔ فرهنگی- ادبی مبتنی بر «رویکرد ژانری در مطالعات ادبی»، «شگردهای آموزش زبان و ادب فارسی در فضای مجازی» و آموزش چندی و چونی سامفا، نشست سردبیران مجلات علمی- پژوهشی، تجلیل از شخصیّت‌های برجستهٔ فرهنگی- ادبی ملّی و بین‌المللی در ساختاری نمادین، تجلیل از داوران فعال در گسترهٔ داوری مقالات این گردهمایی، تجلیل از پایان‌نامه‌ها و رساله‌های برتر دانشجویان دوره‌های تحصیلات تکمیلی معطوف به زبان و ادب فارسی بوده‌است.

دبیرخانهٔ دوازدهمین گردهمایی بین‌المللی ترویج زبان و ادب فارسی سپاسگزار کسانی است که حامی بودند و دلگرمی دادند و نیز کسانی که بودنشان عزم ما را جدی‌تر کرد و راه را بر ما هموارتر و ایمان به پیروزی و توفیق را دوچندان استوارتر گردانید! سپاسگزاری از تمام پژوهشگران، استادان فرهیخته و برجستهٔ ملّی و بین‌المللی و دانشجویان مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری که برگزاری این گردهمایی بین‌المللی برخاسته از گرمای قلم گهرریز و دستان سحرخیز آنان گشته‌است.

خدایا چنان کن سرانجام کار تو خشنود باشی و ما رستگار

خلیل بیگ‌زاده
دبیر علمی گردهمایی
شهریورماه ۱۳۹۶

فهرست چکیده مقالات

ساخت اسامی قزاقی با پسوندهای فارسی ۱
نورضیا آتِیبِکُوا
نگاهی فرمالیستی بر «قصه شهر سنگستان» اخوان ثالث ۲
فرامرزآدینه
بررسی عناصر دستوری در خسرو و شیرین و لیلی و مجنون نظامی ۳
علی آذرگون
بررسی کانونی‌سازی در رمان رقص‌مرگ ۴
لیلاآذرنیوار
بررسی بازتاب روان‌شناسی یونگ در رمان سمفونی‌مردگان ۵
لیلاآذرنیوار
بررسی وجوه روایتی دررمان « زوال‌کلنل»، اثر محمود دولت‌آبادی ۶
لیلا آذرنیوار
بررسی تطبیقی کاربست اساطیر یونانی در شعر معاصر فارسی و عربی ۷
عادل آزاددل
بررسی تحلیلی جریان پستمدرن در شعر فارسی معاصر ۸
فروزان آزادبخت
بررسی کاربرد افعال پیشوندی در شعر سهراب سپهری ۹
فروزان آزادبخت
ماهیت دوگانساختی نام آواها در کردی کرمانشاهی بر اساس نظریهٔ صرفی- معنایی اینکلاس و زول (۲۰۰۵) ۱۰
نسرین آژیده
بررسی مباحث کلامی در قصاید خاقانی ۱۱
فاطمه آستانه اصل
اصطلاحات عرفانی همنشین با واژه آئینه در دیوان بیدل دهلوی ۱۲

اسما آسیابی زاده
تصاویر شاعرانهٔ نظامی از دنیا ۱۳
محمّد آقاجانپور عمران
بررسی ساختار زمانمند در رمان «داستان یک شهر» احمد محمود ۱۴
محمود آقاخانی بیژنی
تحلیل تطبیقی عشق در فتوحات مکّیه ابن عربی و منظومهٔ سلامان و ابسال جامی ۱۵
سمانه السادات آقادادی
چهره مغول در اقتباس‌های تاریخ جهانگشای جوینی ۱۶
افسانه آهنگری
اخلاق حرفه ای در ورزش مطالعه موردی جوانمردی در ادب فارسی ۱۷
فیروزان ابوالحسنی
مقایسهٔ تطبیقی داستان سیاوش در شاهنامه و واقعهٔ کربلا ۱۸
سید رضا اتابک
بررسی عناصر حماسی در «بهمن نامه» ۱۹
بهزاد اتونی
بررسی تطبیقی شعر از دیدگاه ابن‌سینا و ابن رشد ۲۰
بهناز اتونی
«کوه»، یکی از مقدّس‌ترین تصاویر آرکی تایپی در اسطوره و حماسه‌های اسطوره‌ای ۲۱
بهزاد اتونی
جایگاه "پیران ومشایخ" در دیوان اشعار جامی ۲۲
رویا احمد امرجی
شیوههای بیان وقایع غیر طبیعی در سبک رئالیسم جادویی ۲۳
زهره احمدی پورانارى
بررسی ساختهای سببی فارسی از منظر واژی– نقشی برزنن ۲۴
فاطمه احمدی نسب
بررسی روابط رشیدالدین وطواط با بزرگ‌ترین معاصرانش ۲۵

محمداحمدی
نوآوری عرفی در خلق تصویرهای خیالی با بهرهگیری از استعارههای تبعی (فعلی) ۲۶
شهرام احمدی
بررسی رابطه دو سویه عاشق و معشوقدر ادب فارسی(با تأکید بر آثار شاعران نخستین) ۲۷
بهیه احمدی
« باغ های جاودانگی»؛ اندرزنامه ای جاودانه یا سیاست نامه ای جادوانه (با نگاهی گذرا به ویژگی‌های سبک شناختی این اثر) ۲۸
احمد احمدیان
روایت ضحاک در شاهنامه و تاریخ بلعمی ۲۹
مهدی اخروی
خویشکاری خرد در دیباچهٔ شاهنامه ۳۰
حمیدرضا اردستانی رستمی
بررسی و تطبیق روان‌شناسی اجتماعی آدلر در داستان فریدون(در شاهنامه) ۳۱
ابراهیم استاجی
سبک شناسی آوایی اشعار طاهره صفارزاده بر اساس دیدگاه گرامون ۳۲
الهام اسدی فارسانی
عشق و ارکان و عناصر آن از دیدگاه حافظ و اریک فروم ۳۳
عین الله اسدی گرجی
ایهام های نویافته در غزلّیات حافظ ۳۴
عین الله اسدی گرجی
بررسی فردیت«در اشعار عشقی و ایرج میرزا و ملک الشعرا بهار » ۳۵
فهیمه اسدی
مقایسه ی میهن ستایی(در اشعار بهار، میرزاه ی عشقی، فرخی یزدی، عارف قزوینی و ایرج میرزا) ۳۶
فهیمه اسدی
بررسی تطبیقی ویژگی‌های رئالیسم سوسیالیستی (واقع‌گرایی اجتماعی) در دو داستان «اینجه‌ممِد» نوشتهٔ یاشار کمال و «کلیدر» اثر محمود دولت‌آبادی ۳۷

مریم اسدیان
نقش هنجارگریزی در ساخت ترکیبات جدید فارسی(بررسی موردی: اشعار محسن آریاپاد) ۳۸
حسین اسکندری وزلی
بررسی سبکشناختی کتاب دستورالوزراء ۳۹
نرگس اسکویی
اندیشه‌های استعلایی مشترک در آثار "سهراب سپهری" و "شل سیلور استاین ۴۰
نرگس اسکویی
بررسی مفاهیم انسان‌شناسی زبان در داستان «رکسانا» ۴۱
الهام اسماعیل‌زاده
بررسی تطبیقی شرح قصیده منطق الطیر خاقانی ۴۲
زیبا اسماعیلی
بررسی مؤلفه های ناسیونالیسم در شعر عارف قزوینی ۴۳
مراد اسماعیلی
بررسی تطبیقی داستان سرگذشتکندوها و قلعه حیوانات (با رویکرد نقد پسااستعماری) ۴۴
مجتبی اصغرنسب
بازتاب طب در اسرارنامه ی عطار نیشابوری ۴۵
الهه اصغری
نقش کلماتی عامیانه بر پردهٔ خیال صائب تبریزی ۴۶
یاسمن اصفهانی بلندبالایی
عناصر فرهنگ عامه و بازتاب آن دراشعار استاد یدالله بهزاد کرمانشاهی ۴۷
راضیه افاضل
شناسایی گویندگان برخی از اشعار فارسی تاریخ جهانگشای جوینی ۴۸
زینب افضلی
نقدی بر کتاب فارسی ششم دبستان ۴۹
هادی اکبرزاده
تقابل مرکز و حاشیه در اشعار سیف فرغانی ۵۰

مهرداد اکبری گندمانی
جلوه هایی از گروتسک درکوش نامه ایرانشابن ابی الخیر ۵۱
شراره الهامی
تحلیل مؤلفههای گروتسک در منظومه «بیژن و منیژه شاهنامه کردی» ۵۲
شراره الهامی
« بازتاب مولفه های جنبش رمانتیسم در اندیشه های فروغ فرخزاد » ۵۳
شراره الهامی
بررسی سبکشناختی غزلیّات خاقانی شروانی ۵۴
نصرالله امامی
بررسی شیوه های اطناب در تاریخ جهانگشای جوینی(جلد اول) ۵۵
نادر امامی
بررسی سبکشناختی غزلیّات انوری ابیوردی ۵۶
نصرالله امامی
بررسی تطبیقی بینامتنی اسطوره در آثار صادق هدایت و ادگار آلن پو ۵۷
محبوبه امتیازی
نقد و تحلیل محتوای کتاب فارسی پایهٔ هفتم متوسطه ۵۸
فاطمه امیری
تحلیل کهن الگویی جن در باورهای عامیانه رامسر ۵۹
شایسته امیری
ابن یمین عصر ما(معرفی جلال بقایی نایینی و مقایسهٔ اجمالی قطعات بقایی و ابن یمین) ۶۰
ثریا انداز
بکتاشیه در ایران و ترکیه ۶۱
قاسم انصاری
کارکرد حکایت در مخالف‌خوانی‌های اجتماعی سعدی ۶۲
محمدایرانی
نگاهی به سیمای زن در آثار داستانی منصور یاقوتی ۶۳

محمّد ایرانی
بازتاب نقد اجتماعی در آثار پیر جمالی اردستانی ۶۴
محمد ابراهیم ایرج پور
نقش عادت‌گریزی نحوی در ایجاد الگوهای نو زبانی ۶۵
حمید باقری‌فارسانی
بررسی اشعار حماسهٔ عرفانی عطار نیشابوری (خوانش عطار از شاهنامه) ۶۶
ساحل باوندپوری
تحلیل فرایند اجتماعی شدن رمانتیسم در شعر ژاله اصفهانی ۶۷
محسن بتلاب اکبرآبادی
تحلیل شاخصه های مدرنیسم در آثار بیژن نجدی ۶۸
محسن بتلاب اکبرآبادی
بررسی موتیف و عناصر خیال سبکساز در غزلیات کلیم همدانی ۶۹
رضا برزویی
نماد شناسی در منظومه «کوله وئاینه مهل» میرزا عبدالقادر پاوهای ۷۰
رضا برزویی
جلوه‌های پایداری در اشعارمحمدجواد محبّت ۷۱
آیت بروفرد
بررسی تطبیقی مضامین پایداری در اشعار «سمیح الصبّاغ» و «رهی‌معیّری» ۷۲
محمد بستان
بررسی تطبیقی شعر وطنی در اشعار «محمد التلیسی» و «سنایی غزنوی» ۷۳
محمد بستان
بررسی مولفه های مونولوگ در سه اثر(عشق روی پیاده رو ، شوهر آمریکایی وبه کی سلام کنم؟) ۷۴
ندا بصاری
میرزا کاظم طبیب یزدی، حکیمی شاعر منسوب به خاندان حکیمان یزد و کرمان ۷۵
محمّدصادق بصیری
رابطه درخواست و تقاضا با خلق شاهکار ادبی(بررسی علت خلق جامع التواریخ در ادب فارسی) ۷۶

فاطمه بهاروند
بررسی ذکر در عرفان اسلامی بر پایهٔ مرصاد العباد نجم رازی ۷۷
افسانه بهرامیان
بررسی چند حکایت از فیه ما فیه از منظر مینیمالیسم ۷۸
سونیا بهرو بنمار
تأمّلی در خط و کتابت ۷۹
عادل بهنام
تحلیل تطبیقی « ناگه غروب کدامین ستاره» اخوان با «عروسک فروشی» چوبک بر اساس مؤلّفههای مکتب ناتورالیسم ۸۰
محمّد بهنامفر
تحلیل و مقایسه ی نسخه های فردوس المرشدیه فی اسرار الصمدیه ومرصد الاحرار الی سیر مرشد الابرار ۸۱
سوال گونبال بوزکورت
مقایسهٔ داستان های کودکان نادر ابراهیمی و عمر سیف الدین ۸۲
کاموران بوزکورت
بررسی اغراض ثانویه جملات امری در اشعار فریدون مشیری ۸۳
علی اصغر بوند شهریاری
رابطه درخواست و تقاضا با خلق شاهکار ادبی(بررسی علت خلق جامع التواریخ در ادب فارسی) ۸۴
فاطمه بهاروند
معرفی مهمترین منظومههای غناییِ قرون هفت تا سیزده (از امیر حسینی هروی تا رفعت سمنانی) ۸۵
آمنه بیداریان
بررسی نمودهای اعتدال در وجوه سبکی بهارستان جامی ۸۶
آمنه بیداریان
نمودهای بومگرایی در شعر فارسی شاعران گیلان ۸۷
نگین بینظیر
بررسی شاخص‌های سیاسی و اجتماعی در تحلیل محتوایی آثار عباس یمینی شریف، مهدی آذریزدی و صمد بهرنگی ۸۸

فاطمه بیدقی

تحلیل باورهای عامیانه در تاریخ‌الوزراء ابوالرجاء قمی ۸۹
خلیل بیگ‌زاده

بررسی تطبیقی روایت‌شناسانهٔ روایت رستم و شغاد الماس‌خان با روایت فردوسی ۹۰
خلیل بیگ‌زاده

تحلیل قابلیت‌های سینمایی خورشید و خرامان الماس‌خان کندوله‌ای ۹۱
خلیل بیگ‌زاده

تصویرشناسی جاده ابریشم و نخجوان در سفرنامه ناصر خسرو ۹۲
شمسی پارسا

کارکرد تکرار در اشعار سیمین بهبهانی ۹۳
کامران پاشایی فخری

بررسی تطبیقی «سرگذشت کندوها»ی آل احمد با «زندگی زنبور عسل» موریس مترلینگ ۹۴
محمد پاشایی

بینامتنیت در رمان «اسفار کاتبان» ابوتراب خسروی ۹۵
محمد پاشایی

تعیین و نمایش عوامل لحن در منظومهٔ آرش کمان گیر ۹۶
محمد پاک نهاد

بررسی شگردها و سازوکارهای طنزآفرین در دو کتاب «اُملت دسته دار» و «نزدیک تهِ خیار» از ناصر فیض ۹۷
آتوسا پدرام

بررسی تطبیقی دو داستان «روزنامه دیواری مدرسه ما» و «نمکو» ۹۸
خدیجه پرستش

شاهنامهٔ کوردی میراثی از فرهنگ عامهٔ کرمانشاه ۹۹
فرهاد پرموز

کارکرد فرهنگی و فکری تلمیح در اشعار نیما یوشیج ۱۰۰
موسی پرنیان

تحلیل شگردهای کاربرد اشعار و عبارات عربی در تاریخ جهانگشای جوینی ۱۰۱
موسی پرنیان

دیدگاه شاهنامهٔ فردوسی دربارهٔ فرهنگ و هنر رومیان ۱۰۲
موسی پرنیان

رئالیسم در رمان "خاله بازی" بلقیس سلیمانی ۱۰۳
مهین پناهی

کارکرد مضامین اخلاقی و تربیتی در شعر خاقانی شروانی ۱۰۴
امید پورحشمتی

بررسی روانشناختی شخصیّت جلال آلاحمد با تکیه بر افعال در آثار داستانی وی ۱۰۵
زهراپورمحمدحسین

روایت‌شناسی فتوداستان «با روپوش سرخ و سفید» ۱۰۶
مریم پورابراهیم

نقش زنان دفاع مقدس در خانواده و بررسی آن در ادبیات جنگ ۱۰۷
شکرالله پورالخاص

نقش زنان دفاع مقدس در خانواده و انعکاس آن در نوشتههای زنان نویسنده ۱۰۸
شکرالله پورالخاص

نماد پردازی چاه در حماسه های ملی ۱۰۹
مه دخت پورخالقی چترودی

ماهیت روح در نظر متکلمان اسلامی با تاکید بر کتاب «شرح التعرف لمذهب التصوف» ۱۱۰
تقی پورنامداریان

مقایسه‌ی ماهیت و سرنوشت روح نزد مصریان و هندوان ۱۱۱

تقی پورنامداریان

طرحی برای صلح(بررسی سه شعر از قیصر امین پور با رویکرد صورت‌گرایی) ۱۱۲
منیژه پورنعمت رودسری

مضمونهای تکرار شونده در منطق الطیر ۱۱۳
آرزو پوریزدانپناه کرمانی

بررسی تطبیقی سبک تاریخ بیهقی و تاریخ جهانگشای جوینی ۱۱۴
سمیه پولادی

مغولستیزی زیدری نسوی در نفثه المصدور ۱۱۵
فراست پیروزی نژاد

بررسی عناصر طبیعت در ساختار اشعار کلاسیک هوشنگ ابتهاج« پژوهشی در اشعار هوشنگ ابتهاج بر اساس نظریهٔ سبک شناسی ساختارگرا» ۱۱۶
فرشته پیشقدم

جلوههای فانتاسیک در دارابنامهٔ طرسوسی ۱۱۷
پروین پیکانی

بازتاب ادبیّات عامیانه در داستان هزار یک شب نو از محمد علی علومی ۱۱۸
پروین تاج بخش

سبک شناسی داستان بانوی شکسته با رویکرد سبک شناسی انتقادی ۱۱۹
مائده تجلی

بررسی نوستالژی(غم غربت) در اشعار حسین پناهی ۱۲۰
محیا ترابی توران پشتی

تحلیل تاریخی مطبوعات طنز گیلان در دورهٔ مشروطه ۱۲۱
وجیه ترکمانیباراندورزی

بررسی تکنینک روایی گذشته نگردرونی و بیرونی بر اساس نظریه ژرار ژانت در رمانهای عبّاس معروفی۱۲۲

وجیهه ترکمانی باراندوزی

جایگاه خروس در ادب فارسی و آثار گارسیا مارکز ۱۲۳
وجیهه ترکمانی باراندوزی

تحلیل حکایتی از گلستان بر مبنای نقد تاریخ‌گرایی نو ۱۲۴
علی تسلیمی

بررسی و تحلیل زندگی امام محمد غزّالی بر اساس ساحت‌های سه‌گانهٔ ژاک لکانپ ۱۲۵
علی تسنیمی

بررسی « مدیریت تعارض» در داستان « رستم و اسفندیار» ۱۲۶
ساناز تقی پوری حاجبی

«تناسب و همانندی‌های «موی» در دیوان حافظ و سنایی» ۱۲۷
فاطمه‌زهرا توانچه

بررسی طنز و شگردهای آن در آثار اکبر اکسیر ۱۲۸
مریم توکلی

بررسی طنز در شعر فرخییزدی ۱۲۹
احمد ثاقبفر

بررسی جامعه شناسی سیاسی"بخارای من ایل من" و "اگرقره قاج نبود" محمد بهمنبیگی ۱۳۰
احمد ثا قب فر

هنجارگریزی در داستان روز و شب محمود دولت‌آبادی ۱۳۱
سیدناصر جابری

دستاوردهای نوین الکترونیکی و ابزارهای درون متنی در پژوهشهای ادبی ۱۳۲
محمد ابراهیم جاذب نیکو

فضای مجازی فرصتی برای شاعران جوان و نشر ادبیات معاصر ۱۳۳
محمد ابراهیم جاذب نیکو

تحلیل روانشناختی اشعار سلمان ساوجی بر اساس کهنالگوهای نقاب، سایه و خود ۱۳۴
علی جان محمدی

تحلیلِ انسجامِ درونمایه در عناصرِ داستان کوتاه «همراه آهنگهای بابام» نوشتهٔ علیاشرف درویشیان ۱۳۵
علی جانمحمدی

پروین اعتصامی شاعر جامعهٔ ایرانی ۱۳۶
بایش جبار زیاره

مشایخ فارس در تذکره ها و طبقات رجال صوفیّه(بررسی جایگاه تصوّف فارس در تاریخ تصوّف و عرفان اسلامی) ۱۳۷
سمیه جبارپور

تأثیر اقلیم فارس بر جهان‌نگری سعدی ۱۳۸
نجم‌الدین جبّاری

نگاهی به تقابل پدر و پسر در ادبیات حماسی ایران و جهان ۱۳۹
اسداله جعفری

نگاهی به دیوان رسالت در تاریخ بیهقی ۱۴۰
اسداله جعفری

تعیین تراز ادبی عناصر بیان ۱۴۱
صادق جقتایی

نوجوان و لذّتهای خواندن- با تحلیل رمان هستی اثر فرهاد حسنزاده با تکیه بر آرای نودلمن و رایمر- ۱۴۲
عاطفه جمالی

بررسی عوامل درونمتنی(محتوا و مضمون) موثّر در رونق و رواج رمان عامّهپسند (با تکیه بر ۹ رمان پرفروش معاصر) ۱۴۳
سیده نرجس جوادی سیاهکله

بررسی جلوه‌های کلمه «توحید» در دیوان سنایی غزنوی ۱۴۴

مژگان جهاندار

پژوهشی در آموزش و ادبیات مکتبخانهای در بلوچستان ۱۴۵
عبدالغفور جهاندیده

بررسی سبک‌شناسانه نوشتار زنانه رمان‌های غزاله علیزاده در دو رمان «خانه ادریسی‌ها» و «شب‌های تهران»۱۴۶
محمد تقّی جهانی

بررسی نقش وتاثیر میر سید علی همدانی بر توسعه فرهنگ ایرانیدر ایران صغیر(کشمیر) ۱۴۷
علی جیحونیان

سازوکار شروع در داستان کوتاه فارسی مطالعه موردی: شروع با کشمکش ۱۴۸
رضا چراغی

جنبه های زنانه نویسی در شعر فروغ فرخزاد ۱۴۹
زینب چراغی

بازتاب موسیقی و سازهای آن در دیوان خاقانی ۱۵۰
فاطمه چنانی

رد انتساب غزل مذکر به ایرانیان ۱۵۱
محمدعلی حاج‌علیپور

بررسی ساختار کهن الگوی سفر قهرمان در داستان «هانسل و گرتل»بر اساس نظریه جوزف کمبل ۱۵۲
منصوره حاجی هادیان

نگرشی دیگر مبتنی بر پایداری به رمان کوری ۱۵۳
بهجت السادات حجازی

فراخوان آموزشی الگوهای تربیتی- اجتماعی گلستان سعدی ۱۵۴
افشار حسابی

آشناییزدایی آوایی، واژگانی و نحوی در قصاید فرخی سیستانی ۱۵۵
میترا حسن‌آبادی

بررسی مجموعه داستان خارپشت‌ها چای می‌نوشند براساس رویکرد نقد بوم‌گرا ۱۵۶
افسانه حسن‌زاده دستجردی

دژ در شاهنامه ۱۵۷
احمد / حسینپور سرکاریزی

سیر تاریخی لیلی و مجنون تا سرایش آن به دست نظامی و مقایسه آن با مجنون و لیلی عبدی بیک شیرازی۱۵۸
احمد / حسین پور سرکاریز

تجزیه و تحلیل دو داستان از تاریخ بیهقی برمبنای« نظریهٔ الگویهای کنشگر گریماس » ۱۵۹
احمد/ حسینپورسرکاریزی

لطایف و اصطلاحات عرفانی در شعر ملا فتح الله شاهنامه چی(مطالعهٔ موردی: صنم و برهمن) ۱۶۰
زهرا حسینی

اخلاق مداری در منظومه های عاشقانه ادب فارسی ۱۶۱
سید یعقوب حسینی

عوام ستیزی در تفکر مولانا ۱۶۲
سید احمد حسینی کازرونی

حیوانات در متون پهلوی جادوی سیاه ۱۶۳
مهناز حشمتی

بررسی جایگاه معنایی کلیدواژهٔ دل در غزلهای عطار ۱۶۴
سیاوش حقجو

عنوان: تنهایی در زندگی و شعر م.آزاد ۱۶۵
مریم حقی

سیر تحول و کیفیت جاندارپنداری در کودکان سه گروه سنی ۱۶۶
مریم حیدری

دو جریان متضادِ همگام در غزلیات وحشی بافقی ۱۶۷

علی حیدری

دگردیسی قربانی در اسطوره و ادیان ۱۶۸
علی حیدری

تحلیل و تطبیق خودشناسی از منظر مولانا و یونس امره ۱۶۹
فاطمه حیدری

بررسی فراتحلیلی بیت هایی از داستان فرود در نامه باستان و یادداشت های شاهنامه ۱۷۰
حسن حیدری

بررسی اصول مملکت‌داری و حکومت در نهج‌البلاغه و سیاست‌نامه ۱۷۱
غلامرضا حیدری

بررسی کتاب فارسی هفتم بر اساس علم بیان و میزان سنخیت این آرایه ها با سن دانش آموزان ۱۷۲
حسن حیدری

نگاهی نو به چند تعریف بلاغی ۱۷۳
رسول حیدری

جایگاه زبان فارسی و ترکی در نگاه شهریار ۱۷۴
رسول حیدری

بازتاب اخلاق در شعر «معروف الرصافی» و « زاهد تبریزی» ۱۷۵
احمدرضا حیدریان شهری

از زنّار عیسوی تا زنّار سوگواری تأملی در بیتی از قصیدهٔ ترنّمالمصاب خاقانی ۱۷۶
اکبر حیدریان

«گونههای کنایه در شعر احمد شاملو» ۱۷۷
انسیه خادمی

جلوه های پایداری عارفان در تذکرهٔ الاولیاء ۱۷۸
زهرا خاکباز

یکی دینوری بود یزدان پرستشرح بیتی از شاهنامه ۱۷۹
علیرضا خانی

بازتاب واقعیّت‌های اجتماعی در دو داستان کوتاه به‌هم پیوسته «مثل گم کردن مادر (۱)» و «مثل گم کردن مادر (۲)» حسن فرهنگ‌فر ۱۸۰
عباس خائفی

پژوهشی در بازنمایی خانواده در گزیده‌های از داستانهای واقعگرای هوشنگ مرادی کرمانی ۱۸۱
فرامرز خجسته

واکاوی میزان تشخیص مراجع ضمایر در متون فارسی: بررسی موردی فارسی‌آموزان چینی ۱۸۲
مهدی خدادادیان

تبلور تنوع مرگ اندیشی در حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه سنایی غزنوی ۱۸۳
جبار خدا مرادی

بررسی لایهٔ آوایی در محبتنامهٔ خواجه عبدالله انصاری ۱۸۴
محبوبه خراسانی

بررسی وتحلیل افعال پیشوندی دراسرارالتوحید ۱۸۵
زهرا خزاعی

نقد تطبیقی اشعار نیمایوشیج و فروغ فرخزاد با تاکید بر آموزه های مکتب رمانتیسم ۱۸۶
محمد خسروی شکیب ۱۸۶
هنجار گریزی آوایی و گویشی در خمسه نظامی ۱۸۷
نگار خضری

تحلیل سبک شناسی ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد ۱۸۸
سیمین خمامی نخود چری

اندیشهٔ صلح در شعر کودک و نوجوان ۱۸۹
خدیجه خواجوی

بررسی و تحلیل تصویر صبح در شعر فریدون مشیری ۱۹۰
اکرم خودستان

گفتمان غیریّت ساز در« مجموعه هفت قصّه جاده»اکبر رادی ۱۹۱
سپیده خوشبین فر

بررسی ومقایسه ویژگی های زبانی و محتوایی وادبی دو بیتی های باباطاهر همدانی و دو بیتی های جنوب با تکیه بر اشعار فایز ، نادم و مفتون ۱۹۲
سید مهدی خیراندیش

بررسی وتحلیل بیتی مشهور از غزلیات حافظ براساس نسخه کتابت سال ۸۰۱ هجری ۱۹۳
سید مهدی خیراندیش

تحلیل گفتمانی تجربه های بشری در رمان گردان قاطرچیها ۱۹۴
الهه داداشنژاد پته رودی

بررسی شخصیت پردازی در مجموعه داستان «نمازخانهٔ کوچک من» ۱۹۵
سحر دارایی

بازتاب فرهنگ عامه در کتاب تات نشین های بلوک زهرا نوشتهٔ جلال آل احمد ۱۹۶
آذر دانشگر

زبان فارسی در مواجهه با زبان جهانی: شناخت چالشها و تعیین اولویتها از منظر جامعهشناسی زبان ۱۹۷
حسین داوری

نگاهی عرفانی به عناصر نمادین داستان حسن و دل سیبک نیشابوری بر مبنای کهن الگوهای یونگ ۱۹۸
مریم دباغیان

بررسی عامل روانپریشی راوی در بوف کور صادق هدایت ۱۹۹
مریم درپر

چالش واژگانی و گفتمانی چندهمسری در شعر رقیب از سیمین بهبهانی ۲۰۰
مریم درپر

آب وگذر از آب در اساطیر ایرانیان ،هندیان و مصریان باستان ۲۰۱
بنفشه دربندکوهی

روایت «خانهٔ سریویلی» نیما یوشیج بر اساس تحلیل نمادهای سمبلیک شعردر پرداخت به اسطورهٔ هبوط۲۰۲
محمود درگاهی

راهکارهای گسترش آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان با امکانات رایانهای ۲۰۳
لیلا درویشعلی پورآستانه

تفرج در گلچین آثار احمد عزیزی ۲۰۴
لیلا درویشعلی پورآستانه

غم و «خود پیدایی» در غزلیات دیوان شمس مولانا ۲۰۵
زهرا درّی

بررسی و تحلیل سبک‌شناسی فکریِ قصاید اثیرالدین اخسیکتی ۲۰۶
کاظم دزفولیان راد

بررسی ویژگیهای سبکی رسالهٔ مشارب الاذواق اثر میر سید علی همدانی ۲۰۷
ابراهیم دستگیر

تلمیح چه چیز نیست ؟ ۲۰۸
فقیهه دهقان

غم و شادی در مثنوی ۲۰۹
فقیهه دهقان

«منابع و مصادر فارسی شیخ بهایی در کشکول او» ۲۱۰
مریم دهقان نیری

بررسی نقش و جایگاه پادشاه در آثار ادبی عصر مشروطه ۲۱۱
جواد دهقانیان

تأثیر پذیری ادبیّات عثمانی از ادبیّات فارسی ایران مطالعه موردی"دیوان ابراهیم راشد" ۲۱۲

ملک دیکمن

جایگاه زن در آثار ایرج میرزا ۲۱۳
حامدذهیری

تحلیل تطبیقی رمان‌های «ویکنت شقه‌شده» و «ملکوت»با تأکید بر تقابل «مرگ و زندگی» ۲۱۴
محبوبه ذوالفقاری‌نژاد

بررسی رویکردهای رمانتیک در صور خیال قصاید خاقانی با تکیه بر واژگان نجومی ۲۱۵
محسن ذوالفقاری

هنجار گریزی معنایی در غزلیات خاقانی ۲۱۶
محسن ذوالفقاری

تحلیل سبک شناسی لایهای بر دو قصیدهٔ فخریهٔ شعر فارسی ۲۱۷
محسن ذوالفقاری

اسطوره های طبیعی در شعر خاقانی شروانی ۲۱۸
محسن ذوالفقاری

جایگاه ارزشهای فرهنگی و اجتماعی در رمان نوجوان و شیوهٔ پرداخت آن با مطالعهٔ موردیِ رمان"مسابقه دات کام" اثر حسین بکایی ۲۱۹
سیدحسن راد

«تأثیرپذیری حکمی و اخلاقی راحةالصدور و آیةالسرور راوندی از شاهنامهٔ فردوسی» ۲۲۰
عطامحمد رادمنش

بن مایههای تمثیلی–عرفانی گنوسی در منظومهٔ جمشید و خورشید سلمان ساوجی ۲۲۱
زهرا رجبلو

بررسی مقایسه ای لحن در شاهنامه فردوسی و بوستان سعدی ۲۲۲
مهسا رجبی همدانی

تحلیل ساختار و محتوای طنز در رساله دلگشای عبید زاکانی ۲۲۳
اکرم رحمانی

پرواز روح(بررسی شیوه و نتایج کشف و شهود در مولانا جلال الدین بلخی) ۲۲۴
اکرم رحمانی

گوته؛ مفصلی بین مکتب کلاسیسم و رمانتیسم ۲۲۵
زینب رحمانیان

مفاخره در شعر بهار ۲۲۶
زینب رحمانیان

جادو و جادوگری از دیدگاه مردمشناسی دینی در رمان «اهل غرق» ۲۲۷
زینب رحمانیان

بررسی تطبیقی عنصر پیرنگ در دو داستان «نبوءۀ فرعون» و «من زنده ام» ۲۲۸
مریم رحمتی

نسخهای نویافته از ترجمه منظومِ«عنوانُ الحِکَم» ابوالفتح بستی ۲۲۹
محمد رحیمی خویگانی

تحلیل نظام‌های گفتمانی گرمس در نی‌نامۀ مثنوی معنوی مولوی ۲۳۰
ابراهیم رحیمی زنگنه

بررسی استعارههای مفهومی«زندگی» و«عشق» در رمان«دالان بهشت» ۲۳۱
مهین رزمگیر.

تحلیل گفتمان انتقادی نامۀ امیر مسعود به آلتونتاش و جواب او بر اساس دیدگاه فوکو ۲۳۲
اسما رستمی جلیلیان

موسیقی درونی در اشعار رهی معیّری ۲۳۳
اسما رستمی جلیلیان

بررسی حرکات غیر کلامی چشمی در مجموعه داستان های کوتاه زویا پیرزاد ۲۳۴
پرستو رستمی

بررسی ارتباط غیر کلامی در مجموعه داستان های کوتاه زویا پیرزاد (مثل همهٔ عصرها، طمع گس خرمالو، یک روز مانده به عید پاک) ۲۳۵
پرستو رستمی

بازنمایی کارکرد زبان فارسی در میان کاربران برجستهٔ «اینستاگرام» ۲۳۶
صفوراسادات رشیدی

سمبولیسم و نمادپردازی عرفانی مبحثی مشترک در ادبیات و معماری اسلامی- ایرانی ۲۳۷
زینب رشیدی

تحلیل زهد گرایی در شعر ناصرخسرو قبادیانی و ابوالعلاء معرّی(پژوهش تطبیقی) ۲۳۸
زینب رضاپور

تبیین مرگ و جایگاه آن در عرفان اسلامی ۲۳۹
زینب رضاپور

مینی مالیسم در کتاب پند پیران ۲۴۰
فضل الله رضایی اردانی

فراهنجاری دستوری در هشت کتاب سهراب سپهری(با تکیه بر چهارکتاب نخست) ۲۴۱
رؤیا رضایی

نگاهی به مثنوی باغ ارم (اسکندرنامه) ثنایی مشهدی و سبک شناسی آن ۲۴۲
احترام رضایی

بررسی صفات ممدوحان در دیوان شاعران مدیحه سرای قرن پنجم هجری ۲۴۳
جمیله رضایی

بررسی وجوه افعال در زبان فارسی ۲۴۴
جمیله رضایی

بررسی شخصیت کودک در حکایت‌های عرفانی با تأکید بر هزار حکایت صوفیان ۲۴۵
حمید رضایی

بازتاب مسائل سیاسی در رمان رازهای سرزمین من ۲۴۶
حمید رضایی

همپایگی ساختهای پرسشواژهای در زبان فارسی ۲۴۷
اکرم رضویزاه

نشانهشناسی اجتماعی مجموعه داستانهای جزیرهٔ بیتربیتها با تأکید بر هویت و آداب معاشرت ۲۴۸
احمد رضی

بررسی تطبیقی شخصیت « گردآفرید» در شاهنامه با شخصیت « ژاندارک » در نمایشنامه برتولد برشت ۲۴۹
محبوبه رفیعی نجات

گفتاری در معادلسازی برای اصطلاحات علمی کتاب زیستشناسی (پایهٔ دهم متوسطه) ۲۵۰
داود رفیعی

نگرشی بر روایت با فرایند ارتباط در مثنوی ۲۵۱
علی اکبر رمضانی

بررسی نقشهای جنسیتی در جزیرهٔ افسونگران فریبا کلهر بر اساس نظریهٔ پارسونز ۲۵۲
افسانه رمضانی

جلوه هایی از تلمیحات قرآنی در شعر امیر معزی ۲۵۳
سمیرا رمضانی

درخت سرو در شاهنامه ی فردوسی ۲۵۴
سمیرا رمضانی

کارکرد برخی پیشوندهاو پسوندهادر گویش لایزنگانِ داراب (وندها شمارهٔ ۲) ۲۵۵
حسن رنجبر

تحلیل یکی از شخصیتهای رمان سووشون، یوسف‌خان ۲۵۶
ابراهیم رنجبر

خوانشی جامعه شناسانه از رمان « شروع یک زن» اثر فریبا کلهر بر پایهٔ جامعه شناسی محتوای ادبی ۲۵۷

فاطمه رنجبر
پیکرگردانی‌های زنانه در نمونه‌هایی از قصه‌های عامیانه ۲۵۸
صبوره رنگرز
لحن، جانشین وزن در شعر احمدرضا احمدی ۲۵۹
علی‌رضا روزبهانی
جستاری در عرفان عینالقضاه همدانی و عبدالرحمان جامی با تکیه بر لوایح آن دو ۲۶۰
سعید روزبهانی
از بیان ادبی تا تصویر سینمایی بررسی و تحلیل ویژگی‌های روایات مناسبِ ادبی برای به‌تصویر درآمدن ۲۶۱
مهسا رون
گوتیک در رمان بیوه کشی نوشتهٔ یوسف علیخانی ۲۶۲
معصومه زارع کهن
نقدوبررسی کتب جدیدالتالیف ادبیات پایه دهم، نگارش، فارسی، علوم و فنون ادبی ۲۶۳
زهرا زارعی حاجی آبادی
سیمای جراحی در حماسههای ایرانی و نمونههای اساطیری مشابه آن(با تأکید بر جراحی تغییر چهره) ۲۶۴
بدریه زارعی
نقد جامعه شناسی– فنّی داستان گناه جلال آل احمد ۲۶۵
فخری زارعی
اندیشههای تعلیمی مکتبی شیرازی در منظومهٔ «کلمات عَلیّهٔ غَرّا» ۲۶۶
محبوبه زمانی
از ترجمه تا اقتباس: نگاهی به اقتباس سینمایی از کتاب "چارلی و کارخانه شکلات‌سازی" ۲۶۷
فاطمه زند
ساختار حکایت های«بهارستان»نورالدین عبدالرحمن جامی ۲۶۸
محمد زنگنه

مضامین عارفانه وعاشقانه در غزلیات فرصت الدوله شیرازی ۲۶۹
سید محسن ساجدی راد

روایت راوی(نقش داستان‌های کتاب " قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب "در ترویج زبان و ادبیات کهن فارسی و ارتقا جایگاه آن در بین نوجوانان) ۲۷۰
سیدمحسن ساجدی‌راد

شعرسهراب سپهری در پرتو نقد بوم‌گرا ۲۷۱
غلامرضا سالمیان

جایگاه عناصر داستانی در خاطره‌نوشتهٔ «پایی که جا ماند» ۲۷۲
غلامرضا سالمیان

سیر تطور استعاره در بلاغت عربی و فارسی تا قرن هفتم هجری ۲۷۴
محبوبه سپهری حسن نیا

گذری بر دو کتاب بلاغی(اسرار البلاغه- المعجم فی معاییر اشعار العجم) ۲۷۵
محبوبه سپهری حسن نیا

مدیحه‌سرایی به مثابه کنش آیینی ۲۷۶
نسرین ستاری نجف آبادی

مضامین تعلیمی، شاخصه سبکی منظومههای غنایی ۲۷۷
فاطمه ستاری

مقایسه اندیشه های انسان شناختی مولوی و یونگ ۲۷۸
الهه ستوده پور

بررسی شخصیت فریدون از وداها تا شاهنامه ۲۷۹
زهره سرمد.

تحلیل ساختاری و محتوایی نمایشنامه های منظوم و آهنگین دوره مشروطه(نمونه موردی : اپرای رستاخیز شهریاران ایران از میرزاده عشقی) ۲۸۰

عالیه سرمدی

مروری کوتاه بر چشم انداز عناصر داستانی در حسنک وزیر ۲۸۱
حبیب سعادت

نکاتی نویافته دربارهٔ مناسبات رشید وطواط با شاعران هم‌عصر او ۲۸۳
سارا سعیدی

سیری در گویش گورک ساداتی ۲۸۴
غلامعباس سعیدی

بررسی ونقد فرایند واژه سازی در فرهنگستان سوم ۲۸۵
غلامعباس سعیدی

اشعارعرفانی در روی تزیینات صنایع فلزی دوره صفویه ۲۸۶
رحیم سلامت آذر

تحلیل مسأله مهاجرت و حاشیه نشینی بر شخصیت‌های رمان« روزگار سپری شده مردم سالخورده» محمود دولت آبادی ۲۸۷
مریم سلحشور

«تجلی و کارکرد عناصر قرآنی در اشعار موسوی گرمارودی» ۲۸۸
فاطمه سلطانی

بررسی نارسیسم(خودستایی) در قصاید قاآنی شیرازی ۲۸۹
سید محمد علی سلمانزاده اطاقسرایی

بررسی تطبیقی جلوههای بلاغی صنعت تلمیح در شعر احمد وائلی و احمد عزیزی ۲۹۰
کامران سلیمانی

درونمایههای طنز در داستانهایکوتاه زکریا تامر ۲۹۱
کامران سلیمانی

تحلیل رویکرد رئالیسم جادویی در دو قصه: «سعادتنامه» و «الاستغاثه»(غلامحسین ساعدی و زکریا تامر) ۲۹۲

علی سلیمی

«جلوههای عشق ورزی در اشعارحسین منزوی و عباس محمود العّقاد» ۲۹۳
علی سلیمی

واکاوی و مقایسه کارکرد نمادهای طبیعی در شعر توفیق زیاد و نصرالله مردانی ۲۹۴
علی سلیمی

بررسی هنجارگریزی و آشنایی زدایی در تاریخ جهانگشا ۲۹۵
زهرا سمائی

بررسی تطبیقی جاودانگی در دنیای اساطیری سپهری و البیاتی ۲۹۶
فتانه سمسار خیابانیان

سبک‌شناسی نخستین سوگ‌سرود کربلا از کسایی مروزی ۲۹۷
احمد سنچولی

بررسی تطبیقی سیمای جامعه‌ی پیش و پس از انقلاب در ادبیات کودکان و نوجوانان(با تکیه بر دو مجموعه داستان بچه‌های قالیبافخانه و پلوخورش نوشتهٔ هوشنگ مرادی‌کرمانی) ۲۹۸
احمد سنچولی

شخصیّت پردازی در داستان های تاریخ بیهقی ۲۹۹
علی سهرابی

تحلیل مضامین مشترک در شعر خاقانی و ولی دشت بیاضی ۳۰۰
طاهره سید رضایی

مقایسه تحلیلی قیددر پنج کتاب دستورزبان فارسی ۳۰۱
شهریار شادی گو

سیمای امام حسن(ع) وامام حسین (ع) در اشعار ناصر خسرو قبادیانی ۳۰۲
اکبر شاملو

تحلیل تطبیقی پیرامتن و ساختار دسیسه در دو نمایشنامهٔ لیلی و الکنز و نقلی و مادربزرگ اثر روضهٔ فهیم محمّد الفرخ الهدهد و حسن دادشکر ۳۰۳
شادی شجیعی

سنجش تطبیقی باب «شیر و گاو»، در سه تحریر از کلیله‌ودمنه با تکیه‌بر عنصر داستانی پی‌رنگ ۳۰۴
فرشید سادات‌شریفی

تحلیل گفتمان نامه ی کسری به نگهبان مدائن درشاهنامه ۳۰۵
مریم شعبانزاده

سیر تاریخی و مراتب توکل درآثار نثرعرفانی تا قرن هشتم ۳۰۶
مریم شعبانزاده

اثر پذیری زبانی شعر ترکی دورهٔ عثمانی از شعر فارسی ۳۰۷
علیرضا شعبانلو

تحلیل و معرفی رمان «خانهٔخار» نوشتهٔ عبدالحسین فرزاد ۳۰۸
علی رضا شعبانلو

همگونیهای مضامین سیاسی در کلیله و دمنه و افسانههای ازوپ ۳۰۹
حسن شعبانی آزاد

بازتاب شیراز و مفاخر، بناهای تاریخی و زیبائیهای طبیعی آن در شعر شهریار ۳۱۰
بهرام شعبانی

بررسی عوامل مؤثّر در کمال انسان در کتاب «الانسان الکامل»، اثر عزیز الدین نسفی ۳۱۱
بهرام شعبانی

گلستان و کلاسیسم ۳۱۲
حیدرعلی شکاکی

حس آمیزی در غزلیات شمس ۳۱۳
یداله شکری

نوستالژی در غزلیات شمس ۳۱۴
یداله شکری

نقش زبان و ادبیات فارسی در پروژه ملت سازی عصر پهلوی اول(مورد مطالعه:کتابهای درسی دوره پهلوی اول) ۳۱۵

شکار در ادب غنایی(عاشقانه و عرفانی) [با تأکید بر اشعار شاعران کلاسیک] ۳۱۶
عبدالرحمن شکور

بررسی روابط دو سویه حکومت های اسلامی – زبان فارسی در شبه قاره ۳۱۷
حمید شمس الدین

فعالیت‌های آموزشی لازاریست‌ها در ایران ۳۱۸
طاهره شمسی

بررسی در تحول معنی اصطلاح ادبی،"اسطوره" ۳۱۹
حمیرا شهباز

عنوان: بررسی مقایسه‌ای ردیف در اشعار سه دوره از حیات فردوسی ۳۲۰
اصغر شهبازی گشنیزجانی

بررسی تطبیقی دو رمان «سهم من» و «جین ایر»بر اساس نظریهٔ گفتمان «قدرت» میشل فوکو ۳۲۱
شهین شهبازی

بررسی تطبیقی شخصیت نمایشی حیوانات در هزار و یکشب در داستان های عربی ، فارسی و هندی با تأکید بر بوزینه ۳۲۲
محمدرضا شهبازی.

سبکشناسی رمانهای (آدم و حوا، مشی و مشیانه، جمشید و جمک) ۳۲۳
صغرا شهزاد اشتیوانی

جریان‌شناسی ادبیات داستانی جنگ با تکیه بر رمان «شطرنج با ماشین قیامت» ۳۲۴
ازحبیب احمدزاده ۳۲۴

بررسی نور سیاه در شعر سنایی غزنوی و فروغ فرخ زاد ۳۲۵

علیرضا شوهانی

نگاهی بر جریان شناسی و عناصر داستانی رمان پل معلق بایرامی ۳۲۶
علیرضا شوهانی

«معنی شناسی مرگ و تنهایی در شعر جلیل صفربیگی» ۳۲۷
علیرضا شوهانی

تحلیل ساختار و محتوا در داستان مناظره ی رومیان و چینیان ۳۲۸
فاطمه شیخ باقر مهاجر

نقد فمنیستی رمان نوجوان در ترجمه خونآشام سیامک گلشیری و خونآشام استفنی مهیر ۳۲۹
زینب شیخ حسینی

بررسی طرح واره‌های تصوری در ضرب المثلهای گویش گیلکی غرب گیلان ۳۳۰
شهین شیخ سنگ تجن

بررسی و مقایسه دستور زایشی و دستور لایه‌ای ۳۳۱
شهین شیخ سنگ تجن

«بسامد عنصر رنگ و کاربرد آن در شعر پروین اعتصامی» ۳۳۲
سمیرا شیخ علیا لواسانی

تحلیل داستان سوک سیاوش و آیین سیاوشان به روایت رمان سووشون ۳۳۳
فاطمه شیرسلیمیان

بررسی مضامین ویژه دوره معاصر در زندان سروده های فارسی و عربی ۳۳۴
محمد رضا شیرخانی

هنجار شکنی مثنوی در اقتباس‌های قرآنی ۳۳۵
طیبه صابری

نقد و تحلیل کتاب زبان فارسی سال سوم رشتۀعلوم انسانی بر پایۀ نظریۀگشتاری ۳۳۶
طاهره صادقی تحصیلی

بررسی عنصر «صحنه» در مرزبان نامه ۳۳۷
طاهره صادقی تحصیلی

خوابگونگی واقعیت در داستان «فروغ در خواب»(تحلیل مدرنیستی داستانی از عدنان غریفی) ۳۳۸
رضا صادقی شهپر

بررسی ابیات خاقانی در لغتنامهٔ دهخدا ۳۳۹
رامین صادقی نژاد

بررسی تصاویر فلکی بر ساخته از سفالینهها در دیوان خاقانی ۳۴۰
رامین صادقی نژاد

نقد بینامتنیتی خیامیات در اشعار حافظ و متنبی ۳۴۱
حسین صدقی

بخشی از قصیدهٔ عثمان مختاری، در دیوان فرخی سیستانی ۳۴۲
محسن صادقی

تصاویرِ متناقض نما در غزلیاتِ شمس ۳۴۳
حسین صادقی

بررسی نمادها در اشعارطاهره صفارزاده ۳۴۴
اسماعیل صادقی

جستاری در باب علم بلاغت و مشترکات آن با برخی از رویکردهای نقد زبان‌شناختی ۳۴۵
فاطمه صالحی

«تحلیل و بررسی نقش تشبیه در سرودههای فریدون مشیری» ۳۴۶
علی صالحی

خودشیفتگی در شعر مجیرالدین بیلقانی ۳۴۷
قاسم صحرائی

بررسی اندیشه های سیاسی (عدالت و خردورزی) سلطان جلال الدین خوارزمشاه در نفثهٔ المصدور ۳۴۸

رقیه صدرایی

بررسی روایت شناسی «الهی نامه عطار» براساس نظریه «زمان درروایت» ژرار ژنت ۳۴۹
جواد صدیقی لیقوان

پژوهشی تطبیقی درباره آزادی از دیدگاه مولوی و اسپینوزا ۳۵۰
مهناز صفایی هوادرق

مقایسه وادی های هفت گانه منطق الطیر و منزل های پنجگانه مصیبت نامه عطارنیشابوری ۳۵۱
حبیب صفرزاده

جایگاه محیط زیست در ادبیات معاصر فارسی ۳۵۲
حبیب صفرزاده

تحلیل انتقادی بغض تاریخی زن و نگاه جنسیتی در شعر سیمین بهبهانی ۳۵۳
روناک صمدی

نقد کهن الگویی«شیرین» درمثنوی خسرو شیرین ۳۵۴
سعیده صمیمی

«مدیریت بهره وری از زمان از نگاه پروین » ۳۵۵
هانیه طاهرلو

بازتاب باورهای طبّی در دیوان بیدل دهلوی ۳۵۶
فاطمه طاهری سروتمین

((بررسی حس آمیزی در اشعار نادر نادر پور)) ۳۵۷
طیبه طاهری فر

ابهام معنایی در شعر شاملو ۳۵۹
حمید طاهری

«بادۀ مغانه و جام جمانه در غزلیات سنایی» ۳۶۰
فاطمه سادات طاهری

خیام و مخاطبان مزاحم ۳۶۱
شیرزاد طایفی

نقد جامعهشناسانهٔ تصنیفهای عارف قزوینی ۳۶۲
شیرزاد طایفی

بازسرایی کاوهٔ آهنگر در شعر معاصر ۳۶۳
محمد طرغه

پژوهشی درباره آیین ها و مراسم ازدواج در شاهنامه ۳۶۴
سارا طوسی

درد و رنج زنان در آثار«جلال آل احمد» و «پروانه سراوانی» ۳۶۵
فریدون طهماسبی

بررسی نقش دین دررمان زمین سوخته اثر احمد محمود ۳۶۶
بیژن ظهیری ناو

ریختشناسی داستان آلتونتاش بر اساس مدل ولادیمیر پراپ ۳۶۷
علی عابدکهخاژاله

مطالعهٔ تطبیقی واژهٔ مرگ در اشعار نیما یوشیج و نازکالملائکه ۳۶۸
علی عابدکهخاژاله

تحلیل ریختشناسانه «قصه دخترای ننه دریا» و «ضیافت» از شاملو بر اساس نظریه پراپ ۳۶۹
لیدا عابدی

دادگری در سخنان پادشاهان در شاهنامه فردوسی ۳۷۰
لیلا عارفی

جلوه زن در کشف الأسراروعدةالأبرار از دیدگاه میبدی(براساس سوره نساء) ۳۷۱
یوسف عالی عباس آباد

بررسی ماهیت درد و رنج در اشعار پروین اعتصامی ۳۷۲

خیام عباسی

جایگاه زن با نگاهی بر مقولهٔ عشق در هفت پیکر نظامی ۳۷۳
شعله عبدالعلیپور

خرده فرهنگها در قصاید خاقانی(بررسی جشنهای ایرانی در شعر خاقانی) ۳۷۴
هاجر عبدالغلامی نجف آبادی

شگردهای آموزش زبان و ادبیات فارسی در فضای مجازی (از نگاه اساتید دانشگاه مجازی المصطفی) ۳۷۵
طاهره عبداللهی پارسا

«داستان بیت»در غزل حافظ و تطبیق آن با داستان‌های مینی‌مالیستی ۳۷۶
فرزانه عبداللهی

پرنیان هفت رنگ اندر بَرِ دشمن کند بررسی بلاغتِ توصیف دشمن در تاریخ جهانگشای جوینی ۳۷۷
نیلوفر سادات عبدالهی

بررسی سبک نقیضه پردازی(پارودی) رهی معیری در استقبال از غزل حافظ ۳۷۸
امیرعباس عزیزی فر

سیمای گرشاسب در گرشاسبنامه و دیگر متون پهلوی ۳۷۹
رامیلا عزیزی

بررسی مقامات و احوال عرفانی در اشعار عبدالرّحمان جامی ۳۸۰
علی عسکری

بررسی و تحلیل روانشناسی موسیقی بیرونی قصاید سلطانی کلهر کرمانشاهی ۳۸۱
حجّت اله عسگری کاشانتویی

بررسی گزاره های منفی مکتب ادبی رمانتیسم در شعر فروغ فرخزاد ۳۸۲
زهراعسگری

بررسی عناصر داستان در سه داستان بازنویسی شده و مقایسه آن با متن اصلی (پیش اثر) شاهنامه فردوسی۳۸۳
مهری عصری

زیبایی شناسی در ادبیات کودک زیبایی شناسی شعر عباس یمینی شریف(بررسی آرایه های لفظی و معنایی) ۳۸۴
مهری عصری

عشق و جنگ در ابومسلم نامه ۳۸۵
نازنین علی آباد ایلامی

نگاهی به مضامین عرفانی –مذهبی در شعر معاصر تاجیکستان ۳۸۶
مرجان علی اکبرزاده زهتاب

سیر تحول مضمون غزل پس از انقلاب اسلامی ۳۸۷
مرجان علی اکبرزاده زهتاب

شخصیتهای صلح طلب در شاهنامه فردوسی ۳۸۸
وحید علی بیگی سرهالی

تئوری ادبی حزب ناسیونالیسم در ایران ۳۸۹
منا علیمددی

تئوری ادبی حزب توده ۳۹۰
منا علیمددی

بررسی موضوعی مدح درقصیده های شاعران عصر غزنوی(منوچهری،عنصری،فرخی)با سلجوقی(انوری و معزی) ۳۹۱
الهام علی میرزایی

نمودهای انسانیت در اشعار پروین اعتصامی و نازک‌الملائکهٔ ۳۹۲
فاطمه علیان

تحلیل گفتگوهای متنی و فرامتنیدر افسانه های عامیانهٔ کرمان ۳۹۳
صدیقه (پوران) علیپور

اضطراب اخلاقی در الهی نامه و منطق الطیر عطّار نیشابوری ۳۹۴

ناصر علیزاده

نقد روانکاوانه رمان «کنسرو غول»، نوشته مهدی رجبی ۳۹۵
مصطفی علیزاده

جنبه های بلاغی تشبیه در گل های دیوان حافظ ۳۹۶
مریم علیمرادی

بررسی آموزه های دینی در ادبیات کودکان با تکیه بر آثار سید مهدی شجاعی، مجید ملامحمدی و مهدی میر کیایی (دهه ۷۰ و ۸۰) ۳۹۷
ماندانا علیمی

بررسی تطبیقی مفاهیم وطن درادبیات مشروطه با تکیه برآثارسیداشرف الدین گیلانی وادبیات دفاع مقدس قیصرامین پور ۳۹۸
ماندانا علیمی

نگاهی به برخی از «استعاره»های برساخته از واژه ی «آب» در مثنوی معنوی ۳۹۹
علی عین علیلو

« زبان و تصویر لیلی در منظومه ی لیلی ومجنون نظامی » ۴۰۰
طیبه غریب

عناصر تلمیحی در غزلّیات وحشی بافقی ۴۰۱
نازنین غفّاری

جلوههایی از بنمایههای ادبیّات پایداری در سرودههای علیرضا قزوه ۴۰۲
محمّد غفوریفر

تحلیل سبکشناختی «سووشون»، «جزیرهٔ سرگردانی» و «ساربان سرگردان» ۴۰۳
مجاهد غلامی

نگاهی به زبان بدن در ارتباطات غیرکلامی و متون نوشتاری در آموزش زبان فارسی به‌عنوان زبان خارجی۴۰۴
ابوالقاسم غیاثی زارچ

نقش مدرس کارآمد در تقویت«توانش ارتباطی»زبان‌آموزان «زبان و ادبیات فارسی»به عنوان زبان دوم ۴۰۵
ابوالقاسم غیاثی زارچ

« هنجارگریزی گویشی در خسرو وشیرین و لیلی و مجنون نظامی» ۴۰۶
سید محمود رضا غیبی

بررسی زبان معیار وگفتاردر شعر کودک دهۀ شصت تا نود ۴۰۷
منصوره فاضلی راد

بررسی تکنیک‌های طنز در داستان «درد دل ملا قربانعلی» جمالزاده ۴۰۸
مرضیه السادات فاطمی

تأثیر انقلاب اسلامی بر شعر شهریار ۴۰۹
خلیل فائزی

ساختار شکنی از تقابل های دوتایی در رمان چراغها را من خاموش می کنم ۴۱۰
ناهید فخر شفائی

بررسی و تحلیل بنمایههای اسطورهای در برزونامه ۴۱۱
طیبه فدوی

شیوۀ روایت در دو رمان بوفکور و فصل مهاجرت به شمال ۴۱۲
مهین‌دخت فرخ‌نیا

نقش روزنامه شکوفه در بیداری زنان ۴۱۳
فریده فرزی

سیمای کنیزان و غلامان در خمسه نظامی ۴۱۴
رضا فرصتی جویباری

خطابههای پادشاهان در شاهنامۀ فردوسی ۴۱۵
رضا فرصتی جویباری

جلوه های ادب پایداری در سروده های چند شاعر مازندرانی ۴۱۶

رضا فرصتی جویباری

بررسی مقدمهٔ شاهنامهٔ ابومنصوری از لحاظ اصول دیباچه نویسی ۴۱۷
سودابه فرهادی

تحلیل نشانه‌معناشناختی داستانک‌های معاصر(بررسی موردی: داستانک‌هایی از کتاب کشف لحظه) ۴۱۸
سهیلا فرهنگی

تحلیل نشانه‌معناشناختی داستانک‌های معاصر(بررسی موردی: داستانک‌هایی از کتاب کشف لحظه) ۴۱۹
سهیلا فرهنگی

باستانگرایی نحوی در شعر سیاوش کسرایی ۴۲۰
فاطمه فرزانه

تحلیلی بر داستان «طراران» در کتاب فارسی دهم و مقایسه آن با داستانی از دفتر سوم مثنوی مولوی با تکیه بر نقد عقلانیت ۴۲۱
فروزان فقیه

تأثیر قهوه خانه ها بر ادبیات فارسی تا آغاز دوران مشروطه ۴۲۲
مرتضی فلاح

بررسی روایت برصیصای عابد از سعدی با تکیه بر نظریهٔ روایت شناسی گرماس ۴۲۳
راضیه فولادی سپهر

اندیشههای معنوی سعدی در مائدههای زمینی «آندره ژید»(بررسی تأثیر اندیشههای سعدی بر آندره ژید)۴۲۴
محمد فولادی

بررسی تطبیقی عناصر فرهنگی بومی-محلی در آثار منصور یاقوتی و محمود طیاری ۴۲۵
پرند فیاض‌منش

تحلیل انتقادی تناقضات اخلاقی در آموزه‌های قابوس‌نامه ۴۲۶
پرند فیّاض منش

تمثیل‌های وحدت وجود در آثار مسلم سنایی و عطّار ۴۲۷

مهدی فیاض

بررسی نقش زن در اشعار گیلکی شاعران گیلکی سرا بر اساس نظریه ی بازتاب واقعیت ۴۲۸
مریم سادات فیاضی

بررسی ضربالمثلهایِ گیلکیِ مربوط به «ماهی» از منظر فرضیهٔ نسبیت زبانی ۴۲۹
مریم سادات فیاضی

بازتاب اسطوره‌های آفرینش درشعر معاصر وپایداری با تأکید بر اشعار مهدی اخوان ثالث وعلی معلم دامغانی ۴۳۰
حسین فیروزی

بررسی انتقادی موسیقی بیرونی درشعرنیماییقیصر امین‌پور ۴۳۱
مهدی فیروزیان

آموزههای تعلیمی مشترک شمس تبریزی و زوربا و بازتاب آن در رمان زوربای یونانی اثر نیکوس کازانتزاکیس ۴۳۲
هاجر فیضی

بررسی سبک شناسی ترکیب بند دختر سالار بر اساس نظریهٔ سبک شناسی لایهای ۴۳۳
مهدی قاسم نیا

تمایز انواع«وحدت» در شعر بیدل دهلوی ۴۳۴
سعید قاسمی پرشکوه

نگاهی به سیر تاریخی «عنوان» و «عنوان‌گذاری» در ادبیات منثور فارسی ۴۳۵
طاهره قاسمی دورآبادی

بررسی عنصر رنگ و رنگواره در ادبیات منظوم کودک(بر پایهٔ آثار مصطفی رحماندوست، عباس یمینی شریف، ناصر کشاورز، شکوه قاسمنیا و بنفشه رسولیان) ۴۳۶
معصومه قاسمی

کج‌اندیشی و افکار خرافه‌آمیز در اشعار قاآنی ۴۳۷

حمیدرضا قانونی

بررسی تطبیقی کاربرد نمادین «رنگ» و «رنگواره» در اشعار مولوی و علم روانشناسی رنگ ۴۳۸
حمیدرضا قانونی

تحلیل اندیشههای سیاسی در اسطوره لهراسب ۴۳۹
زهرا قربانی پور

فرهنگ و ادبیات عامه در ادبیات نمایشی هرمزگان(مطالعه موردی نمایش زار) ۴۴۰
فاطمه قلندرزاده دریایی

تحول معنایی در سطح واژگان نفثهالمصدور ۴۴۱
شیرین قنبری

تحلیل منظومۀ لیلی و مجنون با تکیه بر نظریۀ مثلث عشقی استرنبرگ ۴۴۲
بدریه قوامی

بررسی اندیشههای فمنیستی رمان «عادت میکنیم» ۴۴۳
بدریه قوامی

بازتاب آموزههای قرآنی در رباعیات خیام ۴۴۴
سید احمد حسینی کازرونی

نگاهی تطبیقی به مؤلفه های ادبیات پایداری در سروده های«حمید مصدق و محمود درویش» ۴۴۵
کبری کاس پور توچائی

نقد و بررسی آثار هوشنگ مرادی کرمانی بر اساس نظریه چمبرز ۴۴۶
فاطمه کاسی

بررسی تطبیقی تصویر حضرت آدم(ع) در خمسۀ نظامی با مثنوی مولوی ۴۴۷
ناصر کاظم خانلو

سلوک در شعر شاعران عارف دورۀ قاجار ۴۴۸
مرضیه کاظمی زهرانی

آستانه حماسه در سر زمین کشمیر(بررسی اجمالی شاهنامه کشمیر به پیروی از شاهنامه فردوسی طوسی)۴۴۹
سیده فلیحه زهرا کاظمی

نقش بزرگان عرفان اسلامی در وحدت اقوام وتلطیف مذاهب(باتاکیدبردیدگاه مولوی) ۴۵۱
فرهاد کاکه رش

تأثیر شگفت انگیز «حافظ شیرازی» بر «وفایی مهابادی» شاعری شگرف در ادب کردی ۴۵۲
فرهاد کاکه رش

بررسی و تحلیل محتوای کتاب ادبیات فارسی پایهٔ دهم نظام جدید ۴۵۳
شمسالرحمان کُرد

ساختار فعل در زمان حال، در گویش روستای زینوند از منطقهٔ چهارقلعهٔ شهرستان بهشهر ۴۵۴
فاطمه کرم نژاد

بررسی تطبیقی بهمن و نرجمیگ در اساطیر زرتشتی و مانوی ۴۵۵
زهرا کرم‌نژاد

تحلیل شخصیتپردازی در «جزیرهٔ سرگردانی» دانشور بر اساس الگوی کنشگرهای گریماس ۴۵۶
موسی کرمی

فرایناقلیم گویی و اقلیم نویسی در رمان نوجوان«مطالعه موردی رمان هستی فرهاد حسن زاده» ۴۵۷
ندا کریم بخش ساحلی

درد حرص از دیدگاه مولوی ۴۵۸
کورس کریم پسندی

تجلّی چهرهٔ آدم (ع) در خداوندنامه ۴۵۹
زهرا کریم‌زاده شوشتری نژاد

تحلیل عرفانی داستان یوسف و زلیخا در آثار منظوم سنایی و مولوی ۴۶۰
منصوره کریمپور

بررسی مضامین مشترک در اشعار و نامههای فروغ فرخزاد ۴۶۱

سعید کریمی قره‌بابا

بازتاب ادبیّات پایداری درسروده های چند شاعرمازندرانی ۴۶۲
رضا کریمی لاریمی

شکواییه و اعتراض در اشعار علیرضا قزوه ۴۶۳
مرتضی کریمی نیا

شخصیت زن و مشکلات زندگی زنان در کتاب از شیطان آموخت و سوزاند فرخنده آقایی ۴۶۴
پرستو کریمی

تحلیل تأثیر فرهنگی مرکزیتزداییِ پسامدرنیستی در متون ادبی ۴۶۵
فرزاد کریمی

« تحلیل اشعار سهراب سپهری از دیدگاه ادبیات غنایی» ۴۶۶
مریم کریمیان

بررسی پیوند ایدئولوژی فره شاهی و فره پهلوانی در شاهنامه فردوسی ۴۶۷
محدثه السادات رضایی کلاته میرحسن

جلوههای کارکرد طبیعت در نمادهای اجتماعی و عاشقانهٔ فریدون مشیری ۴۶۸
فاطمه کلاهچیان

نسخه مهمی در دانش پزشکی در کتابخانه سریزدی ۴۶۹
سید شهاب کمال الدینی

تاثیر داستان های عاشقانه ی شاه نامه ی فردوسی بر شکل گیری حماسه ۴۷۰
لیلی کمالوند

تحلیل سبک‌شناسی آوایی در منظومهٔ «ایرج و هوبره» ۴۷۲
عارف کمرپشتی

بررسی تطبیقی آرمانشهر اهورایی در متون دینی- تاریخی شرقی و شاهنامه ۴۷۳
ابراهیم کنعانی

بررسی جلوه‌های اندیشه در ادبیات متعهد، در ایران و جهان ۴۷۳

عطاالله کوپال

کاربرد اسطورههای ملی در واکنش به استعمار و استبداد در جریان شعر نو نیمایی ۴۷۵
رحیم کوشش

وجوه اشتراک اسطوره های هند و یونان ۴۷۶
محمد کاظم کهدویی

بررسی تطبیقیِ عناصرِ داستانِ غزوهٔ احد در خداوندنامهٔ صبا و حملهٔ حیدری باذل ۴۷۷
محمدکاظم کهدویی

مقایسهٔ لیلی و مجنون جامی و مجنون و الزای لویی آراگون ۴۷۸
مریم کیانی‌فر

انسان مداری در ترانه‌های دهه‌های ۴۰ و ۵۰ با تکیه بر آثار ایرج جنتی عطایی ۴۷۹
نعیمه کیالاشکی

تأثیر قرآن بر ترکیباتِ جدید نظامی در مخزن‌الاسرار ۴۸۰
گلرخ کیانی

مخاطب محوری در ترجمه رساله قشیریه ۴۸۱
گلرخ کیانی

نقد شخصیت شیرین در مواجهه با خسرو از منظر امنیت عاطفی ۴۸۲
ایرج کیانی

« رام روز از ماهِ مهر، روز بزرگداشت فخرالدّین اسعد گرگانی » ۴۸۳
طواق گلدی گلشاهی

«سیری در اندیشههای دینی و اخلاقی مختومقلی فراغی (شاعر پرآوازهٔ ترکمن)» ۴۸۴
طواق گلدی گلشاهی

ساختار شکنی در مکتوبات ۴۸۵
وحید گلوی

نقش مدلول متعالی در تباین حوزههای نقد اخلاقی و نقد هرمنوتیک، بر محور داستان «شاهزاده و یاران او»، از کلیله و دمنه ۴۸۶
لیلا گلوی

آزمون نظریات مختلف هرمنوتیک در بوتهٔ شعر آزیمندیاس، سرودهٔ پرسی بیش شلی ۴۸۷
لیلا گلوی

تحلیل مجالس شیخ ابوسعید ابی الخیر» ۴۸۸
الهام گنج کریمی

بررسی مجموعه شعر آینه‌های ناگهان بر اساس رویکرد پیرامتنی ژرار ژنت ۴۸۹
الهام گودرزی نیا

با درنگی بر رابطهٔ کیکاووس و رستم ۴۹۰
فاطمه گیلانی

تحلیل روانشناختی شکوائیه های قصاید خاقانی بر پایه آراء یونگ ۴۹۱
علی اصغر لشکربلوکی

مقایسه وبررسی دواثربازنویسی شده ازحکایت «دو بط وباخه دوست آنان» با تکیه بر«لاکپشتی درآسمان» از مژگان شیخی و«پروازسخت لاکپشت»از ناصرکشاورز ۴۹۲
سودابه لطفی نژاد جلالی

بررسی تطبیقی زندگی آرمانی در اسکندرنامه نظامی و آتلانتیس نو اثر بیکن ۴۹۳
پدرام لعلبخش

طرح‌شناسی و شخصیت در فانتزی غول و دوچرخه ۴۹۴
سمیه لندی اصفهانی

بازتاب وحدت وجود در آینهٔ غزلیات بیدل دهلوی ۴۹۵
محمدابراهیم مالمیر

مقایسه ی تناسخ در اندیشه ی مولوی و مکتب اکنکار ۴۹۶
محمد ابراهیم مالمیر

نقد و تحلیل کارکردهای داستانی در گزیده ای از داستان های مثنوی معنوی ۴۹۷
محمدابراهیم مالمیر

بررسی مواد تشبیه به عنوان یک ویژگی سبکی در غزلیات حافظ برخیز معینی کرمانشاهی ۴۹۸
محمدابراهیم مالمیر

شَعْر شبگون یا شار گلنار؟ ۴۹۹
فاطمه ماهوان

مقایسهٔتطبیقی طرح، موضوع و ساختار دو داستان از تاریخ بیهقی بر اساس نظریهٔمعنا-ساختاری گرماس (مطالعهٔ موردیداستان دو سپهسالارحاجب غازی و اریارق) ۵۰۰
وحید مبارک

روانشناسی شخصیت پیران ویسه در شاهنامه بر اساس دیدگاههای یونگ و آیزنک ۵۰۱
وحید مبارک

خوانش مسائل عصر مغول در اثر تاریخی-ادبی تاریخ جهانگشا و مقایسهٔ آن با پارهای از کتب تاریخی۵۰۲
طاهره مجیدی پور

بررسی تطبیقی پیرنگ در اساطیر همسوی شاهنامه و ایلیاد(موردکاوی نبرد رستم و اسفندیار با آشیل و هکتور) ۵۰۳
فرشته محجوب

بررسی زبان شناختی عناصر انسجام متن در زبان فارسی از دیدگاه تحلیل کلام« موردکاوی مثنوی معنوی و غزلیّات شمس » ۵۰۴
فرشته محجوب

تحلیل اندیشه وحدت وجود در دفتر اول مثنوی ۵۰۶
رامین محرمی

تحلیل تطبیقی کلان‌دوره‌های آفرینش و نخستینه‌ها در شاهنامهٔ فردوسی وبهشت گمشدهٔ میلتون ۵۰۷
رامین محرمی

مؤلفه های ملی و دینی در شعر دو پرچمدار جنبش مشروطه و انقلاب اسلامی(ملک الشعرای بهار و سید حسن حسینی) ۵۰۸
فاطمه محسنی گردکوهی

«بررسی تطبیقی قصّه‌های کلاسیک، با رویکرد قصّه‌درمانی(قصّه‌های تعلیمی، عرفانی، حماسی)» ۵۰۹
شاهرخ محمدبیگی

بررسی پیوند نمادهای حیوانی و مضامین سیاسی-اجتماعی در اشعار میرزاده عشقی ۵۱۰
سمیرا محمدزاده

رامین محرمی

بررسی ویژگی‌های زبانی اشعار عمادی شهریاری ۵۱۱
هوشنگ محمدی افشار

جلوههای پایداری در اشعار ملکالشّعرای بهار و خلیلالله خلیلی ۵۱۲
هوشنگ محمدی افشار

بررسی تطبیقی عناصر اجتماعی و انسانی در شعر نیمایوشیج و ناظم حکمت ۵۱۳
هوشنگ محمدی افشار

آیین جنگ و رویارویی با دشمن درقابوس‌نامه، سیاست‌نامه، مرزبان‌نامه و کلیله و دمنه ۵۱۴
حمزه محمدی ده‌چشمه

نقش «نیستی» در مفهومسازی وادیهای سلوک در منطقالطیر ۵۱۵
علیرضا محمدی کلهسر

نقد فرمالیستی بر شعر باغ من(اخوان ثالث) ۵۱۶
نریمان محمدی گلباغی

تجلّی مضامین رضوی در شعر فارس کرمانشاهی ۵۱۷
مجید محمدی

سبک‌شناسی تحمیدیه‌های آثار منثور سلسلهٔ نعمهٔاللهی ۵۱۸

محمد محمدی

تشبیه و استعاره در منظومهٔ حماسی «جهانگیرنامه» ۵۱۹
محتشم محمدی

جلوه‌های ادب پایداری در شعر سایه ۵۲۰
یداله محمّدی

بازخوانی جنگ و شهدا در شعر «قیصر امین پور» ۵۲۱
مهدی محمدی

دیدگاه صورت پرستی در "دیوان اسیر" فروغ فرخزاد ۵۲۲
احمد محمدی

پیگیریِ تقابلِ خرد، فرّه و آذر با دیو آز از اوستا تا داستانهای اساطیری و حماسی شاهنامه ۵۲۳
عبّاس محمّدیان

بررسی وجوه گفتمانی نقد تصوّف در کتاب «کشف الاشتباه» ۵۲۴
عبّاس محمّدیان

ذهن و سیلان آن در سه داستان کوتاه معاصر فارسی(شب شک، آرامش قشنگ و خمیازه در آینه) ۵۲۵
علیرضامحمودی

تحلیل ساختار روایتی فرهاد و شیرین وحشی بافقیبر پایهٔ نظریهٔ گریماس ۵۲۶
علیرضا محمودی

بررسی تطبیقی جهان بینی فردوسی درشاهنامه و سرود رولان ۵۲۷
شهلا محمودیان

اهمیت تربیت شهروندی در کتب فارسی مقطع بنیادی ۵۲۹
خدایار مختاری

تعابیر شاعرانه از اشخاص‌دینی در شعر قیصر امینپور(با بهرهگیری از نظریهٔ زبان شعر رومن یاکوبسن) ۵۳۰
مسروره مختاری

ابن یمین، معلّم اخلاق(بر مبنای نظریهٔ جامعهشناسی ادبیات گولدمن) ۵۳۱
مسروره مختاری

تطبیق کهنالگوی آنیما و جنبههای آن در اشعار قیصر امینپور ۵۳۲
فاطمه مدرسی

روابط غیرکلامی در غزلیات شمس ۵۳۳
فاطمه مدرسی

جستاری در اسطوره شهرناز و ارنواز در اساطیرایرانی و هندی و تحلیل خویشکاری آنان در شاهنامه ۵۳۴
فاطمه مدرسی

بررسی تطبیقی نمادهای مرسوم و مستوردر داستانهای کوتاه غلامحسین ساعدی و سیمین دانشور ۵۳۵
فاطمه مدرسی

نماد پردازی چاه در حماسه های ملی ۵۳۶
سهیلا مرادقلی

قلمروگریزی اقلیتی ناصرخسرو(بر اساس دیدگاه ژیل دلوز) ۵۳۷
پروین مرادی ابسردی

شهدی از شکرستان هفت بند ملاحسن کاشی در جوابیه های محمد بن ابراهیم ذکاء قناد کابلی ۵۳۸
ابوالفضل مرادی رستا

معرّفی نسخهٔ خطّی «ضیاء العین فی مراثی الحسین علیه السلام» ۵۳۹
مریم مرادی

بررسی عنصر گفت و گو در حکایت‌های مرزبان نامه ۵۴۰
بایرام مراد مرادی

مقایسه تطبیقی متن تاریخی(جهانگشای جوینی) با متن عرفانی(کشف الاسرار وعده الابرار میبدی) ۵۴۱
مریم مرادی

تصحیح بیتی از گلستان سعدی ۵۴۲

سید امیرحسین مرتضایی

بلاغت نوین در داستانهای بیژن نجدی ۵۴۳
سید امیرحسین مرتضایی

تعادل یا تقابل اخلاق و هنر در اشعار انوری ۵۴۴
رحمان مشتاق مهر

بررسی مضامین مرد در اشعار طاهره صفارزاده ۵۴۵
آرش مشفقی

بررسی شیوه های روایت در آثار حسین سناپور ۵۴۶
آرش مشفقی

بررسی جریان‌های نوی شعر معاصر ۵۴۷
آرش مشفقی

نگرش عالمتاج قایم مقامی به مرد از خلال آثارش ۵۴۸
آرش مشفقی

هنجار گریزی واژگانی در اشعار محمّد علی بهمنی ۵۴۹
آرش مشفقی

آسیبشناسی اجتماعی« زهد صوفیانه » از نگاه سعدی ۵۵۰
ندا سادات مصطفوی

نقد روش‌شناسی دو مقالهٔ علمی- پژوهشی در حوزهٔ عرفان‌پژوهی با موضوع درد ۵۵۱
ندا سادات مصطفوی

بررسی و تحلیل شخصیت پردازی در سنگ صبور نوشته ی صادق چوبک ۵۵۲
سولماز مظفری

بررسی ماهیت درد و رنج در اشعار پروین اعتصامی ۵۵۳
سولماز مظفری

بررسی مضامین دینی و مذهبی در اشعار کتاب های فارسی دوره ابتدایی ۵۵۴
فائزه مظلومی

بررسی انسجام و پیوستگی در شعر آرش کمانگیر سیاوش کسرایی برپایه نظریه انسجام هلیدی و حسن ۵۵۵
امیرحسن مغیث

عارف و مقام رضا در امهات کتب عرفانی با محوریت مثنوی معنوی ۵۵۶
امیرحسین مغیث

شخصیت‌پردازی رمان پسامدرن؛ مطالعهٔ موردی: فرانکولا، کتاب اعتیاد و من کاتالان نیستم ۵۵۷
سروناز ملک

توسعه یافتگی سیاسی از منظر فردوسی ۵۵۸
صفا ملکی

صدای عدالت علی (ع) در اندیشه‌ی نظامیگنجوی ۵۵۹
صفا ملکی

رؤیاواره در شعر حافظ ۵۶۰
مجید منصوری

ترتیب عددی- رمزیشاهان و شاهزادگاندر شاهنامهٔ فردوسی ۵۶۱
زهرا منصوری

علم و مراتب آن در مثنوی مولانا ۵۶۲
حسین منصوریان

رد پای کین در شاهنامه ۵۶۳
محمود مهدوی دامغانی

بررسی کارکرد دوگانهٔ زبان «سخن و سکوت» در کلام و اندیشهٔ مولانا ۵۶۴
ملیحه مهدوی

بازتاب خویشتن در بررسی تطبیقی قصّهٔ خیر و شر و دو مسافر ۵۶۵

مینا مهرآفرین

نگاهی به تجلّی اسطوره در شعر نادر نادرپور ۵۶۶
قاسم مهرآور گیگلو

نگاهی به کاربرد تکیه در شعر سلمان هراتی ۵۶۷
قاسم مهرآور گیگلو

بررسی عنصر تشخیص و رابطهٔ آن با عناصر بومی در جلد اول رمان کلیدر ۵۶۸
مریم مهربان

بررسی زمینه های عقده ی حقارت در آثار مولانا ۵۶۹
مریم مهرارا

قواعد دستوری بازمانده از زبانهای ایرانی باستان درساخت افعال ماضی متعدی در گویش دالینی ۵۷۰
راضیه موسوی خو

نمودهای عاطفه در نفثه المصدور ۵۷۱
سیدجلال موسوی

گرایش اسماعیلی ناصرخسرو نماد انتقاد سیاسی ۵۷۲
معصومه موسیوند

بررسی تطبیقی قیام مردمی در دو داستان کاوه آهنگر و ویلهلم تل ۵۷۳
نرگس مولوی

نقدی بر داستان اندکی سایه اثر احمد بیگدلی ۵۷۴
زهرا میرشکار اصفهانی

بدایع مولانا در انواع تشبیهات درمثنوی ۵۷۵
سید رضی میرصادقی

سیر تحول ردیف از آغاز تا امروز ۵۷۶
معصومه میرناصری

بررسی عنصر زمان در روایت" توبهٔ نصوح"براساس نظریهٔ ژرار ژنت ۵۷۷
محمد میر

دیدار با خدا در آثار عین القضات همدانی ۵۷۸
معصومه سادات میرجعفری

مقایسه کارکرد وساختمان فعل درسیاست نامه وقابوس نامه ۵۷۹
سارا میرزایی

معرفی جُنگ منحصر بفرد ۵۸۰
علی (پدرام) میرزایی

بررسی کارکرد حذف در نفثةالمصدور ۵۸۱
پدرام میرزایی

بررسی آکوستیکی فرایند واجی همگونی در گویش کلاردشت ۵۸۲
عاطفه‌سادات میرسعیدی

بررسی ویژگی های سبکی حکایت خلیفه و اعرابی از مولانابارویکرد سبک شناسی انتقادی ۵۸۳
سید رضی میر صادقی

محدودیت کاربرد نشانهٔ جمع «ها» با کلمات فارسی مختوم به «ها» ۵۸۴
مائده السادات میرطلائی

میزان انطباق هجای تکیه‌بر وزنی و هجای تکیه‌بر واژگانی در اشعار عامیانهٔ کردی کرمانشاهی ۵۸۵
مائده السادات میرطلائی

نقد فمینیستی سمفونی مردگان عباس معروفی و زن شیشهای راضیه تجار ۵۸۶
رقیه میرمرادی

کهن الگوی سفر قهرمان در قصه ی حسن کچل ۵۸۷
سیدمجتبی میرمیران

بررسی تفاوتها در ورسیون های یک افسانهٔ دگردیسی شده (سه خواهر) ۵۸۸

سید مجتبی میرمیران

سیمای صور خیال در آینه شعر کودک با تکیه بر آثار "اسدالله شعبانی" ۵۸۹
مریم میری

واکاوی تطبیقی تصویرگری های رباعیات منسوب به خیام ۵۹۰
میلاد میناکار

اصول بلاغی لفظی و معنایی مؤثر در زیبایی رباعیات خیام ۵۹۱
امیر نادربیگی

نقدی بر نظریهٔ اشتقاق اصطلاح کابالیسم از اسم خاصّ « قابیل»:خطای ریشه‌شناسی عامیانه ۵۹۲
عبدالرضا نادری‌فر

مقایسه وتحلیل استعارهٔ عشق درغزلیات حافظ وبیدل(برپایه معنی شناسی شناختی) ۵۹۳
عبدالرضا نادری‌فر

بررسی آراء مولوی و کارلوس کاستاندا در زمینهٔ فلسفهٔ خلقت موجودات زنده: تحلیل انتقادیِ شیوه‌های استدلال ۵۹۴
عبدالرضا نادری‌فر

بررسی هنجارهای سبکی غزلّیات بیدلبر اساس رویکرد فرمالیستی ۵۹۵
سکینه نجاتی رودپشتی

تحلیل زاویهٔ دید و شخصیتپردازی در رمان «چه کسی باور میکند رستم» بر اساس رویکرد نقد مضمونی۵۹۶
سکینه نجاتی رودپشتی

«ریختشناسی قصههای کلیله و دمنه» ۵۹۷
عفت نجار نوبری

مرگ اندیشیدر مقامات حریری و تأثیر آن بر مقامات حمیدی ۵۹۸
محمدرضا نجاریان

درون مایه اشعار معینی کرمانشاهی ۵۹۹

محمدرضا نجاریان

بررسی ساختار موسیقی بیرونی وکناری اشعار داوری شیرازی ۶۰۰
محمد رضا نجّاریان

رویای صادقه در کتاب خاک های نرم کوشک ۶۰۱
محمدرضا نجاریان

بـررسی نشانه ها و دلایل کفـرگویی در سه شاعـر معاصـر(۱.مهدی اخوان ثالث، ۲. احمد شاملو ، ۳. فروغ فرخزاد) ۶۰۲
- فاطمه مدرسی

بررسی ساقینامه رضی الدین آرتیمانی ۶۰۳
عیسی نجفی

جایگاه زن و خانواده در شعر رشید یاسمی و یدالله بهزاد ۶۰۴
عیسی نجفی

شناختشناسی مثبتانگارانهٔ شعر عصرغزنوی و سلجوقی ۶۰۵
اسماعیل نرماشیری

اتّحاد عاشق و معشوق در ظرف حکایات لیلی و مجنون ۶۰۶
زهرا نصر اصفهانی

آسیبشناسی یک آسیبشناسی: مطالعهای در ضرورت تحقیقات جامعدربارهٔ خرید و فروش نوشتههای علمی۶۰۷
مهرداد نصرتی

نظام‌بخشی به انواع نقد خویشتن در عرصهٔ خلاّقیتهای ادبی ۶۰۸
مهرداد نصرتی

آموزه‌های اخلاقی ابوسعید ابوالخیر در اسرارالتوحید ۶۰۹
منیره نصری حسنی

واکاوی درساختار دستوریِ بند هجدهم از وندیداد دهم ۶۱۰

پونیا نظربلند.

بررسی سبک شخصی دو بخش اصلی و افزودهٔ تذکرهٔ الاولیای عطّار براساس روش تحلیل آماری کیوسام (Cusum) ۶۱۱

احمدرضا نظری چروده

ادبیّات اعتراض در آثارفرّخی یزدی و احمد مطر ۶۱۲

احمدرضا نظری چروده

هنجارهای ترجمه "ماهی سیاه کوچولو" صمد بهرنگی به انگلیسی ۶۱۳

فاطمه‌زهرا نظری رباطی

بررسی تحلیل گفتمان سفرنامه های عتبات دوره قاجار ۶۱۴

مهران نظری‌نسب

اعتراض به نظام مرد سالاری در میان شاعران زنِ معاصر ایران و مصر(بررسی موردی: اشعار پروین اعتصامی و عائشه تیموری) ۶۱۵

فاروق نعمتی

منشات خاقانی، دل نوشته‌های متکلف و فنی اما هنری و زیبا ۶۱۶

سیدایوب نقشبندی

خداوندنامه صبا حماسهای مهجور ۶۱۷

نسترن نکومنش فرد

بررسی عناصر اربعه(آب، باد، خاک، آتش)در آثار هوشنگ ابتهاج ۶۱۸

الیاس نورایی

مقایسه ساختار داستان خیروشر هفت پیکر نظامی با داستان شهریار بابل با شهریارزاده مرزبان نامه برپایه نظریه‌های روایت و تقابل‌های دوتایی. ۶۱۹

الیاس نورایی

خوانشدریاییها؛ نگاهی به مجموعه شعر رؤیایی ۶۲۰

لیلا نوروزپور

مراسم عروسی روستای دیوان از توابع شهرستان بندرلنگه و ترانه های آن ۶۲۱
اسدالله نوروزی

مکانیسم دفاعی واپس‌روی در سروده‌های مهدی اخوان ثالث ۶۲۲
علی نوری

صورت دیگری از عنصر منفیساز فعل ۶۲۳
روحالله نوری

تأویل، برخلاف گشتار، از امکانات زبان میکاهد ۶۲۴
روحالله نوری

ملازمه عقل و بندگی در مثنوی با تأکید بر قصه موسی و شبان ۶۲۵
منصور نیک پناه

تحلیل الگوهای اسطورهزدایی دراثر «آرش در قلمروی تردید» از نادر ابراهیمی ۶۲۶
مریم نیکقلب کسمایی

بررسی چند نکتهٔ بلاغی در ساختار سبکی مصیبتنامهٔ عطار ۶۲۷
عباس نیکبخت

استغنا و حیرت در مثنوی معنوی و بازتاب آنها در مثنویهای سلطانولد ۶۲۸
داود واثقی خوندابی

واکاوی شخصیّت در گلستان سعدی با توجه به نظریهٔ شخصیّت شناسی یونگ ۶۲۹
ابراهیم واشقانی فراهانی

بررسی و طبقه بندی افعال در زبان ترکی آذری با تاثیر بذیری از زبان فارسی ۶۳۰
هنگامه واعظی

معانی ثانوی پرسش در اشعار قیصر امینپور ۶۳۱
امید وحدانیفر

تأمّلی نو در ساختار و معانی ثانوی مقولههای علم معانی(مطالعۀموردی معانی ثانویۀ نهی تحذیری) ۶۳۲
فرشید وزیله

اسطوره در آثار احمد شاملو و مهدی اخوان ثالث بر اساس رویکرد بینامتنیت ۶۳۳
غلامرضا هاتفی مجومرد

مواضع استعمارستیزی در اشعار احمد شاملو و معروف رصافی ۶۳۴
مرتضی هادیان

واکاوی رفتارهای فرهنگی و اجتماعی در گویش گیلکی شرق گیلان ۶۳۵
سیده زهرا هاشمی نیاکوهی

نقدی برنحوه ارائۀ ادبیاتداستانی در کتابهای درسی ادبیاتفارسی متوسطه دوم ۶۳۶
روح اله هاشمی

سکینه عباسی

بررسی داستان سیاوش بر پایه نظریه تمایل محاکاتی رنه ژرار ۶۳۷
لیلا هاشمیان

تحلیل و بررسی معانی ثانوی جملات استفهامی در غزل های فخرالدین عراقی ۶۳۸
فریده یاسمی

علت پیدایش اسطوره وبررسی آن از دیدگاه روانشناسی ۶۳۹
ندا یانس

تعارض میان فردی در داستان «لهراسپ و گشتاسپ» با تکیه بر نظریات علم مدیریت تعارض ۶۴۰
نازیلا یخدان ساز

بررسی و تحلیل منظومۀ غنایی شاهرخ و گلرخ ۶۴۱
احمدرضا یلمه‌ها

سیری در اندیشه های کنفسیوس و سعدی در باب آموزش ۶۴۲
خانم دکتر یو گویلی

تحلیل شناختی استعارهٔ آیینه در غزلیات صائب ۶۴۳
محمدکاظم یوسف پور

اصول بازنویسی داستانهای متون کهن فارسی به منظور استفاده در برنامه فلسفه برای کودکان ۶۴۴
عاطفه یوسفی

بازخوانی داستان شیر و گاو (کلیله و دمنه) بر اساس مبانی داستانی فلسفه برای کودکان ۶۴۵
عاطفه یوسفی

ساخت اسامی قزاقی با پسوندهای فارسی

نورضیا آتِیِکُوا[۱]

چکیده:

در جهان، زبان های بسیاری با همدیگر بر خورد کرده و در زمان بر خورد زبان ها، واژه ها از یک زبان به زبان دیگر وارد می شوند. مثلاً بیشتر کلمه های زبان فارسی در زبان قزاقی دیده می شود و همچنین از کلمه ها و از پسوند های فارسی در زبان قزاقی واژه های جدیدی ساخته شده اند. با چند پسوند مهم که در این زبان قزاقی دیده می شوند آشنا می شویم.

پسوند "خانه". در زبان فارسی کلمه ی "خانه" خود یک لغت است که معنی "منزل" را می دهد. اما این لغت به عنوان پسوند و به شکل "خانا" وارد زبان قزاقی شده و به تنهایی هیچ معنی نمی دهد، فقط با اضافه شدن به دنبال یک لغت واژه ی مرکب می سازد. مانند: کیتاپخانا- یعنی کتابخانه ...

پسوند "گر". پسوند "گر" در زبان قزاقی به دو شکل استفاده می شود. هم به شکل "گِر" و هم به شکل "کِر" وارد زبان قزاقی شده است. مانند: ژومُسکِر- یعنی کارگر، دَریگِر- یعنی داروگر...

پسوند "نامه". "نامه" در زبان فارسی کلمه ی است که معنی "پیام کتبی فرستاده شده" را می دهد. این کلمه در زبان ترک زبانها "ناما" گفته می شود. این کلمه وقتی وارد زبان قزاقی شده یک حرف آن تغییر کرده. یعنی لغت "نامه" در زبان قزاقی تبدیل به "داما" و "ناما" شده و به تنهایی هیچ معنی نمی دهد،فقط یک واژه ی مرکب می سازد. مانند: خاتتاما- یعنی صورت مجلس. و همچنین در زبان قزاقی لغت "نامه" هم به شکل "ناما" استفاده می شود. مانند: ژارناما- یعنی آگهی.

اسمهای زبان قزاقی که به وسیله ی پسوندهای زبان فارسی ساخته شده اند بسیار هستند و همچنین در این زبان این کلمه ها مانند کلمه های زبان قزاقی استفاده می شوند، این کلمه ها را ما مثل کلمه های بیگانه استفاده نمی کنیم. حتی اگر آنها کلمه های بیگانه وارد شده به زبان قزاقی باشند.

کلید واژه‌ها: زبان فارسی، پسوند، زبان قزاقی، کلمه، معنی واژه ها.

۱.استاد زبان فارسی دانشگاه آبلایخان (قزاقستان- آلماتی)؛ رایانامه: nurzyaa-78 @ mail.ru

نگاهی فرمالیستی بر «قصه شهر سنگستان» اخوان ثالث

فرامرز آدینه[۱]
فاطمه علیان[۲]

چکیده:
صورتگرایان یا فرمالیست ها در نقد ادبی، شکل اثر را دارای اهمیتی اساسی می دانند و توجه خود را از هر آن چه ارتباطی بیرونی با اثر دارد دور می کنند. شکل گرایان برای این کار به تجزیه و تحلیل عناصر موجود در خود اثر می پردازند. نمونهٔ مورد بررسی در این مقاله که بناست بر اساس دیدگاه زبان شناختی مکتب صورت گرایی مورد تجزیه و تحلیل واقع شود قصیدهٔ قصهٔ شهر سنگستان سرودهٔ شاعر بلندآوازه معاصر ایرانی «مهدی اخوان ثالث» است. در خوانش قصه شهر سنگستان به خوبی پیداست که هیچ شعری نمی تواند ارزشمند باشد مگر این که از پس آن بتوان رویایِ جهانی را مشاهده کرد و از فراز آن اندوه وارد آمده در ظروف اجتماعی شاعر را به نظاره نشست، با استنباط از زبان شعری در قالب روایی آن مشاهده می شود که شعر شهر سنگستان تصویرسازی برای احساسات نیست بلکه آفرینش جهان شعری‌ای است که از غفلت مردمان عصر می‌نالد. برای دریافت گوشه ای از این دیدگاه بناست توصیف عناصر ساختاری در این قصیده، در سطوح آوایی، واژگانی و ساختاری صورت بگیرد.

کلیدواژه‌ها : اخوان ثالث، شهر سنگستان، واژه.

[۱] عضو هیئت علمی و استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور
[۲] دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد؛ رایانامه: fateme.alian5@gmail.com

بررسی عناصر دستوری در خسرو و شیرین و لیلی و مجنون نظامی

علی آذرگون[۱]

سید محمود رضا غیبی[۲]

چکیده:

ساختار دستوری هر زبان وسیله ای برای بیان افکار و عقاید است که این ساختار در متون ادبی به دلیل نقش هنری آنها تحت تاثیر مسائل هنری مختلف ازجمله: برجسته سازی، توازن، آهنگ، قافیه و ... قرار می گیرد و این مساله باعث ایجاد ابهام در بعضی از آثار ادبی می شود. بنابراین برای فهم بهتر این متون لازم است بعضی از مسائل دستوری کهن و هنجار گریزی های دستوری مورد بررسی قرار گیردکه در این پژوهش به بررسی بعضی از این موارد در خسرو و شیرین و لیلی و مجنون نظامی پرداخته شده است.

در این تحقیق به مواردی که از لحاظ ساختاری با ساختار امروز تفاوتی دارند و از بعضی جهات دارای قاعده کاهی و قاعده افزایی دستوری هستند، اشاره شده است و در ابتدا حروف و تنوع کاربرد آنها و در مراتب بعدی پیشوندها، پسوندها، اصوات، قیود و افعال از جهات برجستگی و بسامد و ... به همراه دیگر ارکان صرفی و نحوی مورد توجه قرار گرفته است.

کلید واژه‌ها : ساختار، دستور زبان، برجسته سازی، نظامی، خسرو وشیرین، لیلی و مجنون.

[۱] استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرند

[۲] استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرند؛ رایانامه: ma_gheibi@yahoo.com

بررسی کانونی‌سازی در رمان رقص‌مرگ

لیلاآذرنیوار [۱]

چکیده

کانون‌سازی، انتخاب کانون دیدی است که از طریق آن، افراد وقایع داستانی مورد مشاهده قرار می‌گیرد و کانونی‌سازی‌روشی است برای انتخاب و محدودسازی رویدادها و اطلاعات روایی از زاویهٔ دید و دیدگاه کارگزار کانونی‌ساز که دیدگاهش عاملی است که به متن روایی جهت می‌دهد. نویسنده با استفاده از کانون روایت‌های مختلف این شانس را به راوی می‌دهد که در بارهٔ میزان حضور و مشارکت خود در داستان تصمیم‌گیری کند، همچنین وسعت اطلاعاتی که می‌خواهد در اختیار مخاطب قرار دهد را تعیین کند. احساسات، عواطف و خواسته‌ها و افکار شخصیت‌های داستانی را آشکار یا پنهان کند. در روایت خود را نشان دهد یا پنهان کند و با تغییر مداوم کانون‌های روایت، باعث پویایی وتحرّک داستان شود. بنابراین در این مقاله ابتدا به بررسی زاویه دیدهای به کار رفته در رمان رقص مرگ پرداخته شده و اینکه نویسنده از چه دیدگاهی به داستان نگاه می‌کند بعد براساس نظریه‌های روایت‌شناسان به بررسی کانون روایت و کانونی‌سازی رمان پرداخته شده‌است.

کلید واژه‌ها: حسین زمانی،رقص‌مرگ، کانون روایت، کانون‌سازی،زاویه دید.

[۱] کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه: leilaazarnivar@yahoo.com

بررسی بازتاب روان‌شناسی یونگ در رمان سمفونی‌مردگان

لیلاآذرنیوار[۱]
عسگر صلاحی[۲]

چکیده

تلاش‌های یونگ، در قلمرو اساطیر و ناخودآگاه جمعی، دستمایهٔ منتقدان بسیاری برای بررسی آثار ادبی، قرار گرفته‌است. در این پژوهش، سمفونی‌مردگان عباس معروفی که یکی از رمان‌های برجستهٔ ادبیات معاصر است، بررسی گردید و در چهارچوب کهن‌الگوهای من، قهرمان، سایه، پرسونا، پیرخردمند خویشتن و همچنین کارکردهای قهرمان و شخصیت‌های داستان مورد ارزیابی قرار گرفت و چگونگی تبلور هر یک از کهن‌الگوها به عنوان مسئلهٔ اصلی این تحقیق مشخص گردید. ضمن آنکه به بررسی کهن‌الگوهایی چون آنیما و آنیموس، مادر، سایه و مرگ نیز اشاره شده است.روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی بوده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که پدر نمود کهن‌الگوی سایه و هیتلر در هذیانات آیدین تبلور کهن‌الگوی قهرمان و استاد دلخون بیانگر پیر خردمند هستند. همچنین کهن‌الگوی خویشتن در شخصیت آیدین بروز می‌یابد. ضمن آنکه سرمازدگی اورهان و دچار توّهم شدن او نمونه‌ای از کهن‌الگوی مرگ است. شخصیت‌های آیدین و آیدا چون هر دوجنبهٔ زنانه و مردانه را نشان می‌دهند، نمود کهن‌الگوی آنیما و آنیموس هستند. مادر نیز کهن‌الگوی آنیما و آنیموس را باهم دارد. در پدر و اورهان بیشتر جنبهٔ آنیموس که مختصّ مردان است، مشهود است و جنبهٔ آنیما خود را کمتر نشان می‌دهد.چگونگی بروز این کهن‌الگوها، این اصل را بیان می‌کند که محتوای کهن‌الگوها به صورت مستمر اما در شکل‌های گوناگون ظهور می‌یابند.

کلیدواژه‌ها: آنیما، آنیموس، سمفونی مردگان، کهن‌الگو،معروفی.

[۱]کارشناسی ارشدزبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه: leilaazarnivar@yahoo.com
[۲]استادیارگروه زبان و ادبیات فارسیِ دانشگاه محقق اردبیلی

بررسی وجوه روایتی دررمان « زوال کلنل»، اثر محمود دولت‌آبادی

لیلا آذرنیوار [۱]

چکیده

روایت از آغاز تاریخ بشر وجود داشته‌است و نمی‌توان آن را محدود به قصه و داستان کرد، اما روایت به‌طور خاص یک داستان است، داستانی که مجموعه‌هایی از رخدادها در زنجیرهٔ زمانی در آن شکل می‌گیرد. از درون‌مایه‌های مهم آن می‌توان به روایت‌های کتاب مقدس، روایت تجربهٔ شخصی یا روایت زندان تاریخی، بیوگرافی روایت ذهنی، اشاره کرد. کارکردهای روایت این است که خواننده را تحت سیطرهٔ خود درمی‌آرد و به او احساس همدلی، هویّت و نقش‌پذیری می‌دهد. روایت‌شناسی، دربارهٔ شیوه‌های متفاوت نگارش و تحلیل ادبیات روایی مانند رمان، داستان کوتاه، حماسه بحث می‌کند. در این مقاله رمان زوال کلنل براساس مؤلفه‌های روایت‌شناسی، که شامل، عناصر زمانی، مکانی، شخصیت‌پردازی، کانونی‌شدگی و سطوح‌روایی می‌شود، مورد بررسی قرار گرفته و با ارائهٔ تعریفی از روایت و روایت‌شناسی به بررسی این رمان پرداخته شده‌است. هدف نهایی از این پژوهش، کشف الگوی جامع روایت است که تمامی روش‌های ممکن روایت داستان را در برگیرد همین روش‌هایی که تولید معنا را میسر می‌کند و نویسنده تصویری قانع‌کننده از حیات اجتماعی، اقتصادی،سیاسی، روان‌شناختی و فرهنگی جامعه، یا دست کم طبقات خاصی از جامعه را بازنمایی کند. همچنین با توجه به تعداد و تنوع موضوعی رمان‌های معاصر، چنین پژوهش‌هایی می‌تواند در شناخت بهتر داستان‌پردازی نویسندگان بسیار مفید باشد.هم با کشف نظام‌های موجود در متن روایی به خواننده در فهم بیشترداستان کمک کند.

کلیدواژه‌ها: دولت‌آبادی، رمان، زوال کلنل، روایت، روایت‌شناسی

[۱] کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه: leilaazarnivar@yahoo.com

بررسی تطبیقی کاربست اساطیر یونانی در شعر معاصر فارسی و عربی

عادل آزاددل[۱]
جواد گرجامی[۲]
نرگس معصومی[۳]

چکیده

اسطوره ها از زمان پیدایش تا کنون، همواره در بسترهای مختلفی چون تاریخ و ادبیات رشد کرده و موجب غنای آثار شده اند. شاعران به واسطه ی اسطوره، به گنجینه های ابهام آلود گذشته نقب زده و از آن گنجینه ها هر آن چه را مناسب تجربیات شعری خویش دیده اند، زینت بخش اشعار خود ساخته اند. یکی از جلوه های نوآوری در شعر معاصر فارسی و عربی، به کارگیری اسطوره است. شعر معاصر امروز، پاره ای از افسانه ها و اساطیر را در خود نهفته و نمود دیگری از پیوند با اسطوره را در خود جای داده است. در این میان گرایش به اسطوره های یونانی در آثار بعضی از شاعران فارسی و عربی دیده می شود. به دلیل خوانش های متفاوت شاعران ، تفاوت های بنیادینی در الهام گیری شاعران از این اسطوره ها وجود دارد. در این مقاله با اتخاذ رویکرد توصیفی-تحلیلی به مطالعه ی موردی اشعار برخی سرایندگان معاصر دو زبان به بررسی کاربست برخی از اساطیر یونان می پردازیم.نتایج پژوهش نشان می دهد که شاعران معاصر فارسی و عربی گاه با کاربست اسطوره به صورت غیر مستقیم و هنرمندانه در اشعارشان علاوه بر این که بعد نمادین و سمبولیک را در بیان تجارب و مفاهیم مورد نظر خود به کار می گیرند، در بیان مسائل سیاسی و اجتماعی نیز از اساطیر بهره می برند.

کلید واژه : اسطوره، اسطوره های یونانی، شعر معاصر فارسی، شعر معاصر عربی.

[۱] استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه محقق اردبیلی؛رایانامه: azaddel@uma.ac.ir
[۲] استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه محقق اردبیلی
[۳] مدرس دانشگاه پیام نور اصفهان

بررسی تحلیلی جریان پست‌مدرن در شعر فارسی معاصر

فروزان آزادبخت[۱]

چکیده

دهۀ هفتاد پرالتهاب‌ترین برهۀ شعر نوگرای فارسی ست . و جریان « پست‌مدرن »محور تحوّلاتاین دهه است. این جریان اگرچه ریشه در دهۀ شصت دارد امّا در دهۀ هفتاد با انتشار مجموعه شعر « خطاب به پروانه‌ها و چرا من دیگر شاعر نیمایی نیستم.» توسط « دکتر رضا براهنی » معرفی شد. و دیری نگذشت که مورد استقبال بسیاری از شعرای نوگرای جوان قرار گرفت و به عنوان اصلی‌ترین و مؤثرترین جریان دهۀ هفتاد شناخته شد.جریان پست‌مدرن متأثر از ایده‌های نظریّه‌پردازان اروپایی و با هدف عدول از مدرنیته شکل گرفته است ؛ هدف این پژوهش بررسی دقیق و علمی و بی‌طرفانۀ این جریان به منظور شناخت ماهیّت واقعی و میزان توفیق این جریان در تحقّق مؤلفه‌های تعریف شده توسط نظریه‌پردازان اصلی آن است. که با بررسی بیانیه‌ها و مؤلفه‌های تبیین شده و اشعار سروده شده توسط برجسته‌ترین شعرای این جریان، که در واقع تولیدات و محصولات تئوریه‌های مذکور است به نظر می‌رسد آنچه که در شعر فارسی معاصر به عنوان جریان پست‌مدرن شکل گرفته است در واقع عدول از مدرنیته نیست. این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی و تفسیری و به شیوۀ کتابخانه‌ای انجام شده است.

کلیدواژه‌ها : شعر نوگرای معاصر ، پست‌مدرن ، ساختارشکنی ، معناگریزی ، نحوزدایی

[۱] دکترای زبان و ادبیات فارسی، مدرس دانشگاه آزاد لرستان؛ رایانامه: foroozanazadbakht@yahoo.com

بررسی کاربرد افعال پیشوندی در شعر سهراب سپهری

فروزان آزادبخت[۱]

چکیده

اشعار «سهراب سپهری» یکی از پر مخاطب‌ترین اشعار معاصر فارسی است. که طی دهه‌های اخیر بسیار مورد بحث و پژوهش قرار گرفته، امّا به لحاظ جنبه‌های دستور زبان کمتر مورد تحقیق بوده است. با توجّه به اهمّیت دستور زبان در ادب معاصر، در این پژوهش به کاربرد افعال پیشوندی در شعر «سهراب سپهری» پرداخته شده است. و چون این گونه افعال یکی ازحلقه‌های ارتباطی بین تمامی ادوار زبان و ادبیات فارسی است، و در شعر معاصر نیز حضوری مؤثر دارد.

افعال پیشوندی در شعر «سهراب» از بسامد بالایی برخوردار نیست و لذا نمی‌توان کاربرد این گونه افعال را از ویژگی‌های شعر او دانست؛ امّا حضور اندک آنها در شعر او با وجود غیر تعمدی بودن، دارای بار معنایی خاص و تشخّصی مشهود است. هدف این پژوهش بررسی کاربردهای مختلف و معانی و ظرایف استعمال افعال پیشوندی در شعر «سهراب سپهری» است. روش این تحقیق توصیفی و تحلیلی و آماری ست و به شیوهٔ کتابخانه‌ای انجام گرفته است.

کلید واژه‌ها: افعال پیشوندی، شعر سهراب، کاربرد، بسامد، دستور زبان

[۱] دکترای زبان و ادبیات فارسی، مدرس دانشگاه آزاد لرستان؛ رایانامه: foroozanazadbakht@yahoo.com

ماهیت دوگان‌ساختی نام آواها در کردی کرمانشاهی بر اساس نظریهٔ صرفی- معنایی اینکلاس و زول (۲۰۰۵)

نسرین آژیده[۱]

چکیده

تکرار به دلیل ماهیت صرفی و واجی که دارد است،به موضوعی چالش برانگیز در مباحث زبانشناسی تبدیل شده است از این رو مطالعهٔ فرایند تکرار در زبان‌هایی که به میزان قابل توجهی کلمات مکرر دارند ضروری می‌نماید. در کلمات مکرر

که دوگان ساخت نامیده می‌شوند،هم عناصر بی‌معنا و هم عناصر معنا دار در ساخت کلمه وجود دارند و معیار معنایی در بسیاری از دیدگاه‌ها باعث می‌شود که نام‌آواها جزو دوگان‌ساخت محسوب نشوند. دوگان ساخت‌ها در کردی کرمانشاهی تعداد قابل توجهی دارند که بررسی آنها در شناخت بیشتر ماهیت تکرار سودمند است. در این پژوهش فرایند تکرار در نام آواهای کردی کرمانشاهی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج بررسی نشان می دهد که با استفاده از نظریهٔ دوگان سازی صرفی از عهدهٔ تبیین تمام موارد دوگان سازی مطرح شده در کردی کرمانشاهی بر می‌آید

کلید واژه‌ها: دوگان ساخت، ساخت صرفی، نام‌آوا.

[۱] دانشجوی دکترای زبانشناسی دانشگاه بوعلی سینا؛ رایانامه: Azhidehn@gmail.com

بررسی مباحث کلامی در قصاید خاقانی

فاطمه آستانه اصل[۱]

چکیده

علم کلام علمی است که دربارهٔ اعتقادات دینی به شیوه استدلال، بحث و گفت‌وگو می‌کند و به‌طور کلّی، کلام علمی است در باب اصول دین و رفع شبهات دینی. ازآنجاکه عرفان و کلام از موضوعات مهم علوم اسلامی هستند و به دلیل نزدیکی علم کلام و عرفان، عرفای بزرگ که صاحب آثاری به نظم و نثر هستند نیز در آثار خود، علاوه بر عرفان به علم کلام هم توجّه داشته‌اند و مباحث کلامی را در آثار خود بیان نموده‌اند. خاقانی نیز از این امر مستثنی نبود و در آثار خود ازجمله در دیوان اشعار، اشاراتی در باب علم کلام آورده است.در این پژوهش، کوشش می‌شود، ابتدا مباحث علم کلام موردمطالعه قرار گرفت، سپس دیوان اشعار خاقانی بررسی شد و ابیاتی که با مباحث علم کلام مانند ذات خدا، صفات خدا، جبر و اختیار، قضا و قدر، رؤیت، نبوّت، خلافت و امامت، معاد و مسائل دیگر کلامی منطبق است، استخراج گردید.آنگاه، این ابیات را بر اساس موضوع طبقه‌بندی کرده و درنهایت، به تحلیل و بررسی این مفاهیم پرداخته شد وبا توجه به نتایجی که به دست آمد افکار کلامی خاقانی به مکتب اشاعره بسیار نزدیک است.

کلید واژه‌ها: کلام،اشاعره،دیوان اشعار،خاقانی

[۱] کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه: astane_asl@yahoo.com

اصطلاحات عرفانی همنشین با واژه آئینه در دیوان بیدل دهلوی

اسما آسیابی زاده[۱]

رضا آقایاری[۲]

چکیده:

واژۀ آینه در اشعار بیدل ، بسامد و کاربردهای متفاوتی دارد و ترکیب‌های فراوان با آن ساخته و معانی متفاوتی را مد نظر داشته است . بیدل با توجه به توانایی هایی که داشته است از واژه آیینه برای تبیین مضامین عرفانی بهره گرفته و بصورت بسیار هنرمندانه، این واژه را به خدمت گرفته است و با بهره گیری از تعالیم ارزشمند عرفانی ، غرض و مقصود خود را در تائید دیدگاههایش به انجام رسانیده است. این مقاله بصورت جزئی به مضامین عرفانی موجود در دیوان بیدل پرداخته و برخی از آموزه های عرفانی را که با واژه آینه هم نشین شده اند مورد بررسی قرار داده است . اما جایگاه والای این شاعر بزرگ در ادبیات عرفانی و معانی و مضامین بلند و ژرف آن بطور کلی در مبحثی دیگر قابل تفسیر و بررسی است . دراین پژوهش از روش کتابخانه‌ای و شیوۀ استدلال استقرائی استفاده شده است. گردآوری و طبقه‌بندی اطلاعات، تجزیه و تحلیل و دست یافتن به یافته‌ها و استنتاج کلّی، ساختارهای اساسی این پژوهش را تشکیل می‌دهد که با بهره‌گیری از کتب، مجلات، نشریات و ... حاصل شده است.

کلید واژه‌ها:بیدل، آئینه، عرفان، حیرت

[۱]دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر؛ رایانامه: asma.asiyabizade@gmail.com
[۲]عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر

تصاویر شاعرانهٔ نظامی از دنیا

محمّد آقاجانپور عمران[۱]
نگار رشید [۲]

چکیده

نظامی از شاعران تصویرگرا و هنرمندی است که زبان شاعرانهٔ او، ابعاد گسترده‌ای از هنر زیبایی سخن را در خود جای می‌دهد. «دنیا» یکی از موضوعات محوری خمسه است که نظامی در ارائهٔ تصاویر شاعرانه، خلاقیت و ابتکار خود را به نمایش می‌گذارد. دقت در انتخاب الفاظ، تازگی خاصی به توصیفات نظامی بخشیده است غالب تعابیر و توصیفات نظامی از دنیا بیانگر فریبناکی و هوس‌انگیزی دنیاست. نظامی برای نشان دادن جزئیات این فریبناکی و هوس‌انگیزی دنیا، علاوه بر استفاده از اطلاعات و محتوای فکری و فلسفی خود، از صورخیال و ابعاد زبانی کلام نیز به گونه‌ای هنرمندانه بهره جسته است. تصاویر بلاغی مرتبط با «دنیا» غالبا با هدف تبیین وجه منفی دنیا شکل گرفته‌اند و شاعر با استفاده از استعاره و تشبیه، به خلق تعابیر و تصاویر شاعرانه‌ای دست یازیده است. به کارگیری عناصر انتزاعی، مذهبی، مکان، اشکال هندسی، اشیا، تصاویر انسان، حیوانات و طبیعت در به تصویر کشیدن این موضوع نشان از معرفی دقیق چهره دنیا و شناخت آن دارد.

کلید واژه‌ها: تصاویر شاعرانه، بلاغت، استعاره، نظامی، خمسه.

[۱] مدرس دانشکده فنی و حرفه ای شهرستان محمودآباد: رایانامه: aghajanpour91@yahoo.com
[۲] دانشجوی دکتری زبان و ادبیات علوم و تحقیقات تهران عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی مرکز محمود آباد

بررسی ساختار زمانمند در رمان «داستان یک شهر» احمد محمود

محمود آقاخانی بیژنی[۱]
اسماعیل صادقی[۲]
محمدرضا شریعتی راد[۳]

چکیده

«ساختار زمانمند»، رویکردی است که به چگونگی شکل‌گیری ساختار داستان و متون روایی به تاثیر پذیری از زمان می‌پردازد. این دیدگاه متون روایی را بر اساس زمان خطی داستانی و غیرخطی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. در زمان غیرخطی بر هم خوردن توالی قراردادی زمان، با بازگشت به زمان گذشته توسط راوی و توسل او به عامل تداعی کننده، باعث می‌شود که متون روایی شروعی از میانه و پایان داشته باشند. هر حادثه مانند حلقه‌ای است که از یک نقطه شروع می‌شود و پس از شرح ماجرا به همان نقطهٔ آغاز باز می‌گردد. در رمان «داستان یک شهر»، ارتباط علی و معلولی بین وقایع با استفاده از عامل زمان برقرار می‌شود. برهم خوردن توالی قراردادی زمان، باعث شده است این رمان شروعی از پایان داشته باشد. بازگشت‌های مکرر به گذشته در خاطرات خالد (شخصیت اصلی)، زمانی غیرخطی در رمان ایجاد کرده است. هدف پژوهش حاضر، مطرح شدن نظریه‌ای با رویکردی جدید در حوزه نقد ساختارگرایی با تجزیه و تحلیل رمان «داستان یک شهر» از احمد محمود است. روش پژوهش حاضر توصیفی ـ تحلیلی است. این پژوهش منجر به این نتیجه شد که رمان «داستان یک شهر» منطبق با دیدگاه «ساختار زمانمند» است و نشان می‌دهد که محمود، چگونه با به کارگیری زمان غیرخطی ساختار ذهن و آشفتگی شخصیت خالد را نشان می‌دهد. همچنین با استفاده از عناصر مهمی چون نام و نام‌خانوادگی، زمان خاص، محیط مادی، منِ راوی و زبان به شخصیت‌های رمانش فردیت می‌بخشد.

کلید واژه‌ها: نقد ساختارگرایی، ساختار زمانمند، احمد محمود، رمان داستان یک شهر، فردیت‌یافتن شخصیت.

---

[۱] ـ دانشجوی دکتری ادبیات حماسی دانشگاه اصفهان؛ رایانامه: aghakhani46@yahoo.com
[۲] استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد
[۳] دانشجوی دکتری ادبیات حماسی دانشگاه اصفهان

تحلیل تطبیقی عشق در فتوحات مکّیه ابن عربی و منظومهٔ سلامان و ابسال جامی

سمانه السادات آقادادی[۱]

سیده مریم روضاتیان[۲]

چکیده:

عشق در عرفان اسلامی علت اصلی آفرینش جهان است. در واقع تجلی عشق سبب ایجاد تمام مراتب خلقت گردیده و مرتبه به مرتبه آنها را در مسیر حرکت و استکمالشان به حق رسانده است. در این پژوهش کوشش شده است از یک سو به تبیین مفهوم عشق،کیفیت معشوق، عقل و عشق، نقش خلّاق خیال در عشق، ریاضت و مراتب عشق در فتوحات مکّیه ابن عربی پرداخته شود و از سویی دیگر میزان همخوانی، تطابق و اثرپذیری جامی در منظومهٔ سلامان و ابسال از آراء ابن عربی تحلیل گردد.

از دستاوردهای این پژوهش چگونگی پیوند صعودی مراتب عشق در آثار منظور است. عشق طبیعی که اولین مرتبهٔ عشق از دیدگاه ابن عربی است با ابسال در شکل طبیعی و جسمانی آن آغاز می گردد. با تصویر خیالی ابسال، استحالهٔ عشق طبیعی به عشق روحانی که در زهره متجلی شده است، ممکن می گردد. سرانجام سلامان به عشق الهی یا از دید جامی به پادشاه که در تمامی مراتب عشق، راهنما و همراهش بود؛ نائل می شود و مسیر کمال خویش را طی می کند.

کلیدواژه ها: عشق، فتوحات مکّیه، سلامان و ابسال، ابن عربی، جامی.

[۱] دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی-ادبیات عرفانی دانشگاه اصفهان؛ رایانامه: S.aghadadi@yahoo.com

[۲] دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان

چهره مغول در اقتباس‌های تاریخ جهانگشای جوینی

افسانه آهنگری[۱]
وحید مبارک[۲]

چکیده

از زمان گسترش اسلام در شبه جزیره عربستان و آشنایی مسلمانان با تعبیرهای حکیمانه قرآنی چه بسیار نویسندگانی که نوشته‌های خود را با انگیزه‌های متفاوت آراسته به کلام وحی نموده و از آن بهره‌ها جسته‌اند. عطاملک جوینی مصنف تاریخ جهانگشا نیز از جمله کسانی است که در تاریخ خود از آیات الهی در قالب اقتباس، تضمین و تحلیل استفاده کرده است.

طی قرن ششم و هفتم هجری تحولی در نثر پدید آمد که در نتیجه ساده‌نویسی جای خود را به نثر فنی و استفاده ازآرایه‌های گوناگون لفظی و معنوی داد. جوینی نیز به پیروی از سبک ادبی زمانه خویش کتاب خود را به نثر فنی آراست. در این مقاله سعی شده به این سوال پاسخ دهیم که اصلی‌ترین هدف جوینی از بکارگیری آیات الهی چه بوده؟ در این زمینه فرضیه‌هایی که وجود دارد عبارتند از: جوینی قصد داشته با استناد به آیات بر اعتبار مشاهدات خود بیفزاید. او با بکارگیری آیات قرآن در تاریخ جهانگشای موجب گسترش اسلام در میان قوم مغول شد.

کلید واژه‌ها: عطاملک جوینی، نثر فنی، اقتباس.

[۱] دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه: ahangariafsaneh@yahoo.com
[۲] استادیار گروه زبان وادبیات فارسی دانشگاه رازی کرمانشاه

اخلاق حرفه ای در ورزش
مطالعه موردی جوانمردی در ادب فارسی

فیروزان ابوالحسنی[۱]

چکیده:

ایران از زمان های بسیار قدیم و به ویژه پس از پذیرش اسلام وتاثیرات آن در کلیه شیونات زندگی ،معنویت و اخلاق را با فرهنگ ورزشی عجین نموده است تاریخ معنوی وفرهنگی ورزشی ایران ز مین به اعمال جوانمردانی است که ایمان ، اخلاق ، اخلاص ،راستگویی و پاکی وسایر صفات عالی انسانی زیبنده اخلاق پهلوانی آنان بوده است. این مطالعه، اخلاق و ورزش حرفه ای را در زبان وادبیات فارسی مورد بررسی قرارداده که محوریت آن فضایل، احترام به قوانین ، و بازی جوانمردانه می باشد که در تاریخ ادبیات فارسی و عرفان ایران زمین بسیاربه آن پرداخته شده است. روش پژوهش دراین مقاله از نوع توصیفی وبه شیوه کتابخانه ای مورد بررسی قرار گرفته است. نتیجه حاصل از این پژوهش نشان می دهد با گذشت زمان آمیختگی آیین فتوت و آداب ورسوم جوانمردانه افزایش یافته و.به عنوان یک خصیصه خوب و ارزشمند انسانی الهی ، اجتماعی و فرهنگی مورد تایید شرع و عقل وعرف دارای نقش و جایگاه مقبولی است.

کلید واژه‌ها : اخلاق حرفه ای ، ورزش ، جوانمردی ، ادب فارسی.

[۱] دانش آموخته کارشناسی ارشد آموزش زبان فارسی دانشگاه پیام نور تهران ،دبیر آموزش و پرورش شاهین شهر، اصفهان؛
رایانامه: ff.abolhassani@gmail.com

مقایسهٔ تطبیقی داستان سیاوش در شاهنامه و واقعهٔ کربلا

سید رضا اتابک[۱]

چکیده

داستان سیاوش از زیباترین و دل‌انگیزترین و در عین حال غم‌انگیزترین داستان‌های شاهنامه است.داستان شاهزاده‌ای نجیب و پاکدامن که برای حفظ نجابت خود و نجات یافتن از توطئه‌های سودابه(نامادری خویش)از همه چیز خود می‌گذرد و به سرزمین تورانیان می‌گریزد و در آن‌جا با توطئهٔ کرسیوز(برادر افراسیاب)به قتل می‌رسد.بی‌راه نرفته‌ایم اگر سیاوش را به دلیل مظلومیت و پاکدامنی-اش«شهید ایران باستان»بخوانیم.با مطالعهٔ داستان سیاوش و تأمل در آن ،هر ایرانی مسلمانی متوجه شباهت داستان این شاهزادهٔ ایران باستان و واقعهٔ کربلا و اتفاقاتی که برای امام حسین(ع) و یاران وفادار ایشان افتاد ، می‌شود. شباهت‌هایی که نمی‌توان بی‌تفاوت از کنار آن گذشت و وجود آن‌ها را اتفاقی دانست.این مقاله در پی آن است تا با مراجعه به کتب مختلف مربوط به واقعهٔ کربلا و کتاب‌های تاریخی متفاوت،این تشابهات را نشان دهد و بیان کند که فردوسی در سرودن داستان سیاوش علاوه بر منابع خود به جهت تقدس بخشیدن بیشتر به سیاوش،به حادثهٔ کربلا هم نظر داشته.

کلید واژه‌ها:سیاوش،فردوسی،شاهنامه،واقعهٔ کربلا،امام حسین(ع).

[۱]دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی،دانشگاه تهران،پردیس بین المللی کیش؛ رایانامه: reza.atabak@ut.ac.ir

بررسی عناصر حماسی در «بهمن نامه»

بهزاد اتونی[۱]

چکیده

هرگونه‌ی ادبی، تشکیل یافته از عناصری مخصوص به خود است که در ترکیب با یکدیگر، باعث ایجاد آن گونه‌ی ادبی می‌شوند؛ مثلاً عناصر سازنده‌ی گونه‌ی غنایی، با گونه‌ی تراژیک متفاوت است و عناصر سازنده‌ی گونه‌ی حماسی از دو گونه‌ی غنایی و تراژیک در تمایز.

حماسه از آن گونه‌های پرکاربرد ادبی است که بافت و عناصر سازنده‌ی مخصوص به خود را دارد و در واقع این عناصر سازنده، تقریباً در همه یا بیشتر آثار حماسی یکسان و همسان است. نگارنده در این مقاله بر آن شده است تا پس از ذکر مقدمه‌ای در باب حماسه و انواع آن، به بررسی عناصر سازنده‌ی حماسه‌ی بهمن‌نامه از قبیل : قهرمان، ضد قهرمان، کین‌کشی، نبرد، سفر، رؤیا، پیشگویی و... بپردازد.

کلید واژه‌ها : حماسه، بهمن‌نامه، عناصر حماسی

[۱] استادیار زبان و ادبیات فارسی- دانشگاه آیت اله العظمی بروجردی(ره) behzad_atooni@yahoo.com

بررسی تطبیقی شعر از دیدگاه ابن‌سینا و ابن رشد

بهناز اتونی[۱]
بهزاد اتونی[۲]

چکیده:

تعریف شعر، عناصر سازندهٔ شعر، مؤلفه‌های یک شعر خوب، و بطور کلّی فلسفهٔ شعر، یکی از مهمترین موضوعات مربوط به نقد ادبی است که باعث شده است ادبا و منتقدین بسیاری در این باره اظهار نظر کنند. علاوه بر ادبا، فیلسوفان نیز – از زمان افلاطون تا فیلسوفان معاصر- در این وادی گام نهاده‌اند و به طرح دیدگاه‌های خود پرداخته‌اند.

در یونان باستان، ارسطو به عنوان صاحب سبک‌ترین فیلسوفی که به مقولهٔ شعر پرداخت، توانست تأثیری شگرف و ژرف بر منتقدین ادبی پس از خود نهد؛ به گونه‌ای که حتّی فیلسوفان مسلمان ، از این تأثیر پذیری برکنار نماندند. ابن سینا و ابن رشد از جملهٔ این فیلسوفان مسلمان بودند که دست به تلخیص و تفسیر فن شعر ارسطو زدند و در خلال این کار، دیدگاه‌های خود را نیز اعمال نمودند. از جملهٔ نکات مشابه‌ای که می‌توان در دیدگاه این دو فیلسوف مشاهده کرد، بحث در بابِ محور تعریف شعر بر « خیال انگیزی» و عوامل آفرینش شعر در وجود آدمی است. همچنین هر دو فیلسوف به بحث در بابِ خطاهای شعرا و نیز انواع ادبی از جمله کمدی و تراژدی می‌پردازند.

کلید واژه‌ها: ارسطو؛ شعر؛ ابن سینا؛ ابن رشد.

---

[۱]. دانشجوی دکترای فلسفه هنر
[۲] استادیار زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه: behzad_atooni@yahoo.com

«کوه»، یکی از مقدّس‌ترین تصاویر آرکی تایپی در اسطوره و حماسه‌های اسطوره‌ای

بهزاد اتونی[۱]

چکیده :

یکی از بحث های مهم «دبستان نقد اسطوره‌شناختی ژرفا» ، موضوع «آرکی تایپ»(کهن الگو) ها است. آرکی‌تایپها یا همان کهن‌نمونه‌ها، آن بسته‌های روانی درون ناخودآگاهی همگانی است، که همه‌ی ویژگیهای روانی انسان را از دوره‌ی باستان تا به اکنون، چونان مرده‌ریگی به ما رسانیده است. یکی از این کهن‌نمونه‌ها، که نقشی اساسی در اسطوره‌ها و حماسه‌ها دارد ، کهن نمونهٔ کوه است، که با کارکرد مقدّس و اهورایی خویش،جایگاهی ویژه، در اعتقادات و پندارهای مردم داشته است.

نگارنده، در این جستار، بر آن شده است که پس از ذکر مقدّمه‌ای دربارهٔ آرکی تایپ و ناخودآگاهی جمعی، به بیان ارزشها و کارکردهای معنوی و مقدّسِ تصویرِ کهن نمونه‌ایِ کوه، در اسطوره و حماسه‌های اسطوره‌ای بپردازد و آن را به فراخی مورد بررسی و پژوهش قرار دهد. از جمله مواردی که در این باب مورد پژوهش قرار خواهد گرفت عبارتند از: ۱- کوه، مأوای خدایان – ۲- کوه، محوری گیهانی – ۳ -کوه، موجودی اهورایی -۴- کوه، زهدانی برای تولّدِ دیگر(تولّدِ معنوی) -۵- کوه، آشیانهٔ سیمرغ .

کلیدواژه‌ها : آرکی‌تایپ، ناخودآگاه جمعی، کوه، محور گیهانی

[۱] استادیار زبان و ادبیات فارسی- دانشگاه آیت اله العظمی بروجردی(ره)؛ رایانامه: behzad_atooni@yahoo.com

جایگاه "پیران ومشایخ" در دیوان اشعار جامی

رویا احمد امرجی[۱]

چکیده

عنایت و توجّه پادشاهان قرن هشتم و نهم، به پیران و مشایخِ بزرگ و تکریم آنان و همچنین اظهارِ ارادت و تعلّقِ خاطرِ فراوانِ سلاطین و شاهزادگان تیموری نسبت به خانقاهیان و بزرگان صوفیه، یکی از دلایلِ بسیار مهمِ رواجِ عرفان و تصوّف دراین ادوار بوده است. به طوری‌که در قرن نهم، کم‌تر شاعر یا نویسنده‌ای را می‌یابیم که در آثارشان از لغات و اصطلاحات عرفانی بهره نگرفته باشند. جامی نیز، به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین شعرای قرن نهم، شاعری صوفی‌مسلک همراه با تفکّرات عرفانی است. لغات و اصطلاحات عرفانی در دیوان اشعارش، خصوصاً در غزل‌ها و قصایدش به‌وفور یافت می‌شود که بسیار درخور تأمّل و توجّه است. واژه‌های "پیر"، "رند"، "شیخ"، "مراد"، "قطب" و "مرشد" که در فرهنگ‌های اصطلاحاتِ عرفانی، تقریباً به یک معناست، در دیوان اشعار جامی به‌همان معنا و مفهوم به‌کاربرده شده است؛ با این تفاوت که "پیر"، "رند"، "قطب" و "مراد" به‌طور کامل از بارِ معنایی مثبت برخوردارند، امّا در مورد شیوخ چنین نیست. آنان به دو دستهٔ شیوخِ وارسته (مقبول) و شیوخِ متظاهر و ریاکار (منفور) تقسیم می-شوند.مقالهٔ حاضر نگاهی دارد به دیدگاه جامی در مورد پیران و مشایخ قرن نهم، که عدّه‌ای از آنان – همانند پیران و مشایخ قرن هفتم و هشتم – از زمرهٔ شیوخِ وارسته و آگاه بوده و عدّه‌ای هم ظاهرپرست و عوام فریب بوده‌اند.

کلید واژه‌ها: جامی، شیخ، پیر، رند، وارسته، ظاهرپرست.

[۱]استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران؛ رایانامه: royaamraji@yahoo.com

شیوه‌های بیان وقایع غیر طبیعی در سبک رئالیسم جادویی

زهره احمدی پورانارى[۱]

چکیده

رئالیسم جادویی، شاخه‌ای از مکتب رئالیسم است که به بیان واقعیت‌ها می‌پردازد، اما گذشته از واقعیت-های زندگی، در این گونهٔ روایی، رخدادهای سحرآمیز و شگفت‌انگیزی نقل می‌شود که اغلب از باورهای قدیمی سرچشمه گرفته است؛ حوادثی چون حضور مردگان در میان زندگان، حضور جن و پری و مانند آن که، در فضای داستان، طبیعی و قابل باور به نظر می‌رسد. گابریل گارسیا مارکز، مشهورترین نویسندهٔ رئالیست جادویی و "صد سال تنهایی"، موفق‌ترین اثر در این شیوهٔ داستانی است. در ایران نیز آثار چندی به شیوهٔ رئالیسم جادویی نوشته شده است؛ از جمله "عزاداران بیل" نوشتهٔ غلامحسین ساعدی را، از آثار موفق این شیوه دانسته‌اند که پیش از "صد سال تنهایی" نوشته شده‌است. یکی ازمهم‌ترین پرسش‌هایی که با خواندن نوشته‌های رئالیسم جادویی به ذهن می‌رسد این است که نویسنده چگونه باورهای قدیمی و غیرطبیعی را، در فضای این‌گونه‌داستان‌ها، نقل می‌کند و طبیعی و واقعی جلوه می‌دهد؟ در این مقاله نگارنده، با بررسی رمان "صد سال تنهایی" و مقایسه با "عزاداران بیل"، "اهل غرق" و "روزگار سپری شدهٔ مردم سالخورده"، چند شیوهٔ بیانی و روایی را برای باورپذیر ساختن حوادث جادویی، نشان داده است.

کلید واژه‌ها: رئالیسم جادویی، شیوه بیان، صد سال تنهایی، عزاداران بیل، اهل غرق، روزگار سپری شدهٔ مردم سالخورده.

[۱]هیأت علمی دانشگاه فرهنگیان کرمان؛ رایانامه :ahmadypoor@yahoo.com

بررسی ساخت‌های سببی فارسی از منظر واژی- نقشی برزنن

فاطمه احمدی نسب[۱]

چکیده

پژوهش حاضر می‌کوشد ساخت‌های سببی فارسی را با رویکرد واژی- نقشی برزنن که یک رویکرد صورت‌گرا و فاقد گشتار است محک بزند. پس از معرفی آثار مطالعه شده پیرامون ساخت سببی فارسی و معرفی رویکرد واژی – نقشی برزنن، نحوه انطباق بین ساخت موضوعی و ساخت نقشی و نحوه انطباق بینساخت نقشی و ساخت سازه‌ای در مورد ساخت‌های سببی فارسی بررسی می‌شود. یافته‌ها نشانمی‌دهد که حالتدستوری سبب‌پذیر در ساخت‌های سببی فارسی از تعمیم بیکر تبعیت می‌کند و افعال سببی فارسی براساسدرجه اختیار سبب‌ساز به چهار گروه اجبار، اجازه، دخالت وجهت‌دهی تقسیم می‌شوند.

کلیدواژه‌ها: ساخت‌های سببی فارسی، رویکرد واژی- نقشی برزنن، ساخت موضوعی، ساخت سازه‌ای، ساخت نقشی، تعمیم بیکر

[۱]استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه شهید چمران؛رایانامه:f.ahmadinasab@scu.ac.i

بررسی روابط رشیدالدین وطواط با بزرگ‌ترین معاصرانش

محمداحمدی [۱]

سارا سعیدی [۲]

چکیده

محمد بن محمد بن عبدالجلیل معروف به رشیدالدین وطواط از شاعران و نویسندگان قرن ششم هجری است که در دربار خوارزمشاهیان زیسته است و غالب قصاید وی در مدح اتسز خوارزمشاه است. در تذکره‌ها و منابع موجود که حاوی نکاتی در باب زندگی وی هستند این نکته مشهود است که رشیدالدین وطواط در روزگار خود بسیار شناخته شده بوده است و علت شهرت وی را می‌توان تسلط به زبان عربی و سرودن اشعار مصنوع بسیار به فارسی و عربی و تصنیف آثار بسیار در حوزه‌های مختلف نظیرِ بلاغت، امثال، منشآت، دارا بودن شغل دیوانی و غیره دانست. همهٔ این موارد سبب شده است که شعرا و فضلا اغلب با او ارتباط و مکاتباتی داشته باشند در این مقاله به نکاتی نو یافته دربارهٔ مناسبات رشید وطواط با جارالله زمخشری، ابوسعد هروی، قاضی حمیدالدین بلخی، قطان مروزی، منتجب‌الدین جوینی اشاره شده است و رابطهٔ وطواط با هر یک از این اشخاص مورد بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژه: رشید وطواط، جارالله زمخشری، ابوسعد هروی، قاضی حمیدالدین بلخی، قطان مروزی، منتجب‌الدین جوینی.

[۱] دکترای زبان و ادبیات فارسی پژوهشگاه علوم انسانی؛ رایانامه: mohammadahmadi1368@yahoo.com
[۲] دانشجوی دکتری دانشگاه تهران

نوآوری عرفی در خلق تصویرهای خیالی با بهره‌گیری از استعاره‌های تبعی (فعلی)

شهرام احمدی[۱]
آلیس سعیدی[۲]
مصطفی میردار رضایی[۳]

چکیده

عرفی شیرازی (۹۹۹ ـ ۹۶۳ ه. ق) مخترع «طرز تازه» و موفّق‌ترین شاعری است که به این شیوه رسمیت بخشیده است. از آنجایی که نازک‌خیالی و نازک‌اندیشی یکی از اصلی‌ترین مشخّصه‌های شعر سبک هندی است و زیباشناسی این دوره بر خیال‌بندی و نازک‌گویی استوار است، می‌توان وی رااز نخستین شاعران نحلهٔ هندی دانست که می‌کوشد تا به دستیاری شگرد ادبیِ استعارهٔ تبعیه یا فعلی، دست به آفرینش تصویرهای انتزاعی و بدیع بزند. سوای نوآوری در این شیوه، میزان بالای بهره‌گیری عرفی از این شگرد شعری و آفرینش تصویرهایی خیال‌انگیزی که بر پایهٔ استعاره‌های فعلی ساخته شده‌اند، تا اندازه‌ای است که سبب تشخّص سبک شخصی او شده است. دو پرسش اصلی این جستار که به شیوهٔ کتابخانه‌ای نگاشته شده عبارتند از: ۱ـ شیوه‌های نوآوری عرفی در آفرینش تصویرها که با بهره‌گیری از استعارهٔ تبعی (فعلی) ساخته شده‌اند، کدامند؟ ۲ـ حوزه‌های مختلف تصویریِ مستعارمنه و مستعارله در غزل‌های عرفی چیست؟ نتایج این جستار حاکی از آن است که عرفی عمدتاً به دو شیوه از این صناعت بلاغی بهره می‌گیرد: ۱ـ استعاره‌های تبعیه‌ای که از رهگذر ردیف در اشعار وی پدید آمده‌اند؛ ۲ـ استعاره‌های تعبیه‌ای که در داخل ابیات و بصورت پراکنده در غزل‌های وی وجود دارند. همچنین در شعر عرفی حوزهٔ مستعارمنه نوعاً به دو بخش حسّی و ذهنی قابل تفکیک است. در حوزهٔ بهره‌گیری عرفی از **مستعارله**، به‌جای آوردن فعل اصلی برای ایجاد شگفتی در خواننده و برجستگی کلام، از فعل‌های ظاهراً بی‌ربط امّا برجسته‌ساز استفاده می‌کند.

واژه‌های کلیدی: عرفی، سبک هندی، استعارهٔتبعیه، مستعارله، مستعارمنه.

---

[۱]ـ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران؛رایانامه:ahmadish52@gmail.com
[۲]ـ کارشناس ارشد رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی و مدرّس مؤسسه‌ی آموزش عالی آیندگان تنکابن
[۳]ـ دانشجوی دکتری رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران.

بررسی رابطه دو سویه عاشق و معشوقدر ادب فارسی(با تأکید بر آثار شاعران نخستین)

بهیه احمدی [۱]

محمد سعید نیا [۲]

چکیده

بدون تردید اشعار غنایی هیچ ملّتی از آهنگ دلنواز عشق که برآمده از جوهر عواطف انسانی است، بی‌بهره نیست. زیرا عشق مایهٔ زندگی است وهستی بی آن به تعالی و کمال راه نخواهد یافت. در ادبیات فارسی، «عشق» مکان و مقام اول رادارد و «معشوق» صدرنشینِ کاخِ عشق است. عاشق،چندان پیدا نیست. در مقاله حاضر با بهره‌گیری از مقالات و بررسی آثار شاعران؛ ضمن بیان مضامین اصلی درباره عاشق و معشوق به بررسی چگونگی ارتباط دوسویه در گفتگوی عاشقانه پرداخته شده است.آنچه در این تحقیق بدست آمد بیانگر این نکته است که مضامین عاشقانه در طی قرن ها توجه به ظاهر معشوق و تصویر عینی یا ذهنی از جسم اوست و کمتر مضامین نو یافت می شود همچنین در این رابطه دو سویه دامنهٔعشق تنها به معشوق ختم نمی‌شود بلکه عاشق مدرای ن رابطه نقشی مهم را بازی میکندکه اگر عاشق نباشدعشق،ظهوروبروزینخواهدداشت.

کلید واژه ها : معشوق ، اهمیت عاشق ، ادب فارسی، عشق ، رابطه دوسویه .

۱مدرس و پژوهشگر دانشگاه مجازیالمصطفی .comahmadi_b48@yahoo

۲مدرس و پژوهشگر دانشگاه مجازی المصطفیsaiednia133@yahoo.com

« باغ های جاودانگی»؛ اندرزنامه ای جاودانه یا سیاست نامه ای جادوانه (با نگاهی گذرا به ویژگی های سبک شناختی این اثر)

احمد احمدیان[۱]

چکیده:

علامه مصنف چوری مریوانی (۱۰۱۴-۹۰۹ هـ.ق)از دانشمندان طراز اول و جامع الاطراف و ذوالفنون در قرن دهم هجری است. ایشان زاهدی متورّع، ادیبی اریب، شاعری مفلق، اندیشمندی دینمدار، متفکّر، مصلح و مجتهدی کم نظیر، فقیهی زمان شناس، مفسّر، اصولی و رجال شناسی متضلّع و عارفی متوغّل بوده اند.کتاب «ریاض‌الخلود»(= باغ های جاودانگی) ایشان از جنبه های مختلف ادبی، اندیشهٔ سیاسی، سیاست نامه نویسی، شریعت نامه نویسی و اندرز نامه نویسی قابل تحلیل و بررسی است. دراین مقاله از منظر موضوعات مختلف نثر فارسی از دیدگاه دکتر ذبیح الله صفا(۱۳۴۶)، کتاب ریاض الخلود بررسی شده است و نهایتاً به این نتیجه رسیده ایم که این کتاب در ذیل گونه های دوگانه ی: «قَصص و حکایات» و «سیاست و اخلاق وحکم» قابل طرح وتوصیف است و در ذیل این دو گونه، به توصیف ویژگی های نثر این کتاب پرداخته ایم. آنگاه بخش مربوط به « اندیشه ی سیاسی » کتاب که در باب اول، و در فصل اول وفصل پنجم از باب ششم، و در فصل اول و فصل پنجم از باب هشتم واقع شده است به گونه ای مجمل با «قابوس‌نامه» مقایسه و تطبیق داده شده است. مردم شناسی ریاض الخلود بخش دیگری از این مقاله است که در آن به توصیف جنبه ها و ابعاد مردم شناختی این اثر بطور موجز پرداخته شده است.

کلید واژه ها: ریاض الخلود(= باغ های جاودانگی)، سیاست نامه نویسی، اندرزنامه نویسی، بررسی سبک شناختی، عدالت و سیاست.

[۱]دانشجوی دکترای زبانشناسی همگانی دانشگاه آزاد اسلامی واحدزنجان؛ رایانامه:ahmadyan52@gmail.com

روایت ضحاک در شاهنامه و تاریخ بلعمی

مهدی اخروی[۱]
مرادعلی واعظی[۲]

چکیده

دگردیسی عمیق چهرهٔ ضحاک از اساطیر کهن تا شاهنامه، ظهور دورهای متفاوت با تسلط قوای اهریمنی و غلبهٔ اژدهای سه سر شش چشم و تحولات اجتماعی منحصر به فرد ؛ نظیر تغییر در رویکرد اشتراکی ادارهٔ جامعه و مقدمه سازی برای تحقق نظام چند شاهی در دنیا به علاوه ، قیام فردی از عامهٔ مردم برای تغییر نظام حاکم بر جامعه، همه از مواردی است که به این داستان درخشندگی ویژهای میدهد و دیدگاههای متعددی که در کم و کیف این اسطوره و روایتهای گوناگون آن طی قرون گذشته مطرح گردیده است.

در این نوشته با مقایسهٔ روایت دو روایت گر هم عصر این ماجرا، یعنی حکیم ابوالقاسم فردوسی و ابوعلی بلعمی و در نهایت مقابله با برخی اشارات از متون کهن ، فرصتی دوباره برای تقابل جامع تر این دو روایت که مسبوق به سابقه نیست ،پیش آمد و در عین امانت داری دو نگارنده تفاوتهایی ناشی از دگردیسی و تغییر اسطوره ها و همچنین اختلاف در منابع مروی مشاهده گردید.

کلید واژه ها: ضحاک، اژی دهاک ، مرداس ، بیورسب، فریدون، کاوهٔ آهنگر، جمشید ، اهریمن

[۱]عضو هیات علمی دانشگاه فرهنگیان خراسان جنوبی ودانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند؛ رایانامه: ok1346@gmail.com
[۲]استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند

خویش‌کاری خرد در دیباچهٔ شاهنامه

حمیدرضا اردستانی رستمی[۱]

چکیده

واژهٔ خرد در دیباچه کاربردی فراوان دارد که گاه این خرد در پیوند با خداوند(متأثّر از فرهنگ شیعی و ایرانی باستان)و واسطهٔ آفرینش اوست و عقل کلّی یا دادار خرد خوانده می‌شود و گاه در پیوند با مردمان که در این ریخت، با دو گونه خرد روبه‌رو خواهیم شد: خرد مطبوع (در پهلوی: آسن خرد) و خردِ مسموع (در پهلوی: گوش‌سرود خرد) که وجودِ این دو گونه خرد هم در فرهنگ شیعی و هم ایرانی دیده می‌شود. خویش‌کاریِ خرد غریزی (مطبوع) آن است که مردمان را از پلیدی دور کند و به نیکی برانگیزد؛ امّا خرد شنیداری (مسموع) با دو چهره در دیباچه رخ می‌نماید: یکی در چهرهٔ دانشِ دین و دو دیگر، دانستنی‌هایِ تاریخی‌اساطیری که سبب پندگیریِ مردم از آموزه‌های پیشینیان می‌شود و فردوسی این‌گونه خردِ شنیداری را موجب بهروزی مردمان انگاشته است. در ضمنِ بحث، علل فلسفه‌ستیزیِ فردوسی و همین‌طور پیوندِ دانایی و توانایی نیز بررسی شده است.

کلیدواژه‌ها: خرد، ایزد، مردم، خردغریزی، خردشنیداری، فلسفه، دانش.

[۱]هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران؛ رایانامه: h_ardestani_r@yahoo.com

بررسی و تطبیق روان‌شناسی اجتماعی آدلر در داستان فریدون(در شاهنامه)

ابراهیم استاجی[۱]
کاظم کوشکی[۲]

چکیده

هدف مقاله آن است تا بیان کند الگوی روان شناسی اجتماعی آدلر، قابلیت تطابق و شبیه‌سازی بر فرزندان فریدون در **شاهنامه** را دارد.بر اساس این پارادایم(مدل) ترتیب توالد، حس حقارت و خود برتر بینی چه پیامد عوامل خانوادگی-اجتماعی باشد و چه نباشد، اگر تحت نظارت قرار نگیرد ممکن است به فاجعه‌ای انسانی تبدیل گردند.در این مقال مساله بنیادین این است که سلم و تور، تحت تاثیر همین عقده‌ها دست به کشتن برادر، زدند.اگرچه جمع‌آوری داده‌های این مقاله، بر اساس کتاب‌پژوهی، انجام گرفته است، اما رمزگشایی این کنش روانی با تکیه بر تحلیل روانی واقعه و استدلال می‌باشد.از دیگر یافته‌های این پژوهش، این تحلیل می‌باشد که ایجاد عقدهٔ حقارت تنها از جانب والدین نیست و گاهی عوامل اجتماعی در به وجود آمدن آن، نقش برتری، دارند.

کلید واژه‌ها: شاهنامه، روان‌شناسی اجتماعی، آدلر، حس حقارت، ترتیب توالد، سلم و تور

[۱]- استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری ebrahimestaji@yahoo.com
[۲]- دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزوار Ka.kooshki@gmail.com

سبک شناسی آوایی اشعار طاهره صفارزاده بر اساس دیدگاه گرامون

الهام اسدی فارسانی[۱]

چکیده

موسیقی یکی از عناصر سازنده شعر است که کلام را برجسته می کند وسبب تمایز زبان نظم ونثر می شود. از آنجا که موسیقی در انتقال مایه عاطفی شعر نقش اساسی و موثر دارد ،یکی از عناصر مهم شعر محسوب می شود .موسیقی از بایسته های طبیعی شعر و لازمه ی جوهره ی آن است که شاعر برای انتقال مفاهیم مکنون ومکتوم در ذهن و ضمیر مخاطب به آن توجه دارد.بررسی این رکن از شعر ،همچنین پیوندی که میان آهنگ کلام با عناصر دیگر وجود دارد، مسئله ای است که این مقاله به آن می پردازد. انواع متفاوت موسیقی شعر، یعنی وزن، ردیف و قافیه و واژه ها از جمله عناصری هستند که معنا، عاطفه و تخیل شاعر را به مخاطب منتقل می کند. شاعر با تناسب میان موسیقی شعر با عناصر دیگر،تلاش می کند به هدف و غایت اصلی شعر که همان بیان مفاهیم و محتوای درونی شعر است، برسد. پیوند و هماهنگی بین الفاظ و معانی ،می تواند ناشی از تکرار آواها در بافت کلام و بار معنایی خاص واژگان باشد که هم سبب تمایز معنایی در گزینش واژگان وهم در تداعی معانی نقش بسزایی دارد. بدین منظور اشعارطاهره صفارزاده جهت مطالعه و بررسی انتخاب شد و ابیاتی که دارای تکرار آوا بوده استخراج و کارکرد آنها مورد بررسی قرار گرفت.پرسش کلان در این مقاله این است که بر اساس دیدگاه گرامون چه تناسب هایی میان عناصر موسیقیایی شعر طاهره صفارزاده و مفاهیم عاطفی دارد؟

کلید واژه ها: شعر، طاهره صفارزاده، عاطفه ، موسیقی شعر، موریس گرامون

[۱] کارشناسی ارشد؛ رایانامه:Elham.asadi2238@gmail.com

عشق و ارکان و عناصر آن از دیدگاه حافظ و اریک فروم

عین الله اسدی گرجی[۱]
علی فلاح[۲]

چکیده

امروزه بررسی متون ادبی بر اساس دیدگاه های روان شناسی نوین یکی از رایج ترین زمینه های تحقیق در رشته زبان و ادبیات فارسی است . در غزلیات حافظ به عنوان یکی از آثار برجسته در ادب غنایی به ظرایف و دقایق عشق زمینی و عرفانی پرداخته شده است. از سوی دیگر عشق از مباحث عمده در روان شناسی به شمار می آید و روان شناسان برجسته ای چون اریک فروم، به بحث درباره عشق، زمینه ها ، کارکرد ها و انواع آن پرداخته اند. میان دیدگاه حافظ در غزلیات با نظریات فروم ، در عناصر عشق مشترکات بسیاری وجود دارد که از آن جمله می توان به مواردی چون عشق ورزی هنر است، سلامت نفس ، احساس مسئولیت ، احترام، هم زیستی مسالمت آمیز و دانایی و دانش و تأکید بر این نکته که عشق فصل انسان و غیر انسان است، اشاره کرد. روش تحقیق در این مقاله مقایسه ی توصیفی - تحلیلی میان دیدگاه حافظ در غزلیات راجع به عناصر عشق با دیدگاه اریک فروم، روان شناس معاصر و بیان شباهت های میان آن ها می‌باشد.

واژه های کلیدی : حافظ ، غزلیات ، عشق ، روان شناسی ، اریک فروم

[۱]دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد واحد گرگان؛ رایانامه:asadi5284@yahoo.com
[۲]استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان

ایهام های نویافته در غزلیّات حافظ

عین الله اسدی گرجی[۱]
علی فلاح[۲]

چکیده

تحقیقات ادبیات فارسی درباره ایهام در شعر حافظ، بیشتر به گونه های مشهور ایهام اختصاص دارد.اکثر شارحان دیوان وی کوشیده‌اند تا جنبه‌هایی از این تناسبات و زیبایی‌ها را به نمایش بگذارند. با این حال، بسیاری از ایهام‌های وی از دید حافظ‌پژوهان پنهان مانده‌است، هرچند خواجه حافظ در کاربرد اغلب صناعات ادبی استاد مسلم است، ولی بالاترین هنر و ویژگی شعری او در ایهام تجلی پیدا می کند. حافظ، شاعری است که با قدرت هنر آفرینی و خلاقیت زبانی بی نظیرش در خلق صنایع بدیعی به ویژه ایهام توانست سبک و شیوه خاص خود را به وجود آورد که شعرش را از شاعران دیگر ممتاز کند. دامنه این صنعت معنوی در اشعارش به خصوص با ظهور ایهام های نویافته آن چنان گستردگی می یابد که از مرزبندی کتاب های کلاسیک بدیع تعلیمی فراتر می رود و گلستان خیال او را هر چه پر نقش و نگارتر جلوه می دهد. روش تحقیق در این مقاله، توصیفی و تحلیلی است و این شیوه فن تحلیل بر مبنای سند کاوی از منابع کتابخانه ای انجام گرفته است. هدف این تحقیق روشن و معرفی کردن کردن ایهام های نویافته در غزلیات حافظ است.از آن جا که در کتاب های علم بدیع، سخنی از ایهام های نویافته به میان نیامده است، سعی بر آن شد که در این مقال، ایهام های نویافته در شعر حافظ، ، با ذکر شواهدی بیان و معرفی شود.

کلیدواژه‌ها: ایهام نویافته ، بدیع ، غزل، حافظ

[۱]دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد واحد گرگان؛ رایانامه: **asadi5284@yahoo.com**
[۲]استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد واحد گرگان

بررسی فردیت«در اشعار عشقی و ایرج میرزا و ملک الشعرا بهار »

فهیمه اسدی[۱]

چکیده:

در این مقاله، جهان بینی نو که، ابواب آشنایی با آن مقارن عهد مشروطه آغاز شد و همچنین زیر بناهای فکری آن؛ یعنی، عقل گرایی و فردیت ، محور پژوهش قرار گرفته و نیز تاثیر آن افکار، در اشعار سه تن از فحول شاعران مشروطه، بررسی شده است. فردگرایی از فروع جهان بینی نو در عصر مشروطه است و از مشروطه به بعد به اشکال مختلف بر نظم ونثر تاثیر نهاده است و از این جهت شایسته ی توجه بیشتر است.

این مقاله بر آنست، سیر تدریجی آشنایی متفکرین ایران با اصول جهان بینی نو و میزان تاثیر آن را بر شاعران مورد نظر بررسی کند.

در نهایت امکان مقایسه ی این شاعران، از این منظر فراهم شده و مظاهر فردیت ، در اشعار شاعران مذکور، تشان داده شده و تحلیل گردیده است.

نتیجه آنست که اشعار بهار، از منظر فردیت، کمترین تاثیر را پذیرفته و اشعارایرج، از این نظر در میانه ی بهار و میرزاده ی عشقی است و شعر میرزاده ی عشقی بیشترین تجلیگاه فردیت است و از این نظر پیشرو است.

کلید واژه‌ها: جهان بینی نو، فردگرایی، ایرج ، میرزاده ی عشقی، بهار.

[۱] استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد دورود؛ رایانامه: asadiasadi97@gmail.com

مقایسه ی میهن ستایی
(در اشعار بهار، میرزاه ی عشقی، فرخی یزدی، عارف قزوینی و ایرج میرزا)

فهیمه اسدی[۱]

چکیده

میهن ، یکی از درونمایه ی جدید شعر فارسی است و در اکثر کشورهای جهان مقارن مشروطه، دستمایه ی شاعران و نویسندگان بوده است.

در مقا لهٔ حا ضر، کیفیت پرداختن شاعران مشروطه به این موضوع بررسی شده و تفاوت های نگرش آنها به میهن با یکدیگر مقایسه گردیده است.

وطن، منبع الهام مشترکی است که در دوره ی مشروطه، مورد توجه همه ی شاعران وقت قرار گرفته به طوریکه میرزاده ی عشقی، سید اشرف الدین گیلانی، نسیم شمال ، عارف قزوینی و ملک الشعرای بهار این عالی ترین عاطفه ی شعری را دستمایه ی سرودن قرار داده و خیال انگیزترین اشعار خود را در این باره آفریده اند.

در این خصوص، تضاد منافع ملی با دخالت های روس و انگلیس ، استعمار ستیزی را هم از مضامین مرتبط با میهن دوستی در ایران قرار داده است و لذا استعمارستیزی هم در این مقاله بحث شده است.

ملک الشعرای بهار، عارف قزوینی، ایرج میرزا و میرزاده ی عشقی از جمله شاعرانی هستند که اشعارشان رادر این مقاله بررسی کرده ایم .

کلید واژه‌ها : بهار، میرزاده ی عشقی، عارف قزوینی، وطن ،ایرج میرزا.

[۱] استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد دورود؛ رایانامه: Asadiasadi97@gmail. com

بررسی تطبیقی ویژگی‌های رئالیسم سوسیالیستی (واقع‌گرایی اجتماعی) در دو داستان «اینجه‌ممِد» نوشتهٔ یاشار کمال و «کلیدر» اثر محمود دولت‌آبادی

مریم اسدیان[۱]

غزاله حیدری آبکنار[۲]

چکیده:

ادبیات تطبیقی، بیش از هر نوع ادبی دیگر، نقاط وحدت اندیشهٔ بشری را روشن می‌سازد و به بررسی تلاقی ادبیات در زبان‌های مختلف و روابط پیچیدهٔ آن در گذشته و حال و روابط تاریخی آن از حیث تأثیر در حوزه‌های هنر، مکاتب ادبی، جریان‌های فکری، موضوع‌ها، افراد، و... می‌پردازد. از این رو، بررسی‌های تطبیقی میان دو اثر از دو فرهنگ و دو زبان گونه‌گون، می‌تواند راهگشای بسیاری از تأثیر و تأثرها و شباهت‌ها و تفاوت‌های میان آن دو اثر باشد.

رمان «اینجه‌ممِد» (۱۹۵۵– ۱۹۸۷)– شناخته‌ترین رمان بعد از جنگ جهانی دوم – نوشتهٔ یاشار کمال نویسندهٔ اهل ترکیه، از جمله رمان‌های حماسی است که با آمیزه‌ای از اسطوره و واقعیت، گوشه‌هایی از تلاش مردمی روستایی را نشان می‌دهد که برای دفاع از حیثیت فردی و طبقاتی خود در قبال ستم زمینداران و غاصبان اراضی و راهزنان محلی پشتیبان آنان، به مبارزه برخاسته‌اند. برخی منتقدان بر این باورند که محمود دولت‌آبادی – نویسندهٔ نامدار ایرانی– بخش‌هایی از رمان مشهور «کلیدر» (۱۳۵۷– ۱۳۶۳) را به تمامی و برخی رخدادها و شخصیت‌هایی را که ناظر به بخش روستایی و مناسبات ارضی در ایران آن روزگار است، تحت تأثیر مضامین رمان «اینجه‌ممِد» نوشته و الگوسازی کرده است؛ اما تاکنون به بررسی مفصل این تأثیرپذیری پرداخته نشده است. از این رو در این مقاله با توجه به قواعد ادبیات تطبیقی – به‌ویژه مکتب فرانسوی– و با توجه به این که ایران و ترکیه در دوره‌ای که این دو رمان نوشته شده تحت تأثیر سوسیالیسم چپ بوده‌اند، به بررسی تأثیرهای مستقیم و غیرمستقیم رمان «کلیدر» محمود دولت‌آبادی از رمان «اینجه‌ممِد» یاشار کمال، از منظر ویژگی‌های رئالیسم سوسیالیستی (واقع‌گرایی اجتماعی) در هر دو اثر خواهیم پرداخت.

کلیدواژه‌ها: ادبیات تطبیقی، رئالیسم سوسیالیستی، یاشار کمال، محمود دولت‌آبادی

---

[۱]– دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی– دانشگاه رازی کرمانشاه/ maryam4.asadian@gmail.com/

[۲] – کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی – دانشگاه سمنان/ q_heidari@yahoo.com/

نقش هنجارگریزی در ساخت ترکیبات جدید فارسی
(بررسی موردی: اشعار محسن آریاپاد)

حسین اسکندری وزلی[۱]
جهاندوست سبزعلیپور[۲]

چکیده

زبان نظامی ارتباطی که بشر برای ارتباط با یکدیگر، آن را به خدمت گرفته‌است. این نظام همچون موجود زنده، دایماً در حال تغییر و تحول است. شاعران برای بیان شعر تازه، نیاز به زبان تازه‌ای دارند، و گرنه حرفشان تکراری و کم‌تأثیر خواهد بود. اغلب شاعرانِ موفق، در زبان تغییراتی میدهند و زبان تازه‌ای برای خود خلق میکنند. منظور از زبان جدید، واژه‌ها و ترکیبات جدید و طرز بیان خاص هر کدام است. شاعران ظرفیت‌های کشف‌ناشده زبان را کشف میکنند تا تشخص بیابند و به قول ادبا سبک جدیدی برای خود بسازند. اگر شاعر بخواهد از همان ظرفیت‌های موجود و «رایج» زبان استفاده کند، چندان طول نخواهد کشید که خوانندگان از زبان او خسته خواهند شد. هدف این مقاله بررسی هنجارگریزی شعر محسن آریادپاد (شاعر معاصر گیلانی) به قصد نشان دادن توان شاعران در تقویت زبان است. واژه‌هایی که شاعران در هنجاگریزی خلق میکنند، توانایی‌ها و استعداد نهفته زبان فارسی را نشان میدهد و میتواند به‌عنوان الگویی برای تعدادی از واژه‌سازهای زبان فارسی قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: هنجارگریزی، آشنایی‌زدایی، سبکشناسی، محسن آریاپاد، واژه‌سازی

[۱] هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت؛ رایانامه:eskandari@iaurasht.ac.ir
[۲] هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

بررسی سبک‌شناختی کتاب دستورالوزراء

نرگس اسکویی[۱]
اعظم صمدی[۲]

چکیده

در این مقاله مختصّات اصلی سبک‌ساز در کتاب دستورالوزراء مورد بررسی قرار گرفته است و هدف از این پژوهش علاوه بر استنتاج اختصاصات سبکی کتاب دستورالوزراء آشنایی با خواندمیر یکی از نویسندگان صاحب سبک دورهٔ تیموری و آشنایی با تاریخ‌نویسی در دورهٔ تیموری و اوضاع دربار و مقام وزارت در آن دوره است.مسألهٔ اصلی تحقیق حاضر معرّفی کتاب مذکور و یافتن ویژگی‌های اصلی سبک آن در سطوح مختلف سبکی (ادبی، آوایی، فکری و لغوی)و توجّه به برجستگی‌های این کتاب به عنوان نمونه‌ای از نثر دورهٔ تیموری خواهد بود. دستاورد کلّی این پژوهش شناخت و تحلیل سبک شناختی کتاب دستورالوزراء است که بررسی این کتاب اطّلاعات بیشتری در خصوص نثر دورهٔ تیموری و شیوهٔ تاریخ نگاری آن در اختیار قرار خواهد داد. بنابراین تحقیق سبک‌شناختی این اثر پژوهش لازم و تازه می‌نماید. روش تحقیق در این مقاله به شیوهٔ سبک‌شناسی ساختاری خواهد بود.

واژگان کلیدی: خواندمیر، دستورالوزراء، نثردورهٔ تیموری، نثر تعلیمی

[۱]استادیارزبان و ادبیّات فارسی دانشگاه آزاد بناب؛ رایانامه:noskooi@yahoo.com
۲ دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیّات فارسی دانشگاه آزاد واحد بناب،ایران؛A.samadi1394@yahoo.co

اندیشه‌های استعلایی مشترک در آثار "سهراب سپهری" و "شل سیلور استاین

نرگس اسکویی[۱]

چکیده:

این مقاله، کوشیده‌است، مشترکات فکری و جهان‌بینی فلسفی شعر سهراب‌سپهری را با آثار شل سیلوراستاین، در تلاش برای اصلاح و بازسازی نگاه انسان به جهان درونی و بیرونی، تا حد رسیدن به آرمانشهر فضایل، تحلیل نماید؛ سیلوراستاین و سپهری از میان تمدن سیمانی و دودزدهٔ بشری، برای مخاطب خود جهان دیگرگونه‌ای ترسیم می‌کنند و با یادآوری اصالت و هویت انسان که در هیاهوی زندگی حسابگرانه و مادی مدرن گم شده است، وی را به تفکر و تأمل راستین در معنای هستی و چیستی زندگی فرامی‌خوانند؛ نتایج تحقیق گویای آن است که، به تصویر درآوردن زیبایی‌های بی‌مثال جهان و اشیا، همراه با دعوت به درک "وزن بودن" ، تحسّر بر صفای بدوی زندگی و دانش بی‌ادعای دیروزین آدمی و تاسّف بر خلوص کودکانه‌ای که در هجوم بزرگسالیِ روح، رنگ می‌بازد، از مهم‌ترین نقاط اشتراک فکری دو شاعر در تبیین مبانی هستی‌شناسانه و فلسفی خود در آثارشان است؛ هم‌چنین، دعوت به زدودن رنگ عادت و رخوت از آینهٔ دل و تلاش برای پویایی و هیجانمندی لحظات، زندگی عاشقانه با هستی، حفظ حرمت و اعتبار طبیعت، بازگشت به صفای کودکی و اصالت و سادگی روح، همراه با پویش و کوشش مدام در جهت فهم درست از زندگی و در یک کلام "جور دیگر دیدن جهان" از جملهٔ راه‌کارهای اصلاحی و تعلیمی دو شاعر، برای اعتلا به جهان آرمانی است.

کلمات کلیدی: ادبیات تطبیقی، اندیشه‌های استعلایی، عادت‌ستیزی، سهراب‌سپهری، شل سیلوراستاین

[۱]استادار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد؛ رایانامه: noskooi@yahoo.com

بررسی مفاهیم انسان‌شناسی زبان در داستان «رکسانا»

الهام اسماعیل‌زاده[۱]
کامران پاشایی فخری [۲]
پروانه عادل‌زاده[۳]

چکیده

زبان سیستم مرتب و منظمی است که در هر شرایطی می‌توان از آن بهره برد و انسان را قادر می‌سازد تا علاقه‌ها، عقاید و ادراکش را با نشانه‌ها توجیه کند. زبان در جامعه دارای کارکردهای متفاوتی است که این کارکردها بستگی به نوع جامعه دارد.

همه مسائل مربوط به زبان و فرهنگ در شاخه بزرگ و جدیدی به نام «انسان‌شناسی زبان» که از انسان‌شناسی، زبان‌شناسی توصیفی و زبان‌شناسی تاریخی سرچشمه گرفته مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مؤدب‌پور یکی از نویسندگان معاصر ادب پارسی است که به محاوره‌نویسی و عامه‌پسندنویسی روی آورده است. آن‌چه در پژوهش حاضر به آن پرداخته شده بررسی آن دسته از مقولاتی است که در حوزه انسان‌شناسی زبان قرار می‌گیرد و مؤدب‌پور در نگارش داستان «رکسانا» از آن‌ها بهره گرفته است.

برای گردآوری اطلاعات این پژوهش با مداقه در نزدیک به بیست منبع معتبر، نگرش‌های انسان‌شناسی زبان مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. پژوهش حاضر بیانگر آن است که: به سبب لحن محاوره‌ای مؤدب‌پور در دیالوگ‌نویسی در نگارش این داستان از لهجه‌های اجتماعی استفاده نشده است. همچنین به سبب غیررسمی بودن مکالمات، جملات داستان کوتاه و ناقصند و از صفات و قیود و ضمایر فاعلی به ندرت استفاده شده است.

واژه‌های کلیدی: اصطلاحات خویشاوندی، انسان‌شناسی، رکسانا، زبان‌شناسی، کلمات تابو، لهجه‌های اجتماعی

[۱] دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز؛esmailzadeh_elham@yahoo.com
[۲] دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز ـ ایران
[۳] استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز ـ ایران

بررسی تطبیقی شرح قصیده منطق الطیر خاقانی

(کزازی، معدن کن، سجادی، استعلامی، امامی، ثروت)

زیبا اسماعیلی[۱]
فهیمه کریمی[۲]

چکیده

خاقانی شروانی یکی از بزرگترین قصیده سرایان پهنه ی ادب فارسی است که به علت دشواری قصایدش چانکه باید و شایسته ی مقام اوست، بر همگان شناخته شده نیست. داشتن اطلاعات و آگاهی بر علوم مختلف و وارد کردن آنها در اشعار و همچنین قدرت فوق العاده در به کارگیری مضامین بدیع و خلق ترکیبات بکر و دشوار ، موجب دشواری اشعار خاقانی شده که نیازمند شرح و توضیح گشته است.در این تحقیق که به شیوه ی تحلیلی –توضیحی نوشته شده است شروح یکی از قصاید مشهور خاقانی به نام منطق الطیر با یکدیگر مقایسه و بررسی شده است.هدف از این تحقیق آسان نمودن درک مفاهیم قصیده ی منطق الطیر و گره گشایی از دشواریهای آن است.

واژگان کلیدی: خاقانی، منطق الطیر، شروح ، دشواریها، قصیده

[۱]استادیار دانشگاه تربیت دبیر شهید رجای؛رایانامه: Esmaeili_ziba@yahoo.com
[۲]کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

بررسی مؤلفه‌های ناسیونالیسم در شعر عارف قزوینی

مراد اسماعیلی[۱]
سونا ماخور[۲]
زین العابدین فرامرز[۳]
مریم رامین نیا[۴]

چکیده

یکی از مفاهیمی که در دوره مشروطه وارد جامعه، فرهنگ و ادبیات ایرانی شد، ناسیونالیسم است؛ ناسیونالیسم در معنای وسیع کلمه یکی از شاخصه‌های اصلی شعر مشروطه محسوب می‌شود. تجاوزات پی در پی همسایگان و دخالت‌های منافع‌طلبانه‌ی فرنگی‌ها که با تهدید و تخفیف ملت ایران همراه بود از یک سو، و ضعف و زبونی دولتمردان در مدیریت جامعه و صیانت از تمامی اراضی کشور از سویی دیگر، غرور هر ایرانی را جریحه‌دار می‌کرد. لذا شاعران نظر به رسالت اجتماعی‌شان، به عزم برانگیختن شور و شعور مردم از مفهوم ناسیونالیسم و ملی گرایی بهره گرفته در بیدار سازی جامعه و مردم به کاربستند. عارف قزوینی یکی از شاعران دوره مشروطه است که با شکل‌گیری فضای ناسیونالیستی در ایران تحت‌تأثیر آن قرار گرفت و مؤلفه‌های ناسیونالیسم ایرانی را در اشعارش جلوه‌گر ساخت. این شاعر عصر مشروطه از مؤلفه-هایی چون سرزمین و جغرافیا، ستیز با بیگانگان، زبان، افتخار به ایرانی بودن و... بهره می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها:شعرمشروطه، ناسیونالیسم، عارف قزوینی، زبان

[۱]استادیارزبان وادبیات فارسی دانشگاه گنبدکاووس؛ رایانامه: m.esmaeeli21@gmail.com
[۲]دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه گنبد کاووس
[۳]استادیار زبان وادبیات فارسی دانشگاه گنبدکاووس
[۴]استادیار زبان وادبیات فارسی دانشگاه گنبدکاووس

بررسی تطبیقی داستان سرگذشت کندوها و قلعه حیوانات (با رویکرد نقد پسااستعماری)

مجتبی اصغرنسب[۱]
کامران پاشایی فخری[۲]

چکیده

همواره اختناق سیاسی و بسط ظلم در هر جامعه بیش از هر قشری، اهالی فرهنگ و ادب، اندیشه‌مندان و روشن‌فکران را آزرده است و اغلب باعث ابداع راه‌های دیگری برای نشر افکار و عقاید می‌شود، که قلم-فرسایی در حوزه شعر و داستان‌پردازی از دیرباز مسیری تقریباً امن برای ابراز اندیشه‌های مختلف و متفاوت بوده است. در بررسی تحلیلی دغدغه‌های ظلم‌ستیزی «جورج اورول»(George Orwell) که در زندگی خود طعم فقر، تبعیض و ظلم را به خوبی چشیده و البته با این تعارض که او شهروند کشوری استعمارگر بوده است، می‌توان با کمی تفاوت این دغدغه‌ها را در سبک‌نویسندگی و تصویرسازی آثار «جلال‌آل-احمد» که در کشوری استعمارزده قرارگرفته مورد تطبیق قرار داد و با نگاهی پویاتر توسط نقد پسااستعماری به بررسی فضای سیاسی و اجتماعی عصر حیات این دو نویسندهٔ داستان‌پرداز، تأثیر و تأثرهایی که مولفه‌هایی هم‌چون ظلم و فقر و اختناق و استعمار می‌تواند بر آثار ایشان سایه افکنده باشد، مورد بررسی قرار داده و در پایان نیز نتیجه‌بخشی خلق آثار ادبی با مفاهیم عمیق فرهنگی در قالب گونه‌های ادبی و سبک‌های گونه‌گون که می‌تواند فرهنگ جامعه‌ای را متعالی کند، هدف و راهگشای موثر و مفید برای عبور از مشکلات این‌چنینی هر جامعه‌ای معرفی می‌گردد.

کلید واژه‌ها: جلال آل احمد، جورج اورول، نقد پسااستعماری، قلعه‌حیوانات، سرگذشت-کندوها

[۱] دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات تطبیقی موسسه آموزش عالی چرخ نیلوفری آذربایجان؛ رایانامه: asgharnasab@gmail.com
[۲] دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

بازتاب طب در اسرارنامه ی عطار نیشابوری

الهه اصغری[۱]

علی محمد شاه سنی[۲]

چکیده:

آدمی از روز نخست توجه ویژه ای به مسأله ی بیماری و تندرستی داشته است،و همیشه یکی از دغدغه های او ،حفظ سلامتی و تندرستی بوده است.لذا در همه ی جوامع،پزشکی امری ضروری و تاثیرگذار محسوب می‌شده و هیچ جامعه ی بشری نبوده است که در آن طبابت و پزشکی هر چند به صورت ابتدایی و اولیه وجود نداشته باشد.

پزشکی یکی از مقوله هایی است که در حوزۀ ادبیات نمود یافته است.و بسیاری از ادیبان جهان از این فن در آثار ادبی خود فراوان بهره برده اند،چرا که طب و طبابت برای هر انسان و هر جامعه مهم و ضروری محسوب می‌شده است؛در این میان عطار نیشابوری افزون بر این که خود ادیبی متبحر و چیره دست بوده چون به حرفۀ طبابت و داروسازی اشتغال داشته است از دانش طبابت در غنی تر کردن آثار خود بسیار بهره برده است.

شایان توجه است که عطار در تمامی آثار خود همچون دیوان اشعار،مصیبت نامه،منطق الطیر،اسرارنامه....از علم طب یاری جسته است.در این مقاله نیز به صورت اختصاصی به بازتاب طب در یکی از آثار وی(کتاب اسرارنامه)پرداخته شده است.لازم به ذکر است که عطار در این اثر خود تنها به مقوله ی درمان پزشکی نپرداخته بلکه به مسایلی همچون دارو،پیشگیری از امراض،روش های درمانی و دیگر مسایل مشابه نیز توجه کرده است.در این پژوهش ابتدا به مضامین طبی کتاب اسرارنامه نگاهی انداخته شده و پیرامون آن توضیحاتی داده شده،آن گاه به توضیح پیرامون بیماری ها،داروها،روش های درمانی و...پرداخته شده است.

کلید واژه‌ها :طب،اسرارنامه،عطار نیشابوری،ادبیات.

---

[۱].کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه سمنان، ella.asghari@gmail.com

[۲].استادیار دانشگاه سمنان، shahsani2015@gmail.com

نقش کلماتی عامیانه بر پردهٔ خیال صائب تبریزی

یاسمن اصفهانی بلندبالایی[۱]

چکیده

ورود زبان عامیانه به حوزهٔ غزل فارسی زمینهٔ کلی و عمومی شعر سبک هندی است و بهره‌گیری از آن با روح شعر عوام‌گرایانهٔ این عهد که از اشرافیت درباری و شکوهمندی اشعار سبک خراسانی و عراقی فاصله گرفته است، نوعی هماهنگی و تطابق ایجاد می‌کند. در میان شاعران سبک هندی، حجم عظیم دیوان صائب تبریزی این امکان را فراهم نموده است که سهم وی در کاربرد زبان عامیانه، خصوصا در ساخت مضامین نو، بیش از دیگر شاعران این عصر باشد. او که ماده اساسی مضامین خود را از امور روزمرّه و پدیده‌ها و وقایع محسوس و ملموس زندگی برگرفته، کلمات عامیانه و یا کنایات ساخته‌شده با آن را، مرکزی برای تصویرسازی و ساخت مضامین تازه قرا داده است.

در این پژوهش که به روش تحلیلی- توصیفی است شیوهٔ نگاه و قدرت تخیّل صائب در آفرینش مضامین بکر از کلمات عامیانه مورد بررسی قرار گرفته‌است. بررسی و تحلیل این عناصر علاوه بر آنکه شگردهای مضمون‌آفرینی را نمایان می‌سازد ارزش هنری اشعار صائب و وسعت دامنهٔ خیال او را مشخص می‌کند همچنین با توجه به ذهنیّت موجود در ابیات منتخب، باورهای شخصی صائب و دورهٔ حیاتش به وضوح نمایان می‌گردد.

کلید واژه‌ها : بلاغت، سبک شناسی، صائب تبریزی، مضمون‌آفرینی، کلمات عامیانه.

[۱]مدرس گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ رایانامه:: yesfehani@yahoo.com

عناصر فرهنگ عامه و بازتاب آن دراشعار استاد یدالله بهزاد کرمانشاهی

راضیه افاضل [۱]
محمود کریمی[۲]

چکیده

فرهنگ عامه، از رایج ترین اموری است که در ذهن و جان جامعه ریشه گسترانیده است. اعتقاد به برخی از باورها، از گذشته های دور، با زندگی مردم آمیخته است؛ که با بررسی آن ها، بسیاری از ناگفته ها بازگو می شود وتفسیر و تحلیل اجتماعی و روان شناختی آن ها نیز بایسته می نماید.

در این مقاله « عناصرفرهنگ عامه و بازتاب آن در اشعار استاد بهزاد کرمانشاهی» به روش کتابخانه ای مورد بررسی قرار گرفته و سپس، به روش تحلیلی- توصیفی به نگارش درآمده است. اهمیت موضوع از آنجا است که پرتوی بر یکی از گوشه های فراموش شدهٔ ادبیات معاصر می افکند و نشان می دهد که تا چه حد شاهکارهای ادبی این شاعر بزرگ کشورمان با فرهنگ عامه پیوند دارد؛ از سوی دیگر نشان می دهد که بسیاری از این باورها همچنان به حیات خود ادامه می دهند و از این نظر انسان معاصر تفاوتی با انسان گذشته ندارد . همچنین با مرور مقالهٔ حاضر مشخص می شود که باورهای مردمی بیشتر جنبهٔ آیینی و مذهبی داشته و به تدریج، با تکامل مذاهب بشری، ریشه های دینی باورها به فراموشی سپرده شده، اما از رواج آن ها در میان ملّت ها کاسته نشده است.

کلید واژه‌ها: فرهنگ ،عناصرعامه ،معاصر، یدالله بهزاد کرمانشاهی.

[۱] کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی – دبیر آموزش و پرورش ناحیه یک بندرعباس؛ رایانامه: afazel_59@yahoo.com
[۲] کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی – دبیر آموزش و پرورش ناحیه یک بندرعباس

شناسایی گویندگان برخی از اشعار فارسی تاریخ جهانگشای جوینی

زینب افضلی[۱]..
زخرف خانی سمسکنده[۲].

چکیده:

مسأله: علاءالدین عطاملک جوینی (۶۲۳-۶۸۱ ه.ق) از ایرانیان قدرتمند در حکومت مغولان بود و تاریخ جهانگشای جوینی یکی از آثار مهم تاریخ و ادبیات ایران است. وی در هنگام بیان تاریخ از شعرهای‌های فارسی و عربی بسیاری بهره برده است اما نام برخی از سرایندگان را معلوم نکرده است. تا اکنون پژوهش مستقلی دربارهٔ گویندگان ابیات فارسی تاریخ جهانگشای به چاپ نرسیده است و هرچند مصححان این کتاب شماری از شاعران فارسی گوی آن را به ما شناسانده‌اند و نرم افزارهای موجود در دانستن نام تعدادی دیگر، سودمند هستند اما باز هم کار ناتمام مانده است.

هدف: در این مقاله با استفاده از روش کتابخانه ای و کاوش در منابع ادبی و تاریخی موجود، گویندگان ۱۰۲ بیت فارسی را می شناسانیم و جای ابیات را منابع نشان می دهیم. همچنین اختلاف های بین ضبط ابیات در تاریخ جهانگشای و منابع دیگر را ذکر می‌کنیم.

روش: برای این پژوهش از روش جست و جوی کتابخانه ای و توصیفی بهره گرفته شده است. بدین منظور به کاوش در دیوان های شعر، تذکره ها، جُنگ ها و مجموعه های شعری پرداختیم.

یافته ها: پس از بررسی گستردهٔ منابع موجود دریافتیم که شماری از ابیات فارسی تاریخ جهانگشای جوینی از این بزرگان شعر ایران است: امیرمعزی، انوری، بُندار رازی، خیام، رفیع مروزی، سراج‌الدین قمری آملی، سنایی، سوزنی سمرقندی، سید حسن غزنوی، شاهفور اشهری نیشابوری، ظهیر فاریابی، عثمان مختاری، عمادی غزنوی، فردوسی، کمال‌الدین اسماعیل، مجیرالدین بیلقانی، مسعود سعد سلمان، منوچهری، مولوی، نظامی و نورالدین منشی.

کلید واژه‌ها: شعر فارسی؛ شاعران فارسی‌گوی؛ علاءالدین عطاملک جوینی؛ تاریخ جهانگشای؛ قرن هفتم.

[۱]استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز؛ رایانامه: zeinabafzali@gmail.com
[۲]مدرّس دانشگاه پیام نور

نقدی بر کتاب فارسی ششم دبستان

هادی اکبرزاده[۱]
مهدی مهدی‌زاده[۲]
شریفه اسکندرنژاد[۳]
مصعب رحیمی[۴]

چکیده:
کتاب جدید فارسی ششم دبستان، برای نخستین بار، در تابستان ۹۱، به دنبال تغییر در نظام آموزشی و بر اساس سند تحوّل بنیادین در آموزش و پرورش، به چاپ رسید. کتاب تازه تألیف شده به دلیل عجله در تألیف، اشکال‌های محتوایی و غلط‌های تایپی و نگارشی متعدّدی داشت که تاکنون بسیاری از آن‌ها تصحیح شده‌اند ولی در حال حاضر نیز خالی از اشتباه نیست و نیاز به بازنگری دارد.از آنجا که کتاب‌های درسی نقش مهمی در یادگیری و خودآموزی فرد دارند و از مهمترین رسانه‌های آموزشی هستند لذا در این جستار، به دنبال یک درآمد در بیان ویژگی‌ها و اهداف کتاب، تلاش می‌شود، در سه بخش، بیشتر کاستی‌ها و نادرستی‌های موجود در چاپ۹۵ این کتاب، باز نموده شود تا در چاپ مجدد، مورد توجّه مؤلفان قرار گرفته و با رفع نواقص، این کتاب هرچه بیشتر و بهتر در خدمت افراد قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: نقد و بررسی، صفحه‌آرایی، محتوا، ویرایش

[۱]عضو هیات علمی دانشگاه فرهنگیان خراسان شمالی، رایانامه: sh.skandarnezhad@yahoo.com
[۲]دبیر آموزش و پرورش منطقه۴ مشهد
[۳]دانشجوی کارشناسی رشته علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان خراسان شمالی
[۴]دانشجوی کارشناسی دبیری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان خراسان شمالی

تقابل مرکز و حاشیه در اشعار سیف فرغانی

مهرداد اکبری گندمانی[۱]
زهرا کرمی[۲]

چکیده

یکی از اساسی‌ترین رویکردهای ساختارگرایی، توجه به تقابل‌های دوگانهاست. این تقابل‌ها که محمل آن‌ها نظام زبان است، ساختارهایی را در دو سویهٔ به ظاهر متباین ارائه می‌دهند که یک سویه بیشتر در وضعیت مرکزی (اصلی، حقیقی، موجه) قرار می‌گیرد و سویهٔ دیگر معمولاً در جایگاه حاشیه، گاه انکار و سرکوب می‌شود و گاه نادیده انگاشته می‌شود. چنین تقابل‌هایی همواره در هر نظام انسانی وجود داشته‌اند و وجود خواهند داشت و جدالی پیوسته در میان سویه‌های مختلف برقرار است که در موقعیت‌های متفاوت، ممکن است نوع و کیفیت این جدال دچار دگرگونی شود. در این نوشتار، شعر سیف فرغانی از منظر تقابل‌های دوگانه و چگونگی شکل‌گیری مرکزها و حاشیه‌ها بررسی و تحلیل شده است. با این دیدگاه، مهمترین جنبهٔ شعر سیف انتقادی بودن آن است. همین مسئله باعث شده است که تقابل‌های دوگانه و به تبع آن‌ها، مرکزها و حاشیه‌های شکل یافته در این شعرها در بسیاری از موقعیت‌ها با تقابل‌های دوگانه و مرکزها و حاشیه‌های جامعه همسو و هماهنگ نباشند. به همین دلیل نیز، در شعرهای سیف، تقابل‌های دوگانه در موقعیت‌های انتقادی، فراتر از تقابل‌های لفظی و صوری عمل می‌کنند. در تحلیل‌هایی از این دست، به ناگزیر زمینه‌های تاریخی و اجتماعی و فرهنگی روزگار سیف نیز در نظر گرفته شده است و آشکار شده است که بافت‌های شعری سیف در لایه‌های در هم تنیدهٔ بافت‌های اجتماعی و فرهنگی آن روزگار در هم تنیده شده‌اند.

کلید واژه‌ها: تقابل‌های دوگانه، مرکز و حاشیه، شعر سیف فرغانی

---

[۱]استادیارگروه زبان وادبیات فارسی دانشگاه اراک؛ رایانامه: Akbari593@yahoo.com
[۲]کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک

جلوه هایی از گروتسک درکوش نامه ایرانشابن ابی الخیر

شراره الهامی[۱]
فرشته مظهری[۲]

چکیده

گروتسک (grotesque) به عنوان یکی از مقولات نظری هنر و ادبی قرن شانزدهم که در فرانسه پدید آمد، در ادبیات، معماری، نقاشی و مجسمه سازی تا قرن هیجدهم دوام یافت .این سبک هنری به‌مثابهٔ نوعی نگاه به دنیا، انسان، و رفتارهای آدمیان از دیرباز در میان آثار ادبی ـ هنری دنیا مورد توجه قرار گرفته و نمونه‌های دارد. در قرن اخیر نظریه‌پردازان نام‌داری چون میخائیل باختین به‌طور گسترده‌ای به آن پرداخته‌اند.این سبک با در آمیختن پدیده های عجیب و غریب، ترس و خنده یا وحشت و مسخره سعی در ایجاد مفاهیم و تصاویر پیچیده و متضاد در ذهن خواننده دارد. با بررسی کوش نامه نوشته حکیم ایرانشان بن ابی الخیر در اوایل قرن ششم جلوه های فراوانی از گروتسک در این اثر دیده شدکه در این مقاله به استخراج و تطبیق آن با تعاریف ارایه شده در فرهنگها و دیگر منابع می پردازیم آنچه از بررسی ده هزار بیت کوش نامه منتج شده این است که گروتسک در کوش نامه بیشتر بر جنبه ی تلفیق شخصیت های انسانی با حیوانات تاکید دارد و در آن شخصیت عجیب و غریبی به نام « کوش پیل دندان پیل گوش » در عمر هزار و پانصد ساله خود هنر نمایی می‌کند وحماسه می آفریند. وشاعر با تاکید بر رویکرد هراس آمیزی و ترسناک بودن چنین تصاویری را به وجود آورده است.

کلید واژه‌ها : گروتسک ، کوش پیل دندان ، ایرانشان بن ابی الخیر، کوش نامه، رعب و وحشت

[۱] استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج؛ رایانامه:lsharare26@yahoo.com
[۲] دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج

تحلیل مؤلفه‌های گروتسک در منظومه «بیژن و منیژه شاهنامه کردی»

شراره الهامی[۱]
امرالله عظیمی[۲]

چکیده

سبک گروتسک(grotesque)پدیده ای است در ادبیات و هنرکه با هم در آمیختن متضادها، تلاش می کند تا مفاهیم گوناگون و پیچیده ای را بیان کند.این پدیده در قرن ۱۶ میلادی در فرانسه پدید آمد و موضوع تحلیل زیبایی شناختی و ارزیابی ارزنده قرار گرفت. با پی‌بردن به تضاد میان محتوای خوفناک یا مشمئز کننده با شیوه‌ی کمیک در متن، واژه گروتسک به ذهن خطور می‌کند که خویشاوندی بسیار نزدیکی با نابهنجاری جسمانی دارد. منظومه بیژن و منیژه شاهنامه کردی هر چند قبل از زمان باب‌شدن این مفهوم و مفاهیم آن در ادبیات جهان و ادبیات ایران سروده شده است، اما می تواند به معرفی مؤلفه‌های گروتسک شامل واقعیتها و تخیل‌های موجود در ساختار داستان خود از قبیل مکانها، فضاها و یا موجودات گروتسکیِ ترسناک، بی‌تناسب، چندش‌آور و یا مضحک، حالتها و رفتارهای شخصیتهای داستان که نمود گروتسکی دارد بپردازد و در بخش دیگر با توجه به تعریف گروتسک و در مقابل با در نظر گرفتن ادبیات شفاهی و فولکلور و باورهای عامیانه که روایت داستان منظومه بیژن و منیژه شاهنامه کردی بخشی از این ادبیات هستند با مفهوم گروتسک بیگانه نیستند؛ موجودات داستان منظومه مثل فرزند اکوان دیو، مکانهاوفضاها، مثل چاه بیژن و صحنه‌های ترسناک مثل نبرد پهلوانان، صحنه مضحک مثل نبرد رستم و افراسیاب و ده‌ها نمونه دیگر مؤلفه های گروتسک هستند که در این مقاله اثر و رد پای آن به صورت دقیق مورد تحقیق و تحلیل قرارمی گیرد.

کلید واژه ها:گروتسک، شاهنامه کردی، منظومه، بیژن و منیژه

[۱]استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج lsharare26@yahoo.com
[۲]دانشجوی دکترای زبان وادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج amrollah.azimi@yahoo.com

« بازتاب مولفه های جنبش رمانتیسم در اندیشه های فروغ فرخزاد »

شراره الهامی[۱]
نعمت منصوری[۲]
امرالله عظیمی[۳]

چکیده :
اواخر قرن هجده و اوایل قرن نوزدهم میلادی جنبشی ظهور کرد که آن را رمانتیسم و پیروان آن را رمانتیک نامیدند . این جنبش به سرعت توانست طرفداران بی شماری را در تمام جهان پیدا کرده و ریشه ی خود را بیش از پیش مستحکم تر سازد . در ایران بعد از مشروطیت شاهد آغازگری این مکتب ، که با سبک نیمایی بروز و ظهور می یابد هستیم . رمانتیسم دارای مولفه های کاربردی است که از طیف وسیعی برخوردار است و نمی توان تعداد مشخصی را برای آن ذکر کرد اما در بسیاری از آن ها اشتراک و یکسانی مشاهده می شود تا از این طریق شاعران این مکتب را شناخت و پی برد که آثارشان بازتاب اندیشه های این جنبش است . فروغ فرخزاد اولین نماینده ی زن در قرن معاصر است که بازتاب جریان های رمانتیسمی در اشعارش مشاهده می شود ؛ وی مولفه هایی از قبیل : عشق ، طبیعت گرایی ، مرگ اندیشی ، اندوه بی حد و مرز ، نوستالوژی و ... را در اشعارش منعکس ساخته است که توجه وی به این گونه مسائل در سال های ابتدایی حیاتش نمود بیشتری دارد که علت آن هم بر می گردد به زندگی زناشویی و شکست وی ؛ اما هرچه از حیات شعری اش رو به جلو قدم می گذارد این عناصر جایگاه خود را یا از دست داده ، یا کمرنگ می شوند و یا با قوت هر چه تمام تر سر جای خود ثابت می مانند. این پژوهش قصد دارد تا مولفه های مکتب رمانتیسم را در اشعار این شاعر مورد ارزیابی و تحلیل قرار داده ، جایگاه آن ها را در ذهن و اندیشه ی فروغ فرخزاد به عنوان اولین زن شاعر در تاریخ ادب فارسی ، مشخص سازد .

کلید واژه‌ها : فروغ فرخزاد ، جنبش رمانتیسم ، عشق ، طبیعت گرایی ، یأس ، نوستالوژی

---

[۱]استادیارگروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد واحد سنندج
[۲]دانشجوی دکترای زبان وادبیات فارسی دانشگاه آزاد واحدسنندج
[۳]دانشجوی دکترای زبان وادبیات فارسی دانشگاه آزاد واحد سنندج؛ رایانامه: amrollah.azimi@yahoo.com

بررسی سبک‌شناختی غزلیّات خاقانی شروانی

نصرالله امامی[۱]
زهرانصیری شیراز[۲]
بهنام دوستی[۳]

چکیده

خاقانی شروانی از غزلسرایان بزرگ قرن ششم هجری است. در سرایش غزلیّات خویش رویکردی فارسی-مآبانه دارد و همچنین واژگان ساده را نسبت به واژگان مرکب در بسامد بالاتری به کار برده است. بسیاری از ابیات سروده شده در دیوان وی طبق توالی منظم دستور زبان فارسی سروده شده‌اند؛ امّا در مواردی نیز تأخیر مفعول، تأخیر نهاد، کاربرد حروف ندا و... به چشم می‌خورد. خاقانی در ۹ بحر و ۲۹ وزن غزل سروده است. تعداد اوزان دوری در غزلیّات وی به نسبت زیاد است و در مجموع ۵۸ غزل را در اوزان دوری سروده است که این نشان‌دهندهٔ آن است که غزلیّات وی از غنای موسیقایی بالایی برخوردار است.از میان عناصر تصویرساز، تشبیه را بسیار بیشتر از سایر عناصر به کار گرفته است. از میان انواع استعاره نیز، استعارهٔ مصرّحهٔ مجرّده نسبت به سایر انواع استعاره از بسامد بالاتری برخوردار است. از میان انواع کنایات بیشتر به کنایه از مصدر یا فعل توجّه داشته و معمولاً سایر کنایات در غزل وی بسامدی ندارند. از انواع مجاز نیز، مجاز به علایق ماکان، مجاورت، حال و محل و جزئیه در غزل وی به کار رفته است. از منظر فکری معشوق از مقام بالایی برخوردار نیست و گاه از جنس مذکر است. اشعار سگیه در غزلیّات وی از بسامد بالایی برخوردار است و اشارات و تلمیحاتی به داستان‌های کهن قرآنی و شاهنامه‌ای دارد. از داستان-های قرآنی به داستان سلیمان نبی و داستان خضر و اسکندر و از میان اشارات شاهنامه‌ای به داستان‌های افراسیاب، سیاوش، کیخسرو، جمشید کیانی و ضحاک ماردوش اشاره کرده است. اصطلاحات و تعبیرات مربوط به بازی‌های نرد و شطرنج را در ابیات خویش گنجانده و همینطور به برخی از بیماری‌ها و روش‌های درمان آنان نیز اشاراتی داشته است.

کلیدواژه‌ها: غزل فارسی، قرن ششم، سبک، خاقانی

---

[۱]استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز؛ رایانامه:nasemami@yahoo.com
[۲]استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهیدچمران اهواز
[۳]کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

بررسی شیوه های اطناب در تاریخ جهانگشای جوینی(جلد اول)

نادر امامی[۱]
وحید مبارک[۲]

چکیده:
اطناب در لغت به معنای رفتن به اجتهاد و مبالغه (از متن اللغه)، سخت وزیدن باد در غبار (منتهی الارب)، پی یکدیگر رفتن شتران (آنندراج) و به معنی رسن های خیمه است.
اطناب یکی از ارکان متون نثر فنی و مصنوع و یکی از اساسی ترین موضوعات درس معانی است.و یکی از ویژگی های مهم نثر تاریخ جهانگشای جوینی می باشد.با وجود آنکه مبنای تاریخ نگاری معاصر بر پایه ی ساده نویسی می باشد اما در تایخ جهانگشا گونه های مختلف اطناب وجود دارد. عطاملک جوینی شایستگی خود را در نوشتن این تاریخ نشان می دهد و تا حدودی غیر مستقیم بیان می دارد که قدرت نویسندگی این تاریخ نگار از نویسنده ی کلیله و دمنه و تاریخ بیهقی چیزی کم ندارد و نثر او بسیار قدرتمند و اسلوب نگارشش بیشتر بر ورود اطلاعات علمی وادبی در نثر با به کارگیری اطناب به عنوان یکی از اسلوب های مهم نثر مصنوع است. دراین تحقیق به شیوه ی توصیف و تحلیل ،گونه های مختلف اطناب در جلد اول تاریخ جهانگشا بررسی شده و نمونه هایی از آنها ذکر می شود.

کلید واژه‌ها :تاریخ جهانگشا ،شگرد های اطناب ،نثر مصنوع ،نثر فارسی قرن۷

[۱]دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی کرمانشاه
[۲]استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی کرمانشاه؛ رایانامه:Vahid_mobarak@yahoo.com

بررسی سبک‌شناختی غزلیّات انوری ابیوردی

نصرالله امامی[۱]
بهنام دوستی[۲]

چکیده

انوری در مجموع ۳۲۲ غزل سروده است که نسبت به حجم ابیات دیوان و در مقایسه با قصاید و مقطعات وی، از بسامد قابل توجّهی برخوردار است.. غزل انوری، دارای زبانی ساده و به دور از هرگونه تعقید و ابهام در کلام است. از منظر ساختار زبانی، غزلی فارسی‌گرا است و بهاستفاده از واژگان ساده نسبت به واژگان مرکب و هم‌چنین واژگان فارسی نسبت به واژگان عربی تمایل بیش‌تری دارد. در محور نحوی، تا آن‌جایی که امکان داشته است، ابیات را در نُرم و هنجار دستوری زبان فارسی سروده است امّا در بسیاری از موارد هم از این هنجار عدول کرده است که تقدّم مفعول، تأخیر مفعول، تأخیر متمّم، تقدّم فعل بر اجزای جمله و... از نمونه‌های آن هستند. انوری از ۹ بحر و ۲۳ وزن مختلف در سرایش اشعار خویش بهره برده است. در سرایش ۲۱ غزل از اوزان دوری بهره برده که نشان از غنای موسیقایی غزلیّات وی دارد. از میان آرایه‌های معنوی بدیع بیشتر به ایهام، ایهام‌تناسب و تضاد نظر داشته و حس‌آمیزی نیز در اشعار وی از بسامد نسبتاً بالایی برخوردار است. از میان عناصر تصویرساز، به تشبیه آن هم از نوع تشبیه حسی به حسی، بیش از سایر عناصر علاقه داشته است. استعاره نسبت به تشبیه از بسامد کمتری برخوردار است امّا نسبت به کنایه در سطح بالاتری قرار دارد. مضمون غزلیات انوری عاشقانه است امّا معشوق در مقام والایی قرار ندارد و از حدّ یک کنیز زرخریدفراتر نمی‌رود. مضامین عشقی بیان شده بسیار سطحی و مبتذل است و گاه شاعر معشوق مذکر را خطاب قرار داده است. در این مقاله به بررسی سبک غزلیّات انوری در سه سطح زبانی، ادبی و فکری پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: غزل فارسی، قرن ششم، سبک، انوری

---

[۱]استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز؛ رایانامه nasemami@yahoo.com
[۲]کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

بررسی تطبیقی بینامتنی اسطوره در آثار صادق هدایت و ادگار آلن پو

محبوبه امتیازی[۱]

چکیده

امروزه پیوند ادبیات تطبیقی و بینامتنیت دستاوردی جدید است که تحلیل اثر در چارچوب الگوها و روش‌های آن آسان می‌شود. از مهم‌ترین عوامل تحلیل در حوزهٔ ادبیات تطبیقی بررسی شباهت‌ها و تأثیرگذاری آثار بر یکدیگر و چگونگی تحقق یا انتقال یک موضوع و درون‌مایه است ولی خوانش بینامتنی دغدغهٔ فرارفتن از بررسی منابع مشابه و تأثیر و تأثر را دارد؛ یک متن بر پایهٔ گفتمانی از پیش موجود بنا می‌شود و سپس آن گفتمان را از آن خود می‌کند و حتی موجب دگرگونی معنای متن محوری می‌شود. با توجّه به تأثیر اسطوره ها بر یکدیگر،این پژوهش کوشیده است، تا به مقایسهٔ اسطوره های آثار ادگارآلن پو و صادق هدایت بپردازد.هدف تحقیق حاضر بررسی بینامتنی اسطوره و کارکردهای آن در آثار دو نویسنده شهیر امریکایی و ایرانی است.پرسش محوری پژوهش حاضر این است که چگونه می توان با تکیه بر الگوی تحلیل بینامتنیت، نقش اسطوره ها در آثار داستانی ادگار آلن‌پو و صادق هدایت را مورد بررسی قرار داد؟ یافته های این تحقیق نشان داد که مشابهت های اسطوره شناختی و کارکردهای مشترک بینامتنی در حوزه محتوا و مضامین و هم در حوزه ساختار و سبک، قابل مشاهده است. حضور چهره مرگ و احساس گناه گریزناپذیر قهرمانان و تکرار مضامینی همچون تاریکی، ترس، و سخن از ناامیدی و مرگ و حرکت مداوم شخصیت های داستانی بر لبه عقل و جنون در این داستان‌ها از جمله طرح های اسطوره ای مشترک در آثار دو نویسنده مذکور به شمار می آید.

کلید واژه‌ها: اسطوره، صادق هدایت، آلن پو، بازآفرینی، بینامتنیت

[۱] کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه:r.anahit@yahoo.com

نقد و تحلیل محتوای کتاب فارسی پایهٔ هفتم متوسطه

فاطمه امیری[۱]

محمدرضا نصراصفهانی[۲]

چکیده

کتاب درسی به‌عنوان یکی از محورهای اصلی یادگیری و مرجع رسمی تعیین محتوا و برنامهٔ‌آموزشی، چنان اهمیتی داردکه ضرورت تأمل و بازبینی مداوم آن را دوچندان می‌سازد. در این میان، کتاب‌های فارسی ویژگی خاص دارد که هم عموم نوجوانان را مورد خطاب قرار می‌دهد و هم آن‌ها را با زبان فارسی و میراث کهن و ریشه‌دار ایران و اسلام آشنا می سازد. پژوهش حاضر با این پیش فرض که سازماندهی کتاب یعنی توالی، تداوم، وسعت و شمول در محتوای کتاب فارسی هفتم به خوبی رعایت نشده است، به نقد و تحلیل محتوای کتاب فارسی پایهٔ هفتم پرداخته و می‌کوشد، دانش‌های ادبی، زبانی و نمونهٔ آثار ادبی و دیگر مطالب طرح شده در این کتاب را مورد بررسی و نقد قرار دهد تا نقاط مورد ابهام و ضعف و کاستی‌های احتمالی کتاب را برای اصلاح و تغییر مناسب با اهداف تعیین شده و اصول علمی مشخص کند و پیشنهادهایی در بازنگری کتاب در اختیار مدیران و برنامه‌ریزان قرار دهد تا در بهبود آموزش عمومی زبان و ادبیات فارسی در کشور، یاریگر مسئولان و مؤلفان باشد.

کلیدواژه‌ها: تحلیل محتوا، زبان فارسی، کتاب درسی، نظم و نثر، ، نقد.

[۱] دانشجوی کارشناسی¬ارشد و دبیرادبیات فارسی ناحیه۳ اصفهان؛ رایانامه: fatima_amiri@yahoo.com
[۲]دانشیار دانشگاه اصفهان

تحلیل کهن الگویی جن در باورهای عامیانه رامسر

شایسته امیری[۱]

چکیده

باورها به عنوان بخشی از ادبیّات عامیانه - مانند بسیاری از گونه های ادب عامه – ریشه در اسطوره و کهن الگو دارد. بررسی و تحلیل این الگوها در بنیاد دیدگاه های جدید، افقی تازه در مطالعات جامعه شناختی و مردم شناختی را پدید آورده است. یکی از شناخته شده ترین الگوهای تحلیلی نقد کهن الگویی است. نقد کهن الگویی از اوان نقد اسطوره ای و یکی از مهم ترین رویکردهای نقد ادبی به شمار می رود که عمدتاً بر پایه ی نظریات روانشناس سوئیسی، کارل گوستاو یونگ (۱۹۶۱-۱۸۷۵)، در مورد ناخودآگاه جمعی و صور ازلی بنا شده است. در دیدگاه یونگ کهن الگوها همان اسطوره های جهانی اند و آن دسته از صور ازلی و نوعی اند که در عمق ضمیر ناخودآگاه جمعی بشر به جا مانده است و به طریق گوناگون تجلّی می یابند.

اگر باورهای مردمی را آیین هایی بدانیم که چهره ی ناخودآگاه جمعی در آن نمایان می شود، نقد کهن الگویی باورهای مردمی هر منطقه ما را به چگونگی شیوه ی زیست، تفکّر، احساس و هویت مردم آن منطقه نزدیک می کند. در این پژوهش به تحلیل نمونه هایی از باورهای مردمی شهر رامسر می پردازیم. از آن جا که تاکنون باورهای مردمی از منظر کهن الگویی تحلیل و بررسی نشده است، این مقاله در نوع خود تازه است. این پژوهش در بررسی خود به این نتیجه رسیده است که باورهای مردمی نیز مانند دیگر ساحت های فرهنگ بشری، برخاسته از نهان و ژرفای جان آدمی است که به صورت تصاویری نمادین تجلّی یافته اند. جن در باورهای مردم رامسر سمبل سایه است و میان جن، شب، سگ، زن حامله ارتباط معناداری برقرار است.

کلیدواژه ها: ادبیّات عامیانه، کهن الگو، باورهای رامسر، یونگ، جن

[۱] کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه: reza_mra78@yahoo.com

ابن یمین عصر ما
(معرفی جلال بقایی نایینی و مقایسهٔ اجمالی قطعات بقایی و ابن یمین)

ثریا انداز[۱]
رسـول زمـانی نایینی[۲]

چکیده :
جلال بقـایی نایینی(۱۳۷۶-۱۲۸۷ ه.ش.) فرزنـد مصطفی از شاعران خوش ذوق و نکتـه پرداز معاصر و اهل نایین است که تخلّص به نام می کرده است. در میان شاعران معاصر، بقایی نایینی یکی از شاعران صاحب ذوقی است که شاید بتوان گفت بعد از پروین اعتصامی جزء معدود شعرایی است که در اغلب قطعاتش به شیوه ی سخنوری مناظره پرداخته و حق آن را ادا کرده است.او شاعر برجسته ای است که در ادبیّات فارسی جایگاه خود را نیافته و قدرش بر ادب دوستان ناشناخته مانده است.بر بزرگی وی همین بس که برخی از اشعار او بر سر زبان ها است ،بی آن که گوینده اش را بشناسند؛گاهی هم اشعار بقایی را به شاعر دیگری منسوب کرده اند. یقیناً شناخت اندیشه ، اشعار و سبک شعری بقایی در شناخت ادبیات معاصر به عنوان بخشی از میراث فرهنگی زبان فارسی کمک به سزایی به ما می کند.
با وجود مرتبه ی والای بقایی در نزد بزرگان علم و ادب ، تا کنون درباره ی جلال بقـایی نایینی هنـوز تحقیقی مستقل و جـامع انجام نشـده است.وی به قول بزرگان ادبیات ،ابن یمین زمان خود بوده است.
به منظور رسیدن به این ادعا، قطعات دو شاعر بررسی شد و مقایسهٔ اجمالی صورت گرفت .نکاتی که به دست آمد، این ادعا را تأیید کرد.ازجمله: انتخاب قالب قطعه برای بیان مقاصد فکری ؛هر دو شاعر در این قالب مسائل سیاسی،اجتماعی،پند و اندرز،مسائل اخلاقی،مفاخره،اخوانیه، شکوائیه را مطرح کرده اند.البته با این تفاوت که بقایی اکثرا شیوهٔ مناظره را برگزیده و از حکایت بهره برده است و برخلاف ابن یمین اصلا قطعات مدحی ندارد.بقایی دربیان انتقادات سیاسی و اجتماعی بیشتر از ابن یمین از طنز استفاده می کند.شیوهٔ بیان آن ها اغلب ساده و عاری از تکلف است.

کلید واژه‌ها : بقایی نایینی،ابن یمین،قطعه ،انتقادات اجتماعی،اخلاقیات و...

[۱] soriandaz@gmail.com
[۲] rasool_zamani_ naeiny@yahoo.com

بکتاشیه در ایران و ترکیه

قاسم انصاری[۱]
مریم غفوریان[۲]

چکیده

حملهٔ مغولان در قرن هفتم هجری پیامدهای زیادی داشت که یکی از آن‌ها مهاجرت بسیاری از بزرگان، عالمان و رهبران دینی به آسیای صغیر بود. با مهاجرت دراویش و رهبران طریقت‌های صوفی به آناطولی، این منطقه به یکی از مکان‌های اصلی تجمع صوفیان و فرقه‌های صوفی تبدیل شد. در چنین شرایطی تصوف نه تنها در ایران، بلکه در قلمرو عثمانی و به‌ویژه آسیای صغیر از شکوفایی خاصی بهره‌مند شد. از این رهگذر بود که عرفا و مشایخ برجسته‌ای چون مولانا، شمس تبریزی، فخرالدین عراقی، نجم‌الدین رازی، اوحدالدین کرمانی و ... در آسیای صغیر (ترکیه) زندگی می‌کردند. ازجمله بزرگانی که به آناتولی مهاجرت کرد، حاج ولی بکتاش (سید محمد رضوی نیشابوری) متولد ۶۰۴ هجری بود که طریقت بکتاشیه با انتساب به وی در آسیای صغیر شکل گرفت.

ورود وی در نیمهٔ اول قرن هفتم هجری از خراسان به آناتولی هم‌زمان با قیام بابائیان بود و احتمالا حاج بکتاش ولی، خلیفه بابا الیاس خراسانی، رهبران قیام بوده‌اند. حاج بکتاش با پرهیز از رویارویی نظامی با دولت سلجوقیان روم، مسیر فکری بابائیان را دنبال کرد و با بهره‌گیری از عناصری چون باورهای مذهبی ترکان قبل از اسلام، افکار صوفیانهٔ رایج در مکتبی را بنیان گذاشت که در روزگار عثمانی از طریقت‌های رسمی شد و سپاهیان نظامی آناتولی، مسیحیت و ینی‌چری را تحت نفوذ معنوی خود گرفت. پس از آن نیز بکتاشیه در قرن نهم از جریان‌هایی مانند حروفیه و تبلیغات شیوخ صفوی تأثیر پذیرفت.

کلید واژه‌ها: بکتاشیه، ایران، ترکیه، عرفان، از قرن هفتم تا کنون

---

[۱]استاد مدعو دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین
[۲]دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی (عرفانی) دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین؛ رایانامه: ghaforyanm@yahoo.com

کارکرد حکایت در مخالف‌خوانی‌های اجتماعی سعدی

محمدایرانی[۱]
مریم ترکاشوند[۲]

چکیده

سعدی از جمله شاعرانی است که به روش‌های مختلف به انتقاد از اوضاع زمانه پرداخته است. او مهم‌ترین شگرد خود را در کتاب بوستان و با استفاده از بیان حکایت و به کارگیری دو عنصر شخصیّت و گفتگو در این حکایت‌ها به کار برده است. شخصیت‌های به کار رفته در حکایات یا نمادین هستند یا واقعی. استفاده از شخصیت‌های نمادین، بیشتر برای طرح مطالبی بوده است که بیان مستقیم آن خطرآفرین بوده است. به کارگیری شخصیت‌های واقعی نیز که معمولاً در جایگاه نصیحت‌گر/مثبت یا نصیحت‌شونده/منفی قرار دارند، دربردارندهٔ پیامی مبنی بر رد یا تأیید مقبولیّت آنان هم در میان جامعه و هم از نظر سعدی است.از تحلیل بسامدی شخصیت‌های مثبت ومنفی در بوستان، کسانی که با صفت معنویت و دین‌داری شناخته می‌شده‌اند مثل پیر و صاحبدل از جایگاه بهتربرخوردار هستند؛درحالی که طبقات شناخته‌شده‌ای مثل صوفی، فقیه، عابد و عارف بسیار ناچیز و کم‌تعدادند. در مقابلِ شخصیّت‌های مثبت، قدرتمندان، بیش‌ترین آمار شخصیّت‌های منفی را به خود اختصاص داده‌اند.گفتنی است این نتیجه، با توجّه به اوضاع آشفتهٔ ایران بعد از حملهٔ مغول، که نشان‌دهندهٔ ضعف مدیران و حاکمان جامعه است کاملاً منطقی و واقعی به نظر می‌رسد.

کلیدواژه‌ها: سعدی، حکایت، شخصیّت، گفتگو، مخالف‌خوانی

[۱]- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی کرمانشاه؛ رایانامه: moham.irani@gmail.com
[۲]- معاون آموزشی پردیس شهید باهنر همدان- دانشگاه فرهنگیان

نگاهی به سیمای زن در آثار داستانی منصور یاقوتی

محمّد ایرانی[۱]
سمیرا خانجانی[۲]

چکیده

زنان به عنوان نیمی از جامعه، همواره مورد توجّه شاعران و نویسندگان ایرانی قرار گرفته‌اند؛ امّا تحولات سیاسی، اجتماعی و ادبی ایران در آستانهٔ قرن بیستم و آشنایی با تفکّرات فمنیستی، باعث شد ماهیّت زن ایرانی با نگاهی دیگرگونه مورد توجّه محافل اجتماعی قرار گیرد. از این‌رو، به تبع دگرگونی دیدگاه‌های جامعه نسبت به زنان، تغییر نگرش نسبی ـ و هر چند اندک و محدود ـ شاعران و نویسندگان به زنان نیز مطرح گردید و سیمای متفاوت‌تری از آنها در شعر و داستان معاصر ایران به تصویر کشیده‌شد. منصور یاقوتی یکی از داستان‌نویسان معاصر ایران است که در آثار داستانی خویش، توجّه ویژه‌ای به زنان به ویژه زنان مناطق غرب ایران داشته و تلاش کرده‌است با خلق شخصیّت‌های متعددی از آنها در آثار خویش، بسیاری از دغدغه‌های زنان ایرانی (به ویژه زنان سنّتی) را به تصویر بکشد. بنابراین پژوهش حاضر، با رویکرد توصیفی-تحلیلی، برآن است تا سیمای زنان را در آثار داستانی منصور یاقوتی، بررسی وتحلیل کند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که منصور یاقوتی گاهی اوقات، سیمایی منفعل و مظلوم از زنان در قبال زورگویی‌های مردان نشان می‌دهد و در پاره‌ای موارد، نقش مادرانهٔ زنان را به تصویر می‌کشد که محوریت و ستون خانواده بر عهدهٔ اوست.

کلید واژه‌ها: داستان معاصر ، رئالیسم، شخصیّت‌های زنانه، منصور یاقوتی.

---

[۱] .دانشیار دانشگاه رازی کرمانشاه، گروه زبان و ادبیات فارسی
[۲] .کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی.؛ رایانامه: akbrymrym79@gmail.com

بازتاب نقد اجتماعی در آثار پیر جمالی اردستانی

محمد ابراهیم ایرج پور[۱]
فاطمه مومن زاده[۲]

چکیده

تحوّلات و اوضاع سیاسی هر عصر، آثار بلند مدّت و کوتاه مدّت زیادی بر وضعیت فرهنگی واجتماعی جامعه در طول تاریخگذارده است و آن را در جهت تعالی و پیشرفت یا انحطاط و عقب ماندگی سوق داده است. هرگاه ثبات سیاسی و حاکمیت نسبی نظم و قانون درتمام مملکت یا قسمتی از آن دوام آورده، شاهد ترقّی و پیشرفت در اکثر مقوله های اجتماعی و فرهنگی بوده ایم.

از آنجا که ادبیات هر دوره تصویرگر راستین اجتماع آن عصر است،با بررسی های دقیق جامعه شناسانه مجموعه *رسایل* پیرجمالی عارف، شاعر، نویسنده و سیاح شیعه مذهب عصر شاهرخ این امکان بوجود می آید که بتوان بازتابیاز اوضاع سیاسی- اجتماعی ایران را در قرن نهم یعنی همزمان با حکومت تیموریانوتاثیر ایشان بر فرهنگ جامعه ارائه داد. در این مقاله به جایگاه اجتماع و نمودهای آن در آثار پیر جمالی پرداخته شده است. غالباً این عارف شاعربه عنوان یک منتقد اجتماعی، سیاسی ظاهر می شود که با زبان نقد گزنده امّا هنری خود، از انحرافات اجتماعی در خلق و خوی مردم، سلاطین ظالم وستمگر، علما و عرفای متظاهر فریاد برمی-دارد.در این اوراق، ابتدا به بازتاب اجتماع در مسایل فرهنگی-سیاسی که ناشی از دوران پر آشوب ایران وقتل و غارت جانشینان تیمور است، پرداخته می شود و درادامه، به بیان نقادانه پیرجمالی از معضلات عمدهٔ ایران قرن نهم هجری خواهیم پرداخت؛ مسایلی همچون دزدی، مالیات، فساد اخلاقی، باده خواری و داشتن حرمسراهای شاهزادگان درباری، سقوط و انحطاط اخلاق ، غلام بارگی و...

کلید واژه ها : اجتماع- فرهنگ مردم-*دیوان اشعار* - مجموعه *رسایل*- پیر جمالی اردستانی.

---

[۱]دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور؛ رایانامه: irajpour20@yahoo.com
[۲]کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور

نقش عادت‌گریزی نحوی در ایجاد الگوهای نو زبانی

حمید باقری‌فارسانی[۱]

چکیده

هدف این مقاله آن است که نشان دهد آشنایی‌زدایی نحوی، کاربرد خلاقانه، متفاوت و بی‌سابقه یا کم‌سابقه نحو در زبان ادبی است نه گونه‌ای خاص از نحو. هم‌چنین نوشتار حاضر با بررسی نمونه شعرهایی از شاعران کلاسیک و معاصر نشان داده‌است که نحو عادت‌گریز، علاوه بر نقشی که در آفرینش‌های ادبی دارد، می‌تواند به امکانات و توانش‌های نحوی زبان معیار نیز بیفزاید. عادت‌گریزی نحوی با پیشنهاد الگوهای زبانیِ نو از مؤثرترین و خلاقانه‌ترین شگردهای آشنایی‌زدایی و یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های سبکی در شعر بسیاری از شاعران برجستهٔ زبان فارسی است. نحو زبان، امکانات و قابلیت‌های رو به گسترش بسیاری دارد که ما هنوز به کشف همهٔ آن‌ها دست نیافته‌ایم. هرچند بسیاری از آزمایش‌های زبانی و عادت‌گریزی‌ها، ناهنجاری نحوی و زبان‌پریشی به نظر می‌رسند، اما بسیاری از الگوهای زنده و کارآمد نحوی، حاصل همین عادت‌گریزی‌ها و بازی‌های زبانی است.

کلیدواژه‌ها: بلاغت، عادت‌گریزی، آشنایی‌زدایی، عادت‌گریزی نحوی

[۱] دکتری زبان و ادبیات فارسی؛ hb.farsani@gmail.com

بررسی اشعار حماسهٔ عرفانی عطار نیشابوری (خوانش عطار از شاهنامه)

ساحل باوندپوری[۱]

چکیده

اشعار حماسی یکی از مهم‌ترین اشعار قهرمانی و پهلوانی اقوام ایرانی است که نسل به نسل ادامه داشته است. حماسه انواع مختلفی دارد که برای نمونه می‌توان به حماسهٔ عرفانی اشاره کرد. این نوع حماسه نبرد به دشمن درونی است که انسان را به گناه وا می‌دارد. هدف این مطالعه توصیفی-تحلیلی بررسی اشعار حماسهٔ عرفانی عطار نیشابوری (خوانش عطار از شاهنامه) است. در حماسه در اقوام مختلف نبردهایی میان افراد صورت می‌گیرد که در نهایت آن قومی که تواناتر است، قهرمان است؛ اما حماسهٔ عرفانی نبرد با دشمن‌ترین دشمن‌هاست و آن هم نفس اماره است. نبرد با این دشمن بسیار مشکل‌تر از نبردهای قومی و قبلیه‌ای است؛ چون با لغزش در ایمان به خداوند نفس اماره می‌تواند، حاکمیت کند. این حاکمیت سرمنشاء بی‌ایمانی و کفر است که شاعران حماسی و عرفانی به‌ویژه عطار به آن اعتقاد دارد. در پایان می‌توان اذعان داشت که رهرو حق با ایمان به خداوند و خداپرستی می‌تواند بر نفس اماره خود غلبه کند که این نمود بارزی از حماسهٔ عرفانی است.

کلید واژه‌ها: حماسه، حماسهٔ عرفانی، عطار نیشابوری، شاهنامه

[۱] کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی؛ s.bavandpor20@gmail.com

تحلیل فرایند اجتماعی شدن رمانتیسم در شعر ژاله اصفهانی

محسن بتلاب اکبرآبادی[۱]

سیده زینب حسینی[۲]

چکیده

ژاله اصفهانی ازشاعران متعهد،انقلابی و وطن خواه دوران معاصر است که با توجه به اهمیت وجایگاهی که در ادبیات معاصربه ویژه در ادبیات پایداری دارد هرگونه تحقیق درباره ی او وشعرش می تواند ضروری ومفید باشد. یکی از مهمترین شاخصه سبکی ژاله اصهانی، پیوند تخیل با اجتماعیات است و همین امر شعر وی را به شعری اجتماعی تبدیل کرده است. بر همین اساس این مقاله در پی نشان دادن فرایند اجتماعی شدن احساسات رمانتیک در اشعار این شاعر است. نتایج این تحقیق نشان می دهد که رمانتیسم موجود دراشعار ژاله اصفهانی بیشتر بر مولفه های رمانتیسم اجتماعی وانقلابی تاکید می کند به گونه ای که می توان گفت رمانتیسم فردی موجود دراشعار اصفهانی به جز بخش طبیعت گرایی اشعارش که مهم ترین بخش رمانتیسم فردی او محسوب می شود باقی مولفه های فردی آن درنوستالژی ،قهرمان گرایی واساطیرخلاصه می شود.اما رمانتیسم اجتماعی انقلابی یا جامعه گرای شعرژاله شامل مولفه هایی چون :میهن دوستی، همدردی با محرومان، دعوت به انسانیت، دعوت به صلح وزندگی عاری از خشونت و... می باشد.این تحقیق بر اساس مجموعه شعر ژاله اصفهانی (اگرهزار قلم داشتم) وبه روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است.

کلیدواژه‌ها :رمانتیسم اجتماعی ، ژاله اصفهانی، طبیعت گرایی،عشق به وطن،ستایش آزادی

[۱] استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه جیرفت؛ botlab2005@yahoo.com

[۲] دانشجوی کارشناسی ارشد زبان وادبیات فارسی دانشگاه پیام نور جیرفت

تحلیل شاخصه های مدرنیسم در آثار بیژن نجدی

محسن بتلاب اکبرآبادی[۱]

مهدی نادعلی[۲]

چکیده

اندیشه‌های مدرنیسم از دهه چهل خورشیدی به تدریج وارد ادبیات داستانی ایران شد. مراد از مدرنیسم در معنای خاص در داستان، گرایش به فرم و ساخت و بی توجهی به مضمون های اجتماعی، سیاسی و کم رنگ جلوه دادن ایدئولوژی است که تقریبا از ابراهیم گلستان آغاز می شود. ایماژها و تصاویر سینمایی و تو در تو، تداعی های زمان شکن، شکست پیرنگ و روابط علی و معلولی، گریزهای سیلان ذهنی و ... همگی از ویژگی هایی هستند که جریان مدرنیسم را در داستان به وجود می آورندنجدی،داستان نویس معاصری است که داستان هایش از جهات بسیاری قابل تأمل است،در داستانهای او به دلیل نقش بازیهای زبانی به ویژه زبان شاعرانه و ترکیبش با عناصرداستانی نکات قابل بحث بسیاری می توان یافت.هدف اصلی این پژوهش بررسی شاخصه های مدرنیسم درداستان های بیژن نجدی است. بررسی آثار وی از زاویه دید مدرنیسم ضمن اینکه می تواند کیفیت زبانی آثار وی را نشان دهد، زمینه را برای تحلیل های زبانی و فرمی داستان نویسان معاصر که گر ایش قابل توجهی به مقوله زبان دارند، مهیا می کند و همین امر ضرورت این پژوهش را تایید می نماید.

کلید واژه‌ها: مدرنیسم، بیژن نجدی، فرم-شکست پیرنگ، جریان سیال ذهن

[۱] استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه جیرفت؛؛ رایانامه:botlab2005@yahoo.com

[۲]کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور جیرفت

بررسی موتیف و عناصر خیال سبک‌ساز در غزلیات کلیم همدانی

رضا برزویی[۱]
محمد عبّاس‌منش[۲]

چکیده

از راههای خلق تصاویر هنری و ایجاد زمینه‌های منطقی و قابل درک در غزل کلیم، به کار بردن اسلوب معادله است. اسلوب معادله که نوعی تشبیه است، شعر را به ساحتهای تصویری روشن و قابل درک رهنمون میسازد و به سبب شکل ساختاریش (که ابتدا مفهومی معقول ذکر می‌شود و سپس مفهومی محسوس در پی آن می‌آید) هیأتهای ذهنی شاعر را به به هیأتهای بیرونی در جهان ما می‌پیوندد و زمینهٔ درک مفاهیم را فراهم می‌کند.

اسلوب معادله از دیرباز در شعر فارسی کاربرد داشته و در سبک هندی و اشعار این عهد – بویژه در شعر کسانی چون کلیم و صائب - بسامد کاربرد بالایی پیدا کرده و از ویژگی‌های سبکی به شمار می‌آید. در ضمن باید دانست که کلیم در اسلوب معادله تنوع بسیاری ایجاد کرده و شعر وی به داشتن اسلوب معادلهٔ خاص و مبتکرانه‌اش از سایرین ممتاز گشته است که این ابتکار و خاص بودن و سرآمدی وی در ساخت اسلوب معادله، از چهار خصوصیت و ویژگی، نشأت گرفته و شکلی انحصاری یافته است که عبارتند از : ۱- موتیفهای شعری و نقش کلیم درین زمینه ۲- فراوانی بسامد و کاربرد اسلوب معادله ۳- ابتکار و نوآوری در شکل ساختاری اسلوب معادله ۴- مضامین ارائه شده در قالب اسلوب معادله که اساس این پژوهش نیز مبتنی بر بررسی و معرفی چهار ویژگی مذکور و چگونگی آن است، بدین شیوه که ابتدا اسلوب معادله معرفی میشود و سپس، نمونه‌هایی از کاربرد این صنعت ادبی در اشعار ادوار پیشین ذکر خواهد شد، آنگاه به معرفی اسلوب معادله در اشعار کلیم، از لحاظ موتیف، از لحاظ ساختاری و هم، از لحاظ مضامینی که در قالب آنها بیان شده است می‌پردازیم.

کلید واژه‌ها : کلیم، سبک هندی، اسلوب معادله

[۱] استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج؛ rezaborzoiy@yahoo.com
[۲] دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج

نماد شناسی در منظومه «کوله وئاینه مه‌ل» میرزا عبدالقادر پاوه‌ای

رضا برزویی[۱]
محمدآشنا عباس منش[۲]

چکیده:

یکی از مهمترین مسائل و موضوعاتی که در تحقیق و پژوهش‌های ادبی باید مورد توجه قرار گیرد؛ پرداختن به ادبیات فولکلور و تلاش در راستای انجام تحقیق برای معرفی و شناساندن لطایف و ظرایف آثار ادبی فولکلور و بیان قوّت طبع سخنوران و سرایندگان مناطق مختلف است. هدف مقاله‌ی حاضر نیز آن است که با بررسی یکی از آثار منظوم محلی استان کرمانشاه به گوشه‌ای از ظرفیت‌های آثار ادبی بومی شناخت حاصل آید و با تحقیق در منظومهٔ «کوله و ئاینه مه‌ل» میرزا عبدالقادر پاوه‌ای، ضمن معرفی کلّی این اثر بیان گردد که این سخنور چگونه از ظرفیت نماد برای افزایش توانایی زبان خود برای بیان احساسات و عواطف بهره برده است.

در این پژوهش که به روش کتابخانه‌ای انجام شد پس از معرفی اجمالی انواع نماد و اهمیت و تأثیر آن در یک اثر ادبی، با تأمل خاص از منظر نماد در اثر مذکور مشخص گشت؛ این منظومه که به زبان کردی هورامی سروده شده است،کاملاً ساختاری نمادین دارد و به روایت و تحلیل جنگ میان کوله (ملخ) و ئاینه مه‌ل (سار) و منطقه‌ای که این ماجرا در آن اتفاق می‌افتد(پاوه)، می‌پردازد و در این راه نمادهای طبیعی را در خدمت ارائهٔ مضمون قرار می‌دهد. وی ملخ را نماد ارتش عثمانی و سار را نماد سپاه ایرانی می‌داند که در منطقه‌ی زیست شاعر به نبرد پرداخته و منطقه را به ویرانه‌ای تبدیل نموده و به غارتگری و چپاول پرداخته‌اند.

کلید واژه‌ها: ادبیات فولکلور، منظومهٔ کردی، نماد شناسی، انواع نماد، کوله و ئاینه مه ل، میرزا عبدالقادر پاوه‌ای

[۱] - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج- rezaborzoiy@yahoo.com
[۲] - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی واحد سنندج

جلوه‌های پایداری در اشعارمحمدجواد محبّت

آیت بروفرد[۱]
وحید مبارک[۲]

چکیده

شعر مقاومت در فرهنگ و ادب فارسی پیشینه‌ای طولانی دارد؛ امّا تأثیر شاخص آن بیشتر از عصر مشروطه نمایان است. به طور کلی ادب پایداری از این دوره به بعد به سه شاخه تقسیم می‌شود؛ عصر مشروطه، عصر پهلوی و دوران انقلاب اسلامی. بنابراین شاعران متعهد اجتماعی نقش بسزایی در روشنگری، ترغیب و تشویق تودهٔ مردم به مقابله و رویاروی با حکام مستبد یا هجمهٔ دشمن خارجی برعهده داشتند و با خلق آثاری در این زمینه به رسالت اجتماعی خویش عمل کرده‌اند.محمدجواد محبّت یکی از این شاعران متعهد و انقلابی کرمانشاهی و از پیشگامان شعرگفتاری می‌باشدکه توانسته‌است با اشعاری سهل و ممتنع، والاترین و ژرف‌ترین مفاهیم انسانی را بیان کند.باتوجه به این‌که وی دومحیط سیاسی و اجتماعی(دوران قبل از انقلاب اسلامی و دوران بعد از انقلاب اسلامی) راتجربه کرده‌است،نوع عواطف وتخیل اونیزبه تبع این دومحیط، نسبت به حوادث پیرامونش متفاوت است. از این‌رونوشتار حاضر برآن است تا با روش توصیفی-تحلیلی درشعراین شاعر، نشانه‌هایی ازپایداری و مقاومت را بررسی و تحلیل کند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که موضوعاتی چون؛ عاشورا،اصل مهدویّت، میهن‌پرستی، مبارزه با دشمن،تمجید از شهدا و ایثارگران،استکبارستیزی،ستایش ازامامان وشخصیّت‌های مذهبی که به عنوان نماد مقاومت جلوه‌گرشده‌اند، مؤلّفه‌هایی از ادبیات پایداری هستند که در شعر محمدجواد محبّت بازتاب داشته‌است.

کلید واژه‌ها: شعر معاصر، ادبیات پایداری، دفاع مقدس، محمدجواد محبّت.

[۱] دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی کرمانشاه؛ رایانامه: sokoot66@yahoo.com
[۲] استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی کرمانشاه

بررسی تطبیقی مضامین پایداری در اشعار «سمیح الصبّاغ» و «رهی‌معیّری»

محمد بستان[۱]
بهناز نظری[۲]
حسن سوری[۳]

چکیده

ادبیّات و شعر پایداری، نوعی ادبیّات متعهد و ملتزم است که از طرف پیشروان فکری جامعه و مردم، برای تحصیل استقلال و دفاع از حیات معنوی و مادی به وجود می‌آید و بستری برای تجلّی احساسات دینی، میهن پرستی، آزادی خواهی و حق‌طلبی با هدف ایجاد روحیهٔ مبارزه و پایداری در میان مردم می‌باشد. سمیح صبّاغ (۱۹۴۷) و رهی‌معیّری (۱۳۴۷-۱۲۸۸) از شاعران بنام و پرآوازهٔ معاصر هستند که زبان عاطفی و پر احساسشان، نظر مخاطبان فراوانی را به خود جلب کرده است. که با اندیشه‌های پایداری و توصیف رشادت‌ها و جانبازی‌های قهرمانان، برجسته‌ترین مضامین پایداری که شامل؛ وصف وطن، آزادی‌خواهی، شهید و شهادت، جوانان وطن، عزت و سربلندی، عشق به وطن، افتخار به وطن، خفقان ملّت و...می‌باشند را در شعر خویش به تصویر می‌کشند. این پژوهش نخست بنابر جایگاه و رسالت ادبیّات تطبیقی، بر بنیان دیدگاه‌های مکتب آمریکایی، با روش توصیفی- تحلیلی و با تکیه بر دیوان دو شاعر پیش رفته تا وجوه اشتراک و افتراق این مضامین مشخص شود و به این نتیجه دست یافته است که هر دو شاعر از شرایط و اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی عصر خویش تا حد زیادی متأثر بوده‌اند و به دلیل داشتن روحی سرشار از تعهد، دفاع از وطن در برابر عناصر مهاجم و دشمنان داخلی و خارجی، وطن پرستی و در نهایت رسیدن به آزادی و پیروزی را به عنوان رسالتی در شعر خود انتخاب کرده و با بهره‌گیری ازنمادها و مؤلفه‌های پایداری از عهدهٔ این رسالت بیرون آمده‌اند.

کلیدواژه‌ها: سمیح صبّاغ، رهی‌معیّری، ادبیّات پایداری، شعر معاصر، ادبیّات تطبیقی.

---

[۱]دکترای زبان وادبیات عرب؛
[۲]دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب
[۳]دکترای زبان و ادبیات عرب

بررسی تطبیقی شعر وطنی در اشعار «محمد التلیسی» و «سنایی غزنوی»

محمد بستان[۱]

بهناز نظری[۲]

چکیده

آیندهٔ هر ادبیّاتی، از گذشته و معاصر آن جدا نیست، زیرا در بیشتر موارد، ادبیّات هر ملّتی به گذشته‌ای نظر دارد که اساس پیشرفت و فلسفهٔ وجودی حال خود را بر آن بنا می‌نهند. اندیشه‌های بسیاری در حوزه شعر و نثر وجود دارد که یکی از مهمّ‌ترین آنها، اندیشه وطن یا شعر وطنی است. که معنای قدیم آن با مفهوم جدید متفاوت است و این تفاوت اندیشه بخاطر دستاوردهای فکری و ادبی و تغییر و تحولات بنیادین فکری و عصری است، که شاعر یا نویسنده در آن زندگی می‌کند. محمد التلیسی (۱۹۳۰- ۲۰۱۰) و سنایی غزنوی (۴۶۳-۴۷۳- ۵۳۵) از شاعران بزرگ و بنام ادبیّات تازی و پارسی و از چهره‌های برجسته ادبی در عصر خویش بوده‌اند و به عنوان شاعران اجتماعی و وطنی در ادبیّات دو ملت شناخته می‌شوند.

یافته‌های این پژوهش توصیفی-تحلیلی، بیانگر آن است که مضامین و موضوعات مشترکی همچون؛ آزادی خواهی، شهید و شهادت، ایثار در راه عشق به وطن، عشق به وطن، مقاومت، پرواز بی نقص، بی اعتنایی به دنیا و...در اشعارشان ذکر شده است. در این پژوهش نخست بنابر جایگاه و رسالت ادبیّات تطبیقی، بر بنیان دیدگاه‌های مکتب آمریکایی، پژوهش حاضر با تکیه بر دیوان دو شاعر پیش رفته، به این نتیجه دست یافته است که هر دو شاعر از شرایط و اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی عصر خویش تا حد زیادی متأثر بوده‌اند و در قالب محورهای مشترکی شعر سروده‌اند.

کلید واژه‌ها: محمد التلیسی، سنایی غزنوی، وطن، شعر عربی و فارسی، ادبیّات تطبیقی.

---

[۱] دکترای زبان و ادبیات عرب

[۲] دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب

بررسی مولفه های مونولوگ در سه اثر(عشق روی پیاده رو ، شوهر آمریکایی وبه کی سلام کنم؟)

ندا بصاری[۱]

چکیده

" مونولوگ" یا تک گویی یکی از شگردهای ادبیات داستانی است. کاربرد این اصطلاح نخستین بار توسط" ادوارد دوژاردن" داستان نویس فرانسوی در سال ۱۸۸۷ میلادی مطرح شد. در قالب این مقاله کوشیده ایم تا تکنیک های داستان نویسی, " مستور, آل احمد و دانشور" را در رابطه با " مونولوگ" با اشاره ای گذرا به " سولی لوکی, تداعی آزاد و تک گویی" بررسی کنیم. در داستان" عشق روی پیاده رو " نمودی از تک گویی درونی مطرح است. در " شوهر آمریکایی" گفتگوی راوی به سولی لوکی و تک گویی نمایشی سوق می یابد.

هم چنین است داستان " به کی سلام کنم ؟ " آمیزه ای از دیدگاه دانای کل و تک گویی درونی مستقیم, به بیان دیگر این مقاله, درصد پاسخگویی به این سوال است که آیا نمودهای " مونولوگ " در سه اثر فوق باهم یکسان هستند ؟

با مطرح کردن هدف غایی این جُستار, باید این مطلب را اذعان داشت که نمونه های استخراج شده از داستانهای نامبرده به معنای قطعیت آنها در انتساب به این متد از داستان نویسی نیست, بلکه تلاشی است درباره ی بررسی کاربرد این شیوه در سه اثر ذکر شده.

کلید واژه ها : ادبیات داستانی, مونولوگ, تداعی آزاد, مستور, آل احمد, دانشور

[۱] دکترای زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه:Neda.bassari@gmai.com

میرزا کاظم طبیب یزدی، حکیمی شاعر منسوب به خاندان حکیمان یزد و کرمان

محمّدصادق بصیری[۱]
نازنین غفّاری[۲]

چکیده

میرزا کاظم طبیب یزدی یکی از شخصیّت‌های برجستهٔ منسوب به خاندان حکیمان یزد و کرمان است که در یزد تولّد یافته است. ایشان با وجود آنکه طبیبی برجسته و شاعری صاحب ذوق بوده است، به اجبار زمانه و حکومت وقت ناچار به زندگی و طبابت در ابرقوه می‌گردد. همین امر سبب می‌شود تا وی نتواند شهرتی همچون دیگر شخصیّت‌های خاندان خود بیابد. طبابت و ادب دو دانش موروثی در خاندان حکیمان است و میرزا کاظم وارث هر دوی آنهاست. او علاوه بر اینکه در روزگار خویش طبیب و حکیمی عالم و چیره دست به شمار می‌آمده است، دیوانی مشتمل بر انواع قالب‌ها و موضوعات شعری دارد که از ذوق و قریحهٔ والای او در شاعری حکایت می‌کند. در نوشتار پیش رو نویسندگان با دستیابی به نسخهٔ منحصر به فرد دیوان اشعار میرزا کاظم طبیب یزدی(دستنویس شاعر) برای نخستین بار به معرّفی این اثر ارزشمند در حوزهٔ ادبیّات و حکمت قدیم پرداخته‌اند.

کلید واژه‌ها: میرزا کاظم طبیب یزدی، شعر، قاجار، خاندان حکیمان.

۱ استاد دانشگاه شهید باهنر کرمان
۲ دانشجوی دکتری دانشگاه شهید باهنرکرمان؛ رایانامه: nazanin.ghaffari67@gmail.com

رابطه درخواست و تقاضا با خلق شاهکار ادبی
(بررسی علت خلق جامع التواریخ در ادب فارسی)

فاطمه بهاروند [۱]

چکیده

پژوهش‌حاضر، به بررسی نقش تقاضا، درخلق آثار برجسته ادب فارسی، اختصاص یافته و سعی برآن داشته، تا با توجّه به تمامی مآخذ دست‌یاب، به بررسی اثری بپردازد که، بر اساس تقاضا، به رشتۀ تحریر در آمده است؛ تحولات تاریخی، سیاسی و اجتماعی اعصار مختلف زمینه‌ای را فراهم کرده است، تا بزرگان و سلاطین با تشویق شاعران و ادیبان، زمینه ساز نگارش-آثارگرانبهایی، در ادبیات فارسی شوند، تا جایی که، می‌توان‌گفت هر کدام، از آنان، دردوره-های مختلف، سهم بزرگی در ترویج فرهنگ اصیل ایرانی داشته‌اند. شناخت زندگی این بزرگان و آثاری که بر اساس تقاضا، نگاشته شده‌اند، بهانه‌ای است، برای ارج نهادن به مقام متقاضی و نزدیکی فکر و اندیشۀ متقاضی اثر و صاحب اثر، بطوری که، نویسنده را، نمی‌توان، از متقاضی جدا دانست. همچنین، باید این نکته را متذکر شد که مسئله تقاضا، بی ارتباط، با زمینه‌های روان شناسی، جامعه شناسی، اقتصاد و سیاست نیست؛ روش مطالعاتی و تحقیق در این پژوهش، تحلیل کیفی بر اساس مطالعۀ کتابخانه ای است. شیوۀ کار بر اساس مطالعۀ کتاب‌خانه ای بوده و پس از تهیۀ منابع و یادداشت برداری از منابع اصلی و جنبی، به تحلیل و بررسی داده ها پرداخته شد. این پژوهش موقوف است به بررسی جامع التواریخ، ارزش هنری آن از حیث تقاضا و نقش آن در خلق اثر.

کلید واژه‌ها: ادبیات، نثر، جامع التواریخ، تقاضا، متقاضی.

[۱] کارشناس ارشد ادبیات دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول؛ رایانامه: poorazar90@yahoo.com

بررسی ذکر در عرفان اسلامی بر پایهٔ مرصاد العباد نجم رازی

افسانه بهرامیان[۱]

فیروزه ملک‌پور[۲]

چکیده:

ذکر در تصوّف همواره جایگاه ویژه‌ای داشته و به عنوان شیکی از ارکان سیر و سلوک در ساختار عرفان اسلامی مطرح شده است. این اهمّیّت تا جایی است که انتخاب ذکر، نوع و روش دریافت آن توسّط سالک، چگونگی ادای آن، شرایط انتقال‌دهنده و دریافت‌کننده، همگی با دقّت تعریف شده‌اند و رسوم و دستورهای خاصّی دارند. در این پژوهش تلاش بر آن است تا با نگاهی عمیق‌تر به مسألهٔ ذکر، به مطالعهٔ چیستی ذکر و جایگاه آن در تصوّف اسلامی پرداخته، انواع آن، ازجمله ذکر زبان و ذکر دل، چرایی برتری ذکری بر ذکر دیگر، بویژه ذکر لا اله الّا الله، چگونگی و شرایط دریافت آن از شیخ توسّط سالک، چگونگی ادای آن، وظایف شیخ و سالک و تأثیرات متوقّع از ذکر را بررسی کنیم. «مرصادالعباد من المبداء الی المعاد» اثر نجم‌الدّین رازی، معروف به دایه، از عرفای تأثیرگذار قرن ششم و هفتم هجری قمری، کتابی است که در طول قرون و اعصار، از مهم‌ترین منابع تصوّف بوده است و مرجعی برای سایر کتب عرفانی پس از خود قلمداد می‌شود. تحقیق حاضر دربارهٔ ذکر بر پایهٔ نظر رازی انجام شده و در کنار آن، نظر موافق و مخالف برخی از عرفا و عرفان‌پژوهان تأثیرگذار با عقاید رازی مقایسه شده است.

کلید واژه‌ها: عرفان و تصوّف اسلامی، ذکر، نجم رازی، مرصاد العباد.

[۱].. دانشجوی دکتری ادبیات غنایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد، نجف‌آباد، ایران
af_bahramian@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری ادبیات غنایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد، نجف‌آباد، ایران

بررسی چند حکایت از فیه ما فیه از منظر مینی‌مالیسم

سونیا بهرو بنمار[۱]

چکیده

مقاله حاضر کنکاشی است پیرامون بحث و بررسی ویژگی‌های مکتب مینی‌مالیسم در حکایت‌های گزیده فیه ما فیه مولانا. با توجه به نزدیکی اصول و ویژگی‌های مکتب مینی‌مالیسم به عنوان یک مکتب غربی به حکایت‌های ایرانی، و با عنایت به خاستگاه این دو نوع ادبی که در بسترهای متفاوت فرهنگی، سیاسی و اجتماعی شکل گرفته‌اند، بررسی این موضوع در حکایت‌های فیه ما فیه ضروری می‌نماید. این پژوهش به روش فیش‌برداری و تحلیل محتوایی انجام شده است و هدف از آن ارائه جلوه‌های مکتب مینی‌مالیسم در حکایات گزیده فیه ما فیه و بیان مشابهت‌ها و تفاوت‌های این دو نوع ادبی می‌باشد. مهمترین نتایج و یافته-های این تحقیق عبارت‌اند از: ۱- تشابه و قرابت بسیار زیاد ویژگی‌های داستان‌های مکتب مینی‌مال با حکایت‌های ایرانی ۲- برتری حکایت‌های فیه ما فیه از نظر محتوا بر داستان مینی‌مال ۳- بیان مرز مشخص مکتب مینی‌مال با حکایت‌های ایرانی ۴- بیان چگونگی و علت تاکید بر ایجاز و ساده گویی در داستان-های مینی‌مال و حکایت‌های ایرانی.

کلید واژه‌ها: مینی‌مالیسم، ادبیات داستانی، حکایات گزیده، فیه ما فیه، مولانا جلال الدین محمد رومی.

[۱] کارشناس ارشد زبان وادبیات فارسی؛ رایانامه: soniyabehro@yahoo.com

تأمّلی در خط و کتابت

عادل بهنام[۱]

شعله عبدالعلی‌پور[۲]

چکیده

در گذشته به سبب گستردگی مناطق تحت حکومت فرمانروایان در نواحی مختلف، ارسال پیام از جانب خلیفه به حاکمان و بالعکس، امری ضروری می‌نمود، و از آنجایی که انتقال اخبار به وسیلهٔ خط انجام می-گرفت، برای آگاهی از تاریخ نامه نگاری نیز باید نخست به تاریخ خط رجوع کرد، چون ممکن است نخستین نوشته‌های انسان، نامه بوده باشد.؟

بنابر این اگر اختراع خط را حاصل نیازهای شخصی به ارسال پیام بدانیم - با این فرضیه - نخستین نگارش و کتابت انسان، نامه خواهد بود که در این صورت نیاز به آن بر سنگ نوشته‌ها تقدّم می‌یابد زیرا، سنگ نوشته‌ها، نوشتن نامه به نسل‌های آینده است در حالی که نامه، پیامی به هم عصران است. دیگر اینکه، بالطبع این فکر به ذهن خطور می‌کند که در هر کدام از دوره‌ها باید تفاوتی در شیوهٔ نوشتن نامه‌ها وجود داشته باشد که نگارندگان در پژوهش حاضر کوشیده‌اند تا به صورت اجمالی خط و کتابت قبل و بعد از اسلام و نقش دبیران و کاتبان سلسله‌های ایرانی را مورد بحث و بررسی قرار دهند تا مشخص شود آیا تفاوت چشگیری در این زمینه در هر کدام از دوره‌ها احساس می‌شود یا نه؟

کلید واژه‌ها: خط، کتابت، نامه، دبیر

---

[۱] دانشجوی دکتری دانشگاه ارومیه

[۲] دانشجوی دکتری دانشگاه ارومیه؛ رایانامه: shoelehabdolalipoor@yahoo.com

تحلیل تطبیقی « ناگه غروب کدامین ستاره» اخوان با «عروسک فروشی» چوبک بر اساس مؤلّفه‌های مکتب ناتورالیسم

محمّد بهنام‌فر[۱]
زهرا خوشامن[۲]

چکیده

مکتب ادبی ناتورالیسم، در قرن نوزدهم در فرانسه با نظرات امیل زولا و برادران گنکور آغاز شد و در بیشتر نقاط جهان طرفدارانی یافت. سعی این مکتب برآن بود که ادبیات را در خدمت تشریح اوضاع فردی و اجتماعی بشر در بستر جبر زمان و مکان و وراثت قرار دهد. «عروسک فروشی» داستانی از صادق چوبک است که مؤلّفه‌های این مکتب را دارا است و شعر«ناگه غروب کدامین ستارهٔ» اخوان نیز از نظر محتوا، نوع بیان، شیوهٔ پرداخت و دیالوگ‌ها، مشترکات بسیاری با این داستان چوبک دارد. سؤالی که این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به آن است، این است که مؤلّفه های مکتب ناتورالیسم، تا چه حدّی در این دو اثر که هم-زمان پدید آمده اند، به طور مشابه دیده می‌شود؟ در این مقاله، ویژگی‌های مشترک این دو اثر، بر اساس مؤلّفه‌های مکتب ناتورالیسم به صورت تطبیقی تحلیل شده‌است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که که غالب ویژگی‌های مکتب ناتورالیسم در هردو اثر به موازات هم موجود هستند و فضای اجتماعی یکسانی را تصویر می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: ناگه غروب کدامین ستاره، عروسک فروشی، اخوان ، چوبک، ناتورالیسم

---

[۱] استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند
۲ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند ؛ رایانامه:
(khoshamenzahra@gmail.com

تحلیل و مقایسه ی نسخه های فردوس المرشدیه فی اسرار الصمدیه و مرصد الاحرار الی سیر مرشد الابرار

سوال گونبال بوزکورت[۱]

چکیده

مناقب نامه ها، در ادبیات عرفانی جای ویژه ای دارند. در مورد وضع ادبی، فرهنگی و اجتماعی عهد خود به پژوهشگران و خوانندگان اطلاع می دهند. همانطور که مناقب نامه های چون مرصد الاحرار و فردوس المرشدیه اطلاعاتی را در رابطه با عهد شیخ ابواسحاق کازرونی بیان می کند. سیره نویسان، محمود بن عثمان و رجا محمد عبد الرحمان بن عبدالرحیم الکازرونی، مناقب نامۀ شیخ ابواسحاق کازرونی [۴۲۶ـ۳۵۲هـ.ق \ ۱۰۳۳ـ۹۶۳م.] را نوشته اند. فردوس المرشدیه و مرصد الاحرار، هر دو اثر، از زبان عربی ترجمه شده است. محصوصا، مؤلف مرصد الاحرار در اثر خود اشعار، قصاید و آیات بسیار آورده و متن اصلی را توضیخ داده است. با این حال این اثر، هنوز منتشر نشده، اما فردوس المرشدیه دو بار چاپ شده است. اگر چه تحقیقاتی در زمینه ترجمه فردوس المرشدیه قبلا صورت گرفته، ولی جای مباحثی چون تحلیل و بررسی مرصد الاحرار خالی مانده بود. در این مقاله کوشیده شده که مقایسه و تحلیل نکات مشترک این دو نسخه بپردازد. حاصل این پژوهش نشان می دهد که در هر دو مناقب نامه کم و بیش موضوع های مشابه وجود دارد. اما، با این حال سبک این دو اثر از همدیگر متفاوت می باشد.

کلید واژه ها: مرصد الاحرار، فردوس المرشدیه، مناقب نامه ها، شیخ ابواسحاق کازرونی.

[۱]دانشجوی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران؛ رایانامه: gunbal.seval@gmail.com

مقایسهٔ داستان های کودکان نادر ابراهیمی و عمر سیف الدین

کاموران بوزکورت[۱]

چکیده

کودکان هر کشور، آینده‌سازان آن محسوب می‌شوند؛ از این رو ادبیات کودک و نوشتن داستان‌ها و سرودن اشعار مناسب آنان ارزش بسیار دارد. یک اثر قابل توجه در این زمینه، علاوه بر اینکه باید بتواند کودکان را سرگرم کند و لذّت ادبیات را به آنان بچشاند، بایسته است که در عین سادگی شامل پیام‌های مفید اخلاقی، آموزشی، اجتماعی و ... باشد.

گرچه ادبیات فارسی و ترکی، هر دو، جزو غنی‌ترین ادبیات‌های جهان شمرده می‌شوند، اما ادبیات کودکان به مفهوم امروزی آن در ایران و ترکیه نوپا است. نادر ابراهیمی در ایران جزو پیشگامان و بهترین نویسندگان ادبیات کودک شمرده می‌شود و در این زمینه هم داستان‌های خوب و هم مقالات و کتاب‌های تحقیقی نوشته است. عمر سیف‌الدین نیز در ادبیات ترک چنین جایگاهی دارد. او نخستین کسی است که به شیوهٔ نوینی به نوشتن داستان برای کودکان پرداخت و در آن‌ها برخلاف دیگر نویسندگان زمان خود، از زبان ساده‌ای بهره برد.

در این پژوهش بر آنیم تا پس از بیان مقدمات مجملی دربارهٔ ادبیات کودک و ویژگی‌های آن، به معرفی احوال و آثار این دو نویسنده بپردازیم و پس از آن، برگزیده‌ای از داستان‌های آن دو را تحلیل کنیم تا در نهایت به مقایسهٔ شیوهٔ داستان‌نویسی و ارزش آثار ابراهیمی و سیف‌الدین بپردازیم.

کلید واژه‌ها: ادبیات کودک در ایران و ترکیه، نادر ابراهیمی، عمر سیف‌الدین، داستان کوتاه

[۱] دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران؛ رایانامه: bozkurtyetkem@gmail.com

بررسی اغراض ثانویه جملات امری در اشعار فریدون مشیری

علی اصغر بوند شهریاری[۱]

الهام بهروز[۲]

چکیده

به گفتهٔ علمای بلاغت، هرچقدر جملات دارای معانی ثانوی بیشتری باشند، کلام بلیغ‌تر خواهدبود. پژوهش حاضر بررسی بلاغت در اشعار فریدون مشیری، با توجه به کارکرد معنای ثانوی جملات امری اشعار وی است. فریدون مشیری(۱۳۰۵-۱۳۷۹) یکی از شعرای معاصر توانسته در ۵۰ سال اخیر با سرودن اشعاری ساده و بی‌تکلف، شهرت و مقبولیت درخور توجهی به دست آورد. از آنجا که به گفتهٔ علمای بلاغت کلامی موثر است که به مقتضای حال مخاطب ایراد شده‌باشد، نگارندگان در پژوهش حاضر به صورت توصیفی تحلیلی سعی کرده‌اند با بررسی اغراض ثانویه‌ای که در جملات امری اشعار فریدون مشیری مشاهده می‌شود، به این پاسخ دست‌یابند که: چرا اشعار مشیری مقبولیت عمومی دارد؟ برای بررسی معنای ثانویه جملات امری، دو دفتر وی "ابر و کوچه" و "لحظه‌ها و احساس" به عنوان جامعه آماری انتخاب شد. در بررسی‌های انجام شده۱۱۷ جمله امری و ۲۰۵ معنای ثانوی از این جملات به دست آمد. از نتایج این تحقیق می‌توان به عدم کفایت کتب بلاغی قدیمی در بررسی اغراض مجازی جملات امری شعرای معاصر اشاره‌کرد. ضمن اینکه می‌توان‌گفت: یکی از علل اصلی مقبولیت اشعار فریدون مشیری لایه لایه بودن اشعار وی است. بدین توضیح که مبتدیان یک معنای مجازی سطحی از جملات امری و در مجموع کل شعر او درک می‌کنند و پژوهشگران با در نظر گرفتن بافت شعر، علاوه بر معنای مجازی سطحی یک یا چند معنای مجازی درونی و عمیق را از اشعار ساده و لطیف فریدون مشیری برداشت می‌کنند که جای شگفتی دارد.

کلیدواژه‌ها: معنای ثانوی جملات امری، فریدون مشیری، معانی، بلاغت

---

[۱] استادیارگروه زبان وادبیات فارسی

[۲] کارشناسی ارشدزبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه:persianmanuscript@gmail.com

رابطه درخواست و تقاضا با خلق شاهکار ادبی
(بررسی علت خلق جامع التواریخ در ادب فارسی)

فاطمه بهاروند [۱]

چکیده

پژوهش‌حاضر، به بررسی نقش تقاضا، درخلق آثار برجسته ادب‌فارسی، اختصاص یافته و سعی برآن داشته، تا با توجّه به تمامی مآخذ دست‌یاب، به بررسی اثری بپردازد که، بر اساس تقاضا، به رشتهٔ تحریر در آمده است؛ تحولات تاریخی، سیاسی واجتماعی اعصار مختلفزمینه‌ای رافراهم-کردهاست، تا بزرگان و سلاطین‌باتشویقشاعرانوادیبان،زمینهسازنگارش‌آثارگرانبهایی، درادبیات فارسی‌شوند، تاجایی‌که، می‌توان‌گفت‌هر کدام، ازآنان، دردوره‌های مختلف،سهم‌بزرگی درترویج‌فرهنگ‌اصیل‌ایرانی داشته‌اند.شناخت زندگی این بزرگان و آثاری که بر اساس تقاضا، نگاشته شده‌اند، بهانه‌ای است، برای ارج نهادن به مقام متقاضی و نزدیکی فکر و اندیشهٔ متقاضی اثر و صاحب اثر، بطوری که، نویسنده را، نمی‌توان، از متقاضی جدا دانست. همچنین، باید این-نکته‌رامتذکرشدکهمسئله‌تقاضا، بی ارتباط، بازمینه‌های روانشناسی، جامعهشناسی، اقتصادوسیاست‌نیست؛روش مطالعاتی و تحقیق در این پژوهش، تحلیل کیفی بر اساس مطالعهٔ کتابخانه ای است. شیوهٔ کار بر اساس مطالعهٔ کتاب‌خانه ای بوده و پس از تهیهٔ منابع و یادداشت برداری از منابع اصلی و جنبی، به تحلیل و بررسی داده ها پرداخته شد. این پژوهش موقوفاست بهبررسی جامع التواریخ، ارزش‌هنری‌آناز حیت تقاضا و نقش آن در خلق اثر.

کلید واژه ها: ادبیات، نثر، جامع التواریخ، تقاضا، متقاضی.

[۱] کارشناس ارشد ادبیات دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول؛ رایانامه: poorazar90@yahoo.com

معرفی مهم‌ترین منظومه‌های غنایی قرون هفت تا سیزده (از امیر حسینی هروی تا رفعت سمنانی)

آمنه بیداریان[۱]
احمد ذاکری[۲]

چکیده:
این مقاله به معرفی و تحلیل مهم‌ترین منظومه‌های غنایی یازده تن از شاعران فارسی زبان از قرن هفت تا سیزده می‌پردازد. بعضی از منظومه‌های مورد بررسی مانند لیلی و مجنون جامی آثار شاخصی هستند، اما بیشتر آن‌ها مثنوی‌های غنایی کمتر شناخته شده‌ای هستند که تاکنون تحقیق جامعی راجع به آن‌ها صورت نگرفته است. این مقاله به روش توصیفی و تحلیلی نگاشته شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد موضوع عشق در منظومه‌هایی مانند «رمز و ایما» و «ناظر و منظور» عرفانی است و در آن‌ها خلاصه‌ای از سیر و سلوک عارفانه ارائه شده است. منظومه‌های «سی نامه» و «محب و محبوب» به شیوهٔ دهنامه‌های قرون هفتم و هشتم سروده شده که حاوی نامه‌های میان عاشق و معشوق است. دو مثنوی «حسن و دل» و «شمع و پروانه» دارای قصه‌ای تمثیلی و اسطوره‌ای‌اند که اندیشه‌ها و نمادهای عرفانی را به گونه‌ای سمبلیک مطرح کرده‌اند. همچنین منظومه‌های «لیلی و مجنون»، «یوسف و زلیخا»، «خسرو و شیرین» و «فرهاد و شیرین» مثنوی‌های عاشقانه‌ای‌اند که به بیان مضامین عشق و هجران، وصال و فراق، تسلیم و تقدیر و جبر و اختیار پرداخته‌اند. دو منظومهٔ نل و دمن و زهره و منوچهر خصلت ترجمه‌ای دارند؛ اولی ترجمهٔ منظوم قسمتی از داستان مهابهاراتا است و دومی برگرفته از داستان «ونوس و آدونیس» شکسپیر است که ریشه در اساطیر یونانی دارد. هر دو این منظومه‌ها با نمونه‌های اصلی خود تفاوت‌هایی دارند و متناسب با مسائل فرهنگی و بومی ایران نسج یافته‌اند.

کلید واژه‌ها: منظومه غنایی، قرون هفت تا سیزده، امیر حسینی هروی، رفعت سمنانی.

---

[۱] دانشجوی دکتری دانشگاه آزا اسلامی کرج؛ رایانامه: mandanabi@yahoo.com
[۲] دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی کرج

بررسی نمودهای اعتدال در وجوه سبکی بهارستان جامی

آمنه بیداریان[۱]
احمد ذاکری[۲]

چکیده

مقالهٔ حاضر به بررسی نمودهای میانه روی در اسلوب نویسندگی و ویژگی‌های سبکی بهارستان جامی می-پردازد. جامی شاعر، نویسنده، دانشمند و عارف مشهور قرن نهم و ملقب به خاتم شعرای بزرگ پارسی‌گو است. وی در کتاب پر آوازهٔ «بهارستان» که به تقلید از گلستان سعدی و در هشت بخش تدوین شده، مضمون اعتدال و میانه‌روی را به انحاء گوناگون انعکاس داده است. دوری از افراط و تفریط در حقیقت یکی از اصول بنیادی در تفکر و فرهنگ اسلامی محسوب می‌شود که در امور مختلف زندگی پسندیده و مطلوب است. این مقاله به روش توصیفی و تحلیلی انجام گرفته و هدف از نگارش آن تبیین جنبه‌های اعتدال‌گرایی در سبک و اسلوب نوشتار بهارستان است که خود حاکی از رسوب این اندیشه در ژرفای ذهن مولف است. نتایج حاصل از تحلیل نمودهای میانه روی در نگارش کتاب بهارستان حاکی از اجتناب آگاهانهٔ نویسنده از تکلف و تصنع است. این جلوه‌ها عمدتاً در مقولاتی نظیر اعتدال در استفاده از صناعات ادبی، رعایت مساوات در کوتاهی و بلندی جملات، عدم افراط در آوردنِ عبارات عربی، کاربرد متعادل عبارات منثور و منظوم و سجع و جناس و غیره منعکس شده است.

کلید واژه‌ها : جامی، بهارستان، اعتدال، سبک.

[۱] دانشجوی دکتری دانشگاه آزا اسلامی کرج؛ رایانامه: mandanabi@yahoo.com
[۲] دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی کرج

نمودهای بوم‌گرایی در شعر فارسی شاعران گیلان

نگین بی‌نظیر[۱]

چکیده

وقتی فردی دو زبان (زبان رسمی و زبان‌گونه/ زبان غیررسمی یا گویش) را به تناوب به‌کار می‌برد،آن دودر گفتار او درهم آمیخته می‌شوند، برخورد یا تعامل زبان رسمی با زبانگونه به‌نسبت قدرت، هژمونی و رسوب‌شدگی، پیامدهایی چون: قرض‌گیری واژگانی، آمیختگی، تکه‌چسبانی، تداخل‌های واجی، واژگانی و نحوی را سبب می‌شود.

جستار حاضر با توجه به پدیده دوزبانگی، چگونگی، تنوع و نمودهای تعامل و رابطه زبان‌گونه گیلکی را با زبان رسمی در شعر فارسی شاعران گیلگ بررسی می‌نماید و نشان می‌دهد،که چگونه پدیده‌های عینی و ملموس طبیعت گیلان که در ذهن شاعر رسوب کرده، در صورتبندی‌های زبانی، با خلق شبکه واژگانی و بافت تصویری، و در ساختار نحوی و تداخل واژگانی، به شعر شاعر، اصالت و اعتبار می‌دهد، حرکت گسترشی پدیده‌ها در ذهن و زبان و جان و روان شاعر، گاه به شکل واژگانی رخ می‌نماید، که ذاتاً تمایز بومی- فرهنگی و پیوند تنگاتنگی با الگوهای معیشتی و زیستی خطه شمال دارند(تداخل واژگانی/ هنجارگریزی گویشی)، گاه با شبکه‌ای از واژگان و تصاویر(بافت تصویری)تداعی‌گر اقلیم شاعر می‌شود، گاه در ترکیب‌آفرینی‌ها و گاه در تداخل‌های نحوی. گستردگی صبغه اقلیمی، ورای ارتباط نزدیک روح و جان شاعر با طبیعت(الگوی انسان- طبیعت)، تلاش ناخودآگاه او برای پاسداشت هویت بومی و محلی است، در برابر هضم‌شدن در الگوهای یکسان‌سازی و هم‌شکل‌سازی جهان مدرن، و این تلاش به خلق ادبیاتی می‌انجامد، که هم شناسنامه شاعر است و هم بخش عظیمی از زبان و ادبیاتی را که ممکن است، فراموش شود، پاسداری می‌کند.

کلیدواژه‌ها: پدیده دوزبانگی، تداخل زبانی، بوم‌گرایی، شاعران گیلان

[۱]استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان؛ رایانامه:neginbinazir@yahoo.com

بررسی شاخص‌های سیاسی و اجتماعی در تحلیل محتوایی آثار عباس یمینی شریف، مهدی آذریزدی و صمد بهرنگی

فاطمه بیدقی[۱]
سمیه ارشادی[۲]

چکیده

تحلیل محتوا یکی از مباحث مهم و کاربردی است که پژوهشگران با استفاده از این روش، به تحلیل دیدگاه نویسندگان می‌پردازند. بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های محتوایی میان آثار ادبی نویسندگان کمک شایانی به درک یک دورهٔ مشخص در ادبیات می‌شود. اهمیت این موضوع در آثار مربوط به کودکان اهمیتی دو چندان می‌یابد؛ چراکه با درک و تفسیر آثار نویسندگان در این حوزه می‌توان به مرام و هدف آن‌ها در این حوزه دست یافت و درنتیجه سطح این آثار را در ارتقای رشد فکری کودکان سنجید. عباس یمینی شریف، مهدی آذریزدی و صمد بهرنگی از نویسندگان حوزهٔ ادبیات کودک هستند. با تحلیل محتوایی آثار این نویسندگان می‌توان به جهانبینی آن‌ها و همچنین تأثیر آموزه‌های آنان بر روی کودکان دست یافت. از شاخص‌های مهم در تحلیل محتوای آثار، موارد سیاسی و اجتماعی هستند. در این پژوهش با تحلیل شاخص‌های سیاسی، اجتماعی آثار این نویسندگان و تأثیر آن در داستان‌های مربوط به کودکان می‌توان به دیدی کلی در دربارهٔ دیدگاه این نویسندگان نیز دست یافت.
در گردآوری مطالب این پژوهش از روش کتابخانه‌ای و فیش‌برداری استفاده شده است.

کلید واژه‌ها: تحلیل محتوا، ادبیات کودکان، عباس یمینی شریف، مهدی آذریزدی، صمد بهرنگی

[۱]کارشناس ارشد زبان وادبیات فارسی؛ رایانامه: beydaghif65@gmail.com
[۲]دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی کرج

تحلیل باورهای عامیانه در تاریخ‌الوزراء ابوالرجاء قمی

خلیل بیگ‌زاده[۱]
پریوش رضایی[۲]

چکیده

کتاب تاریخ الوزراء ابوالرجاء قمی مهّم‌ترین اثر تاریخی دورهٔ سلجوقی است که شرح حال هفده تن از وزرای دولت سلجوقی می‌باشد. این کتاب علاوه بر ارزش تاریخی، از نظر ادبی و مطالعات فرهنگی دورهٔ سلجوقی نیز اهمیّت ویژه‌ای دارد، چنان که نویسنده به اقتضای سخن، اشاراتی به باورهای عامیانهٔ عصر خود نیز داشته‌است که سندی ارزشمند در مردم‌شناسی و شناخت فرهنگ و باورهای دورهٔ سلجوقی است. چون باورهای عامیانه بیانگر افکار و عقاید و فرهنگ و چگونگی زندگی مردم در هر دوره‌ای است، از اهمیّت ویژه‌ای برخوردار هستند و شناخت آن‌ها یک ضرورت است. این پژوهش با هدف تبیین موضوعی باورهای عامیانه و پشتوانهٔ فکری و فرهنگی آن‌ها در تاریخ‌الوزراء و نیز انگیزه و هدف مؤلف در پرداختن به آن‌ها با رویکردی توصیفی- تحلیلی انجام شده‌است که نتایج تحقیق نشان می‌دهد، تنوع موضوعی باورهای عامیانه با پشتوانهٔ فکری- فرهنگی گوناگون مانند آبشخورهای دینی (چشم‌زخم، رجم شیاطین و تقدس درخت) و اسطوره‌ای و ملّی (خروس بی‌محل و بانگ بی‌هنگام او، همای سعادت، نعل در آتش، صدف و مروارید و قطرهٔ باران، سهیل و ادیم، ماه و کتان، غراب‌البین و سعد و نحس ستارگان) انگیزه و هدف اصلی نویسنده برای تبیین و تثبیت اندیشه‌ها، افکار و مقصودش بوده‌است.

کلید واژه‌ها: تاریخ‌الوزراء، ابوالرّجاء قمی، باورهای عامیانه، فرهنگ عامه.

[۱] دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی؛ رایانامه kbaygzade@yahoo.com
[۲] کارشناسی ارشد زبان وادبیات فارسی

بررسی تطبیقی روایت‌شناسانهٔ روایت رستم و شغاد الماس‌خان با روایت فردوسی

خلیل بیگ‌زاده[۱]
فرامین صیدی[۲]

چکیده

الماس‌خان کندوله‌ای کرمانشاهی از شاعران عهد نادری است که داستان رستم و شغاد را به زبان کُردی گورانی به نظم کشیده است. ابداع مضامین نو و دلپسند، توصیف جزئیات و دقت در آن، ایجاد مناظر بدیع و طبیعی، به کارگیری تصویرهای مطبوع و بهره‌مندی از تکنیک‌های روایت‌پردازی از عوامل موفقیت این منظومه است. این پژوهش بر اساس مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی که دامنهٔ پژوهش آن محدود به تأثیر و تأثر و ارتباط تاریخی آثار ادبی است، روایت رستم و شغاد الماس‌خان کندوله‌ای را با روایت فردوسی بررسی تطبیقی- محتوایی کرده و شگردهای همسان و ناهمسان این دو اثر را نشان داده‌است. یافته‌های مهم و اساسی این پژوهش گویای آن است که الماس‌خان در بازنویسی توصیفی عناصر اصلی روایت خود از سبک و شیوهٔ روایت‌پردازی فردوسی متأثر بوده، امّا در طرح پاره‌ای از آن‌ها نوآوری‌های دیگرسان و زیبایی را انجام داده است که در پردازش موضوع به آن‌ها اشاره خواهد شد.

کلید واژه‌ها: رستم و شغاد، ابوالقاسم فردوسی، الماس‌خان کندوله‌ای، ادبیات حماسی، روایت‌شناسی، ادبیات تطبیقی.

[۱] دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی؛ رایانامه: kbaygzade@yahoo.com
[۲] کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی- گرایش ادبیات تطبیقی

تحلیل قابلیت‌های سینمایی خورشید و خرامان الماس‌خان کندوله‌ای

خلیل بیگ‌زاده[۱]
محمّد کریمی[۲]

چکیده

منظومهٔ غنایی- حماسی خورشید و خرامان، از الماس‌خان کندوله‌ای (۱۱۱۸- ۱۱۹۰ یا ۱۲۰۰)، شاعر توانای کرمانشاهی، در ادب معاصر محلّی است که آن را به زبان کردی گورانی سروده‌است. شیوهٔ سرایش شاعر و سبک زبانی و بیانی وی در نرم زبانی و کاربرد واژگان ساده و در ترکیب‌سازی روندی جویباری دارد و از تصنع و تکلّف زبانی به دور است، امّا توصیف‌ها و تصویرهای شاعرانه از شخصیّت‌ها، رویدادها، چشم‌اندازها و ... در این منظومه زنده و پویاست، چنان که شاعر با خلق توصیف‌ها و تصویرهای شاعرانه، بدیع و هنری چونان کارگردان و فیلمنامه‌نویسی زبردست عمل کرده و قدرت آفرینندگی خود را به نمایش گذاشته‌است که تمام توصیف‌ها و تصویرهای وی، قابلیت سینمایی دارند و مانند تصویرهای زنده و پویا در یک فیلم سینمایی خودنمایی‌کرده و مخاطب را از زوایای گوناگون به کانون قدرت تصویرسازی شاعر و هنر شعری او دعوت می‌کنند. این پژوهش توصیف‌ها و تصویرهای شاعرانهٔ خورشید و خرامان الماس‌خان را که قابلیت سینمایی دارند، از منظر تصاویر و فنون سینمایی با رویکردی توصیفی- تحلیلی با تکیه بر مکاتب ادبیات تطبیقی و مطالعات بینارشته‌ای تحلیل تطبیقی کرده و نشان داده‌است که توصیف‌ها و تصویرهای شاعرانهٔ منظومهٔ غنایی خورشید و خرامان با قابلیت‌های سینمایی مانند: شخصیّت و شخصیّت‌پردازی، فلاش‌بک، فلاش‌فوروارد، حرکت تند، حرکت آرام، میزانسن، موسیقی متن، نمای دور و نزدیک و دورنما (پرسپکتیو) هم‌خوانی دارد.

کلید واژه‌ها: خورشید و خرامان، الماس‌خان کندوله‌ای، تصویرهای سینمایی، مطالعات بینارشته‌ای، ادبیّات تطبیقی.

---

[۱] . دانشیار گروه زبان و ادبیّات فارسی دانشگاه رازی، kbaygzade@yahoo.com،
[۲] . کارشناس ارشد زبان و ادبیّات فارسی، karimi1353m@gmail.com،

تصویرشناسی جاده ابریشم و نخجوان در سفرنامه ناصر خسرو

شمسی پارسا[۱]
سمیرا بامشکی[۲]

چکیده

یکی از تازه‌ترین مطالعات در ادبیات تطبیقی تصویرشناسی (imagology) است. مطالعهٔ تصویرِ دیگری در متون ادبی نوعی خوانش تطبیقی است. پرسش اصلی این پژوهش این است که نخجوان و جاده ابریشم چگونه در ادب فارسی ترسیم شده‌اند؟ هدف، کشف و ارزیابیِ تصویر نخجوان در دیدگاه نویسندگان و سفرنامه‌نویسانِ فارسی زبان مانند ناصرخسرو است. شیوهٔ بازنماییِ نخجوان چگونگیِ عملِ «دیگرسازی» (othering) را نشان می دهد که البته از انحراف به دور نیست اما فهمِ این فرآیند برای یافتنِ عملکردِ دیگرسازی بسیار مهم است. سفرنامه‌نویسی فعالیتی شفاف و صریح نیست. قطعاً فرآیندی است معطوف به مبدا، عزیمت و مقصد. تحول بزرگ در مطالعات ادبی تطبیقی متوجه این نکته است که این نوع مطالعات دیگر امروزه فقط دربارهٔ گزارش‌های مسافران سوال ندارد، بلکه سوال دربارهٔ مقدماتی است که مسافران براساس آن مقدمات، این شروح را نوشته‌اند.

کلید واژه ها: تصویرشناسی، نخجوان، جاده ابریشم، ادب فارسی.

[۱]استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران؛ رایانامه: Sha_parsa@yahoo.com
[۲]استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

کارکرد تکرار در اشعار سیمین بهبهانی

کامران پاشایی فخری[۱]:
معصومه موسوی ساداتی[۲]:
پروانه عادل زاده:[۳]

چکیده:

پس از کمرنگ شدن حضور سنتی وزن و قافیه در شعر و ورود مسائل و دغدغه‌های جدید به این عرصه، ضرورت استفاده از ظرفیت‌ها و ابزارهای مختلف برای بیان مفاهیم، بیش از گذشته احساس گردید. شاعران کوشیدند با استفاده ازعناصر متعدد، مفاهیم را به شکلی مطلوب به مخاطبان خود منتقل کنند؛ از جملهٔ این عناصر، استفاده از عنصر موسیقی برآمده از تکرار بود «تکرار» اساس موسیقی شعر، نگرشی است به تأثیر و زیبایی‌های آن،که در اشعار سیمین بهبهانی نقش برجسته‌دارد. در شعر معاصر و بخصوص در اشعار سیمین بهبهانی نقش ردیف و قافیه قابل انکار نیست و شاعرضمن استفاده از این موسیقی‌ها ازموسیقی‌های بیرونی نیز بهره جسته و به شعر خود غنا بخشیده است. این مقاله برآن است تا با تمرکز بر همین مبنا ضمن نگرشی در کارکرد موسیقی شعر امروز،سهم مقولهٔ تکرار را از این رهگذر در ارتباط با معنا بخشی مورد توجه قرار دهد، نتایج برآمده نشان می‌دهد پدیدهٔ تکرار در شکل‌های مختلف خود نه تنها به ملموس‌تر وعمیق‌تر شدن انتقال معنا کمک می‌کند، بلکه در وسعت بخشیدن به دایرهٔ معنای واژگان نیز دخیل است.روش تحقیق تحلیلی است که در این جستار با بهره‌گیری از منابع موجود و دریافت‌های شخصی به تحلیل مطالب پرداخته می‌شود.

کلید واژه‌ها: سیمین بهبهانی، کارکرد تکرار،موسیقی شعر.

---

[۱] دانشیاردانشگاهآزادواحدتبریز
[۲] : دانشجویدکتری زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه:mousavisadatim@gmail.com
[۳] استادیاردانشگاهآزادواحدتبریز

بررسی تطبیقی «سرگذشت کندوها»ی آل احمد با «زندگی زنبور عسل» موریس مترلینگ

محمد پاشایی[۱]
سریه محمدی[۲]

چکیده

«ادبیات تطبیقی» به مطالعاتی اطلاق می‌شود که با هدف بررسی اشتراکات، تشابهات و تواردات ادبی در ادبیات دو یا چند ملت صورت می‌گیرد که در نتیجهٔ این مطالعات جنبه‌های تاریخی و سرمنشأ ایجاد اسطوره، افسانه و داستان در ادبیات ملل جهان مشخص می شود. جلال آل‌احمد «سرگذشت کندوها» را در سال ۱۳۴۸ و در سه بخش نوشته است. در قسمت دوم راوی به کندو وارد می‌شود و داستان را از ابتدای ایجاد کندوها دنبال می‌کند که حسین علی بک (بلا) برای ازدیاد کندوها ذخیرهٔ عسل کندوها را برمی دارد و به جای آن شیره می‌گذارد که در نتیجهٔ این کار مورچه به کندو می‌زند و زنبورها تصمیم به مهاجرت می‌گیرند. بخش دوم داستان «سرگذشت کندوها» قابل تطبیق و مقایسه با «زندگی زنبور عسل» موریس مترلینگ است. این مقاله به بررسی و تطبیق «سرگذشت کندوها»ی آل احمد با «زندگی زنبور عسل» موریس مترلینگ اختصاص دارد. آل‌احمد با دست‌مایه قراردادن یکی از مهم‌ترین کتاب‌های ترجمه شدهٔ روزگارش موفق به خلق اثر داستانی تمثیلی «سرگذشت کندوها» شده و پیرنگ داستانی آن را براساس زندگی زنبور عسل توسعه داده است.

کلید واژه‌ها: تاثیر و تاثر، سرگذشت کندوها، جلال آل احمد، موریس مترلینگ.

[۱]- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان رایانامه::m_pashaie@yahoo.com
[۲]دانشجوی کارشناسی ارشد موسسهٔ آموزش عالی چرخ نیلوفری آذربایجان

بینامتنیت در رمان «اسفار کاتبان» ابوتراب خسروی

محمد پاشایی[۱]
نگین قلیانفروش امیرخیزی[۲]

چکیده

بینامتنیت به عنوان یک شگرد مهم در پسامدرن به کار گرفته می‌شود. نویسندهٔ پست‌مدرن با گنجاندن تکه-هایی از داستان‌های دیگر در داستانش، طرح و ترکیبی نو به وجود می‌آورد.بینامتنیت بر این اندیشه است که متن نظامی مستقل و خودبسنده نیست، بلکه پیوندی دوسویه و تنگاتنگ با سایر متون دارد. کشف نشانه‌ها و آثار متون دیگر بر یک متن مهم‌ترین هدفی است که بینامتنیت دنبال می‌کند. با بررسی و نقد رمان‌های پست‌مدرن می‌توان به راحتی دریافت که نویسندگان برای توسعهٔ پیرنگ و پرورش داستان‌هایشان از میراث کهن ادبی، دینی، تاریخی و امثال آن بهرهٔ فراوانی برده‌اند. این مقاله به بررسی بینامتنیت در رمان «اسفار کاتبان» ابوتراب خسروی اختصاص دارد. خسروی در «اسفار کاتبان» برای پیشبرد داستان از متون دینی و مذهبی به ویژه قرآن بهره برده است که بررسی و تحلیل آن به مخاطب برای درک عمیق‌تر و بهتر داستان کمک می‌کند.اسفار کاتبان مجموعه‌ای از سِفرها و دفاتر است که شامل مباحث اسلامی از قبیل رجعت، معاد، قیامت و مجموعه‌ای از عقاید قوم یهود از قبیل امت یهود، برتری نژادی یهود بر غیریهود، روزهٔ سکوت و ... است.

کلید واژه‌ها: بینامتنیت، اسفار کاتبان، کتابت، امت یهود، پست مدرنیسم.

[۱]استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان؛ رایانامه: m_pashaie@yahoo.com
[۲]دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

تعیین و نمایش عوامل لحن در منظومهٔ آرش کمان گیر

محمد پاک نهاد[۱]
اکبر شاملو[۲]
سارا محمدی زاده[۳]

چکیده :
بی شک هر شعری با توجه به مضمون و معانی آن دارای تأثیر گذاری است ، عوامل مختلفی دست به دست یکدیگر می دهند و شعر را زیبا تر خواهند کرد ، یکی از مهم ترین عوامل لحن شعری می باشد . لحن در واقع نحوهٔ بیان و نشان دهنده ی حالات و احساسات شاعر است؛ یعنی وسیله ای که با آن می توان بن مایهٔ اصلی شعر را نمایان کرد. در این مقاله سعی بر آن شده است که «منظومه آرش کمان گیر» سرودهٔ سیاوش کسرایی مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد ؛ لحن مسلط در این منظومه لحنی حماسی است که در سرتا سر داستان سایه افکنده است ؛ اما در ادامه و تأمل در این شعر با لحن های جزیی تر که در سر تا سر شعر قرار گرفته است برخورد خواهیم کرد که این الحان توانسته اند تا حد زیادی شعر را زیبا تر و پخته تر نشان دهند.

کلید واژه‌ها : لحن ، منظومه آرش کمان گیر، لحن حماسی، عوامل ایجاد لحن ، لحن های فرعی.

[۱]استادیار دانشگاه فرهنگیان؛ رایانامه :mpaknahad7@gmail.com
[۲]عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور
[۳]دانشجوی آموزش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان

بررسی شگردها و سازوکارهای طنزآفرین در دو کتاب «اُملت دسته دار» و «نزدیک تهِ خیار» از ناصر فیض

آتوسا پدرام[۱]

چکیده:

طنز در لغت به معنای مسخره کردن، طعنه زدن، استهزا و عیب کردن است و در اصطلاح ادبی به نوع خاصی از آثار منظوم و منثور گفته می‌شود که جنبه‌های نامطلوب بشری، فسادهای اجتماعی و سیاسی، مقولات شخصی و غیره را به چالش می کشد. به واسطهٔ سازوکارهای طنز می‌توان بسیاری از مفاهیم و تصاویر دنیای واقعی به صورت معکوس، وارونه، هنجارگریز و متناقض نما عرضه کرد. بخش قابل توجه‌ای از ادبیات کلاسیک و معاصر فارسی به اشعار و نوشته‌های طنز آمیز اختصاص دارد که با دیدگاهی انتقادی به مسائل اجتماعی و سیاسی، امور روزمره، روابط بین فردی، عادت‌های شخصی و ... می‌پردازد. در دورهٔ معاصر طیف وسیعی از نویسندگان و شاعران به طرق گوناگون مقولات مذکور را در قالب‌های بیان طنزآمیز انعکاس داده‌اند. یکی از چهره‌های برجستهٔ طنز در سال های اخیر که مسائل متنوعی را دست مایهٔ کار خود قرار داده، ناصر فیض است. او در دو کتاب *«اُملت دسته دار»* و *«نزدیک تهِ خیار»* حجم گسترده‌ای از مفاهیم اجتماعی، روابط فردی، کارهای دولتی، جزئیات زندگی شهری و غیره را با استفاده از مکانیسم‌هایی مانند بازی‌های زبانی، استقبال از اشعار کلاسیک، کاربرد نقیضه‌وار قالب‌های شعری، ناسازگاری واژگانی و ... به گونه‌ای طنزآمیز ارائه نموده است. هدف اصلی از نگارش مقالهٔ حاضر دسته‌بندی و بررسی شگردها و سازوکاری‌های طنز آفرین اعمّ از جنبه‌های زبانی و بلاغی در آثار فیض است.

کلید واژه‌ها: ناصر فیض، طنز، شگردها، سازوکارها.

[۱] دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد واحد چالوس.

بررسی تطبیقی دو داستان «روزنامه دیواری مدرسه ما» و «نمکو»

خدیجه پرستش[۱]

چکیده:

قصه‌های عامیانه، جلوگاه فرهنگ است و بخش مهمی از ادبیات داستانی ما را دربر می‌گیرد. از این دیدگاه، آثار علی‌اشرف درویشیان وهوشنگ مرادی کرمانی حائز اهمیت و توجه‌اند. هر دو نویسنده، در زمانی زندگی کرده‌اند که شرایط اقتصادی ـ اجتماعی فئودالی بر جامعه حاکم بوده و بازتاب آن در آثارشان کاملاً هویداست.هر دو واقع گرا و منتقد هستند و برای بیان مشکلات جامعهٔ خود تقریباً سبک مشابهی دارند. در داستان‌های «روزنامه دیواری مدرسه ما» و «نمکو» قهرمانان داستان کودکان و نوجوانانی هستند که با مصائب فراوانی دست به گریبانند.

نویسنده در این مقاله کوشیده است پساز ارائه خلاصه دو داستان، به مقایسهٔ عناصر داستانی در این دو اثر پرداخته و با ارائه نقدی توصیفی ـ تحلیلی به ذکر عناصر داستان‌هابسنده می‌کند.

کلید واژه‌ها:علی‌اشرف درویشیان ، هوشنگ مرادی کرمانی ، روزنامه دیواری مدرسه ما ، نمکو، عناصر داستانی.

[۱]کارشناسارشدزبانوادبیاتفارسی؛ رایانامه: taghavi.f_sheyda@yahoo.com

شاهنامهٔ کوردی میراثی از فرهنگ عامهٔ کرمانشاه

فرهاد پرموز[۱]
وحید مبارک[۲]
نجم‌الدّین جبّاری[۳]

چکیده

یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین استوانه‌های فرهنگ عامه، ادبیّات شفاهی و افسانه‌ها و در معنای وسیع‌تر داستان است که آن را محبوب‌ترین نوع ادبیّات عامیانه نامیده‌اند. داستان‌ها و افسانه‌های کهن پیشینهٔ تاریخی مبهمی داشته و در واقع خالق شناخته شده‌ای ندارند و صرفاً محصول ذوق عامّهٔ مردم و فولکلورهای عامیانه می‌باشند.

منظومه‌های حماسی و پهلوانی کوردی که به نام شاهنامهٔ کوردی خوانده می‌شوند، منظومه‌هایی هستند که ریشه در اسطوره داشته و دربردارندهٔ باورها و پنداشته‌های جمعی ملّت کورد از بن تاریخ تاکنون می‌باشند. منظومه‌های متعدد شاهنامهٔ کوردی یا شاهنامه‌های کوردی میراثی از فرهنگ عامه است که بخش عظیمی از ادبیات شفاهی و عامهٔ کوردی را دربرمی‌گیرند. جستار حاضر سعی دارد به این بخش از فرهنگ و ادب عامه بپردازد.

شاهنامهٔ کوردی متنی اصیل و متعلّق به حوزهٔ فرهنگ کوردستان است که بیشتر نسخه‌های موجود متعلق به استان کرمانشاه است و به گویش‌های گورانی و کلهری سروده شده‌اند. این نسخ بر اثر روایات مختلف و متعدّد، دچار دگرگونی‌های فراوان شده‌است. این منظومه‌ها اشتراکات و اختلافات بسیاری با شاهنامه‌های فارسی دارند. اختلافات بسیار نشان از این دارد که شاهنامهٔ کوردی متنی مستقل است و اشتراکات موجود بیشتر دلیل بهره‌گیری از منابع مشترک کهن‌تر و شفاهی می‌باشد.

کلید واژه‌ها: شاهنامه، شاهنامهٔ کوردی، فرهنگ عامه، کرمانشاه

---

[۱] دانشجوی دکتری ادبیات حماسی دانشگاه ارومیه؛ رایانامه: f.pz2677@gmail.com
[۲] عضو هیأت علمی دانشگاه رازی
[۳] عضو هیأت علمی دانشگاه کوردستان

کارکرد فرهنگی و فکری تلمیح در اشعار نیما یوشیج

موسی پرنیان[۱]
پریسا محبّی[۲]

چکیده

تلمیح، از آرایه‌های بدیع معنوی است که ظرفیّت بالایی در انتقال مفاهیم به صورت موجز دارد، زیرا فقط اشاره‌ای به مطلب مورد نظر می‌کند. «تلمیح» آرایه‌ای است که حضور خود را در شعر نو نیز به خوبی حفظ‌کرده. با توجّه به اهمّیّت تلمیح در انتقال اندیشه‌ها، این پژوهش انواع تلمیح و کاربرد فرهنگی و فکری آن را در شعر نیما یوشیج بررسی‌می‌کند و ارزش آرایهٔ تلمیح را در نگه‌داشت و انتقال داشته‌های فرهنگی و تاریخی می‌نمایاند. کوشش بر این است که کیفیّت آرایهٔ تلمیح در اشعارنیما یوشیج- با توجّه به اندیشه و گرایش فکری و فرهنگی شاعر بررسی شود. پربسامدترین نوع تلمیح یا به عبارتی، همان «تلمیح مرکزی» در شعر نیما، تلمیح‌های مبتنی بر آداب و رسوم و باورهاست. نیما شاعری اجتماعی است و به متعهد بودن شعر تأکید دارد، بنابراین در اشعارش به باورها، فرهنگ و آداب و رسوم ملّی و مردمی توجّه بیشتری نشان داده. پس از آن نیز به ترتیبِ میزان کاربرد، تلمیح‌های دینی و مذهبی، تلمیح به مفاهیم هنری و ادبی، اساطیری و ملّی، و تاریخی است.

کلید واژه‌ها: تلمیح، شعر معاصر، نیما یوشیج

[۱] دانشیار زبان و ادبیات فارسی،دانشگاه رازی
[۲] کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی،دانشگاه رازی؛ رایانامه: pmohebi89@gmail.com

تحلیل شگردهای کاربرد اشعار و عبارات عربی در تاریخ جهانگشای جوینی

موسی پرنیان[۱]
عیسی نجفی[۲]
مهسا رضایی[۳]

چکیده

تاریخ جهانگشای عطاملک جوینی از آثار تاریخی- ادبی ارزشمند قرن هفتم هجری- قمری است که مانند سایر آثار این دوره ، دارای نثری مصنوع و فنّی است . روش کلام در نثر فنّی، اطناب است که همان آوردن الفاظ، ترکیبات و عبارات بسیار برای بیان مفاهیم اندک است. بر این اساس، کاربرد هدفمند اشعار و عبارات عربی از اسلوب‌های اطالهٔ سخن در تاریخ جهانگشای جوینی است که در آفرینش سبک مصنوع و فنّی آن مؤثر بوده‌است. این پژوهش با هدف تبیین ارتباط لفظی و معنوی در کتاب تاریخ جهانگشای جوینی با تکیه بر کاربرد اشعار و عبارات عربی با رویکردی توصیفی- تحلیلی انجام شده و به این پرسش‌ها پاسخ داده‌است که جایگاه اشعارو عبارات عربی در سبک مصنوع و فنّی نثر تاریخ جهانگشاه چگونه و بسامد آن‌ها با متن فارسی چه نسبتی را رقم خواهد زد؟ که دستاورد پژوهش نمایان کرد، اشعار و عبارات عربی ارتباطی دوگانه با متن فارسی تاریخ جهانگشا فراهم کرده‌اند: نخست اشعار و عبارات عربی چنان قسمی از کلام، جایگاه نقش‌های دستوریِ نهاد، مفعول، مسند، مضافٌ الیه، قید، متمم، شبه جمله و ... را گرفته و دوم از حیث بلاغی عنصر سازندهٔ مقوله‌های بلاغی تشبیه، تمثیل، کنایه، ایهام، ایجاز، مناظره و ... هستند. هم‌چنین تضمین‌های عربی رویکردهای معنایی تتمیم، تأکید، تنظیر، توصیف، ملخّص و حلّ معانی را در تاریخ جهانگشای جوینی فراهم کرده‌است.

کلید واژه‌ها: ادبیات تطبیقی، سبک‌شناسی، عناصر زبانی و بلاغی، جهانگشای جوینی، ادبیات عربی.

---

[۱] دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی؛ رایانامه: dr.mparnian@yahoo.com
[۲] استادیارگروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی ،
[۳] دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی

دیدگاه شاهنامهٔ فردوسی دربارهٔ فرهنگ و هنر رومیان

موسی پرنیان[۱]
قدرت‌الله علیرضایی[۲]

چکیده

شاهنامهٔ بزرگ فردوسی مانند دریایی ژرف و پهناور است که گوهرهای گران‌بهای بسیاری دارد و هر کس بنابر سلیقهٔ خود گوهریاز آن می‌یابد. او با سرودن شاهنامه علاوه بر زنده نگه داشتن زبان پارسی، موجبات حفظ و حراست پیشینهٔ تاریخی و سند اصالت و هوّیت قوم ایرانی را نیز فراهم آورد. شاهنامه هر چند نامهٔ فرهنگ و آداب و رسوم ایرانیان است، امّا فرهنگ و آداب و رسوم اقوام انیرانی نیز در آن بازتاب یافته است. یکی از این اقوام، قوم روم است. رومیان که از تقسیم‌بندی جهان میان فرزندان فریدون وارد شاهنامه شده‌اند در بخش پهلوانی شاهنامه نقش کم‌رنگی دارند، اما با شروع بخش تاریخی، در بسیاری از حوادث نقش اصلی را ایفا می‌کنند. در این پژوهش، به بازتاب فرهنگ و هنر رومیان از دیدگاه شاهنامهٔ فردوسی پرداخته شده است. شایان ذکر است که فردوسی در شاهنامه به منسوجات و ابزارها جنگی، دین و اخلاق، دانش و هنر، ازدواج و آیین آن و ... رومیان اشاره کرده است.

کلید واژه‌ها: فردوسی، روم، شاهنامه، فرهنگ و هنر.

[۱] دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی کرمانشاه؛ رایانامه: dr.mparnian@yahoo.com
[۲] دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ازی کرمانشاه

رئالیسم در رمان "خاله بازی" بلقیس سلیمانی

مهین پناهی[۱]
سارا مساحی زلانی[۲]

چکیده

رئالیسم یکی از مکتب‌های ادبی می‌باشد که موضوع آثار خود را مسائل زندگی واقعی و جامعهٔ معاصرقرار می‌دهد و کاربرد مسائل ذهنی و ماورائی را در آثار خود جایز نمی‌داند؛با توجه به این‌که بلقیس سلیمانی موضوعات روزمره را در قلم خود می‌نمایاند و مسائلی را که امکان روی دادن آن در زندگی واقعی و جامعه معاصروجود دارد مد نظر قرار می‌دهد، این پژوهش درصدد یافتن مؤلفه‌های رئالیسم در یکی از رمان‌های بلقیس سلیمانی به نام «خاله‌بازی» است. در پژوهش حاضر با مطالعه و تبیین مؤلفه‌های رئالیسم که برخی از آن ها عبارتند از: جزئی‌نگری و تشریح جزئیات، موضوعیت داشتن انسان، عدم وجود مسائل ماورائی و ذهنی، عینیت‌گرایی، وجود قهرمان واقعی و عادی، مناسبت داشتن زمان و مکان با یکدیگر، زاویه دید اول شخص ناظر، وجود زبان محاوره، مسائل روز و جامعهٔ معاصر و پیرنگ باز، این مؤلفه‌ها در رمان خاله بازی جستجو و از رهگذر بررسی آن‌ها در این رمان نتیجه گرفته شد که رمان خاله‌بازی یک اثر رئالیستی با مؤلفه‌های بارز آن است.

کلید واژه‌ها: رئالیسم، بلقیس سلیمانی، خاله‌بازی

[۱]استاد تمام زبان و ادبیات فارسی دانشگاه الزهرا(س)
[۲]دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا(س) ؛ رایانامه: masahisara@gmail.com

کارکرد مضامین اخلاقی و تربیتی در شعر خاقانی شروانی

امید پورحشمتی[۱]
داریوش شعاعی[۲]

چکیده:

ادبیات فارسی از دیرباز با مفاهیم و آموزه‌های اخلاقی و تربیتی بسیاری عجین بوده است به گونه‌ای که بازتاب عنایت و کاربرد گنجینه‌ای از الفاظ آن به حدی بسیار بوده که موجب پدید آمدن ادبیات جدیدی در آثار بسیاری از شاعران و نویسندگان به نام ادبیات تعلیمی گشته است. از جمله این شاعران می‌توان خاقانی شروانی را نام برد که وی در شعر خود متاثر از اندیشه‌های دینی و صوفیانه به مجموعه‌ای از مضامین اخلاقی و تربیتی همچون دنیاگریزی، راست‌گویی، عدالت‌طلبی، قناعت، ظلم‌ستیزی، تهذیب نفس و خردگرایی روی آورده و با اشاره مستقیم به آنها مخاطب خود را به پایبندی و مقیدبودن به اخلاقیات دعوت می‌نماید. شعر خاقانی هر چند با فرو رفتن به درون نازک‌اندیشی‌ها و مضمون‌پردازی‌های گره خورده با پیچیدگی‌های لفظی مانع انتقال سریع و بی‌واسطه مفاهیم به مخاطب خود می‌گردد، ولی لطایف حکمی و تعالیم اخلاقی و تربیتی وی آن چنان متاثر از معنویت و پیوند با تعالیم دینی و قرآنی است که دیگر این کاستی‌های و ابهامات لفظی و معنایی در شعر او چندان احساس نمی‌شود.از این رو پژوهش حاضر با تکیه بر روش توصیفی – تحلیلی بر آن است تا از طریق واکاوی در مجموعه اشعار مربوط به خاقانی و دستیابی به مضامین اخلاقی و تربیتی در شعر وی، اسالیب بیانی و معنایی او را در انتقال این مفاهیم هویدا سازد.

واژگان کلیدی: ادبیات فارسی، شعر تعلیمی،خاقانی شروانی، اخلاق، کارکردها.

[۱]دانشجوی دکتری رشته زبان و ادبیات عربی، دانشگاه رازی، کرمانشاه؛ رایانامه: poorheshmati@gmail.com
[۲]دانشجوی کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عربی، دانشگاه گیلان، رشت

بررسی روان‌شناختی شخصیّت جلال آل‌احمد با تکیه بر افعال در آثار داستانی وی

زهراپورمحمدحسین[۱]

چکیده

نقد روان‌شناختی به ویژه روان‌شناختی شخصیّت، یکی از شاخه‌های نقد ادبی و شیوه‌ای برای کشف و شناخت معانی ثانوی و پنهان متن است که که از ضمیر ناخودآگاه سرچشمه می‌گیرد. این نوع نقد می‌کوشد تا با تکیه بر زبان و سبک هر نویسنده و نقد و تحلیل شاخصه‌ها و مؤلّفه‌هایش به ابعاد شخصیّتی نویسنده راه یابد و چون فعل در متن از عناصری بنیادی و تعیین‌کنندهٔ دیگر عناصر و سامان بخش ساختار جمله است و نویسنده نیز به کمک آن، احساسات و عواطف و اندیشه‌ها و نگرش‌های خویش را بازگو می‌کند، در تحلیل شخصیّت نویسنده می‌تواند بسیار مؤثر باشد. آل احمد از جمله نویسندگان صاحب سبک معاصر است که کاربرد افعال در آثارش چه از نظر نوع و مفهوم و چه از نظر مذکور و محذوف بودن می‌توانند شخصیّت نویسنده را بیان کنند. یکی از کارکردهای افعال در آثار آل‌احمد، اغراق و بزرگ‌نمایی است که می‌تواند دال بر شخصیت ایده‌آلیست او باشد. نقادی آل‌احمد هم برآمده از واقع‌گرایی و هم آرمان‌گرایی اوست. کاربرد افعالی مثل حال نداشتن، حوصله نداشتن، خسته و کلافه بودن بر تنهایی و انزوای او دلالت دارند. خشم درون و عصبانیت آل‌احمد بازتابی از نگرش سیاسی-اجتماعی و شخصیت آل‌احمد محسوب می‌شود که علاوه بر صورت فکری و شکل کلامی، گاه حالت فیزیکی نیز پیدا می‌کند. عدم‌بی‌توجهی آل‌احمد نسبت به مسائل و رخدادهای اجتماعی، ضمن این که بر شخصیّت عاطفی او دلالت دارد، واقع‌گرایی او را نیز بازگو می‌کند.

واژه‌های کلیدی: نقد روان‌شناختی، جلال آل‌احمد، داستان، شخصیّت، افعال.

[۱]: کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه: hr.zahra1371.p@gmail.com

روایت‌شناسی فتوداستان «با روپوش سرخ و سفید»

مریم پورابراهیم[۱]

چکیده

تصویر، اولین زبان مورد استفادهٔ بشر است. اولین کلماتی که با آن ارتباط برقرار کرده و حادثه و رویدادها را شرح داده است. راوی رویدادهای حوالی بشر، احساسات و درونیات و پس از آن با گسترش زبان و واژگان در کنار هم با کاربست عناصری روایت‌هایی را به شکل متن به وجود آورده‌اند. در حال حاضر عکس و داستان در کنار هم روایت‌گر معاصر دنیای ما هستند. حتی اگر به طور کامل نتوانیم عکس را روایت بنماییم، برخی از عناصر روایت را در آن مشاهده می‌کنیم. در مقالهٔ پیش‌رو به یک روایت مستقیم از روزهای جنگ در فتوداستان «با روپوش سرخ و سفید» می‌پردازیم. نتایج حاصل نشان داد در این فتوداستان، تلفیق عکس و روایت به صورتی بوده که هردو مکمل یکدیگر بوده و جریان داستان را ملموس‌تر به مخاطب منتقل کرده است.

کلیدواژه‌ها: عکس، روایت، عناصر داستان.

[۱] کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه: m.pourebrahim70@chmail.ir

نقش زنان دفاع مقدس در خانواده و بررسی آن در ادبیات جنگ

شکرالله پورالخاص[۱]

زهرا انصاری[۲]

چکیده

جامعه انسانی متشکل از زنان و مردانی است که در روابط متقابل با یکدیگر قرار گرفته‌اند که هر یک در عین وابستگی، نقش و کارکرد ویژه‌ای را بر عهده گرفته‌اند.و می‌توان به ارتباطی عمیق بین خانواده و جامعه قائل بود. تهاجم گسترده عراق ، زندگی زنان را همچون همهٔ افراد جامعه تحت تأثیر قرار داد و تجربهٔ جدید از زندگی خانوادگی را برای آنان رقم زد. نقد و بررسی تجربهٔ زنان دفاع مقدس افزون بر حفظ و نشر گنجینهٔ ارزشمند پایداری ملت ایران در برابر متجاوزان، اهمیت نقش زنان خانواده را در این بحران گسترده نشان می‌دهد.و ادبیات یکی از نمونه‌های بارز است که به بررسی نقش زنان در دفاع مقدس می‌پردازد.

واژگان کلیدی: زنان، خانواده، دفاع مقدس،ادبیات دفاع مقدس

[۱] دانشیار دانشگاه محقق اردبیلی

[۲] دانشجوی کارشناسی ارشدادبیات پایداری دانشگاه محقق اردبیلی؛ رایانامه: ansari66zahra@gmail.com

نقش زنان دفاع مقدس در خانواده و انعکاس آن در نوشته‌های زنان نویسنده

شکرالله پورالخاص[۱]

زهرا انصاری[۲]

چکیده

تاریخ معاصر ایران، شاهد گویایی برای حضور همه جانبه و فعالانه زنان مسلمان ایران، در صحنه‌های گوناگون دفاعی رزمی، سیاسی و اجتماعی می باشد. خصوصا هنگامی که احساس شود ارزش‌های اسلامی در معرض خطر قرار گرفته است دیگر هیچ نیرویی تاب مقاومت در برابر شور انقلابی زنان را ندارد.ادبیات هر قوم و هر دوره به مقتضای مسائل اجتماعی ،سیاسی، اقتصادی و دینی شکل می‌گیرد . اما چگونگی انعکاس وقایع بستگی به دیدگاه نویسنده و جایگاه اجتماعی، مکان و نحوه زندگی اودارد. نقش زنان در دفاع مقدس مثال زدنی و بی‌مانند بود و یکی از وقایعی بود که بحق باید خود را در نگاه زنانه‌ای که پشت آن بود نشان می‌داد.وهدف از این تحقیق بررسی نقش زنان در دفاع مقدس و پاسخ به این پرسش که آیا زنان دفاع مقدس به خوبی توانسته‌اند نقش خود را در خانواده ایفا کنند یا نه؟و رسیدن به این نکته است که زنان در بنیاد خانواده همسو با تحولات جامعه و پشتیبان مردان در عرصهٔ مقاومت بوده‌اند.

کلید واژه: خانواده، زنان دفاع مقدس، زنان نویسنده

---

[۱] دانشیار دانشگاه محقق اردبیلی

[۲] دانشجوی کارشناسی ارشدادبیات پایداری دانشگاه محقق اردبیلی

نماد پردازی چاه در حماسه های ملی

مه دخت پورخالقی چترودی[۱]
سهیلا مرادقلی[۲]

چکیده :
نمادگرایی در طول حیات بشر ثابت کرده‌است که بیشترین تأثیر را در انتقال و جایگزینی مفاهیم در ذهن مخاطبان داشته‌است؛ از جملهٔ آن،نمادپردازی در واژهٔ چاه است ، چاه در تمام سنت‌ها به نوعی مقدس است چراکه بر گرفته از سه نظم کیهانی‌است (آسمان، زمین و زیر زمین و سه عنصر آب ، خاک و باد). همچنین پیوند دیرینه‌ای که چاه به همراه آب دارد سبب نوعی دوگانگی و تناقض در بکارگیری معنای آن شده‌است . زیرا از یک سو با آب کهنمادی از پاکی و زلالی و زندگی‌است و از سوی دیگر به دلیل تاریکی و ارتباط آن با جایگاه مردگان نماد پلیدی ، سیاهی و مرگ به حساب می‌آید . واژهٔ چاه در حماسه نیز بسامد بالایی دارد و همچنان دوگانگی و چند معنایی در آن موج می‌زند . این جستار بر آن است با آوردن نمونه هایی از چاه در چند حماسهٔملی؛ از جمله کمدی الهی ، بهشت گمشده ، گیل گمش ، مهابهارت ، ایلیاد و شاهنامهٔ فردوسی، این واژهٔ چند قطبی را معنا و به نماد پردازی آن از منظر فرهنگ و اساطیر کهن پرداخته شود که در آن صورت، پس از جمع کردن تفسیرهای متضاد از چاه،دیگر نه معنای دام و مرگ؛ بلکه معنای رهایی و تولدِ دوباره و حیاتی جاوید را نوید می دهد.

کلید واژه ها : چاه ، نماد ، حماسه ، اسطوره ، مرگ ، حیات جاوید

[۱]استاد دانشگاه فردوسی مشهد
[۲]دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی (واحد بین‌الملل)؛رایانامه :soheila_moradgholi@yahoo.com

ماهیت روح در نظر متکلمان اسلامی با تاکید بر کتاب «شرح التعرف لمذهب التصوف»

تقی پورنامداریان[۱]
مریم محمدی[۲]

چکیده

متکلمان اسلامی از دو دیدگاه مادی و روحی، ماهیت و حقیقت انسان را به چالش می کشند. دیدگاه مادی دو گونه است: نخست این که حقیقت انسان جوهری جسمانی و ثابت از آغاز تا پایان حیات است و دوم که حقیقت او یک عرض یا آمیخته ای از اعراض و یا حتی حواس پنجگانه ی انسان است.

از دیدگاه روحی، حقیقت انسان جوهری مجرد، توانا و حادث است که از آن به نفس ناطقه تعبیر می شود. برخی بر این عقیده اند که حقیقت انسان معلول اتحاد و عینیت روح و بدن است. این نوع نگرش درباره ی معاد هم،چنان تاثیر نهاده استکه آن را به سه صورت جسمانی، روحانی، و جسمانی- روحانی مطرح کرده اند.

این نوشتار بر آن است تا با تکیه بر کتاب «شرح التعرف لمذهب التصوف» مستملی بخاری که از زمره ی کتب بسیار معتبر تصوف است، به نقد و تحلیل نظرات کلامیون و متصوفه در باب روح و ماهیت و حقیقت انسان بپردازد.

کلیدواژه ها: کلام اسلامی، روح، شرح التعرف لمذهب التصوف. مستملی

[۱]استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
[۲]استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال؛ رایانامه: maryam.mohammadi51@gmail.com

مقایسه‌ی ماهیت و سرنوشت روح نزد مصریان و هندوان

تقی پورنامداریان[۱]

مریم محمدی[۲]

چکیده

در این پژوهش نظری بر سابقه‌ی اعتقاد به روح و راه رستگاری و کمال وی نزد آیین‌های موجود در مصر و هندوستان داشته‌ایم تا از این منظر به مقوله‌های مبدأ، مقصد، ثواب، عقاب و خلود روح، و پیشینه‌ی اعتقاد به تناسخ که به ویژه نزد آیین‌های برآمده از مکتب هندو بسیار مطلوب می‌نموده‌اند، بپردازیم. هدف اصلی این نوشتار، مقایسه‌ی میان اعتقاد به روح در مصر باستان با سه آیین هندوئیزم، بودائیزم و جینیزم (مهم‌ترین آیین‌های سرزمین هند) و بررسی مشابهت‌ها و مفارقت‌های دیدگاه‌های آنان نسبت به این جنبه‌ی غیرمادی وجود انسان بوده است.

واژه‌های کلیدی: روح، مصر باستان، هندوئیزم، بودائیزم، جینیزم

[۱]استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

[۲]استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال ،رایانامه: maryam.mohammadi51@gmail.com

طرحی برای صلح
(بررسی سه شعر از قیصر امین پور با رویکرد صورت‌گرایی)

منیژه پورنعمت رودسری[۱]

صدیقه مزارعی‌زاده[۲]

چکیده

رویکردهای نوین ادبی، مسیری تازه پیش روی ادبیات قرار داده است. با توجه و تعمق در این رویکردها، می‌توان خوانش‌های بدیعی از متون ادبی داشت. رویکرد صورت گرایی یکی از همین ابزارهای نقد و تحلیل است، که فضای گسترده‌ای از مفهوم را پیش روی مخاطبان و منتقدان ادبی می‌گشاید. در این مقاله، با رویکرد صورت گرایی به واکاوی اشعاری از قیصر امین پور پرداخته شده است.

این جستار، می‌کوشد بُعدی متفاوت از ادبیات پایداری را نشان دهد، که همان صلح و تلاش برای آن است. با این هدف که با واکاوی لایه‌های فرمی و ساختاری آثار، به معنا و مفهوم صلح دست یابد تا بتواند پاسخگوی این پرسش باشد که قیصر امین پور تا چه اندازه از ویژگی‌های فرمالیستی برای برجسته کردن مفهومش سود جسته است.

با بررسی در متون، فهمیده می‌شود که چگونه قیصر امین پور با گزینش واژگان و زبانی متفاوت، برای تعالی ادبیات پایداری، طرحی برای صلح رقم می‌زند. همچنین سیر روایی اشعار بررسی شده نشانگر پیرنگی غیر خطی در این سه شعر است.

واژگان کلیدی: نقد ادبی، رویکرد صورت‌گرایی، متن، زبان شعری، قیصر امین‌پور.

[۱] استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه خلیج فارس بوشهر

[۲] کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه: Sedmazarei@gmail.com

مضمون‌های تکرار شونده در منطق الطیر

آرزو پوریزدانپناه کرمانی[۱]

چکیده

در آثار داستانی، برّرسی موتیف و نشان‌دادن کارکردهای آن به تجزیه و تحلیل دقیق‌تر و درک بهتر داستان، به‌خصوص پیام‌های ضمنی آن کمک می‌کند. پرسش‌های مرغان و پاسخ‌های هدهد، سیر و طیّ طریق، تجرید و ترک تعلّقات مادّی، جان‌بازی در راه حق و رسیدن به مرحلهٔ فنا، عاشق پاکباز و طالب واقعی بودن، دشواری راه طریقت، عذر آوردن مرغان، عشق، نفس ستیزی، عتاب مرشد و کشش و کوشش در زمرهٔ مضمون‌های تکرارشونده در منطق الطیر محسوب می‌شوند و به‌عنوان بخشی از موتیف-های این داستان به شمار می‌آیند. این مضامین در منطق الطیر به نحوی معنادار تکرار شده‌اند که در این تکرارها بیشتر دغدغه‌های فکری و اندیشه‌های عرفانی عطّار مطرح است .

موتیف‌های باورشناختی و اندیشه‌ای منطق الطیر، دورنمایی از جهان‌بینی عطّار و دیدگاه خاصّ او به سیر و سلوک الی الله و سالک راستین را برای خواننده آشکار می‌کند . مضامین تکرارشونده در این داستان کارکرد هدایتگری، تأکیدی، داستان‌سازی، انسجام‌بخشی و زیبایی‌شناسانه دارند. این گفتار با روش توصیفی ـ تحلیلی، در پی نشان‌دادن مضامین تکرار شونده و نقش آن‌ها در بیان دیدگاه‌های عرفانی عطّار در منطق الطیر است و سپس، به کارکرد آن‌ها به عنوان موتیف در این منظومه می پردازد

واژگان کلیدی : موتیف ، مضمون تکرار شونده ، عطّار ، منطق الطیر .

[۱] استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد؛ رایانامه: pooryazdanpanah@yazd.ac.ir

بررسی تطبیقی سبک تاریخ بیهقی و تاریخ جهانگشای جوینی

سمیه پولادی[۱]
وحید مبارک[۲]
نسیم کریمی[۳]

چکیده

تاریخ نویسی در سبک خراسانی با برگردان تاریخ طبری به زبان فارسی آغاز شد و با ظهور ابوالفضل بیهقی در این عرصه، آراستن تاریخ به شیوهٔ ادبی مرسوم و جریان ساز شد و در قرون ششم و هفتم به اوج خود رسید. عطاملک جوینی نیز با نگاهی به تاریخ مغول از این جریان عظیم بر کنار نماند و توانست با برتری بر آثار دیگر، وقایع و رویدادهای تاریخی عصر مغول را با تحلیل و ژرف‌اندیشی عاقلانه عرضه کند. نویسندگان این‌گونه کتب تاریخی، اغلب از دبیران دربار بودند که با بهره‌گیری از دانش‌های گوناگون خویش، وقایع تاریخی را به زبانی شیوا، ساده، ادبی و با هدف عبرت‌پذیری آیندگان تالیف کرده و به یادگار گذاشتند البتّه شیوهٔ تاریخ نویسی این نویسندگان در سال ۱۱۸۰ با خلق یکی از متکلّف‌ترین متون نثر فارسی(درّهٔ نادرهٔ استرآبادی) خاتمه یافت. از این میان تاریخ بیهقی و تاریخ جهانگشای جوینی از اقبالی ویژه برخوردار شدند که ریشه در تحلیل‌های آن دو نویسنده و خارج کردن تاریخ از وقایع نگاری و خاطره نویسی دارد؛ در این مقاله به بررسی و تطبیق شیوهٔ تاریخ‌نویسی و بسامد ویژگی‌های زبانی، ادبی و فکری دو اثر پرداخته خواهد شد و سعی پژوهش بر این است که یافته‌های تازه‌ای بر پژوهش‌های پیشین اضافه گردد و مطالب مذکور در آن‌ها تایید شود. این بررسی با روش توصیفی- تحلیلی، مطالعهٔ کتابخانه‌ای و با نگاهی تطبیقی انجام پذیرفته است.

واژگان کلیدی: تاریخ‌نویسی، تطبیق، سبک، تاریخ بیهقی، تاریخ جهانگشا

---

[۱]دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی
[۲]استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی؛ رایانامه:vahid_mobarak@yahoo.com
[۳]دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

مغول‌ستیزی زیدری نسوی در نفثه المصدور

فراست پیروزی نژاد[۱]

چکیده

نفثه المصدور، اثر شهاب الدین محمد خزندزی زیدری نسوی، یکی از متون ارزشمند تاریخ و ادبیات است. زیدری نسوی به عنوان شاعری که آینه‌دار اوضاع زمانهٔ خویش است با التهاب و جوشش درونی واقعیت‌های اجتماعی زمانهٔ خود و یورش و تاخت و تاز مغولان را با ژرفای خاصی بازآفرینی می‌کند. وی با چشم و گوشت وپوست خود فجایع مغول و ظلم و کشتار و سفاکی آنان را دیده و لمس کرده است و شاهد بسیاری از وقایع تلخ آن دوره بوده است.

حقیقت نگری و روشن بینی او نه تنها او را باوجود تعلق خاطری که به ممدوح خود سلطان جلال الدین دارد به انتقاد وا می‌دارد بلکه در درجهٔ بالاتر در برابر ظلم و فجایع مغول سکوت نکرده و با همه احساس و اندوهی که به او دست داده ، به انتقاد سخت از آنان برمی‌خیزد و چهرهٔ واقعی آنان را نشان می‌دهد و به انحا مختلف به طور مستقیم، در قالب کاربرد آیات و احادیث و اشعار ، نوع بیان، استفاده از صنایع ادبی، تشبیه ، وصف ، کنایه و مجاز به علاقهٔ تضاد مغولان را به باد انتقاد می‌گیرد .

نفثه المصدرو هر چند که در بند ذهن و تجرید و عاطفه و احساس گرفتار مانده و با اینکه محتوای غنایی در تاریخ او نمود دارد؛ اما این امر هرگز باعث نشده که چشم از حقیقت بپوشد و خود را از واقعیت جامعه و رخداد عصرش دور ببیند ؛ لذا وی با مردم زمان خود همدردی کرده و سعی کرده گوشه‌هایی از ظلم‌ها و فجایع مغولان و خصلت‌های آنان را به تصویر بکشد.

کلید واژگان : نفثه المصدور، مغول ستیزی، قرآن ، انتقاد، وصف و تشبیه

[۱] دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کردستان؛ رایانامه: farasat_2012@yahoo.com

بررسی عناصر طبیعت در ساختار اشعار کلاسیک هوشنگ ابتهاج
« پژوهشی در اشعار هوشنگ ابتهاج بر اساس نظریهٔ سبک شناسی ساختارگرا»

فرشته پیشقدم[۱]

چکیده

هوشنگ ابتهاج(۱۳۰۶) از شاعران میانه گراییست که عناصر طبیعت چه از نظر کمّی و چه از نظر کیفی یکی از مهمترین سازه های تشکیل دهندهٔ شعراو می باشد. این عناصر در کنار یکدیگر در بیشتر مضامین، از عاشقانه تا اجتماعی و سیاسی، معمولاً حول محور مفهوم نوستالژی، نقش اصلی را در به تصویر کشیدن گذشته ای زیبا با رنگ ها و نشانه های پرطراوت و شاد، در مقابل اکنونی غم انگیز با فضایی ابری و خاکستری رنگ، بازی می کند تا بازتابی از دوران پیش و پس از هجرت یا ورود به دنیای سیاسی را در زندگی شاعر نشان دهد. بسامد این عناصر در اشعار سایه در سه مختصات زبانی، فکری و ادبی نشان می دهد که کارکرد عناصر طبیعت عمدتاً غیر مستقیم و در خدمت محور فکری نوستالژی، برای انعکاس احوال درونی شاعر از سرخوشی تا ناکامی است و تکرار برخی عناصر طبیعت به کمک حروف اضافه و قیدهایی که مفهوم تکرار را در جمله ایفا می کنند با ویژگی آب و هوایی سرزمین زادگاه شاعر مانند تکرار باران، پیامد مکرّر ابر، آفتاب، ارغوان، شکفتن و ... در ارتباط تنگاتنگ است.

کلیدواژه: هوشنگ ابتهاج، سایه، عناصر طبیعت، کارکرد غیرمستقیم، نوستالژی

[۱] کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه: Barandarya15@yahoo.com

جلوه‌های فانتاسیک در داراب‌نامهٔ طرسوسی

پروین پیکانی[۱]

چکیده

تودوروف در تحلیلی ساختارگرایانه، داستان‌های خیالی و وهمناک را در زیرگونه‌های فانتاسیک، غریب و شگفت دسته‌بندی و ویژگی‌های هرکدام را بیان کرده است. از دیدگاه وی فانتاسیک عمری کوتاه دارد و بسته به تصمیم مخاطب در باقی ماندن در تردید یا انتخاب امر فراواقعی و یا توجیه عقلانی، ممکن است به زیرگونهٔ مجاور آن تبدیل شود. در این پژوهش با استفاده از نظریهٔ تودوروف، عناصر شگفت‌انگیز و فوق طبیعی در داراب‌نامه بررسی شده است تا میزان انطباق تقسیم بندی ذکر شده بر پدیده‌های خارق‌العاده و وهمی داراب‌نامه نشان داده و از این منظر به رابطهٔ فانتاسیک با ادب عامیانه پرداخته شود. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اگرچه داراب‌نامه و آثاری از سنخ آن به طور کامل در گونهٔ فانتاسیک قرار نمی‌گیرند؛ با این-حال وجود عناصر خیالی و وهمناک در آن به حدی است که قسمت‌های مختلفی از آن را می‌توان در دستهٔ فانتاسیک و ژانرهای نزدیک به آن قرار داد. در این اثر انواع شگفت در کنار فانتاسیک محض و فانتاسیک_شگفت، برای بیان شگفتی‌ها و رویدادهای عجیب به‌کار گرفته شده‌اند. همچنین با فقدان توصیفات روانشناسی در داراب‌نامه، زیرگونهٔ غریب در این اثر اندک است.

واژگان کلیدی: تودوروف، فانتاسیک، غریب، شگفت، داراب‌نامه.

[۱] دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ایلام؛ رایانامه: p.paykani1@gmail.com

بازتاب ادبیّات عامیانه در داستان هزار یک شب نو از محمد علی علومی

پروین تاج بخش[۱]
سارا تومزا[۲]

چکیده

داستان در میان گونه‌های ادبی به خوبی نحوهٔ نگرش مردم را نشان می دهد. مذهب، سطح سواد و باورهای عامیانه از عناصری هستند که در دیدگاه افراد نقش مهمی دارند. داستان هزار و یک شب نو از محمد علی علومی به تأثیر از کتاب هزارو یک شب معروف نوشته شده است . نویسنده در این اثر می-کوشد با بهره گیری از طنز و توجّه به ادبیات عامیانه به بیان معضلات جامعه بپردازد. وی با ارج نهادن به فرهنگ مردم و نقد باورهای غلط، خواننده را به واکاوی در اندیشه هایش فرا می‌خواند .

واژه‌های کلیدی: محمد علی علومی، هزار و یک شب نو ، باورهای عامیانه .

[۱] دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور ،رایانامه: parvintajbakhsh@gmail.com

[۲] دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور

سبک شناسی داستان بانوی شکسته با رویکرد سبک شناسی انتقادی

مائده تجلی[۱]
یوسفعالی عباس آباد[۲]
صدیقه سلیمانی[۳]

چکیده

در این مقاله، سبک شناسی انتقادی در داستان بانوی شکسته، سیمون دوبوار، بررسی شده است. پرسش اساسی، مقاله ایناست؛ ایدئولوژی پنهان متن در این اثر چیست؟ و لایه‌های سبکی که به کشف آن کمک می‌کنند کدام است؟ فرض نگارنده این است که ایدئولوژی حاکم بر اثر به دنبال نشان دادن، نظام مردسالار مسلط بر فضای اثر و بهبود موقعیت زنان است. این پژوهش به روش لایه‌ای انجام شده‌است که به بررسی بافت بیرونی و تجزیه و تحلیل در سطح لایه‌های روایی و متنی می‌پردازد که بررسی آن‌ها منجر به کشف ایدئولوژی پنهان متن اعم از نارضایتی و سرخوردگی قهرمان زن داستان از شرایط اجتماعی، وجود نمود-های قوی و انکار ناپذیر مردسالاری در لایه‌های مختلف است. هدف از این پژوهش بکارگیری سبک شناسی انتقادی به عنوان شیوه‌ای نوین در مطالعات سبک شناسی به زبان فارسی است که در این شیوه، توسط بکارگیری لایه‌های مختلف متنی می‌توان به درک عمیق‌تری از ایدئولوژی حاکم بر اثر دست یافت.

واژه‌های کلیدی: بانوی شکسته، سیمون دوبوار، سبک شناسی انتقادی.

: [۱]کارشناسی ارشد زبان و ادبیات دانشگاه پیام نور سمنان؛ رایانامه:tajalli_maedeh@yahoo.com
[۲]دانشیار گروه زبان و ادبیات دانشگاه پیام نور سمنان
[۳]استادیار گروه زبان و ادبیات دانشگاه پیام نور سمنان

بررسی نوستالژی(غم غربت) در اشعار حسین پناهی

محیا ترابی توران پشتی[۱]
محمدرضا حاجی آقا بابایی[۲]

چکیده:
نوستالژی(غم غربت) یا دریغ نگاشت اصطلاحی است که از حوزه‌ی روان‌شناسی وارد ادبیات شده و در حوزه‌ی ادبیات، چه گذشته و چه معاصر بازتاب‌های فراوانی داشته است.نوستالژی رفتاری است ناخودآگاه که در بین همه‌ی انسان‌ها وجود دارد و در آن فرد از زمان حال می‌گریزد و به گذشته و خاطرات آن یا به آینده پناه می‌برد. حسین پناهی،شاعر، نمایشنامه نویس،کارگردان و بازیگر معاصر از جمله افرادی است که احساس نوستالژی یا غم غربت در هشت کتابی که از ایشان به یادگار مانده است، مشاهده می‌شود.در این مقاله کوشیده شده پس از تعریف واژه نوستالژی و ابعاد آن به بررسی نوستالژی دوران کودکی، دوری از وطن،بازگشت به آرمان‌شهر و غم از دست رفتن سنت‌ها،در اشعار حسین پناهی پرداخته شود.

کلیدواژه‌ها:نوستالژی(غم غربت)، شعر معاصرفارسی، حسین پناهی

۱کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی؛ Email:mahya.torabi@yahoo.com
۲استادیار دانشکده زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی

تحلیل تاریخی مطبوعات طنز گیلان در دورهٔ مشروطه

وجیه ترکمانیباراندورزی[۱]

آتوسا پدرام[۲]

چکیده

بررسی تاریخی، ساختاری و تبیین مشخصات طنز یک دوره، نه تنها می‌تواند نوعی صورت بندی شگردها و مقوله های طنز باشد، بلکه کمک می‌کند رابطهٔ ادبیات طنز را با مردم نشان دهد که چگونه طنز موثرترین قالبی است که می‌تواند با جامعه ارتباط برقرار کند. مسئلهٔ اصلیِ مقالهٔ حاضر این است که طنز روزنامه‌ای در مطبوعات گیلان در دوران مشروطهدارای چه جایگاه تاریخی و کدام مشخصات ساختیوموضوعی است. روش انجام این مقاله توصیفی و تحلیلی است و هدف ازنگارش آنبررسی ویژگی‌های تاریخی و جهت گیری‌های موضوعی طنزهایروزنامه‌هایگیلان در دورهٔ مشروطه از جمله خیرالکلام،جنگلونسیمشمال است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد روزنامه‌های نسیم شمال، جنگل و خیرالکلام در عصر مشروطه، روزنامه‌هایی پیشرو محسوب می‌شدند. طنزهای این روزنامه‌ها همپای گفتمان‌های ملی و ناسیونالیستی در آن دوره حول محور مسائلی مانند وطن، میهن، قانون، مشروطه و جمهوری می‌چرخد، از این رو وجوهی آرمانی و کلی دارد. تحلیل مسیر موضوعی و چالش‌های طنزپردازان در دورهٔ مشروطه حاکی از حملهٔ طنزپردازان به اشخاص و قدرتمندان است. از نظر قالب کلام نیز بیشتر طنزها به نثراند و به جز اشعار روزنامهٔ نسیم شمال، هیچ روزنامهٔ دیگری از شعر استفاده نکرده است.

واژگان کلیدی: طنز، مطبوعات گیلان، مشروطه.

[۱]استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس؛ رایانامه:torkamani.vajihe@gmail.com

[۲]دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس

بررسی تکنینک روایی گذشته نگردرونی و بیرونی بر اساس نظریه ژرار ژانت در رمان‌های عبّاس معروفی

وجیهه ترکمانی باراندوزی[۱]

بنفشه بجنوردی[۲]

چکیده

در این پژوهش، پنج رمان: سمفونی مردگان، سال بلوا، پیکر فرهاد، ذوب شده و تماماً مخصوص عباس معروفی؛ از دیدگاه روایت شناسی و زاویهٔ دید، مورد بررسی قرار می گیرد. روایت شناسی از رویکردهای نوپا در عرصهٔداستان نویسی است که از بطن آرای ساختارگرایان فرانسوی، چون ولادیمیر پراپ، لوی استروس، گرماس، تودوروف و ژرارژنت، به وجود آمده است .در این مقاله نظریهٔ ژرار ژنت، از بزرگ-ترین روایت‌شناسان و پژوهش‌گران ساختار متن، مورد استناد قرار گرفته است. ژنت دربیان مبحث نظم از مؤلفه های عنصرزمان،معتقد است هرگاه رویدادها با توالی منطقی وترتیب زمانی، نقل نگردند، زمان پریشی صورت گرفته است. نتایج این تحقیق نشان می دهد معروفی درچهار رمان از پنج رمان خود به غیر از رمان «ذوب شده»، ازتکنیک گذشته نگر درونی بیشتر از سایر انواع زمان پریشی بهره برده است .

واژگان کلیدی: رمان،تکنیک روایی، گذشته نگر درونی و بیرونی، ژرار زنت، عبّاس معروفی.

[۱]استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس

[۲]دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس؛ رایانامه: azad.tehrani@gmail.com

جایگاه خروس در ادب فارسی و آثار گارسیا مارکز

وجیهه ترکمانی باراندوزی[۱]

شیرین ناصری[۲]

چکیده

اساطیر به عنوان بخشی از فرهنگ قومی، بومی وملی در میان همه ملّت‌ها وجوامع، اعم از آسیایی و غیرآسیایی، دیده می‌شوند. اساطیر، آینه‌ای از تفکر،اعتقادات وباورهای شکل‌گرفته اقوام و ملل گوناگون در طول تاریخ‌اند که هویت آنان را شکل داده وبه‌نوعی بخشی از نیازهای معنوی ومادی بشری را برآورده می‌سازند.

در این مقاله اسطوره به‌عنوان مظهری از فرهنگو تاریخ بشردر نظر گرفته شده است. در میان اسطوره‌ها، حیوانات اسطوره‌ای نقشی پررنگ در شکل‌گیری باورها و آداب اقوام بشری ایفا کرده‌اند؛ و اسطورهٔ خروسبه‌عنوان یکی از دیرینه‌ترین اسطوره‌ها در تاریخ فرهنگی ایران، در منابع پیش از اسلام وپس از اسلام مورد بررسی قرار گرفته است؛ هم‌چنین پیرامون نقش این مرغ اسطوره‌ای در تاریخ پر فراز و نشیب و فرهنگ غنی بومیان اولیهٔ آمریکای لاتین، و انعکاس آن در آثار گابریل گارسیا مارکز به تحقیق پرداخته-ایم.

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که اساطیر در فرهنگ‌های مختلف از ایران گرفته تا آمریکای لاتین، دارای نقاط مشترکی هستند و در سیر تاریخ،انتقال اسطوره‌ها در میان فرهنگ ملل به‌شکل بارزی مشهود است .

واژگان کلیدی: اسطوره، نماد، گارسیا مارکز، آمریکای لاتین، خروس، فرهنگ، تاریخ.

[۱]: استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس؛ رایانامه: torkamani.vajihe@gmail.com

[۲]کارشناس ارشد ادبیات فارسی

تحلیل حکایتی از گلستان بر مبنای نقد تاریخ‌گرایی نو

علی تسلیمی[۱]
محمود رنجبر[۲]
معین کمالی‌راد[۳]

چکیده:
در حالی که عمده نتایج تحقیق‌ها و برداشت کلی ما از آثار سعدی، نام او را با مقولهٔ تربیت عجین ساخته؛ اما بازنگری و دوباره‌خوانی این آثار، می‌تواند زوایای تاریکی را بر ما آشکار سازد. تاریخ‌گرایی نو، رهیافتی است که عنصر قدرت را مهم‌ترین زمینهٔ آثار ادبی قلمداد می‌کند و با ردگیری گفتمان‌های موجود در متن، مناسبات و بازی قدرت را نمایان می‌سازد.هدف اصلی این پژوهش تبیین گفتمان تربیتی سعدی است که به خمیره و سرشت فطری افراد معطوف می‌باشد. او هرکسی را سزوار تربیت ندانسته و صرفا "طبع مستعد" را به عنوان شرط اولیهٔ پذیرش تربیت، ملاک قرار می‌دهد. از سوی دیگر میل سعدی به برقراری امنیّت، فضا را برای گفتمان امنیتی مطلوب می‌سازد تا نژاد افراد را ملاک سنجشِ حقیقت انسان قرار دهد. در این حکایت، سعدی و پادشاه با تاکید بر گفتمان ژنتیکی، فردِ "ناقابل" و "بدبنیاد" را مُخلّ امنیّت دانسته و "منقطع کردن نسل فساد" آنها را بهتر از تربیت و پرورش می‌دانند.

کلیدواژه:سعدی، تاریخ‌گرایی نو، گفتمان، تربیت.

[۱]دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان
[۲]استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان
[۳]دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان؛ رایانامه: Moeinkamali70@gmail.com

بررسی و تحلیل زندگی امام محمد غزّالی بر اساس ساحت‌های سه‌گانهٔ ژاک لکانپ

علی تسنیمی[۱]
محمد بیانی[۲]

چکیده:
پیوند ادبیات و روان‌کاوی و یا نـقد روان‌کاوانه در ایران نوپا است، اما با بررسی پژوهش‌های انجام شده می‌توان به مفید بودن پیوند این‌گونه از پژوهش‌ها در شکافتن لایه‌های پنهان و گشودن راه‌های نوین نقد و تحلیل پی برد. ژاک لکان – روان‌کاو و فیلسوف برجستهٔ فرانسوی- با ارائهٔ نظرات خود، توانست روان‌کاوی را که فرویـد پایه گذاری کرده بود، به اوج خود برساند. وی ساختمان نفسانی انسان را به سه ساحت «حیث خیالی»، «ساحت رمز و اشارت» و «حیث واقع» تقسیم می‌کند. ما در این مقاله برآنیم تا با کاربرد این نظریه، زندگی امام محمد غزّالی را بررسی کنیم و پرسش‌هایی که پیرامون دوره‌ها و اتفاقات گوناگون زندگی او، به ویژه تحول روحی وی در سال ۴۸۸ ه.ق مطرح شده است را پاسخی روان‌کاوانه بدهیم و به این نتیجه برسیم که وی دو ساحت نخست را پشت سر گذاشته، حیث واقع را با موفقیت تجربه کرده و به غایت روان‌کاوی دست یافته است. درپایان نیز تقسیم بندی نوینی از آثار وی بر اساس نظریهٔ لکان ارائه خواهیم داد.

کلید واژه‌ها: غزّالی، لکان، ساحت‌های سه‌گانه، روان‌کاوی، تطبیقی

[۱]استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری
[۲]دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری؛ رایانامه: cb.bayani2@gmail.com

بررسی « مدیریت تعارض» در داستان « رستم و اسفندیار»

ساناز تقی پوری حاجبی[۱]

چکیده

تعارض فرایندی است که در آن یک شخص یا یک گروه به طور هدفمند، عمدی و آگاهانه تلاش می‌کنند تا به گونه‌ای بازدارنده سبب ناکامی شخص یا گروه در رسیدن به علایق و اهدافش شوند. شاهنامه فردوسی بعنوان گنجینه‌ای بی‌بها در زبان و ادبیات فارسی است و اگر بخواهیم در شاهنامه چند ویژگی بارز ذکر کنیم بی‌تردید یکی از مهمترین خصیصه‌های آن «تضاد و کشمکش» و پیامدهای آن می‌باشد که شاهنامه را مجموعه‌ای بسیار منسجم و کارآمد در زمینه داستان‌پردازی کرده است که این موضوع بطور گسترده در اکثر داستان‌های شاهنامه نمود دارد. در این جستار برآنیم تا با استخراج مهمترین تعارض‌ها و مدیریت آنها در داستان رستم و اسفندیار، دید فردوسی را در چگونگی حل این تعارضات، با اصول مدیریتی تبیین کنیم.

واژگان کلیدی: مدیریت تعارض، تضادّ، فردوسی، شاهنامه، داستان رستم و اسفندیار

[۱]. کارشنارسی ارشد زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه: sanaz.taghipour56@gmail.com

«تناسب و همانندی‌های «موی» در دیوان حافظ و سنایی»

فاطمه‌زهرا توانچه[۱]

سیدجواد مرتضایی[۲]

چکیده

تناسب از جملهٔ آرایه‌های مهمی است که در کتاب‌های بلاغت فارسی بدان اشاره شده است. هدف از انتخاب موضوع تناسب اثبات ارتباط نظام‌مند بلاغی میان اجزاء شعر است که عناصر لفظی و معنوی دیگر را در درون خود می‌کشاند و این همگرایی همان چیزی است که برخی بلاغیون آن را اعجاز شمرده‌اند. فرضیهٔ این پژوهش ناکافی بودن تعریف‌های ارایه شده در تساوی مراعات نظیر و تناسب، همچنین خاصیت گسترش پذیری در ابعاد قلمرو تناسب است. پس از آن به نشان دادن و مقایسهٔ کارایی این صنعت با تکیه بریکی از قلمروهای تناسب یعنی همانندی در دیوان سنایی و حافظ، *در تصویرسازی یکی از پربسامدترین اندام به کاررفته در شعر یعنی «موی» می‌پردازیم. روش تحقیق کتاب‌خانه‌ای،تطبیقی و موردی به همراه توصیف و تحلیل است.* درپایان با مرور تناسب و کاربرد آن در دیوان شعر حافظ و سنایی نتیجه می‌گیریم که مراعات نظیر بخشی مهم از تناسب است و تناسب در شعر می‌تواند از درون واژه آغاز شود و محورهای افقی و عمودی شعر را پوشش دهد. این ارتباط در حالت گسترده ای بیانگر هماهنگی‌های لفظی، معنایی، بصری ومضمونی است؛ به گونه ای که مبنای تفسیر اثری را می‌توان بر اساس تناسب قرار داد. در تناسباتی که در همانندسازی تصویری «موی» در دیوان حافظ و سنایی دیده می‌شود، برخی مشترک و برخی خاص هر یک از این دو است. در شعر هر دو شاعر پیوند آرایهٔ تناسب با آرایه‌هایی چون تشبیه مقلوب و متضاد، ایهام تناسب، استعاره، تلمیح، تضاد، مراعات النظیر، واج‌آرایی،استخدام و دیگر آرایه‌ها دیده می‌شود و بدینسان فرصت‌هایی برای همسایگی و پیوند تناسب و دیگر آرایه‌ها برای ایجاد تصویر شاعرانهٔ «موی» پدید آورده است.

کلید واژه: تناسب، قلمرو تناسب، همانندی، موی، دیوان حافظ، دیوان سنایی.

---

[۱]. دانشجوی دورهٔ دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد؛ رایانامه: f.tavanche@yahoo.com

[۲]. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد

بررسی طنز و شگردهای آن در آثار اکبر اکسیر

مریم توکلی[۱]
حمید رضایی[۲]

چکیده

چگونگی کاربرد شیوه ها و شگردهای طنز از عوامل مهم و تأثیرگذار در آفرینش شعر طنز به حساب می آید. هدف از این مقاله، بررسی کاربرد شگردهای طنز در اشعار فرانویی اکبر اکسیر و به دست آوردن شگردهای نوینی است که اکسیر در شعر فرانو به کار برده است. از جمله شگردهای به کار رفته، سمبل، تناقض، قیاس نابجا، بیان غیرمستقیم، حشو، تشبیه، استفاده از ضرب المثل ها و ... می باشد و از جمله شیوه های جدید طنز که در شعر فرانو به چشم می خورد، نوشتن جمله های فارسی با حروف انگلیسی، دست آویز قرار دادن آرایه ها برای رسیدن به طنز (استفاده از آرایه ها و صناعات طنزپرداز) و بیان طنز با هشدار می باشد که به روش تحلیلی و توصیفی، در مجموعه شعرهای، *بفرمایید بنشینید صندلی عزیز*، *زنبورهای عسل دیابت گرفته‌اند*، *پسته لال سکوت دندان شکن است*، *ملخ‌های حاصلخیز و مالاریا* به آن ها پرداخته شده است، که این آثار در فرم ساختار و بیان مشترکند، اما در سوژه، محتوا و شگردهای رسیدن به طنز متفاوتند. از ویژگی اصلی فرانو کوتاهی، سادگی بیان، طنز نهان و سوژه‌های انسانی است.

کلید واژه: ادبیات معاصر، شگردهای طنز آفرینی ،طنز، فرانو، اکبر اکسیر

[۱] کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه: maaryaam_t@yahoo.com
[۲] دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور

بررسی طنز در شعر فرخی‌یزدی

احمد ثاقب‌فر[۱]

چکیده

طنز که به عنوان یک نوع ادبی و گاهی نیز به منزلهٔ یک صنعت ادبی در ادبیات به کار رفته است، دربیشتر آثار نظم و نثر ادب پارسی موجود است. درواقع بسیاری از شاعران و نویسندگان خودرا در مقابل جامعه و مردم متعهد و مسئول دانسته و اغلب سعی داشتند به نوعی عوامل حکومتی و پادشاهان ستم‌گر و گمراه را به راه راست و رعایت حقوق مردم فراخوانند. هم‌چنین این افراد صاحب‌قلم گاهی اوقات برای مقابله با نابسامانی‌ها و نابرابری‌ها و کج‌روی‌های اجتماع وجامعه پیش‌قدم می‌شدند و برای این‌که جامعه را اصلاح کنند و از خطرات ناشی از زندان و غل و زنجیر وشکنجهٔ حاکمان ظالم و ستم‌گر در امان بمانند زبان طنز را برمی‌گزیدند. فرخی‌یزدی هم یکی از بزرگان دورهٔ مشروطیت است که برای رسیدن به هدف خود که آزادی و اصلاح جامعهٔ فاسد زمان خود است گاهی از طنز استفاده می‌کند.دراین مقاله کوشش شده است که مسائل اساسی مورد طنز و شخصیت‌های اصلی را که مورد طنز و انتقاد واقع شده‌اند را در شعر فرخی‌یزدی مورد بررسی قرار داده شود.

کلیدواژگان:فرخی‌یزدی،طنز،جامعه،انتقاد،دوره مشروطیت.

[۱]کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه :saghebfarAhmad@yahoo.com

بررسی جامعه شناسی سیاسی"بخارای من ایل من" و "اگرقره قاج نبود" محمد بهمن-بیگی

احمد ثا قب فر[۱]

چکیده

اغلب آثار ادبی، از یک دیدگاه زادهٔ تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی هستند و هنرمندان و نویسندگان و شاعران، اوضاع سیاسی، فرهنگی و اجتماعی روزگار خود را منعکس می‌کنند. شاعر یا نویسندهٔ متعهد به عنوان عضوی از جامعه، آن‌چه را از تجربه‌ها و زندگی خویش اندوخته، بر قلم جاری می‌سازد و مسائل زمان خویش را به نوعی منعکس می‌کند. محمد بهمن‌بیگی یکی از نویسندگان معاصر با پدید آوردن چند اثر ادبی علاوه بر به تصویر کشیدن یک زندگی ایلی و عشایری، تا حدود زیادی مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زمان خویش را در داستان‌هایش برای خوانندگانش روشن می‌سازد. در این پژوهش کوشش شده است تا با جامعه شناسی سیاسی دو اثر "بخارای من ایل من" و " اگرقره قاج نبود" محمد بهمن‌بیگی اوضاع سیاسی و واقعیات سیاسی عصر نویسنده بیشتر مشخص شود

واژگان کلیدی: جامعه شناسی، ادبیات، سیاست، جامعه، بهمن بیگی.

[۱]کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه: saghebfarAhmad@yahoo.com

هنجارگریزی در داستان روز و شب محمود دولت‌آبادی

سیدناصر جابری[۱]
اسماعیل ذاکری[۲]

چکیده:

یکی از مکاتب نقد آثار ادبی که زادهٔ علم زبان‌شناسی است، مکتب فرمالیست است. این مکتب ادبی به فرم و شکل اثر توجه دارد. «جفری‌لیچ» زبان‌شناس انگلیسی و پیرو این مکتب معتقد است خالق اثر هنری و ادبی، زبان خودکار اثر خود را با هنجارگریزی و قاعده‌افزایی برجسته می‌کند. این هنجارگریزی می‌تواند با هشت شکل، خود را نمایان سازد ازجمله: قاعده‌کاهی واژگانی، سبکی، معنایی، نحوی، زمانی، گویشی، آوایی و نوشتاری. در این پژوهش، داستان «روز و شب یوسف» از نویسندهٔ صاحب سبک معاصر«محمود دولت آبادی»بر اساس مبانی نظری لیچ بررسی می‌شود تا بدین طریق میزان، چگونگی و هدف نویسنده از این هنجارشکنی‌ها مشخص گردد.برای رسیدن به جواب این پرسش با بررسی داده‌ها،انواع هنجارگریزی در این داستان مشخص می‌شود.نتیجهٔاین پژوهش بیانگر آن است که دولت‌آبادی از میان گونه‌های قاعده‌کاهی، از هنجارگریزی نحوی و معنایی بیشتر استفاده کرده‌است. هدف بهره‌جویی وی از این دو گونه هنجارگریزی؛ ایجاد سرعت در خوانش و سرعت در انتقال معنا است. بهره‌گیری او از هنجارگریزی معنایی؛ به ویژه در تشبیهات نو و کاربرد چندین کنایه برای یک مفهوم، قابل توجه است. استفاده از شخصیت‌های نمادین در داستان، برای بازگو کردن ویژگی‌های جامعهٔ انسان‌های متوسط سال‌های پنجاه شمسی کشورمان می‌باشد.

کلید واژه: فرمالیست، برجسته‌سازی، هنجارگریزی، روز و شب یوسف دولت‌آبادی

[۱]استادیاردانشگاه خلیج فارس
[۲]دانشجوی ارشد دانشگاه خلیج فارس؛ رایانامه: nazaninsmail@gmail.ir

دستاوردهای نوین الکترونیکی و ابزارهای درون متنی در پژوهشهای ادبی

محمد ابراهیم جاذب نیکو[۱]

چکیده:

بخش عظیمی از دستاورد های نوین در حوزه ی زبان و ادبیات فارسی مربوط به ابزارهای تحقیق و جستجو در متون الکترونیکی است که پژوهشگر را در راستای تحقیق و رسیدن به نتایج بهتر رهنمون خواهد بود . این ابزارهای نوین به طور معمول در بسترهای الکترونیک و فضای مجازی در پنجره های ویژه ای تعریف شده اند که به محقق قدرت جستجو ، متن یابی ، عروض یابی ، لغت یابی ، معنای لغت ، بسامد سنجی و کتابشناسی را خَواهند داد . در حوزۀ زبان و ادبیات فارسی علاوه بر نرم افزارهای ادبی ، پایگاههای مجازی متعددی ایجاد شده که محققان و پژوهشگران از اطلاعات فناوری شده در آنها بهره برداری می کنند . اطلاعات فناوری شده ی ادبی در بسترهای مختلف الکترونیکی به صورت نرم افزار ادبی در لوح فشرده،نرم افزار ادبی در پایگاه اطلاع رسانی ،کتاب الکترونیک ،کتابخانه ی الکترونیک و بانک اطلاعات اینترنتی ، پردازش و ذخیره سازی می شوند که هریک از این منابع مزایای خاص خود را دارند اما همه ی انها زمانی کارامد هستند که برای محقق امکان و ابزار تحقیق درون متنی را فراهم اورند و تنها به منزله ی یک منبع اطلاعاتی نباشند . اگر بسترهای الکترونیک مجهز به ابزارهای درون متنی باشد و تولیدکنندگان محتوای الکترونیکی بتوانند صفحات کاربری خود را به امکانات تحقیق و پژوهش مجهز کنند ، علاقمندان به پژوهش در حوزه ی زبان و ادب فارسی قادر خواهند بود به جزییات بیشتری از یک موضوع ادبی دست پیدا کنند .در این صورت است که بهره وری از منابع الکترونیکی موجب رعایت اقتصاد زمان برای محقق و پژوهشگر می شود و با صرف کمترین زمان تحت اختیار می توان به دستاوردهای بزرگی در حوزه زبان و ادبیات فارسی دست پیدا کرد که در این مقاله ی میان رشته ای با توجه به هر دو تخصص الکترونیک و ادبیات به معرفی و اسیب شناسی برخی از انها می پردازیم .

کلید واژه:پژوهش ادبی – نرم افزار ادبی – نشر و ترویج – اطلاعات ادبی – فناوری اطلاعات – زبان و ادبیات فارسی

[۱]. استادیار دانشگاه فرهنگیان؛ رایانامه:jazebnikoo20@gmail.com

فضای مجازی فرصتی برای شاعران جوان و نشر ادبیات معاصر

محمد ابراهیم جاذب نیکو[۱]
حوریه شریف تبار[۲]

چکیده

در فضای مجازی شبکه های ادبی متعددی ، برای نشر اثار ادبی و معرفی شاعران معاصر فعالیت می کنندو این موضوع همواره در جوامع ادبی مورد چالش قرار گرفته است که ایا می توانیم نشر در فضای مجازی را فرصت بدانیم یا تهدیدی برای منابع مکتوب به شمار می رود ؟در بسیاری از شبکه های ادبی که به صورت بسترهای الکترونیکی فعالیت می کنند، قابلیتهای ذخیره سازی ، ویرایش ، جستجوی درون متنی و بایگانی مجازی وجود دارد که می تواند بستر مناسبی برای شاعران معاصر باشد تا اثار خود را به انتشار مجازی رسانده و از انجا تبدیل به منابع مکتوب نمایند .یکی از رسالتهای شبکه های ادبی در فضای مجازی گسترش زبان و ادبیات فارسی و حمایت از شاعران معاصر ، ارتقای سطح علمی انها و معرفی این استعدادهای ادبی، به جامعه ی ادبی کشور است. در حقیقت شبکه های ادبی فرصت انتشار اولیه برای شاعران نوپا را محقق می کنند و احساس خود باوری در انها را تقویت نموده،و امکان تشریک مساعی با بزرگان و صاحب نظران حوزه های ادبی را فراهم می کنند. در این مقاله به این موضوع می پردازیم که نشر نظام مند در فضای مجازی و استفاده از امکانات و بسترهای الکترونیکی نه تنها تهدیدی برای منابع مکتوب نیست بلکه می تواند فرصتی برای معرفی منابع مکتوب و اثار ادبی معاصر و تشویق شاعران جوان برای نشر اثار خود به صورت مکتوب باشد به گونه ای که این فعالیت هدفمند موجب تقویت نشریات و ترویج زبان و ادبیات فارسی در گستره ی وسیعی از ادب دوستان و علاقمندان در این حوزه خواهد شد. البته ارائه ی راهکارهای مناسب و عملی برای کاربرد بهینه از امکانات نوین و شبکه های ادبی بدون اسیب شناسی، رفع نواقص و تقویت پشتوانه های علمی امکان پذیر نخواهد بود . در این مقاله ی بین رشته ای از دو دیدگاه ادبی و فنی به موضوع نشر با اشتراک گذاری اثار ادبی در فضای مجازی نگریسته شده است .

واژگان کلیدی : شعر معاصر- فضای مجازی - اشتراک گذاری شعر- شبکه های ادبی - زبان و ادبیات فارسی

[۱] استادیار دانشگاه فرهنگیان؛ رایانامه:jazebnikoo20@gmail.com.
[۲] .کارشناس ارشد دانشگاه پیام نور گیلان

تحلیل روانشناختی اشعار سلمان ساوجی بر اساس کهن‌الگوهای نقاب، سایه و خود

علی جان محمدی[۱]
عفت نقابی[۲]
طاهره ایشانی[۳]

چکیده

در روزگار معاصر، در بسیاری از پژوهش‌های ادبی، به ارتباطِ تنگاتنگِ ادبیات و روانشناسی توجه شده است. یکی از شخصیّت‌های برجسته‌ای که به ارتباط و تأثیر متقابل این دو علم پرداخته، کارل یونگ (۱۸۷۵- ۱۹۶۱ م) است. از موضوعاتِ مورد توجهٔ این روانشناسِ سوئیسی، مسألهٔ «ناخودآگاه جمعی» است. از دیدگاه یونگ، ناخودآگاه جمعی، منبع تجربیات باستانی است و این تجربیات به وسیلهٔ کهن-الگوها آشکار می‌شوند. نقاب / پرسونا، سایه و خود، مهمترین کهن‌الگوهایی است که یونگ از آنها نام برده است و بر این باور است که کهن‌الگوها در شکل‌گیری و تکامل شخصیّت افراد بسیار مؤثّرند. از سوی دیگر، آثار ادبی از جمله تجلی‌گاه‌های آنها محسوب می‌شوند و، در واقع، این کهن‌الگوها وجه مشترک همهٔ انسان‌ها، به ویژه شاعران، به شمار می‌آیند و در شعر نمود عینی‌تر دارند. سلمان ساوجی، از شاعران قرن هشتم است که می‌توان نشانه‌هایی از کهن‌الگوهای نقاب، سایه و خود را در اشعارش مشاهده کرد. این جستار می‌کوشد تا، با روش توصیفی-تحلیلی، به‌کارگیریِ کهن‌الگوهای نقاب، سایه و خود را در اشعار سلمان ساوجی روشن نماید. سؤال تحقیق حاضر، این است که سلمان ساوجی، این کهن‌الگوها را چگونه و با چه طیفی از شخصیّت‌ها و موضوعات بیان کرده است. برآیندِ تحقیق حاکی از آن است که سلمان نقاب-هایی مانند زهد و زاهد، عقل، صوفی و سلمان (خود شاعر) و سایه‌هایی نظیر حسادت، پشیمانی، اضطراب، گناه، عصیان، خطا، جرم، هوس، لهو و لعب، توبه و زهدِ ریایی و کبر را در اشعارش بیان نموده و کهن-الگوی خود را در شخصیّت «رند» و «سلمان (منِ شاعر)» نمایان ساخته است.

کلیدواژه‌ها: شعر فارسی، سلمان ساوجی، کهن‌الگو، نقاب، سایه، خود

---

[۱] کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه: ali.janmohammadi71@gmail.com
[۲] دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی
[۳] استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تحلیلِ انسجامِ درون‌مایه در عناصرِ داستان کوتاه «همراه آهنگ‌های بابام» نوشتهٔ علی-اشرف درویشیان

علی جان‌محمدی[۱]

چکیده

پس از مشروطه، ادبیاتی در ایران شکل گرفت که به «ادبیات داستانی» موسوم است. این نوع از ادبیات، خصلت ساختگی و ابداعی‌اش بر ابعاد تاریخی و واقعی‌اش غلبه دارد و محصول تخیلات و اندیشه‌ها و الهامات نویسندگان است. از داستان‌نویسانِ دوران معاصر که رمان‌ها و داستان‌های کوتاهش بر ادبیات داستانی تأثیر به‌سزا داشته و دغدغه‌اش فقر و تنگدستی و اقشار فرودست و گمنام جامعه بوده، علی اشرف درویشیان است. این جستار می‌کوشد تا با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، به بررسی عناصر داستانی در یکی از داستان‌های کوتاه مشهورِ درویشیان، به نامِ «همراه آهنگ‌های بابام» بپردازد. هدف تحقیق حاضر، بیان این مطلب است که آیا درویشیان در این داستان صرفاً به تکنیک (عناصر داستان) اهمیت داده یا اینکه به سازگاری و همراهیِ موضوع و درون مایه و بافتِ محتوایی اثر (فقر و فقرزدگی) با تکنیک نیز توجه داشته است؟ برآیند تحقیق، حاکی از آن است که درویشیان، در هر یک عناصر داستانی، تدبّر و تعمّق محسوسی داشته، زیرا توانسته است که هر عنصر داستانی را متناسب با حال و هوا و محیط و درون‌مایهٔ داستان طراحی کند و، بدین صورت، بر صمیمیّت و تأثیرگذاری داستانِ خود بیافزاید.

کلیدواژه: ادبیات داستانی، داستان کوتاه، عناصر داستان، درویشیان، فقر.

[۱] کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه: ali.janmohammadi71@gmail.com

پروین اعتصامی شاعر جامعهٔ ایرانی

بایش جبار زیاره[۱]

چکیده:

شاعر پروین اعتصامی یک نمونه ی از شعرای معاصر ایرانی که بر شعر کلاسیک ایرانی حفاظت کرده بود با همین گونه ی که در آن شعرای کلاسیک فارسی نوشته بودند با اخذ به حوادث عبرت انگیز آن روزگاری که در آن زندگی نموده بود . وی به ادبیات اسلام مؤدب بوده است و او در همه عمرش حریص بر همه تعالیم الهی بود . وی دیوان کلی دارد که مضامین زیبا در بر گرفته است وبیشتر موضوعات خویش به حکمت امیز و داستان سرا ووصف طبیعت و حوادث عصر خویش بود اشعار خویش عالی وجذاب بود که بر معانی ژرف دلات دارد.

کلید واژه: پروین، شاعر زن، جامعهٔ ایرانی

[۱] استادیار دانشگاه بغداد

مشایخ فارس در تذکره ها و طبقات رجال صوفیّه
(بررسی جایگاه تصوّف فارس در تاریخ تصوّف و عرفان اسلامی)

سمیه جبارپور[۱]

چکیده

تذکره ها و طبقات رجال صوفیه، در مطالعات مربوط به حوزهٔ تاریخ عرفان و تصوّف اسلامی، بسیار به کار می آیند و برای دستیابی به شناخت تصوّف مناطق مختلف ایران، از قدیم ترین روزگاران پیدایش آن، بهترین منبع می توانند تلقّی شوند. در تحقیقات معاصر، به دلیل سیطرهٔ دو مکتب بزرگ بغداد و خراسان در تاریخ عرفان و تصوّف اسلامی، تا قبل از تصوّف ابن عربی، همواره تعالیم صوفیانهٔ این دو مکتب و مشایخ بزرگ ایشان مطمح نظر بوده است. در حالیکه، به خصوص در ایران، گذشته از منطقهٔ خراسان، در مناطق دیگری هم تصوّف و اندیشه های صوفیانه با مختصات بومی و منطقه ای و صوفیانی بزرگ و صاحبنظر در حوزهٔ آموزه های عرفانی وجود داشته است. در جستار حاضر، تصوّف فارس و مشایخ آنجا مورد بررسیقرار گرفته است. تصوّف فارس با ویژگی های صوفیانه ای که برآمده از خصوصیات محلی آن منطقه بوده، صوفیان زیادی را در دامان خود پرورده است، اما جز چند تن معدود، نامی از ایشان در کتاب های رجال صوفیه دیده نمی شود. برای دانستن این موضوع که تعالیم تصوّف فارس، با وجود جریان داشتن دو مکتب پرآوازهٔ بغداد و خراسان، تا چه میزان شناخته شده بود و اقوال مشایخ آنجا تا چه حدّ در مباحث عرفان و تصوّف اسلامی مقبولیت داشته است، چگونگی و میزان یادکرد مشایخ فارس را در طبقات رجال صوفیه یا متونی که ملاقات هایی از ایشان را با مشایخ بغداد و خراسان ثبت کرده اند، مورد بررسی قرار داده ایم. هم چنین، در نوشتار حاضر، تقلای مشایخ فارس– که در کلیات تصوّف پیرو مکتب بغداد بودند – جهت تأیید جایگاه عرفانی ایشان از سوی مشایخ بغداد مورد بررسی قرار گرفته شده است.

واژگان کلیدی: مشایخ فارس، طبقات رجال صوفیه، مشایخ بغداد، مشایخ خراسان، تاریخ تصوّف و عرفان اسلامی.

---

[۱] دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی (گرایش عرفانی) ؛ دانشگاه اورمیه؛ رایانامه: somaye.jabarpour@gmail.com

تأثیر اقلیم فارس بر جهان‌نگری سعدی

نجم‌الدین جبّاری[۱]

چکیده

سعدی شاعر و نویسنده‌ای است که آوازه‌اش جهان را در نوردیده است. گلستان او -که کتاب درسی در بسیاری از حوزه‌های دینی بود- نخستین اثری هم بود که به انگلیسی ترجمه شد. مقبولیّت سریع گلستان در اروپا، نشانگر این است که گفته‌های سعدی فرازمانی و فرامکانی هستند که تأثیرپذیری نامدارانی چون لافونتن، ولتر و آراگون مویّد آن است. بدون شک محیط جغرافیا تأثیری فراوان بر شکل‌دهی به جهان‌بینی انسان دارد؛ بر این اساس، اقلیم فارس در قلب ایران، همچون چهارراهی بوده که هم کاروان‌های تجاری را در کاروانسراهایش دیده و هم اوضاع متغیّر سیاسی و اجتماعی را در اثر حکومت حاکمان ایرانی و انیرانی پذیرفته است؛ گاهی شاهد صدور فرمان‌های شاهنشاهان مقتدر به اقصای عالم و گاهی شاهد دولت‌های مستعجل بوده است. چه از بُعد سیاسی و نظامی و چه از بُعد فرهنگی، این ایالت در کانون رویدادهای ایران تا روزگار ما قرار داشته است.

موقعیّت جغرافیایی این ایالت و برخورد هر روزهٔ ساکنانش با فرهنگ‌های متنوّع و سلیقه‌های مختلف و پیروان دین‌های گونه‌گون، نقش بسزایی در تسامح مردم این ایالت و تلطیف دیدگاه‌ها و پرورش جهان‌نگری آنان داشته است؛ چنان که همین جهان‌نگری باعث شده که به جای تعصّب‌های نابجا اندیشه‌هایی در آنجا ببالد که افق‌هایش تا دوردست‌های جهان را درنوردد. این جستار برآن است که نقش جغرافیایی ایالت فارس را در شکل‌دهی به جهان‌نگری سعدی برجسته کند.

واژگان کلیدی: سعدی، جهان‌نگری، ایالت فارس، تسامح ایرانی، تنوّع فرهنگی

[۱] هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سنندج؛ رایانامه: njabari@uok.ac.ir

نگاهی به تقابل پدر و پسر در ادبیات حماسی ایران و جهان

اسداله جعفری[۱]

الهام چوبینه[۲]

چکیده

تقابل‌های خویشاوندی از بن مایه های رایج درحماسهٔ ملت‌های گوناگون است. در این میان تقابل پدر و پسر از ویژگی خاصی برخوردار است. این تقابل ممکن است منجر به شادی یا غم گردد. بررسی ها نشان می دهد اشتراکات فراوانی در ساختار کلی این نوع داستان ها در ادبیات کشورهای مختلف وجود دارد. وجود شباهت های زیاد این قبیل داستانها سووالاتی را به ذهن متبادر می کند که خاستگاه این مضمون دربین کشورهای جهان مشترک است. این گونه داستان ها معمولاً در چه نوع جوامعی اتفاق می افتد؟ خاستگاه این گونه داستان ها در چیست و چه نوع ارتباطی بین این نوع داستان ها و ازدواج های اساطیری وجود دارد؟

با نگاهی به داستان های با مضمون تقابل پدر و پسر در اساطیر کشورهای مختلف می توان به عوامل گوناگون به وجود آمدن این قبیل داستان ها پی برد. از جمله این عوامل عبارتند از: قدرت طلبی پادشاهان، انحصارطلبی پهلوانان، دوری فرزند از پدر، بزرگ شدن در جامعه مادرسالار، کتمان نام، بی تجربگی و افزون خواهی. در این پژوهش، کارکرد تقابلی پدر و پسر، به چند مورد از این تقابل ها در ادبیات کشورهای مختلف پرداخته است که بعضی از آنها تراژیک و بعضی منجر به شادی می گردد.

واژگان کلیدی: ادبیات حماسی، اسطوره، تقابل، پدرو پسر، نامپوشی، آیین ازدواج.

[۱]-استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور as_ jafari@pnu.ac.ir

[۲]-دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور echoobine@yahoo.com

نگاهی به دیوان رسالت در تاریخ بیهقی

اسداله جعفری[۱]

الهام چوبینه[۲]

چکیده

دیوان رسالت از تشکیلات مهم دربار غزنویان بوده است. این نهاد متشکل از یک رئیس با عنوان صاحب دیوان و چند تن کارمند در نقش دبیر بوده است. پژوهش حاضر بر آن است تا بر اساس متن تاریخ بیهقی به بررسی این اصطلاح دیوانی و جایگاه آن در دستگاه حکومت غزنویان بپردازد. بدین ترتیب که ابتدا با بررسی اصطلاح دیوان رسالت (رسایل)، کوشیده‌ایم نحوهٔ حضور این اصطلاح در تاریخ بیهق و دامنه نفوذ اصحاب این دیوان در دستگاه حکومت غزنویان نشان دهیم. در بخش دیگر تحقیق شرایط و خصوصیات اصلی دبیرهای شاغل در دیوان رسالت را برشمرده‌ایم و نشان داده‌ایم که این دیوان از وزارتخانه‌های بسیار حساس دستگاه غزنویان بوده است به گونه‌ای که پس از منصب وزیر، صاحب دیوان دومین منصب اصلی نزدیک به سلطان است که در همه زمانها و مکانها با امیر بوده است. دیوان رسائل در قرنهای سوم و چهارم چندان اهمیتی یافت که تقریبا همه کسانی که به ریاست این دیوان می‌رسیدند مشاور سلطان به شمار می آمده اند.

واژگان کلیدی: دیوان رسالت، صاحب‌دیوان، تاریخ بیهقی، عصر غزنوی، دبیر.

[۱]-استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور as_ jafari@pnu.ac.ir

[۲]-دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور echoobine@yahoo.com

تعیین تراز ادبی عناصر بیان

صادق جقتایی[۱]
امین یعقوبی[۲]
مجید دادفر[۳]

چکیده:

این پژوهش بر این باور است که همهٔ عواملی که باعث انحراف زبان متن ادبی از زبان خودکار می‌شوند، قابل بررسی و توصیف‌اند. این انحراف از زبان خودکار باعث برجسته‌سازی، آشنایی زدایی و مکث در روانی گفتار و در نتیجه ادبی شدن کلام می شود. بنابراین - به پیروی از فرمالیست‌ها- ادبیت متن را امری مادی و محسوس می‌داند که قابل بررسی و توصیف است.

در این پژوهش، معیارتراز بندی عناصر بیانی، بسامدِ وقوعِ این عناصر در زبان خودکار است. به این ترتیب که هر عنصر بیانی که بسامد وقوعش در زبان خودکار کمتر باشد- بر اساس این دیدگاه- بیشتر می‌تواند باعث برجسته‌سازی در حوزهٔ زبان بشود؛ در نتیجه انحراف بیشتری در زبان خودکار به سوی زبان ادبی ایجاد می‌کند، بنابراین ادبی‌تر است. عکس این رابطه نیز صادق است؛ بر این اساس، هر عنصر بیانی که بسامد وقوعش در زبان خودکار بیشتر باشد، کمتر می تواندباعث برجسته سازی در حوزه ی زبان بشود و انحراف کمتری را در زبان خودکارایجاد می کند. بنابراین میزان ادبیت آن کمتر است. می‌توان گفت که میزان ادبیت یک عنصربیانی با بسامدِ وقوعش در زبان خودکار رابطهٔ معکوس دارد.

واژگان کلیدی: بیان، زبان خودکار، زبان ادبی، تراز ادبی.

[۱]استادیار دانشگاه ولایت
[۲]کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ولایت؛ رایانامه: kavehhomayon@yahoo.com
[۳]دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز

نوجوان و لذّت‌های خواندن
- با تحلیل رمان هستی اثر فرهاد حسن‌زاده با تکیه بر آرای نودلمن و رایمر-

عاطفه جمالی[۱]

معصومه بردبار[۲]

چکیده :

نوجوان امروز در روند گزینش و خوانش رمان، معیارهای متفاوتی نسبت به کودک و بزرگسال دارد. نیازهای خاص وی سبب می‌شود، تنها به سوی رمان‌هایی میل کند که ضمن خواندن آنها لذّت و شعف رهایی، هم‌ذات پنداری، خودشناسی و بسیاری از لذّت‌های ناب دیگر را تجربه کند.پری نودلمن و ماویس رایمر معتقدند: خوانندهٔ ادبیات کودک و نوجوان، متن را هم برای لذّت و هم به سبب شعفی که برمی-انگیزد، می‌خواند.به گفتهٔ آنها نویسنده و تصویرگر می‌توانند لذّت را به اشکال متنوع برای مخاطب ایجاد کنند.رمان «هستی»اثر فرهاد حسن زاده روایت خوشی‌ها و ناخوشی های نسلی است که جنگ و آوارگی را متحمّل می‌شوند. قهرمان در جریان داستان به بلوغ و هویتی تازه می‌رسد. حسن‌زاده در این رمان، با درک دنیای نوجوان و با انتخاب هوشمندانهٔ راوی نوجوان، شخصیت‌پردازی دقیق و تصویری، لحن ساده، خلق کشمکش‌ها و تعلیق‌های هیجان‌انگیز، طنز، پایان باز و ... متنی لذّت‌بخش و شعف آفرین را برای مخاطب می‌آفریند و در کنار آن به دلیل ایجاد فضایی نوستالژیک، لذّت خواندن را برای مخاطب بزرگسال نیز فراهم می‌کند.حال پرسش این است که نویسنده چگونه توانسته است نوجوان امروز را با خود همراه کند؟ واکاوی عوامل لذّت آفرین این رمان هدف اصلی این مقاله است.روش پژوهش، توصیفی و متن‌کاوی است؛ابتدا مقدماتی دربارهٔ ایجاد لذّت در مخاطب با تکیه بر نظریات پژوهشگران و نظریه پردازان ادبیات کودک ذکر می‌شود و در ادامه، عوامل لذت آفرین و شعف بخش متن داستانی، از خلال پژوهش‌های پری نودلمن و ماویس رایمر استخراج، سپس با تکیه بر رمان هستی-به عنوان نمونه-دلایل همذات‌پنداری نوجوان با اثر مشخص می‌شود.

کلید واژه ها : لذت‌های خواندن، نوجوان، رمان «هستی»

---

[۱]استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه هرمزگان

[۲]:دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی،گرایش ادبیات کودک و نوجوان؛ رایانامه:؛ darya.parsian77@yahoo.com

بررسی عوامل درون‌متنی(محتوا و مضمون) موثّر در رونق و رواج رمان عامّه‌پسند (با تکیه بر ۹ رمان پرفروش معاصر)

سیده نرجس جوادی سیاهکله[۱]

چکیده

رمان عامّه‌پسند بخشی اجتناب‌ناپذیر از ادبیات هر جامعه و مبیّن و تابع ارزش‌های فرهنگی و سلیقهٔ ادبی اکثریت مردم است. این نوع رمان، با استفاده از شگردهای مستعمل و تکراری به منظور جذب مخاطب پرشمار نوشته می‌شود و از سازه‌های محتوایی و ساختاری و ظاهری کلیشه‌ای ساده و آسان یاب پیروی می‌کند. در ایران، رونق روزافزون این آثار پس از سال‌های جنگ از حیث «فروش و تیراژ بالا» و «کثرت مخاطبان» بررسی و پژوهش در زمینهٔ شناخت این رمان‌ها و عوامل رواج آن‌ها را ضرورت می‌بخشد.در این پژوهش به روش کتاب‌خانه‌ای، شیوهٔ به کارگیری عوامل درون‌متنی و محتوایی موثّر در جذب مخاطب، در ۹ اثر از پرفروش‌ترین رمان‌های عامّه‌پسند شامل (بامداد خمار، دالان بهشت، سهم من، افسون سبز، گلی در شوره‌زار، پنجره، شب سراب، پریچهر، باغ مارشال) بررسی‌شده‌است. نتایج پایانی بهذکر الگوهای خاص و کلیشه‌های تکراری در سطوح محتوایی،مضمون غالب ملودرام عاشقانه و اهمّیت این رمان‌ها از حیث مطالعات فرهنگی اشاره می‌نماید و دلایل اقبال مخاطبان به این نوع ادبی را برمی‌شمرد.

کلید واژه‌ها: رمان عامّه‌پسند، عوامل درون‌متنی، محتوا و مضمون.

[۱] کارشناسی ارشدزبان و ادبیات فارسی

بررسی جلوه‌های کلمه «توحید» در دیوان سنایی غزنوی

مژگان جهاندار[۱]

چکیده

حکیم سنایی غزنوی از شعرای بزرگ قرن پنجم و ششم است. با تحلیل و بررسی اشعار سنایی در می‌یابیم که بیشتر آثار وی از جمله: حدیقه الحقیقه و سیرالعباد الی المعاد، در شناخت اهل معرفت و توحید و اهل شریعت است. مولانا و دیگران سخنان وی را به استشهاد در مصنفات خود آورده اند. « توحید» اساسی ترین اصل تعلیمات انبیاء برای هدایت و شناخت انسان است و شالودۀ نظام اخلاقی اسلام بر آن استوار است.اگرچه همواره موضوعات عرفانی مورد توجه محققان و پژوهشگران زبان و ادب فارسی بوده است و توحید در متون عرفانی از قدیم تاکنون به اشکال مختلف مطرح شده و در اشعار شاعران نیز بازتاب هایی داشته است، اما در آثار سنایی که بنیانگذار ادبیات منظوم عرفانی است تا آنجا که تحقیق شده، مورد بررسی قرار نگرفته است و در این زمینه کتاب یا رسالۀ مستقلی وجود ندارد.

بنا به اهمیّت مسأله توحید در متون منظوم و منثور عرفانی، این مقاله بر آن است که توحید و جلوه‌های آن را در آثار سنایی (دیوان سنایی) بررسی نموده و به این نتیجه برسد که مطابق عقیده سنایی، ذات باری تعالی قابل اشارت نیست و نمی توان درباره آن چون چرا کرد یا درباره کیفیّت آن سخن گفت.

کلیدواژه‌ها: عرفان، سنایی، توحید، جلوه‌های توحید، دیوان.

[۱] دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی شهر کرد؛ رایانامه:hamzehm661@gmail.com

پژوهشی در آموزش و ادبیات مکتب‌خانه‌ای در بلوچستان

عبدالغفور جهاندیده[۱]

چکیده

مکتب یا مکتب‌خانه، محل آموزش اطفال و علاقه‌مندان به تحصیل، بویژه قرائت قرآن، پیش از تشکیل مدارس به شیوهٔ جدید بوده است که هنوز در برخی از مکان‌ها و شهرها و روستاها رواج دارد. بلوچستان به‌عنوان سرزمینی که میان سه کشور ایران و پاکستان و افغانستان قرار دارد، به تأثیر از مکتب‌ها و مدارس سنتی هر سه کشور، در گذشته و حال برای خود شیوهٔ آموزشی ویژه‌ای داشته است. این نوع آموزش در گذشته به شکلی سازمان‌نیافته و شیوه‌ای ابتدایی بوده است تا این‌که به‌تدریج همزمان با پیشرفت امکانات تحصیلی و ایجاد مدارس جدید، امروزه مکتب در بیشتر شهرها و روستاها جای خود را به حوزه‌های علمیهٔ دینی داده است. منابع درسی مکتب‌های بلوچستان بجز قرآن، بیشتر به زبان فارسی بوده است. در این مقاله بر آن هستیم که شیوه‌های مکتب‌داری و قواعد تعلیم و تعلم و منابع آموزشی مکتب‌ها را از گذشته تا حال در بلوچستان، بررسی کنیم.

واژه‌های کلیدی: مکتب، مکتب‌خانه، مکتب‌داری در بلوچستان، منابع درسی مکتب‌خانه

[۱] استاد دانشگاه دریانوردی و علوم دریایی چابهار

بررسی سبک‌شناسانه نوشتار زنانه رمان‌های غزاله علیزاده در دو رمان «خانه ادریسی‌ها» و «شب‌های تهران»

محمد تقّی جهانی[۱]
مهناز حاتمی[۲]

چکیده

به دنبال جنبش زنان برای دستیابی به حقوق برابر با مردان بررسی «نوشتار زنانه» به عنوان شاخه‌ای از نقد فمینیستی در اواسط قرن بیستم، شکل گرفت. نوشتار زنانه، نظری است بر پایه‌ی این اعتقاد که زنان و مردان در مقایسه با یکدیگر، حالات و خلقیّات متفاوتی دارند و بر این اساس می‌توان تفاوت‌های نوشتاری این دو جنس را بررسی کرد. رمان از جمله قالب‌های متنوع ادبی است که زنان را در به تصویر کشیدن واقعیت‌های ملموس جامعه یاری داده است. رمان علاوه بر جذابیت متن، میدان مناسبی برای معرفی جهان‌بینی نویسنده آن است بنابراین با بررسی دقیق خصوصیات و ویژگی‌های سبکی و زبانی و جهان‌بینی خاص نویسنده و شیوه تفکر او می‌توان به عوامل تأثیرگذار بر اندیشه نویسنده، وجه شباهت‌ها و تفاوت‌ها را با آثار دیگر رمان‌نویسان بررسی کرد. غزاله علیزاده از نویسندگان نسل سوم ایران است که در داستان‌ها و رمان‌های خود مشکلات زنان ایران را به نوعی به تصویر کشیده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در آثار این نویسنده در سطوح مختلف متن (واژگان، جملات و سطح گفتمان) دیدگاه و سبک زنانه نمود یافته است و در این آثار ویژگی‌هایی چون ساده‌نویسی، جزئی‌نگری، رؤیانگری ،جملات ناتمام، جملات معترضه و دعایی ، صورت‌های مبهم و غیرصریح زبان و... مشاهده می‌شود. ما در این پژوهش برآنیم که با بررسی رمان‌های علیزاده به شاخصه‌های اصلی زبانی و فکری او در آثارش پی ببریم و با دسته‌بندی این شاخصه‌ها به تفاوت‌های نوشتاری او با سایر رمان‌نویسان دست پیدا کنیم.

کلیدواژه: سبک‌شناسی، نوشتار زنانه، غزاله علیزاده، خانه ادریسی‌ها، شب‌های تهران.

[۱] عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ایلام؛ رایانامه: mtjahani@gmail.com-
[۲] دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیّات فارسی دانشگاه ایلام

بررسی نقش وتاثیر میر سید علی همدانی بر توسعه فرهنگ ایرانیدر ایران صغیر(کشمیر)

علی جیحونیان[۱]

بدریه برازنده[۲]

چکیده

هدف از پژوهش حاضر تبیین نقش میر سید علی همدانی بر توسعه ی فرهنگ ایرانی در کشمیر (ایران صغیر) بوده که در حوزه انتقال زبان و ادبیات فارسی بررسی شده است. این پژوهش از نوع تحلیل محتوای کیفی استقرایی می باشد. حوزه ی پژوهش این تحقیق در مجموع ۲ کتاب فارسی، ۳ کتاب انگلیسی، ۱۸ مقاله ی فارسی و ۸ مقاله به زبان انگلیسی بوده است که از بین کتب و مقالات موجود با موضوع تاثیرات میر سید علی همدانی در تحولات کشمیر انتخاب شد. در خصوص نقش میر سید علی همدانی در حوزه ی انتقال زبان و ادبیات فارسی پنج مضمون رواج زبان فارسی، ساخت کتابخانه، ساخت مدارس و خانقاه ها، ترویج اسلام به زبان فارسی و انتقال فرهنگی از طریق ترجمه استخراج و نقش میر سید علی همدانی در این حوزه نیز مثبت و برجسته ارزیابی شد.

واژگان کلیدی: میر سید علی همدانی، کشمیر، فرهنگ، توسعه فرهنگی، زبان و ادبیات فارسی

[۱]دانش آموخته کارشناسی ارشد مدیریت امورفرهنگی؛ رایانامه: ali.jeyhoonian@gmail.com
[۲]دانش آموخته کارشناسی ارشد برنامه ریزی امورفرهنگی

سازوکار شروع در داستان کوتاه فارسی
مطالعه موردی: شروع با کشمکش

رضا چراغی[۱]

فریده‌السادات نوربخش رضایی[۲]

چکیده

شروع تأثیرگذار داستان، از توانمندی‌های نویسندگان به شمار می‌آید و اهمیت آن در داستان کوتاه بیشتر است. با توجه به حجم داستان کوتاه، نویسنده باید در فرصتی محدود، روایت را با تأثیرگذارترین شکل آغاز کند. جملات یا چند بند نخستین، تعیین‌کنندهٔ مواجهه داستان با جهان و مواجهه مخاطب با داستان است، که در جریان آن نوع برخورد مخاطب با متن، افق انتظارات او و نیز میزان همدلی‌اش با داستان تا حد زیادی تعیین می‌شود. سازوکارهای مختلفی برای شروع داستان کوتاه وجود دارد که یکی از آنها «شروع با کشمکش» است. این نوع شروع، باعث ایجاد ناپایداری و هیجان در آغاز داستان می‌شود و تا رسیدن روایت به حالتی از پایداری مخاطب را در تعلیق و انتظار نگاه می‌دارد.

این پژوهش پس از ارائه تعریف داستان کوتاه، تعیین واحد شروع و تبیین اهمیت بخش آغازین داستان، شگرد شروع با کشمکش را معرفی می‌نماید. در ادامه این نوع از شروع در داستان‌هایی از گلی ترقی، فرشته باقری، جلال آل‌احمد، بهرام صادقی، حسین سناپور و صادق هدایت بررسی می‌شود. در این بررسی به چند عامل اساسی توجه شده است؛ از جمله ارتباط کشمکش آغازین با بحران بیرونی و درونی شخصیت‌ها، ایجاد تعلیق و انتظار، ارتباط شروع با میانه و پایان داستان، ارتباط شروع و زاویه دید، و... . در نهایت داستان‌ها از این منظر مقایسه و آسیب‌شناسی شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: داستان کوتاه، شروع، کشمکش، عناصر داستان، آسیب شناسی.

[۱] استادیاردانشگاه گیلان؛ رایانامه: rcheraghi_54@yahoo.com

[۲] کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

جنبه های زنانه نویسی در شعر فروغ فرخزاد

زینب چراغی[۱]
شعله عبدالعلی‌پور[۲]

چکیده

توجه به زنانه‌نویسی در پژوهش‌های زبان‌شناختی پیرامون عوامل اجتماعی مؤثربر زبان،قابل بحث است که در آن متغیّر «جنسیت» به عنوان یک عامل مؤثر بر زبان معرفی می‌شود. این مسئلهنخستین بار از سوی فمنیست‌های موج دوم مطرح شد،اعتراضات آنان باعث شد، زبان‌شناسان اختلافات زبانی زنان و مردان را در آثارشان بررسی کنند؛ در نتیجه به مقولهٔ جنسیت که بی‌اهمیّت مانده بود، توجه ویژه‌ای نشان داده شد. براساس نظریهٔ جنسیت، برخی منتقدان از زبان و جنبه‌های زنانه در ادبیات زنان سخن گفته‌اند و معتقدند که بر مبنای آن زنان، زبان و ادبیاتی متمایز از زبان و ادبیات مردان دارند که می‌توان از آن به اصطلاح «زنانه-نویسی» یاد کرد. البته این امر قابل تعمیم نیست ولی در مواردی زنانه‌نویسی در آثار زنان دیده می‌شود. در این مقاله با هدف بررسی و بحث دربارهٔ زنانه‌نویسی، دیوان اشعار فروغ فرخزاد، شاعر برجستهٔ ادبیات معاصر بررسی شده است؛ بررسی نشان می‌دهد، فرخزاد از برجسته‌ترین شاعران معاصر است که زنانه‌نویسی در اشعارش کاملاً آشکار است، مخصوصاً در دورهٔ اول شاعری، او به هرچیز با نگاه یک زن می‌نگرد و شعرش سرشار از زنانگی است، در دورهٔ دوم شاعری، علاوه بر زبان زنانه با دیدگاه یک انسان اندیشمند و شاعر متعهد اجتماعی شعر می‌گوید اما به طور کل جنسیت بر اندیشهٔ او تأثیر بسزایی گذاشته است که در انتخاب مضمون شعر، واژگان و ترکیبات،صورخیال و لحن گفتاربیان قابل مشاهده است.

کلیدواژه‌ها: زنانه‌نویسی، جنسیت، فمنیست،فروغ فرخزاد.

[۱]دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه؛ رایانامه: cheraghi_61@yahoo.com
[۲]دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه

بازتاب موسیقی و سازهای آن در دیوان خاقانی

فاطمه چنانی[۱]
حمیلا چرنگ[۲]

چکیده

خاقانی از شگردهای موسیقیایی خاصّی برای مضمون‌آفرینی بهره برده است. وی با ذهن خلّاق خود الفاظ و کلماتی را انتخاب کرده که درموسیقی کلام او نیز بسیار مؤثراست. کوتاهی و بلندی مصراع ها، انتخاب وزن های دوری و وزن های مناسب با موضوع، توجّه به موسیقی درونی، معنوی و کناری و کاربرد ردیف های طولانی باعث تقویت و تأثیرموسیقیایی در دیوان خاقانی گردیده است. وی درجای‌جای شعرش با استفاده از نام سازهای گوناگون و بیان ویژگی‌های هر یک، آن ها را به زیبایی توصیف کرده است. استفاده از ابزار موسیقی و به کار بردن سازها بیانگر آشنایی شاعر نسبت به موسیقی و رموز آن است. خاقانی باساخت ترکیبات تازه و نو، کاربرد فراوان واج‌آرایی و نیز توجّه به انواع موسیقی درکلام، شعر پیچیده و دشوار و دیریاب خود را بسیارخوش آهنگ ساخته است. در این مقاله تلاش شده است، ضمن معرفی واژگان و اصطلاحات موسیقی، به بازتاب آنها در دیوان‌خاقانی، بپردازد.

واژه های کلیدی: خاقانی، موسیقی، شگردهای زبان، تصویرسازی

[۱]دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی،دانشگاه آزاد اسلامی،اراک، مدرس دانشگاه پیام نور شوش؛ رایانامه: fatemeh.chenani.46@gmail.com
[۲]دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عرب، دانشگاه آزاد آبادان

رد انتساب غزل مذکر به ایرانیان

محمدعلی حاج‌علیپور[۱]

فاطمه علیان [۲]

چکیده

غزل یکی از فنون ادبی است که شاعران بسیاری ازآن بهره برده اند، همانطور که از نام آن پیداست مربوط به مسائل عاشقانه می باشد، گاهی ضمیر مذکر مورد خطاب است و از یک فرد غیرمونث داد سخن داده می‌شود. در ادبیات کهن، به ویژه عصر عباسی به دلیل شرایط اجتماعی و سیاسی این نوع غزل کاربرد فراوانی داشت. مبدع آن فردی عربی بود که به دلیل تبحر و جایگاه ایرانیان متأسفانه به عجم نسبت داده شده است. نمونه هایی که در آثار بزرگان ایرانی مانند حافظ و سعدی به چشم می خورد بیشتر، حمل بر مجاز بوده و با توجه به فرهنگ غالب به دلیل دفاع از کیان بانوان بدین صورت سروده شده است.

کلیدواژه: غزل، شعر، مذکر

[۱] دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه بین‌المللی قزوین؛ رایانامه: v.2009.q@gmail.com

[۲] دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عرب دانشگاه فردوسی مشهد

بررسی ساختار کهن الگوی سفر قهرمان در داستان «هانسل و گرتل» بر اساس نظریه جوزف کمبل

منصوره حاجی هادیان[۱]

چکیده

این پژوهش با استفاده از الگوی سفر قهرمان کمبل از منظر نقد کهن الگویی به بررسی تطبیقی ساختار داستان شاه‌پریانی با منشأ آلمانی از برادران گریمورد می پردازد. این پژوهش ضمن پاسخگویی به سئوالاتی چون؛همگونی و ناهمگونی سیر مراحل الگوی یگانه سفر قهرمان در اثر با به کارگیری نقد اسطوره گرا و مبانی کهن الگویی قابل ردیابی است؟ و تا چه اندازه مدل پیشنهادی کمبل می‌تواند پاسخگوی توضیح مراحل کامل سفر قهرمان در این پژوهش باشد؟ نشان می دهد آثار پریانی بر اساس الگوی سفر قهرمان کمبل با وجود برخی شباهت ها و تفاوت ها، قابلیت بررسی تطبیقی را داراست.

واژگان کلیدی: کهن الگو، قهرمان، کمبل، داستان هانسل و گرتل

[۱] دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه هنر اصفهان، رایانامه: m.hajihady@gmail.com

نگرشی دیگر مبتنی بر پایداری به رمان کوری

بهجت السادات حجازی[۱]
ثریا ستوده بحرینی [۲]

چکیده:
ساراماگو نویسندهٔ متعهدی است که در آثارش به انتقاد از دنیای مدرن -که علی‌رغم شعارهایش، نسبت به عدالت اجتماعی بی‌تفاوت است و اکثر شهروندان را مورد استثمار مستقیم یا غیرمستقیم قرار می‌دهد- می‌پردازد. وی با الگوپذیری از شیوهٔ پست مدرن در رمان نویسی، اعتراض و انتقاد خود را نسبت به دنیای مدرن و تبعات آن بیان می کند. ساراماگو در رمان کوری به نحوی نمادین جلوه‌هایی از پایداری پسندیده، جهت دست یابی به جامعه ای روشن و پایداری ناپسند در تقابل با خردمندی و تن دادن به شرایط نامطلوب را به نمایش گذاشته است. اگرچه وی در این رمان متأثر از مارکسیست ها سیری تاریخی را نشان می‌دهد؛ ولی ایشان را به دلیل بازگشت به استبداد، پس از دست یابی به قدرت مورد انتقاد قرار می دهد. تجربیات تاریخی نشان می دهد که گاه بینایی و بصیرت اعم از ظاهری و باطنی، روشنایی اندیشه و خردمندی یک نفرکافی است تا جامعه ای را دگرگون کند. «کوری سفید» در این رمان، در بردارندهٔ چه مفهوم نمادینی است؟ این پژوهش با به کار گرفتن روش توصیفی و تحلیلی به معنا های نمادین متفاوت پایداری در رمان کوری، بارویکردی جامعه شناسانه می پردازد.

واژه های کلیدی: پایداری، ژوزه ساراماگو، کوری سفید، از خودبیگانگی.

[۱]دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر؛ رایانامه: be.hejazi@gmail.com
[۲]دانشجوی کارشناسی ارشد شهید باهنر

فراخوان آموزشی الگوهای تربیتی- اجتماعی گلستان سعدی

افشار حسابی[۱]

سارا نبی‌یی فیجانی[۲]

چکیده

سعدی با خلق گفتمان تعامل و گفت‌وگو، آداب سخن‌گویی، کنترل خشم، ارتباط مثبت با دیگران، خوش‌بینی و تساهل، خودباوری، داشتن حسّ مسؤلیت، گروه‌محوری، صبر و بردباری، برخورد به جا و مناسب، طنز و طیبت و دیگر شاخصه‌های رفتاری که می‌تواند هر معلّم و آموزنده‌ای را به تأمل، درنگ و برداشتی فراخور از آن وادارد، اثری بی‌نظیر در عرصهٔ ادب پهناور فارسی به وجود آورد، به گونه‌ای که با پارادوکس سادگی و پیچیدگی، در ارتقای سطح فکری و تربیتی فرهنگ و ادبیّات ما سهمی بسزا از آنِ خود کرد. یک تأمّل ژرف و عمیق بر آثار این معلّم اخلاق، می‌تواند ما را در برآیند این ادعا مصّرتر کند که او با الهام‌گیری از تجربیات کم‌نظیر خویش و استفاده از منابع غنی اسلامی، شاکلهٔ مهارت‌های اجتماعی را که در برقرای ارتباط با مخاطبان در جامعه موثّر است، با قلم سحّار خود به گونه‌ای پرداختی تصویرگونه کرده‌است که امروزه با قریب به اکثریت نظریه‌ها و الگوهای روانشناختی و روان‌کاوی روزِ دنیا تطابق دارد. این جستار با رویکرد بررسی سنجه‌های مهارتی که سعدی در گلستان از آن‌ها سخن رانده‌است، تدوین شده‌است. مهارت‌های اجتماعی رفتارهای هستند که آموختن آن‌ها در جهت ارتباط پرتأثیر با مخاطبان و پذیرش توسط آن‌ها، ضروری می‌باشد. کسی که دارای مهارت در ارتباط موفّق است، خود را با محیط خویش و شرایط دیگران تا حدودی وفق می‌دهد و از درگیری‌های کلان و یا بی‌مورد که ممکن است حتّی به چالش‌های دردسرساز نیز منجر شود، می‌پرهیزد.

واژگان کلیدی: الگوهای تربیتی- اجتماعی، گفتمان تعامل، گلستان سعدی،

---

[۱]- دانشجوی دکتری زبان و ادبیّات فارسی دانشگاه رازی؛ رایانامه:afs.hesabi@gmail.com

[۲]- دانش‌آموختهٔ کارشناسی روان‌شناسی عمومی

آشنایی‌زدایی آوایی، واژگانی و نحوی در قصاید فرخی سیستانی

میترا حسن‌آبادی[۱]
وحید مبارک[۲]

چکیده

آشنایی‌زدایی مهم ترین مشخصه ی زبان ادبی است که با توجه به میزان استفاده ازاین بسامد، می‌توان ویژگی سبکی شاعر یا نویسنده را مشخص کرد. در این مقاله «آشنایی‌زدایی‌آوایی، واژگانی و نحوی» در *دیوان قصاید فرخی‌سیستانی*براساس مطالعات فرمالیستی و میزان بهره مندی شاعر ازاین فرایند، وجه غالب شعر فرخی، جهت آشنایی بیشتر باسبک شاعر به روش کتابخانه‌ایبررسی شده‌است.

ضمن ارائه تعاریفی از تاریخچه پیدایش اصطلاح «آشنایی زدایی» و انواع آن، به بررسی چگونگی و میزان استفاده فرخی از این عوامل سبکی زبان از جمله : ابدال، تخفیف، حذف، اضافه، ادغام، اشباع، قلب و انواع هنجارگریزی واژگانی؛ همچون واژه‌آفرینی و باستان‌گرایی و استفاده از کلمات کم‌کاربرد (ارکائیک) در کل قصاید وآشنایی‌زدایی‌نحوی درابیات مصرّع کل قصاید، ترجیعات، قطعات ورباعیات پرداخته شده است. فرخی شاعریست توانمند باسبکی مستحکم، ساده وروان، که به جهت تاثیرگذاری بیشترکلام از هنجارگریزی‌های؛ آوایی، واژگانی ونحوی به زیبایی دراشعارخویش استفاده کرده‌است. تخفیف بیش از دیگر انواع آشنایی‌زدایی‌آوایی درکلامش دیده‌می‌شود و استفاده از این فرایند ازاستحکام، بلاغت و روانی کلام وی نکاسته‌است. وی به دلیل استفاده از قالب قصیده برای مدح، بیشتر به فرم و صورت توجه داشته-است که ویژگی بارز شعر دورهٔ خراسانی است.جمله‌بندی‌های کلام او معمولا به شکل محاوره و نسبتاً منظم و شرایط فصاحت وبلاغت را نیز رعایت کرده‌است.

واژه‌های کلیدی: فرخیِ‌سیستانی، آشنایی‌زدایی، برجسته‌سازی، باستانگرایی، واژه‌آفرینی، هنجارگریزی.

---

[۱]دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات تطبیقی؛ رایانامه:mitrahasanabadi@yahoo.com
[۲]استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی کرمانشاه

بررسی مجموعه داستان خارپشت‌ها چای می‌نوشند براساس رویکرد نقد بوم‌گرا

افسانه حسن‌زاده دستجردی[۱]

چکیده

بوم‌نقد یا نقد بوم‌گرا یکی از رویکردهای میان‌رشته‌ای است که به دنبال بحران‌های زیست‌محیطی در قرن بیستم شکل گرفت. این رویکرد به رابطه میان طبیعت یا محیط زیست و انسان می‌پردازد. ازجمله موضوعاتی که پیروان این رویکرد به آن توجه کرده‌اند، تصویر طبیعت و پدیده‌های طبیعی در ادبیات کودک و نوجوان است. در پژوهش حاضر کوشیده‌ایم از میان داستان‌هایی که برای مخاطب نوجوان نوشته شده‌است، مجموعه داستان *خارپشت‌ها چای می‌نوشند* از حسین تبریزنیا را براساس این رویکرد با روش تحلیل محتوا بررسی کنیم. حاصل آنکه بُعد روشن و مثبت طبیعت در این اثر پررنگ شده و با استفاده از پدیده‌های طبیعت، فضایی ترسیم شده است که برای شخصیت‌ها بسیار آرامش‌بخش است.جدالی بین شخصیت‌ها و طبیعت درنمی‌گیرد و نه تنها بین آن‌ها رابطه مسالمت‌آمیز برقرار است، بلکه طبیعت بر شیوه اندیشه و زندگی شخصیت‌ها اثرگذار است. تأثیر آموزه‌های دینی بر چگونگی نگرش شخصیت‌ها به طبیعت هم در اینجا بسیار قابل توجه است و این خود موضوع دیگری است که منتقدان بوم‌نقد بدان توجه کرده‌اند. شخصیت‌ها با پدیده‌های طبیعت رفتار و برخوردی انسانی دارند. این ویژگی در کنار جان‌بخشی به طبیعت رابطه انسان و طبیعت را نزدیک‌تر می‌کند. :

واژه‌های کلیدی: ادبیات نوجوان، دین، رابطه انسان و طبیعت، محیط زیست، نقد بوم‌گرا.

[۱]ستادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حضرت نرجس(س) رفسنجان؛ رایانامه: afsanehasanzade@yahoo.com

دژ در شاهنامه

احمد / حسین‌پور سرکاریزی[۱]

چکیده

سرزمین باستانی ایران با توجّه به داستان‌های شاهنامه و لشکر کشی‌های پادشاهان به قلمرو یکدیگر و اختلافات موجود میان آنان همواره دستخوش حملات و نبردهای سهمگین بی امان بوده است که در نتیجه این امر ، ساخت دژهای مستحکم را توسّط پادشاهان به دنبال داشته تا از غارت و دستبرد تهاجمات دشمنان در امان باشند . بنابر این در پژوهش حاضر از انواع دژهایی که در شاهنامه سخن به میان آمده است نام برده شده و مهم‌ترین آنها مورد بحث و بررسی قرار گرفته و با مراجعه به منابع مختلف ، موقعیّت جغرافیایی آنها مشخّص و سپس با تکیه بر شاهنامه اشعاری را که با آن تناسب داشته برای روشن شدن این مقوله به آن استناد شده و در صورت لزوم به توضیح و تفسیر آن پرداخته شده است .

کلید واژگان : شاهنامه ، دژ ، استحکام ، پادشاهان

[۱] دانشجوی دوره¬ی دکتری تخصّصی زبان و ادبیّات فارسی؛ رایانامه:ahsarkarizi@gmail.com

سیر تاریخی لیلی و مجنون تا سرایش آن به دست نظامی و مقایسه آن با مجنون و لیلی عبدی بیک شیرازی

احمد / حسین پور سرکاریزی[۱]

چکیده

داستان لیلی و مجنون نظامی گنجوی جذّاب‌ترین و مشهورترین منظومه ای است که ماجرایِ عشقیِ کلاسیکِ ادبیّات اسلامی را به تصویر کشیده است . نظامی در تصنیف این منظومه به منابع عربی نیز توجّه داشته و تا جایی که ممکن بوده به ریشهٔ عربی آن وفاداری داشته‌است . این داستان بسیار پرشور است ، به نحوی که در ادب پارسی و ترکی ، پایگاهی بس والا یافته است . وی در سرودن این داستان مهارتی حیرت‌انگیز از خود نشان داده که در نتیجه در ایرادِ معانیِ مطبوع و قدرتِ او در تنظیم و ترتیب منظومه‌ها و داستان‌های خود بی نظیر است و در حقیقت کار او فتح بابی برای دیگر شاعران شد تا در سرودن مثنوی‌های بی شماری به تقلید از وی بپردازند . بنابر این یکی از نظیره پردازانی که به پیروی از او دست به سرایش زده است ، عبدی بیگ شیرازی است ، هر چند عبدی بیگ در این مقوله در پی برابری با نظامی بر آمده است ، امّا نتوانسته است خود را به پای او برساند که در این مقاله منظومهٔ عبدی بیگ و نظامی گنجوی با یکدیگر مقایسه شده است .

واژگان کلیدی : نظامی – لیلی – مجنون – مقلّدان نظامی – عبدی بیگ

[۱] دانشجوی دورهٔ دکتری تخصّصی زبان و ادبیّات فارسی؛ رایانامه:ahsarkarizi@gmail.com

تجزیه و تحلیل دو داستان از تاریخ بیهقی برمبنای « نظریهٔ الگوی‌های کنشگر گریماس »

احمد/ حسین‌پورسرکاریزی[۱]

چکیده

از آن‌جا که تفحّص در بارهٔ ساختار متون ادبی اجتناب‌ناپذیر است و مقولهٔ ادبیّات نیز گسترهٔ پهناوری دارد، لذا در این مقاله به تجزیه و تحلیل دو داستان از تاریخ بیهقی بر مبنای "الگوهای کنشگر گریماس" پرداخته شده و در این راستا، ابتدا بحث کوتاهی در بارهٔ روایت‌شناسی و تاریخچهٔ آن بیان گردیده و سپس نظریهٔ گریماس مطرح و با این رویکرد، طرحِ"شش الگوی کنشگر گریماس"و چگونگی زنجیرهٔ پیوندی آنها با یکدیگر ترسیم و توضیح داده شده است. در ادامه، هر یک از داستان‌های مورد نظر با توجّه به ژرف‌ساخت آن؛ رویدادهای بطنِ آن به بهترین نحو ممکن مشخّصو هر یک از نمادهای آن بر اساس برجستگیوخیزشِنمودِ خودگزینش و تبیینگردیده و طرحِ مربوط به آن ترسیم شده است. بنابر این سعی بر آن است تا در این مقاله ثابت شود که تجزیه و تحلیل حکایت‌ها، داستان‌ها و متون دیرین ادبی بر مبنای "الگوی‌های کنشگر گریماس"هم‌پوشانی دارد و تحقّق‌پذیر است و می‌توان به مدد دانش روایت‌شناسی به این مقوله جامهٔ عمل پوشید.

واژگان کلیدی : تاریخ بیهقی-داستان و حکایت-روایت‌شناسی -الگوهای کنشگر گریماس

[۱]دانشجوی دورهٔدکتری تخصّصی؛ رایانامه: ahsarkarizi@gmail.com

لطایف و اصطلاحات عرفانی در شعر ملا فتح الله شاهنامه چی(مطالعهٔ موردی: صنم و برهمن)

زهرا حسینی[۱]

چکیده

ملا فتح الله شاهنامه چی عارف مسلمانی است که در بیان اندیشهٔ خود به باورهای دینی استناد می کند و از سیرت پیامبر و قصص دینی یاری می جوید. در این گفتار می خواهیم بدانیم منشاء لطایف و اصطلاحات عرفانی موجود در شعر ملا فتح الله شاهنامه چی کدام است؟ هدف شاعر در ساختن داستان صنم و برهمن چه بوده است؟

در این بررسی دریافتیم که آبشخورهای دینی، حکمی و عرفانی مثنوی او، از قرآن، روایات دینی و اندیشه های عرفای زاهدی مانند خواجه عبدالله انصاری، نجم الدین رازی، رشیدالدین ابوالفضل میبدی و مولانا جلال الدین پربار شده است. هدف شاعر از سرودن این منظومه ارائه باورهای دینی با داستانی عاشقانه و عارفانه و ساختن یک مثنوی اخلاقی و دینی بوده است.

کلیدواژه: مثنوی معنوی، طریقت، ملا فتح الله شاهنامه چی، صنم و برهمن، لطایف و اصطلاحات عرفانی

[۱]مدرس دانشگاه؛ رایانامه: hosseini_z90@yahoo.com

اخلاق مداری در منظومه های عاشقانه ادب فارسی

سید یعقوب حسینی[۱]

چکیده

اخلاق خوب به چگونگی برخورد مردم با همنوع خود و انسان دوستی مربوط می شود و همیشه مهم‌ترین مسائل ملل مختلف در ادبیات آن‌ها مطرح می‌شود. نوع دوستی، در میان ایرانیان جایگاه ویژه ای دارد و می توان با یقین گفت که اگر چه بسیاری از جامعه هابه بُعد اخلاق اهمیت می دهند،اما در میان ایرانیان اخلاق،مفهوم و رنگ و بوی ویژه ای دارد که آنها را از سایر جهانیان جدا می کند.در آثار سعدی،نظامی،ناصر خسرو،اسدی طوسی و فردوسی تاکید فراوانی بر جوانمردی ، پاکی ، صداقت و شجاعت و... شده است. .به خوبی می دانیم که در ملت های مختلف همیشه مهم ترین مسائل برای شاعر و نویسنده و ملت در ادبیات آن قوم مطرح می شود. بُعد اخلاقی هم یکی از مسائل بسیار مهم است که جای خود را در تمامی بخش های مختلف ادبیات ایران باز کرده است.به عنوان نمونه می توان،رگه هایی از معانی اخلاقی را در ادبیات دینی، داستانی، تاریخی، فلسفی، حماسی و حتی در عاشقانه ترین آثار ادبی ، اصول اخلاقی را در عشق راستین مشاهده کرد .در این مقاله به بازتاب آموزه های اخلاقی و تعلیمی در ادب فارسی و منظومه ها ی عاشقانه می پردازیم.

کلید واژه: اخلاق، خسر و شیرین ، لیلی و مجنون ، ویس و رامین ، گل و نوروز ، همای و همایون.

[۱]دانشجو دکترا زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد دهاقان –اصفهان؛ رایانامه: yaghob.hosseini2014@gmail.com

عوام ستیزی در تفکر مولانا

سید احمد حسینی کازرونی[۱]
سمیه آورند[۲]
حاتم سلیمانی[۳]

چکیده:
منظور از عوام، گروهی از مردم هستند که به نادانی و ساده‌اندیشی و...عادت کرده‌اند. بدون تردید عوام‌زدگی و عوام گری از معایب همه دوره‌ها است و نمی‌توان آن را به دوره خاص محدود ساخت.
در تحقیق حاضر ابتدا به بررسی اوضاع اجتماعی زمان شاعر پرداخته شده و زوایای مختلف طبقات اجتماعی عصر مولانا معرفی و دیدگاه انتقادی او نسبت به طبقه عوام جامعه موردبررسی قرارگرفته است. یافته‌ها حاکی از آن است که مولوی به‌عنوان منتقدی بزرگ به انتقاد از مسائل جامعه روزگار خویش پرداخته و اشعار انتقادی و تعلیمی اش در واقع فریادی است که از سر اعتراض برمی‌آورد تا بدین وسیله بر جامعه بلازده. خویش برآشوبد و به هدایت‌گری مردمان بپردازد.

واژه‌های کلیدی: عوام ستیزی، کج‌فهمی، محیط اجتماعی، اندیشه‌های مولانا.

[۱] استاد زبان و ادبیات فارسی، عضو هیئت‌علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر. ایران؛ رایانامه: sahkazerooni@yahoo.com
[۲] دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر. ایران
[۳] دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر. ایران

حیوانات در متون پهلوی جادوی سیاه

مهناز حشمتی[۱]
معصومه باقری حسن کیاده[۲]

چکیده

نبود آگاهی و دانش کافی انسان در طول تاریخ، عدم توانایی او در شناخت علل واقعی انواع بیماری‌ها و حوادث طبیعی و نیز ضعف و ناتوانی در مواجهه با مشکلات و سختی‌ها، او را به ورطهٔ جادو و جادوگری کشاند و این باور را در ذهن او جای داد که با تمسّک به نیروهای ناشناختهٔ دیگری توانایی مقابله با انواع بلاها و ناگواری‌ها وجود دارد. استفاده از انواع جادوی سفید راهی برای مبارزه با جادوی سیاه و پلیدی‌ها شناخته شد که در این میان برخی از حیوانات با داشتن قدرتی ماورایی که از خواستگاه الهی آنها سرچشمه می‌گیرد، یکی از نیروهای مقابله کننده با جادوی سیاه جادوگران و دیوان می باشند. این مقاله با معرفی حیوانات اهورایی چون انواع پرندگان، سگ گاو، خوک و خر، برمبنای متون پهلوی مشخص می سازد که هریک از این حیوانات برای چه جادوی سیاهی مورد استفاده قرار می گرفته اند.

واژگان کلیدی: متون پهلوی، جادوی سیاه، جادوی سفید، جادوی حیوانات.

[۱]کارشناسی ارشد فرهنگ و زباستانی؛ رایانامه: mahnazheshmati@yahoo.com
[۲]استادیار دانشگاه شهید باهنر

بررسی جایگاه معنایی کلیدواژهٔ دل در غزل‌های عطار

سیاوش حق‌جو[۱]
سحر طاهری[۲]

چکیده

شیخ فریدالدین عطّار نیشابوری، عارف شاعری است که هنر شاعری‌اش علاوه بر منظومه‌های تعلیمی در غزل‌های او نیز دیده می‌شود. غزل‌های عطار مملو از کلماتی است که جهان درونی و شبکهٔ درهم‌پیچیدهٔ ذهن او را به تصویر می‌کشد و تا حد زیادی بیانگر زبان فردی او است. این مجموعهٔ شعری که با محوریت برخی از کلمات کلیدی و با همراهی گروهی از تقابل‌ها و واحدهای مرتبط بیان می‌شود در اغلب موارد به رهبری دو کلمهٔ کلیدی دل و جان به برجستگی مضامین عاشقانه و عارفانه می‌انجامد. در این مقاله به دلیل اهمیت کلیدواژهٔ دل در مجموعهٔ غزلیات عطار، به تحلیل‌محتوای مفاهیم مرتبط با این کلمه پرداخته می‌شود و پربسامدترین مضامین بیان می‌شود. تحلیل مفاهیم ابیات دارای کلیدواژهٔ دل به صورت توصیفی و پیمایشی یعنی به یاری سبک‌شناسی معنایی کلمات هم‌نشین کلیدواژه‌ها و گروه‌بندی آنها در حوزه‌های معنایی معین و نیز با تبیین و تحلیل موتیوهای معنایی ابیات دارای دل صورت می‌گیرد. یکی از نتایج این بررسی دریافت تناسب صورت و معنا در غزل‌های عطار و نیز تنوّع واژگان در حوزه‌های معنایی واحد است که در عین افزایش ارتباط واژگان، از ملالت ناشی از تکرار می‌کاهد.

کلیدواژه‌ها: غزل، عطار، کلیدواژه، دل، معنا

---

[۱] دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران
[۲] کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران؛ رایانامه: sahar.taheri3@gmail.com

عنوان: تنهایی در زندگی و شعر م.آزاد

مریم حقی[۱]
امیرحسین مدنی[۲]
سمیه اثنی‌عشری[۳]

چکیده:
مضمون تنهایی و بیان شکست‌ها و ناامیدی‌هااز مضامین رایج شعر معاصر است. تنهایی در زمینه‌های مختلفی نظیر عشق، عرفان و... مفهومی خاص داشته و ادبیات به‌عنوان تجلی‌گاه اندیشه و عواطف انسانی به انعکاس این مفاهیم پرداخته است. بنابراین، این نکته یکی از مسائل مهمی است که باید در مورد آن پژوهش شود. اغلب شاعران معاصر به نوعی از تنهایی شکایت کردند؛ م.آزاد یکی از آنان می‌باشد. لذا بسامد این واژه و مفهوم آن در شعر او بسیار است؛ اما نوع هر یک از این تنهایی‌ها در دوره‌های مختلف و بنا بر تحولات درونی شاعر تغییر کرده و تحولات گوناگونی را بوجود آورده است. تاکنون چندین کتاب و مقاله در زمینهٔ آثار و محتوای فکری م.آزاد تألیف شده که معمولاً در زمینهٔ تحلیل و نقد یک یا چند شعر اوست و به مضمون تنهایی به‌طور خاص نپرداخته است.
هدف از این رساله که به روش کتابخانه‌ای و تحلیل محتوا نوشته شده بررسی مضمون تنهایی، انواع و علل آن در شعر م.آزاد است.در این نوشتار ابتدا تحولات شعری و بن‌مایه‌های اصلی شعر م.آزاد را بررسیو سپس دلایل و انواع تنهایی را در شعر او به سه بخش تنهایی فردی، اجتماعی و عرفانی تقسیم کرده‌ایم.

کلیدواژه‌ها: شعر معاصر، م.آزاد، تنهایی

[۱]استادیاردانشگاه پیام نورخوانسار؛ رایانامه: aflak36@gmail.com
[۲]استادیار دانشگاه کاشان
[۳]کارشناس ارشدزبان و ادبیات فارسی

سیر تحول و کیفیت جاندارپنداری در کودکان سه گروه سنی

مریم حیدری[۱]
صاحبه رجبی[۲]

چکیده

همان‌گونه که رشد زیستی انسان دارای مراحلی است، تفکر وی نیز مراحلی از رشد و تغییر را سپری می‌کند. برخی روانشناسان نظیر *پیاژه* و *ویگوتسکی*، این مراحل را نشان داده و دربارهٔ ویژگی‌های آنها به بحث و بررسی پرداخته‌اند. یکی از ویژگی‌های تفکر کودک در مراحل نخست زندگی، اعتقاد راسخ وی به آنیمیسم یا جاندارپنداری است. جاندارپنداری کودکانه عبارت است از گرایش کودک در زنده و هوشیار دانستن موجودات بی‌جان. بر اساس این گرایش اجسام به منزلهٔ موجودات زنده و صاحب اراده‌اند. آنیمیسم می‌تواند در گفتار، نقاشی‌ها، و بازی‌های کودکان نمود یابد. در این پژوهش ۲۲۰ کودک پنج تا یازده سال به منظور بررسی تفکر آنیمستی، برگزیده شدند. روش پژوهش بهره‌گیری از پرسش در سه حوزهٔ «طبیعت»، «اشیاء»، و «مفاهیم انتزاعی» بود. هدف از این بررسی درک چگونگی تحول و تکوین تخیل این کودکان، سنجش آن با ردهٔ سنی ایشان، و دریافت میزان و نوع رابطهٔ تفکر آنیمیستی ایشان با عوامل دیگری چون محیط، خانواده، رسانه‌ها و آموزه‌های رسمی بود تا تأثر و تغذیهٔ تفکر کودکان از این آبشخورها نمایانده شود.

کلید واژه‌ها:«تفکر»؛ «تخیل»؛«آنیمیسم»؛«ساخته‌پنداری».

[۱]استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام‌نور مرکز صومعه سرا؛ رایانامه: karvan@ymail.com
[۲]کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

دو جریان متضادِ همگام در غزلیات وحشی بافقی

علی حیدری[۱]
رقیه علوی[۲]

چکیده:
وحشی بافقی یکی از شعرای مشهور ادب فارسی است که اکثر منتقدان او را اولین یا حداقل برجسته‌ترین شاعر مکتب واسوخت دانسته‌اند. اگر چه سخن منتقدان در این زمینه درست می‌نماید اما به موازات اشعار واسوختی، غزل‌هایی به سبک عراقی که در آن شأن و منزلت معشوق در اوج , و عاشق در حضیضمی-باشد، بسیار است. از این مهم‌تر اشعار«سگیه» که در آن شاعر، خود را سگ معشوق خوانده استدر دیوان او کم نیست. لذا به نظر می‌رسداشعار «سگیهٔ» وحشی یا دیگر اشعارش در زمینهٔ واسوخت تا حدی تصنعی می‌نماید، در این مقاله سعی شده است، درمورد این دوگانگی اشعار وحشی که بعضاً در یک غزل اتفاق افتاده است، بحث شود.

کلمات کلیدی: وحشی، واسوخت، سگیه، غزل

[۱]دانشیار دانشگاه لرستان؛ رایانامه: aheidary1348@yahoo.com
[۲]مربی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سسندج

دگردیسی قربانی در اسطوره و ادیان

علی حیدری[۱]
علی فتح‌الهی[۲]

چکیده:
انسان‌های اولیه بنا به دلایل فراوان برای خدا یا خدایان و... به انحاء مختلف قربانی می‌کردند. این قربانی‌ها علیرغم اشتراک در اساس و بن‌مایه، در طول ادوار مختلف مانند هر چیز دیگری، دچار دگردیسی‌هایی شده‌اند. در این مقاله سعی شده‌است از منظر اساطیر و ادیان به موضوع قربانی نگریسته شود و شباهت‌ها و اختلاف‌هایی که در اجرای قربانی در ادیان مختلف و اساطیر وجود دارد به طور مختصر بیان شود. علاوه بر این سعی شده‌است، به دلایل و عوامل پاره‌ای از تحولات قربانی در ادیان و اساطیر، پرداخته شود. سیر دگرگونی‌ها در قربانی، همگام با رشد و ترقی انسان‌ها، و دید آن‌ها نسبت به موجودات ماورایی و در رأس آن‌ها خداوند، انجام پذیرفته است. به طوری که قربانی‌های خونی و گیاهی به مرور زمان جای خود را به قربانی‌های نفسانی داده‌است که اوج پاکبازی بنده در محضر خدواند است.

کلمات کلیدی: دگردیسی، قربانی گیاهی، قربانی خونی، قربانی انسانی و نفسانی.

-[۱]دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لرستان. ایمیل: aheidary1348@yahoo.com
[۲]دانشیار دانشگاه آزاد واحد خرم آباد

تحلیل و تطبیق خودشناسی از منظر مولانا و یونس امره

فاطمه حیدری[۱]

چکیده

کیستی و چیستی آدمی از نخستین سوال‌ها و دغدغه‌های بشر، دانشمندان انسان‌شناسی، فلاسفه و عرفا به شماررفته و می‌رود. برای مولانا نیز خودشناسی یکی از مسائل اصلی راه سلوک و عرفان به شمار می‌رفت و معتقد بود خودشناسی که اساس خداشناسی است از راه تجربه‌های عادی میسر نیست و تنها از راه شکستن خویشتن خویش و نفی خودی قابل دسترسی است. یونس امره نیز به عنوان شاگرد مکتب مولانا و کسی که اندیشه‌های او را با زبان ترکی برای هم‌زبانانش به قابل فهم‌ترین شکلی ارائه کرده است،نفی انانیت را سرچشمه و منشأ شناخت خود و در ادامهٔ آن شناخت حق می‌داند. این مقاله به بررسی تطبیقی و تحلیل خودشناسی از منظر مولانا و یونس امره می‌پردازد و اشتراکات دیدگاهی و تأثیر عمیق یونس از مولانا را در یکی از کلیدی‌ترین مفاهیم انسان‌شناسی و عرفان نشان می‌دهد. آنها هر دو متأثر از آموزه‌های ناب اسلامی که آبشخور اندیشه‌های ژرف عرفانی ایشان است با سرلوحه قرار دادن فرمودهٔ نبی اکرم(ص)" من عرف نفسه فقد عرف ربه"، به تبیین اندیشه‌های خود در این‌باره پرداخته‌اند و طبق این تحقیق یونس در پی‌گیری این اندیشه تحت تأثیر مولانا قرار داشته است.

واژگان کلیدی: مولانا، خودشناسی، یونس امره، خداشناسی

[۱]دکترای زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه:-heidari31089@yahoo.com

بررسی فراتحلیلی بیت هایی از داستان فرود در نامه باستان و یادداشت های شاهنامه

حسن حیدری[۱]

چکیده

پژوهش در تصحیح ، شرح و تفسیر شاهنامه ، بخشی از حوزه شاهنامه‌پژوهی است که در چند دهه اخیر رشد قابل توجهی داشته است. در سال‌های اخیر یک شرح کامل شاهنامه با عنوان «نامه باستان» متضمن ویرایش، شرح و توضیح شاهنامه بر اساس سه محور واژگانی، زیبایی‌شناسی و باورشناختی و یک تصحیح به همراه یادداشت های شاهنامه منتشر شده است . در جستار حاضر بیت هایی از داستان فرود باروش فراتحلیلی یا تحلیل پژوهی و به صورت تطبیقی و مقایسه ای در نامه باستان کزازی و یادداشت های شاهنامه خالقی بررسی شده است. سایر منابع تخصصی مرتبط نیز مدّ نظر بوده است . رویکرد به منابع، انتقادی است و به اشکالات معنایی برخی از بیت های این داستان نیز پرداخته شده وپیشنهاد هایی ارائه شده است. این تحقیق نشان می دهد که ارزش نامه باستان نخست در عرصه معنای بیتها و پرداختن به جنبه های بلاغی شاهنامه و سپس در شرح بیت ها و سوم در تصحیح بیت هاست . دلیل اصلی این است که در ضبط بیت ها، در نامه باستان به تعداد محدودی نسخه چاپی و یک نسخه خطی اکتفا شده است و از حیث روش نیز روش التقاطی و گاه استحسانی بکار گرفته شده است . در مقابل ارزش کارخالقی مطلق درنخست در تصحیح و سپس در سایر موضوع های مشترک است .

واژگان کلیدی: شاهنامه ، نامه باستان، یاداشت ها ،بیت، معنا ،شرح .

[۱] دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک

بررسی اصول مملکت‌داری و حکومت در نهج‌البلاغه و سیاست‌نامه

(با تکیه بر اخلاق و مسئولیت‌های حاکمان)

غلامرضا حیدری[۱]

چکیده

آنچه در این پژوهش مورد توجه قرارگرفته است بررسی مملکت‌داری و حکومت و شیوه کشورداری با توجه به سخنان امیرالمؤمنین علی(ع) در نهج‌البلاغه و خواجه نظام الملک توسی در سیاست‌نامه با تکیه بر اخلاق و مسئولیت‌های حاکمان است. چگونگی تحقق اهداف و آرمان‌های حکومت و نیاز آن به حاکمی با ویژگی‌ها و توانمندی‌های خاصّ تربیتی، اخلاقی، علمی، عقیدتی و سیاسی، تعامل و تأثیر باورهای دینی در شیوه کشورداری، بهره‌گیری از اصول انسانی در رفتارهای حکومتی و درنهایت، مقایسه و تطبیق اصول حکومت و مملکت‌داری در دو اثر ادبی- سیاسیِ به‌جامانده در این رابطه از مواردی است که در این پژوهش بدان پرداخته شده است. در این مقاله ضمن بررسی ابعاد گسترده حکومت‌داری در نهج‌البلاغه، و بیان تأثیرات آن بر سیاست‌نامه(سیرالملوک) که از کتب ادبی و سیاسی ارزشمند ایرانی است، به مقایسه دیدگاه‌های این دو کتاب در زمینه اخلاق و مسئولیت‌های حاکمان پرداخته می‌شود. دست آوردهای این مطالعه توانسته است ضمن برشمردن اصول مهم کشورداری در بخشِ اخلاق و مسئولیت‌های حاکمان و شرح و تفصیلِ این اصول، با استناد به مطالب به‌دست‌آمده در این دو کتاب، تأثیر شیوه کشورداری امام علی(ع) را- با توجه به آنچه در تاریخ و در کتاب نهج‌البلاغه به جا مانده است- بر روش کشورداری خواجه نظام الملک و تألیف سیاست‌نامه به اثبات برساند.

کلیدواژه‌ها: مملکت‌داری، حاکمان، اخلاق، مسئولیت، نهج‌البلاغه، سیاست‌نامه.

[۱] استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ابهر، ایران؛ رایانامه: . :
phlitgholamrezaheidary@yahoo.com

بررسی کتاب فارسی هفتم بر اساس علم بیان و میزان سنخیت این آرایه ها با سن دانش آموزان

حسن حیدری[۱]

رویا رسولی[۲]

چکیده

علوم بلاغی به ویژه علم بیان از همان قرون اولیه پیدایش شعر فارسی تا دوران معاصرمد نظر شاعران بوده است . پس می‌توان هر یک از مقاصد چهارگانه علم بیان را در اشعار شاعران مختلف بررسی کرد .بحث اصلی این تحقیق بررسی مباحث علم بیان در اشعار کتاب فارسی هفتم و میزان سنخیت این آرایه‌ها با سن دانش آموزان عادی سال هفتم است. در کتاب فارسی هفتم ده قطعه شعر به طور مجزا و تک بیت هایی در متون از شاعران مشهور وجود دارد. در این پژوهش این اشعار مورد بررسی قرار گرفته است سپس صور بیانی از جمله (تشبیه ، استعاره ، مجاز ، کنایه) موجود در اشعار استخراج شده و ضمن توضیحی دربارهٔ صنایع یافت شده به این موضوع پرداخته شده است که آیا این ترفندها در این اشعار درک مفاهیم را برای دانش آموزان آسان‌تر کرده یا باعث دشواری متن شده است. در پایان نمودارآماری از میزان صنایع بیان در این اشعار ارائه شده است.

کلید واژه : بلاغت ، بیان ، شعر، کتاب فارسی هفتم

[۱]دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک

[۲]کاارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه: mahlebeyt@chmail.ir

نگاهی نو به چند تعریف بلاغی

رسول حیدری[۱]

چکیده:
نگاهی نو به تعاریف بلاغی نشان می دهد که برخی از این تعاریف جامع و مانع نیستند و نگاه تقلیدی مانع از آن شده است که این مباحث به شیوه ای انتقادی و تحقیقی تحلیل شود. نوشتار حاضر بررسی چند مبحث بلاغی است که به نظر می رسد می توان در تعریف آنها و شرایط وگستره ای که می توانند شامل شوند تجدید نظر کرد؛ از آن جمله لازم است که بین ادعای همانندی (تشبیه) و اینهمانی تفاوت قائل شد و این دو را مقولاتی جداگانه لحاظ کرد. در بحث استعاره تبعیه، افعالی که در آنها برجسته سازی شده است (فورگراندینگ) عمدتا زیرساخت تشبیهی ندارند و اطلاق استعاره بر آنها قابل تردید است. مواردی که در مبحث استعاره مکنیه از نوع وصفی آن قلمداد می شود، از طریق مجاز وصفی نیز توجیه پذیر است. در تعریف کنایه، نبودن قرینه صارفه و احتمال اراده معنای حقیقی قابل تشکیک است. در کنایه موصوف نیز، بسیاری از مثالها را می توان از طریق استعاره مصرحه مجرده توجیه کرد.

واژگان کلیدی: بلاغت، بیان، مجاز، تشبیه، استعاره، کنایه.

[۱] استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لرستان؛ رایانامه: Rasul.heydari@yahoo.com

جایگاه زبان فارسی و ترکی در نگاه شهریار

رسول حیدری[۱]

چکیده:

محمدحسن شهریار، شاعر نام آشنای ادبیات معاصر، در زمره شاعرانیست که در عرصه شاعری در دو زبان فارسی و ترکی خوش درخشیده است. محبوبیت او در بین ترک زبانان کم از فارسی زبانان نیست؛ وی توانست با سرودن اشعار ترکی بخصوص منظومه حیدر بابا، جایگاه خود را به عنوان شاعری خوش فکر و نازک اندیش تثبیت کند. از طرفی آشنایی او با ظرافت ها و نازک کاری زبان فارسی و تسلط او بر گنجینه ادبیات عامه در زبان فارسی باعث شد سروده های موفق بسیاری را عرضه کند. با وجود علاقه شهریار به هر دو زبان، در ضمن سروده های او شاهد اظهارات مختلف او درباره تفاوتهای ماهوی این دو زبان و اثر گذاری آنها بر یکدیگر هستیم. وی عرفان را قله شعر فارسی می داند و قدرت شعر ترکی را در توصیفات طبیعی می ستاید. همچنین آغاز تجدد ادبی و ظهور رمانتیسم را متاثر از ادبیات آذربایجان می داند.

کلمات کلیدی: شهریار، ادبیات معاصر، ادبیات تطبیقی، شعر ترکی، شعر فارسی.

۱استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لرستان:رایانامه: Rasul.heydari@yahoo.com

بازتاب اخلاق در شعر «معروف الرصافی» و « زاهد تبریزی»

احمدرضا حیدریان شهری[۱]

سهیلا مرادقلی[۲]

چکیده:

اخلاقدر حقیقت مقدمهٔ تعلیم است. تاکید قرآن بر تزکیه نفس قبل از هر تعلیمی نمایانگر اهمیت اخلاق است. معروف الرصافی شاعر برجسته عراقی در روزگار عثمانی و زاهد تبریزی شاعر بزرگ ایرانی دوره صفوی، با تاثیر پذیری از فرهنگ اسلامی و با توجه به تمام ابعاد وجودی انسان، راهکارهای تربیتی ارائه می‌دهند. توصیه های آن دو بزرگ نشان دهندهٔ آن است که در تعلیم و تربیت باید به بعد جسمانی، دینی، عقلانی، عاطفی، احساسی و اجتماعی بیشتر توجه شود. بر این اساس با جستاری کوتاه در شعر دو شاعر عربی و فارسی‌زبان و پرداختن به اخلاقیات آنها و با در نظر گرفتن زبان و سبک متفاوتشان، نگرش آن دو بزرگ به این کانِ معنی،مورد بررسی قرار گرفته است؛ بدیهی است با شرایط عنوان شده در برخی انواع اخلاقیات هر یک به طور جداگانه مسائلی را در شکل فردی و یا اجتماعی بیان کرده باشند که با طرح کردن آنها در کنار هم نهایتاً به یک مسیر و یک نقطه ختم خواهد شد. در این مقاله ابتدا به بیان مبانی نظری اخلاق، سپس شگردهای گوناگون به کارگیری آن در مقابل شعر یکدیگر پرداخته می شود. رسالت این پژوهش، بازتاب اصول اخلاقی مطرح در زبان و اندیشهٔ دو شاعر برجسته، معروف الرصافی و زاهد تبریزی است؛ باشد تا ارزش‌های ارجمند و والای بشری دیگرباره در وجود سرگشتهٔ انسان تداعی شود.

واژگان کلیدی: معروف الرصافی، زاهد تبریزی، اخلاقیات ، ادبیات تطبیقی، کمال انسانی

---

[۱] عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد

[۲] دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد؛ رایانامه: soheila_moradgholi@yahoo.com

از زنّار عیسوی تا زنّار سوگواری تأملی در بیتی از قصیدهٔ ترنّم‌المصاب خاقانی

اکبر حیدریان[۱]

چکیده

خاقانی شاعری است که از دیرباز شارحان در پی حل مشکلات و ابهامات فراوان شعر او بوده‌اند. در چند دههٔ اخیر نیز خاقانی‌پژوهی روند رو به رشدی داشته است و مقالات وکتاب‌هایی در خصوص احوال و اشعاراو به زیور طبع آراسته شده است. هدف از این پژوهش، بررسی و نگاهی دوباره به بیتی از قصیده‌ای از اوست که به«ترنّم‌المصاب» شهرت دارد. نویسنده در این جستار می‌کوشد تا معنای عبارت «زنّار بستن» را در این قصیده مورد واکاوی قرار دهد؛ لذا، ابتدا شروح مختلف بر قصیدهٔ مورد نظر را بررسی و در احتمالات گوناگون آن تأملی دیگرگون کرده است؛ سپس، با ارائهٔ دلایلی که با سبک خاقانی سازگار است شروح شارحان را ناقص و نارسا می‌داند. در نهایت با توجّه به فرهنگ عامّهٔ زمان خاقانی و نیز با تمرکز بر سبک شخصی وی در به‌کار گیری تداوم تصویر در محور عمودی قصاید، تعبیر و شرحی نو از «زنّار بستن» ارائه می‌کند.

کلیدواژه‌ها: خاقانی، مرثیه، زنّار بستن، فرهنگ عامّه، تداوم تصویر.

[۱] کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد؛ رایانامه: akbar.hei93@gmail.com

«گونه‌های کنایه در شعر احمد شاملو»

انسیه خادمی[۱]

چکیده

سخن گفتن به شیوهٔ غیر مستقیم، جنبهٔ هنری و بلاغی دارد. شاعران با شیوه‌ها و شگردهای گوناگون زیبا-آفرینی و انتقال پیام در چارچوب علم بیان و صورخیال،مقصود خود را به روش غیرمستقیم بیان می کنند. کنایه از زیباترین و دقیق‌ترین روش‌های هنری گفتار و رساتر از حقیقت است؛ زیرا با استفاده از آن ذهن انسان از ملزوم به لازم منتقل شده با نوعی دلیل همراه است. شاعران از این عنصر زبانی برای بیان اندیشه-های خود استفاده می کنند. در جستار حاضر، به شیوه توصیفی تحلیلی با ترسیم محدودهٔ کنایه و اختلاف آن با مجاز، استعاره و مثل، اقسام کنایه در اشعار احمد شاملو ـ یکی از چهره‌های برجستهٔ شعر معاصرـ بررسی شده است.یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که کنایه در شعر شاملو در پنج سطح کنایه از فعل، کنایه از صفت، کنایه از موصوف، کنایهٔ محاوره و کنایهٔ جدید به کار رفته است. او با استفاده از این عنصر به زبان شعری خویش تشخص و غنای ادبی می‌بخشد.

کلمات کلیدی: کنایه، صورخیال، شعر معاصر، احمد شاملو، شعر سپید.

۱. دانشجوی کارشناسی زبان و ادبیات فارسی،دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب khademi1975@gmail.com

جلوه های پایداری عارفان در تذکرۀ الاولیاء

زهرا خاکباز[۱]
کاظم مهتدیانی [۲]
سید محمود الهام بخش[۳]

چکیده

عرفان اسلامی معمولا عرفانی منفعل معرفی شده است و عارفان نیز عزلت گزینانی به دور از جامعه و سیاست. در حالیکه اصل شکل گیری عرفان، خود نوعی اعتراض به دنیا طلبی و طریقت اشراف گرایانۀ شاهان و اطرافیان ایشان بود.

پایداری به معنای ایستادگی دربرابر قدرتمندان و خلاف جریان جوامع گذشته -که معمولا در مسیر اطاعت محض از سلاطین بوده اند- حرکت کردن، امر بسیار مشکلی بوده است که همانطور که ذکر شد، اصل ایجاد جریان عرفان اسلامی، حرکتی عظیم در تقابل با حکومت ها و درواقع نوعی پایداری بود و به موازات آن در اقوال و احوال عارفان، نمونه‌هایی متنوع از انواع پایداری عارفان دربرابر قدرتمندان دیده می‌شود. این مقاومت ها، گاهی حتی از سوی مشایخ عرفان، زمینه ساز اعتراضات اجتماعی گسترده ای می شده است. تذکرۀ الاولیاء عطار نیشابوری، یکی از مهم‌ترین کتب در زمینۀ شناخت عارفان است. این پژوهش به ذکر جلوه‌های پایداری در تذکرۀ الاولیاء می‌پردازد و نمونه‌هایی از مقاومت عارفان دربرابر قدرتمندان مادی، بویژه سلاطین را، بیان می کند.

پس از معرفی عطار و تذکرۀ الاولیاء، دلایل پایداری عارفان در برابر اصحاب قدرت (بندگی خالصانۀ خداوند و دنیاگریزی) و نمونه‌های پایداری عارفان در تذکرۀ الاولیاء ذکر می‌شود. پس از آن انواع مقابله ها، طبق آنچه در این کتاب آمده است، نامبرده می‌شود که شامل: شهادت، مقابلۀ عملی، مقابلۀ کلامی و کرامات اولیاء است.

با مطالعۀ نمونه‌های پایداری در تذکرۀ الاولیاء، بعنوان یک کتاب از دریای کتب عرفانی، این نتیجه حاصل می‌شود که این حوزه از مطالعات عرفانی، بسیار شایان توجه است.

کلمات کلیدی: ادبیات عرفانی، ادبیات پایداری، تذکرۀ الاولیا، عطار.

---

[۱]دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات پایداری دانشگاه یزد؛ رایانامه: bineshan313@gmail.com
[۲]استادیار دانشگاه یزد
[۳]استادیار دانشگاه یزد

یکی دینوری بود یزدان پرستشرح بیتی از شاهنامه

علیرضا خانی[۱]

مهدخت پورخالقی چترودی[۲]

چکیده:

واژه ی " دینور" یا " دین ور" در دو بیتشاهنامه استاد توس، یکی در داستان پادشاهی منوچهر در بیت ۲۵ و دیگر که موضوع بحث ماست، درداستان یزدگرد سوم در بیت ۵۹۷به کار رفته است؛ شاهنامه شناسان و شارحان شاهنامه، این واژه را در بیت" یکی دینوری بود یزدان پرست که هرگز نبردی به بیداد دست"، در مفهوم رایج آن " دیندار و متدین" در نظر گرفته اند؛ از آن جا که پژوهشگران و شاهنامه پژوهان تا کنون تحقیق جامعی در باره ی نام جای های شاهنامه انجام نداده اند،در این جستار با استناد به محور عمودی داستان و جغرافیای این بخش از داستان و ضبط های مختلف این بیت، در نسخه های متعدد، و شواهد و قرائن دیگر، یکی از نام جای های شاهنامه را واکاوی کرده و به این نتیجه رسیده ایم که ، "دینور" "dinvar" منطقه ای در غرب کشور ایران و "دینوری" "dinvari"به معنای اهل دینور است.

کلیدواژه ها: فردوسی، شاهنامه، دینور، دینوری

[۱]: دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد؛ رایانامه: alirezakhani48@gmail.com

[۲]استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

بازتاب واقعیّت‌های اجتماعی در دو داستان کوتاه به‌هم پیوسته «مثل گم کردن مادر (۱)» و «مثل گم کردن مادر (۲)» حسن فرهنگ‌فر

عباس خائفی[۱]

نسرین اسدپور[۲]

چکیده

همیشه نویسندگانی هستند که آگاهانه یا ناآگاهانه داستانی را خلق می‌کنند که هم‌چون آیینه‌ای واقعیّت‌های اجتماعی زمان خود را بازتاب می‌دهند. جامعه‌شناسی ادبیّات، مطالعات خود را روی محتوای اثر ادبی و جوهر اجتماعی آن و روابط متقابل ادبیّات و جامعه متمرکز می‌کند و اثر را در پیوند با جامعه و تحوّلات اجتماعی مورد بررسی قرار می‌دهد. حسن فرهنگ‌فر از داستان‌نویسان بزرگ رئالیست معاصر ایران است. وی به مسائلی در داستان‌های خود توجه می‌کند که معمولاً اجتماعی هستند. در این مقاله، داستان‌های «مثل گم کردن مادر (۱)» و «مثل گم کردن مادر (۲)» فرهنگ‌فر براساس نظریّهٔ بازتاب واقعیّت اجتماعی لوکاچ و گلدمن، مورد بررسی قرار می‌گیرد. راوی این داستان جوانی است که تمایلات همجنسگرایانه دارد. از فحوای کلمات راوی برمی‌آید که او می‌داند خواسته‌اش طبق عرف جامعه ناپسند است، از تن دادن به خواستهٔ تن احساس گناه می‌کند، فریاد بی‌کلامش را بلند می‌کند حاکی از این که من که در به وجود آوردن این تمایلات نقشی نداشته‌ام؛ خانواده مقصر است یا اطرافیان، یا آسمان که طبیعت باشد و یا هیچ‌کدام از آنها، در نهایت فریادش به این‌جا ختم می‌شود که برای خودش قبری می‌خرد تا با مرگ از شرّ این زندگی خلاص شود.

کلیدواژه: جامعه‌شناسی ادبیّات، حسن فرهنگ‌فر، داستان «مثل گم کردن مادر»، لوکاچ، نظریّهٔ بازتاب

---

۱. استاد دانشکده زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه گیلان؛ رایانامه: **nasrin.asadpoor93@gmail.com**

پژوهشی در بازنمایی خانواده در گزیده‌ای از داستان‌های واقع‌گرای هوشنگ مرادی کرمانی

فرامرز خجسته [۱]
عاطفه جمالی [۲]
ربابه قرشی نژاد[۳]

چکیده:
خانواده نزدیک‌ترین نهاد اجتماعی به انسان است که نوع روابط اعضای آن با هیچ یک از نهادهای دیگر قابل مقایسه نیست. این نهاد پویا و مقاوم، تحت تأثیر شرایط اجتماعی با دگرگونی‌هایی در شکل و محتوا در طول تاریخ به شکل امروزی خود رسیده است. بنابراین خانواده در تعادل رفتاری، شکل‌گیری شخصیّت، فرهنگ‌پذیری، همانندسازی و اجتماعی شدن اعضا ایفای نقش می‌کند و دارای اهمّیّت است. کودکان مسیر اجتماعی شدن آغازین را در خانواده طی می‌کنند و جامعه پذیری ثانوی را در تعامل با سایر کارگزاران نظیر مدرسه، گروه همسالان و رسانه‌ها می‌گذرانند. ادبیّات داستانی کودکان و نوجوانان به عنوان رسانه‌ای پُر مخاطب در ساخت ذهنی و تثبیت الگوهای فرهنگی تأثیر شایانی دارد، بنابراین نحوه‌ی بازنمایی خانواده در این آثار به علّت به شدّت الگو پذیر بودن مخاطبان می‌تواند ساختار ذهنی کودکان و نوجوانان را در چگونگی نگرش به خانواده شکل دهد. این امر ضرورت پژوهش را در این حیطه ایجاب می‌کند. در این پژوهش براساس نظریهٔ بازنمایی استوارت هال و به شیوهٔ تحلیل متن، نحوهٔ بازنمایی خانواده در گزیده‌ای از داستان‌های واقع‌گرای هوشنگ مرادی کرمانی تحلیل و بررسی شده است.
یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، در آثار هوشنگ مرادی کرمانی، از نظر ابعاد، شکل، کارکرد و محتوا، الگوهای متنوّعی از خانوادهٔ هسته‌ای بازنموده شده،داستان‌ها بازتابی از زندگی عادّی اقشار مختلف اجتماع است و به کارکردهای مثبت شبکهٔ خویشاوندی و نقش تعیین کنندهٔ زن در خانواده به کرّات اشاره شده است.

واژگان کلیدی: ادبیّات داستانی کودک و نوجوان – خانواده – داستان‌های واقع‌گرا –هوشنگ مرادی کرمانی– بازنمایی

---

[۱] دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه هرمزگان
[۲] استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه هرمزگان
[۳] کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه: bh.gh3000@gmail.com

واکاوی میزان تشخیص مراجع ضمایر در متون فارسی: بررسی موردی فارسی‌آموزان چینی

مهدی خدادادیان[۱]

سید مهدی ابطحی[۲]

چکیده

با اهمیت یافتن بعد ارتباطی زبان و توجه به عناصر فراتر از مرز جمله در مطالعات زبان‌شناختی و پدید آمدن شاخهٔ زبان‌شناسی متن، تحقیقات گسترده‌ای در حوزهٔ عناصر شکل‌گیری متن، همچونانسجام و ابزارهای سازندهٔ آن از جمله ارجاع، بر پایهٔ پژوهش هلیدی و حسن (۱۹۷۶) آغاز گردید و با توجه به اینکه نتایج مطالعات زبان‌شناختی در حوزه‌های مختلف مرتبط با زبان، از جمله آموزش زبان نیز به کار گرفته می‌شود، پژوهش پیشِ رو نیز در راستای سنجش نقش انسجام در متون و به منظور بررسی تاثیر پیچیدگی جملات، وجود مراجع متعدد برای یک ضمیر، فاصلهٔ میان ضمیر با مرجع آن، و وجود ضمیر در جملات طولانی بر تشخیص مراجع ضمایر در میان فارسی‌آموزان چینی شکل گرفت. به همین منظور، تعداد ۲۵ نفر از فارسی‌آموزان چینی سطح پیشرفتهٔ مرکز آموزش زبان فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره) از هر دو جنس و با میانگین سنی ۲۰ سال، از منظر سطح آگاهٔ از زبان فارسی، همگن، و به عنوان جمعیت نمونهٔ پژوهش انتخاب شدند. سپس به منظور بررسی فرضیهٔ پژوهش، آزمونی دارای چهار متن با پاسخ‌های چهارگزینه‌ای که هر یک از پرسش‌های آن، بخشی از فرضیهٔ چهارمحوری تحقیق را پوشش می‌داد، طراحی و استاندارد گردید و در اختیار آزمودنی‌ها قرار گرفت که نتایج آن نشان دهندهٔ این بود که آزمودنی‌ها تنها در مواردی که یک ضمیر به چند مرجع برمی‌گردد، در تشخیص مرجع ضمیر دچار مشکل می‌گردند.

واژه‌های کلیدی: ارجاع، انسجام، ضمیر، مرجع، فارسی‌آموزان چینی

---

[۱] عضو هیات علمی گروه آموزش زبان فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره)؛ رایانامه: khodadadian@plc.ikiu.ac.ir

[۲] عضو هیات علمی گروه آموزش زبان فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره)

تبلور تنوع مرگ اندیشی در حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه سنایی غزنوی

جبار خدا مرادی[۱]

الیاس نورایی[۲]

چکیده:

مرگ از دیدگاه سنایی در حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه مسئله مهم تحقیق حاضر به شمار می رود. می توان گفت از میان آثار سنایی حدیقه از اهمیّت ویژه ای برخوردار است.

نویسنده قصد دارد در این تحقیق ضمن تعریف از مرگ و انواع آن، نظریه های مطرح شده درباره ی مرگ از دیدگاه حکما و عرفا بررسی و بحث کند و بعد از آن اهمیّت حدیقه سنایی و ارزش پژوهش در آن و مرگ و مرگ اندیشی از نظرگاه سنایی در حدیقه بررسی شود. مهم ترین مسائلی که این پژوهش را خلق کرده است:

۱- تنوع نگاه سنایی به مرگ است.

۲- علت مرگ هراسی بشری و ناتوانی بشر در برابر مرگ از نگاه سنایی .

۳- نگاه سنایی در حدیقه به مرگ نسبی است یا مطلق؟

۴- آیا مرگ جاودانه است یا خود مرگ هم می میرد ؟

سنایی در این نگاه و مرگ اندیشی در حدیقه نگاه هایی حکیمانه و عارفانه و گاه متشرعانه به مرگ دارد. او مرگ را خاص جسم می داند، مرگ همه را در برمی گیرد، نگاه های مثبت به مرگ دارد، وی عشق و دانایی را سپر بزرگ در برابر مرگ می داند هدف این پژوهش ضمن پاسخ گویی به سؤالات ذکر شده و بحث و بررسی و تحلیل آن می خواهد که خوانندگان این پژوهش با دقت نظر در نمونه های از اشعار حدیقه سنایی بتوانند تنوع اندیشه سنایی درباره مرگ را دریابند و تشخیص دهند.

کلید واژگان: سنایی، حدیقه، مرگ، تنوع اندیشه

[۱] کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کردستان؛ رایانامه: jabarkhodamoradi@gmail.com

[۲] دانشیار گروه زبان وادبیات فارسی دانشگاه رازی

بررسی لایهٔ آوایی در محبت‌نامهٔ خواجه عبدالله انصاری

محبوبه خراسانی[۱]
الهام حبیبی[۲]

چکیده

با وجود این‌که سبک‌شناسی علمی تقریباً نوپاست، ولی پژوهش‌های فراوانی در این زمینه صورت گرفته و آثار و متون ادبی بسیاری از این منظر بررسی شده است؛ امّا مشکل اینجاستکه علی‌رغم کارهای بسیاربر روی متون ادب پارسی، اثری که به دقّت واژه واژهٔ متون را بررسی کرده باشد و بسامد و ویژگی‌های آن‌ها را بیان کرده باشد، بسیار اندک است. لذا در این پژوهش، محبّت نامهٔ خواجه عبدالله انصاری که تنوعات محتوایی و لفظی آن زمینه‌ساز تحقیق‌های مختلف از جمله سبک شناسی است، به صورت دقیق و جزء به جزء بررسی شده است تا شناخت بیشتری از محبّت نامه که نمونهٔ بی‌نظیر و برجسته خلاقیت موسیقایی و آوایی است، به دست آمده باشد.

خواجه عبدالله انصاری جایگاه والایی در تاریخ تصوفدارد. آگاهی و تسلّط وی به لفظ و معنی و تفسیر کلام الله مجید، حدیث و علوم دینی و دانش ژرف ادبی در قلمرو شعر و نثر فارسی، در پیوند با تجربه‌های عرفانی تشخص ادبی به صورت و معنای آثار وی بخشیده است.یکی از آثار وی رسالهٔ محبّت‌نامه است که از یک دیباچه و بیست و هشت باب تشکیل شده است. در تحقیق پیش رو، به سبک‌شناسی لایهٔ آوایی این اثر با توجّه به بسامد عناصر گوناگون، مانند: سجع، جناس، تکرار و وزن پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی: محبّت‌نامه، سبک‌شناسی لایه‌ای، سجع، جناس، تکرار، وزن، خواجه عبدالله انصاری

[۱] استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف¬آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف¬آباد، ایران
[۲] دانشجوی کارشناسی ارشد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف¬آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف¬آباد؛ رایانامه: faryad_elham68@yahoo.com

بررسی وتحلیل افعال پیشوندی دراسرارالتوحید

زهرا خزاعی[۱]

چکیده

افعالپیشوندی از انواع فعلهای زبان فارسی هستند،که درطول تاریخ زبان فارسی رایج بوده وبسامد آنهادر دوره فارسی دری روبه کاهش است.ویژگیهای فعل درسطح ظاهری زبان باسطح معنایی آن در ارتباط است؛ به طوری که ظاهرهر کلمه جنبه ای از معنا را درخود بازتاب می دهد. شکل ترکیبی یا ساده فعل می تواند نشان دهنده ی یکی از جنبه های سبک فردی نویسنده باشد.در تحلیل فعل پیشوندی ضمن معرفی این نوع افعال و کارکردهای سبکی پیشوند و درجه فراوانی آنها در اسرارالتوحید و نقش آنهادرپیروی از سبک مرسل می پردازیم. ودراین پیروی هدف محمد ابن منوراز تالیف، نگاه او به گستره مخاطب و درنظرگرفتن سطح معلومات آنها نقش بسزایی دارد. دغدغه محمد ابن منور بازگویی بی کم وکاست حکایتهای شنیده شده از جدش است.سعی او در امانتداری حکایاتی که به دستش رسیده مستلزم انتقال شکل کهنه ی افعال، به کار گیری زبان ساده ودور از پیچیدگی است.

کلید واژگان: اسرار التوحید، افعال پیشوندی، بسامد، سبک دوره ای، سبک شخصی

[۱] دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ایلام؛ رایانامه: arghavan631@gmail.com

نقد تطبیقی اشعار نیمایوشیج و فروغ فرخزاد با تاکید بر آموزه های مکتب رمانتیسم

محمد خسروی شکیب[۱]
محمد رضا روزبه[۲]
الهه خوشبخت[۳]

چکیده

در این مقاله تلاش شده است تا اساس نقد تطبیقی مکتب رمانتیسم و جایگاه آن به عنوان یکی از مکتب‌های بزرگ ادبی در اشعار شاعرانی چون نیما یوشیج و فروغ فرخزاد مورد بررسی قرار گیرد. مکتب ادبی رمانتیسم و مؤلفه‌های آن در اواخر قرن هیجدهم در اروپا پدید آمد. این مکتب ادبی به عنوان نیاز فکری و درونی و در مفهومی نوین نیاز اجتماعی و سیاسی و فرهنگی، پیوسته مورد توجه بوده است و دارای مشخصه‌هایی چون آزادی، علاقه به طبیعت، درون‌گرایی، اجتماع، انسان دوستی و فردیت می‌باشد که در اواخر قرن نوزدهم به سبب گسترش روابط، شاعران شرقی با مکتب رمانتیسم آشنا شدند و از آن ایده گرفتند. نیما و فروغ از چهره‌های صاحب سبک شعر پارسی هستند. نیما و فروغ هر دو از طریق ادبیات فرانسه با مکتب رمانتیک آشنا و از آن تاثیر پذیرفته اند اما باید گفت شعر نیما از رمانتیسم فرانسه و شعر فروغ از رمانتیسم انگلیسی بیشتر تاثیر پذیرفته اند؛ در نتیجه این پژوهش به بررسی مضامین و مظاهر رمانتیک در اشعار نیمایوشیج و فرخزاد با توجه به شرایط اجتماعی و وضعیت فرهنگی آنان پرداخته است.

واژگان کلیدی: نیما یوشیج، فروغ فرخزاد، رمانتیسم، طبیعت‌گرایی، احساس و عاطفه.

[۱] دانشیار زبان و ادبیات فارسی، عضو هیات علمی دانشگاه لرستان.
[۲] دانشیار زبان و ادبیات فارسی و عضو هیات علمی دانشگاه لرستان.
[۳] کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه:Elahe69khoshbakht@gmail.com

هنجار گریزی آوایی و گویشی در خمسه نظامی

نگار خضری[۱]
وحید علی بیگی سرهالی[۲]

چکیده

پژوهش حاضر، تحقیقی در مورد شعر نظامی در حوزهٔ هنجارگریزی آوایی و گویشی است. هنجارگریزی به معنای شکستن هنجار در نُرم رفتار و نوشتار در زبان مرسوم است که این نوع هنجار گریزی در اشعار نظامی به وفور یافت می‌شود .او از هنجار گریزی آوایی بهره برده و آن را بیشتر برای حفظ و ثُبات وزنی و رعایت قافیه به کار می‌برد که از انواع گوناگون بررسی نموده‌ایم.

نظامی با استفاده از تاثیرپذیری زبان و فرهنگ کردی بر اشعارش، کلماتی را در کلامش برجسته می‌سازد که نه تنها در زبان فارسی معمول نیست بلکه این واژه‌ها مخصوص زبان و گویش کردی است که او به زیبایی هرچه تمام‌تر در اشعارش به کار می‌برد و با استفاده از این نوع هنجار گریزی، واژگان جدیدی را وارد زبان و ادبیات فارسی کرده که می‌توان آن را در نوع خود تازه و بکر دانست، حضور واژگان متفاوت در کلام نظامی که رنگ و بوی محلی دارد در برجسته سازی و تغییر هنجار معمول زبان وی تاثیر خاصی نهاده است.

کلمات کلیدی: خمسه نظامی، برجسته سازی، هنجار گریزی آوایی، هنجار گریزی گویشی.

[۱] دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه.
۲دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه؛ رایانامه: vahid.sarhali@gmail.com .

تحلیل سبک شناسی ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد

سیمین خمامی نخود چری[۱]

چکیده

پژوهش حاضرنگاهی سبک شناسانه به شعر" ایمان بیاوریم به آغازفصل سرد" ازفروغ فرخزاد دارد.فروغ سعی می کند احساسات شاعرانه اش رابا زبان زنانه برای اولین بار ارائه کند که نوعی سنت شکنی است.نگارندگان در این مقاله با روش تحلیلی – توصیفی به بررسی سطح زبانی که شامل آوایی (موسیقیایی)، لغوی ونحوی است،بررسی سطح ادبی که شامل سه سطح بیان،بدیع معنوی و معانی می باشدوبررسی سطح فکری که به بیان مهمترین حوزه های معنایی اندیشه شاعروارتباط آن با اصالت انسانی درراستای حضوردیدگاه های مذهبی واعتقادی است.می پردازند. در این پژوهش به نتایجی از جمله این که تکرارهای طبیعی آن درهمه سطوح (واج، هجا، واژه، عبارت، کلمه،و.....) می باشدو ازنظرادبی شعری است مبتنی برتشبیه وتشخیص که درآن استعاره نیز دیده می شود.

کلیدواژه ها: فروغ ،سبک شعر،احساسات،ایمان ،شادی

[۱] کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

اندیشهٔ صلح در شعر کودک و نوجوان

خدیجه خواجوی [۱]

چکیده

شعر فارسی جدا از زیبایی هنری و لذّت بخشی به مخاطب، همواره وسیله‌ای برای اعتلای فرهنگ و اندیشهٔ جامعه، برای بهره‌مندی ازحیاتی سعادتمندبوده‌است.در سال‌های اخیر و در جریان جهانی شدن و تقابل فرهنگ‌ها، دغدغهٔ حفظ ارزش‌های معنوی در شعر کودک و نوجوان بیش از پیش احساس می‌شود، به طوری که اندیشه‌هایی چون ستایش آزادی، ترویج صلح ، توجّه به ارزش‌های اخلاقی، به‌وفور در شعر به چشم می‌خورد.هدف از این تحقیق بررسی مواردی از استقبال شاعران حوزه کودک و نوجوان ایران از مفهوم صلح و چگونگی انعکاس آن در شعر است. برای این منظوراشعار سه شاعر موفّق این حوزه؛ جعفر ابراهیمی، مصطفی رحماندوست و قیصر امین‌پور بررسی و درباره‌یکم وکیفتبلور اندیشهٔ صلح درآن‌ها بحث شده است. تفکّر صلح جویانهٔ این شاعران به شکلدعوت به دوستی و مهربانی، بیزاری از خشونت و جنگ وگریز از اختلاف و جدایی اعضای خانواده، جلوه‌گر شده است.ترسیم آرمان‌شهرهایی که مشخّصهٔ اصلی آن‌ها برقراری صلح و آشتی پایدار میان انسان‌ها است، بن‌مایه‌یغالباین اشعار است. تطابق ذاتی این گونه مضامین با ذهن پاک مخاطب کم سال از یک سو و هنر شاعر در گنجاندن این اندیشه‌ها در قالب اشعار زیبا از سوی دیگر، به تقویت روحیهٔ صلح‌طلبی درمخاطب می‌انجامد.

کلید واژه:شعر، صلح، کودک و نوجوان، قیصر امین‌پور، جعفر ابراهیمی، مصطفی رحماندوست

[۱]کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه:khajave1363@gmail.com

بررسی و تحلیل تصویر صبح در شعر فریدون مشیری

اکرم خودستان[۱]
دکتر علی صباغی[۲]

چکیده

طبیعت‌گرایی و بهره‌گیری از طبیعت و پدیده‌های آن یکی از منابع تصویرسازی، خیال‌انگیزی و الهام شاعرانه در شعر معاصر فارسی است. با تحلیل گونه‌های آفرینش تصاویر شعری می‌توان به نوع نگرش شاعر و فضای اندیشگی او نزدیک شد. این جستار به بررسی و تحلیل تصویر صبح در اشعار فریدون مشیری می‌پردازد. فرضیه پژوهش پیش رو این است که فریدون مشیری از میان عناصر و جلوه‌های طبیعت، تصویر صبح را بیشتر به‌کاربرده است. پرسشی که در صدد پاسخ بدان، این مقاله نوشته‌شده است عبارت است از اینکه ۱) تلاقی و برخورد نگاه شاعرانه مشیری با طبیعت ـ به‌ویژه صبح ـ چگونه بوده است؟ ۲) تصویر صبح در شعر مشیری به یاری چه شگردهای بلاغی بیان شده است؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها صور خیال مرتبط با صبح در شعر مشیری به شیوه استقرای ناقص گردآوری و به روش توصیفی ـ تحلیلی بررسی و تحلیل شده است. حاصل این پژوهش نشان می‌دهد که مشیری در آفرینش تصاویر طبیعت شاعری میانه-رو است و بیشتر بر پایه نگرش سنتی است؛ همچنین وی برای آفرینش تصویر صبح به ترتیب از شگردهای تشبیه و استعاره و نماد بهره جسته است و در نهایت تصاویر شعری او به سبب زمینه عاطفی قوی، صمیمیت بیان و سادگی نمود بیشتری یافته است.

واژگان کلیدی: شعر معاصر، فریدون مشیری، صور خیال، تصویر صبح.

[۱] دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک
[۲] استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک؛ رایانامه: a-sabaghi@araku.ac.ir

گفتمان غیریّت ساز در« مجموعه هفت قصّه جاده»اکبر رادی

سپیده خوشبین فر[۱]
محمود رنجبر[۲]
علی صفایی[۳]

چکیده:

«مجموعه هفت قصّه جاده» (۱۳۴۹) نوشته اکبر رادی یکی از مجموعه‌های انتقادی- اجتماعی در دهۀ چهل شمسی است. شاخصه اصلی این اثر، رویکرد رئالیستی با تکیه بر ادبیات اقلیمی است. رادی در این مجموعه با دیالکتیک مناسبات مسئله‌دار و افراد درگیر در آن کیفیت متقابل اجتماعی را بازتاب می-دهد.مطابق دیدگاه باختین گفتگومداری در ذات هر اثر هنری نهفته است، در این مقاله فضای گفتگویی حاکم بر کیفیت زندگی انسان در مجموعه داستان اکبر رادی با روش تحلیلی- اسنادی و بر مبنای تلفیق عنصر «خود» از نظریّۀ منطق گفتگویی باختین وکنش متقابل نمادین هربرت بلومر بررسی شده است.

خوانش اثر در قالب گفتمان غیریّت‌ساز بیانگر نشانه‌های متفاوت از وجوه چند پاره انسان معاصر، پایگاه‌ها و طبقه‌های مختلف اجتماعی(شهری و روستایی) در روابط اجتماعی است. صیرورت گفتگوی تعاملی با تمهید چندگونگی صدا دربین شخصیّت های مجموعۀ داستانی هفت قصّه «جاده»اکبر رادیبر پایۀ منطق کنش‌های نمادینی شکل‌گرفته است که تابع تحوّلات تکنیکی و اندیشگانی و دوره حیات نویسنده بوده است.

کلید واژگان: میخائیل باختین، منطق گفتگویی، گفتمان غیریّت ساز، مجموعه هفت قصّه(جاده)، اکبر رادی.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان -
۲- استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلانmamranjbar@gmail.com
۳- دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلانsafayi.ali@gmail.com

بررسی ومقایسه ویژگی های زبانی و محتوایی وادبی دو بیتی های باباطاهر همدانی و دو بیتی های جنوب با تکیه بر اشعار فایز ، نادم و مفتون

سید مهدی خیراندیش[۱]

چکیده

دوبیتی شعری است به زبان پهلوی و در بحر هزج مسدس است.قدیمی‌ترین اشعار دوبیتی به معنای امروزی آن، ترانه‌های بابا طاهر همدانی است که از قرن پنجم هجری قمری بر جای مانده است. پس از بابا طاهر، از جمله دوبیتی سرایان توانای زبان فارسی می‌توان به فایز دشتی، نادم شبانکاره‌یی و مفتون بردخونی اشاره کرد.هر کدام از این بزرگان با سرودن ترانه‌های محلی، سعی در زنده نگه داشتن فرهنگ و ادب بومی منطقه‌ی خود داشته‌اند، اما متاسفانه به‌دلیل ثبت و ضبط نشدن احوال و آثارشان، زندگی و اشعار آن‌ها در هاله یی از ابهام بوده و به دست فراموشی سپرده شده است. اگرچه میان فهلویات بابا طاهر و ترانه‌های شاعران جنوبی تاحدودی اختلاف زبانی و محتوایی وجود دارد، اما با توجه به برخی شباهت‌های لغوی و محتوایی وحتی ادبی میان این اشعار می توان گفت دو بیتی های امثال فایز دشتی ادامه ی همان فهلویات کهن هستند که در اثر تغییر و تحولات زبانی و محتوایی، به شکل نوینی ارائه شده‌اند.

کلید واژه: بابا طاهر، فایز، نادم، مفتون، دوبیتی، زبان، محتوا.

[۱] دانشیاریار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور؛ رایانامه: kheirandish1960@yahoo.com

بررسی وتحلیل بیتی مشهور از غزلیات حافظ براساس نسخه کتابت سال ۸۰۱ هجری

سید مهدی خیراندیش[۱]

شهرام بهمنی[۲]

چکیده

دیوان غزل های حافظ یکی از پرکاربردترین مجموعه شعرهای ادبیات فارسی است که بلافاصله پس ازدرگذشت شاعرش مورد توجه کاتبان قرار گرفت ودرطول تاریخ نسخه های فراوانی ازاین دیوان بر جای مانده است. دردوره معاصرجدای ازنسخه های چاپی مشهوردیوان حافظ که ازمیان ده هانسخه خطی سربرآورده ودرمیان مردم علاقه مند نهادینه شده اند، در برخی ازنسخه های خطیی که پس ازچاپ دیوان به دست آمده ودر تصحیح، به عنوان نسخه بدل ازچشم مصححان دورمانده اند گاهی بیت هایی یافت می شود که باتوجه به تناسب واژگانی ودرپیوند معنایی نسبت به متن چاپ شده برتری دارد. دراین مقاله به یکی ازاین بیت هاپرداخته می شود که درعموم نسخه های مشهور چاپی چنین آمده است:

کمتراز ذره نه ای پست مشو مهر بورز تابه خلوتگه خورشید رسی چرخ زنان

اماضبط این بیت درآخرین نسخه خطی که پس ازچاپ نسخه های حافظ، کشف شده وکتابت آن به سال۸۰۱ هجری بازمی گردد، بدین گونه است:کمتر از ذره نه ای پست شو و مهر بورز تا به خلوتگه خورشید رسی رقص کنان

ودرادامه مطلب باشیوه تحلیلی توصیفی بادلایل وقراینی که ارایه می شود ترجیح بیت فوق برمتن های چاپی بیان می گردد.

کلید واژه : پست شدن ، ذره ، خلوتگه خورشید ، رقص کنان.

[۱] دانشیار دانشگا پیام نور شیراز

[۲] دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور شیراز؛ رایانامه: kheirandish.1960@yahoo.com

تحلیل گفتمانی تجربه‌های بشری در رمان گردان قاطرچی‌ها

الهه داداش‌نژاد پته رودی[۱]

محمود رنجبر[۲]

چکیده:

گفتمان کاوی یکی از شیوه‌های نقد ادبی جدید است که به مناسبات گفتمان و هژمونی قدرت در مسائل اجتماعی و روابط بینافردی می‌پردازد، با تخیل ویژگی‌های عناصر گفتمان می‌توان سازوکار روابط حاکم بین افراد و تجربه‌های زیسته آنها و تأثیرات فرهنگی،اجتماعی تولید آنها را بررسی نمود.رمان گردان قاطرچی‌ها از جمله رمان دفاع مقدس است.این رمان ویژگی‌های گفتمان اجتماعی و ارتباطی شخصیت های نوجوان درگیر جنگ را به تصویر کشیده است.کنش‌های شخصیت‌های این رمان در طول رمان به اشکال کنش‌های فردی،کنش‌های بینافردی و کنش‌های فرافردی جلوه‌گر شده است. دنیای ارائه شده در داستان گردان قاطرچی‌ها واقعی و برگرفته از دنیای امروز است و امکان تحقق آن در دنیای واقعیت وجود دارد و اشارات صریح و دقیق و ظریف در فضای داستان نشانگر واقعی بودن داستان می‌باشد.

در این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی مناسبات گفتمانی شخصیت‌های رمان گردان قاطرچی‌ها از منظر گفتمان بررسی شده است.نویسنده نشان داده است که شخصیت‌ها در کنش‌های برجستهٔ خود، از گفتمانی فرافرهنگی بهره گرفته‌اند به گونه‌ای که بسیاری از رفتارهای آنان در مناسبات فرهنگی و رفتار جهانی قابل تعمیم است.

کلیدواژگان: گفتمان، شخصیت‌پردازی، تجربه‌های بشری، رمان گردان قاطرچی‌ها

[۱] کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه: maryam.72kiani@gmail.com

[۲] هیات علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان

بررسی شخصیت پردازی در مجموعه داستان «نمازخانۀ کوچک من»

سحر دارایی[۱]
محمدجواد زینلی[۲]

چکیده

از آنجا که هوشنگ گلشیری از نویسندگان تأثیرگذار معاصر است، بررسی تکنیک‌های داستان‌نویسی او ضروری است. در این پژوهش شخصیت پردازی به عنوان یکی از مهمترین عناصر داستان امروز، در نه داستان مجموعۀ «نمازخانۀ کوچک من» اثر گلشیری بررسی شد. روش گردآوری اطلاعات ،کتابخانه‌ای وتجزیه و تحلیل داده ها، توصیفی تحلیلی می‌باشد.در پایان این پژوهش مشخص شد که هوشنگ گلشیری بیشتر از شیوۀ شخصیت‌پردازی غیر مستقیم استفاده می‌کند. شخصیت‌ها در عین آنکه به شیوه‌ای مدرن ساخته می‌شوند، هدف اصلی وجودشان،القای درونمایه است. گلشیری بیشتر از روش توصیف غیر مستقیم و ابزارهای اعمال و رفتار ،نظرات سایرین ، محتوای گفتار ، تقابل و قیاس، اشیاء همراه و گاهی ویژگی‌های ظاهری‌و نام اشخاص برای پرداخت آنها بهره می‌برد. بیشتر شخصیتها غمگین، مضطرب، هراسناک، متوهم و گاهی دارای اختلالات روانی هستند و گلشیری در عین حال از سیاه و سفید دیدن آنها می‌پرهیزد این امر باعث القای مفاهیم تشکیک و نسبی‌گرایی در داستان‌ها می‌شود که درونمایۀ پایه‌ای و مشترک اغلب داستان‌های این مجموعه است.

واژگان کلیدی: شخصیت پردازی، نمازخانۀ کوچک من، گلشیری، نسبی گرایی، تشکیک

[۱]دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور سمنان؛ رایانامه: s_daraei@yahoo.com
[۲]استادیار دانشگاه پیام نور سمنان

بازتاب فرهنگ عامه در کتاب تات نشین های بلوک زهرا نوشتهٔ جلال آل احمد

آذر دانشگر[۱]

معصومه زارع کهن[۲]

چکیده

واکاوی فرهنگ عامه ، بازخوانشی دیگر از فرهنگ‌و آدابی فراموش شده است که از طریق آن وفرهنگ قوم یا ملتی دور و یا نه چندان دور بازگو می شود. با شناخت باورهایی که ریشه در آداب و رسوم، آیین ها و مذاهب یک ملت دارد، می توان به صبغهٔ فرهنگی آن قوم یا جامعه پی برد و همچنین می توان با خلقیات و روحیات و افکار آن ها آشنا شد. جلال آل احمد در کتاب تات نشین های بلوک زهرا به بازگویی چگونگی زندگی مردم خطهٔ بلوک زهرا پرداخته است. وی با جملاتی ساده و موجز سعی در شناساندن فرهنگ و آداب و رسوم این منطقه دارد. دراین نوشتار سعی مؤلف بررسی و دسته بندی فرهنگ عامه در کتاب تات نشین های بلوک زهرا بوده است. که در دو گروه باورهای عامه و ادبیات عامه طبقه بندی شده است.

کلیدواژه : فرهنگ عامه، باورهای عامه،ادبیات عامه ،تات نشین‌های‌بلوک‌زهرا، جلال‌آل‌احمد

[۱].استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی،دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج،ایران email:a.daneshgar2015@gmail.com

[۲]. دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی احدکرج،ایران

زبان فارسی در مواجهه با زبان جهانی:
شناخت چالشها و تعیین اولویتها از منظر جامعه‌شناسی زبان

حسین داوری[۱]

چکیده

جهانی‌شدن به‌مثابهٔ رخدادی چندبعدی و درهم‌تنیده، حامل تغییرات و پیامدهایی اساسی و سرنوشت‌ساز در حوزه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است که عملاً بر همهٔ جوامع، به اشکال گوناگون و در ابعاد مختلف، تأثیرگذار بوده است. اما از جمله حوزه‌های مهم که کمتر در پژوهش‌های حوزه زبان فارسی بدان پرداخته شده، مساله تاثیرگذاری آن بر این زبان بوده است، تاثیرگذاری‌ای که تا حد قابل‌توجهی متاثر از تاثیرگذاری زبان جهانی یعنی زبان انگلیسی و گفتمان‌های حاصل از گسترش آن بوده است. در حالی‌که معدود پژوهش‌های این حوزه به‌شکلی جزءنگرانه به تاثیرات عمدتا واژگانی و نحوی زبان انگلیسی بر زبان فارسی پرداخته‌اند، در این مقاله بر پایه رویکردهای مطرح حوزه جامعه‌شناسی زبان، ضمن برشمردن گفتمان‌های حاصل از تقویت و گسترش زبان جهانی، به چالشهای پیشِ روی زبان فارسی و تعیین اولویت‌های آن در سایه برنامه ریزی زبانی تاکید شده است.

واژه‌های کلیدی: جهانی‌شدن، زبان انگلیسی، گفتمان، زبان فارسی، برنامه‌ریزی زبانی.

[۱] استادیار دانشگاه دامغان؛ رایانامه: h.davari@du.ac.ir

نگاهی عرفانی به عناصر نمادین داستان حسن و دل سیبک نیشابوری بر مبنای کهن الگوهای یونگ

مریم دباغیان[۱]
زینب نوروزی[۲]

چکیده

داستان عاشقانهٔ « حسن و دل » اثری از محمّد یحیی سیبک نیشابوری، یکی از داستانهای رمزی و تمثیلی ادب فارسی است که با وجود برخورداری از ظرایف ادبی، استفاده ازآن به عنوان داستان نمادین عاشقانه برای بیان سلوک عرفانی و سیر الی الله و بررسی آن از دیدگاه روان شناسی تحلیلی یونگ کم تر مورد توجّه محقّقان و ادیبان قرار گرفته است. سیبک ساختمان مدور خویشتن یابی را به شکل یک تابلوی زیبای انسانی ترسیم می کند. او مراتب عقل در عرفان و ارتباط آن با عشق را از ابتدا تا انتهای داستان به تصویر می کشد و با گذر از مرتبهٔ عقل جزئی در ابتدای داستان، به مرتبهٔ عقل کلی در پایان آن می رسد و نشان می دهد که عقل و عشق، منافاتی ندارند بلکه همراهی آن دو، نشانه تکامل است و انسان کامل؛ ترکیبی از عقل و عشق است. بنابراین تشخّص داستانی قابل توجّهی دارد و همین اندیشه هاست که این منظومه را به دیدگاه یونگ و جنبه های نظریهٔ ناخودآگاه او نزدیک و از این زاویه قابل تحلیل می کند. این پژوهش با نگاهی عرفانی، به بررسی داستان حسن و دل از دیدگاه کهن الگوهای یونگ می پردازد. بر اساس این بررسی و تحلیل نمادهای کهن الگویی میل به جاودانگی، طلب و شوق، سفر، من، آنیما و آنیموس، سایه، نقاب، قهرمان، پیر دانا، خود و تولدی دوباره، نشان داده می شود که مطابق کهن الگوهای یونگ، سالک قهرمان با گذر از این مراحل به یاری پیر خردمند، از گذرگاه دشوار «من و خودآگاه» حرکت می کند و سرانجام به «تولّد دوباره و فرایند فردیت» می رسد و در پرده فنا و استغراق در ناخودآگاه جمعی خویش، معارف بر دلش جاری می گردد و زندگی جدیدی را آغاز می کند.

کلمات کلیدی: حسن و دل، سیبک نیشابوری، عشق و عقل ، ناخودآگاه، سلوک عرفانی، کهن الگوی یونگ.

[۱]- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی . دانشگاه بیرجند؛ رایانامه: akbish90@yahoo.com
[۲]- دانشیار زبان و ادبیات فارسی . دانشگاه بیرجند

بررسی عامل روان‌پریشی راوی در بوف کور صادق هدایت

مریم درپر[۱]

چکیده

مسئله‌ای که پژوهش حاضر بدان می‌پردازد، بررسی عامل روان‌پریشی راوی در بوف کور صادق هدایت است؛ راوی روان‌پریش بوف کور درمیان ترس‌ها و هراس‌ها زندگی می‌کند و به دنیای تصور، خیال، غریزه و ناخودآگاه پناه آورده است.عامل عمدهٔ روان‌پریشی‌را تجربهٔ دردناک فقدان همدلی و جدایی عاطفی نزدیک‌ترین والد نوزاد، به‌ویژه مادر یا جانشین او، دانسته‌اند؛ راوی بوف کور در نیمهٔ دوم روایت، جدایی از والدینش را شرح می‌دهد. عامل این جدایی، مطابق آمدن سلیقه و عشق عمویش با سلیقهٔ پدرش است و از این رو تا پایان روایت «خندهٔ چندشناک» نشانه‌ای است که عمو یا پدر راوی را بازنمایی می‌کند. در روایت بوف کور، عشق راوی به مادری که او را حتی به خاطر نمی‌آورد آشکار است؛ این عشق وامانده و زمین‌خورده خلاء عاطفی‌ای را برای او ایجاد نموده که سبب روان‌پریشی‌اش گردیده و سررشتهٔ پناه بردن به دنیای تصور، خیال، غریزه و ناخودآگاه را در متن سامان داده است. با توجه به زمان آفرینش بوف کور جدایی از والدین را رمزی می‌دانیم که بیانگر جدایی از آرامش حضور در سرزمین و وطنی به دور از آسیب جنگ و مرگ است، جنگ و مرگی که روان‌پریشی پیامد آن است.

کلیدواژه‌ها: روان‌پریشی، راوی، بوف کور، صادق هدایت

[۱] استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کوثر بجنورد؛ رایانامه: dorpar90@gmail.com

چالش واژگانی و گفتمانی چندهمسری در شعر رقیب از سیمین بهبهانی

مریم درپر[۱]

چکیده:

چندهمسری یکی از مهم‌ترین مسائل مطرح در حوزهٔ دانش‌های جامعه‌شناسی، روانشناسی، قوم‌نگاری و مردم-شناسی است. با وجود کاربرد واژهٔ «چندهمسری» در زبان فارسی که ما را وادار به پذیرش واژه می‌نماید، بررسی معنای «همسر» به‌عنوان بخشی از این واژهٔ مشتق- مرکب، تناقض و تعارض معنایی در ساخت‌واژه را نشان می‌دهد؛ اضافه شدن واژهٔ «چند» بر سر «همسر»، تعادل و برابری را و یا بر طبق آنچه در فرهنگ لغت آنندراج آمده است، عدیل بودن را بر هم می‌زند. مسئله برهم خوردن این تعادل و توازن در شعر سیمین بهبهانی نشان داده و بهبهانی در شعر رقیب، به چندهمسری به‌عنوان یک مسئلهٔ اجتماعی پرداخته است؛ مقالهٔ حاضر رقیب را از دو نظرگاه واژگانی و گفتمانی مورد بررسی قرار می‌دهد. به نظر می‌آید که «رقیب» در قالب گفتمانی عاطفی واژهٔ چندهمسری و ماهیت آن را به چالش می‌کشد. در این پژوهش، ابتدا نگاهی گذرا به زندگی سیمین بهبهانی خواهیم داشت و در ادامه، چالش واژگانی و چالش گفتمانی چندهمسری را در دو نیمهٔ شعر با تجزیه و تحلیل نام‌دهی، تقابل گفتمانی، زاویهٔ دید، کنش داستانی و ارزیابی راوی از این کنش بررسی خواهیم کرد. نگاهی هرچند گذرا به زندگی سیمین بهبهانی، به‌عنوان شاعر ملموس، نشان می‌دهد که با حال و هوای روایتی که راوی اول شخص رقیب توصیف و تصویر می‌کند، بیگانه نبوده است. گفتمان رقیب نشان می-دهد که حضور «دیگری» توازن و تعادل را در خانه بر هم زده است و اصلاً کاربرد واژهٔ همسر را برای «دیگری» نمی‌پذیرد و در واقع اصطلاح چندهمسری را به رسمیت نمی‌شناسد. در گفتمان رقیب، وجود «دیگری» با عنوان «رقیب» بزرگترین آسیبش را به کودکان می‌زند و کودکان اولین قربانی این عدم تعادل یا بر هم خوردن عدل و عدیل و کفه‌های موازی بار عواطف، احساسات، مسئولیت و ... در دوسویهٔ زندگی هستند. بعد از کودکان دومین قربانی، زنی است که زمانی به‌عنوان همسر و مادر در آن خانه ایفای نقش می‌نموده است. این دو قربانی در شعر به وجه نمادین بازنمایی شده و با زهری که به دست خودی در جام ریخته شده کشته می‌شوند. در این بازنمایی نمادین، خودی می‌تواند هم زن دوم را شامل شود که با وجود یکسان بودن جنسیتش با زن اول، زندگی او را زهرآگین و تباه می‌کند و هم می‌تواند به کوتاهی‌هایی که خود راوی در زندگیش داشته اشاره کند و هم همسر او را به‌عنوان شریک جرم این مرگ هولناک شامل شود.

کلیدواژه‌ها: رقیب، سیمین بهبهانی، چندهمسری، چالش واژگانی، چالش گفتمانی

[۱] استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کوثر بجنورد؛ رایانامه: dorpar90@gmail.com

آب وگذر از آب در اساطیر ایرانیان ،هندیان و مصریان باستان

بنفشه دربندکوهی[۱]

فاطمه مدرسی[۲]

چکیده

آب اساس خلقت بشری و مایه حیات است . سرچشمه و منشا همه امکانات هستی ،آشناترین تجسم برای مفهوم زندگیست که بعد از خاک پست ترین و پایین ترین سطح جهان ماده را تشکیل می دهد و در تمام جنبه های زندگی انسان دارای ارزش و جایگاه ویژه‌ای است و حاوی رمزهایست که ارتباط عمیق با تفسیر های انتزاعی ذهن غریزی انسان از تولد ،زندگی ،مرگ و تولد دوباره دارد .این پژوهش بر آن است تا به روش توصیفی- تحلیلی گذر از آب را در اساطیر بین النهرین مورد بررسی قرار دهد . نتیجه تحقیق حاکی از آن است که آب عنصری است ازلی و نماد دنیایی مینویی به همین دلیل به آدمی زندگی دوباره می بخشد و گذر از آن حیات دوباره و نماد دوره دیگری از زندگی است که آغاز می‌شود . در گذر از آب قهرمان اسطوره ای پس از گذشتن از آب به دوره‌ای جدید و دنیایی وارد می شود که در آن رویای پیروزی و روشنی به آفتاب واقعیت بدل می شود..

واژگان کلیدی : اسطوره بین النهرین ، نماد آب ، آب ، گذر از آب

[۱]کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه: Banafshedarbandi@Gmail.com

[۲]هیأت علمی دانشگاه ارومیه

روایت «خانهٔ سریویلی» نیما یوشیج بر اساس تحلیل نمادهای سمبلیک شعردر پرداخت به اسطورهٔ هبوط

محمود درگاهی[۱]

مهری علوی‌نیا[۲]

چکیده:

در این مقاله نگارندگان می کوشند مسئله هبوط آدم و تعامل او با شیطان را از دیدگاه نیمایوشیج بر اساس تحلیل روایت‌گونه و سمبلیک داستان« خانه ی سریولی» تبیین نمایند. شیوه تحقیق در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است که با روش مطالعاتی و کتابخانه ای گردآوری شده است.

دراین پژوهش، ابتدا با مقدمه ای با موضوع اسطوره هبوط، به ارتباط آن با داستان مورد نظر می پردازند. سپس در خلال روایت ، به تحلیل نگاه نمادین و متفاوت نیما می نشینند.درنهایت بااستدلال خود و بااستناد به مفاهیم و مضامین آیات قرآن به این نتیجه می‌رسند که سریولی نماد «آدم » است که از بهشت هبوط می‌کند و میهمان ناخواندهٔ او همان شیطان است اما بخش جالب ماجرا، «عصیان متافیزیکیِ» «سریویلی» پس از هبوط است که از این منظر، با روحیات خودِ شاعر، نزدیکی پیدا می‌کند.پایان ماجرا ازتغییر جهان بینی او حکایت دارد. انتهای مقاله به تحلیل نظرات مشابه دیگر شاعران، نسبت به اسطورهٔ هبوط اختصاص میابد.

کلید واژه ها:روایت،سمبل، سریولی،آدم و شیطان.

---

[۱] استاد دانشگاه زنجان

[۲]کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه زنجان

راهکارهای گسترش آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان با امکانات رایانه‌ای

لیلا درویشعلی پورآستانه[۱]

چکیده

زبان فارسی با آن پیشینهٔ تمدنی قوی و فرهنگ غنی خود نتوانسته در عرصهٔ جهانی به زبانی بین المللی تبدیل شود. تبیین چرایی این مسئله و نفوذ و گسترش فراگیر زبان‌های میانجی و بین المللی چون انگلیسی، اسپرانتو ، چینی، اسپانیولی، فرانسوی، روسی ، عربی و اسپرانتو می‌تواند کلید حل این مسئله باشد. براساس یافته‌های پژوهش سختی یا آسانی یک زبان عامل تعیین کننده برای ترویج یک زبان نیست بلکه قدرت اقتصادی و سیاسی یک زبان نقش مهمی در فراگیری و اعتبار یک زبان در عرصهٔ بین المللی دارد و اگر زبانی بتواند بین المللی شود می‌تواند از نظر علمی و اقتصادی و فناوری اطلاعات پیشرو باشد. این مقاله کوشیده با رویکرد توصیفی ـ تحلیلی ضمن معرفی دو زبان میانجی پرمخاطب؛ یعنی انگلیسی و اسپرانتوو فواید بین المللی شدن زبان، راهکارهایی را برای بهبود روند آموزش زبان فارسی در سطح ملی و بین المللی ارایه کند تا در پی آن منجر به ترویج زبان و ادبیات فارسی در سطح بین المللی شود.

واژه‌های کلیدی: زبان های بین المللی، رایانه، آموزش الکترونیک

[۱] دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران؛ رایانامه: Ldarvishalipur@yahoo.com

تفرج در گلچین آثار احمد عزیزی

لیلا درویشعلی پورآستانه[۱]

چکیده:

احمدعزیزی (۱۳۳۷ـ ۱۳۹۵) از چهره‌هایپُرکار و خلّاق معاصراست که توانست در انواع قالب‌های ادبی شعر سنتی و شعر نو طبع آزمایی نماید و شطح[۱] خود را با جریان مدرنیسم همگام سازد. وجود ارتباطی موازی بین شگردهای ادبی و محتواییشعر و شطح او وحدتی اندام‌وار به کل آثارش بخشیده است.غزل عزیزی عصارهٔ نه قرن تجربهٔ غزل فارسی است که اغلب شکل و محتوای غزل حافظ، مولانا، صائب و بیدل را تداعی می‌کند. در شعر و شطح او دو رشته تصاویر *پنداری* (عمدی) و *پدیداری* (خیالی) وجود دارد؛ تصاویر پنداری او بیشتر با شگرد جناس، مراعات نظیر، تشبیه حسی به حسی،واج آرایی، تضاد، بازتحلیل کلمات و اصطلاحات و تصاویر پدیداریی‌اش با شگرد آثار مدرنیسم مثل تداعی‌های زمان‌شکن و مکان-گریز،بی‌طرحی و بی‌قصگی،پرش‌های موضوعی، قرائت یک نفس و طولانی، استحاله[۲] ، مونولوگ و دیالوگ وهمی، مهمل‌نویسی، حس‌آمیزی وپارادوکس ساخته شده‌اند.هدف اینجستار، معرفی آثار عزیزی و نوآوری‌های زبانی، تصویری و محتوایی اوبا رویکرد توصیفی ـ تحلیلی است. گسترهٔ پژوهش، گلچین چند اثر مطرح عزیزی با نام‌های *قوس‌غزل*(۱۳۸۶)، مثنوی *خواب میخک*(۱۳۸۷)،*یک لیوان شطح داغ*(۱۳۸۸) و *باران پروانه*(۱۳۷۱)است.

کلیدواژه : احمد عزیزی، تصویر ، شطح.

[۱] دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران؛ رایانامه: Ldarvishalipur@yahoo.com

غم و «خود پیدایی» در غزلیات دیوان شمس مولانا

زهرا درّی[۱]

فرامرز حیدری پرچکوهی[۲]

چکیده

با آن که گفته شده است عارف اهل غم نیست، عشق به مبدأ وجود و دور ماندن از وطن اصلی یکی از عوامل اندوه عارفان است. مولوی با اعتقاد به وحدت وجود، فراق و جدایی از حقیقت هستی را بر خود نمی‌پسندد و در اشعارش به شکوه و شکایت بر می خیزد خصوصا آن گاه که رابطه‌ی وجودی خویش را در برابر معبود در می‌یابد چه با این دریافت که عظمت عنایت او را در می‌یابد و خلایق را غافل و چه از این نظر که خواهان یکی شدن با دریای وجود است و این در مکاشفه محقق می‌گردد . با این دیدگاه غم و اندوه عارفانه از احوال روحی عرفاست که از آن به حزن و وجد تعبیر می کنند و برای آن درجات و مراتبی قائلند.در این پژوهش با توجه به مفاهیم وجد و خوف و قبض و...که در عرفان اسلامی با غم در پیوند هستند ، غزلیات دیوان شمس از نظر کاربرد مضامین مرتبط با غم و اندوه و غربت عارفانه مورد بررسی قرار می گیرد.

واژگان کلیدی: ، وجد ، عشق، اندوه، غربت.مکاشفه ،فراق

[۱] استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج؛ رایانامه: zahra_dorri@yahoo.com

[۲] کارشناس ارشد زبان وادبیات فارسی

بررسی و تحلیل سبک‌شناسی فکریِ قصاید اثیرالدین اخسیکتی

کاظم دزفولیان راد[۱]
شکیبا ملکشاهی[۲]

چکیده

قرن ششم دوره‌ای جریان‌ساز در تاریخ شعر فارسی است. شعر این دوره، هم از نظر لفظی نسبت به دورهٔ قبل صعب‌تر و مشکل‌تر شد و هم از نظر فکری و معنوی دچار تحوّل شد. اثیرالدین اخسیکتییکی از شاعران جریان‌ساز و تحوّل‌گرای این عهد می‌باشد که در تغییر سبک از خراسانی به سبک عراقی تأثیر بسزایی داشته است. وی با خاقانی و مجیرالدین بیلقانی معاصر بوده و از اشعار آنان تأثیر پذیرفته است. به خاطر این رابطه و تأثیرپذیری، می‌توان گفت که مختصات فکریِ حاکم بر اشعار اخسیکتی، همان مختصاتی است که شاعران سبک آذربایجانی از آن‌ها بهره برده‌اند. شاعران این سبک مضامین و موضوعاتی چون: تفاخر و خودشیفتگی، اشاره به قرآن و حدیث، مخالفت با فلسفه‌ییونان، پرداختن به عرفان و مسائل عرفانی، هجو و بدزبانی، وارد کردن معلومات شخصی در شعر و ... را مورد بحث قرار داده‌اند. اثیرالدین اخسیکتی نیز این افکار و اندیشه‌ها را وارد شعر خود کرده است، این افکار در قصاید وی رنگ و نمودِ خاصی دارد و می‌توان گفت که اکثر قصاید او از نظر زبانی، ادبی و هم از لحاظ فکری، تقلیدی است از شعرای سبک آذربایجانی
در این مقاله سعی شده است تا برخی مختصات فکریِ اشعار اثیرالدین اخسیکتی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: اثیر اخسیکتی، سبک‌شناسی فکری، قصاید، سبک آذربایجانی، خاقانی.

---

[۱] استاد زبان و ادبیات فارسی، شهید بهشتی تهران
[۲] کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، شهید بهشتی تهران؛ رایانامه: masnavi1371@gmail.com .

بررسی ویژگی‌های سبکی رسالهٔ مشارب الاذواق اثر میر سید علی همدانی

ابراهیم دستگیر[۱]
نسیم رضایی[۲]
عزیزاله عبدلی[۳]

چکیده

سید علی بن شهاب الدین بن سید محمد همدانی، معروف به امیر سید علی همدانییکی از عارفان گرانقدر قرن هشتم هجری است. از میرسیدعلی همدانی کتاب و رساله‌های بسیاری در موضوعات گوناگون تفسیری، روایی، اخلاق، فلسفه و حکمت، عرفان و ادبیات به جا مانده است از جمله رساله مشارب الاذواق که در شرح سی و دو بیت از قصیده میمیه چهل و یک بیتی ابن فارض مصری نگاشته شده است.در نگاهی کلی این رساله نثری ساده دارد و به لحاظ طبقه بندی نثر همانند کتب عرفانی قرن هشتم در ردیف نثر ساده قرار می‌گیرد و با وجود اینکه این رساله در قرن هشتم نوشته شده است اما چند نمونه از ویژگی‌های سبک خراسانی یانثر دوره اول در آن دیده می‌شود. پژوهش حاضر پس از معرّفی کوتاه رساله و نویسنده، به بیان جنبه‌های سبک‌شناسانه آن با ذکر نمونه‌هایی پرداخته و بر این اساس سعی داشته تا علاوه بر بررسی یکی از آثار غنی ادبیات عرفانی و آشنایی بیشتر با میرسید علی همدانی سبک نویسندگی او را تا حدی روشن و مشخص کند.

واژگان کلیدی: میرسید علی همدانی، مشارب الاذواق، سبک شناسی.

[۱]کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه: ebrahimdastgir@yahoo.com
[۲]دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی
[۳]دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی

تلمیح چه چیز نیست ؟

فقیهه دهقان[۱]

چکیده

با توجه به گستردگی علوم بلاغی و پراکندگی اقوال و نظرات درباره آن ها ،آشفتگی ،یک دست نبودن و مشخص نبودن حد و مرز برخی مفاهیم این علوم ،امر آموزش به علاقمندان ادبیات فارسی ،دانشجویان و دانش آموزان دبیرستانی را سنگین کرده است.این به هم ریختگی ها شخص را دچار سردرگمی کرده و لذت و شیرینی ادبیات فارسی را از او خواهد گرفت.

با نگاهی به کتابهای بلاغی در توضیح سه اصطلاح تلمیح ،اقتباس و تضمین با تعاریفی مشابه مواجه می شویم . این عدم تمایز در تعریف این اصطلاحات تشخیص و تمیز مصادیق آن ها را برای همه به ویژه دانش آموزان و دانشجویان که باید از سد کنکور یا آزمونهای تخصصی بگذرند دشوار و ناممکن ساخته است. تلمیح را در لغت ،اشاره به چشم و ابرو دانسته اند و در اصطلاح علم بلاغت « اشاره به آیه و حدیث ،شعر،مثل،داستان» . در تعریف اصطلح اقتباس نیز آوردن «آیه و حدیث» را می بینیم . در این مقاله کوشیده ایم با تعاریف تلمیح «اشاره به مثل و داستان» اقتباس «آوردن آیه و حدیث» و تضمین «آوردن شعر» دایره مصادیق هریک را از دیگری محدود سازیم.

واژگان کلیدی : بازتعریف ، بازنگری ، تلمیح ، اقتباس ، تضمین ،سرقت ادبی

[۱] دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی همدان؛ رایانامه: www.dfaghiheh@yahoo.com

غم و شادی در مثنوی

فقیهه دهقان [۱]

چکیده

غم و شادی از پدیده‌های انسانی است. مولانا یکی از شعرای برجسته ای است که به حیات جسمانی و روحانی انسان توجه خاصی مبذول کرده است . غم را به عنوان هدیه ای از خداوند می داند که باید بابت آن همیشه شاکر بود، چرا که غم نشانی از رحمت الهی است . شادی پسندیده شادی ای است که هنگام عبادت و کمک و یاری به هم نوع در وجود انسان ایجاد می شود و حس رضایت مندی را به او می دهد. تمام نکاتی که مولانا در مثنوی و سایر کتاب های خود به آن پرداخته است، همه از فرهنگ اسلامی که غنی ترین فرهنگ ها است گرفته شده است. در این پژوهش سعی شده است غم و شادی از نظرگاه مولانا مورد بررسی قرار داده شود تا همگان با تغییر دادنِ دیدِ خود نسبت به پدیده ها و جهان هستی، زندگی را سرشار از خوشی معنوی کنند.در جان مولانا نیز این حس به طرزی غریب با یکدیگر امتزاج یافته و وحدت گرفته‌اند و دیگر از هم قابل تفکیک و تشخیص نیستند این مطلب را می توان از اشعار وی استنباط کرد در واقع غم و شادی از عمده ترین درون مایه های داستانهای مولوی می باشد. اصلاً غمگین شدن و شاد شدن مولوی فرآیندی دائمی و به هم متّصل است. مولانا یکی از فلسفه‌های وجود غم و شادی را زیباتر شدن زندگی می‌داند..مولانا اگرچه مثنوی را با بیان هجرت و فراق آغاز کرده، ولی او شاعر شادی است، زیرا در هیچ جای سخن او ردپایی از یاس و غم دیده نمی شود.

کلید واژه: مثنوی، مولانا، غم، شادی

[۱] دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی همدان؛ رایانامه: dfaghiheh@yahoo.com

«منابع و مصادر فارسی شیخ بهایی در کشکول او»

مریم دهقان نیری[۱]
سید محمود الهام بخش[۲]
کاظم مهتدیانی[۳]

چکیده:
برای پی بردن به منابع افکار و آرای اندیشمندان و تأثیر میراث علمی و فرهنگی در آنان، آگاهی از سوابق آموزشی و مطالعاتی آنان وسیله ای حایز اهمیت و روشنگر است. کتابها و رساله هایی که در حوزه های علمیِ وقت رایج و در زمرهٔ موادّ درسی یا جنب درسی بوده شناسه ای معتبر در این راه شمرده می شود. دراین مقاله که به بررسی منابع و مصادرفارسی شیخ بهایی و بازتاب آنها در کشکول وی اختصاص دارد، برای آشنایی هرچند اجمالی، حوزهٔ مطالعاتی بهایی، به معرفی آثاری پرداخته می شود که وی،در کتاب گرانقدر خود، کشکول، صراحت از آنها نام برده است.شیخ بهایی برای نگارش این اثر از ۱۲۰منبع عربی و فارسی استفاده کرده که در این میان اطلاعات بعضی از این منابع برای ما مشخص نشد، اما موفق شدیم اطلاعات ۳۳کتاب فارسی را هرچند به طور مختصر در این مقاله بیاوریم. شیخ بهایی در این کتاب از منابع با موضوعات مختلفی از قبیل اخلاق، حدیث، اصول عقاید،نحو،فلسفه،تاریخ،حکمت،عرفان،ادب،اخلاق و... بهره برده که در حد امکان سعی شده آماری هم از این موضوعات ارائه شود.شیخ بهایی ازبعض منابع مانند: مثنوی معنوی، دیوان حافظ ، سلسلهٔ الذهب، تحفهٔ الابرار، خسرو و شیرین و منطق الطیر استفاده بیشتری کرده و از بعضی منابع مانند: تهافهٔ الفلاسفه ،جام جم،من لا یحضره الفقیه، تاریخ بغداد، تحفهٔ الابرار، قوت القلوب، نجات، حدائق الحقایق فقط یکبار مطلب آورده است

کلیدواژگان:شیخ بهایی، کتاب شناسی،کشکول، نقد محتوایی

[۱]دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد
[۲]استادیار گروه زبان وادبیات فارسی دانشگاه یزد؛ رایانامه: .Selhambakhsh@yazd.ac.ir
[۳]استادیار گروه زبان وادبیات فارسی دانشگاه یزد

بررسی نقش و جایگاه پادشاه در آثار ادبی عصر مشروطه

جواد دهقانیان[۱]

علی عزیزی[۲]

چکیده

ادبیات عصر مشروطه را می‌توان آیینهٔ تمام قدّ نظام اجتماعی و تغییر و تحوّل سیاسی این دوره دانست. اهتمام ویژهٔ شاعران و نویسندگان عصر مشروطه، زمینه را برای بازتاب تصویر پادشاهان این دوره در آثار ادبی فراهم آورده است. در این پژوهش توصیفی-تحلیلی، تصویر و جایگاه شاه در ادبیات مشروطه واکاوی و تحلیل شده است. بنا بر نتایج پژوهش، نوع توصیف و تصویر شاهان قاجار در ادبیات مشروطه، تابع عملکرد و کنش‌های سیاسی آن‌ها است و به همین دلیل تصویر شاه در ادبیات این عصر، یکدست نیست و حتی در کارنامهٔ ادبی یک شاعر یا نویسنده با تصاویر متناقضی از شاهان قاجار مواجه می‌شویم. هم‌چنان که بهار با جلوس احمدشاه قاجار، به ستایش او می‌پردازد و پس از محرز شدن نالایقی‌هایش، به سرزنش او می‌پردازد. از این منظر، شعر بهار می‌تواند آیینه‌ای تمام‌نما از تصویر شاه در ادبیات عصر مشروطه تلقّی شود. در اشعار و آثار منثور سرآمد عصر مشروطه مانند بهار، ایرج میرزا، فرّخی یزدی، نسیم شمال، لاهوتی، عشقی، دهخدا، زین‌العابدین مراغه‌ای و دیگران، انتقادات صریحی نسبت به شاهان قاجار دیده می‌شود که نشان دهندهٔ تغییرات ژرف در بینش سیاسی آنان است. مقایسهٔ کمّی و کیفی صفات پسندیده و صفات مذمومی که در ادبیات مشروطه به شاهان نسبت داده شده است، نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از ادبیات این دوره، رویکردی انتقادی نسبت به اصحاب قدرت و شخص شاه دارد. چه در آثاری که شاه در معنای عام آن مورد نظر است و چه زمانی که به صورت موردی یکی از شاهان قاجار مورد نقد قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: ادبیات مشروطه، قدرت سیاسی، شاه، شاهان قاجار.

[۱]دانشیارگروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه هرمزگان؛ رایانامه: aliazizi18178@gmail.com
[۲]کارشناس ارشد زبان وادبیات فارسی

تأثیر پذیری ادبیّات عثمانی از ادبیّات فارسی ایران
مطالعه موردی"دیوان ابراهیم راشد"

ملک دیکمن[۱]
کامله چتین[۲]

چکیده

هنگام بحث از ادبیّات عثمانی،که یکی از مهمّترین دوره‌های تاریخ ادبیّات ترکیّه را شکل می‌دهد، نخستین مطلبی که به ذهن متبادر می‌شود، اهمّیّت و جایگاه ادبیّات ایران دردوره ادبی مذکور است. معمولاً ادبیّات هر دو کشور بازتابی از تمدن مشترک اسلامی است، این امرموجب گردید که منبع اصلی ادبیّات عثمانی برگرفته از ادبیّات فارسی باشد زیرا سنّت ادبی ایران برای سنّت ادبی عثمانی بعنوان یک مدل پذیرفته شده بود، به همین دلیل نخستین شعرهایی که در دوره ادبی عثمانی سروده شده، ترجمه یا نظیره‌گویی آثار شاعران ایرانی است. باید متذکر شد این تأثیر پذیری صرفاً به این دوره محدود نگردید و در دوره‌های بعد نیز ادامه یافت و این امر در دوران متأخّر نیز مشهود است.

در این مقاله برآنیم که از دوره آخر عثمانی از میان شاعران، ***ابراهیم راشد*** را که از ادبیّات فارسیبسیار اثرپذیرفته و در زمینه نظیره‌گویی و الهام گرفتن از شاعران ایرانی اشعار زیبایی را سروده است، بررسی کنیم تا میزان ابیاتی را که معطوف به شاعران ایرانی است و نیز نام شاعران ایرانی‌ای که مطمح نظر شاعر عثمانی است ، مشخّص کنیم.

آنچه که از این پژوهش برمی‌آید این است که ابراهیم راشد با آثار شاعران مشهور ایرانی ازجمله: حافظ، صائب، کلیم کاشانی، بیدل دهلوی آشنایی داشته و در سرودن اشعار خود غالباً اشعار این شاعران را نصب العین خود کرده و به آن‌ها تأسّی جسته است.

واژگان کلیدی: ادبیات تطبیقی، ادبیات عثمانی، ابراهیم راشد، ادبیات ایران، حافظ، صائب.

[۱]– استاد یار در بخش ادبیات ترکی اسلامی [۲] دانشگاه سلیمان دمیرال اسپارتا ترکیه ,kahraman_melek@hotmail.com
[۲] ,استاد یار در بخش زبان و ادبیات ترکی , دانشگاه سلیمان دمیرال اسپارتا ترکیه: رایانامه: kamilecetin80@gmail.com

جایگاه زن در آثار ایرج میرزا

حامدذهیری[۱]

حسین اسکندری ورزلی[۲]

چکیده:

زنان در گذشته‌های دور صاحب جایگاهی والا بوده‌اند که با گسترش مرد سالاری از این مقام رفته رفته کاسته شده و این سیر نزولی در اندیشه و آثار ادبی ما هم نفوذ کرده و تأثیر گذاشته است. زنانی شجاع، کارآمد و زیرک که هم در امور اجتماعی و سیاسی و هم در همسرداری و تربیت فرزند فعال بوده‌اند.مقاله ی حاضر ضمن معرفی جایگاه زن و بررسی شخصیت آنان در ایران به جایگاه و نقش زنان را در دیوان ایرج میرزا می پردازد. با بررسی و تحقیق در این موضوع به این نتیجه دست یافتیم که ایرج بیش از هر کسی حق زنان را ادا کرده است. قطعه‌ی مادر و ابیات زیادی از مثنوی عارفنامه و چندین غزل و قطعه و مثنوی او همه گل‌های زیبایی هستند که شاعر به پای پیکره‌ی آزادی و رهایی دختران ایران نثار کرده است.

لزوم پژوهش در آثار فاخر ملی و شناخت دقیق‌تر جایگاه زن در عصر مشروطه و در دیوان ایرج میرزا و تغییر نگرش سنتی شاعران به مقوله زن که در ادبیات بررسی می‌شود از مهم ترین ضرورت‌های تحقیق در این مقاله به شمار می‌آید.

کلید واژه‌ها: زن ، ایرج میرزا

[۱]کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی،دانشگاه آزاد اسلامی .رشت، ایران؛ رایانامه: hamedzahiri81@yahoo.com

[۲]استادیارگروه زبان و ادبیات فارسی واحد رشت،دانشگاه آزاد اسلامی .رشت، ایران

تحلیل تطبیقی رمان‌های «ویکنت شقه‌شده» و «ملکوت» با تأکید بر تقابل «مرگ و زندگی»

محبوبه ذوالفقاری‌نژاد [۱]
محمدرضا نصراصفهانی [۲]

چکیده

تبادل و اقتباس آثار هنری-ادبی ملت‌ها و اقوام جهان از یکدیگر موجب تکامل اندیشه‌ها و ساختارهای هنری ملت‌ها است. آفرینش هنری اساساً دفعی و خلق‌الساعه نیست و تدریج، تقلید، تأثیرپذیری، تبادر، تبادل مضامین و شگردها در متن این جریان‌ها نهفته است. در جهان‌نو گونهٔ داستان و رمان از تأثیرگذاری بیشتری برخوردار است، به ویژه اگر دربردارندهٔ تفکر فلسفی و سبک زندگی انسان‌ها باشد. این نوشته کوششی است در جهت نشان‌دادن شباهت‌ها و تفاوت‌های فکری دو نویسنده رمان‌های «ملکوت» و «ویکنت شقه‌شده». همچنین فارغ از تفاوت‌ها و شباهت‌های دو متن، تحلیل ساختاری و محتوایی این دو اثر به صورت موجز مورد لحاظ واقع می‌شود. در نتیجه این جستار فضای نمادینی آشکار می‌شود که تقابل‌های دوگانه –مرگ و زندگی– را معنا می‌کند؛ لذا در بررسی‌های فلسفی، نگرش هر دو را پیرامون موضوع خیر و شر، نیز مرگ و زندگی در پهنهٔ ادبیات گوتیک مورد تأمل قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: مرگ، زندگی، ملکوت، اندیشه‌های فلسفی، ویکنت شقه‌شده.

۱ - دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان؛ رایانامه: ma54_z@yahoo.com
۲- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان

بررسی رویکردهای رمانتیک در صور خیال قصاید خاقانی با تکیه بر واژگان نجومی

محسن ذوالفقاری[۱]

جواد ستاری[۲]

چکیده:

باور عمومی محققان ادبیات فارسی بر آنست که ادبیات کهن و سنتی، عاری از هرگونه از نشانه های مکتب رمانتیسم است و جملگی برآنند که شواهد و نشانه های رمانتیسم در آثار دوره بعد از مشروطه دیده می شود. این مقاله در رد چنین دیدگاهی است و می کوشد به اثبات این فرضیه بپردازد که ادبیات کهن فارسی نیز در دوره های مختلف آراسته به برخی رویکردهای مکتب رمانتیسم است. از این رو نگارنده، قصاید خاقانی را پایه و اساس پژوهش قرار داده و برخی رویکردهای اصیل مکتب مزبور را – هرچند اندک – با تکیه بر واژگان نجومی بر رسیده و نشان داده که ردپای مکتب رمانتیسم را در شعر فارسی کهن نیز می توان یافت. بنابراین امید می رود در آینده این روند پژوهشی در دیگر متون ادبی نیز مورد توجه واقع شود.

کلید واژه ها: قصاید خاقانی، رمانتیسم، واژگان نجومی، صور خیال

[۱]استاد گروه زبان و ادبیات فارسی اراک؛ رایانامه: zolfaghary@araku.ac.ir

[۲]دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک

هنجار گریزی معنایی در غزلیات خاقانی

محسن ذوالفقاری[۱]
آمنه نیک نیان[۲]

چکیده:
شعر، تصویری از زندگی است، تصویری از تجربیاتی که در اطراف انسان و درون انسان وجود دارد. از تجربیاتی مانند تولد، کودکی، نوجوانی، پیری، مرگ، آزادی، درد، عشق، تنهایی و ... همه موضوعاتی هستند که روح شعر را خلق می‌کنند و این روح برای تأثیرگذاری به جسم نیاز دارد و این جسم تعدادی کلمه است که کنار هم قرار می‌گیرد تا شعری به وجود آید. برای فهم یک شعر، خود شعر است و اولین چیزی که خواننده با آن روبه‌رومی‌شود، شاعر نیست بلکه مجموعه‌ای از کلمات است که در یک صفحه به منزلهٔ متن شعر در دست او قرار می‌گیرد. در واقع نقش شعر انتقال تجربه از طریق فراهم نمودن شگردهای غیرمنتظره است و هنجار گریزی یکی از این شگردهاست که هدف آن به‌کارگیری عناصر زبانی به صورتی است که شیوهٔ بیان آن برای مخاطب جلب نظر کند.
خاقانی از جمله شاعرانی است که در غزلیات خویش به مانند قصایدش در موارد گوناگونی به هنجار گریزی دست زده است و به غنا و توسعهٔ زبان خویش پرداخته است.
در این مقاله غزلیات خاقانی از منظر هنجار گریزی معنایی مورد بررسی قرار گرفته است تا گوشه‌هایی از زیبایی‌های ظاهری و باطنی غزلیات وی آشکار شود.

واژه‌های کلیدی: فرمالیسم، آشنازدایی، محور هم‌نشینی و جانشینی، هنجار گریزی معنایی، غزلیات خاقانی

[۱]دانشیارگروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک؛ رایانامه: m-zolfaghary@araku.ac.ir
[۲]دانشجوی دکتری دانشگاه اراک

تحلیل سبک شناسی لایه‌ای بر دو قصیدهٔ فخریهٔ شعر فارسی

محسن ذوالفقاری[۱]
محسن میرصادقی[۲]

چکیده

یکی از روش‌های رایج در نقد وبررسی آثار ادبی مقایسه کردن آن‌ها با یکدیگر است.
در این مقاله با استفاده از سبک شناسی لایه ای دو قصیده با موضوع مفاخره یکی از سیّد حسن غزنوی و دیگری از شاعر پرآوازهٔ قرن ششم خاقانی شروانی مورد نقدو بررسی قرار گرفته است تا مشخص شود چرا حافظهٔ جمعی ایرانیان در زمینهٔ فخر و مباهات خاقانی را شاعری برجسته می‌داند . این بررسی مشخص می کند که شاعر شروانی به خاطر به کار گیری عناصر موسیقایی ، واژگانی و نحومتناسب با موضوع قصیده به صدای نحوی فعال و کنشگری در قصیدهٔ خود می‌رسد به گونه‌ای که حتی خوانندهٔ مبتدی هم صلابت و اقتدار و شکوه را در کل قصیده‌اش حس می کند .حال آن‌که با وجود تقدم زمانی قصیدهٔ فخریهٔ سیّد حسن غزنوی و پیشرو بودن او به گواه تذکره نویسان در این زمینه هرگز به اشتهار و شهرت خاقانی نمی‌رسد .

کلید واژه ها : سبک شناسی لایه‌ای ،خاقانی ، سیّدحسن غزنوی ، لایهٔ آوایی ، واژگان ، نحو ، زمان ، وجهیّت ، صدای نحو

[۱] استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک
[۲] دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک

اسطوره های طبیعی در شعر خاقانی شروانی

محسن ذوالفقاری[۱]
مژگان صادق پور مبارکه[۲]

چکیده

شعر خاقانی مشحون از عناصر طبیعی است که به شیوه‌ای پر رمز و راز و اساطیری، به تصویر کشیده شده‌اند. خاقانی در شعر خود اسطوره‌های طبیعی زیادی همچون ماه و خورشید و آب و باد و کوه و ... را به کار برده است. ما در این تحقیق برآنیم تا ضمن توصیف بن مایه‌های اساطیری در شعر فارسی به ویژه شعر خاقانی شروانی، اسطوره‌های طبیعی در شعر خاقانی را مورد کاوش قرار دهیم. بی تردید بخشی از این اساطیر آمده در شعر خاقانی تباری کهن دارند که خاقانی با نگاهی تازه آن را وارد شعر خود کرده است. زیرا خاقانی از جمله شاعرانی است که اساطیر، روایت‌های تاریخی و مذهبی بسیاری را در شعر خود گرد آورده است.

واژگان کلیدی: اسطوره، خاقانی شروانی ، طبیعت، مکتب آذربایجان.

[۱] دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک
[۲] دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک؛ ایانامه: sadeghpourmozhgan@gmail.com

جایگاه ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی در رمان نوجوان و شیوهٔ پرداخت آن با مطالعهٔ موردیِ رمان "مسابقه دات کام" اثر حسین بکایی

سیدحسن راد[۱]
معصومه سپهری عسکر[۲]

چکیده

زبان و در پی آن ادبیات هر ملّتی امری اجتماعی و فرهنگی است. بی‌شک داستان نیز به‌عنوان یک گونهٔ ادبی در ادبیات هر جامعه‌ای، منعکس‌کنندهٔ ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و اجتماعی آن جامعه محسوب می‌شود. به‌تبع آن، رمان نوجوان نیز در این حوزه همانند سایر محصولات فکری انسان متأثّر از ارزش-نگری‌های پدیدآورندگان است و از آن‌جاکه متعهّد به ارزش‌ها و آرمان‌های جامعهٔ خود است، باید ابتدا شناختی از ارزش‌های جامعه، هدف و تنوّعات آن به‌دست‌آورد و سپس قدر مشترک آن‌ها را مورد تأیید قراردهد. چراکه تفاوت تجارب امور مدرن در شرایط اجتماعی مختلف و انعکاس آن در رمان-هایی که مخاطبان آن‌ها در پی یافتن جهانی تازه و شناخت ریشه‌های فرهنگی جامعهٔ خویش هستند، این ضرورت را ایجاب می‌کند که در تحلیل و بررسی رمان نوجوان، مؤلّفه‌های فرهنگی و اجتماعی مورد پژوهش قرارگیرند.

این مقاله با هدف بررسی و تبیین جایگاه ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی در رمان نوجوان و شیوهٔ پرداختن به این مؤلّفه با مطالعهٔ موردیِ رمان "مسابقه دات کام" اثر حسین بکایی به‌عنوان نمونه‌ای از رمانی مطابق با فضای امروزی و مدرن که منطبق با ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی جامعهٔ امروزی ترسیم شده‌است، نگاشته شده است.

کلیدواژه: رمان نوجوان، ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی، مسابقه‌دات‌کام، حسین بکایی

[۱] کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بو علی سینا؛ رایانامه: homamrad@gmail.com
[۲] کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بو علی سینا

«تأثیرپذیری حکمی و اخلاقی راحةالصدور و آیةالسرور راوندی از شاهنامهٔ فردوسی»

عطامحمد رادمنش[۱]

مریم ایزدی [۲]

چکیده:

کتاب راحةالصدور و آیهٔ السرور، نوشتهٔ محمدبن علی‌بن سلیمان راوندی، کتابی است تاریخی در باب پادشاهی آل سلجوق و حوادث پیش‌آمده در این دوره از تاریخ ایران. راوندی همچون بسیاری از وقایع‌نگاران آگاه چون ابوالفضل بیهقی درکنار پرداختن به تاریخ از بیان مسائل حکمی و نتیجه‌گیری اخلاقی از آن‌ها غافل نبوده‌است. او برای تایید مبانی فکری‌اش فقط به آرای خویش اکتفا نکرده، کتابی را پیش‌روی خود قرار داده که گنجینه‌ای شایسته برای آگاهی و بیداری انسان‌هاست؛ و آن کتابی نیست جز شاهنامهٔ فردوسی. این شاهکار جهانی اگرچه در زمرهٔ آثار بزرگ حماسی جهان به‌شمار می‌رود، ولی به‌حق از جمله آثاری است که می‌توان برای تعلیم و تربیت انسان در تمام قرن‌ها به آن استناد کرد و از سخنان حکیمانهٔ خالقش بهره‌ها برد. انتخاب آگاهانهٔ راوندی و توجهش به شاهنامه، دلیل موجهی بر این مدعاست. این پژوهش سعی دارد به شمه‌ای از این مسائل حکمی و اخلاقی و تأثیرپذیری کتاب راحةالصدور از کتاب شاهنامهٔ فردوسی در این زمینه بپردازد.

کلیدواژه: تأثیرپذیری، راحةالصدور، شاهنامه، مسائل حکمی و اخلاقی

[۱] استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران؛ رایانامه: radmanesh21@yahoo.com

[۲] دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد

بن مایه‌های تمثیلی- عرفانی گنوسی در منظومهٔ جمشید و خورشید سلمان ساوجی

زهرا رجبلو[۱]
ماندانا علیمی[۲]

چکیده:
منظومهٔ *جمشید و خورشید* سلمان ساوجی اثری رمزی و تمثیلی است که تمام اجزای آن از ساختاری واحد و منسجم برخوردار است. این اثر علاوه بر نشان دادن قدرت سلمان ساوجی در داستان‌سرایی و پیوستن مطالب متعدد، نشانهٔ آشنایی سلمان ساوجی با میراث غنی ادبی، فرهنگی و عرفانی بازمانده از ادوار پیشین است. بخشی از این میراث متعلق به اندیشه‌های گنوسی و مانوی و نیز حکمت هرمسی است. هدف از انجام این مقاله نشان دادن ردپای این اندیشه‌ها در منظومهٔ *جمشید و خورشید* است. در این جستار پس از معرفی و تبیین اندیشه‌های گنوسی و ذکر پیشینه با تمدن ایرانیان، تأثیر مضامین گنوسی از جمله دوگانگی ماده و روح، عشق، خواب، سفر، واسطه و آزمایش در این منظومه نشان داده می‌شود. واکاوی این اثر در واقع ارائهٔ تفسیری تازه از آن، هدف دیگر جستار است.

کلید واژه ها: بن مایه‌های تمثیلی، اندیشه‌های گنوسی، منظومهٔ *جمشید و خورشید*، سلمان ساوجی.

[۱] دانشجوی کارشناسی ارشد، موسسهٔ آموزش عالی گلستان، ایران
[۲] استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد؛ رایانامه: Mandana_alimi@yahoo.com

بررسی مقایسه ای لحن در شاهنامه فردوسی و بوستان سعدی

مهسا رجبی همدانی[۱]
وحید مبارک[۲]

چکیده

درباره مختصات و ویژگی های ادبیات حماسی و همچنین ،ادبیات تعلیمی و اخلاقی در کتاب های سبک شناسی و انواع ادبی ،بحث و بررسی شده ،اما به لحن حماسی و تعلیمی به عنوان زیر مجموعه ی این سبک ،پرداخته نشده است.مراد از لحن این است که شاعر در همه ی کاربردهای زبانی(واژگان و ترکیبات)،صور خیال(به ویژه استعاره و تشبیه)صنایع ادبی از عناصر خاص و متفاوتی برای بیان مفاهیم حماسی و تعلیمی بهره می جوید.مثلا در شعر حماسی صفات و قیودی می آید که مناسب حال و هوای حماسه و جنگ است.مانند:رزم آور،کینه جو،نیزه بدست.در حالی که صفات و واژگانی که در شعر تعلیمی می آید،متفاوت از فضای حماسه و جنگ است. و در راستای پند و اندرز و اخلاق است.مانند:سیاه اندرون ،فراموش عهد.همین تفاوت در شیوه ی کاربرد متفاوت تشبیه و استعاره دیده می شود.این مقاله به بررسی مقایسه ای لحن در جلد اول شاهنامه و بوستان سعدی پرداخته و تمام عناصری را که در ایجاد لحنی متفاوت در این دو اثر موثر بوده؛مورد بحث قرارداده است.در پایان مشخص شد،که این دو اثر اگر چه در یک وزن و قالب سروده شده اند ولی به خاطر کاربرد لحن های متفاوت ،شاهنامه در حوزه ی ادبیات حماسی بررسی می شود و بوستان سعدی در ادبیات تعلیمی و اخلاقی جای می گیرد.روش ما در این مقاله به صورت تحلیل محتوایی است.

کلیدواژه ها: لحن، شاهنامه فردوسی، بوستان سعدی.

[۱]دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی؛ رایانامه: mahsarajabihamedani@yahoo.com
ا [۲]ستادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی

تحلیل ساختار و محتوای طنز در رساله دلگشای عبید زاکانی

اکرم رحمانی[۱]
هاجر خادم[۲]
رضا اقدامی[۳]

چکیده

طنز و طنز پردازی از شیوه های بیان مسایل انتقادی جامعه می باشد. از نگاه اهل ادب طنز شیوه ای خاص برای بیان مفاهیم تند انتقادی اجتماعیو سیاسی است. زبان طنز در رسالۀ دلگشا طرز افشای حقایق تلخ و تنفر آمیز ناشی از فساد و بی رسمی های فرد یا جامعه است. در پژوهش هایی که تا به حال در زمینۀ عبید و آثار وی صورت گرفته است، به ویژگیهای زبانی و شگردهای هنر طنز وی پرداخته شده و یا به طور کلی به جنبه ها و موضوعات انتقادی وی اشاره شده است، این مقاله پس از مقدمۀ کوتاهی دربارۀ جامعه شناسی ادبیات و نگاهی به اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عصر عبید، به تحلیل ساختاری و محتوای رساله دلگشا و بیان این که به ترتیب چه مفاهیمی برای او دارای اهمیت و اولویت بوده پرداخته است. از این رو میتوان تشخیص داد که جامعه ی آن روز از دید منتقد چیره دست و ژرف کاوی چون عبید، گرفتار چه نوع معضلات و ناهنجار ی هایی بوده است. این نوشته می تواند با نشان دادن بسامد مفاهیم مد نظر عبید زاکانی، بخشی از مصائب روزگارعبید را به زبان طنز به نمایش بگذارد.

کلیدواژه : عبید زاکانی، طنز ،نقد اجتماع، رساله دلگشا

[۱].استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رشت، گیلان، ایران؛ رایانامه: peighamesoroush@yahoo.com
[۲]دکترای تخصصی زبان و ادبیات فارسی، زنجان، ایران .
[۳]دکترای تخصصی زبان و ادبیات فارسی، گیلان، ایران

پرواز روح
(بررسی شیوه و نتایج کشف و شهود در مولانا جلال الدین بلخی)

اکرم رحمانی[۱]
هاجر خادم[۲]
رضا اقدامی[۳]

چکیده

عرفان به عنوان یک جریان معرفتی، به دین خاص، مکتب خاص یا فرهنگ خاص محدود نیست. عرفا به کمک کشف و شهود بر عرصه هایی از علم قدم می گذاشتند که دانشمندان پس از سال ها تحقیق، به آن می رسیدند. این ویژگی عرفا باعث شده برخی از نظریه های امروزی علوم در غرب بر پایه ی اندیشه های آنها بنا نهاده شود. البته این ابر انسان ها به واسطه ی قانون کتمان اسرار، تجربیات خود را هویدا نمی ساختند. مولانا جلال الدین بلخی از معدود افرادی است که در آثارش به این حقایق اشاره می کند. نگارنده ی این پژوهش، بر آن است که از شیوه ی کشف و شهود مولانا و نتایجی که به خصوص در باب حقیقت و ماهیت روح حاصل آمده، رمزگشایی کند. شیوه ی تحقیق در این مقاله توصیفی – تحلیلی بوده و روش جمع آوری اطلاعات به صورت کتاب خانه یی است. عرفایی همچون مولانا، با رهانیدن روح از بند جسم، ویژگی های خارق العاده ی آن را نمودار کرده و از آن بهره می جویند. یکی از توانایی های روح خارج از جسم آگاهی بر علوم دنیای ماده است. در این پژوهش مشخص می شود، دریافت های جلال الدین بلخی، از گشت و گذار در دنیای فراماده، در چه زمینه هایی بوده و ماهیت و کیفیت کسب تجربه چه بوده است.

کلید واژه: عرفان، روح، اعلی علیین، موجودات غیرارگانیک، مولوی.

[۱].استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رشت، گیلان، ایران؛ رایانامه: peighamesoroush@yahoo.com
[۲]دکتری تخصصی زبان و ادبیات فارسی، زنجان، ایران .
[۳]دکتری تخصصی زبان و ادبیات فارسی، گیلان، ایران .

گوته؛ مفصلی بین مکتب کلاسیسم و رمانتیسم

زینب رحمانیان[۱]

چکیده:

گوته، شاعر، نویسنده، فیلسوف و ادیب نامدار آلمانی را بایستی مفصلی میان ادبیات کلاسیسم و رمانتیسم دانست. بخشی از آثار او به جنبش کلاسیک تعلق دارند و بخشی دیگر از آثار او به جنبش رادیکال و پیشروی رمانتیسم در آلمان. در واقع گوته را شاعر و ادیب و فیلسوفی میان دو جریان عمده در اروپا می‌دانند: کلاسیسم و رمانتیسم. او هم حامل ایده‌ها و اندیشه های جریان کلاسیسم است و هم برپادارندۀ ایده‌های تازۀ رمانتیسم. از این رو، می‌توان او را در زمرۀ نظریه‌پردازان و پیشروان مکتب رمانتیسم به شمار آورد. زیرا بخش بزرگی از ایده‌های خلاقانه و ناب رمانتیسم را در آثار ادبی و فلسفی خویش انعکاس داده است.ادبیات آلمان وامدار غنای فکری و هنرنمایی های شعری گوته است. در این پژوهش ضمن بررسی مکتب رمانتیسم و ویژگی‌ها و خصیصه های ادبی و هنری آن، تحولات فکری انعکاس یافته در شعرگوته نیز واکاوی شده‌است.

واژگان کلیدی: شعر، کلاسیسم، ادبیات آلمان، رمانتیسم، گوته.

[۱]. عضو هیئت علمی رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور آذربایجان غربی: zeynab_4527@yahoo.com

مفاخره در شعر بهار

زینب رحمانیان[۱]

چکیده:

خودستایی یا تفاخر در زبان وادبیات ما جایگاه ویژه ای دارد. بسیاری از اشخاص در عرف گاه آن را می پسندند وگاه آن را جایز نمی شمارند. اما در شعر از مضامین رایج ومتداول است. ملک الشعرای بهار نیز از این مضمون بهره برده وبه مفاهیم گوناگون تفاخر پرداخته است. در ستایش از شعر خود او بر خصایصی منحصر به فرد چون مقبولیّت وتاثیرپذیری، شهرت وفراگیری کلام، اعتدال درکلام، توجه به محتوا ومعنا، تاکید زیادی می نماید. البته باید گفت که تفاخر در شعر او بیشتر به دلیل رقابت با دیگر شاعران و ردّ سخنان حاسدان ودشمنان ودر مواردی بخاطر جلب توجه ممدوح به خصوص پادشاهان هم عصر بوده است.

به طورکلی تفاخرات او به دور از دروغ پردازیها واغراقهای معمول است وازاصالت شاعر به شعر خود وپایبندی به موازین واصول شعری واخلاقی است. در این مقاله سعی شده‌است تا مواجههٔ این شاعر معاصر با مقوله فخر وخودستایی در دو حیطهٔ تفاخرات شعری وغیر شعری مورد بررسی قرار گیرد.

کلید واژه: بهار، مفاخره، مدح، خاندان

[۱] زینب رحمانیان، عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور، دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد تبریز، zeynab-_4527@yahoo.com

جادو و جادوگری از دیدگاه مردم‌شناسی دینی در رمان «اهل غرق»

زینب رحمانیان[۱]
پروانه عادل زاده[۲]
کامران پاشایی فخری[۳]

چکیده:

پیشینهٔ هیچ قوم و ملتی، در طول حیات بشری از جادو و جادوگری تهی نیست. طبق تحقیقات مردم‌شناسان دینی، از همان روزگاران نخست، انسانهابرای مقابله با بلایا و حوادث ناگوار زندگی که منشأ آن را دخالت نیروهای ناشناخته و ماوراء الطبیعی می‌دانستند ، دست به جادو و جادوگری زدند و به تدریج و در طول زمان ، جادو به صورت دانشی درآمد که از دیدگاه مردم‌شناسی قابل بررسی و تحقیق است. فریزر، این جادو را به دو نوع جادوی هومیوپاتیک (شباهت) و جادوی مسری(سرایت) تقسیم‌بندی می‌کند. منیرو روانی‌پور از نویسندگان معاصری است که در رمان «اهل غرق»، با به تصویر کشیدن باورها و اعتقادات بنیادین انسانهای اولیه و با به کارگیری این دو جادو ، ابراز می‌دارد که ادبیات معاصر امروزی نیز با رنگ و بویی اسطوره‌ای تنیده شده و ریشه در باورهای پیشین مردمان این سرزمین دارد.نتیجهٔ این پژوهش نشان می‌دهد که روانی‌پور در این رمان از جادوی هومیوپاتیک(شباهت) استفادهٔ بیشتری کرده‌است.

واژه‌های کلیدی: جادو، جادوی هومیوپاتیک، جادوی مسری، مردم شناسی دینی، اهل غرق.

[۱]دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحدتبریز دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز؛ رایانامه:
zeynab_4527@yahoo.com
[۲]استادیارزبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز
[۳]دانشیار زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی ، تبریز

بررسی تطبیقی عنصر پیرنگ در دو داستان «نبوءۀ فرعون» و «من زنده ام»

مریم رحمتی[۱]
مریم بیرانوند[۲]
الهام کاظمی[۳]

چکیده

با توجه به اینکه امروزه در دنیای معاصر عرب، داستان - به عنوان یکی از انواع نثر- جایگزین شعر شده و اهمیتی بسیار بالاتر از اهمیت و جایگاه شعر یافته و به نقد و بررسی بحران‌های انسان معاصر می‌پردازد، بنابراین نقد و تحلیل عناصر سازندۀ آن نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. عنصر پیرنگ، اساسی ترین و با ثبات ترین عنصرهای ساختاری هر داستانی است. میسلون هادی – نویسندۀ مشهور عراقی- و معصومه آباد – نویسندۀ ایرانی- در دو رمان نبوءۀ فرعون و من زنده‌ام که از جمله رمان‌های موفق معاصر در زمینۀ ادبیات جنگ به شنار می‌روند، آراستگی و نظم و ترتیب درونی را به خوبی رعایت کرده و از این طریق با انتخاب یک حادثۀ اصلی در داستان مذکور، در بیان هدف اصلی خود که همان نقد آثار و نتایج نبرد بر دو جامعۀ عراق و ایران است، موفق عمل کرده‌اند. آن دو با آوردن چند حادثۀ فرعی، فضاهای خالی موجود در بین سکانس‌های مختلف حادثۀ اصلی را پر کرده و توانسته‌اند اجزای تشکیل دهندۀ پیرنگ (گره افکنی، کشمکش، هول و ولا، بحران و نقطۀ اوج و گره گشایی) را در جایگاه خود قرار دهند و به این ترتیب ضمن هماهنگی و انسجام بیشتر رمان، به آن ارزش هنری بالایی ببخشایند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که پیرنگ انتخاب شده در داستان نبوءۀ فرعون از نوع پیرنگ باز است اما پیرنگ داستان من زنده‌ام پیرنگی بسته به حساب می‌آید. هر دو داستان داستان‌هایی واقع‌گرا هستند اما خیال پردازی در داستان نبوءۀ فرعون بیشتر بوده و از نظر هنری، از ارزش بالاتری برخوردار است.

واژگان کلیدی: ادبیات داستانی عراق و ایران، میسلون هادی، معصومه آباد، نبوءۀ فرعون، من زنده‌ام، عنصر پیرنگ

---

[۱]- استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه «رازی»؛ رایانامه:rahmatimaryam88@gmail.com
[۲]کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه «رازی»
[۳]کارشناسارشدزبانوادبیاتعربیدانشگاه «رازی»

نسخه‌ای نویافته از ترجمه منظومِ«عنوانُ الحِکَم» ابوالفتح بستی

محمد رحیمی خویگانی[۱]

چکیده

یکی از انواع ترجمه که همیشه طرفداران خاص خود را در زبان فارسی داشته است، ترجمه بدیعی یا شعر به شعر است. در این پژوهش سعی می‌شود تا ترجمه‌ای منظوم از قصیده شصت و یک بیتی عنوان الحکم یا ذات الامثال ابوالفتح بستی ارائه شود، این ترجمه از آن شخصی به نام عادل بن علی شیرازی است و در نسخه خطی شماره ۱۰-۲۹۰۴۶ کتابخانه مجلس شورای اسلامی آمده و تا به امروز مورد تصحیح قرار نگرفته است.

مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش ـ علاوه بر ارائه یکی از آثار ادبیِ گذشته ـ نشان می‌دهد که اختلافاتی هم در تعداد ابیات و هم در ضبط قصیده عربی بستی در این نسخه، و نسخه دیوان وجود دارد، این اختلافات در متن مقاله مشخص شده است.

کلیدواژگان: ترجمه منظوم، نسخه خطی، قصیده عنوان الحکم، ابوالفتح بستی، عادل بن علی شیرازی

[۱] استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان؛ رایانامه:m.rahimi@fgn.ui.ac.ir

تحلیل نظام‌های گفتمانی گرمس در نی‌نامهٔ مثنوی معنوی مولوی

ابراهیم رحیمی زنگنه[۱]
لیلا رحمتیان[۲]

چکیده:

مثـــنویِ معـــنویِ مـــــــولوی　　هـست قـرآن در زبان پهـلوی
مثـــــــنویِ او چـو قـرآنِ مُـدِل　　هادیِ بعضی و بعضی را مُضِـل
من نمی‌گویم که آن عالی‌جناب　　بود پیغمـبر، ولـی داردکتـاب[۳]

از میان کتاب‌های ارزشمند پارسی وقتی صحبت از مثنوی می‌شود و مولانای بلخی کلام به قصور می‌رسد و تحلیل به سکوت، تأمل در این نگارهٔ بی‌بدیل و راستین از بزرگ عارف ادب پارسی، دلنواز اهل ادب و دلپسند دنیای معنی است. دُر سفتن کار حضرت ایشان بود، اما بر انگشتری تفکر و تحلیل نهادن کرامت بلند بشری می‌طلبد و علم بی بدیل ادب پارسی، استخراج معانی برتر این رشته مروارید دریای معنا و ترکیب آن با ادبیات روز دنیا در سیطرهٔ نظریه‌های نوین ادبی، می‌تواند هنرنمایی خداوندگار کلام و عشق را،امروز هم در تفکرات و تئوری‌های ارائه شده توسط دانشمندان علم واژه شناسی آنهم از نوع غربی به رخ بکشاند، استخراج عوامل نظام‌های گفتمانی گرمسی از نی‌نامه که شاید خود به تنهایی به رقابت با تمام ادبیات عرفانی دنیا می‌نشیند به سختی بیرون کشیدن رشته های زر از دل کوه می‌ماند. اما در این پژوهش سعی می‌شود با روش‌های توصیفی- تحلیلی و هرآنچه که توسط جمع آوری منابع کتابخانه‌ای در تفکر نگارندگان ایجاد شده است، با روش‌های تحلیل گفتمان در نظریهٔ گرمس منطبق و مورد بررسی قرارگیرد.

کلیدواژه‌ها: مثنوی، مولانا، گفتمان، گرمس، نی‌نامه.

[۱] استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی کرمانشاه
[۲] دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه رازی کرمانشاه؛ leilarahmatian66@gmail.com

۳. شیخ بهاءالدین عاملی مشهور به شیخ بهایی.

بررسی استعاره‌های مفهومی«زندگی» و«عشق» در رمان«دالان بهشت»

مهین رزمگیر.[۱]

چکیده

نظریهٔ استعارهٔ مفهومی از مباحث مورد مطالعه در حوزهٔ معنی‌شناسی شناختی است که به بررسی نحوهٔ ادراک و شناخت در ذهن انسان می‌پردازد. مطابق این نظریه استعاره‌ها؛ نه یک کارکرد زبانی در خدمت ادبیت متن که ابزاری اساسی برای درک امور انتزاعی و غیر ملموس در ذهن بشر هستند و حوزهٔ کار و نفوذ آن‌ها نه در سطح واژگان که در عمق معنا و مفاهیم می‌باشد. بر اساس این نظریه ذهن انسان به طور ذاتی مقولات انتزاعی و تجربیات غیر ملموس را در چهارچوب استعاره‌ها درک و بیان می‌کند. انسان‌ها غالبا در چهارچوب استعاره‌هایی خاص می‌اندیشند و حتی تصمیم می‌گیرند؛ به همین سبب تحلیل استعاره-های مفهومی می‌تواند به نحو مؤثری الگوهای شناختی افراد را معین کند. پژوهش حاضر با روش تحلیلی-توصیفی به بررسی و تحلیل استعاره‌های مفهومی«زندگی» و«عشق»در رمان«دالان بهشت» می‌پردازد. تحلیل مفاهیم براساس حوزه‌های مبدأ و تحلیل در بافت موقعیتی متن و با هدف شناخت نگرش زنانهٔ نویسنده نشان می‌دهد که استعاره‌های این نویسنده در اغلب موارد متأثر از فکر و هویت زنانهٔ اوست و دستیابی به سبک شناختی نویسنده با تحلیل استعاره‌های مفهومی او میسر است.

واژه‌های کلیدی: استعارهٔ مفهومی، رمان، دالان بهشت، زندگی، عشق

[۱]کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ایلام؛ رایانامه: m.razmgir2014@gmail.com

تحلیل گفتمان انتقادی نامهٔ امیر مسعود به آلتونتاش و جواب او بر اساس دیدگاه فوکو

اسما رستمی جلیلیان[۱]
وحید مبارک[۲]

چکیده:
تاریخ بیهقی به عنوان نثری منسجم که شامل دوران طلایی حکومت محمود و مسعود غزنوی است از قرن پنجم هجری تا به امروز علاوه بر ارزش تاریخی جزء متون ادبیِ قابل توجه بوده‌است. ابوالفضل بیهقی که دبیر توانا و شاگرد بونصر مشکان بود مهارت نویسندگی خود را در تاریخ‌اش با دانش دبیری پیوند زده‌است و اثری خلق کرده که می‌توان آن‌را در حیطهٔ نقد نوین ادبی مورد تحلیل قرار داد. انتخاب رویدادی که برای آلتونتاش توسط مکر بوسهل زوزنی روی داد می‌تواند برش مناسبی برای تحلیل‌های گفتمان انتقادی در روایت بیهقی باشد. در این پژوهش، نامهٔامیر مسعود به آلتونتاش به عنوان نمونه‌ای از نثر برجستهٔ ادب فارسی با رویکرد تحلیل گفتمانی مورد تجزیه و تحلیل قرارگرفته، درتحلیل گفتمان بر خلاف تحلیل‌های سنتی زبان‌شناسانه دیگر تنها با عناصر نحوی و لغوی تشکیل دهندهٔ جمله به عنوان عمده‌ترین مبنای تشریح معنا سروکار نداریم بلکه به عوامل بیرون از متن یعنی بافت موقعیتی،فرهنگی،اجتماعی،سیاسی پرداخته‌می‌شود. از آنجاییکه فضای حاکم بر دربار غزنوی سراسر بی-اعتمادی، خیانت ، ترس و جدال همیشگی پدریان و پسریان است و مفاد نامه‌ها و منشآت سلطانیبه طور معمول سیاسی و داراری دو جنبهٔ آشکار و نهان می‌باشد از این رو تحلیل گفتمانی داستانها و پی بردن به اصل مطلب امری گریزناپذیر است. در تحلیل گفتمان انتقادی زبان، نوعی کنش اجتماعی است بنابراین بر نقش گفتمان در تولید کردارهای اجتماعی ،بزرگنمایی و تحریف هویت‌ها و چگونگی سهیم بودن گفتمان در تغییر وتداوم فرآیندهای اجتماعی متمرکز می‌شود. در دیدگاه فوکو، بنیان‌گذار تحلیل گفتمان، تاکید بر رابطهٔ تعاملی بین متن و زمینه است. او گفتمان را برای اشاره به روال‌های منظم و قانون‌مند به‌کار می‌برد. در این جستار با تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای و به روش توصیفی- تحلیلی به تحلیل گفتمانی متن نامهٔ سلطان مسعود به آلتونتاش پرداخته‌ایم.

کلید واژه : تاریخ بیهقی ،آلتونتاش،،تحلیل گفتمان ، فوکو

---

[۱]کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی کرمانشاه؛ رایانامه: asma.rostami.jalilian@gmail.com
[۲]استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی کرمانشاه

موسیقی درونی در اشعار رهی معیّری

اسما رستمی جلیلیان[۱]
وحید مبارک[۲]

چکیده:
رهی معیّری از شاعران بنام و پر آوازه ی معاصر است که زبان عاطفی و پر احساسش، نظر مخاطبان فراوانی را از زمان حیاتش تا کنون، به سوی سروده های او جلب کرده است. بیشتر زیبایی های شعر رهی به ساختار و فرم و جادوی مجاورتسخن وی مربوط است . بهره گیری رهی از عناصر موسیقی افزای سخن را باید از شگردهای موثر رهی در این حوزه به شمار آورد که بی تردید نتیجهٔ آشنایی عمیق رهی، از سال های آغازین نوجوانی، با موسیقی بوده است. بررسی اشعار رهی را بر اساس موسیقی درونی که یکی از جنبه های زیبایی شناسی در شعر است، نشان می‌دهد کهبیشتر زیبایی های شعرش مربوط به جنبه های لفظی و زیبایی شناسی بدیعی، تکرار، جناس و واج آرایی است، هرچند که بزرگان ادب فارسی تکرار را از ایرادهای شعر به حساب آورده‌اند.

کلید واژه: رهی معیری، عناصر موسیقی افزای سخن، موسیقی درونی، تکرار

[۱]کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی کرمانشاه؛ رایانامه: asma.rostami.jalilian@gmail.com
[۲]استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی کرمانشاه

بررسی حرکات غیر کلامی چشمی در مجموعه داستان های کوتاه زویا پیرزاد

پرستو رستمی[۱]
زهرا لرستانی[۲]

چکیده

زویا پیرزاد، از زنان داستان نویس معاصر است که آثار داستانی اش مورد توجه مخاطبان و منتقدان قرار گرفته است و همچنین از جمله نویسندگانی است که آثار او به چندین زبان ترجمه شده است. از آثار او می توان به مجموعه داستان های کوتاه «مثل همه ی عصرها»، « طعم گس خرمالو»و « یک روز مانده به عید پاک»و همچنین دو رمان «چراغ ها را من خاموش می کنم»و «عادت می کنیم» نام برد. یکی از شیوه های پیرزاد در داستان پردازی استفاده ی گسترده و بارز از ارتباطات غیر کلامی است؛ نویسنده برای پیشبرد طرح و جریان داستان نویسی، از ارتباط های غیر کلامی در سطحی بسیار گسترده و بارز استفاده کرده است. در این مقاله ضمن بیان تاریخچه و تعریف ارتباط غیر کلامی، بیان کارکردها و اهمیّت آن در داستان نویسی و نقش آن در شکل گیری عناصر داستان از جمله شخصیت پردازی، فضاسازی، درون مایه، تعلیق... و با دیدگاهی میان رشته ای نمود های گوناگون ارتباط غیر کلامی چشم در مجموعه داستان های کوتاه پیرزاد مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرد. تا مشخص شود که این نمودهای غیر کلامی چه نقشی در پیشبرد داستان دارند.

کلید واژه ها: داستان، ارتباط غیر کلامی، زبان بدنی، زویا پیرزاد

[۱] دانشجوی کارشناسی ارشد زبان وادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمانشاه، کرمانشاه، ایران؛ رایانامه: rostamip1382@gmail.com
[۲] عضو هیأت و دکترای زبان وادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

بررسی ارتباط غیر کلامی در مجموعه داستان های کوتاه زویا پیرزاد (مثل همهٔ عصرها، طمع گس خرمالو، یک روز مانده به عید پاک)

پرستو رستمی[۱]
زهرا لرستانی[۲]

چکیده

زویا پیرزاد، از داستان نویسان معاصر است که آثار داستانی اش از سوی مخاطبان و منتقدان مورد استقبال قرار گرفته و همچنین از جمله نویسندگانی است که آثار او به چندین زبان ترجمه شده است. از آثار او می توان به مجموعه داستان های کوتاه «مثل همه ی عصرها»، « طعم گس خرمالو»و « یک روز مانده به عید پاک»و همچنین دو رمان «چراغ ها را من خاموش می کنم»و «عادت می کنیم» نام برد. یکی از شیوه های پیرزاد در داستان پردازی استفاده ی گسترده از رفتار ها و ارتباطات غیر کلامی است؛ نویسنده برای پیشبرد طرح و جریان داستان ها، از رفتارهای غیر کلامی در سطحی بسیار گسترده و بارز استفاده کرده است. در این مقاله ضمن بیان اهمیّت رفتارها و ارتباط های غیر کلامی در داستان نویسی و نقش آن در شکل گیری داستان از جمله شخصیت پردازی، فضاسازی، درون مایه، تعلیق... و با دیدگاهی میان رشته ای نمود های گوناگون ارتباط غیر کلامی در مجموعه داستان های پیرزاد مورد بررسی قرار می گیرد، تا مشخص شود که هر کدام از این نمودها چه نقشی در پیشبرد داستان دارند.

کلید واژه ها: داستان، ارتباط غیر کلامی، زبان بدن، زویا پیرزاد

[۱] دانشجوی کارشناسی ارشد زبان وادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمانشاه، کرمانشاه، ایران؛ رایانامه: rostamip1382@gmail.com
[۲] عضو هیأت و دکترای زبان وادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

بازنمایی کارکرد زبان فارسی در میان کاربران برجستهٔ «اینستاگرام»

(با بررسی صفحات و پست‌های ۳۴ هنرمند و ورزشکار ایرانی)

صفوراسادات رشیدی[۱]

چکیده

زبان تجلی‌گاه اندیشه و فرهنگ یک ملت و عامل انسجام و وحدت در یک جامعه است. همچنین زبان به عنوان ابزاری جهت انتقال فرهنگ و نیز ارتباط با دیگر ملت‌ها و جوامع است. فضای مجازی امروزه ابزاری مهم جهت ارتباط میان فرهنگ‌ها و هویت‌ها است. به همین جهت هنرمندان و ورزشکاران، به عنوان سفیران فرهنگی یک کشور و نیز به دلیل مخاطبان و علاقمندان، نقش مهمی در فضای مجازی در این رابطه دارند. این مقاله به بررسی کارکرد زبان در پست‌های ۳۴ هنرمند و ورزشکار برجسته در محیط اینستاگرام پرداخته‌است. با توجه به بررسی صورت گرفته زبان اصلی و اولیهٔ به‌کارگرفته شده زبان فارسی است. پس از آن زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم در برخی از این پست‌ها مورد استفاده قرار گرفته است. درمجموع در بیشتر این افراد، زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم مورد استفاده قرار نگرفت و بیشتر موارد مورد استفاده به‌منظور هشتگ، منشن و یا معرفی آدرس الکترونیکی و... بوده است. همچنین به‌جز یک مورد، هیچ کدام از این ورزشکاران و هنرمندان از ظرفیت‌های زبان محلی بهره نبرده‌اند.

واژگان کلیدی: زبان فارسی، هویت ملی، اینستاگرام، هنرمندان، ورزشکاران.

[۱] دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران؛ رایانامه: safarashed65@yahoo.com

سمبولیسم و نمادپردازی عرفانی مبحثی مشترک در ادبیات و معماری اسلامی- ایرانی

زینب رشیدی[۱]
احمد گلی [۲]

چکیده

سمبولیسم و نماد پردازی عرفانی، از جمله مباحثی هستند که اغلب در کتب ادبی و مذهبی مورد مطالعه قرار می گیرند و این در حالی است که در زمینه هایی فراتر از ادبیات و مذهب نیز می توان به مقولهٔ مذکور پرداخت. معماری از جمله هنرهایی است که همانند ادبیات با نماد و رمز، خیال، تصویر، ابهام، استعاره و از همه مهم‌تر با مفاهیم عرفانی و نمادپردازی در ارتباط است؛ بنابراین معماری صرفاً با ساخت و ساز مرتبط نیست، بلکه عواملی فرهنگی در آن نهفته است که از طریق عناصر ذهنی می تواند رابط بین اندیشه و جامعه باشد؛ پس باید توجّه داشت که هنر معماری نیز همچون ادبیات از بارزترین جلوه‌های فرهنگ و اندیشهٔ اقوام در ادوار مختلف تاریخ به شمار می آید. از این رو، در این مقاله به وسیلهٔ علم هرمنوتیک به بررسی چگونگی حضور پنهان جوهرهٔ عرفان در معماری اسلامی - ایرانی و همچنین رمزگشایی و تفسیر و تأویل برخی از سمبول ها و نمادهای به کار رفته در فضای معماری، اعداد ریاضی و اشکال هندسی پرداخته می شود و نیز این که چگونه می توان در خلق بناهای تاریخی، مذهبی، فرهنگی، مقبره ها و ... از مفاهیم عرفانی و سمبول های ادبی جهت ایجاد آثاری متعالی و ماندگار بهره مند شد تا این آثار بتوانند در بستر زمان به حیات خود ادامه دهند و با تغییر شرایط نه تنها از ارزش آنها کاسته نگردد، بلکه خالق و نماد ارزش های انسانی و عرفانی والاتری نیز باشند. روش پژوهش در این تحقیق، کتابخانه ای بوده و بر مطالعهٔ کتب و مقاله های نگاشته شده در زمینهٔ موضوع مورد بررسی، استوار است. با توجه به مطالب مطرح شده در این مقاله، می‌توان نتیجه گرفت که شعر و ادبیات می‌توانند به عنوان ابزارها و پتانسیل های بسیار غنی در زمینهٔ ایجاد انگیزه و کشف ایده‌های معماری مورد مطالعه و استفاده قرار گیرند؛ زیرا بسیاری از مسیرهای منتهی به خلاقیت در معماری که عبارتند از نماد، استعاره، تمثیل، خیال و...، به وفور در شعر و ادبیات حضور دارند.

واژگان کلیدی: سمبولیسم و نماد پردازی عرفانی، هرمنوتیک، ادبیات، معماری اسلامی- ایرانی.

[۱] دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان؛ رایانامه:gaz.rashidi@yahoo.com
[۲] استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

تحلیل زهد گرایی در شعر ناصرخسرو قبادیانی و ابوالعلاء معرّی
(پژوهش تطبیقی)

زینب رضاپور[۱]

چکیده

این پژوهش به بررسی و تحلیلموضوع زهد در شعر ناصرخسرو قبادیانی و ابوالعلاء معرّی در چارچوب ادبیات تطبیقی و بر اساس مکتب فرانسویمی‌پردازد.دربارهٔ شعر ناصرخسرو و ابوالعلامعرّی تحقیقات متعدّدی انجام گرفته اما تاکنون ابعاد زهدگرایی در شعر آن دو به صورت تطبیقی بررسی نگردیده است. دست‌یابی به انگیزه‌های زهدگرایی و جلوه‌های آن در شعر این دو شاعر و واکاوی تأثیر و تأثّرآنها از یکدیگر،از جمله اهداف این پژوهش است.هدف دیگر این است که نشان‌دهیم زهد کدام‌یک از این دو شاعر از ارزش‌های دینی و اسلامی نشأت گرفتهو به تعالیم اسلامی نزدیکتر است.این پژوهش پس از واکاویاندیشهٔ زهد در ادب پارسی و عرب و تحلیل دلایل اقبال ناصرخسرو و ابوالعلا به زهد و بازتاب جلوه‌های آن در شعر ایشانبه مقایسهٔ زهدگرایی آنان می‌پردازد.نگارنده در نهایت به این نتیجه دست می‌یابد که زهد ناصرخسرو به ارزش‌ها و تعالیم اسلامی نزدیکتر است و جلوه‌های منفی در آن دیده نمی‌شود اما زهد معرّی توأم با بدبینی و گریز از ابعاد واقعی زندگی اجتماعی و انسانی است. همچنین ناصرخسرو در سرودن شعر زاهدانه به اشعار زاهدانهٔمعرّی توجه داشته و از وی تأثیر پذیرفته است.

کلیدواژه‌ها:زهد، ناصرخسرو قبادیانی، ابوالعلاء معرّی، ادبیات تطبیقی.

[۱]استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز؛ رایانامه: zeinabrezapour@gmail.com

تبیین مرگ و جایگاه آن در عرفان اسلامی

زینب رضاپور[۱]

چکیده

تندباد ناگهانی مرگ، چراغ فروزان زندگی انسان را خاموش می کند و روح وی را همواره تحت فشار و اندوه عمیق قرار داده و مرعوب خوف و هراس شدید خود ساخته است. توجّه به مرگ و یاد مرگ به عنوان عاملی اساسی در بی اعتبار ساختن کام طلبی دنیوی نزد متصوّفه و روی گردانی آنها از تمتّعات مادی نقش مهمّی ایفا می‌کرد. لیکن رویکرد مؤمنان حقیقی و عارفان واصل و سکری مشرب، در این زمینه با سایر افراد متفاوت بوده و مفهوم و معیار دیگری برای مرگ قائل هستند و نه تنها از آن هراسی به دل راه نمی دهند بلکه با دید مثبت و عاشقانه بدان می نگرند. به عقیدهٔ ایشان، نهایت آرزو و مقصود روح انسانی این است که به پروردگار خود برسد و مرگ، انتقال از عالمی به عالم دیگر و روزنه ای به سمت نور است و نردبان عارف در ورود به عوالم برتر و حیات حقیقی تلقی می شود. در این مجال برآنیم با روش تحلیلی توصیفی، به تبیین رویکرد متفاوت عارفان مسلمان نسبت به مرگ و علل عمدهٔ حب مرگ نزد بسیاری از ایشان بپردازیم.

کلیدواژه ها: مرگ، عرفان اسلامی، آیات قرآن، حیات حقیقی، لقاءالله

[۱] استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز؛ رایانامه: zeinabrezapour@gmail.com

مینی مالیسم در کتاب پند پیران

فضل الله رضایی اردانی[۱]

چکیده

ساده‌گرایی یا مینیمالیسم، سبک یا رویکرد ادبی است که بر پایهٔ فشردگی و تراکم و ایجازبیش از حد محتوای اثر نمود پیدا می‌کند. مینیمالیست‌ها در فشردگی و ایجاز تا آنجا پیش می‌روندکه فقط عناصر ضروری اثر، آن هم در کمترین و کوتاه‌ترین شکل باقی بماند. به همین دلیل کم حجمی و ایجاز از بارزترین ویژگی‌های این آثار است.امروزه مینی‌مالیسم را پدیده‌ای نو وبرآمده از ادبیات غرب می‌دانند،با وجود این در آثار منظوم و منثور کلاسیک فارسی به ویژه متون عارفانه و صوفیانه نمونه‌های بیشماری می-توان یافت که کاملاً منطبق با ویژگی‌های سبکی داستان‌های مینی‌مال است. در این میان، برخی از حکایت-های کتاب پند پیران برخی از ویژگی‌های داستان مینیمال را دارند.پژوهش حاضر برآنست تا به شیوهٔ تحلیلی - توصیفی به بررسی ساختار حکایت‌های پند پیران و تطبیق آن با اصول داستان‌های مینی‌مال بپردازد تا علاوه بر ارائهٔ تصویری روشن از رگه‌های مینیمال‌نویسی در آثار ادبیات کهن نشان دهد که؛ اصول به کار رفته در ساختار حکایت‌های صوفیانه و عارفانهٔ این اثر از جنبه‌های بسیاری با اصول داستان-های مینیمالیستی هماهنگ است و از این جهت نمونه بارزی از کوتاه‌گرائی محسوب می‌شود.

واژگان کلیدی: پند پیران، مینی‌مالیسیم، عناصر داستان، حکایت، ایجاز

[۱] رییس دانشگاه فرهنگیان یزد. رایانامه:. rezaei_ardani@yahoo.com

فراهنجاری دستوری در هشت کتاب سهراب سپهری(با تکیه بر چهارکتاب نخست)

رؤیا رضایی[۱]
مهوش سلیمان‌پور[۲]

چکیده

فراهنجاری، هنجارگریزی، هنجارشکنی، هنجارستیزی، آشنایی‌زدایی، غریب‌سازی، برجسته‌سازی و ... اصطلاحات نوینی هستند که گاه در معنا و کاربردی معادل هم و گاه با اندک تفاوتی در معنا و کاربرد، در نقد ادبی معاصر(نقد شکل‌گرا یا ساخت‌گرا)، به‌عنوان کارکردی هنری و سبک‌ساز، در بررسی و تحلیل آثار بزرگ و متون ادبی گذشته و حال، مورد توجّه منتقدان و نظریّه‌پردازان قرار گرفته‌اند. در شاخه‌ای از این نوع نقد، اثر ادبی از نظر میزان انحراف از قواعد و قوانین حاکم بر زبان معیار، ارزیابی می‌شود. آن‌چه باعنوان فراهنجاری دستوری یا اصطلاحاتی معادل آن نامیده‌می‌شود، در سخن بسیاری از شاعران و نویسندگان قدیم و جدید مصادیقی دارد. سهراب سپهری، در زبان شعری خود، با ساخت و کاربرد هنجارشکنانهٔ مقوله‌های مختلف دستوری نظیر اسم، صفت، فعل، و ... در سطح واژگانی(صرفی) و نیز هنجارگریزی‌هایی نظیر کاربرد هنری صفت، کاربرد اسم به‌جای صفت، جابه‌جایی ضمیر، کاربرد ضمیر به‌جای اسم، تغییر مقولهٔ قید، کاربرد نامتعارف قید، حذف اجزای مختلف جمله و... در سطح نحوی، راهی برای زدودن غبار عادت از زبان تکراری و عادی شعر می‌یابد و این شیوه را با هدف جذابیّت‌بخشیدن و زیبایی و برجسته‌سازی شعر خویش به‌کارمی‌برد. بسامد بالای برخی از این هنجارگریزی‌ها، زبان شعر وی را از زبان دیگر شاعران متمایز می‌کند. در این پژوهش با بررسی مصادیقی از انواع فراهنجاری‌های دستوری در دو سطح صرفی و نحوی در شعر سپهری، سعی بر آن شده تا نشان داده شود که سپهری چگونه با شکستن قواعد زبان خودکار و عدول از هنجار عادی و منطقی آن، به برجسته‌سازی شعر خود پرداخته‌است.

واژه‌های کلیدی: فراهنجاری دستوری، برجسته‌سازی، هشت‌کتاب، سهراب سپهری

[۱] دکترای زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه: royarezaee4@gmail.com
[۲] دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد مرکز علوم و تحقیقات

نگاهی به مثنوی باغ ارم (اسکندرنامه) ثنایی مشهدی و سبک شناسی آن

احترام رضایی[۱]
سکینه غلامپور دهکی[۲]

چکیده

خواجه حسین مشهدی (متوفی شوال ۹۹۶ ه .ق.) ، متخلص به « ثنایی » از شاعران مشهور قرن دهم هجری و مطرح و موثر در ایجاد سبک هندی می باشد . آثار وی شامل دیوان اشعار و مثنوی های ساقی نامه و باغ ارم (اسکندر نامه) است.

در این مقاله پس از ذکر مقدمه ای کوتاه در خصوص شاعر، به معرفی مثنوی باغ ارم و نسخه شناسی آن پرداخته شده است . مثنوی باغ ارم که پیشکش ثنایی به اکبر شاه حاکم خوش آوازهٔ هند می باشد؛ به تقلید از اسکندرنامهٔ نظامی سروده شده و بررسی آن در سه سطح زبانی، بلاغی و فکری، زیبایی ها و تازگیهای شعری ثنایی را نمایان می سازد و میزان توانایی ثنایی را در سرودن اشعار حماسی نشان می دهد. ثنایی مشهدی از قدرت تخیل بالایی برخوردار است و همین زمینه ای شده تا شعر او سرشار از انواع صورخیال و مضمون سازیهای بکر و بدیع باشد.

کلمات کلیدی: مثنوی باغ ارم، ثنایی مشهدی، اسکندر نامهٔ نظامی، سبک ادبی.

[۱] دکتری زبان و ادبیات فارسی و عضو علمی دانشگاه پیام نور (آذربایجان غربی)؛ رایانامه:
em12_rezaee@yahoo.com
[۲] عضو علمی دانشگاه آزاد جویبار

بررسی صفات ممدوحان در دیوان شاعران مدیحه سرای قرن پنجم هجری

جمیله رضایی[۱]

چکیده

در عصر غزنوی، شعر مدحی و درباری در بین شعرای آن دوره رونق بسیار داشته است. چند تن از این شاعران مانند عنصری، منوچهری، فرخی، غضایری و عسجدی در شیوه مدیحه سرایی نسبت به سایرین، متمایز بوده اند و ممدوحان خود را به صفات و ویژگی های جسمانی و معنوی ستوده اند . مثلا فرخی ممدوح خود را به فضل ، هنر ، علم ، ادب ، جوانی ، زیبایی ، شجاعت ، سخاوت ، حلم و بردباری ،خشم ، خلق نیکو و ... منوچهری ممدوح را به صفاتی مثل هنرمند بودن ، گهر داشتن ، جود و سخاوت ، ظفر مند بودن ، عادل بودن ، بی نظیر بودن ، مهربان بودن ، خلق نیکو داشتن و... عنصری ممدوح را با ویژگی هایی همچون خوی نیک ، بی نظیر بودن ، قدرت مند بودن ، حسن تدبیر داشتن و... و غضایری ممدوح را به جود و بخشش ، شجاعت ، اخلاق نیک و ... ستوده اند. برخی از این صفات و ویژگی ها در دیوان شاعرانی که قصاید مدحی شان مورد بررسی قرار گرفته اند مشترک است از جمله جود و بخشش، همت، صبر و حلم داشتن و ... . بیشترین صفتی که شاعران مدیحه سرا ممدوحان خود را با آن صفت ستوده اند، صفت جود و بخشش است.

این مقاله به بررسی ویژگی ها و صفاتی پرداخته که شاعران با آن صفات، ممدوحان خود را ستوده اند و همچنین صفات مشترک ذکر شده برای ممدوحان این قرن را بیان نموده است.

کلیدواژه: مدح، صفات ممدوح، قرن پنجم، منوچهری، عنصری، فرخی، غضایری

[۱] دانشجوی دکتری تخصصی رشته زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه: jamilerezaee@gmail.com

بررسی وجوه افعال در زبان فارسی

جمیله رضایی[۱]

چکیده

این مقاله، به بررسی وجه فعل درزبان فارسی پرداخته است.در زبان فارسی امروز سه وجه اصلی اخباری، التزامی و امری وجود دارد، اما در گذشته در برخی دستورها، به شش وجه اخباری، التزامی، شرطی، امری،وصفی ومصدری و در برخی دستورها مثل دستور ناتل خانلری به وجه اخباری،التزامی،امری وشرطی تقسیم شده است و اکثر دستور نویسان،سه وجه اصلی را قبول دارند و با ذکر دلایلی،احتساب وجوه دیگر را در تقسیم بندی وجوه،غیر ضروری میدانند. وجه فعل دلالت بر تلقی گوینده از مسلّم یا نا مسلّم بودن فعل می نماید.این دلالت به واسطه عواملی است که در فعل و جمله قرار دارد.بعضی از این عوامل صوری وبعضی دیگر معنایی است. نشانه های صوری وجه فعل کم است وهمیشه از ظاهر آن نمی توان وجه آن را تعیین کرد.شناخت فعل بسته به شناسایی افعال و معانی آن هاوهمچنین شناسایی عوامل موثر بر آنهاست مثلا "جمله شاید گفت " بدون در نظر گرفتن قید شاید،ماضی ساده به نظر می آید اما قید شاید بر آن تاثیر گذشته و وجه آن التزامی شده است.

واژه‌های کلیدی: وجه فعل تقسیم بندی وجوه،عوامل صوری و معنایی،وجه مصدری، وجه وصفی،اخباری،التزامی.

[۱] دانشجوی دکتری تخصصی رشته زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه:jamilerezaee@gmail.com

بررسی شخصیت کودک در حکایت‌های عرفانی با تأکید بر هزار حکایت صوفیان

حمید رضایی[۱]
ندا طاهری[۲]

چکیده:
هزار حکایت صوفیان کتاب کمتر شناخته شده و کمیابی است که با استفاده از شگردهای ادبی به یک اثر خلاق و ارزشمند عرفانی تبدیل شده است. یکی از این شگردها، فضای داستانی و روایتی حاکم در این اثر است که شخصیت‌های متنوع و برجستهٔ عرفانی را به تصویر می‌کشد. یکی از انواع شخصیت‌ها، شخصیت کودک می‌باشد که معمولا در حکایت‌های عرفانی حضور دارد اما نقش آن نسبت به دیگر شخصیت‌ها، کم رنگ‌تر است. بهترین منبعی که می‌تواند در این زمینه مورد بررسی قرار بگیرد هزار حکایت صوفیان است. بسامد شخصیت کودک در این اثر چهارده مورد می‌باشد که اغلب در حکایت‌های این اثر، ساده و به صورت عام بکار رفته است. گاهی شخصیت کودک حکم راهنما و مرشد را برای دیگر شخصیت‌ها دارد و گاهی در قالب شخصیت کودک به ایفای نقش می‌پردازد. شخصیت کودک با تمام سادگی، از جامعیت و ثبات نسبی برخوردار است. مبانی این پژوهش براساس پردازش شخصیت کودک و نقش آن در حکایت‌های عرفانی تشکیل و مورد پردازش قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: حکایت‌های عرفانی، کودک، شخصیت‌پردازی، هزار حکایت صوفیان.

[۱] استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور، مرکز شهرکرد
[۲] دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی پیام‌نور، مرکز شهرکرد؛ رایانامه: ntaheri79@yahoo.com

بازتاب مسائل سیاسی در رمان رازهای سرزمین من

حمید رضایی[۱]
معصومه میرزایی[۲]

چکیده

ادبیات داستانی به ویژه رمان، به شدت تحت تأثیر تحولات سیاسی تاریخ معاصر قرار گرفته است. بسیاری از نویسندگان معاصر، در آثار خود به رویدادها و جریان‌های سیاسی عصرخویش پرداخته‌اند.مسائل سیاسی در رمان رازهای سرزمین من نقش‌کلیدی ایفاکرده‌اند.هدف این پژوهش، بررسی وتحلیل حوادث سیاسی در رمان رازهای سرزمین من است .براهنی سیاست و تاریخ را با هم ترکیب کرده ومضامین سیاسی را در لابلای رمان گنجانده است .اصلی‌ترین مسأله‌ای که در این رمان به آنپرداخته شده‌است،نفوذ آمریکا بر ارتش شاهنشاهی ایران است. سپس از فساد در ارتش و مقامات دولتی سخن رفته‌است.از دیگر حوادث سیاسی، تظاهرات و مبارزهٔ مردم با رژیم پهلوی است و همچنین حوادث انقلاب که براهنی به شرح وتوصیف آن‌ها پرداخته است . خودمختاری آذربایجان وکودتای بیست وهشتم مرداد ۱۳۳۲و آزادی زندانیان سیاسی از موضوعات دیگری است که در این رمان به آن ها پرداخته شده است .

واژگان کلیدی:ادبیات داستانی،حوادث سیاسی ، رمان رازهای سرزمین من، رضا براهنی

[۱] دانشیارگروه زبان وادبیات فارسی دانشگاه پیام نور
[۲] دانشجوی کارشناسی ارشدزبان وادبیات فارسی دانشگاه پیام نور؛ رایانامه: dm.mirzaei7@gmail.com

همپایگی ساخت‌های پرسش‌واژه‌ای در زبان فارسی

اکرم رضوی‌زاه[۱]
هنگامه واعظی[۲]

چکیده

یکی از مباحث مهم در زبان‌شناسی، بررسی ساختار انواع جمله‌های موجود در زبان‌هاست. ساخت‌های پرسشی ازجمله ساخت-هایی هستند که چامسکی در قالب پدیدهٔ نحویِ کمینه‌گرایی بررسی می‌کند. سخنگویان زبان فارسی در برخی شرایط مانند بسیاری از زبان‌های دیگر برای بیان یک ساخت پرسشی از دو پرسش‌واژه در کنار هم استفاده می‌کنند و آنها را با کمک حرف ربط همپایگی ، همپایهٔ هم قرار می دهند و یک ساخت همپایه می‌سازند. هدف اصلی از انجام پژوهش حاضر، بررسی اجمالی و ارزیابیِ شیوهٔ تحلیل و نوع نگرش رویکردِ کمینه‌گرایی چامسکی (۱۹۹۵) در بررسی همپایگی ساخت‌های پرسش‌واژه ای در زبان فارسی است. برای برآوردن این هدف و جهت بررسی همپایگی پرسش‌واژه‌ها در زبان فارسی تعدادی از ساخت‌های پرسشی همپایه جمع‌آوری شده و مورد بررسی قرار گرفتند. فرض بر این است از آنجاییکه در زبان فارسی هم پرسش‌واژه در جای اصلی داریم و هم پرسش‌واژه حرکت کرده دیدگاه چامسکی نتواند پاسخگوی این ساخت‌ها باشد. بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که محدودیتی در همپایگی واژه‌های پرسشی وجود دارد و هر واژهٔ پرسشی نمی‌تواند در کنار واژهٔ پرسشی دیگر قرار بگیرد. در زبان فارسی، دو پرسش‌واژهٔ موضوعی نمی‌توانند با هم همپایه شوند. اما همپایگی دو پرسش‌واژهٔ افزوده با هم و نیز یک پرسش‌واژهٔ موضوعی و یک پرسش‌واژهٔ افزوده امکان‌پذیر است. از دیگر نتایج تحقیق اینکه این ساخت‌ها دوبندی هستند.

واژگان کلیدی: کمینه‌گرایی، نظریهٔ ایکس تیره، ساخت‌های پرسشی، همپایگی، حروف ربط

[۱] دانشجوی دکتری، گروه زبان‌شناسی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران؛ رایانامه: razaviakram@yahoo.com
[۲] استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، گروه زبان انگلیسی، گیلان، ایران

نشانه‌شناسی اجتماعی مجموعه داستان‌های جزیرهٔ بی‌تربیت‌ها با تأکید بر هویت و آداب معاشرت

احمد رضی[۱]
یزدان صالحین[۲]

چکیده:
نشانه‌شناسی اجتماعی آن دسته از نشانه‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد که به تجلی اندیشگانی انسان در ارتباط با جامعه، عطف نظر دارد.اگرچه برخی رمزگان‌های اجتماعی با سایر رمزگان‌ها در ارائه معنا مشترک‌اند،ولی نشانه‌شناسی اجتماعی پس از انتشار نتایج تحقیقات پی‌یِر گیِرو قالب مشخص و در عین حال سیالی برای نقد((متن)) در اختیار پژوهشگران این عرصه قرار می‌دهد. الگوی پی‌یِر گیرو که در این جستاراز آن استفاده شده است به دو بخش مؤلفه‌های هویت و عناصر آداب معاشرت تقسیم می‌شود.نشانه-شناسی اجتماعی نگاهی تیزبین و جزئی نگر در تحلیل داستان‌های کودک دارد.
کتاب جزیرهٔ بی‌تربیت‌ها از بدو تولد بارها در جشنواره‌ها و جایزه‌های ملی مورد تجلیل قرار گرفته است، از امتیازات ویژه این کتاب توجه به مسائل روز جامعه و استفادهٔ خلاق از ارتباط غیرکلامیاست.تحلیل نشانه-شناسی اجتماعی مجموعهٔ داستان‌های جزیرهٔ بی‌تربیت‌ها نشان می‌دهد،مصرف گرایی و عدم خرید آگاهانه در جامعه به وضعیت اقتصادی خانواده ضربهٔ سنگینی وارد کرده است که در نتیجه افراد خانواده تحت تأثیر فشار روحی و روانی آن دچار ضعف فرهنگی نیز شده‌اند.

کلمات کلیدی: آداب معاشرت، هویت،نشانه‌شناسی،ارتباط غیرکلامی،رمزگان اجتماعی، جزیرهٔ بی-تربیت‌ها

[۱]استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه گیلان
[۲]کارشناس ارشد ادبیات کودک و نوجوان، دانشگاه گیلان؛ رایانامه: yazdansalehin@gmail.com

بررسی تطبیقی شخصیت « گردآفرید» در شاهنامه با شخصیت « ژاندارک » در نمایشنامه برتولد برشت

محبوبه رفیعی نجات[۱]
.محمدرضا شهبازی[۲]

چکیده :

مطالعه آثار حماسی و اسطوره ای هر سرزمینی نقش مهمی در شناخت فرهنگ آن سرزمین دارد . این اسطوره ها که با توجه به ویژگی های اقلیمی و فرهنگی هر قوم و ملیتی شکل گرفته اند ،در واقع بیانگر جهان بینی خاص این انسان ها به دنیای اطرافشان است . یکی از بن مایه های اساسی هر فرهنگ ، نوع نگاه آن ها به زنان در جامعه است . گر چه زنان در طول تاریخ همواره با محدودیت روبرو بوده اند . اما این موضوع تا حدودی با درخشندگی برخی زنان در داستان های حماسی که اغلب با الگو برداری از ایزدبانوان اساطیری به وجود آمده ، جبران شده است . از این نمونه می توان به شخصیت های « گرد آفرید » در شاهنامه و « ژاندارک » در فرانسه اشاره کرد .

هدف از این پژوهش مطالعه تطبیقی این دو شخصیت می باشد . محقق از شیوه توصیفی کیفی استفاده کرده است و ابزار گرد آوری اطلاعات نیز مطالعات کتابخانه ای بوده است . نتایج نشان داده است با مطالعه این دو شخصیت می توان به وجوه مشترک دیگری نیز دست یافت که ویژگی مشترک بسیاری از پهلوان بانوها در داستان های حماسی است .

واژگان کلیدی : شاهنامه ، ادبیات حماسی ، زن ،گرد آفرید ، ژاندارک ، ایران ، فرانسه .

[۱]دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر ، ایران؛ رایانامه: sheka3te@gmail.com
[۲]استادیار گروه هنرهای نمایشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر ، ایران

گفتاری در معادل‌سازی برای اصطلاحات علمی کتاب زیست‌شناسی (پایهٔ دهم متوسطه)

داود رفیعی[۱]

چکیده

فرهنگستان زبان و ادب فارسی در راستای معادل‌سازی برای واژگان بیگانه، به معادل‌سازی برای واژگان علمی کتاب‌های درسی دورهٔ دبیرستان پرداخته است. هدف از این پژوهش این است که بگوییم که اصطلاحات علمی را نیز می‌توان ترجمه کرد امّا در واژه‌گزینی برای اصطلاحات علمی باید تدقیق بیشتری صورت بگیرد. بر این اساس ساختار معادل‌هاییکه فرهنگستان ارائه داده مورد بررسی قرار گرفته است و در پایان اصولی جهت واژه‌سازی ارائه شده است.

واژگان کلیدی: فرهنگستان زبان و ادب فارسی؛ معادل‌سازی؛ اصطلاحات علمی رشتهٔ زیست‌شناسی؛ اصول واژه‌سازی

[۱] دانشجوی دکتری دانشگاه قم؛ رایانامه: davood_rafiei14@yahoo.com

نگرشی بر روایت با فرایند ارتباط در مثنوی

علی اکبر رمضانی[۱].
فریبا عطا شیبانی[۲]

چکیده

روابت در تمامی جلوه های فرهنگی بشر وجود دارد از جمله داستان وا نتقال مفاهیم در پیکره یک متن در بستری از روایت تولید می شود و نیز آوردن قصه ها یکی از دریچه های شکل شناسی روایت در مثنوی است .و عرصه قصه گویی محور عمده بیان ا ندیشه و ارتباط مولانا با مخاطب است.
یکی از شاخصه های مثنوی داستان پردازی و انتقال مفاهیم در قالب حکایت و از زبان نقش پردازان این حکایت هاست که بدون شک اساس آن بر ارتباطات کلامی و غیرکلامی شخصیتهای داستان بنا نهاده شده است.
مولانا دراین شاهکار ادبی به صورت ضمنی نظرات و دیدگاه‌های قابل تاملی در حوزۀ ارتباطات بین فردی و تأثیر آن در تفاهم افراد دارد که می‌توان او را در ردیف نظریه پردازان این حوزه قلمداد نمود. لذا این مقاله سعی دارد تا با نگاه به مثنوی به تبیین برخی از شاخص های ارتباطی در کلام مولانا بپردازد.

کلید واژه : روایت ، قصه گویی، مثنوی، شاخص های ارتباطی

[۱] کارشناسی ارشدزبان وادبیات فارسی؛ رایانامه: f.atasheibani@gmail.com
[۲] دکتری زبان و ادبیّات فارسی

بررسی نقش‌های جنسیتی در جزیرهٔ افسونگران فریبا کلهر بر اساس نظریهٔ پارسونز

افسانه رمضانی[۱]
علی‌اکبر سام‌خانیانی[۲]

چکیده

نقش جنسیتی از مهم‌ترین نقش‌هایی است که کودک باید در زندگی بیاموزد و تحلیل نقش‌هایی که از دختران و پسران در کتاب‌های کودکان ارائه می‌شود می‌تواند کمکی به درک بهتر پذیرش نقش‌های جنسیتی از سوی کودکان باشد. در کتاب‌های داستان نحوهٔ معرفی نقش‌های زن و مرد از اهمیت فوق-العاده‌ای برخوردار است چون کودک از طریق همین کتاب‌ها اعمال زنانه و مردانه و چگونگی نقش خود را به عنوان زن و مرد می آموزد و رؤیاها و شخصیت‌های آرمانی و قهرمانی خود را می‌یابد و می‌سازد. کتاب‌های کودکان ،جهان کوچکی از فرهنگ جامعه را ارائه می‌دهد که کودک از طریق آن با ارزش‌ها و اعتقادات جامعه از جمله در خصوص جنسیت و نقش‌های جنسیتی آگاهی می‌یابد. در این جستار برآنیم که نقش‌های جنسیتی را در"جزیرهٔ افسونگران" فریبا کلهر یکی از نویسندگان شاخص حوزهٔ ادبیات کودک و نوجوان بر اساس مدل تالکوت پارسونز مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم. طبق نظریه پارسونز فعالیت‌ها در نظام اجتماعی به چهار حوزه تقسیم‌می‌شوند: امور اقتصادی، امور سیاسی، امور اجتماعی و امور فرهنگی و مطابق با آن نقش‌های افراد را می‌توان به نقش‌های اقتصادی، نقش‌های سیاسی، نقش‌های اجتماعی و نقش‌های فرهنگی تقسیم‌کرد. حاصل نتایج بیانگر این مطلب است که در این داستان زنان عهده‌دار نقش‌های سیاسی و اجتماعی هستند و نقش اصلی و قهرمان داستان زن می‌باشد.

واژگان کلیدی: نقش جنسیتی، فریبا کلهر، نظریه پارسونز، جزیرهٔ افسونگران.

[۱]دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یاسوج؛ رایانامه: Afsanehramezani91@yahoo.com
[۲]استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند

جلوه هایی از تلمیحات قرآنی در شعر امیر معزی

سمیرا رمضانی[۱]

چکیده

تلمیح، یکی از مقوله های مهم ادبی در اجزای بیان شعر هست. تلمیح در واقع نوعی ایجاز و گزیده گویی در شعر می باشد، که شاعر با ذکر چند واژه از داستان، ذهن خواننده را معطوف کل داستان می نماید. هر شاعر از بیان تلمیح در شعر خود هدفی را دنبال می کند، با توجه به اینکه امیر معزی از سال های جوانی در دربار ملکشاه سلجوقی بوده، و به مناسبت سمت «امارت الشعرا» که داشته، شاعری مدیحه سرا بوده است. و هدف وی از بیان تلمیح، اغراق در مدح ممدوح است و برای این منظور از تلمیحات متنوعی سود جسته و از آن ها به عنوان ابزار مدح بهره گرفته است.

بررسی دیوان معزی نشان می دهد که تلمیحات قرآنی، نسبت به دیگر انواع تلمیح از بسامد بالاتری برخوردار است، و این امر حاکی از تسلط وی به قرآن کریم می باشد. هدف از این پژوهش آشنایی با تفکر و دانش شاعر و یافتن راهی برای درک و فهم بهتر اشعار وی است .

کلید واژه ها: تلمیحات قرآنی، شعر، امیر معزی

[۱] ارشد زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه:sramezani666@yahoo.com

درخت سرو در شاهنامه ی فردوسی

سمیرا رمضانی[۱]

چکیده

در شاهنامه و اندیشهٔ فردوسی، درخت جایگاهی بلند و نمادین دارد و سرشار از راز و رمزهاست. تا بدانجا که نام بسیاری از درختان را در شاهنامه می توان یافت. درخت در شاهنامه نماد پایداری و ایستادگی و سربلندی است. در فرهنگ ایرانی، درخت پدیده‌ای خجسته و اهورایی است. درخت سرو در شاهنامه نمودی برجسته دارد. سرو در میان درختان از ارزش اساطیری بیشتری برخوردار می باشد. سویه‌ای مینوی و سپند نیز دارد و نماد جاودانگی، آزادگی، راستی، عظمت و مردان بزرگ است که نماد بسیاری از شخصیت های شاهنامه می باشد. سرو را «درخت ایران» نامیده‌اند.

در ادبیات فارسی «درخت سرو» مورد توجه بسیاری از شاعران و نویسندگان خوش ذوق این مرز و بوم بوده است. در این مقاله سعی شده است در جنبه های اساطیری «درخت سرو» و رابطه ی آن با آیین ها و باورهای جهانیان و ایرانیان تبیین گردد، و نمونه هایی از کاربرد آن از شاهنامه فردوسی ذکر شود.

کلید واژه ها: درخت سرو، شاهنامه فردوسی، اساطیر

[۱] کارشناسی ارشد زبان وادبیات فارسی؛ رایانامه: sramezani666@yahoo.com

کارکرد برخی پیشوندهاو پسوندهادر گویش لای‌زنگانِ داراب (وندها شمارهٔ ۲)

حسن رنجبر[۱]

چکیده

با در نظر گرفتن این نکته که زبان فارسی زبانی است که بقا یا زوالش تا حد زیادی بسته به وندهای آن است، جستار پیش‌رو تلاشی است در ثبت و ضبط پرکاربردترین پیشوندها و پسوندهای گویش لای‌زنگانی و بیان کارکردهای آنان در این گویش. لای‌زنگان روستایی است در شهرستان باستانی داراب با حدود دو هزار نفر جمعیت که دارای گویشی نیمه‌لری است. مطالب این پژوهش به صورت میدانی گردآوری شده است. این جستار نتایج بسیاری را در پی داشت از جمله: ۱-بسیاری از کارکردهای این پیشوندها و پسوندها در گویش لای‌زنگانی با فارسی رسمی یکی است. ۲-امروزه نسل حاضر بیش‌تر از پیشوند «نَ» استفاده می‌کنند در حالی که گویشوران کهن‌سال بیش‌تر «مَ» را به کار می‌برند. ۳-کارکرد پیشوند «وا» در این گویش بسیار زیاد و متنوع است به گونه‌ای که بیش از هشتاد درصد از افعالاین گویش دارای این پیشوندند. ۴-گویشوران کهن‌سال این روستا بیش‌تر، پسوند «ـِشت» را به کار می‌برند، این درحالی است که نسل حاضر پسوند «ـِش» را به کار می‌برند. ۵-برخی از پسوندهای این گویش از قبیل «ـک»، «ـکو»، «ـکا» و... دارای کارکردهای بسیار متنوعی هستند که لازم است در جستاری مستقل مورد بررسی قرار گیرند.

واژه‌های کلیدی: گویش لای‌زنگانی، پیشوند، پسوند

[۱] کارشناس زبان و ادبیات فارسی و پژوهشگر فرهنگ مردم (گویش¬پژوه)؛ رایانامه: abrak32@yahoo.com

تحلیل یکی از شخصیتهای رمان سووشون، یوسف‌خان

ابراهیم رنجبر[۱]

چکیده

یکی از دو قهرمان اصلی و محبوب رمان *سووشون*، *یوسف‌خان* نام دارد. این مالک جوان تحصیل کرده و کتاب‌خوان به لحاظ طول رفتار داستانی، بعد از زری و به لحاظ تأثیر در تحولات رفتارهای دیگر شخصیت‌ها مقدم بر همه است. چون نماینده‌ی قشر روشن فکر زمان خویش محسوب می‌شود. او را از گونه‌ی تیپ باید شمرد. این قهرمان یکی از هنری‌ترین آفریده‌های داستانی بامداد داستان‌سرایی ایران است چون یک شخصیت داستانی سه بعدی است: این قهرمان وقتی که تیپ روشن‌فکران را نمایندگی می‌کند، شباهت بسیار زیادی به جلال آل‌احمد، همسر نویسنده، دارد؛ وقتی که در آیینه‌ی تاریخ بازتاب می‌خورد، نقشی از نخست وزیر دهۀ بیست، مصدق را به نمایش می‌گذارد؛ وقتی که تنها در عالم داستان به سر می‌بریم، یکی از محبوب‌ترین الگوهای آزادگی و شهامت محسوب می‌شود. روش کار در این مقاله چنین است که داده‌های رمان را با واقعیات تاریخی تطبیق داده و به این نتیجه رسیده‌ایم که این شخصیت ترکیبی خیالی و داستانی از سیمای واقعی جلال آل‌احمد و محمد مصدق است.

کلمات کلیدی: دانشور، سووشون، یوسف خان،

[۱] دانشیار دانشگاه تبریز؛ رایانامه: Ranjbar87@gmail.com

خوانشی جامعه شناسانه از رمان « شروع یک زن» اثر فریبا کلهر بر پایهٔ جامعه شناسی محتوای ادبی

فاطمه رنجبر[۱]

چکیده

خوانش یا نقد جامعه شناسانه به عنوان یکی از گرایش های نقد ادبی با رویکردهای متفاوت به بررسی متون ادبی می پردازد.در واقع دغدغهٔ اصلی این نوع نقد یافتن پیوند های آشکار و پنهان متون ادبی و جامعه است.این نوع نقد گاه در پی کشف عوامل مختلف پذیرش یک اثر در یک جامعه و گاه در سطحی عمیق‌تر، چگونگی بازتاب جامعه را در اثر پیگیری می‌کند. رمان « شروع یک زن» رمانی است اجتماعی که مؤلفه های یک بررسی جامعه شناسانه و نقد اجتماعی را داراست.داستان «شروع یک زن»با ژانر واقع گرای مدرن به بحران روابط عاطفی انسان ها، جنبش های زنان، مشکلات و معضلات مهاجرت،اتفاقات اجتماعی و سیاسی روز، می‌پردازد. نویسندهدر این اثر باورها، اندیشه ها و افکار سیاسی و اجتماعی خود را به مقدار قابل توجهی منعکس کرده است. هدف و نیتاصلی این رمان، معطوف ساختن توجه مردم به کاستی‌ها و نقصان‌های اجتماعی در مقایسه با جوامع پیشرفته است. به عبارت دیگر، «شروع یک زن» رمانی است که بر نفوذ جامعه و اوضاع اقتصادی و نیز بر شخصیت‌ها و وقایع داستانتأکید می‌ورزد و تأثیر اقتصاد و موقعیت اجتماعی را بر رفتار و سلوک انسان ها در زمان و مکان معین مورد ارزیابی و بررسی قرار می‌دهد و مفهوم ضمنی و صریح اصلاحات اقتصادی و اجتماعی را به نقد می کشد.نویسنده در خلال داستان کوشیده است تا پدیده ها و معضللات اجتماعِ کنونی کشور خود از جمله روابط زن و مرد در خانواده و خلاء های حقوقی آنان، مواضع و سرشت شخصیت ها و همچنین معضلاتِ اجتماعی مانند طلاق، مهاجرت های اجباری، کار و مشکلات پیرامون آن و همینطور روابط زن و مرد خارج از حیطه ازدواج و جنبش ها و تشکیلاتی از قبیل جنبش های فمنیستی و... را در داستان خود مطرح کند.

کلمات کلیدی: رمان ، نقدجامعه شناسانه ، شروع یک زن ، فریبا کلهر.

[۱]دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سمنان؛ رایانامه: r.fadah@yahoo.com

پیکرگردانی‌های زنانه در نمونه‌هایی از قصه‌های عامیانه

صبوره رنگرز[۱]
دکتر رضا افهمی[۲]

چکیده:
پیکرگردانی یکی از شگردهای داستان‌پردازی در قصه‌های عامیانه و داستان‌های تخیلی است. منظور از این واژه، دگردیسی ذات و ماهیت شخصیت داستانی است. در این حالت، شخصیت به موجودی فراتر و یا فروتر از آنچه بوده، تبدیل می‌گردد و یا آنکه نوعاً تغییر می‌کند و مثلاً از گیاه به انسان و یا از انسان به حیوان مبدّل می‌شود. در اغلب قصه‌های عامیانه‌ای که مبنای آن بر داستان‌های پریان، استوار است، پدیدهٔ پیکرگردانی قابل مشاهده است. مقالهٔ حاضر بر آن است که از منظرِ طبقه‌بندیِ پیکرگردانی‌ها در قصه‌های عامیانه، پیکرگردانیِ شخصیت‌های زن را در قالبِ روش توصیفی- تحلیلی در چند نمونه از داستان‌های عامیانهٔ گردآوری شده توسط فضل الله مهتدی(صبحی) مورد بررسی قرار دهد. نتایج نشانگر آنست که ساختار کلی پیکرگردانی در داستان‌های عامیانه تابع اساطیر و بازتاب دیگری از آنهاست و به تبع فضای کلی این داستان‌ها که مبتنی بر جدال بین نیروهای خیر و نیروهای شر است؛ پیکرگردانی قصه‌های عامیانه مزبور، در یک چهارچوبِ دو قطبی پیکرگردانیِ مثبت و منفی قابل درک است. اما در پیکرگردانیِ زنان در این داستان‌ها، همچنان تأکید داستان بر جنبهٔ زنانه آنها است و استحالهٔ آنان با حفظ کارکرد آنها در حوزه وظایف همسری و مادری صورت می‌پذیرد.

واژگان کلیدی: پیکرگردانی، قصه‌های عامیانه ایرانی، پیکرگردانی زنان، اساطیر ایران

[۱] دانشجوی رشتهٔ پژوهش هنر دانشگاه تربیت مدرس؛ رایانامه: saboorehrangraz@gmail.com
[۲] دانشیار رشتهٔ پژوهش هنر دانشگاه تربیت مدرس

لحن، جانشین وزن در شعر احمدرضا احمدی

علی‌رضا روزبهانی[۱]

چکیده

احمدرضا احمدی، یکی از نمایندگان جریان شعر «موج نو» است. شعری که در آغاز دهۀ چهل شکل گرفت؛ طرفدارانی یافت و با اوج گرفتن مبارزات سیاسی علیه حکومت پهلوی و بی‌اعتنایی ناشران، منتقدان و مخاطبان به محاق رفت. بعد از انقلاب ۱۳۵۷ و اتمام جنگ و فروکش کردن التهاب‌های سیاسی و حماسی، برخی از اصول این جریان شعری مورد توجه شاعران آوانگارد دهۀ هفتاد قرار گرفت و شعرهای احمدی این بار مورد اقبال ناشران واقع شد. البته وقفۀ ایجاد شده در سرایش شعر در دهۀ پنجاه و عدم اقبال عمومی در دهۀ شصت، مسیر فعالیت شعری احمدی را تغییر داد و باعث شد که او از معیارهای شعرش عدول کند. احمدرضا احمدی از ابتدای فعالیت شاعری، نه از وزن‌های متعارف شعر فارسی استفاده می‌کند و نه خود در پی ایجاد نوعی وزن است. او تمایل چندانی به رعایت وزن ندارد و بیشتر به طبیعت نثر می‌اندیشد. در عین حال اغلب شعرهای او آهنگ و طنین ویژه‌ای دارد که از طریق رعایت نوعی «لحن» ایجاد می‌شود. لحنی که متناسب با فضا و محتوای شعر، زبان و روایت را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد تا هنگام قرائت شعر، کمبود وزن و موسیقی کمتر احساس شود. البته گاهی موسیقی نزدیک به شعر شاملو یا فروغ و یا ترکیبی از هر دو و گاه حتا ترکیب وزن و بی‌وزنی در شعرهای او دیده می‌شود که کم‌کم بی‌وزنی جای این گونه تفنن‌ها را می‌گیرد.

کلمات کلیدی: احمدرضا احمدی، موج نو، لحن، موسیقی شعر.

[۱] استادیارز بان و ادبیات فارسی،دانشگاه آزاداسلامی، ملایر

جستاری در عرفان عین‌القضاه همدانی و عبدالرحمان جامی با تکیه بر لوایح آن دو

سعید روزبهانی[۱]
فاطمه نظرزاده[۲]

چکیده

عبدالرحمان جامی، از شاعران و عارفان مشهور سدهٔ نهم هجری و صاحب لوایح است که درواقع شرحی بر نظریه‌های عرفانی ابن عربی محسوب می‌گردد. مشرب عرفان جامی، صحوی و از نوع تصوف عابدانه و عرفان علمی و نظری می‌باشد. عین‌القضاه همدانی عارف شهیر قرن ششم نیز رساله‌ای به همین نام دارد. او برخلاف جامی، دارای مشرب سکری و از نوع تصوف و عرفان عاشقانه می‌باشد. نوع مشرب هردو نویسنده از لابه‌لای لوایح هرکدام پیداست. این دو اثر اگرچه هم نامند، اما ازنظر محتوا بایکدیگر متفاوتند. لوایح عین‌القضاه در مبحث عشق و خصوصیات عاشق و معشوق و درکل در عرفان عاشقانه نگاشته شده، اما لوایح جامی از نوع عرفان عابدانه و نظری و درکل فلسفی ـ عرفانی است. نثر هر دو اثر، روان و صوفیانه و آمیخته به نظم است و از رباعی که از قالب‌های مورد توجه صوفیه است، بهره جسته‌اند. عین‌القضاه در لوایح خود برای بیان توجیهاتش، از حکایات و تمثیلات عرفانی بر پایهٔ مشرب سکری خویش بهره‌برده، اما جامی فقط به بیان نظریات و سمبل‌ها بسنده کرده و مانند عین‌القضاه از حکایت دلنشین عاشقانهٔ عارفانه بهره نبرده است.

آنچه در ذیل می‌آید، بیان متفاوت دیدگاه‌ها و مشارب عرفانی جامی و عین‌القضاه در لوایح و تفاوت‌ها و تشابهات این دو اثر از نظر شیوهٔ نثر و بیان می‌باشد.

کلید واژه‌ها: جامی، عین‌القضاه، مشرب عرفانی، لوایح، تفاوت‌ها، تشابهات.

[۱] استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سبزوار، سبزوار، ایران؛ رایانامه: roozbahani@iaus.ac.ir
[۲] کارشناس ارشد رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سبزوار، سبزوار، ایران

از بیان ادبی تا تصویر سینمایی بررسی و تحلیل ویژگی‌های روایات مناسبِ ادبی برای به‌تصویر درآمدن

مهسا رون[۱]

چکیده

روایت تصویری، به عنوان رسانه‌ای قدرتمند، پرطرفدار و تأثیرگذار، نوعی هنر روایی است که شاید بتوان آن را ادامهٔ منطقی سنّت روایت‌گری کهن دانست با این تفاوت که از ابزارهای مدرن بهره برده‌است. در عصر حاضر، با آمارهای تأسّف‌بارمطالعهدر کشورمان، بهره‌گیری از آثار ادبیات کلاسیک فارسی در سینما و به‌خصوص اقتباس از این آثار می‌تواند مخاطبان را به مطالعهٔ این گنجینهٔ غنی نیز علاقه‌مند سازد. البته باید اذعان کرد که همهٔ روایات ادبی ظرفیت تصویری شدن ندارند. در این پژوهش، شاخصه‌هایی را که یک متن روایی ادبی باید داشته باشد تا به کارِ فیلمنامه شدن بیایدواکاوی نموده‌ایم؛ این شاخصه‌ها را می‌توان در پنج عنوان «حرکت‌محوری به جای دیالوگ‌محوری»، «غنای بصری روایت»، «داشتن پیرنگ قوی»، «اتّکای روایت بر امور حسّی به جای امور انتزاعی و درونی»، و «پایان‌بندی و گره‌گشایی مبتنی بر حرکت به جای پایان‌بندی کلامی» خلاصه کرد. در آخر نیز اقتباس و برداشت آزاد از آثار ادبی،به گونه‌ای متناسب با ذوق و زبان مخاطب امروزی،به‌عنوان راهکاری در بهره‌گیری از ادبیات فارسی در فیلمنامه‌نویسی پیشنهاد شده‌است.

کلیدواژه: روایت ادبی، بازآفرینی نمایشی، فیلمنامه‌نویسی، اقتباس آزاد

[۱] استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره) قزوین؛ رایانامه: mrone62@gmail.com

گوتیک در رمان بیوه کشی نوشتهٔ یوسف علیخانی

معصومه زارع کهن[۱]
آذر دانشگر[۲]

چکیده

گوتیک ژانری‌ازادبیات‌است؛ که از ترکیب وحشت و مضامین عاشقانه شکل گرفته است. واژهٔ گوتیک ابتدا درمعماری‌قرن هجدهم میلادی بکاررفته است. سپس این ژانر آهسته‌آهسته وارد ادبیات شد. و داستان هایی راکه سرشار از مضامین پررمز و راز ونوعی ابهامِ همراه با وحشت بودند،در بر گرفت. در این ژانر ادبی توصیف ساختمان های بلند به سبک گوتیک، قلعه ها، صومعه ها و بناهای قدیمی و مخروبه نقش زیادی در القای ترس و وحشت به مخاطب را دارند. ادبیات گوتیک پیش زمینه آغاز سبک رمانتیسم در اروپا بوده است و گوتیک را احیا کنندهٔ این سبک و شاخه ای از مکتب پیش رمانتیسم می دانند. در این مقاله سعی برآنست تا به بررسی ژانر گوتیک در رمان بیوه کشی نوشتهٔ یوسف علیخانی پرداخته شود.و همچنین به واکاوای مؤلفه های گوتیک ازجمله: مکان و زمان داستان، شخصیت ، پیرنگ و رنگ و فضا در این رمان اشاره خواهدشد.

کلیدواژه: گوتیک، وحشت، مؤلفه های گوتیک، بیوه کشی،یوسف علیخانی

[۱]. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی واحدکرج،دانشگاه آزاد اسلامی کرج، ایران.email:masoume.zare1980@gmail.com
[۲].استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی واحدکرج،دانشگاه آزاداسلامی،کرج،ایران.email:a.daneshgar2015@gmail.com

نقدوبررسی کتب جدیدالتالیف ادبیات پایه دهم، نگارش، فارسی، علوم و فنون ادبی

زهرا زارعی حاجی آبادی[۱]

چکیده

این پژوهش به ارزیابی محتوای کتب جدیدالتالیف نگارش، فارسی و علوم و فنونادبی پایه ی دهم می پردازد. بدین منظور با بهره گیری از روش توصیفی_ کیفی از نوع تحلیل محتوا، بر اساس مشاهده عینی، می کوشد تا محاسن و معایب کتب جدید التالیف را که به صورت عینی در کلاس درس مشاهده نموده، مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. در این جستار پژوهنده برای بررسی بیشتر موضوع، با مصاحبه ی تعدادی از دبیران و دانش آموزان مدارس دیگر نیز از پژوهش میدانی_پیمایشی بهره برده است.

نتایج پژوهش نشان می دهد که کتاب نگارش دهم در دستیابی به اهداف خود، که همان کسب مهارت و خلاقیت در نوشتن است، به حد قابل قبولی دست یافته و کتاب فارسی دهم در مقایسه با کتاب های پیشین، نیازمند توجه بیشتری است. این کتاب با توسل به پیشینه ی غنی ادبیات و تلفیق آن با ادبیات معاصر می تواند نیاز های دانش آموز امروز را در حوزه ادبیات فراهم نماید .کتاب علوم و فنون ادبی که نوعی درهم ریختگی متون را در خود گنجانده است، نیازمند بررسی دقیق تر مؤلفان درسی می باشد.

کلید واژه: نقد و بررسی، ادبیات پایه دهم، نگارش، فارسی، علوم و فنون ادبی،رویکرد مهارتی

[۱]کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی ود بیر آموزش و پرورش شهرستان میناب.؛ رایانامه:
zahra_zarei_h@yahoo.com

سیمای جراحی در حماسه‌های ایرانی و نمونه‌های اساطیری مشابه آن
(با تأکید بر جراحی تغییر چهره)

بدریه زارعی[۱]

چکیده

حماسه آیینهٔ تمام نمای تمدن و پیشرفت‌های یک ملت است و تنها در فرهنگ و ادب ملت‌هایی به وجود می‌آید که تمدنی کهن و اسطوره‌ای دیرینه دارند. در این مقاله تلاش شده است، با بررسی «پدیدهٔ تغییر چهره در کوش نامه و نمونه‌های اساطیری مشابه آن»، اهمیت بازخوانی حماسه به عنوان گنجینه‌ای سرشار از باورهای اساطیری و نمادهای کهن بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد.

در حماسه‌ها و اساطیر ایرانی دو صورت جراحی دیده می‌شود: جراحی تغییر چهره (جراحی پلاستیک) و جراحی سزارین. جراحی تغییر چهره به منظومهٔ کوش نامه اختصاص دارد. در این منظومه پیری فرزانه بر کوش پیلگوش ظاهر می‌شود، چهرهٔ او را تغییر می‌دهد و دو گوش و دو دندان او را هم اندازه می‌سازد. این گونه است که نخستین جراحی تغییر چهره در کوش نامه صورت می‌پذیرد.

در ادامهٔ این پژوهش به صورت دیگر جراحی یعنی جراحی سزارین که در شاهنامه صورت گرفته، پرداخته شده است. در این منظومه، سیمرغ در قالب پزشکی جادویی بر زال ظاهر شده، پهلوی رودابه را می‌شکافد و رستم را از شکم مادر بیرون می‌آورد. در ادامه نیز به صورت‌های مختلف جراحی در اساطیر یونان و رم، اساطیر آفریقایی، اساطیر بین النهرین، اساطیر هند و سایر اساطیر ملل پرداخته می‌شود.

کلیدواژه‌ها : حماسه، اسطوره، علم، کوش، پدیدهٔ تغییر چهره، جراحی سزارین.

[۱] دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه هرمزگان، مدرس دانشگاه پیام نور بندرلنگه؛ رایانامه: Zareei62@yahoo.com

نقد جامعه شناسی- فنّی داستان گناه جلال آل احمد

فخری زارعی [۱]
اشرف خسروی [۲]

چکیده

در میان دانش‌هایمختلف، ادبیات می‌تواند عرصهٔ مناسبی برای پیوند میان هنر و اندیشه باشد. اندیشه‌ای که با تاثیرپذیری از ذهن نویسنده، زندگی فردی و زندگی اجتماعی را در قالب نثر یا شعر بیان‌می‌کند. از آن جا که نویسنده در بطن جامعه قرار دارد و اندیشهٔ او متاثّر از شرایط اجتماعی زمانهٔ خود است،آثار او می تواند وسیلهٔ سنجش اوضاع اجتماعی و فکری آن جامعه باشد.داستان و به ویژه داستان کوتاه در این میان سهم ویژه‌ای دارد. در میان نویسندگان داستان کوتاهجلال آل‌احمد به دلیل سادگی بیان، صمیمی‌بودن لحن و روان‌بودن نثر از یک‌سو و دقّت و ریزبینی خاصّی که نسبت به مسایل اجتماعی دارد از سویی دیگر همواره مورد توجّهپژوهشگران بوده‌است. داستان گناه از مجموعهٔ سه‌تار، از داستان‌هایی است که با توجّهبه موضوع می‌توان آن را ابزاری برای نشان‌دادن ارتباط میان ادبیات و جامعه‌شناسی قرار داد. ظرفیت های زبانی- هنری داستان از یک‌سو و توجّهبه محتوای آن از سوی دیگر زمینهٔ مناسبی برای نقد داستان فراهم‌می‌کند. در این پژوهش می کوشیم با پرداختن به جنبه‌های فنی و ادبی داستان و پیوند آن با نقد جامعه‌شناسی نقدی ترکیبی-التقاطی ارائه دهیم. داستان گناه اگرچه برشیاز یک زندگی است اما به‌واقع آینهٔ جامعهٔ آل‌احمد است. این بررسی نشان می‌دهد به‌کارگیری عناصر فنی و زیبایی شناسی تاثیر بسزایی در انتقال پیام و اندیشه نویسنده دارد.

کلیدواژه‌ها: آل احمد، گناه، نقد جامعه‌شناختی، عناصر داستان.

[۱] کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه: fakhri.zarei78@gmail.com
[۲] دکترای زبان و ادبیات فارسی

اندیشه‌های تعلیمی مکتبی شیرازی در منظومهٔ «کلمات عَلیّهٔ غَرّا»

محبوبه زمانی[۱]
سمیه الماسی[۲]

چکیده

مکتبی شیرازی، از خمسه‌سرایان موفق قرن نهم هجری، که با منظومهٔ «لیلی و مجنون» خود به شهرت رسیده است. در این مقاله، به سراغ منظومهٔ «کلمات عَلیّهٔ غَرّا»اثر دیگر وی آمده‌ایم. این کتاب سرشار از مفاهیم اخلاقی است که اگر از منظر تعلیمی به آن نگریسته شود، نکات و آموزه‌های اخلاقی و تربیتی گوناگونی از آن می‌توان آموخت. این پژوهش، به‌صورت توصیفی-تحلیلی به بررسی مضامین تعلیمی منظومهٔ *کلمات عَلیّهٔ غَرّا* پرداخته است. بررسی این مفاهیم، نشان از اندیشه‌های مکتبی دارد؛ اینکه وی انسان را به چه صفاتی ترغیب یا از داشتن کدام صفت برحذر می‌دارد.همچنیناز میان این مضامین، اصلی یا فرعیبودن آنها شناختهمی‌شود.

واژه‌های کلیدی: ادبیات تعلیمی، مکتبی شیرازی، *کلمات عَلیّهٔ غَرّا*، مضامین اخلاقی در شعر

[۱].کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد؛ رایانامه: Mahbube.zamani@Gmail.com
[۲]. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد

از ترجمه تا اقتباس: نگاهی به اقتباس سینمایی از کتاب "چارلی و کارخانه شکلات‌سازی"

فاطمه زند[۱]
فاطمه‌زهرا نظری رباطی[۲]
زینب شیخ حسینی[۳]

چکیده

امروزه اقتباس از آثار ادبی به ویژه رمان و نمایشنامه برای ساخت فیلم بسیار مرسوم است. با این وجود، اقتباس از رمان کودک و نوجوان کمتر مورد توجه قرار گرفته‌است.از این رو در پژوهش حاضر رمان چارلی و کارخانه شکلات‌سازی نوشته رواد دال با فیلمی برگرفته از آن با همین نام مقایسه شد. این مقایسه با توجه به تعریف کوریگان از وفاداری فیلم به اثر ادبی و در چهارچوب نظریه کاهیر در مورد اقتباس به عنوان نوعی ترجمه، انجام‌شد تا میزان وفاداری و تغییرات موجود در فیلم نسبت به رمان را بررسی کند. درپایان مشخص گردید که این اقتباس سینمایی را می‌توان نوعی ترجمه سنتی از اثر ادبی دانستکه با وفاداری به اثر، افزودن مضامین اخلاقی و طرح‌های فرعی، بازگشت به گذشته،واکاوی گذشته قهرمان و پررنگ نمودن روابط خانوادگی تأثیری مضاعف بر روی مخاطب کودک و نوجوان به جا گذاشته‌است.در بخش دیگر این پژوهش، نسخه دوبله فارسی این فیلم با نسخه اصلی مقایسه و مشخص شد که حذف ترانه‌ها و موسیقی فیلم که برگرفته از کتاب و حاوی مضامین آموزشی و اخلاقی است، از تأثیر جنبه آموزشی آن برای مخاطب کودک و نوجوان ایرانی می‌کاهد.

واژگان کلیدی: ترجمه، اقتباس، ادبیات کودک و نوجوان،چارلی و کارخانه شکلات‌سازی.

[۱] مربی مترجمی زبان انگلیسی، دانشگاه حضرت نرجس (س) رفسنجان
[۲] مربی مترجمی زبان انگلیسی، دانشگاه حضرت نرجس (س) رفسنجان؛ رایانامه: nazari.sodo@gmail.com
[۳] استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حضرت نرجس (س) رفسنجان

ساختار حکایت های«بهارستان»نورالدین عبدالرحمن جامی

محمد زنگنه[۱]
حمیرا زنگنه[۲]

چکیده :
آفرینش« گلستان » به قلم اعجاز گونهٔ افصح المتکلمین سعدی با نثری مسجع و آهنگین، باعث و مایهٔ خلق آثاری ارزشمند در بین نویسندگان صاحب ذوق فارسی زبان گردید. از آن جمله می توان به « روضهٔخلد » اثر مجدخوافی اشاره نمود. که به تصریح مولف با اختلاف زمانی کمتر از هفت دهه از گلستان سعدی تحریر شده است.

اثر دیگری که شاعر و نویسنده مورد بحث ما را برآن داشت تا کتابی به سبک و سیاق گلستان تصنف کند، «بهارستان» مولانا نورالدین عبدالرحمن جامی است. وی با ذهنی وقّاد و تفکّری خلّاق و با بهره گیری از تمام ظرفیّت های زبانی، زیبایی های کلامی و موضوعات انسانی توانسته است، اثری جدید به تقلید از گلستان سعدی بیافریند. این کتاب در قالب حکایت با نثری فاخر همراه با اشعار فارسی و عربی تالیف شده است. به اعتراف جامی، بهارستان را برای فرزندش – ضیاءالدین یوسف- به سبک گلستان و به زبانی ساده و قابل فهم تدوین کرده است.

این پژوهش برآن است، تا ساختار حکایت های «بهارستان» جامی را از لحاظ کاربرد ابیات، شخصیت پردازی، کوتاهی و بلندی، ... و حکایت های تمثیلی بررسی کند.

در این تحقیق مشخص شد این کتاب علاوه بر داشتن ارزش های ادبی، آموزه های دینی و اخلاقی بر پایهٔ تعالیم اسلامی، از جهت داستان پردازی دارای اهمیّت است، به ویژه برخی از حکایت های آن از لحاظ ایجاز، سادگی، برخورداری از تم جذّاب و ... منطبق با ویژگی های داستان های مینی مال است.

کلید واژه : ساختار ، حکایت ، بهارستان ، جامی

[۱]کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه:m1345z@gmail.com
[۲]کارشناس علوم تربیتی

مضامین عارفانه وعاشقانه در غزلیات فرصت الدوله شیرازی

سید محسن ساجدی راد[۱]

منور صدرایی[۲]

چکیده

هدف ازاین مقاله بررسی مضامین عارفانه و عاشقانه در غزلیات فرصت شیرازی است . وی با نام میرزا محمد نصیر حسینی ملقب به فرصت الدوله و متخلص به فرصت ، معروف به میرزا اقا (۱۳۳۹-۱۲۷۱) یکی از ادیبان بزرگ دوره ی قاجار و از شاعران سبک بازگشت ایران به شمار می آید . او در همه ی علوم زمان خود از جمله موسیقی ، منطق ، حکمت ، نجوم ، هیات ، هندسه ، حساب و اسطرلاب سرآمد دیگران بوده و به زبان انگلیسی نیز آشنایی داشته است . در شعر از سعدی ، حافظ ، سنایی ، خاقانی و مولوی پیروی نموده است .روش این تحقیق بر روی صدوهشتاد غزل فرصت میباشد.نتایج این پایان نامه بررسی مضامین عارفانه مانند خرابات ، ریاضت و ... و مضامین عاشقانه مانند زلف ، گیسو ، لب و ... در اشعار او ادامه دهنده ی مضامین شاعران قبلی است اما با سبک و نگرش زبانی فرصت . هرچند در مضمون آفرینی بهره ی چندانی ندارد اما در تکرار مضمون همچون قند مکرر ماهر و چرب دست است .

واژگان کلیدی: عارفانه، عاشقانه، غزلیات، مضامین، فرصت.

---

[۱] استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد واحد فسا

[۲] دانشجوی دکتری ادبیات عرفانی دانشگاه آزاد واحد فسا؛ رایانامه: mitraas612@gmail.com

روایت راوی
(نقش داستان‌های کتاب " قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب "در ترویج زبان و ادبیات کهن فارسی و ارتقا جایگاه آن در بین نوجوانان)

سیدمحسن ساجدی‌راد[۱]
آرزو حقیقی[۲]

چکیده:
مثنوی معنوی یکی از میراث‌های ارزشمند ادبیات کهن برای بهره‌مندی گروه‌های سنی مختلف؛ خصوصا کودکان و نوجوانان است. یکی از شیوه‌های سودجستن از این منبع گران‌بها برای کودکان و نوجوانان که نقش مهمی نیز در ترویج ادبیات کهن و ارتقا جایگاه آن دارد، بازنویسی است. در این مقاله، بازنویسی تعدادی از داستان‌های مثنوی‌معنوی از کتاب" قصه‌های خوب برای بچه های خوب" اثر مهدی اذر یزدی با اصل داستان در مثنوی معنوی مقایسه شده و از نظر چگونگی بهره‌گیری از آن با دیدگاه مخاطب‌شناسی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. این پژوهش نشان می‌دهد که آذریزدی در این بازنویسی‌ها توانسته است در انتقال پیام به مخاطبان خود موفق عمل کند و با انجام بازنویسی‌های ساده که بیشتر به رویه و ظاهر داستان برمی‌گردد، اصل واصالت داستان را مخدوش نسازد و به هدف اصلی بازنویسی که ارتباط با ادبیات کهن و ارتقا جایگاه آن در بین نوجوانان است،دست‌یابد.

کلیدواژه: ادبیات کودک و نوجوان، بازنویسی، مثنوی معنوی ، مهدی آذریزدی.

---

[۱] استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد فسا رشته زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه: sajedirad2010@yahoo.com

[۲] دانشجوی دکترای ادبیات عرفانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد فسا

شعرسهراب سپهری در پرتو نقد بوم‌گرا

غلامرضا سالمیان[۱]
تورج زینی‌وند[۲]
رضوان محمدی[۳]

چکیده:
نقدبوم‌گرا از مباحث مطالعات بینارشته‌ای در حوزهٔ ادبیّات و محیط زیست است که رابطهٔ انسان و محیط زیست را در متون ادبی بررسی می‌کند وبه چگونگی بازتاب مسائل محیط زیست در آثار ادبی می‌پردازد. این پژوهشبا هدفاصلاح رویکردهای نادرست فرهنگی نسبت به محیط پیرامون و جهت‌بخشی به اندیشهٔ انسان‌ها در راستای بهره‌برداری درست از منابع محیط زیست،با بررسی آثار سهراب سپهری،با بهره‌گیری از مباحث زیست‌محیطی، مطالعات بینارشته‌ای ادبیّات تطبیقی و بر اساس مبانی بوم‌نقدصورت گرفته‌است. بزرگداشت طبیعت،بیان ویژگی‌ها و سودمندی‌های طبیعت و بدرفتاری انسان با طبیعتاز مقوله‌های مطرح در شعر سپهری است. نتایج به‌دست‌آمده حاکی است که در شعر سهراب، وجود انسان کمرنگ است؛امّا در مقابل،وی به محیط پیرامون توجّه ویژه‌ای دارد. او با بازگشت به طبیعت به دنبال سادگی گذشته و مناظر طبیعی است؛ ارتباط سپهری با طبیعت، بی‌واسطه است؛سهراب با تأمّل در هستی به مرحلهٔ جدیدی از آگاهی و تجربه دست یافته‌است؛ این آگاهی موجب شده تا در برابر طبیعت ومظاهر آن، فروتن و همواره حامی حقوق محیط پیرامون باشد.به‌طور کلّی با بررسی شعر سهراب درمی‌یابیم که مسألهٔمحیطزیستدرشعروی بازتاب گسترده‌ای داشته‌است و او توانسته با بهره‌گیری از بیان شاعرانهٔ خویش، بر روابط انسان و طبیعت تأثیرگذار باشد.

کلیدواژه: ادبیّات تطبیقی، مطالعات میان‌رشته‌ای، نقد بوم‌گرا ، سهراب سپهری، محیط زیست.

---

[۱] دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی؛ رایانامه : reza_salemian@yahoo.com
[۲] دانشیار گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه رازی
[۳] دانشجوی کارشناسی ارشد تطبیقی

جایگاه عناصر داستانی در خاطره‌نوشتهٔ «پایی که جا ماند»

غلامرضا سالمیان[۱]
خلیل بیگ‌زاده[۲]
زینب اسدی[۳]

چکیده:
اجزای بنیادین تشکیل دهندهٔ داستان را عناصر داستان می‌نامند. در مورد تعداد و ترکیب عناصر داستان اتّفاق نظر وجود ندارد؛ امّا با تعمّق در آرای صاحب‌نظران می‌توان این موارد را جزو عناصر داستان دانست: شخصیّت، پیرنگ، درونمایه، کنش، سبک و... . به طور طبیعی شاید اینگونه انتظار برود که عناصر داستان را باید در داستان جست و در خاطره‌نوشته‌ها جایگاهی برای این عناصر یافت نمی‌شود؛ امّا در پژوهش حاضر برآنیم این ویژگی‌ها را در خاطرات بجوییم. بدین‌منظور یکی از خاطره‌نوشته‌های موفّق دفاع مقدّس، یعنی*پایی که جا ماند*را انتخاب و آن را از نظر ویژگی‌های عناصر داستان بررسی و تحلیل کردیم.*پایی که جاماند* کتابی درقالب خاطرات است که به شکل روایت خاطرات شخصیّتی را که در شانزده سالگی راهی جبهه‌های نبرد حقّ علیه باطل می‌شود وبه اسارت دشمنان در می‌آید بازگو می‌کند.
نتایج پژوهش نشان دادکه نویسندهٔ کتاب، از بسیاری از عناصر داستان جهت پردازش بهیهٔ اثر به خوبی ـ که در موضوع جنگ و اسارت نوشته شده ـ بهره‌مند شده است. وی از توصیفجزء به جزء بهره گرفته و داستان را در قالب زاویهٔ دید اوّل شخص گفته است.شخصیّت اصلی، خود راوی است که بسیار موفّق پردازش شده است.درون‌مایهٔ اثر نشان دادن ظلم وستم های رژیم بعثی عراق است.گفت‌وگوی متن خستگی و ملال را از خواننده گرفته و بر گیرایی داستان افزوده است. سایر عناصر نیز به نحوی در روند داستان تأثیر مطلوب داشته‌اند.

کلید واژه‌ها:عناصر داستان،خاطره‌نویسی، ادبیّات دفاع مقدّس، کتاب پایی که جا ماند

---

[۱]دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی کرمانشاه؛ رایانامه: reza_salemian@yahoo.com
[۲]دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی کرمانشاه
[۳]کارشناسی ارشد ادبیات فارسی دانشگاه رازی کرمانشاه

مطالعه پدیدارشناسی نقوش بافتنی‌های سنتیفرهنگ عامه کرمانشاه
(با تأکید بر نقش و نگاره گلیم سنتی)

نصرت اله سپهر[۱]

چکیده

گلیم یکی از بافتنی‌های کاربردی کهن این سرزمین است. بافت نقوش این بافتنی سنتی به نوعی برگرفته از حالات روحی وروانی بافنده است که در قالب نقش بر روی گلیم به ثبت می‌رسد.بافنده برای ایجاد نقوش این نوع از صنایع‌دستی علاوه بر تأثیر ازمحیط جغرافیایی و آموزشی که دیده‌اند،به نوعی تحت تأثیر فرهنگ، نواها،عشق‌ها و حالات درونی نیز بوده‌اند. از جمله نقوش مطرح بر روی گلیم بخصوص گلیم هرسین کرمانشاه می‌توان به نقش کنگره،زیگزاک، طاق وژمانی، مل چفته (کرشمه دو مرغابی در کنار برکه) رم رم، درختو گنجشک، (گنجشک در کرمانشاه نماد بچه آسمان است) قیچی، (از وسایل اطراف بافنده است و نمادرگیری ذهنی)، بط (که استفاده از گوشت و تخم آن مورد توجه است) شغال (دغدغه بافنده برای ماکیان و تحدید شغال و...) عروسک (اسباب‌بازی کودک دم دست بافنده و مشغول کردن کودک برای تداوم بافت گلیم است) اشاره کرد. هرچند برای شناخت حالات روحی روانی افراد از این طریق (نقوش گلیم) عواملی همچون فرهنگ، تقلید طرح، بافت دونفره گلیم، زمان و فصل بافت، ساعت روز یا شب و... باید مدنظر داشت، با این وصف نمی‌شودبه‌طور یقین و صراحت بدون در نظر داشتن مجموعه عوامل، نظری قطعی اعلام نمود. در این جستار تلاش می‌شود ضمن بررسی نقوش پرکاربرد در گلیم‌های ناحیه استان کرمانشاه به لایه‌های پنهان فرهنگی، ادبی و هنری دست یافت و نقوش از منظر روان-شناسی و پدیدار شناسی مورد تحلیل قرار خواهند گرفت.

کلمات کلیدی: گلیم، فرهنگ، نقش، طرح، رنگ، سنت

---

[۱]. پژوهشگر هنرهای زیبا

سیر تطور استعاره در بلاغت عربی و فارسی
تا قرن هفتم هجری

محبوبه سپهری حسن نیا[۱]

چکیده

در تحقیق حاضر به بررسی سیر تطور استعاره در بلاغت فارسی و عربی تا قرن هفتم هجری قمری پرداخته‌ایم. قدیم‌ترین فردی که نامی از استعاره برده و آن را توضیح داده، ارسطو است و در حقیقت می‌توان گفت پیشینه سخن در این باب به او بر می‌گردد. در بلاغت عربی نیز افراد زیادی در آثارشان به بحث استعاره پرداخته‌اند. جاحظ قدیمی‌ترین شخصی است که در توضیح بیتی، استعاره را تعریف کرده است. هرچه در طول تاریخ جلوتر می‌رویم، مشاهده می‌کنیم که بحث پیرامون استعاره دقیق‌تر شده و مؤلفان سعی دارند در عین نقل سخن گذشتگان، بحث در این مورد را تکامل بخشند و اندک اندک به تقسیم بندی آن روی آورده و به صورتی موشکافانه به بحث در این باره می‌پردازند. بلاغت فارسی نیز که می‌توان گفت در سایهٔ بلاغت عربی بارور شده، از این قاعده مستثنی نبوده و ملاحظه خواهیم کرد که مؤلفان کتب مختلف چگونه در بیان استعاره از یکدیگر تأثیر گرفته‌اند.

کلید واژه‌ها: استعاره، تطور، بلاغت فارسی، بلاغت عربی

[۱] دانشجوی فوق لیسانس ادبیات تطبیقی و مدرس جامعه المصطفی العالمیه مشهد؛ رایانامه: m.sepehry273@gmail.com

گذری بر دو کتاب بلاغی
(*اسرار البلاغه- المعجم فی معاییر اشعار العجم*)

محبوبه سپهری حسن نیا[۱]

چکیده

در تحقیق حاضر به معرفی و تحلیل کتاب *اسرار البلاغه* عبدالقاهر جرجانی و *المعجم فی معاییر اشعار العجم* اثر شمس قیس رازی و تأثیری که بر کتب بعد از خود داشته‌اند، پرداخته‌ایم. هر یک از این کتاب‌ها در جایگاه خود از ارزش بالایی در میان کتب بلاغی برخوردارند. می‌توان گفت جایگاه ارزشی *المعجم* در بلاغت فارسی همچون جایگاه *اسرار البلاغه* در بلاغت عربی است؛ همان طور که با *اسرار البلاغه* جرجانی تحولی اساسی در بلاغت عربی شکل می‌گیرد و تا مدت‌ها این اثر بر کتب بعد از خود تأثیر می‌گذارد، *المعجم* نیز از معتبرترین کتاب‌های فارسی در زمینه عروض و قافیه و بلاغت است که کتاب‌های بعد از آن فراوان از مطالبش سود جسته‌اند. در هر دو کتاب موردنظر مباحث بلاغی از یکدیگر تفکیک نشده و در هم متداخل‌اند.

کلید واژه ها: بلاغت فارسی، بلاغت عربی، *المعجم فی معاییر اشعار العجم*، *اسرار البلاغه*

[۱] دانشجوی فوق لیسانس ادبیات تطبیقی و مدرس جامعه المصطفی العالمیه مشهد؛ رایانامه:
m.sepehry273@gmail.com

مدیحه‌سرایی به مثابه کنش آیینی

نسرین ستاری نجف آبادی[۱]

چکیده

در بررسی امر مدیحه‌سرایی که در بارگاه فرادستان حکومتی مطرح بوده، نظریات متعدد و گاه متضاد، ابراز شده است.دیدگاه غالب معاصر، آن را کنش نکوهیده‌ای در وجه تملق و چاپلوسی دانسته که بنا به دلایلی همچون؛ کسب مقام و موقعیت اجتماعی، دریافت صله و عطا و گذران زندگی به انجام می‌رسیده است.به نظر می‌رسد وجه تقدس گرایانه‌ای در مدیحه‌سرایی آیین باروجود داشته که مهجور مانده کهپی‌گیری آن با اصطلاح امر استعلایی، مورد نظر این پژوهش است. تحقیق می‌کوشد باهدف تاکید بر وجه استعلایی آیین بار در یک وضعیت احتمالی، کنش مدیحه‌سرایی را به مثابه یک کنش آیینی، معرفی کند. در این تحقیق روش مورد استفاده مطالعه اسنادی و تطبیق یافته‌ها بر شاخصه های آیین بار است. طبق یافته‌ها، آیین بار فرهنگ کهن، دارای شاخصه‌هایی همچون؛ زمان، مکان، شخصیت و کنش ستایشیبوده که همگی با یک نگاه استعلایی در بارگاه فرادستان حکومتی به انجام، می‌رسیده است،بنابراینمدیحه‌سرایی به مثابه یک کنش ستایشی در وجه نیایشی، جلوهکرده که با برخورداری از زبان استعاری رو به سوی امر استعلایی داشته و پشتوانهٔ آیینی بار باستانی در بستر فرهنگی کهن ایران تا دوران اسلامی، حضور و تداوم خود را حفظ کرده است.

کلید واژه‌ها: آیین بار، امر استعلایی، وجه استعاری،زمان مقدس، مکان مقدس، شخصیت مقدس، کنش مقدس در وجه سروده/ مدیحه‌سرایی.

[۱] دانشجوی کارشناسی ارشد هنر اسلامی دانشگاه هنر اصفهان؛ رایانامه: sattarinasrin@yahoo.com

مضامین تعلیمی، شاخصه سبکی منظومه‌های غنایی

فاطمه ستاری[۱]
کامران پاشایی[۲]

چکیده

بخشگسترده‌ای از ادبیات فارسی، ادب غنایی است به گونه‌ای که در نگاه کلی ادبیات با مضمون غنایی شناسانده شده است، اهمیت ادب غنایی تا حدی بوده که منظومه‌هایی غنایی به صورت مجزا در ادبیات سروده شده‌اند، از جمله منظومه‌های: ویس و رامین، ورقه و گلشاه، منظومه‌های غنایی نظامی، امیرخسرو دهلوی، خواجوی کرمانی در ادبیات مشهورند. مضمون اصلی این منظومه‌ها، داستان عاشقانه است اما اگر آنها را به لحاظ دارا بودن مضامین تعلیمی و اخلاقی بررسی کنیم، باید گفت از اولین منظومه تا امروز تمامی اشعار غنایی در بخشی، شامل مضامین تعلیمی اخلاقی است به گونه‌ای که می‌توان آن را یکی از شاخصه‌های سبکی منظومه‌های غنایی معرفی کرد، در این مقاله با بررسی منظومه‌های معروف ادبیات، این مسأله بررسی شده و دستاورد تحقیق بیانگر این است در تمامی منظومه‌ها شاعران خود را موظف دانسته‌اند که مفاهیم تعلیمی را نیز بازگو نمایند.

کلیدواژه‌ها: منظومه‌های غنایی، تعلیم، اخلاق، شاخصه‌های سبکی.

[۱] دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد تبریز؛ رایانامه: fatemeh_sattari336@yahoo.com
[۲] استاد دانشگاه آزاد تبریز

مقایسه اندیشه های انسان شناختی مولوی و یونگ

الهه ستوده پور [۱]
مژگان آبشاوی [۲]

چکیده:
انسان ها در هر کجای جهان و در هر دوره و فرهنگی که زندگی می کنند به حکم انسان بودن دارایگوهر وجودی واحدی هستند. شباهت های ناشی از اشتراک گوهر انسانی مخصوصا در عرفان به صورت مکرر دیده می شود، ممکن است دو نفر دقیقا یکمطلب را با اصطلاحات متفاوتی بیان کنند و این است که ما به نظام عرفانی معتقدیم، چنان چه میان جلال الدین محمد مولوی عارف ایرانی و کارل گوستاو یونگ روان شناس سوییسی دربارهٔ کمال انسان شباهت های بسیاری وجود دارد. مولوی، با نگاهی حیرت زا به انسان، توانست گام هاییرا تا رسیدن به انسان کامل بردارد و یونگ، در روزگار قحطی انساناز فردیت و خود شدن سخن می گوید و بر این باور است که انسان تا به خودِ متافیزیکی اش دست نیابد از روان نژندی نجات نمی یابد.در این پژوهش برآنیم تا با بررسیاندیشه های مشترک این دو متفکربه این نتیجه برسیم که هرچند مولوی و یونگ دارای دو رویکرد مختلف معرفت شناختی هستند و یکی بر اصل عرفان و امور شهودی تکیه می کند و دیگری خود را متعلق به معرفت تجربی می داند اما هردو به وجود خدا، سرچشمه های معنویت، شهود و باورهای جمعی دینی و الهی رسیدند وبه توصیف و تحلیل آن پرداختند.

کلیدواژه ها : مولوی،یونگ،ناخودآگاهی جمعی،سیر فردیت، انسان کامل.

[۱] دانشجوی دورهٔ دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد؛ رتایانامه:e.setoode@gmail.com

[۲] عضو هیأت علمی دانشگاه پیام‌نور شیراز

بررسی شخصیت فریدون از وداها تا شاهنامه

زهره سرمد[۱].
منیره خلیلی محله [۲]

چکیده

فریدون ،یکی از خدایان بزرگ هندوایرانی است که در کتاب وداها از او با عنوان تریت و در اوستا با نام تراتئون یاد شده است ؛تریت ودایی از جمله خدایانی است که به دنبال فرافکنی های برخاسته از شرایط جوی به وجود آمده است، این خدای کهن در کتاب اوستا بر اثر تفکرات یکتا پرستانه ی دین زردشت در صورت یکی از پادشاهان درآمده و در کتاب شاهنامه در همین صورت باقی مانده است؛با بررسی خویشکاری های شخصیت فریدون در روایات اسطوره ای و حماسی، به برخی از افعال و صفات مشترک می رسیم ،در این تحقیق سعی بر آن است که با معرفی شخصیت این خدای کهن در وداها،اوستا و شاهنامه به این وجوه اشاره شود.

واژه های کلیدی:فریدون،ودا،اوستا،شاهنامه

[۱] استاد یار دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام (شهر ری)،گروه زبان و ادبیات فارسی،تهران،ایران؛ رایانامه: zohreh_sarmad1@yahoo.com
[۲] استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد شبستر،گروه زبان و ادبیات فارسی ،آذربایجان غربی،ایران.

تحلیل ساختاری و محتوایی نمایشنامه های منظوم و آهنگین دوره مشروطه (نمونه موردی : اپرای رستاخیز شهریاران ایران از میرزاده عشقی)

عالیه سرمدی [۱]

چکیده

مقاله حاضر، تأملی است در باب عناصر تشکیل دهنده ی متون نمایشی منظوم و آهنگینی که به عنوان اولین تجربه های شعر دراماتیک درزمان نو پایی ادبیات نمایشی در عرصه ی تئاتر و اجرای صحنه ای در دوره مشروطه به رشته ی تحریر در آمده اند . نحوۀ ارئه مطالب به شیوۀ تحلیلی و تشریح و کاربرد هر یک از عناصر درام و تفکیک عوامل سازنده ی ساختار نمایشنا مه می باشد . البته در نخستین گفتار به تبیین ظهور ادبیات نمایشی در دوران مشروطه و بررسی کاربرد های شعر در سیر تاریخی هنر های نمایشی و سپس حضور آن در ساختار زبانی نمایشنامه های دوره مذکور در ایران پرداخته ایم.دستاوردپژوهش نشان دهندۀ آناست کهعشقی با سرودن نمایشنامۀاپرای رستاخیز شهریاران ایران توانسته است با استفاده ازقالب نمایشنامه آهنگین واستفاده از زبان شعر در نمایش وبر پایه ارجاع مخاطب به یک قالب نوین،طرحی نودر ادبیات شعری ایران ایجادکند.

کلیدواژه: نمایشنامه آهنگین- میرزاده عشقی- اپرای رستاخیز شهریاران ایران-شعر نمایشی

[۱] کارشناس ارشد زبان وادبیات فارسی؛ رایانامه:aliyeh.sarmadi@gmail.com

مروری کوتاه بر چشم انداز عناصر داستانی در حسنک وزیر

حبیب سعادت [۱]

علویه عصمتی [۲]

چکیده

تاریخ بیهقی نام کتابی نوشته ابوالفضل بیهقی است که موضوع اصلی آن تاریخ پادشاهی مسعود غزنوی پسر سلطان محمود غزنوی است.این کتاب هم از جنبهٔ تاریخ نگاری و هم از جنبهٔ ادبی بسیار درخور توجه است.

تاریخ بیهقی بزرگترین اثر تاریخی و شاید بتوان گفت داستانی ترین اثر کهن زبان فارسی است.در این میان داستان حسنک وزیر، نیز یکی از شورانگیزترین و زیباترین حکایت‌های تاریخ است که ابوالفضل بیهقی آن را تصویر کرده و از تمامی امکانات نمایشی، تصویری و داستانی بهره برده و این داستان را در تاریخ ادبیات، داستانی به یاد ماندنی ثبت کرده است. در این مقاله، پس از مقدمه اشاره ای به اهمیت تاریخ بیهقی توصیف های بیهقی از رویدادها،اشخاص،موقعیت ها و فضاها شده است.در ادامه مهم ترین عناصرداستان: پی رنگ،تعلیق،نقطه اوج،گره گشایی،لحن،زبان،مکالمه،شخصیت، درون مایه، زاویهٔ دید، صحنه آرایی و فضاسازی و در داستان ذکر بر دار کردن حسنک وزیر مورد پژوهش و بررسی قرار گرفته شده است.

کلید واژگان: بیهقی،حسنک ،عناصر داستان.

[۱] کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه: RavabetBonab@yahoo.com

[۲] دانشجوی کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی

نقش شعر متعهددر پاسداشت آرمان های انقلاب اسلامی
(با تأکید بر اشعار قیصر امین پور و سلمان هراتی)

محمد سعیدنیا[۱]

بهیه احمدی [۲]

چکیده :

شعر متعهد، پا به پای تحولات اجتماعی و سیاسی ایران، حرکت کرده و به مرور زمان در مضامین و محتوا دچار تحولاتی شده و با معیارهایی چون اخلاق، تربیت، دین، ملیت و جامعه گراییبا نگرشی به حفظ و تبیین آرمان ها یانقلاب به راه خود ادامه داده است. این گونه شعری، گاهی به صورت انتقادی و اعتراضی ظهور کرده که پس از دوران مشروطه در شعر پس از انقلاب اسلامی، چشمگیر و در خور تأمل است. این نوشتار، ضمن تبیین مفهوم تعهد و اعتراض در شعر فارسی، به بررسی مضامین شعر متعهد در دهه شصت و تأثیرات عمیق آن در پاسداشت از آرمان های انقلاب اسلامی می‌پردازد. از بین شاعرانی که در این فاصله زمانی، آثاری ارائه کردند، اشعار قیصر امین پور و سلمان هراتی که مضامین اصلی تعهد و آرمان‌خواهی انقلاب اسلامی در شعر آنان با بسامدی چشمگیر یافت می شود، مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی:شعر متعهد، جنگ، انقلاب، اعتراض،امین پور ، هراتی .

[۱] مدرس و پژوهشگر دانشگاه مجازی المصطفی؛ رایانامه: saiednia133@yahoo.com

[۲] مدرس و پژوهشگر دانشگاه مجازی المصطفی

نکاتی نویافته دربارهٔ مناسبات رشید وطواط با شاعران هم‌عصر او

سارا سعیدی[۱]
محمداحمدی[۲]

چکیده:
رشید وطواط از شعرای قصیده پرداز قرن ششم هجری است که دربهکارگیریصناعاتلفظیومعنویید بیضا نموده است وطواط در میان معاصرانش همواره یکی از برترین و چیره‌دست‌ترین ادیبان و شاعران به شمار می‌آمده است هدف از این مقاله ارائهٔ نکاتی نویافته دربارهٔ ارتباط این شاعر با چند تن از شاعران هم عصر او یعنی خاقانی، ادیب صابر و انوری است. برای یافتن این نکات از اشعار وطواط و سایر شعرا و سایر منابع جانبی استفاده شده است و روش ما برای یافتن اطلاعات در این پژوهش روش کتابخانه‌ای است. از جمله مهمترین اطلاعاتی که در این تحقیق به دست آمد این است که رشید وطواط شعری در مدح خاقانی گفته که آن شعر در دیوانش نیست، هیچ شاعری را به اندازهٔ ادیب صابر مدح نگفته و دست آخر گویا انوری او را ستوده است. با توجه به اطلاعات به دست آمده می‌توان چنین نتیجه گیری کرد که نفوذ دائم و مستمر وطواط در مهد قدرت یکی از عوامل بسیار مهم در شیوع شهرت او در میان قدما بوده است و در نتیجه شعرا و فضلا اغلب با او مکاتبانی داشته‌اند.

کلیدواژه: *ادیب صابر- انوری- رشیدالدین وطواط - خاقانی.*

[۱] دانشجوی دکتری دانشگاه تهران؛ رایانامه: sarahsaeidi1395@gmail.com
[۲] دکترای زبان و ادبیات فارسی پژوهشگاه علوم انسانی

سیری در گویش گورک ساداتی

غلامعباس سعیدی [۱]
جعفر صیدی[۲]

چکیده

برای حفظ هر ادبیات و فرهنگی باید زبان آن فرهنگ و ادب را حفظ نمود. یکی از راه‌ها برای این امر, جلوگیری از ورود کلمات بیگانه به آن زبان است. ما می‌توانیم با بازگشت به گویش های محلی ایران و استخراج واژه‌های کهن و استفاده از آنها به جای واژه‌های بیگانه به این مهم دست یابیم. این وظیفه ما را بر آن کرده است که در این مقاله به بررسی اجمالی گویش یکی از روستاهای استان بوشهر به نام گورک سادات بپردازیم.

این گویش از نظر واجی تفاوت چندانی با فارسی معیار ندارد ولی گاهی تبدیلاتی صورت می‌گیرد. در این گویش کلمات دخیل زیادی از زبان های مختلف به خصوص انگلیسی یافت می‌شود ولی گویشوران آن را به رنگ و بوی گویش خود آغشته و با دستگاه آوایی خود تلفظ می‌کنند و دیگر اینکه در این گویش شناسه به جز پیشین (غیر صرفی) فعلهای مرکب می‌چسبد و بعضی از افعال و اسمهای آلت به صورت کهن آن مورد استفاده قرار می‌گیرند.

کلید واژه: گویش, واج, فعل, کلمات دخیل, شناسه و حروف.

[۱]استادیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی؛ رایانامه: gholamabbassaeidi@yahoo.com
[۲]کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

بررسی ونقد فرایند واژه سازی در فرهنگستان سوم

غلامعباس سعیدی[۱]

چکیده

در زبان فارسی، واژهٔ فرهنگستان، لغت سازی و واژه آفرینی و معادل گزینی را به ذهن متبادر می سازد. در صورتیکه وظیفهٔ واژه سازی و اعتلای زبان باید در قدم اوّل بر عهدهٔ شاعران و مترجمان و دانشمندان باشد نه بر عهدهٔ فرهنگستان و دولت. فرهنگستان وظیفه ای کمکی دارد تا اینگونه افراد، یعنی شاعران و مترجمان و... رشد کنند و زبان وادب را اعتلا بخشند. این جستار سعی بر آن دارد که ساز و کار فرهنگستان سوم را نقد و بررسی نماید. الگوهای واژه سازی در این فرهنگستان را از نگاه زبانشناسی تجزیه و تحلیل کند و برخی از واژگان ساخته شدهٔ ناموفّق را نقد نماید.

کلید واژه: فرهنگستان سوّم ، واژه سازی، نقد واژه گزینی، تحلیل واژگان

[۱]استادیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی؛ رایانامه:gholamabbassaeidi@yahoo.com

اشعارعرفانی در روی تزیینات صنایع فلزی دوره صفویه

رحیم سلامت آذر[۱]
سید مهدی حسینی نیا[۲]
سویل امانی[۳]

چکیده

ادبیات در فرهنگ‌ها مختلف آیینه تمام‌نمای یک قوم یا یک ملت است. در قالب‌های خاص جلوه‌گر می-شود. اشعار فارسی به خصوص شعر عرفانی یکی از قالب‌های ادبیات است. یکی از کاربردهای شعر عرفانی استفاده آن در تزیینات کتیبه نگاری است. شعر عرفانی بیشتر از دورهٔ تیموری به بعد درکتیبه‌نگاری رایج شده و در دوره‌های بعد کاربرد آن گسترش یافت. در دوره صفوی به خاطر گسترش اسلام و تشیع و به دنبال آن رسمی شدن مذهب شیعی، باب تازه‌ای را در نو شدن اندیشه و افکار غالب در جامعه آن روزگار باز شد که این امر سبب گسترش و پیشرفت کشور در رشته‌ها و شاخه‌های مختلف هنری از جمله معماری، خطاطی و انواع صنعت‌ها گردید. در این میان هنر فلزکاری در آن دروان دارای ارزش‌های هنری و مذهبی بسیار در ابعاد مادی و معنوی است. به خاطر گرایش‌های آنها به مذهب تشیع هنر فلزکاری این دوره قابل توجه و جای تأمل و بررسی دارد. از این دوره آثار زیادی به دست آمده است که بیشتر آنها در موزه‌های ایران و دیگر کشورها نگهداری می‌شود. هدف اصلی از این پژوهش تاثیرات اعتقادات شیعه بر روی تعدادی از فرم‌های فلزات با استناد به اشعار عرفانی بر روی آن‌ها است. روش گردآودی اطلاعات در این پژوهش، مطالعه کتابخانه‌ای، اسنادی (تصویری و مکتوب) بوده که به دنبال آن از طریق توصیف و تشریح به تحلیل یافته‌ها پرداخته شده است. نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد که در فلزکاری دورهٔ صفویه اشیاء علاوه بر دارا بودن جنبه تزئینی وکاربردی، دارای نقش‌ها و تزئینات بوده که از تفکر اسلامی و شیعی رایج در آن دوره برگرفته شده، چنان که در باطن فرم و نقش به صورتی عرفانی و نمادگرایانه به کار رفته اند.

کلیدواژه: صفویه، ادبیات، اشعار عرفانی، فلزات.

۱-مدرس دانشگاه پیام نور

۲- دانشجوی دکتری باستان شناسی دانشگاه محقق اردبیلی، گرایش دوران اسلامی، مدرس دانشگاه پیام نور؛ رایانامه: mehdihosseyni5518@gmail.com

۳- دبیر آموزش و پرورش ناحیه ۲ اردبیل، اردبیل

تحلیل مسأله مهاجرت و حاشیه نشینی بر شخصیت‌های رمان« روزگار سپری شده مردم سالخورده» محمود دولت آبادی

مریم سلحشور[۱]

چکیده

همه نظریه پردازانی که در زمینه جامعه شناسی ادبیات به نوعی قلم زده اند، در این موضوع که چگونگی آفرینش آثار ادبی با زندگی اجتماعی پیوند دارد، اتفاق نظر دارند. جامعه شناسی ادبیات از جمله رشته های میان رشته ایی است با گره زدن جامعه شناسی و ادبیات ، مسایل جامعه را در ادبیات به خصوص در رمان‌های رئال به منصه ظهور در می‌آورد. یک نویسنده رئالیست با پرداختن به معضلات اجتماعی سعی می‌کند تصویری از جامعه‌ای را که در آن زندگی می‌کند به خواننده ارائه بدهد. مهاجرت و حاشیه نشینی مسأله‌ای است که دولت آبادی در رمان‌های خود بسیار به آن پرداخته است و شخصیت‌های داستان‌هایش به نوعی درگیر این مسأله و تبعات آن هستند. رمان **روزگار سپری شده مردم سالخورده** یکی از رمان‌های واقع گرایانه وی است که شخصیت‌های آن به نحو بسیار ملموسی درگیر پیامدهای مهاجرت و به تبع آن حاشیه نشینی هستند. این معضل اجتماعی بر زندگی هر یک از شخصیت‌های اصلی و فرعی رمان به نوعی تأثیر می‌گذارد.

این‌که آیا مهاجرت و حاشیه نشینی بر روی رفتارهای شخصیت داستان تأثیر می‌گذارد یا نه، یکی از دغدغه های اصلی این تحقیق به شمار می‌رود.و نگارنده سعی کرده است تا در این تحقیق با استفاده از نظریه های« لوکاچ» و «لوسین گلدمن» تأثیر این پدیده اجتماعی را بر جامعه و زندگی شخصیت‌ها بررسی و تحلیل کند.

کلید واژه : حاشیه نشینی، روزگار سپری شده مردم سالخورده، دولت آبادی، جامعه شناسی ادبیات.

[۱] استادیار رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد تبریز؛ رایانامه: msalahshoor95@yahoo.com

«تجلی و کارکرد عناصر قرآنی در اشعار موسوی گرمارودی»

فاطمه سلطانی[۱]

چکیده

موسوی گرمارودی به عنوان یکی از آغازگران شعر آیینی در سبک نو است. او جز آن دسته از شاعران نسل انقلاب است که به دلیل انس با فرهنگ قرآنی و دینی، اندیشه دینی و قرآنی در شعرش غالب است. پژوهش حاضر به بررسی و تحلیل عبارات قرآنی در اشعار موسوی گرمارودی می‌پردازد. بدین منظور؛ انواع سطوح مختلف تأثیر پذیری شاعر از آیات قرآنی، واکاوی شده و منظور شاعر از بهره گیری از این عناصر قرآنی و کارکرد آن بیان شده است. تحقیق درپی پاسخ دادن به این پرسش است که سبک تأثیرپذیری شاعر از قرآن چگونه و در چه سطحی است. با توجه به بررسی های به عمل آمده محرز شدکه تأثیرپذیری واژگانی، تضمینی و برآیندسازی، بیشترین بسامد را در اشعار موسوی گرمارودی دارند که نشان دهندۀ اصالت سبک شاعر در امر تأثیرپذیری از قرآن در این حیطه است. این تحقیق به شیوۀ استقرایی و از نظر ابزار و میدان تحقیق به صورت کتابخانه‌ای است.

کلیدواژه: واژه‌های قرآنی، موسوی گرمارودی، تأثیر پذیری، کارکرد.

[۱] استادیارزبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارک؛ رایانامه: f-sultani@araku.ac.ir

بررسی نارسیسم(خودستایی) در قصاید قاآنی شیرازی

سید محمد علی سلمانزاده اطاقسرایی[۱]

چکیده

خودستایی و مفاخره یکی از انواع ادبی است که در تمام ادوار شعر فارسی وجود داشته است به گونه‌ای که اغلب شاعران به خود و اشعارشان نازیده‌اند. در این بین قاآنی شیرازی از اهمّیّت خاصی برخودار است؛ زیرا او در اکثر قصایدش به خودستایی دست یازیده است. این نوع خودستایی قاآنی، خودستایی‌های خاقانی را به یاد می‌آورد که برقدما و معاصران خویش طعنه زده و خود را برتر از آنان شمرده است. در این مقاله به ابعاد خودستایی قاآنی شیرازی، علل و کثرت کاربرد آن در قصایدش پرداخته شد. برای نیل به این هدف، ابیاتی که دارای محتوای فخر و خودستایی بوده استخراج و فهرست وار بیان شد. نتایج پژوهش حاکی ازآن است که مهم‌ترین ابعاد خودستایی قاآنی، بدیهه‌گویی، تصرف بدیع در تغزّلات قصیده، استعدادذاتی، آشنایی به زبان فرانسه و انگلیسی، دریافت لقب حسّان عجم از سوی محمدشاه و ... است. علت اصلی خودستایی قاآنی، رقابت و منافست با دیگر شاعران درباری و مدحی بودن قصاید اوست که نام و نان شاعر بدان وابسته بود.

واژه‌های کلیدی: خودستایی، فخر، نارسیسم ، قصیده، قاآنی شیرازی

[۱] دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران؛ رایانامه:Salmanzadeh1491@gmail.com

بررسی تطبیقی جلوه‌های بلاغی صنعت تلمیح در شعر احمد وائلی و احمد عزیزی

کامران سلیمانی[۱]
محمود آبدانان مهدیزاده[۲]
نصر الله امامی[۳]
تورج زینی وند[۴]

چکیده

ماهیت تلمیح و جایگاه آن در ترسیم منظومهٔ فکری و عقیدتی شاعران معاصر، نکته ای است که کمتر به آن توجّه شده است.این صنعت بدیعی دو بعدی؛ یعنی ناظر بر وجوه صوری و معنایی، می تواند منعکس کنندهٔ جهان بینی مسلّط و بنیادهای فکری و زیباشناسی شعر دینی باشد. احمد وائلی شاعر نامدار معاصر شیعی عرب و احمد عزیزی آیینی سرای ایرانی، از شاعران توانمندی هستند که آرایه بلاغی تلمیح در شعرشان بسامد زیادی دارد. هر دو شاعر با استفاده از اطلاعات و اندوخته‌های ادبی، تاریخی و مذهبی از این آرایه در اشعارشان به طور چشمگیری بهره برده‌اند و به عنوان ابزاری در خدمت اندیشه‌ها و پیام‌های دینی خویش بهره گرفته‌اند. بیشتر تلمیحات دو شاعر، برگرفته از آیات و داستان‌های قرآنی است و ریشهٔ قرآنی و اسلامی دارند و هدف دو شاعر از بکارگیری آن، تلاش برای رسیدن به هدفهای ارزشمند اسلام است. در پژوهش حاضر سعی شده است ضمن طبقه بندی و تشریح شبکهٔ تلمیحات به کیفیّت تلمیحات قرآنی و روایی، تاریخی، دینی و ادبی در شعر دو شاعر پرداخته شود. امّا آنچه شیوهٔ وائلی و عزیزی را در کاربرد این تلمیحات متمایز میکند کارکرد این هنر بلاغی- بویژه در شعر وائلی- نه به منظور تفنن و هنرنمایی ادبی، بلکه به منظور بیان چالش های فرهنگی، اجتماعی و دینی جامعهٔ اسلامی است.

واژه های کلیدی: ادبیات تطبیقی، شعر معاصر عربی و فارسی، شعر متعهّد، تلمیح، وائلی، عزیزی.

---

[۱] - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید چمران اهواز؛ رایانامه: k.solimany95@gmail.com
[۲] - دانشیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
[۳] - استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
[۴] - دانشیار گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه رازی کرمانشاه.

درونمایه‌های طنز در داستانهایکوتاه زکریا تامر

کامران سلیمانی[۱]
حدیث شیخ اسدی[۲]
محمود آبدانان مهدیزاده[۳]

چکیده

زکریا تامر(۱۹۳۱) از برجسته‌ترین داستان نویسان معاصر سوری است. او با بهره‌گیری از اسلوب طنز در آثار خود، رنج و دشواری کنونی مشکلات انسان در جهان معاصر اسلام را از زوایای گوناگون، مورد کنکاش قرار داده است. از جمله حوزه‌هایی که در آن می‌توان به بیان واقعیّت‌ها پرداخت، زبان طنز می باشد؛ چرا که ادیب با استفاده از این اسلوب، می‌تواند پرده از حقایق پنهان و پوشیده بردارد و با توجه به تأثیرگذاری طنز در بیان زشتی‌ها و عیب‌های جامعه، چه در مقولهٔ سیاسی، و یا اجتماع؛ می‌توان اذعان کرد که زبان طنز رساتر و برتر از زبان دیگر نوشته‌ها است. زکریا تامر با زبان طنز، از واقعیّت دردناک جامعه خویش و جهان معاصر عرب، حقایق را آشکار و خوانندگان را به اندیشدن در این مقوله، وا می-دارد. وی با سلاح طنز، به رویارویی با مصائب و دشواری های زمانهٔ خویش پرداخت و مسائل و مشکلات سیاسی، اجتماعی عصرخویش را با اسلوبی هنرمندانه مطرح می نماید. از این رو، این پژوهش بر آن است که با روش توصیفی- تحلیلی به بررسی درونمایه‌های طنز با محوریت سه موضوع؛ فقر و فاصلهٔ طبقاتی، آزادی و مبارزه با استبداد، معضلات اجتماعی ملّت عرب از سوی حاکمان مستبدّ در برخی از داستان‌های کوتاه تامر بپردازد.

واژه های کلیدی: زکریا تامر، طنز، داستان‌های کوتاه ، فقر، آزادی

[۱] - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید چمران اهواز؛ رایانامه: k.solimany95@gmail.com.
[۲] - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
[۳] - دانشیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید چمران اهواز.

تحلیل رویکرد رئالیسم جادویی در دو قصه:
«سعادتنامه» و «الاستغاثه»

(غلامحسین ساعدی و زکریا تامر)

علی سلیمی[۱]
مصیب قبادی[۲]
محمد علیجانی[۳]

چکیده

غلامحسین ساعدی و زکریا تامر، داستان‌نویس معاصر سوری، از نویسندگان برجسته ادبیات داستانی در ادب فارسی و عربی به شمار می‌روند. سبک دو نویسنده، تلفیقی از به هم آمیختگی واقعیت با تخیل است که از ویژگی‌های «رئالیسم جادویی» در داستان‌نویسی است. در این شیوه داستان‌نویسی، رویدادهای غیرممکن به شکلی معجزه‌وار و در روایتی رئالیستی رخ می‌دهند که استعاره‌ای از حوادثی در عالم واقع هستند. رئالیسم جادویی، چندین مؤلفه دارد که در برخی داستان‌های تامر و ساعدی موضوعیت یافته است. این پژوهش، با روش توصیفی، تحلیلی، داستان «الاستغاثة» زکریا تامر از مجموعه «دمشق الحرائق» و داستان «سعادتنامه» از مجموعه «واهمه‌های بی‌نام و نشان» را بررسی نموده است و در صدد بیان چگونگی استفاده دو نویسنده، از این شگرد داستان‌نویسی در بیان چالش‌های انسانی، اجتماعی در دنیای امروز است. نتیجه به دست آمده از این پژوهش گویای آن است که هر دو داستان، در فضایی جادویی روایت شده‌اند با این تفاوت که شخصیت‌های جادویی در اثر ساعدی نسبت به اثر تامر، از تنوع بیشتری برخوردارند.

واژه‌های کلیدی: زکریا تامر، غلامحسین ساعدی، رئالیسم جادویی، الاستغاثه، سعادتنامه

---

[۱] - استاد گروه عربی دانشگاه رازی کرمانشاه؛ رایانامه: salimia1387@gmail.com
[۲] - دانشجوی دکترای گروه ادبیات عربی دانشگاه رازی
[۳] . دانشجوی دکترای ادبیات فارسی دانشگاه بوعلی همدان

«جلوه‌های عشق ورزی در اشعار حسین منزوی و عباس محمود العقّاد»

علی سلیمی[۱]
تورج زینی‌وند[۲]
مهران معصومی[۳]

چکیده

عشق از زیباترین مضامین مهم شعری است که از عمق وجود انسانها سرچشمه می‌گیرد و عامل پیوند میان آنان را شکل می‌دهد. منزوی و عقاد عاشق پیشگانی هستند که عشق را در سر دفتر اشعارشان جاری ساخته‌اند و درون شعله‌ور و آتش گرفته خود را بر روی کاغذ نمایان می‌سازند تا هم زیبایی و هم جانسوز بودن این پدیده را برای خوانندگان تداعی کنند. شاعران رمانتیک که خود را در دام زیبایی معشوق گرفتار می‌بینند، برای توصیف آن و حوادث تلخ و شیرین در مسیر عاشقی، لب به سخن می‌گشایند؛ گاهی برای توصیف زیبایی معشوق در دریای بی‌کران بلاغت غوطه‌ور می‌شوند و با تعبیرهای زیبا به وصف جمال او می‌پردازند و گاهی از معشوق جفا می‌بینند و شک و تردید آنان را فرا می‌گیرد و معشوق را ستم کاری جلوه می‌دهند که پیمان مقدس عشق را گسسته و خیانت را برگزیده است. از مضامینی که این دو شاعر در راه عشق از آن بهره گرفته‌اند و در این پژوهش به آن پرداخته شده، می‌توان مواردی چون زیبایی معشوق، مناجات با وی در خلوت شبانه، درد و رنج، صبر و تحمل، وصال، حیاء، فراق، نیرنگ و فریب، نوستالژی، هجران و ... را برشمرد که این دو شاعربا زیبایی این امور را در اشعارشان جای داده‌اند.

کلمات کلیدی: عشق، رمانتیک، حسین منزوی، عبّاس محمود عقّاد،

---

۱ .استاد گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه رازی کرمانشاه؛ رایانامه:a.salimi@razi.ac.ir
۲.دانشیار گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه رازی کرمانشاه،
۳کارشناس ارشد زبان و ادبیات عرب دانشگاه رازی.

واکاوی و مقایسه کارکرد نمادهای طبیعی در شعر توفیق زیاد و نصرالله مردانی

علی سلیمی[۱]
وجیهه سروش[۲]
سمیه بختیاری[۳]

چکیده

توجه به طبیعت و زیبایی‌های نهفته در آن از دیرباز در کانون اندیشه و توجه شاعران قرار گرفته است. برخی از این شاعران که به طبیعت نگاه سمبولیک دارند، معتقدند در ورای هر چیزی در طبیعت رازی نهفته است. به خاطر شرایط سیاسی و فرهنگی مشابه در شعر فارسی و عربی، وصف طبیعت یکی از مضامین مشترک آن‌دو به شمار می‌رود. نمادهای طبیعی همچون؛ برف، باران، گل و... در شعر معاصر فارسی و عربی، کارکرد نمادشناختی پررنگی دارند. نصرالله مردانی شاعر معاصر فارسی، با استفاده از این نمادها، سروده‌های سمبولیستی قابل‌توجهی خلق کرده و در قالب این سروده‌ها، افکار انقلابی و مذهبی خود را به خوبی به تصویر کشیده است. از طرف دیگر توفیق زیّاد شاعر معاصر عرب نیز در اشعار خود، از این نمادها برای بیان دغدغه‌های اجتماعی عصر خود بهره برده و تصویری از جهان دلخواه خویش ارائه کرده است. اگرچه در زمینه بررسی تطبیقی طبیعت‌گرایی در شعر شاعران معاصر فارسی و عربی آثاری به رشته تحریر درآمده است اما این موضوع در شعر مردانی و توفیق زیّاد بررسی نشده است. مقاله حاضر، ضمن تحلیل چگونگی استفاده از این نمادهای طبیعی برای بیان مقاصد گوناگون و تبیین تفاوت‌های موجود و دلایل آن، می‌تواند کارکرد نمادشناختی طبیعت را در شعر معاصر فارسی و عربی به ویژه شعر این دو شاعر تبیین کند.

واژگان کلیدی: نصرالله مردانی، توفیق زیّاد، طبیعت، نماد، ادبیات تطبیقی.

---

۱. استاد گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی؛ رایانامه:salimia1387@gmail.com
۲. دانشجوی دکترای زبان و ادبیات عرب دانشگاه رازی
۳. دانشجوی دکترای زبان و ادبیات عرب دانشگاه رازی

بررسی هنجارگریزی و آشنایی زدایی در تاریخ جهانگشا

زهرا سمائی [۱]

چکیده

هنجارگریزی (آشنایی زدایی) مجموعه‌ای از شگردها و فنونی است که مؤلّف یک متن ادبی آگاهانه به کار می‌گیرد تا متن را به چشم مخاطب بیگانه نماید. انسان در بسیاری از رفتارهای اجتماعی، دچار نوعی عادت زدگی می‌شود. ادراک و شناخت انسان نیز کم‌کم به فرایندی عادت‌گونه و خود به خودی تبدیل می‌شود. چنانچه زبان نیز به صورت فرایندی عادت‌گونه به کار رود از ادبیّت تهی می‌ماند. مهمترین کار یک نویسنده و شاعر موفّق آن است که زبان را از حالت عادت‌گونه و خودکار درآورد و با شگردها و فنونی ویژه برجستگی و تمایز خاصّی به آن بدهد تا در نظر خواننده بیگانه و تازه و نو به نظر برسد. بسیاری از منتقدان جوهر و ذات شعر را گریز از عادت‌ها و هنجارهای عادّی زبانِ خودکار می‌دانند. در این مقاله، هنجارگریزی (آشنایی زدایی) در متن ادبی تاریخ جهانگشا در سطح واژگانی و نحوی مورد بررسی قرار گرفته است.هنجارگریزی نحوی در تاریخ جهانگشا بیشتر در ساخت دستوری جمله نمایان می‌شود.جوینی از هنجارگریزی نحوی بیشتر از هنجارگریزی صرفی استفاده نموده است. هنجارگریزی واژگانی در نثرجوینی بیشتر به صورت نوآوری در وندافزایی دیده می‌شود. در متن مقاله به نمونه‌های متعدّدی از هر کدام اشاره شده است. این مقاله سعی کرده است که با نشان دادن انواع هنجارگریزی واژگانی و نحوی، ادبیّت و بلاغت موجود در متن تاریخ جهانگشا را پیش چشم خواننده بگیرد.

کلیدواژگان: تاریخ جهانگشا، عطا ملک جوینی، هنجارگریزی واژگانی، هنجارگریزی نحوی،آشنایی زدایی

[۱] کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه: samaee@gmail.com

بررسی تطبیقی جاودانگی در دنیای اساطیری سپهری و البیاتی

فتانه سمسار خیابانیان[۱]
کامران پاشایی فخری[۲]

چکیده

انسان، از آغاز پیدایش برای درک و رسیدن به جاودانگی، به تلاش‌های بسیاری دست زده است.
میل انسان به جاودانگی در قالب های مختلف هم چون اسطوره ها و ادبیات متجلی شده است به طوری که، آنان اولین دشمنان خود را دیوان و اهریمنان می پنداشته اند.
یکی از جنبه های مهم اهریمن و قوای او، مرگ آفرینی است؛ از این رو، تلاش برای راندن اهریمن، به نوعی، با مرگ گریزی و دست یافتن به زندگی ابدی، پیوند می خورد.
شعرای ملیت های مختلف، جلوه هایی مانا از امتزاج اسطوره جاودانگی و شعر بر بیکران عرصه ادب آفریده اند که در این مقال، سهراب سپهری و عبدالوهاب البیاتی را برگزیدیم تا نظاره گر اشتراکات ذهنی و ذوقی این دو شاعر با دو ملیت متفاوت در این حوزه باشیم.
خلود و مرگ گریزی در دو شاعر مذکور، مشترکا با توسل به عشق، طبیعت و فرازمانی و مکانی بودن متجلی می شود که تبیین آن، عمده مبحث این نوشتار خواهد بود.

واژگان کلیدی: اسطوره، جاودانگی، سهراب سپهری، عبدالوهاب البیاتی، مرگ زدایی

[۱] مدرس دانشگاه چرخ نیلوفری آذربایجان؛ رایانامه: k.fattaneh@gmail.com
[۲] عضوهیئت علمی دانشگاه آزاد تبریز

سبک‌شناسی نخستین سوگ‌سرود کربلا از کسایی مروزی

احمد سنچولی[۱]

چکیده

شهادت امام حسین(ع) و ماجرای عاشورا حادثه‌ای عظیم در تاریخ بشریت است که روح و جان هر انسان آزاده و آزادی‌خواهی از جمله شاعران راستین و متعهد را دردمند و اندوهگین می‌سازد. حکیم کسایی مروزی نخستین شاعری است که به زبان فارسی در قصیده‌ای تغزلی- حماسی به بیان مناقب و مصائب خاندان پیامبر(ص) که مورد آزار و ستم بنی‌امیه و بنی‌عباس قرار گرفته‌اند، پرداخته و در حقیقت همدلی و همدردی تمام مردم ایران را با آن خاندان پاکباز به تصویر کشیده است. این قصیده که به سوگنامه معروف است، هم از نظر قدمت در مرثیه‌سرایی اهمیت دارد و هم از نظر شیوهٔ مرثیه‌سرایی در نوع خود یگانه است. زیرا تنها مرثیه‌ای است که شاعر آن را با توصیف طبیعت و مضمونی تغزلی آغاز کرده است. لذا در این نوشتار، نخستین سوگ‌سرود کربلا از لحاظ سبک‌شناسی در سه سطح زبانی، ادبی و فکری بررسی گردیده و عناصر سازندهٔ آن شامل موضوع، محتوا، قالب و تعبیر مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. زبان شاعر در این قصیده، زبانی فخیم همراه با سادگی و لطف بیان است که در آن شکوه و طنطنهٔ چکامه‌های خراسانی نمایان است و بیانگر تأثر شدید شاعر از حادثهٔ کربلا است که تبلور تأثر و بغض و نفرت شدید تمام آزادی‌خواهان نسبت به ستمگران و بیدادگران می‌باشد.

واژگان کلیدی: سبک‌شناسی، کسایی مروزی، شعر عاشورایی، سوگنامه، امام حسین(ع).

[۱] استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه زابل؛ رایانامه: z.keychi@gmail.com

بررسی تطبیقی سیمای جامعه‌ی پیش و پس از انقلاب در ادبیات کودکان و نوجوانان (با تکیه بر دو مجموعه داستان بچه‌های قالیبافخانه و پلوخورش نوشتهٔ هوشنگ مرادی‌کرمانی)

احمد سنچولی[۱]
زهرا کیچی[۲]

چکیده

آثار ادبی هر قومی در حقیقت جلوه‌گاه مسایل اجتماعی آن قوم به شمار می‌رود و مهمترین نقش را در انتقال فرهنگ و دگرگونی آن دارد. تأثیر و تأثر ادبیات و جامعه از یکدیگر امری اجتناب‌ناپذیر است. از این‌رو شناخت قوانین و نهادهای اجتماعی، آداب و رسوم و مخصوصاً بررسی کارکردهای اجتماعی آثار ادبی در حوزه‌ی ادبیات اهمّیّت فراوانی دارد. یکی از گسترده‌ترین بخش‌های ادبیات هر ملّتی ادبیات مربوط به کودکان و نوجوانان است که نقش مهمی در آماده‌سازی آن‌ها برای ورود به عرصه‌ی اجتماع دارند.در این نوشتار که با هدف بررسی و مقایسه‌ی سیمای جامعه ترسیم شده در دو مجموعه داستان بچه‌های قالیبافخانه مربوط به دوره‌ی پیش از انقلاب (۱۳۵۴) و پلوخورش مربوط به پس از انقلاب اسلامی (۱۳۸۶) صورت گرفته است، سعی می‌شود تا با بررسی نهادهای بنیادین جامعه یعنی نهاد خانواده، نهاد آموزشی، نهاد سیاسی، نهاد اقتصادی و نهاد مذهبی-فرهنگی، تفاوت‌ها و شباهت‌های سیمای جامعه را در این دو دوره نشان داده شود. ارایه‌ی جدول‌های بسامدی و نمودار مقایسه‌ای در این راستا به درک بهتر این تفاوت‌ها و شباهت‌ها یاری می‌رساند. نتیجه‌ی این پژوهش نشان از آن دارد که با توجه به تأثیر مستقیم جامعه بر ادبیات کودک و نوجوان و تفاوت‌های عمده‌ی جامعه در این دو دوره، خانواده همچنان در صدر توجه نویسنده قرار دارد و سایر نهادها با توجه به اهمیّت و نقش آن‌ها در پرورش و رشد و کمال کودکان و نوجوانان در رده‌های بعدی قرار می‌گیرند.

کلیدواژگان: نهادهای اجتماعی، ادبیات کودکان و نوجوانان، هوشنگ مرادی‌کرمانی، بچه‌های قالیبافخانه، پلوخورش.

---

[۱] استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه زابل
[۲] دانشجوی دکترا دانشگاه حکیم سبزواری؛ رایانامه: z.keychi@gmail.com

شخصیّت پردازی در داستان های تاریخ بیهقی

علی سهرابی[۱]

چکیده

در دنیا اشخاص زیادی چون گوته،گوتزی و شیلردرمورد شخصیّت وطبقه بندی آن به شیوه های مختلف گفته اند. ژرژپولتی شمارشخصّیت ها رابه سی وشش موردتقلیل داده است. عده ای آن را به صورت ؛ نقش ها وعملکردها وحرفه ها وتیپ های سنتی نام برده اند.

افرادی نیز آن را مبنای دوازده الهه درمیان ملّت های جهان تقسیم نموده اند.فردی دیگرآن را به قهرمانان، صاحب منصبان، قبیله ها، نهادها، پدرسالارهاو... عده ای آن را به **۳۶۹** موردوکسانی تعداد **۴۲۶** شخصّیت رادرعدد ۵ (که همان سن وسال متفاوت است؛کودکی ، نوجوانی، جوانی، میان سالی و کهولت) ضرب کرده اند. این پژوهش علاوه بر دسته بندی شخصّیت های (زن ومرد) به بیان روش های متداول توصیف آنان ،پویایی وجذّابیّت های شخصّیت درتاریخ بیهقی پرداخته است. به دلیل وجود شخصّیت پردازی وبسیاری دیگر از عوامل و عناصرنمایشی در تاریخ بیهقی به نظرمی رسد که این کتاب پتانسیل بالقوه ای جهت تبدیل به اثری دراماتیک را داراست.

کلید واژه ها :شخصّیت،کانون های جذّابیّت، زوج ها،گفت وشنود.

[۱] کارشناسی ارشد زبان ادبیات فارسی؛ رایانامه: Alisohrabi51@yahoo.com

تحلیل مضامین مشترک در شعر خاقانی و ولی دشت بیاضی

طاهره سید رضایی[۱]

چکیده

میرزا محمد متخلص به «ولی» از شاعران سده دهم هجری است که در ناحیه دشت بیاض از توابع قهستان (قاین) متولد شد. از دوران کودکی او آگاهی چندانی در دست نیست همین قدر می دانیم که در آغاز جوانی به قزوین رفت و چندین سال در آنجا اقامت گزید. سپس به خراسان باز گشت و دیرگاهی ملازم دربار سلطان «ابراهیم میرزای صفوی» بود تا سرانجام پس از مرگ شاه تهماسب و تاخت و تاز های ازبکان به فرمان دین محمد خان ازبک کشته شد.(زنگویی : ۱۳۸۵: ۱۷۷)

وی با تعدادی از شاعران زمان خود از جمله محتشم کاشانی ، وحشی بافقی ، شکیبی اصفهانی و ثنایی مشهدی و . . . معاشرت و مکاتبه داشته است. (صفا : ۸۲۹:۱۳۶۹) از بین قالب های مختلف شعر«ولی در قصیده و غزل تبحر داشت و دیوان شعر او دو هزار بیت دارد و اشعارش روان و یکدست است.» (آیتی ، ۱۳۷۱: ۲۳۲)

[۱] استادیار دانشگاه پیام نور؛ رایانامه: sepidehrezayi@yahoo.com

مقایسه تحلیلی قیددر پنج کتاب دستورزبان فارسی

شهریار شادی گو[۱]

چکیده

نگارنده در این تحقیق به مقایسه تطبیقی و تحلیلی قید درپنج متن معتبر دستور زبان فارسی خیامپور، خانلری، باطنی، گیوی و انوری و وحیدیان کامیار پرداخته و کوشیده تا با روش تحلیلی- توصیفی وجوه افتراق و اشتراک میان دستور نویسان در حوزه ی قیدرا کشف و روشن نماید و ضمن بررسی و تجزیه و تحلیل کتاب های مذکور و کشف تمایز بین دستور نویسان و تعمق و مداقه در شواهد و مثال‌های ارائه شده‌ی مؤلفان بر اساس مطالعات خود نیز به قضاوت نشسته و نتیجه‌گیری کند.با بررسی‌های لازم به این نتیجه رسیدیم که بعضی از اختلاف‌نظرها ناشی از گذر زمان و بعضی مولود نوع نگاه مؤلفان و بعضی طبیعی و ریشه در تغییر و تحول و ماهیت زبان دارند.

کلید واژه: تحلیل،دستورزبان فارسی، قید، اختلاف،اشتراک.

[۱] استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان ، پردیس شهید مدرس ایلام؛ رایانامه: shadgo_sh@yahoo.com

سیمای امام حسن(ع) وامام حسین (ع) در اشعار ناصر خسرو قبادیانی

اکبر شاملو [۱]
ناصر کاظم خانلو[۲]
مریم حسین آبادی[۳]

چکیده

همواره از نخستینسال‌های شکل گیری شعر فارسی (قرن دوم) که شاعران قلم به سرایش شعر بردند، توجه به اهل بیت (علیهم السّلام) و ستایش امامان وسرایش اشعار در وصف ساحت ایشان، کم و بیش مشهود بوده است که با توجه به ادواری که شاعران در آن می‌زیسته‌اند،سرایش اینگونه اشعار دچار فراز و فرود می‌شد و گاه از مقدار آن می‌کاست اما هرگز نبوده است دوره ای که از شاعران مدیحه‌گر اهل بیت (علیهم السّلام) و امامانعاطل باشد. چنانکه با بررسی اجمالی آثار ادوار مختلف شعر فارسی،می‌توان بر این گفته صحّه گذاشت. از سوی دیگر، ادبیات پربار فارسی دری از آغاز پیدایش تحت تأثیر شدید معارف نیرومند اسلامی قرار داشت و به‌خصوص آثار ادبی ایرانی، با بهره‌مندی از این معارف فراگیر و غنی توانست جایگاهی محکم را در فرهنگ ایران و جهان از خود نماید. از میان حکیمان و شاعران توانای ایران زمین، ناصرخسرو قبادیانی اندیشمند توانای دوره‌های نخستین ادب پارسی است که از استوانه‌های نیرومند عرصهٔ مدح اهل بیت (ص) به حساب می‌آید.

پژوهش حاضر تحقیقی است پیرامون بررسی سیمای حضرتامام حسن(ع)و امام حسین (ع) در اشعار ناصرخسرو قبادیانی. ما در این پژوهش برآنیم که جایگاه خاص این دو امام پاک و معصوم را در اشعار ناصرخسرو تبیین نمائیم و تأثیر حضور این دو امامرا در شکل‌گیری اشعار وی نشان دهیم و بازتاب اندیشه-ها و خصایص آنها را در اشعار ناصرخسرو بررسی کنیم.

واژگان کلیدی: ناصر خسرو، امام حسین (ع)امام حسن(ع)، مدح و منقبت، عاشورا

---

[۱] استادیار دانشگاه پیام نور همدان؛ رایانامه: ak.shamloo@gmail.com
[۲] استادیار دانشگاه پیام نور همدان)
[۳] کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

تحلیل تطبیقی پیرامتن و ساختار دسیسه در دو نمایش‌نامهٔ لیلی و الکنز و نقلی و مادربزرگ اثر روضهٔ فهیم محمّد الفرخ الهدهد و حسن دادشکر

شادی شجیعی[۱]

مه‌دخت پورخالقی چترودی[۲]

چکیده

در این مقاله به روش توصیفی_تحلیلی و با استفاده از روش مکتب ادبیّات تطبیقی امریکایی، ساختار «پیرامتن» (عنوان و چکیده) و ساختار «دسیسه» که از ساختارهای عناصر نمایش‌نامه هستند، در دو نمایش-نامه از حسن دادشکر نویسندهٔ ایرانی نمایش‌نامهٔ *نقلی و مادربزرگ* و روضهٔ فهیم محمّد الفرخ الهدهد ملقّب به روضهٔ الفرخ الهدهد نویسندهٔ اردنی نمایش‌نامهٔ *لیلی و الکنز*، انتخاب و تحلیل شده است. نمایش-نامه‌های مذکور برای گروه سنّی نوجوان به نگارش درآمده است. روش پژوهش از منظر ماهیّت، توصیفی_مقایسه‌ای است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که ساختار پیرامتن و دسیسه در هر دو نمایش‌نامه قوّت‌ها و ضعف‌هایی دارد و هر دو اثر از ساختارهای مشابه فرمی و محتوایی پیروی می‌کنند. انتخاب آگاهانهٔ عنوان تخیّلی دو نمایش‌نامه، دربردارندهٔ نام شخصیّت‌های اصلی و تعلیق است. هر دو نمایش‌نامه فاقد چکیده هستند. دسیسه در نمایش‌نامهٔ لیلی و الکنز پویا و در نمایش‌نامهٔ نقلی و مادربزرگ زمینه‌چینی ایستاست. گره نمایشی در هر دو اثر حاصل موانع بیرونی و موانع درونی است و این هماهنگی، تعلیق‌ها را کوتاه و جذّاب و دسیسه را پیچیده‌تر کرده است. پایان در هر دو نمایش‌نامه به علّت اصل نابرابر میان نویسندهٔ بزرگسال و مخاطب کودک که ایمر اُ سالیوان بیان می‌کند، بسته است.

کلید واژه: ادبیّات تطبیقی، کودک و نوجوان، پیرامتن، دسیسه، ساختار نمایشی

---

[۱] دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیّات فارسی، گرایش ادبیّات تطبیقی دانشگاه فردوسی مشهد؛ رایانامه: shadishajiee@gmail.com

[۲] استاد گروه زبان و ادبیّات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

سنجش تطبیقی باب «شیر و گاو»، در سه تحریر از کلیله‌ودمنه با تکیه‌بر عنصر داستانی پی‌رنگ

فرشید سادات‌شریفی[۱]
فاطمه حیایی طهرانی[۲]

چکیده

این مقاله می‌کوشد با مروری بر تعاریف نویسندگان فرنگی و ایرانی دربارهٔ طرح(پیرنگ)، به بررسی و تحلیل پرداخت داستانی قصهٔ شیر و گاو، در سه روایت از کتاب‌های کلیله‌ودمنهٔبهرام‌شاهی، داستان‌های بیدپای و انوار سهیلی بپردازد و با گزارشی از چارچوب کلی سه روایت مورد بررسی، تفاوت‌ها و شباهت‌های پی‌رنگ میان روایت‌ها در این سه کتاب را بیان کند.

مهم‌ترین ویژگی داستان در هر سه کتاب، بیان داستان‌هایی به‌عنوان تمثیل بر درستی و روایی سخن خویش از زبان اشخاص مختلف است. در اکثر قریب به اتفاق این داستان‌ها، شخص گوینده در پایان داستان نتیجهٔ مورد نظر خود را با جملاتی مانند: «این مثل را بدان گفتم / آوردم که ...» بیان می‌کند.

ما در این کنکاش درمی‌یابیم: در هر دو روایت قدیم‌تر (کلیله و دمنه و داستان‌های بیدپای)، از الگوی عطف دو شخصیت اصلی داستان که به ترتیب اثرگذار اصلی (فاعل اصلی) و اثرپذیر اصلی (منفعل اصلی) هستند، پیروی می‌کنند؛ اما در روایت سوم (انوار سهیلی)، همان عنوانِ اخلاقیِ باب، عنوان روایت نیز هست و این الگو در تمامِ ابواب کتاب رعایت شده است و نشان از نگاهِ اخلاقی کتاب و زمینه‌های فکری نویسندهٔ کتاب انوار سهیلی به عنوان یک معلم اخلاق دارد.

واژگان کلیدی: پرداخت داستانی، پی‌رنگ، کلیله‌ودمنه، ترجمهٔ کلیله‌ودمنه (بهرام‌شاهی)، داستان‌های بیدپای، انوار سهیلی.

---

[۱]. دکتر زبان و ادبیات فارسی گرایش ادبیات غنایی، از دانشگاه شیراز و محقق مهمان در دانشگاه مک‌گیل کانادا.
Fsadatsharifi2@gmail.com
[۲]. کارشناس‌ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران. نویسنده مسئول.
N_tehrani49@yahoo.com

تحلیل گفتمان نامه ی کسری به نگهبان مدائن درشاهنامه

مریم شعبانزاده[۱]
فاطمه ایمانی[۲]

چکیده

تحلیل گفتمان یک رویکردبین رشته ای وبسیارگسترده است ولی تاکنون از این روش درزمینه تحلیل علمی نامه های شاهنامه به کارنرفته است.درشاهنامه فردوسی نامه هابه عنوان وسایل برقراری ارتباط وانتقال پیام کاربرد واهمیت فراوان داردوبخش عظیمی ازمنظومه بلندوجاویدفردوسی رانامه ها تشکیل می دهند.دراین پژوهش سعی برآن است تابه تحلیل نامه کسری به نگهبان مدائن براساس نظریه وان دایک بپردازیم وازاین طریق رویکردهای زبانی وفرازبانی دراین متون وتفکروعقایدوبستر شکل گیری مفاهیممموردنظرفردوسی را بررسی و واکاوی نماییم . شخص خودکامه ای همچون کسری درعین حال که ازعمل فرزندش ناخشنود است با خود شیفتگی اش نوشزاد را منسوب به خود می داند و نیز رحم او نسبت به فرزندش را نشان می دهد واینکه نمی خواهد اورا مجازات سخت نماید اما تقدیر چیز دیگری رقم می زند.فردوسی می خواهد احساسات درونی افراد رابرای خوانندگان نمایان کند واز میان حرف های کسری طی نامه ای که به مرزبان مدائن می نویسد درونیات اوراغیرمستقیم اما روشن و دقیق به مخاطب بشناساند.

واژگان کلیدی: شاهنامه ،تحلیل گفتمان ، نامه ، کسری ، نگهبان مدائن

[۱] عضو هیئت علمی دانشگاه سیستان وبلوچستان
[۲] دانشجوی کارشناسی ارشد زبان وادبیات فارسی دانشگاه سیستان وبلوچستان؛ رایانامه: f_imani1371@yahoo.com

سیر تاریخی و مراتب توکل درآثار نثرعرفانی تا قرن هشتم

مریم شعبانزاده[۱]
امان اله صفرزایی [۲]

چکیده :
«توکل» ازمفاهیم وفضایل مهم دینی وموردتأکیدقرآن وحدیث وشرطِ لازمِ ایمان برای موموناست.این مفهوم درمیانِ صوفیانوعارفان نیزارزشِ والاییدارد. بسیاری از اهلِتصوف وعرفان دیدگاه های خویش را درباره این فضیلتِ معنوی نگاشته یا بیان نموده‌اند.دراین پژوهش، ضمن بیان معانی واژگانی واصطلاحی توکل وارزش وجایگاه آن درقرآن وحدیث،به این سوال پاسخ داده می شودکه عرفای اسلامی تاقرنِ هشتمِ هجری، چه نگرشی نسبت به این مفهومِ قرآنی داشته وازآن چگونه دراندیشه ها، گفتارو رفتارخویش بهره برده اند؟ ودرکنارِآنبهبیان مراتب، جایگاه، حقیقت مفهوم، حال یا مقام بودن توکل وارتباط آن با مفاهیمی چون؛ تفویض، تسلیم، توحیدوکسب و کار درآثارِنثرِعرفانی تاقرن هشتم پرداخته شده است.

کلید واژه ها: توکل،عرفانی،آثارمنثور،سیرتاریخی، قرن هشتم

۱- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان؛ رایانامه: com.shabanzadeh_m@yahoo
۲ - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

اثر پذیری زبانی شعر ترکی دورهٔ عثمانی از شعر فارسی

علیرضا شعبانلو[۱]

چکیده:

در آسیای میانه، ترکها از دیرباز با ایرانیان روابط تجاری و سیاسی داشتند؛ زبان و ادبیات فارسی و فرهنگ و تمدن ایرانی را می‌شناختند و بدان خو گرفته بودند. پس از نفوذ اسلام در سرزمین‌های فرارودان، و مسلمان شدن ترکان به دست ایرانیان، ارتباط میان آنان و ایرانیان به عنوان هم کیش، بیشتر شد. ترکها با اقتباس کامل از ساختار و محتوای ادبیات فارسی، ادبیات ترکی بعد از اسلام را بنا نهادند؛ به گونه‌ای که نه تنها واژگان، ترکیبها، قالبها و اوزان شعر فارسی را پذیرفتند، بلکه محتوای ادبیات خود را نیز از اندیشه‌ها، خلق و خوی و پسند ایرانی برگرفتند. میزان تقلید شعر ترکی از شعر فارسی و تشبّه بدان بسیار بالاست به گونه‌ای با جرئت می‌توان گفت: در اشعار ترکی دورهٔ عثمانی فقط افعال و ضمایر و شناسه‌ها، ترکی هستند. مثلاً در یک غزل هفت بیتی از «شیخی» (شاعر قرن نهم هجری) ۲۳ واژه ترکی و ۵۴ واژه فارسی وجود دارد که در میان واژگان فارسی ۱۱ ترکیب اسمی با الگوی دستوری فارسی دیده می‌شود که از ترکیبات رایج شعر فارسی است: مانند دلِ مسکینِ پریشان، آصف جم قدر و چشمهٔ حیوان. در این مقاله کوشش بر این است تا اثر پذیری زبانی اشعار ترکی عثمانی از شعر فارسی بررسی شود. البتّه به صورت گذرا به اثر پذیری محتوایی و ادبی نیز اشاره خواهد شد.

کلید واژه‌ها: ادبیاتفارسی، شعرعثمانی، بررسی سبکی، غزل ترکی.

[۱]. استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ رایانامه:Alirezashabanlu@gmail.com

تحلیل و معرفی رمان «خانهٔ‌خار» نوشتهٔ عبدالحسین فرزاد

علی رضا شعبانلو[۱]

چکیده

رمان «خانهٔ خار» نخستین رمان دکتر عبدالحسین فرزاد، استاد دانشگاه و پژوهشگر زبان وادبیات فارسی است. این رمان خاطرات نویسنده از دوران کودکی تا زمان حاضر است که از زاویهٔ دید اول شخص و تک گویی درونی در یک زمان ایستا نوشته شده است. سبک نگارش رمان، تلفیقی از سبکهای رئالیستی و پسامدرن است. موضوعات مختلفی در آن طرح و نقد شده است امّا موضوع اصلی حالت «تعلیق» و تنهایی انسان معاصر و عجز وی از شناخت خود و مسخ شدگی اوست که از او حیوانی درنده ساختهو موجب وقوع جنگها و کشتارهای بی‌شمار در طول تاریخ شده است.در ضمن بحث از تعلیق، موضوع «دیگری» نیز طرح شده و بحثی مشبع در این موضوع پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: خانهٔ خار، تعلیق، دیگری، پست مدرن

[۱]. عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ رایانامه: alirezashabanlu@gmail.com.

همگونی‌های مضامین سیاسی در کلیله و دمنه و افسانه‌های ازوپ

حسن شعبانی آزاد [۱]

چکیده:

فابل و یا افسانه‌های تمثیلی حکایتی است که به قصد انتقال یک درس سودمند گفته شده است. از این رهگذر کتاب‌های کلیله و دمنه و افسانه‌های ازوپ عالی‌ترین مجموعه‌های فابل در ادبیات جهان هستندکه علاوه بر ارزش ادبی آن‌ها به بیان اندیشه‌ها و دیدگاه‌های سیاسی پرداخته شده‌است، توجّه به مسائل سیاسی و داشتن افکار و اندیشه‌های اجتماعی و طراحی و برنامه‌ریزی برای امور دنیوی که لازمه‌اش داشتن حکومت است از وجوهی است که به گونه‌ای در کلیله و دمنه و افسانه‌های ازوپ مشهود است، از این‌رو در این پژوهش برآنیم که با استفاده از شیوهٔ تحلیل محتوایی به تحلیل همگونی‌های مضامین سیاسی در کلیله و دمنهٔ نصرالله منشی و افسانه‌های ازوپ بپردازیم در پایان بدین نتیجه رسیدیم که دو اثر مذکور در زمینهٔ مضامین سیاسی دارای همگونی‌های قابل توجّه‌ای هستند که ممکن است از باب «توارد» یا « تأثیر و تأثر» باشد مضامین سیاسی مشترک در آثار بررسی شده عبارتند از: فرمانبرداری خدمتکاران از حاکم و تقدیم لوازم عبودیّت، محرم نکردن خدمتکاران از عاطفت خویش، به کار گماردن خدمتکاران لایق و لو پایین منزلت، اتحاد ملّت، عدم اعتماد به دشمن، حقیر نشمردن دشمن، مراقب حیلهٔ دشمن بودن و عدم التفات به سخنان دشمن، تفکّر و تدبّر در اجرای امور، عاقبت‌نگری، سیاست به از زورمندی.

کلید واژگان: کلیله و دمنه، افسانه‌های ازوپ، همگونی، مضامین سیاسی

[۱] عضو هیات علمی دانشگاه آزاد واحد گچساران ؛رایانامه: Hasan.sgabaniazad@gmail.com

بازتاب شیراز و مفاخر، بناهای تاریخی و زیبائی‌های طبیعی آن در شعر شهریار

بهرام شعبانی[۱]

چکیده

شیراز از دیرباز مهد تمدّن، فرهنگ و ادب ایران‌زمین و خاستگاه شاعران، نویسندگان و دانشمندان بزرگی همچون سعدی، حافظ، ملّا صدرا و... بوده‌است؛ این شهر زیبا و تاریخی به دلایل بسیاری، همواره مورد توجّه صاحب‌نظرانِ علوم مختلف بوده و مورّخان، جهانگردان، نویسندگان و شاعران بسیاری در آثارشان در بارهٔ آن اظهار نظر کرده‌اند. محمّدحسین بهجت تبریزی متخلّص به شهریار نیز از جمله شاعرانی است که به شیراز علاقه‌ای وافر داشته و شهر شیراز، همراه با مفاخر ادبی و علمی، بناهای تاریخی و زیبایی‌های طبیعی‌اش، در اشعار او جایگاه ویژه‌ای یافته‌است؛ به طوری‌که غزلیات، قصاید و مثنوی‌هایی که در استقبال از شاعران شیراز یا دیگر موضوعات مرتبط با این شهر سروده، بخش مهم و زیادی از دیوان اشعار او را تشکیل می‌دهد.

در این تحقیق، با تأمّل در دیوان شهریار، جایگاه شهر شیراز، مفاخر ادبی و علمی، بناهای تاریخی و زیبایی‌های طبیعی آن را در اشعار این غزلسرای سنتی‌پرداز معاصر بررسی می‌کنیم.

واژه‌های کلیدی: شهریار، شعر، شیراز، مفاخر.

[۱] استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه جهرم؛ رایانامه: bahram.shaabani@gmail.com

بررسی عوامل مؤثّر در کمال انسان در کتاب «الانسان الکامل»، اثر عزیز الدین نسفی

بهرام شعبانی[۱]
زهرا نصری[۲]

چکیده

کمال هدف متعالی خلقت است و انسان بر اساس فطرت، مسیر نیل به آن را طی می‌کند. این موضوع، همواره مورد توجه صاحب‌نظران علوم مختلف همچون فقها، فلاسفه، متکلمین و عرفا بوده و انسان کامل از دیدگاه هر یک از صاحبان این علوم، متفاوت معرفی شده‌است. عزیز بن محمد نسفی، از عارفان بزرگ قرن هفتم هجری نیز در کتاب ارزشمند *الانسان الکامل*، ضمن تبیین کمال و مراتب آن، عوامل دستیابی به کمال را بیان کرده‌است.

در این تحقیق، عوامل مؤثر در کمال انسانی را از دیدگاه این عارف بزرگ با تأکید بر کتاب*انسان کامل* بررسی کرده‌ایم. این بررسی نشان می‌دهد که از دیدگاه نسفی، عواملمعرفت‌زای عقل، نبی و ولی و صحبت دانا و راهنما در اعتقاد و التزام به عوامل قلبی و عملیِ مؤثّر در رسیدن به کمال، سالک را هدایت می‌کند و به او یاری می‌رساند. او همچنین اعمال جوارحیِ علم‌اندوزی، خلوت‌گزینی (چلّه‌نشینی)، ریاضت و مجاهدت و ذکر و اعمال جوانحیِ توحید، محبت و عشق به خداوند، زهد، اختیار فقر و درویشی، قناعت و توکّل را مهم‌ترین عوامل مؤثّر در رسیدن انسان به کمال ذکر کرده‌است.

کلید واژه: انسان کامل، عزیز نسفی، کمال انسان

[۱] استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه جهرم؛ رایانامه: bahram.shaabani@gmail.com
[۲] دشت ارژنی، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

گلستان و کلاسیسم

حیدرعلی شکاکی[۱]

چکیده:
مکتب کلاسیسم، اولین و پر افتخار ترین مکتب اروپایی است که در حدود بیست و سه قرن در سراسر فضای ادبیات جهان گسترش یافت و آثار برجسته ای در سایه آن خلق شد ند.این مکتب در قرن هجدهم میلادی در فرانسه در سایه ی عنایت لویی چهاردهم به اوج و کمال خود رسید. در این مقاله ما بر آنیم که ضمن معرفی سعدی و کتاب گلستان ، اصول و قواعد مکتب کلاسیسم را بر شماریم و واین اصول و قواعدرا با گلستان تطبیق دهیم زیرا گلستان یک اثر کلاسیک است هرچند پیش از ظهور مکتب کلاسیسم تالیف شده است ، ولی اغلب اصول وقواعد کلاسیک در آن قابل تطبیق است، گلستان از زمان تالیف تا کنون به عنوان یک اثر کلاسیک مقلدان زیادی داشته است و خود سعدی نیز در تالیف آن از متون ارزشمند ماقبل خود بهره فروانی برده است وگلستان سرشار از نکات اخلاقی و آموزشی است و شهرتی جهانی یافته است ، روش تحقیق در این مقاله توصیفی و تحلیلی می باشد .

واژه های کلیدی:کلاسیسم-اصول و قواعد کلاسیسم-سعدی-گلستان –مقلدان سعدی

[۱]دانشجوی دکتر ی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلو چستان و مدرس دانشگاه فنی و آزاد اسفراین؛ رایانامه: shkkaki92@gmail.com

حس آمیزی در غزلیات شمس

یداله شکری[۱]
فراست دژداه[۲]

چکیده

کارکردحس‌آمیزی درمتون ادبیبه‌عنوان عنصربلاغی بسیارقابل تأمل است دراین ویژگی بلاغی شاعر/نویسنده جایگاه دویاچندحس راباهم تغییرمی‌دهدبه‌گونه‌ای که آن عادت مألوف به هم می‌ریزدوسبب آشنایی زدایی وتصویرسازی بدیع می‌شود.وبااستفاده ازآن به انتقال مفاهیم وتجربه‌های اخلاقی، عرفانی وغنایی می‌پردازد، که سبب زیبایی وتاثیرکلام درخواننده می‌گردد.

شاعر برای بیان مقاصد والای معنویخودازاین صنعت دراشکال گوناگون بهره برده است، نمونه‌ای ازاین بکارگیری در تصویرسازی‌با نمونداصلی حس‌آمیزی یعنی رنگ واستفاده ازصنعت‌های بلاغی (تشبیه،استعاره،مجاز، کنایه،پارادوکس) است؛تا به انتقال وتبیین مفاهیم حسی وانتزاعی بپردازد.

بابررسی تعدادی ازغزلیات شمس باروش توصیفی وتحلیلی درپی یاقتن بسامدهای تصویرهای بلاغی وحس‌آمیزی دررنگ واینکه باچه حسی بیشترمفاهیم انتزاعی وذهنی رابیان می‌کند.

کلیدواژه: حس‌آمیزی،غزلیات شمس، ساختاربلاغی، آشنایی زدایی

[۱] استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه: y_shokri@semnan.ac.ir
[۲] دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

نوستالژی در غزلیات شمس

یداله شکری[۱]
هدیه طالب بیدختی[۲]

چکیده

نوستالژی، پدیده ایست در روانشناسی به معنی غم غربت و حسرت گذشته. این مفهوم از دیریاز همراه همیشگی انسان بوده است در حسرت آنچه بوده و اکنون وجود ندارد. . نوستالژی نوعی دلتنگی است به هر آنچه شاعر از گذشته دوست داشته و غم و خاطره آن در دلش مانده است. در ادب فارسی نیز مصادیق زیادی از این غم و حسرتزدگی را میتوان دید. این ویژگی در غزلیات شمس، غنی ترین شعر عرفانی ادب فارسی، حسرت های مولانای بزرگ را به صورت های گوناگون نشان داده است. مولانا در غزلیات است که هرگاه یاد شمس و یا عالم مثل و وجود، یا عالم خداوندی از دیدگاه نوع انسانی می افتد، غم به سراغش می آید و از آن یاد می کند. نوستالژی فردی در دوری از شمس و یاد روزگار خوش باهم بودن، و نوستالژی عرفانی در دوری از محبوب و روح اصلی و به تعبیر مولانا؛ نیستان.

کلید واژه: نوستالژی، غزلیات شمس، مولانا جلال الدین بلخی، عرفان

[۱] استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه: y_shokri@semnan.ac.ir
[۲] دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

نقش زبان و ادبیات فارسی در پروژه ملت سازی عصر پهلوی اول
(مورد مطالعه:کتابهای درسی دوره پهلوی اول)

معصومه شکورقهاری[۱]

چکیده:

در مسیر پروژه‌ی ملت‌سازی عصر پهلوی اول، ایجاد تغییرات بنیادین در ایده‌ی ایرانیت قدیم و خلق ایده‌ی ایرانیتِ جدید بر مبنای الگوی ایرانیِ متجدد مدنظر ایدئولوگ‌ها و سیاستگذاران این دولت بود. در راستای تحقق این هدف دولت از دستگاه‌های ایدئولوژیک نظیر آموزش و پرورش و ابزارهای آموزشی همچون کتب درسی بهره‌مند گردید. از آنجاکه تکیه بر زبان و فرهنگ مشترک از مولفه های تاثیرگذار در ساخت ملت ها به شمار میاید بر آن شدیم تا در این مقاله با استفاده از روش گردآوری اطلاعات تاریخی به بررسی تلاش سیاستگذاران آموزشی در بهره گیری از زبان و ادبیات فارسی در راستای پروژه ملت سازی و انعکاس آن در محتوای متون درسی آن دوره بپردازیم. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که سیاستگذاران آموزشی و مؤلفان کتاب‌های درسی در انعکاس مفاهیم و مصادیق فرهنگی ایرانیت جدید تأکیدویژه ای بر نقش زبان فارسی به عنوان زبان ملی مشترک و همچنین ادبیات فارسی داشته اند.

کلیدواژه‌ها: ملت سازی، همبستگی ملی ،زبان فارسی ،ادبیات فارسی ،کتاب‌های درسی عصر پهلوی اول

[۱]دکترای تاریخ، رایانامه: m.shakoorghahari@yahoo.cim

شکار در ادب غنایی(عاشقانه و عرفانی)
[با تأکید بر اشعار شاعران کلاسیک]

عبدالرحمن شکور[۱]

چکیده

روابط میان انسان و حیوان قدمتی بسیار دیرینه دارد. انسان همواره از حیوانات در جهت منافع و رفع نیازهایش بهره‌برداری کرده و از آن زمان که برای حفظ بقا، تغذیه و معیشت به تلاش پرداخت، شکار حیوانات را راه چاره دانسته است. این موضوع در شعر شاعران، به ویژه در ادب غنایی(عاشقانه و عرفانی) انعکاس گسترده‌ای داشته و از راه تمثیل، تشبیه و استعاره‌های زیبا، افکار، عقاید، احساسات، عواطف و انگیزه‌های درونی شاعر را به خوبی نمایان ساخته است. در عالم واقعیت این صیاد و شکارچی است که نخجیر و صید را در دام خود گرفتار و سپس شکار می‌کند. اما در ادب غنایی، عکس این مسئله را شاهد هستیم و موضوع شکار رنگ عاشقانه به خود می‌گیرد؛ چه زمینی و چه آسمانی و این، نکتهٔ اصلی و اوج بحث این پژوهش است.

کلیدواژه: ادبیات کلاسیک فارسی، ادب عاشقانه، ادب عرفانی، شکار و صید

[۱] دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی- واحد مهاباد؛ رایانامه: ab.shakour57@Gmail.com

بررسی روابط دو سویه حکومت های اسلامی - زبان فارسی در شبه قاره

حمید شمس الدین[۱]

چکیده

از مواردی که بررسی های علمی را در تاریخ برانگیخته است، نقش زبان فارسی در حفظ سلطنت حکومت های بعد از اسلام و نقش سلاطین در احیای زبان فارسی در شبه قاره می باشد؛ هر چند احیای زبان و ادب فارسی در قرون میانه اسلامی حادثه ای مهم به شمار می رود اما این موضوع، رویدادی اتفاقی نبوده بلکه مقدمات آن از قرن ها پیش فراهم آمده بود. مساله اصلی پژوهش حاضر گذری تحلیلی بر رابطه دو سویه زبان فارسی – حکومت های ایران بعد از اسلام می باشد. مهم ترین اهداف پژوهش؛ عواملی که باعث احیای زبان و ادب فارسی در قرون نخستین اسلامی شده اند، کدامند؟ جایگاه زبان فارسی در گسترش قلمرو حکومت های اسلامی چه بود؟چه ضرورتی موجب احیاء زبان فارسی گردید؟ و سعی شده است با پاسخ به سوالات فوق به هدف اصلی پژوهش یعنی نقش زبان فارسی در حفظ حکومت های ایران بعد از اسلام و نقش این حکومت ها در گسترش زبان فارسی باشد. این پژوهش به روش گردآوری اطلاعات کتابخانه ای و مبتنی بر تحلیل و توصیف تاریخی تهیه شده است که نوعی مشاهده غیر مستقیم و تکیه بر مدارک و اسناد و نوشته ها در منابع اولیه و تحقیقات جدید می باشد.

واژگان کلیدی: اسلام،حکومت های اسلامی ، زبان فارسی.

[۱] هیات علمی گروه تاریخ دانشگاه ولایت هیات علمی گروه تاریخ دانشگاه ولایت ؛رایانامه
: hamidshamshv@gmail.com

فعالیت‌های آموزشی لازاریست‌ها در ایران

طاهره شمسی[۱]

چکیده :

در تحول ساختار سیاسی-اجتماعی و ادبی معاصر ایران عوامل بسیاری نقش داشته‌اند که از جملهٔ آن‌ها تاسیس مدارس خارجی و به ویژه فرانسوی است. روحانیون لازاریست یکی از بانیان این مدارس هستند که فعالیت‌های آموزشی خود را از سال ۱۸۳۸ به کمک اُژِن بُرِه، مبلغ مسیحی فرانسوی، ابتدا در غرب ایران آغاز نموده و سپس دامنهٔ آن را در شهرهای دیگر گسترش دادند. بُرِه، علیرغم برخورداری از حمایت فراوان محمدشاه و همچنین حکام و روحانیون غرب ایران، به دلیل کارشکنی‌های فراوان مسیونرهای پروتستان امریکایی، در سال ۱۸۴۱ مجبور به ترک ایران شد. پس از آن، لازاریست‌ها مجددا در سال ۱۸۵۰ وارد ایران شدند و به سرعت مدارس خود را گسترش دادند. فعالیت‌های آموزشی لازاریست‌ها، از سویی سبب تفرقه بین فرقه‌های مختلف مسیحی و لشکرکشی‌های متعدد ترک‌های عثمانی به ایران شد، و از سوی دیگر، از جمله عواملی است که زمینه را برای تحول نظام آموزشی ایران، تاسیس مدارس نوین، تحول ادبیات فارسی از لحاظ ساختار و مضمون و همچنین ورود اندیشه‌های آزادیخواهانه، که انقلاب مشروطه را به دنبال داشت، فراهم نمود. در این مقاله، ابتدا عواملی که زمینه را برای شروع فعالیت‌های فرهنگی فرانسویان در عصر محمد شاه فراهم نمودند بررسی خواهد شد. سپس، اهداف فرانسویان از انجام فعالیت‌های آموزشی در ایران و چالش‌هایی که با آن مواجه بوده‌اند مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

واژه‌های کلیدی : لازاریست، اُژِن بُرِه، فرانسه، مدارس، محمدشاه

۱: رایانامه tashams2013@guilan.ac.ir:

بررسی در تحول معنی اصطلاح ادبی،"اسطوره"

حمیرا شهباز[۱]

چکیده:

هر کلمه یک معنای معروف خود دارد که فوری به ذهن شنونده پس از شنیدن آن کلمه، رسوخ پیدا می کند. کلمهٔ اسطوره که مترادف "میث" (myth) انگلیسی شمرده می شود، نزد عامهٔ مردم یک معنای مقبول دارد و نزد آنان اسطوره ایک مطلب مبنی بر دروغ است. اما اسطوره یک اصطلاح ادبی بسیار چند معنی است. با مرور زمان این کلمه معنی اضافی دربر گرفته است.

در این مقاله اصل و ریشهٔ کلمهٔ اسطوره بحث می شود و تحول در معنای این اصطلاح ادبی نزد دانشمندان، اسطوره شناسان بررسی می شود. در نتیجهٔ این بررسی تعریف جدید این اصطلاح اسطوره دریافت می شود و آن را در نظر داشته شناخت اساطیر در ایک اثر ادبی برای نقد ادبی روشن می شود.

واژگان کلیدی: اسطوره، اصطلاح ادبی، تحول معنی

[۱] مربی گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه نومل اسلام آباد، پاکستان؛ رایانامه: hshahbaz@numl.edu.pk

عنوان: بررسی مقایسه‌ای ردیف در اشعار سه دوره از حیات فردوسی

اصغر شهبازی گشنیزجانی[۱]
خانم فاطمه کریمی[۲]
مهسا سادات مظلومی طباطبایی زواره[۳]

چکیده:

ردیف وسیلهٔ تقویت موسیقی شعر شاعران سخنور برای مخاطبان خاص خود است. تکرار ردیف نمی‌تواند همگان را به شوق آورد، زیرا در زبان از آن استفاده نمی‌شود و با ذهن گروه بسیاری بیگانه است؛ بنابراین ردیف جنبهٔ آشنایی‌زدایی دارد. بدیهی است که دلنشین‌ترین اشعار بویژه موسیقایی‌ترین غزلیات و باشکوه‌ترین قصاید فارسی آنهاست که دارای ردیف است. تصویرسازی در شعر فردوسی جایگاه ویژه‌ای دارد و شاعر با تجسم رخدادها و ماجراهای داستان در پیش چشم خواننده، او را همراه با خود به متن حوادث می‌برد درشاهنامهٔ فردوسی هم به کارگیری اصول شعر و شاعری نشانهٔ دقت و ظرافت حکیم فردوسی در سرودن اشعار است‌که موجب هماهنگی عناصر اصلی شعر می شود.انتخاب وزن متناسب و استفاده از هجاهای بلند،لطف شاهنامه را چندین برابر می کند .گذشته از اینها فردوسی با به کارگیری قافیه های محکم وهم‌حروفیهای پنهان و آشکار و نمایش لحظه های طبیعت و زندگی تأثیر شعر خود را تا حد ممکن افزایش می‌دهد. ازنتایج قابل توجه این مقاله، مقایسهٔ ابیات مردّف در سه داستان از شاهنامهٔ فردوسی براساس دوران حیات شاعر به همراه ابیات مردّف در داستان دقیقی با یکدیگر است. به این ترتیب که در مقام مقایسه، فردوسی در داستان رستم و اسفندیار بیش از دوداستان دیگر یعنی بیژن و منیژه وخسروپرویز و همچنین در مقایسه با شاعر پیش از خود ، دقیقی ، از ردیف بهره گرفته است. بنابراین حکیم فردوسی نه تنها در این داستان اوج شاعری خود را در حماسه سرایی نشان داده است بلکه از لحاظ موسیقایی نیز آن‌را درخور حماسه بالا برده است.

کلیدواژه‌ها: شاهنامه و فردوسی،ردیف،ردیف فعلی، ردیف اسمی

---

[۱] عضو هیأت علمی دانشگاه شهر کرد؛ رایانامه: asgharshahbazi88@gmail.com
[۲] دانشجوی کارشناسی زبان و ادبیات فارسی
[۳] دانشجوی کارشناسی زبان و ادبیات فارسی

بررسی تطبیقی دو رمان «سهم من» و «جین ایر» بر اساس نظریهٔ گفتمان «قدرت» میشل فوکو

شهین شهبازی[۱]

چکیده

داستان بلند سهم من اثر «پرینوش صنیعی» و داستان «جین ایر» نوشتهٔ شارلوت برونته از جمله آثار برجستهٔ ادبی هستند که درآن‌ها قهرمان زن، علیرغم نابسامانی‌های زندگی فردی و اجتماعی، تسلیم شرایط نمی‌شود و تحت تأثیر شخصیت اخلاقی خودساخته‌اش، دست از تلاش و مبارزه برنمی‌دارد. در این مقاله نگارنده تلاش می‌کند در پرتو نظریهٔ قدرتِ «میشل فوکو» به بررسی برخی از شباهت‌ها و تفاوت‌های دو اثر در این زمینه، بپردازد و چگونگی مبارزه و رویارویی قهرمان هر یک از داستان‌ها را در برخورد با بعضی ازگفتمان‌های حاکم بر جامعه تحت عناوین: گفتمان ثروت، گفتمان سنتی و مذهبی و گفتمان عاطفی-احساسی، نمایش دهد. یافته‌های این تحقیق نظریهٔ «گفتمان قدرت» میشل فوکو را تأیید می‌کند و بیانگر این حقیقت است که انسانهای خودساخته در هر جای جهان، علیرغم فضاهای متفاوت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، با کمک نیروی اراده و سعی و پشتکارخود، می‌توانند در برابر قدرت‌هایِ مخالفِ بیرونی که در جوامع مختلف کمابیش مشابه هستند، مقاومت کنند و در سایهٔ آزادی‌های خودساخته، بر شرایط و بحران-های شکنندهٔ زندگی غلبه نمایند.

کلید واژگان: جین ایر، سهم من، گفتمان، نظریهٔ قدرت، میشل فوکو

[۱] دانشجوی دکتری ادبیات فارسی دانشگاه ایلام؛ رایانامه: shahbazi.831@gmail.com

بررسی تطبیقی شخصیت نمایشی حیوانات در هزار و یکشب در داستان های عربی ، فارسی و هندی با تأکید بر بوزینه

محمدرضا شهبازی.[۱]
سمیه آورند[۲]

چکیده:

شخصیت به عنوان یکی از عناصر نمایش ، در واقع فرد ساخته شده ایست که مانند اشخاص حقیقی از ویژگی هایی برخوردار است و با این ویژگی ها در داستان و نمایش ظاهر می شود . اعمال و گفتاری که از اشخاص داستان سر می زند ، باید به گونه ای با خصایل و ویژگی های خاص آنان هماهنگی و ارتباط داشته باشد.

در پژوهش حاضرکه به روش توصیفی کیفی و تحلیل محتوا انجام‌گرفته نویسنده به بررسی مقایسه ایی شخصیت بوزینه در سه داستان خلیفه صیاد و گدای دوم وحکایت بوزینه ودزد از هزارو یکشب که هر کدام به ترتیب ریشه ای عربی ، هندی و ایرانی دارند پرداخته شده و این شخصیت از منظر کارکرد نمایشی بررسی شده است. یافته های تحقیق حاکی از آن است که شخصیت نمایشی بوزینه در این داستانها با هم متفاوت است .گاه به شخصیت واقعی نزدیک می شود و گاه به شخصیت اسطوره ایی وهر دوی آنها از شخصیت نمایشی به حساب می آیند .

کلید واژها : شخصیت نمایشی ، هزارو یکشب ، بوزینه

[۱] استادیار ادبیات نمایشی ،عضو هیئت‌علمی دانشگاه آزاد اسلامی و احد بوشهر .ایران؛ رایانامه: sahkazerooni@yahoo.com
[۲] دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر

سبک‌شناسی رمان‌های (آدم و حوا، مشی و مشیانه، جمشید و جمک)

صغرا شهزاد اشتیوانی[۱]
جعفر الیاسی مقدم[۲]

چکیده

محمد محمدعلی با انتشار سه رمان آدم وحوا، مشی و مشیانه، جمشید و جمک با عنوان سه‌گانهٔ روز اول عشق سعی کرده شیوهٔ نوینی در عرصهٔ رمان‌نویسی پایه‌گذاری کند. از ویژگی‌های اصلی رمان‌های سه‌گانهٔ روز اول عشق سبکی است که نویسنده در نگارش این سه رمان به کار برده است. او با تلفیق زبانِ سنتیِ کتاب‌های منبع که شامل کتاب‌های دینی، اسطوره‌ای وتاریخی است؛ و با استفاده از زبان محاوره و نثر رمان، تلاش می‌کند تا سبک خاصی بیافریند و زبان هر سه رمان را به شکل یکسانی درآورد.همین موضوع نویسندگان مقاله را برآن داشت تا بررسی و تعمقی در سبک‌شناسی این سه رمان داشته باشند.

واژگان کلیدی: محمد محمدعلی، سه‌گانهٔ روز اول عشق، سبک‌شناسی

[۱]کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور مرکز نیشابور
[۲]دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه پیام نور مرکز فریمان
رایانامه: jafarelyasi57@gmail.com

جریان‌شناسی ادبیات داستانی جنگ با تکیه بر رمان «شطرنج با ماشین قیامت» ازحبیب احمدزاده

علیرضا شوهانی [۱]

سارا حسینی [۲]

چکیده

ادبیات داستانی جنگ از ماه‌های اول پس از جنگ آغاز گردید و تا به امروز ادامه دارد. اگر سیر تاریخی این بخش از ادبیات را از ابتدای دهۀ شصت تا پایان دهۀ هشتاد بررسی کنیم به شکلی غیرقابل انکار شاهد تغییر رویّۀ فکری نویسندگان و البته خواست و سلیقه ی مخاطبان این دسته از آثار هستیم. آثار دهه ی شصت غالباً رویکردی ارزشی و مدافع جنگ دارند، در حالی که اثار دهه ی هفتاد با نگاه واقع بینانه و آثار دهه ی هشتاد با رویکردی انتقادی و اغلب ضدجنگ، خود را به مخاطبانشان عرضه می‌کنند. رمان شطرنج با ماشین قیامت از جمله آثار دهه ی هشتاد است که به نظر می رسد به سختی خود را در میانه ی دو گفتمان ضد جنگ و گفتمان دفاع مقدس جای داده است. در این مقاله در پی آن هستیم که شواهد و دلایل این ادعا را بررسی نماییم.

واژگان کلیدی: ادبیات داستانی جنگ، نگاه واقع بینانه، گفتمان ضد جنگ، گفتمان دفاع مقدس

[۱] استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ایلام؛ رایانامه: sara.hossrini42@yahoo.com

[۲] دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ایلام

بررسی نور سیاه در شعر سنایی غزنوی و فروغ فرخ زاد

علیرضا شوهانی[۱]
زینب موسوی[۲]

چکیده

نور سیاه تعبیریست عرفانی که توسط صوفیان خراسان برای اولین بار مطرح گردید. این نور از دو وجه مورد استفاده صوفیان قرار می گیرد. یک وجه آن بر ذات و کمون الهی تعلق دارد و وجه دیگر آن ابلیس و نظریه ی نوریت اوست. این نظریه جایگاه ابلیس را از مستکبری مطرود به عاشقی دل سوخته در درگاه خداوند ارتقاء می دهد. حلاج موسس نظریه ی تقدیس ابلیس بود و عین القضات این اندیشه را گسترش داده است. در قرن ششم این مضمون توسط سنایی غزنوی برای اولین بار به شعر فارسی راه یافته است. پس از او دیگر شاعران فارسی زبان این اندیشه را در شعرشان مطرح کردند. در دوران معاصر نیز فروغ فرخ زاد از شاعرانیست که این اندیشه را در شعرش وارد کرده است. هدف ازین مقاله بررسی شیوه ی نمود اندیشه ی نور سیاه در شعر سنایی غزنوی به عنوان اولین شاعری که به این مضمون پرداخته و فروغ فرخ زاد که به عنوان یک شاعر معاصر بدان توجه نموده است. از نتایج این مقایسه آن است که مضمون نور سیاه در غزل سنایی برگرفته از همان اندیشه ی عین القضات است اما این مضمون در شعر فروغ از رنگ و بوی عشق شیطان به خدا بی بهره است و او در اندیشه ی خود سرنوشت ابلیس را نوعی جبر و ابتلاء می داند.

کلید واژه: ادبیات عرفانی، نور سیاه، توحید شیطان، سنایی، فروغ فرخ زاد

---

[۱] استادیار وعضو هیات علمی دانشگاه ایلام
[۲] دانشجوی کارشناسی ارشد رشته زبان وادبیات فارسی؛ رایانامه: zeinab.mosavi7200@gmail.com

نگاهی بر جریان شناسی و عناصر داستانی رمان پل معلق بایرامی

علیرضا شوهانی[۱]
عیسی داراب پور[۲]

چکیده

ادبیات جنگ یکی از مهمترین موضوعات ادبیات داستانی معاصر ایران است. با شروع جنگ تحمیلی و پس از آن و تا زمان حاضر، نویسندگان زیادی در قالب داستان و رمان، به بیان انعکاس واقعیت های دوران دفاع مقدس پرداخته اند.

محمد رضا بایرامی یکی از برترین نویسندگان این نوع ادبی به شمار می رود. شهرت بایرامی، مرهون رمان های است که در زمینه جنگ نوشته است.رمان پل معلق وی از شاخص ترین آثار ایشان در ادبیات جنگ ایران به شمار می رود. این مقاله بر آن است به بررسی و تحلیل این رمان ارزشمند بپردازد؛تا جریان شناسی و جنبه های گوناگون فکری و همچنین عناصر داستانی این اثر مهم آشکارگردد.

واژگان کلیدی: رمان جنگ، محمدرضابایرامی، پل معلق.

[۱]استادیارگروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ایلام
[۲]دانشجوی دکتری دانشگاه ایلام؛ رایانامه:isa_dar@yahoo.com

«معنی شناسی مرگ و تنهایی در شعر جلیل صفربیگی»

علیرضا شوهانی[۱]
فاطمه چمن‌آرا[۲]

چکیده

معنی شناسی از شاخه‌های زبانشناسی و علم مطالعهٔ معناست، زبان نظام پیچیده‌ای است و پرداختن به آن و شناخت آن چندان ساده نیست. زبان شناسان آن را به واحدهایی تقسیم کرده‌اند، یعنی نظام پیچیده و لایه لایه زبان را مجموعه‌ای از نظام های فرعی مثل نظام معنایی، صرفی - نحوی و نظام آوایی تلقی کرده‌اند. بخشی از زبان واژه است. واژه‌ها، مصالح اصلی و معنادار و قابل دسترس زبان هستند، به همین دلیل بیش از بخشهای دیگر زبان مورد توجه و مطالعه قرار گرفته‌اند. واژه‌های مرگ و تنهایی در شعر جلیل صفربیگی از بسامد بالایی برخودارند ولی در بافت متن، معناهای مختلف و گاهی متضادی را شامل می‌شوند. تنهایی گاهی ملازم و همنشین و در معنایی سپید و روشن، زمانی آزاردهنده و سیاه و در جایی دیگر مقدّس و قابل ستایش است. مرگ در یک معنا نجات دهنده و جایی دیگر موحش و نفرت‌انگیز است و زمانی در لباس گروتسک ظاهر می‌شود. این جستار به بررسی این معانی در رباعی‌های این شاعر می‌پردازد.

کلید واژگان: معنی‌شناسی، رباعی، تنهایی، مرگ، جلیل صفربیگی

[۱] استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ایلام
[۲] دانشجوی دکتری رشته ی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ایلا م رایانامه: ferimah30@yahoo.com

تحلیل ساختار و محتوا در داستان مناظره ی رومیان و چینیان

فاطمه شیخ باقر مهاجر [۱]
محسن ذوالفقاری[۲]

چکیده:
نظامی و مولوی هردو از داستان سرایان بزرگ ادب فارسی محسوب میشوند.داستان "مناظره ی نقاشان رومی وچینی "در شرف نامه ی نظامی آمده است.این داستان هم چنین دردفتر اول مثنوی با عنوان" قصه ی مری کردن رومیان و چینیان در علم نقاشی وصورتگری" آمده است که ماخذ آن اسکندر نامه و جلد سوم احیاء العلوم است.در این مقاله به این دو داستان با روش توصیفی-تحلیلی پرداخته میشود تا شباهت ها و تفاوتهای میان دو داستان ،علل آنها ، تفاوت های زبانی و نیز چگونگی تاثیر فکر بر زبان دو شاعر معلوم شود.همچنین به بررسی عناصر داستان در دو روایت پرداخته میشود.
بیان مولوی با نظامی تفاوت کاملا چشمگیری دارد. مولوی مانند بسیاری از موارد دیگر داستان را به تناسب مقاصد عرفانی خود تغییر داده است و همین امر سبب تفاوت زبان در دو داستان شده است چنانکه نوع کلمات، جملات، تعداد ابیات و حتی زمان افعال با یکدیگر متفاوت اند. این امر در نقش های زبانی به کارگرفته نیز دیده شد چنانکه نظامی بیشتر از نقش ارجاعی و ادبی بهره برده بود اما مولوی علاوه بر این دو از نقش فرازبانی و ترغیبی نیز استفاده کرده بود.در عناصر داستان هم تفاوت های اندکی دیده شد که برجسته ترین آنها پیرنگ بود. گرچه هردو داستان پیرنگ پیچیده ای نداشتند اما طرح داستان مولوی بسیار ضعیف تر بود.

واژگان کلیدی:ساختار،محتوا ،نقد،ادبیات تطبیقی،مناظره ی رومیان و چینیان.

[۱]دانشجوی کارشناسی ارشد زبان وادبیات فارسی دانشگاه اراک؛ رایانامه: mosifar2000@gmail.com
[۲]استاد تمام زبان وادبیات فارسی دانشگاه اراک [۲]

نقد فمنیستی رمان نوجوان در ترجمه خون‌آشام سیامک گلشیری و خون‌آشام استفنی مه-یر

زینب شیخ حسینی[۱]
فاطمه زند[۲]
فاطمه زهرا نظری[۳]

چکیده

نقد فمنیستی رویکردی است که از اواخر قرن بیستم فعالیت خود را آغاز نمود تا به بررسی وضعیت زنان و تجربیات آنها در متون ادبی بپردازد. منتقدین این شیوه برای تحلیل متون ادبی از دو شیوهٔ"نقد زنانه"(زن به عنوان خالق اثر) وتحلیل نقش‌های جنسیتی (جلوه‌های زن به عنوان شخصیت) استفاده می‌کنند.
در پژوهش حاضر سعی شده است با استفاده از هر دو گرایش موجود در این رویکرد دو مجموعهٔ خون-آشام استفنی مه‌یر و سیامک گلشیری را بارویکرد زنانه مورد تحلیل قرار دهیم تا به این سؤال پاسخ دهیم که آیا دو اثر حاضر، تحت تأثیر گفتمان مردسالار قرار گرفته‌اند؟ و آیا گلشیری که شخصیت خون‌آشام خود را از افسانه‌های غربیوام گرفته است وبا ورود خون‌آشام به کوچه‌های تهران سعی نموده به آن رنگ بومی بدهد، مباحث فرهنگی و اجتماعی مانندنگاه به زن را در اثر خود بومی ساخته است وآیا شخصیت-های زن او متفاوت با شخصیت‌های زن مه‌یر نمایان شده‌اند یاخیر ؟ مه‌یر اگرچه به‌عنوان یک زن سعی نموده است زن‌های داستان خود را شخصیت‌هایی قوی و مستقل ارائه نماید؛ امّا در بعضی از موارد نیز تحت تأثیر گفتمان مرد سالار قرار گرفته است. در خون‌آشام گلشیری نقش‌ها جنسیتی بیشتر از مه‌یر تکرار شده است و در برخی موارد گلشیری تحت تأثیر فرهنگ سنتی ایران در نقطهٔ مقابل مه‌یر عمل کرده است. تحقیق حاضر با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی و با ابزار فیش صورت گرفته است.

واژه‌های کلیدی:نقش‌های جنسیتی، زنانه‌نویسی، خون‌آشام، سیامک گلشیری، استفنی مه‌یر

[۱] استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حضرت نرجس رفسنجان؛ رایانامه: zsheikhhosseini@gmail.com
[۲] مربی رشته مترجمی زبان وادبیات انگلیسی دانشگاه حضرت نرجس رفسنجان
[۳] مربی رشته مترجمی زبان وادبیات انگلیسی دانشگاه حضرت نرجس رفسنجان

بررسی طرح واره‌های تصوری در ضرب المثلهای گویش گیلکی غرب گیلان

شهین شیخ سنگ تجن[۱]
فرحناز فرد خاقانی[۲]

چکیده

طرح‌واره‌های تصوّری، الگوهایی ذهنی هستند که به‌طور مرتب ساخته شده تا از طریق آنها بتوان تجارب متعدّدی را درک کرد. بر اساس نظر جانسون، این‌طرح‌واره‌ها، سطح اولیه‌تری از ساخت‌شناختی زیربنای استعاره را تشکیل می‌دهند و امکان ارتباط میان تجربیات فیزیکی ما با حوزه‌های شناختی پیچیده‌تری نظیر زبان را فراهم می‌کنند. در مقاله حاضر طرح واره‌های تصوری در ضرب المثل‌های گویش گیلکی غرب گیلان از دیدگاه معنی شناسی شناختی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. روش تحقیق توصیفی- تحلیلی است و پیکرهٔ داده‌های پژوهش به روش اسنادی و میدانی ازکتاب‌های اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های گیلکی گویش نواحی غرب گیلان و نیز جمعی از گویشوران گیلکی گردآوری شده است. هدف از این پژوهش بررسی انواع طرح واره‌های تصوری جانسون که عبارتند از طرح واره‌های حجمی، حرکتی و قدرتی در ضرب‌المثلهای گویش گیلکی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که انواع طرح واره‌های حجمی، حرکتی و قدرتی در ضرب المثل‌های گیلکی غرب گیلان وجود دارد و در این میان طرح واره حجمی بالاترین در صد فراوانی و طرح وارهٔ حرکتی کمترین بسامد را در ضرب‌المثل‌های غرب گیلان داشته است.

واژه‌های کلیدی: معناشناسی شناختی، طرح واره‌های تصوری، ضرب المثل، گویش گیلکی

[۱] استادیار دانشگاه پیام نور؛ رایانامه: shsheikh226@yahoo.com
[۲] دانشجوی کارشناسی ارشد زبانشناسی

بررسی و مقایسه دستور زایشی و دستور لایه‌ای

شهین شیخ سنگ تجن[۱]

چکیده

در این مقاله به بررسی نظرات زبانشناختی دو زبانشناس برجسته؛ نوام چامسکی مبتکر دستور زایشی وسیدنی لمب بنیان گذار دستور لایه‌ای پرداخته‌ایم. در دستور زایشی ساختار زبان بر اساس دو سطح روساخت و ژرف ساخت تحلیل می‌شود. روساخت همان ساخت قابل مشاهده زبان است که جنبهٔ عینی و ملموس زبان است ، در حالیکه ژرف ساخت جمله، که در زیربخشی از بخش نحوی به نام پایه تولید می‌شود، انتزاعی است و در مطالعات زبانشناسی حائز اهمیت است. در دستور لایه‌ای ساخت زبان دارای سطوح و لایه‌های متعددی است که هر لایه توسط لایه‌ای دیگر بازنمایی می‌شود. بین لایه‌ها نیز روابط ساختاری متعددی وجود دارد. هدف از نگارش مقاله حاضر، مقایسه این دو نوع دستور و بررسی شباهتها و تفاوتهای میان آنهاست. از شباهتهای این دو نظریه می‌توان ارتباط بین نمودهای معنایی و نمودهای آوایی را ذکر کرد که در آن گوینده پیام خود را از ساخت معنایی یعنی ذهن به ساخت آوایی منتقل می‌کند و شنونده برعکس نمود آوایی را به نمود معنایی تعبیر می نماید. در دستور زایشی تنها به ارتباط یک طرفه گوینده و شنونده توجه شده است؛ در حالیکه در دستور لایه‌ای این ارتباط دو طرفه و متقارن است.

واژه‌های کلیدی: زبانشناسی، چامسکی، دستور زایشی، لمب، دستور لایه‌ای

[۱] استادیار دانشگاه پیام نور؛ رایانامه:shsheikh226@yahoo.com

«بسامد عنصر رنگ و کاربرد آن در شعر پروین اعتصامی»

سمیرا شیخ علیا لواسانی[۱]

چکیده

شاعران معاصر برای بیان مفاهیم ذهنی و احساسات از رساترین و عینی‌ترین عناصر استفاده می‌کنند. رنگ یکی از عناصر بنیادین در اشعار شاعران است که کاربردهای متنوعی دارد. تبیین اندیشه‌ها و حالات درونی، آفرینش مضامین و ترکیبات نو ادبی از حداقل‌های کاربرد رنگ در شعر است. در این مقاله به شیوه توصیفی – تحلیلی کاربرد رنگ و ارتباط آن با مفاهیم ذهنی پروین اعتصامی بررسی شده است. شعر پروین اعتصامی به کمک واژه‌های رنگارنگ و شگفت‌انگیز در معنا جاری‌شده و رابطهٔ دال و مدلول و به عبارت دیگر رابطهٔ لفظ و معنا را به حداقل مرزهای ممکن رسانده است. پروین اعتصامی در اشعارش برای ایجاد هماهنگی بین اجزای کلام، واژه‌های مربوط به بیان رنگ را به عنوان وسیلهٔ تنظیم و پیوند بین فرم و محتوای شعرش قرار داده است. او مانند یک نقاش و تصویرگر، طرح از پیش‌ساخته خود را که شامل منظومهٔ اوست در مقابل خود قرار داده است و مانند کاربرد بسیاری از واژگان دیگر از ابزار واژگانی رنگ‌ها، بهره جسته و شعر خود را برجسته و زیبا کرده است. در واقع او کوشیده تا با استفاده از عناصر رنگ در اشعار خود علاوه بر ایجاد زیبایی ادبی خصوصاً در توصیف و تشبیه به تبیین مستقیم یا غیرمستقیم تصورات ذهنی و روحیات شخصی بپردازد. این کاربرد با فضای زندگی او و مطالعات ادبی‌اش بی‌ارتباط نیست.

کلیدواژه: پروین اعتصامی– رنگ- مفهوم ذهنی- زیبایی ادبی

۱. دانشجوی دکتری رشته ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب؛ رایانامه: samir.Lavasani29@yahoo.com

تحلیل داستان سوک سیاوش و آیین سیاوشان به روایت رمان سووشون

فاطمه شیرسلیمیان[۱]

چکیده

داستان سیاوش از داستان‌های شاهنامه است که در آن شخصیتی پاک و تربیت یافته بر اثر کین‌ورزی‌های اطرافیان مظلومانه کشته می‌شود. فردوسی در این داستان به بیان صحنه‌های گذشتن سیاوش از آتش، کشته شدن سیاوش، سوکواری کردن پس از مرگ وی و ... می‌پردازد.در دوران باستان شاهنامه از جایگاهی والا در زندگی مردمان برخوردار بوده است به طوری‌که با غم‌هایی که در شاهنامه وجود داشته سوکواری می-کردند همانند سوکواری برای کشته شدن سیاوش که آیین سیاوشان نام دارد و در آن کارهای خاصی انجام می‌پذیرد.

سیمین دانشور در رمان سووشون به بیان داستان زندگی زری و یوسف می‌پردازد که در سال‌های جنگ جهانی دوم در شیراز زندگی می‌کنند. یوسف از آزادی‌خواهان است و سرانجام با بی‌گناهی کشته می‌شود. در قسمتی از این رمان آیین سیاوشان را به تصویر می‌کشد. صحنه‌هایی که در این روایت بیان شده است با آن‌چه که فردوسی در شاهنامه آورده مشابه است: مانند گذر کردن از آتش، پی کردن اسب، گیسو بریدن زنان پس از مرگ سیاوش و ... .

در این مقاله به تحلیل تصاویری که فردوسی در شاهنامه برای سوک سیاوش آورده است و روایت سیمین دانشور از آیین سیاوشان در کتاب سووشون می‌پردازیم.

کلید واژگان: شاهنامه، سوک سیاوش، آیین سیاوشان، سووشون، سیمین دانشور

[۱] دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد؛ رایانامه: shirsalimian1370@yahoo.com

بررسی مضامین ویژه دوره معاصر در زندان سروده های فارسی و عربی

محمد رضا شیرخانی[۱]

عیسی داراب پور[۲]

چکیده

حبسیه(زندان نامه)بیان احوال و مصیبت ها وفغانشاعر زندانی و به عبارتی دیگر افشاگرروزهایتلخاسیریشاعردر محیط جانکاه زندان است. شاعر در زندان، به توصیف محیط زندان و احوال درونی خویش و بیان اندیشه های سیاسی و اعتقادی خویش پرداخته است.

از زمان های گذشته تا دوره معاصر،ادبیات فارسی و عربی، شاعران فراوانی را به خود دیده که به دلایل مختلفی؛اعم از سیاسی، اعتقادی، دینیبه زندان افتاده‌اند و با قدرت اندیشه و بیان والا، لحظه‌های سخت و دردناک خویش را ثبتکرده اند.

در دوره معاصرفارسی و عربی، شاعران بسیاری به سبب نوع نگرش نسبت به مسایل سیاسی و اجتماعی، متحمل زندان شدند و با زبان و زاویه‌ی دیدی متفاوت از شاعرانی حبسیه سرای سنتی گوی، به بیان احساسات و اندیشه های خویش پرداخته اند.

ما دراین مقاله برآنیم که در ابتدا ضمن مقدماتی در زمینه ادبیات تطبیقی و شعر زندان، به تطبیق و بررسی زبانی، ادبی و همچنین مضامین مشترک ویژه دوره معاصر زندان نامه های فارسی و عربی، بپردازیم تا این جنبه‌یادبیازشعرزنداندردوادبفارسیوعربیآشکارگردد.

واژگان کلیدی: ادبیات‌تطبیقی، حبسیه(زندان نامه)، شعر معاصر فارسی و عربی.

[۱] استادیار گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه ایلام

[۲]دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ایلام؛ رایانامه: isa_dar@yahoo.com

هنجار شکنی مثنوی در اقتباس‌های قرآنی

طیبه صابری[۱]

فاطمه پورمیدانی [۲]

چکیده

قرآن کریم کتاب دینی مسلمانان است و مفاهیم آن در طول حدود یک هزاره از جهات مختلف بر ذهن و ضمیر مسلمانان تأثیر بسیاری نهاده و نمی‌توان جنبه‌ای از زندگی فرهنگی و هنری آنان را نام برد که از تأثیر قرآن در آن برکنار بوده باشد. یکی از بارزترین موارد این تأثیر سروده‌های شاعران فارسی زبان است که بسیاری از ابیات آنان را اشاره، تلمیح، اقتباس، تضمین و ... آیات این کتاب مبین تشکیل می‌دهد. مولانا جلال الدین بلخی نیز به شیوه‌های متفاوتی از قرآن کریم بهره جسته است. در این زمینه او شیوه‌های منحصر به فردی را ابداع نموده‌است که نیاز به واکاوری و ژرف نگری بیشتری دارد. این مقاله که به روش کتابخانه‌ای و اسنادی نوشته شده، قصد دارد تا شیوه‌های هنجارشکنانه مولوی را در استفاده اقتباسی از آیات قرآن کریم بیابد. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که وی در موارد بسیاری از آیات قرآن به صورت واژه، عبارت و کل آیه اقتباس نموده و از صنعت تحلیل، نماد پردازی، اقتباس آیات مختلف در یک بیت یا مصراع، افزودن واژگان و عبارات عربی، کاربرد جمله به جای صفت و موارد دیگر بهره برده است.

واژگان کلیدی: «اقتباس» ، «قرآن» ، «مثنوی» ، «مولانا» ، «مولوی» ، «هنجار شکنی».

[۱] دانشجوی دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد؛ رایانامه: saberi_tb@yahoo.com

[۲] کارشناس ارشد رشته زبان و ادبیات عرب .

نقد و تحلیل کتاب زبان فارسی سال سوم رشتهٔ‌علوم انسانی بر پایهٔ نظریهٔ‌گشتاری

طاهره صادقی تحصیلی[۱]
محمد طالبی[۲]
سعید زهره وند[۳]

چکیده:

محتوای درس زبان فارسی در یک فرایند آموزشی هدفمند و گام به گام در سه پایه اول، دوم و سوم نگاشته شده است.کتاب زبان فارسی سال سوم رشته علوم انسانی متوسطه دوم (دبیرستان) شاملمباحث درهم تنیده ای است که در آن چهار حوزه زبان شناسی، دستور، نگارش و املاوبیاموزیم نگاشته شده است. به نظر می رسد،مؤلفان محترم در توصیف محتوای کتاب بیشتربا رویکرد ساختگرا که صرفاً بر معیارساخت ونشانه های صوری اشاره دارد،توجه نشان داده اندو این امرسبب بروزنارسایی،کاستی و ابهام هایی در آموزش این کتاب شده است. از جمله در تعریف واج، هجا، تکواژهای اشتقاقی و تصریفی، مباحث دستوری، در خصوص فعل، ساختمان اسم، جمله و اجزای آن.

در این پژوهش قصد برآن است که با شیوهٔ تحلیلی توصیفی و شواهد درون متنی به بررسی ضعف های کتاب پرداخته شود و ضمن بیان نمونه های تکمیلی، نشان دهیم با کاربرد نظریات جدیدتر به ویژه گشتاری،در کنارساختاری،می تواند ثمربخش و کارگشا باشد.

بنابراین در بخش نخست این مقاله،نمونه های زبان شناسی و آواشناختی مورد بحث قرار می گیرد و در بخش دوم به بیان مقوله های دستوری(وبیاموزیم ها)پرداخته می شود.

واژگان کلیدی: زبان فارسی سوم انسانی،دستور،گشتاری، ساختاری،جمله،واژه

[۱] استادیار دانشگاه لرستان؛ رایانامه: sadeghi.tahsili@yahoo.com
[۲] دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لرستان
[۳] استاد یار دانشگاه لرستان

بررسی عنصر «صحنه» در مرزبان نامه

طاهره صادقی تحصیلی[۱]
حمزه حبیبی[۲]
سید محسن حسینی مؤخر[۳]

چکیده

زمان و مکانی را که در آن عمل داستانی صورت می‌گیرد، صحنه می‌گویند. صحنه یکی از عناصر مهم داستانی است که موقعیت زمان، مکان، وقوع حوادث داستان و شرایط کلی و عمومی حاکم بر شخصیت-های داستان را بیان می‌کند. درمرزبان نامه که به شیوهٔ داستان در داستان و از زبان حیوانات، انسان‌ها و موجودات غیر طبیعی و وهمی بیان می‌شود عنصر صحنه نقش عمده‌ای در تبیین داستان‌ها دارد. عنصر صحنه در مرزبان نامه در معرفی و تبیین کار و پیشهٔ شخصیت‌ها نیز مؤثر است. در این پژوهش که از شیوهٔ تحلیلی-توصیفی استفاده شده، به عواملی که بیشترین تأثیر را در ایجاد عنصر صحنه درکل مرزبان‌نامه داشته‌اند،اشاره شدهاما برای جلوگیری از اطاله کلام به چند حکایت از هر باب بسنده شده است. در این کتاب بسامد مکان‌ها و زمان‌های نامشخص و گاهی نمادین بیشتر از مکان‌های خاص و زمان‌های تاریخی است که این شگرد بر جنبه‌های حقیقت‌نمایی و همچنین معرفی شخصیت‌ها و مقتضیات فکری، عاطفی و احساسی آن‌ها اثر می‌گذارد. گفت‌وگوی میان شخصیت‌ها در داستان‌های مرزبان نامه گاه باعث تقویت نوعی صحنهٔ نمایشی می‌شود. برای انتقال صحنه، محیط و فضای داستان در مرزبان نامه گاهی از شیوه تلخیص یا کوتاه نمایی و گاهی از شیوه صحنهٔ نمایش استفاده شده است.

کلید واژه‌ها: عناصرداستان، صحنه، مرزبان‌نامه.

[۱]استادیاردانشگاهلرستان؛ رایانامه: sadeghi.tahsili@yahoo.com
[۲]کارشناسارشدزبانوادبیاتفارسی
[۳]استادیاردانشگاهلرستان

خواب‌گونگی واقعیت در داستان «فروغ در خواب»
(تحلیل مدرنیستی داستانی از عدنان غریفی)

رضا صادقی شهپر[۱]

چکیده

آنچه در داستان مدرن اهمیت یافت، توجه به دنیای تاریک و مبهم ذهن و میدان دادن به یادهای ذهنی و درون آشفتهٔ شخصیت برای نشان دادن حالات روحی و روانی او بود و از این‌روست کهپیش از هر چیزی ساختار و شکل روایی داستان‌های مدرنیستی در مقایسه با داستان‌های پیشامدرن، متفاوت و عجیب و غریب جلوه می‌کند.داستان کوتاه «فروغ در خواب» از مجموعهٔ*شنل پوش در مه*اثر عدنان غریفی، یکی از همین-گونه داستان‌هاست که در فضایی خواب‌گونه می‌گذرد و مرز میان واقعیت و رویا در آن مشخص نیست. همچنین نبودِپیرنگِ خوش‌ساخت، عدم قطعیت، نمادگرایی، تکثّر روایت و پایان مبهم داستان، آن را به داستانی مدرنیستی تبدیل کرده است.

واژه‌های کلیدی: مدرنیسم، داستان، عدنان غریفی، فروغ در خواب.

[۱] دانشیار زبان و ادبیات فارسی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران؛ رایانامه: r.s.shahpar@gmail.com

بررسی ابیات خاقانی در لغت‌نامهٔ دهخدا

رامین صادقی نژاد[۱]

چکیده

لغت‌نامهٔ دهخدا که با زحمت بسیار و تلاش خستگی ناپذیر و اهتمام شبانه روزی چندین سالهٔبزرگ‌مردانی چون علی اکبر دهخداو دیگران، تدوین شده است؛ بدون تردید، یکی از باارزش‌ترین و پُراستنادترین منابع، در عرصهٔ تحقیق و پژوهشمی‌باشد.به دلیل حجم زیادو گستردگی بسیار بالای کار،طبیعتاً شاهد راه یافتن انبوهی از اشتباهات، اغلاط مطبعی،ایرادات، خطاها، کاستی‌ها،نقائص و نواقص در این اثر سُترگمی-باشیم. سئوال اساسی و کلّی این نوشته آن است که آیا در چاپ اخیر لغت‌نامه(۱۳۷۷)، این ایرادات و کاستی‌ها برطرف شده است؟برای پاسخ به این سئوال، به صورت موردی، ابیات خاقانی رامورد بررسی قرار داده‌ایم. این نوشته به صورت کتابخانه‌ای و به شیوهٔ توصیفی- تحلیلی انجام یافته است.نتایج این بررسی، نشان می‌دهد؛علی‌رغم تلاش ویراستاران محترم لغت‌نامهٔ دهخدا در چاپ اخیر، متأسفانه هنوز اشکالات و ایرادات بسیاری از جمله ضبط صورت نادرست ابیات خاقانی و استفادهٔ نابجا و نادرست از این ابیات ذیل مداخل یا عدم ارتباط شواهد شعری با مداخل، تحریف ابیات، ردیف‌ها و قوافی شناخته شدهٔ خاقانی، انتساب ابیات دیگرانبه خاقانی و برعکس و...باقی است و مُرتفع نشده است.

واژگان کلیدی: استشهاد، خاقانی، ضبط، علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه، مَدخل

[۱] استادیار گروه زبان و ادبیّات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر؛ رایانامه: rsns1970@gmail.com

بررسی تصاویر فلکی بر ساخته از سفالینه‌ها در دیوان خاقانی

رامین صادقی نژاد[۱]
خاطره اسمعیل زاده[۲]

چکیده

یکی از کارکردهای سُفالینه‌ها در دیوان خاقانی، کمک به آفرینش تصاویر فلکی است. هستهٔ مرکزی این تصاویر را معمولاً یک یا دو سُفالینه‌شکل می‌دهد،درکنار این سفالینه‌ها، یک یا چند عنصر از عناصر فلکی یا معلومات کیهانیقرار می‌گیرد،سپسبرای باور پذیری بیشتر این تصاویر، اطلاعات ملموس از مشاهدات مستقیم خاقانی از آداب و رسوم و سنتّ‌های جاری زندگی روزگاروی؛ به بیت افزوده می‌شود و در نهایت مجموعهٔ این معلومات به کمک عناصر بلاغی(استعاره، تشبیه، کنایه و...)، به یک تصویر ادبی ارتقاء می-یابد.سئوال اصلی این پژوهش این است که سُفالینه‌ها چه نقشی در آفرینش تصاویر فلکی در شعر خاقانی دارد؟ این مقاله به روش کتابخانه‌ای صورت پذیرفته است. هدف اصلی این پژوهش، بررسی ساختار این نوع تصاویر و دسته بندی نوع سفالینه‌ها، نوع عناصر فلکی، نوع مشاهدات عینی باورپذیر و نوع تصاویر بلاغی مورد استفادهٔ خاقانی در این ابیات است. نتایج این تحقیق نشانگر آن است کهخاقانی، در آفرینش این تصاویر، بیش از آن که متکّی به خیال و خیال‌پردازی باشد یا به فکر وارد کردن معلومات گستردهٔ خود باشد، از مشهودات عینی و عناصر زنده و پویای اطراف و دور و بر خود کمک گرفته است.

واژگان کلیدی: تصویر، خاقانی، سُفالینه، صور فلکی، مضمون.

[۱] استادیار گروه زبان و ادبیّات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر؛ رایانامه: rsns1970@gmail.com
[۲] دانشجوی دورهٔدکتری زبان وادبیّات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر

نقد بینامتنیتی خیامیات در اشعار حافظ و متنبی

حسین صدقی[۱]
زینب رشیدی،[۲]
لیلا جهانپور[۳]

چکیده

حافظ و متنبی از جمله بزرگان و نام آوران ادب فارسی و عربی به شمار می‌آیند. در دیوان حافظ ابیات و مصرع‌هایی به زبان عربی وجود دارد و حتی در میان آن‌ها مصرعی از اشعار متنبی نیز به چشم می‌خورد که بیانگر علاقه و توجه شاعر شیراز به زبان و سروده های عربی و همچنین دیوان متنبی، به عنوان یکی از شاعران بزرگ عرب می‌باشد؛ بنابراین بدیهی است که در اشعار این دو شاعر معروف، مضامین و اندیشه‌های مشترک وجود داشته باشد. بررسی کمیت و کیفیت تأثّر و اقتباس شعرا و سخنوران متأخر از متقدم، به وسیلهٔ نقد بینامتنیت صورت می‌گیرد که در واقع یکی از رایج‌ترین مباحث نقد ادبی معاصر محسوب می‌شود. مهم‌ترین نقطهٔ اشتراک در شعر این دو شاعر نیز در این است که هر دو الفاظ و معانی بسیاری را از دیگران اخذ نموده و در نهایت، در پردازش آن‌ها گوی سبقت را از سایرین ربوده‌اند. از جمله اندیشه‌های مشترک مطرح شده در سروده‌های حافظ و متنبی که در این پژوهش به آن پرداخته شده است، عبارت از این است که هر دو شاعر به نوعی پایبند به کامجویی و لذت طلبی از جهان مادی هستند و همان طور که می‌دانیم، این طرز تفکر نزد اهل ادب با عنوان «افکار خیامی و یا خیامیات» مورد بحث قرار می‌گیرد. از جمله نتایج مهمی که از این جستار حاصل شده و می‌توان به آن اشاره کرد، این است که «خیامیات» از جملهٔ مضامین مشترک در اشعار حافظ و متنبی به حساب می‌آید؛ البته میزان آن در دیوان حافظ، بسیار بیشتر از دیوان متنبی می‌باشد که علت آن را شاید بتوان در مدیحه سرا و نیز حماسه سرا بودن شاعر بزرگ عرب جستجو کرد.

واژه‌های کلیدی: حافظ، متنبی، خیامیات، بینامتنیت (تأثیر و تأثّر)، ادبیات تطبیقی

---

[۱] استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان
[۲] دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان؛ رایانامه: gaz.rashidi@yahoo.com
[۳] کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

بخشی از قصیدهٔ عثمان مختاری، در دیوان فرخی سیستانی

محسن صادقی[۱]

چکیده

این مقاله، به معرفی ومقابله قصیده‌ای مشترک، در دیوان فرخی سیستانی و دیوان عثمان مختاریغزنوی می-پردازد و با بررسی‌های سبک‌شناختی و نسخه‌پژوهیاز یک سو، نشان می‌دهد که عثمان مختاری آن را در مدح ارسلان شاه بن کرمانشاه سرودهاست. نبودن این قصیده، در دستنویس‌های معتبر دیوان فرخی و برعکس، ذکر آن در قدیمی‌ترین و صحیح‌ترین نسخهٔ خطی دیوان عثمان مختاری، صحّت این انتساب را تا حد زیادی قوت می‌بخشد.در تذکرهٔ مجمع الفصحا نیز منتخبی از ابیات این قصیده، به نام مختاری غزنوی آورده شده است. از سوی دیگر، صورت مضبوط این قصیده در دیوان مختاری غزنوی، به تصحیح استاد جلال الدین همائی نیز صحیح و کامل نیست و باید آن را ادامهٔیکدیگر از قصاید این شاعر دانست. با توجه به این که مختاری غزنویاز متتبعان دیوان فرخی بودهو در شعرش از این شاعر تأثیر پذیرفته است،می-توان دلیل راه یافتن۳۲ بیت از قصیدهٔ۵۴ بیتی وی، به دیوان فرخی سیستانی را شباهت سبکی و خطای حافظهٔ یکی از گردآورندگان و کاتبان دانست.

کلیدواژه‌ها: "تصحیح متن"؛"عثمان مختاری غزنوی"؛"فرخی سیستانی"؛"قصیده".

[۱]استادیار دانشگاه پیام نور گروه زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه: sadeghi.m@pnurazavi.ac.ir

تصاویرِ متناقض نما در غزلیاتِ شمس

حسین صادقی[۱]
یوسف طاهری[۲]
جبار خدامرادی[۳]

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی تصویر متناقض نما به عنوان یکی از شیوه های بیان هنری و عارفانه ی مولانا، در غزلیات شمس پرداخته است. متناقض نمایی از پایه های قوی و پویای بیان هنری و عارفانه مولاناست. تصویرهای بلاغی متناقض نمای عارفانه ی مولانا از پیوندی بنیادین با معنا حکایت می کند. به طور کلّی دو نوع متناقض نمایی به صورت توأمان در غزلیات او هست: ۱- متناقض نمای عارفانه ۲- متناقض نمای شاعرانه؛ که به جلوه ها و شرح هر کدام پرداخته می شود. اندیشه ی وحدت گرا و معرفت شناسی مبتنی بر فنا و بقا، تشبیه و تنزیه حق، حالات عشق و عاشق در سلوک راه حق و بسیاری از عقاید فکری و عرفانی او پایه های متناقض نمایی عارفانه وی را می سازند. تشبیه، استعاره ی این همانی وحدت وجودی، اغراق شاعرانه در حماسه ی عارفانه ی او، حس آمیزی، رمز، اسطوره، تشخیص، صفت هنری، طنز، تضاد و مطابقه و مجازِ لفظی پایه های متناقض نمایی شاعرانه و هنری غزلیات مورد بررسی وی را می سازند. اهمیّت متناقض نمایی در کلام مولانا تا بدان حد است که جوهر بیان شعری او محسوب می شود.

کلیدواژه: تصویر، متناقض نمایی، معنا، غزلیات شمس

[۱] دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان
[۲] کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی
[۳] کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کردستان،رایانامه:jabarkhodamoradi@gmail.com

بررسی نمادها در اشعارطاهره صفارزاده

اسماعیل صادقی[۱]
الهام اسدی فارسانی[۲]

چکیده :

زبان نمادین به عنوان یک مکتب ادبی در دو دهه ی پایانی قرن هیجدهم درغرب ظهورکرد .تاریخ نماد نشان می دهد که هر موضوعی می تواند ارزش نمادین پیدا کند به شرط این که فضا و بستر مناسب برای گسترش معنای آن مهیا شود .نماد یکی از پویاترین صورخیال است که موجب گستردگی معنامی شود. عمده ترین ویژگی سخن نمادین عبارتند از : آشنایی زدایی ، معنازایی ، اثرگذاری در اقوام و فرهنگ ها ، ایجاد وحدت ملی و تحول ارتباط با پدیده هاست .

نماد و نمادپردازی در شعر شاعران معاصر کاربرد خاص و مهمی داشته است. تاثیر زندگی مدرن از یک سو و تاثیر سنت های ادبی ، خاصیتی دوگانه و متفاوت به نمادهای شاعران معاصر داده است . در شعر طاهره صفارزاده ، سنت های ادبی در نمادسازی شعری او تاثیر بسزایی داشته است. شاعران زن معاصرتلاش کرده اند که عواطف واحساسات خود را به عنوان گفتار زنانه یا زنانه نویسی وارد مقوله ی ادبیات کنند. همزمان با رشد وگسترش شاخه های مختلف زبان شناسی از نقاط مختلف جهان ، زبانشناسان متوجه شدند زبان زنان ومردان دارای اختلافات زیادی هستند. این شواهد و مدارک همگی براین نکته تاکید دارندکه زنان و مردان زبان رابه شیوه های متفاوتی به کارمی برند و هر جنس اصطلاحات ، واژه ها وحتی اشکال نحوی خاص خود را دارد. جامعه شناسان زبان این تغییرات را ناشی از عوامل متعددی از جمله نژاد و قومیت ، مذهب ، طبقه ی اجتماعی ، سطح تحصیلات و بالاخص جنسیت می دانند. درک این نکته که واژه های نمادین تاچه میزان متاثر ازجنسیت است برای نقد و درک شعر زنان مفید خواهد بود.

کلمات کلیدی : نماد ، مکتب ادبی ، زبان زنانه ، طاهره صفارزاده

---

[۱] استادیاردانشگاه شهرکرد
[۲] کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه: elham.asadi2238@gmail.com

جستاری در باب علم بلاغت و مشترکات آن با برخی از رویکردهای نقد زبان‌شناختی

فاطمه صالحی[۱]

چکیده

فنون بلاغت اعم از معانی، بیان و بدیع در بسیاری از زمینه‌ها و مباحث با سه شاخه‌های اصلی دانش زبان‌شناسی یعنی واج‌شناسی (Phonology)، نحو (Syntax) و معنی‌شناسی (Semantic) و به تبع آن نظریه‌های نقد ادبی معاصر مشابهت‌های فراوانی دارند. با دقت در آثار بلاغیون جهان اسلام می‌توان نشانه‌های فراوانی از نقد و تحلیل‌های ادبی مشابه با نظریه‌های مختلف زبان‌شناسی و نقد ادبی معاصر را در آرای آنان مشاهده نمود. مقاله حاضر ضمن معرفی مختصر دو علم بلاغت و زبان‌شناسی و بررسی پیشینه آن دو، می‌کوشد تا با نگاهی اجمالی به بیان وجوه اشتراک موجود میان برخی از مباحث مطرح شده در بلاغت اسلامی و آرای زبان‌شناسانی چون چامسکی، یاکوبسن، هلیدی، گرایس و... بپردازد با این امید که با کشف مشابهت‌های موجود میان بلاغت اسلامی ـ با پیشینه‌ای چند صد ساله ـ و علم نوپای زبان‌شناسی بتوان میان این علوم نوعی آشتی و همیاری برقرار نمود به‌طوری که در مطالعه و بررسی متون کهن از دستاوردهای زبان‌شناسان و نظریه‌پردازان و منتقدان معاصر بهره جست و این‌گونه متون را با شیوه‌ها، موازین و ملاک‌های علمی آنان سنجید.

کلمات کلیدی: بلاغت، دانش زبان‌شناسی، نظریه‌های نقد زبان‌شناختی

[۱] دانشجوی پسا دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران-دانشگاه مک‌گیل:
radsalehi@yahoo.com

«تحلیل و بررسی نقش تشبیه در سروده‌های فریدون مشیری»

علی صالحی[۱]

چکیده

تشبیه یکی از مهمترین عناصر در حوزهٔ علم بلاغت و بیان است که نمایانگر قوهٔ خیال و جهان‌بینی شاعر است. فریدون مشیری از شاعران معروف معاصر است که تشبیه و سازه‌های تشبیهی در دیوان او از جایگاه شاخص و برجسته‌ای برخوردار است. از این رو اشعار او به لحاظ مشبه‌به و تازگی در آن، پویایی و ایستایی قابل تأمل و بررسی است.

در این پژوهش، انواع مشبه‌به در دیوان مشیری مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. حاصل بحث حاکی از آنست که مشبه‌به‌های او غالباً حسی به حسی یا معقول به حسی است که بیانگر طبیعت و عناصر آن، پرندگان و حیوانات و جانوران، نام‌ها و اسامی تاریخی و اسطوره‌ای، بزم و آلات موسیقی، مصنوعات بشری هستند که مجموعهٔ این عوامل سبب پویایی و جنب و جوش اشعارش گردیده است و فهم سروده-هایش را برای مخاطب ساده و قابل فهم ساخته است.

واژگان کلیدی: فریدون مشیری، صورخیال ، تشبیه، مشبه‌به، طبیعت‌گرایی

[۱]- دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز؛ رایانامه: ali. salehe@yahoo.com

خودشیفتگی در شعر مجیرالدین بیلقانی

قاسم صحرائی[۱]
حسین جبارپور[۲]

چکیده

خودشیفتگی یکی از اختلال‌های شخصیّت است که تقریباً در همه انسان‌ها بالقوه وجود دارد؛ اما بروز و ظهور آن بسته به شرایط و عوامل مختلفی است.این حس،در شعر مجیر بیلقانینمود دارد تا جایی که به روشنی،شاعر به خودشیفته بودن خود اشاره می‌کند.در این مقاله به روش اسنادی و کتابخانه‌ای و با استفاده از نظریه‌های روان‌شناسی،جنبه‌های خودشیفتگی در شعر مجیر بررسی شده‌است. بیشترین نمود خودشیفتگی در قصیده‌های مجیر دیده می‌شود. اگرچه خودشیفتگی یک اختلال شخصیّتی است، ولی باعث شده‌است تا مجیر در نهایت شخصیّتی راسخ و با صلابت کسب کند.

کلیدواژه‌ها: مجیرالدین بیلقانی، خودشیفتگی، اختلال شخصیت

[۱] دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لرستان؛ رایانامه: ghasem.sahrai@yahoo.com
[۲] دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لرستان

بررسی اندیشه های سیاسی (عدالت و خردورزی) سلطان جلال الدین خوارزمشاه در نفثة المصدور

رقیه صدرایی[۱]
زهرا قربانی پور[۲]

چکیده

علم سیاست از راه پرداختن به نثرهای بزرگی چون نفثة المصدور می‌تواند کمک شایانی برای نشان دادن هدفمندی آثار ادبی کشور عزیزمان ایران باشد؛ بنابراین در این جُستار برای دستیابی به این هدف، با استفاده از روش بین رشته ای، اندیشه های سیاسی (عدالت و خردورزی) سلطان جلال الدین خوارزمشاه مندرج در بطن کتاب نفثة المصدور بررسی شده است. مهم ترین دستاورد این پژوهش حاکی از آن است که مهم ترین دلیل فروپاشی خوارزمشاهیان و انحطاط ایران، گسترش بی عدالتی و بی تدبیری آنها و از بین رفتن عدل و عدالت در این زمان بوده است که به دنبال آن روحیه ملی مردم از بین می رود و دیگر از سیاست های دولت خویش حمایت نمی کنند و این عامل سبب سست شدن ثبات سیاسی دولت می شود.

کلید واژه: نفثة المصدور، علم سیاست، عدالت و خردورزی، روش بین‌رشته‌ای

[۱]. استادیار رشته زبان و ادبیات فارسی و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
[۲]. دانشجوی دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات؛ رایانامه: faridesadraie@yahoo.com

بررسی روایت شناسی «الهی نامه عطار» براساس نظریه «زمان درروایت» ژرار ژنت

جواد صدیقی لیقوان[۱]
مهیار علوی مقدم[۲]
ابراهیم استاجی[۳]
آذین حسین زاده[۴]

چکیده:
امروزه گسترش علوم مختلف و ازدیاد آثار علمی، باعث به‌وجود آمدن شاخه‌های میان رشته‌ای، با تعابیر جدید در بین علوم مختلف بشری گردیده است، که موضوع روایت‌شناسی یکی از بارزترین مصادیق اینگونه موضوعات در علوم انسانی می‌باشد.
روایت‌شناسی از شاخه‌های ساختارگرایی است که شیوه‌های روایی متنِ ادبی را بررسی می‌کند . ژرار ژنت از نظریه‌پردازان در زمینه‌ی روایت است که بیش از هر چیز به مقوله‌ی زمان تکیه می‌کند. ژنت برای توصیف و تحلیل ساختارهای متون ادبی پنج مقوله را مهم می‌دانست: نظم، تداوم، بسامد، وجه و لحن. این پنج عامل در چارچوبِ نظریهٔ «زمان در روایت» ژرار ژنت جای می‌گیرد که در بحث‌ها و تحلیل‌های نقد ادبی در کشورمان، تاحدودی نو است و منتقدان ادبی در ایران کمتر به آن توجّه کرده‌اند. یکی از آثار برجستهٔ ادب عرفانی فارسی، الهی‌نامه عطار نیشابوری است که قابلیت بررسی با نظریهٔ روایت در زمان ژرار ژنت را دارد. این پژوهش ضمن بیان نظریهٔ ژنت به یافتن موارد و مثال‌هایی از دیدگاه‌های ژنت در کتاب الهی‌نامه عطار نیشابوری پرداخته و به شرح و واکاوی پنج مقوله زمان در روایت می‌پردازد. این اثر را می‌توان به‌خوبی بر پایهٔ پنج مقوله نظم، تداوم، بسامد، وجه و لحن بررسی کرد و به دستاوردهای درخور توجّهی دست یافت؛ که در این مقاله به مواردی از موضوعات روایت‌شناسی طبق نظریات ژنت دست یازیده شده‌است.

کلید واژه‌ها: روایت شناسی، ژرار ژنت، زمان در روایت، الهی نامه، عطار نیشابوری

[۱] دانشجوی دکتری ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری- دانشکده ادبیات و علوم انسانی- گروه ادبیات فارسی؛ رایانامه: Javad.sadigi@gmail.com
[۲] عضو هیات علمی و دانشیاریار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری- دانشکده ادبیات و علوم انسانی
[۳] عضو هیات علمی و استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری- دانشکده ادبیات و علوم انسانی
[۴] عضو هیات علمی و استادیار گروه زبان فرانسه دانشگاه حکیم سبزواری- دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پژوهشی تطبیقی درباره آزادی از دیدگاه مولوی و اسپینوزا

مهناز صفایی هوادرق[۱]

چکیده

واژۀ «**آزادی**»[۲] یکی از گسترده ترین و بحث انگیزترین مفاهیمی است که همواره در جوامع مختلف آراء ضد و نقیضی را به خود اختصاص داده و مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته، به ویژه به دنبال جنبش اندیشۀ سیاسی از رُنسانس به این سو، اهمیّت خاصی یافته است. گستردگی این مفهوم مانع از یافتن معنایی جامع و مانع در میان مشرب های فکری شده است. با وجود این، پرداختن به این مسأله برای تقریب دیدگاه اندیشمندانی که در این باره اندیشیده اند لازم و ضروری به نظر می آید. در این مقاله پژوهشگر بر آن است که در راستای تبیین مفهوم آزادی از دیدگاه مولوی و اسپینوزا که یکی از برجسته ترین عارفان ودیگری از بزرگترین فیلسوفان جهان اند، برخی از وجوه تشابه اندیشۀ آنان را مورد نقد و بررسی قرار داده با بهره بری از نگرش این دو متفکّر، آزادی را شیوۀ زندگانیِ همساز با قانون اخلاقی و خِرد شمرده که موجب گسترش توانایی های فرد می شود. و در این راستا، راهکاری برای نیل به سعادت و نیک بختی جهت حفظ آرامش درونی ارایه دهد.

واژگان کلیدی : آزادی ، مولوی ، اسپینوزا ، جبر و اختیار، ضرورت.

---

[۱] عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد هشتگرد؛ رایانامه: Dr.Safaei.Mahnaz@gmail.com

[۲] -- Freedom

مقایسه وادی های هفت گانه منطق الطیر و منزل های پنجگانه مصیبت نامه عطارنیشابوری

حبیب صفرزاده[۱]
هادی اکبرزاده[۲]
حسن رنجبر زنجانی[۳]

چکیده

عطار دردو کتاب منطق طیر ومصیبت نامه به ذکر وشرح مقامات ومنازل عرفانی پرداخته است که سالک باید برای رسیدن بخدا آن ها را طی نماید.او در آن کتابها به بیان تجارب عرفانی خودپرداخته با این تفاوت که مصیبت نامه سفرنامه ای شخصی و درونی و آفاقی است که برای رسیدن به کمال باید از پنج منزل گذشت که عبارتند از: حس،خیال ،عقل،دل وروح که بالاترین مرحله کمال سالک می شود درمنطق طیرهم که سفری روحانی است.هفت وادی را بیان می‌کند که عبارتند از :طلب،عشق،معرفت،استغنا،توحید،وفقروفناکه در این مقاله سعی شده تا ابتدا به معرفی کوتاهی ازمنطق طیر ومصیبت نامه پرداخته شود وسپس مقایسه بین منازل پنجگانه مصیبت نامه و وادی های هفت گانه منطق بپردازیم. ودرنهایت درنتیجه گیری مشخص شودکه آیا منازل پنجگانه مصیبت نامه با وادی های هفت گانه منطق طیر تفاوت دارند، یا نه ؟

واژه های کلیدی:مصیبت نامه،منطق طیر،وادی،منازل ،مقایسه

[۱] استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان؛ رایانامه:safarzadeh_h22@yahoo.com
[۲] استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان
[۳] مدرس دانشگاه جامعه المصطفی مشهد

جایگاه محیط زیست در ادبیات معاصر فارسی

حبیب صفرزاده[۱]
زهرا همتی[۲]
مهرداد کاظمیان[۳]

چکیده

حضور طبیعت در ادبیات پیشینه‌ای بسیار طولانی دارد. پیشینه وصف و بازنمود طبیعت در ادبیات به دیرینگی خود ادبیات است. طبیعت همواره جایگاه خود را در ادبیات حفظ کرده است. در آغاز بسیاری از قصاید پارسی وصف طبیعت را می‌بینیم. در غزل‌ها معشوق و بدن او بارها به گل و نرگس و نسرین تشبیه شده‌اند. نقش طبیعت در بدایع و مضمون پردازی‌های اشعار سبک هندی نیز بسیار پر رنگ است. ولی توجه آگاهانه و حساسیت به محیط‌زیست پیشینه‌ای چندان طولانی ندارد. امروزه طبیعت آشکارا جای خود را در غالب نوشتارهای نخبگان باز کرده است. بسیار دیده می‌شود که در مطالعات فرهنگی و هنری، شمار زیادی از مولفان بلندپایه به کشف رگه‌های محیط‌زیستی جامعه می‌پردازند و در فضای متافیزیک ادبیات، عناصر فیزیکی محیط‌زیست را کانون توجه خویش قرار می‌دهند. مقاله حاضر به بررسی جایگاه محیط زیست در ادبیات فارسی می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: آموزش محیط‌زیستی، ادبیات، شعر فارسی،محیط‌زیست.

[۱]. عضو هیأت علمی و استادیار گروه ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان
[۲]. مهارت آموز مادۀ۲۸، دبیری علوم اجتماعی، دانشگاه فرهنگیان، مشهد، ایران؛ رایانامه: z.hemmati.89@gmail.com
[۳].کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، کارشناس پژوهش دانشگاه فرهنگیان

تحلیل انتقادی بغض تاریخی زن و نگاه جنسیتی در شعر سیمین بهبهانی

روناک صمدی[۱]

چکیده

منزلت فردی و حقوق اجتماعی زن در جامعهٔ ایرانی، زیر تأثیر عناصر فرهنگی- اجتماعی حاکم بر جهان است که در چند دههٔ اخیر تلاش‌هایی برای تثبیت جایگاه حقیقی و حقوقی زن و جبران تبعیض به آنان آغاز شده و برخی زنان شاعر و نویسندهٔ معاصر در این زمینه پیش‌قدم شده‌اند. سیمین بهبهانی از شاعران معاصر بغشش تاریخی زنان و نگاه جنسیتی به آنان را در گسترهٔ شعر خود سروده و با طرح دغدغه‌های زنان تابوشکنی کرده‌است. پژوهش پیش روی با هدف تبیین بغض تاریخی زنان و نگاه جنسیتی به زن در شعر اعتراضی سیمین بهبهانی با رویکردی توصیفی- تحلیلیِ انجام شده‌است که تبیین مباحثی مانند دعوت زنان به دانایی و خروج از دنیای جهل و نادانی، زنانه‌نویسی، تبیین درست عشق زن به مرد، همراهی و همدلی با زنان مطرود جامعه، به چالش کشیدن قانون طلاق، انتقاد از خشونت فیزیکی علیه زنان در مجموعه اشعار «جای پا»، «مرمر» و «رستاخیز» از دستاوردهای آن است. هم‌چنین سیمین بهبهانی نهادهای اجتماعی و قوانین مردسالار را مسؤول محرومیت زنان از منزلت فردی و حقوق اجتماعی دانسته و بغض تاریخی خود و هم‌نوعانش را فریاد زده و در شعرش بازتاب داده‌است.

واژه‌های کلیدی: شعر معاصر، تحلیل انتقادی، نگاه زنانه، سیمین بهبهانی.

[۱] دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی علوم و تحقیقات؛ رایانامه: Runak.samadi328@gmail.com

نقد کهن الگویی«شیرین» درمثنوی خسرو شیرین

سعیده صمیمی[۱]

چکیده

نقد کهن الگویی که مبتنی بر نقد روان‌شناختی است یکی از رویکردهای اصلی نقد ادبی معاصر به شمار می‌رود که بر اساس آرای، روان‌شناس معروف سوئیسی کارل گوستاو یونگ بنا شده است. نقد کهن الگویی به بررسی مضامین و تصاویر کهن الگویی در نهاد انسان‌ها می پردازد و راه را برای ژرف کاوی آثار ادبی می‌گشاید.منظومه «خسرو و شیرین» یکی از آثار نغز نظامی گنجه‌ایی می باشد؛ این مقاله با رویکرد کهن الگویی یونگ به آن پرداخته و شخصیت شیرین در این منظومه به عنوان محور مطالعه قرار گرفته است، جست و جوی شیرین برای یافتن خسرو در حقیقت برای دستیابی به «فردیت» که با اندیشه های یونگ قابل تطبیق است مورد مداقه قرار گرفته و کهن الگوهای مهمی چون سایه، پرسونا، آنیموس، پیرخردمند ؛ با رویکردی تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته شده است. بررسی چگونگی این تطبیق بر اساس آرکی تایپ‌های فوق نشان می دهد که شیرین در مسیر فردیت، برای رسیدن به کمال بعد از روبه‌رو شدن با سایه و کنار زدن پرسونا به آنیموس درون خود راه یافته و در ادامه با حضور کهن الگوی پیر خردمند تمامیت و کمال در وی حاصل شده است.

کلید واژگان: نظامی گنجه‌ای، یونگ ، کهن الگو، خسرو و شیرین.

[۱] دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی و عضوء باشگاه پژوهشگران جوان؛ رایانامه: saeedehsamimi@yahoo.com

«مدیریت بهره وری از زمان از نگاه پروین »

هانیه طاهرلو[۱]
کامران پاشایی فخری[۲]
پروانه عادل زاده [۳]

چکیده

زمان حقیقتی است که با وجود انسان پیوند یافته است و انسان همیشه خود را در چنبره آن می‌یابد،گویا انسان اسیرِ زمان است و راهی برای برون رفت از این اسارت ندارد. زمان همواره برای آدمی منبعی ارزشمند و صدالبتّه منحصر به فرد بوده است؛ منحصر به فرد از این روی که برخلاف دیگر منابع قابل بازیابی نیست. مدیریت زمان، بی تردید یکی از پیش نیازها برای موفّقیّت ها محسوب می شود. با این حال ، در دنیای پرشتاب امروزی که انبوهی از عوامل موجب بروز اختلال در تمرکز ما بر روی تکالیف پیش روی می شوند، بهره گیری از فنون علمی و آزموده شده ی مدیریت زمان بیش از پیش ضروری جلوه می کند. مدیرت زمان عمل یا فرایند طراحی و به کارگیری کنترل آگاهانه بر روی زمانی است که صرف فعّالیّتهای مشخّص می شود. در طول تاریخ، زمان و ابعاد مختلف آن، مورد توجّه انواع تمدن‌ها بوده و امروزه این توجّه بیش از پیش وجود دارد. از آن جایی که اساس نگرش مدیریت زمان، توجّه به پیشبرد اهداف زندگی انسان است، این علم از دیرباز مورد توجّه صاحب نظران و عالمان بوده است. این مقاله به تشریح مفاهیم و اصول مدیریت زمان در اشعار پروین پرداخته و فنون و ابزاری را برای مدیریت زمان در محیط زندگی و کار ارائه می کند.

کلیدواژه : زمان مدیریت زمان ، نگاه اعتصامی، بهره وری از زمان

[۱] : دانشجوی دکتری زبان و ادبیّات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی ، تبریز ، ایران؛ رایانامه : . haniyehtaherlou@yahoo.com
[۲]عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیّات فارسی ، دانشگاه آزاد اسلامی ، تبریز ، ایران
[۳]عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیّات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز ، ایران

بازتاب باورهای طبّی در دیوان بیدل دهلوی

هیچ برگی در زمین نمی‌روید مگر اینکه دوای دردی روی آن نوشته شده باشد. (ابن سینا)

فاطمه طاهری سروتمین[۱]

چکیده:

یکی از جنبه‌های مهم در ادبیات تعلیمی پرداختن به دانش‌هایی است که در میان یک ملّت رواج دارد. این دانش‌ها در دو حوزهٔ الف) دانشهای رسمی و ب) دانش‌های عامیانه قابل جای‌دهی هستند. از این روست که در فرهنگ و ادبیات فارسی در کنار طب رسمی با طب عامیانه نیز مواجه می‌شویم و این امر در حوزهٔ تمام دانش‌ها و نیز در حوزهٔ تمام موارد مربوط به ادبیات و فرهنگ نیز قابل مشاهده است. در این مقاله که به شیوهٔ کتابخانه‌ای انجام شده، تلاش شده است باورهای طبّی از دیوان بیدل دهلوی استخراج شود و به ترتیب الفبا توضیح داده شود. بر اساس یافته‌های این مقاله قسمت عمدهٔ طب عامیانه بر مبنای نظریهٔ اعتدال مزاج و در نظر گرفتن خواص و ویژگی‌های پدیده‌های مختلف شکل می‌گیرد و نیز در نگاه پیشینیان پیشگیری از بیماری‌ها بر درمان آن‌ها مقدم است.

واژگان کلیدی: فرهنگ عامّه (فولکلور)، طبّ، بیدل، مزاج، عناصر اربعه، درمان، پیشگیری.

[۱] دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه هرمزگان؛ رایانامه: **taherifateme701@gmail.com**

((بررسی حس آمیزی در اشعار نادر نادر پور))

طیبه طاهری فر[۱]

چکیده:

حس آمیزی ،در هم آمیختنحواسگوناگون برای نمایش تخیل شاعرانه است. ساختار حس آمیزی به گونه ای بوده که هم در حوزه ی بلاغی و هم دستوری قابل بررسی استو بر اساس این ویژگی از آرایه های ممتاز ادبی برای انتقال تجربه هاو احساسات شاعر به خواننده محسوب می شود.

نادر نادر پور ازجمله ی شعرای معاصر است که در اشعار خود از ساختار های مختلف حس آمیزی برای انتقال معانی مورد نظر خویش استفاده نموده است.

در این پژوهش سعی شده تا با شیوه ی توصیفی ـتحلیلی و بررسی بسامد ساختار های مختلف حس آمیزی ،کاربرد حس آمیزی در مجمو عه اشعار این شاعربررسی شود و به این سوال اساسی پاسخ داده شود کهکاربرد حس آمیزی در اشعار او مبتنی بر چه اصولی است؟بدین منظورحسآمیزی در چهار شکل بلاغی،دستوری،نوعی و حس آمیزی بر اساس رنگ در اشعار او بررسی شد.

نتیجه ی این پژوهش ضمن آن که نشان از تنوع در ساختار و کارکردحس آمیزی در اشعار نادرپور دارد،مشخص میسازد که حس آمیزی یکی از اساسی ترین ارکان خیال در اشعار این شاعر بوده و جایگاه ممتازی در فصاحت کلام او دارد.

واژگان کلیدی: شعر معاصر،حس آمیزی،نادر نادر پور،ساختاربلاغی،ساختار دستوری.

[۱] دانشجوی کارشناسی زبان و ادبیات فارسی،پردیس امام خمینی (ره)گرگان؛ رایانامه: t.taher@chmail.ir

«سرگرمی‌های مردم کرمانشاه بر اساس داستان‌های علی‌اشرف درویشیان»

فاطمه سادات طاهری[۱]
ساجده واعظ[۲]

چکیده

فرهنگ عوام هر منطقه دارای مظاهر بسیاری از جمله آداب و رسوم، باورها، ترانه‌های محلی، قصه‌ها و افسانه‌ها، بازی‌های محلی و سنتی، طب عوام و ... است. علی‌اشرف درویشیان یکی از داستان‌نویسان بزرگ کردنژاد معاصر است که اصالتاً کرمانشاهی است. درویشیان در داستان‌هایش که درواقع داستان زندگی خودش و مردم این منطقهٔ کردنشین ایران است به انعکاس تعمدی مظاهر مختلف فرهنگ عامهٔ مردم آن سرزمین می‌پردازد تا هم خوانندگان آثارش این مظاهر را به‌خوبی بشناسند و هم آن‌ها را برای همیشه در حافظهٔ تاریخ ادبیات ایران جاودانه‌کند. نگارنده در این مقاله می‌کوشد با شیوهٔ توصیفی- تحلیلی ضمن تبیین افسانه‌ها و قصه‌های عامیانه و بازی‌های محلی و سنتی به‌عنوان مظاهری از فرهنگ عامه هم به شناخت و حفظ این مظاهر فرهنگی کمک کند و هم دقت نظر و مهارت درویشیان در تبیین و انعکاس آن‌ها را بازنماید.

واژه‌های کلیدی: فرهنگ عامه، داستان،علی‌اشرف درویشیان، قصه و افسانه، بازی‌های محلی

[۱].استادیار زبان و ادبیات فارسی گروه زبان وادبیات فارسی دانشگاه کاشان؛ رایانامهtaheri@kashanu.ac.ir :
[۲].دانش¬آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه کاشان

ابهام معنایی در شعر شاملو

حمید طاهری[۱]
مریم غفوریان[۲]

چکیده:

شاملو از جمله شاعران معاصری است که اشعار خود را به گونه‌ای مبهم بیان داشته است. شعر وی به دلیل مبهم بودن، استعداد تأویل‌پذیری و پذیرش معانی متعدد دارد. تصرف ناگزیر، تصنعی و حتی آگاهانه در منطق زبان عمومی و مشترک، سبب کتمان تمامی یا بخشی از معنا در شعر شده و همین امر می‌تواند یکی از عوامل مهم ایجاد ابهام در شعر باشد.

ابهام یکی از فرایندهای مهم و در عین حال کلیدی در شعر معاصر ایران است. درواقع همان چیزی که نیما دربارهٔ آن معتقد است؛ ابهام محصول زندگیست به شرطی که در آن تعمق وجود داشته باشد.

با خواندن اشعار شاملو درمی‌یابیم که زمینهٔ اصلی شعرهای او را عواطف ناشی از تأثرات اجتماعی رقم می‌زند و محور اصلی تمام این عواطف، مردم و اجتماع است. پرداختن به مردم، دردها و آرمان های آن‌ها به‌دلیل وجود جو اختناق، ترس و تهدید، زبان و بیانی غیر مستقیم، مبهم و تأویل‌بردار می طلبد. شاملو با توجه به این نکته اشعارش را جهت انجام رسالت اجتماعی‌اش مبهم می‌سراید.

پژوهش حاضر کوششی در بررسی و شناخت ابعاد گسترده و متعدد ابهام موجود در شعر شاملو است که از جمله ابهامات شعر وی، ابهام معنایی است. بر همین اساس ابهام را در این حوزه مورد بررسی قرار داده‌ایم که تا حدودی وجه معنایی شعر شاملو برای مخاطب شناخته می‌گردد.

واژگان کلیدی: شعر شاملو، ابهام معنایی، نماد، اسطوره، کهن الگو، ابهام شاعرانه

[۱] دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین
[۲] دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی (عرفانی) دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین؛ رایانامه: ghaforyanm@yahoo.com

«بادهٔ مغانه و جام جمانه در غزلیات سنایی»

فاطمه سادات طاهری[۱]

چکیده

به‌دلیل رفاه نسبی و تساهل مذهبی عصرسامانی، شاعران این دوره آزادانه به وصف باده و مجالس باده‌نوشی می‌پرداختند. شاعران غزنوی نیز باوجود تعصب مذهبی عصرمحمودی درکنار دیگر مضامین، باده‌ستایی می‌کردند؛ ازاین‌رو وجود این‌گونه مضامین در اشعارآغازین سنایی نیزکه به پیروی از پیشینیان سروده‌شده، طبیعی است؛ اما راوج این مضامین در غزلیات دورهٔ بیداری سنایی، بیانگر ساختارشکنی معنایی واژهٔ شراب و کشف معنایی جدید برای آن در شعر شاعر است؛ ازاین‌رو با بررسی محتوایی غزلیات سنایی و مقایسهٔ آنها با اشعار هم‌مضمون رودکی، فرخی و منوچهری این نتیجه حاصل‌خواهدشد که شراب موردنظر سنایی قلندرانه و عرفانی است که ذکر صفاتی؛ مثل رستگارکنندگی، حیات‌بخشی و بصیرت‌افزایی و ثمراتی؛ مانند غمزدایی، فرمانبرداری از معشوق و وصال با او مؤیّد این موضوع است.

واژهای کلیدی: غزل سنایی،رودکی، فرخی، منوچهری، باده، اهداف باده‌نوشی

[۱]استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کاشان؛ رایانامه: taheri@kashanu.ac.ir

خیام و مخاطبان مزاحم

شیرزاد طایفی[۱]

چکیده

آثار فاخر علمی، هنری و ادبی، امانت‌های ارزشمندی هستند که پاس‌داشت آن‌ها از جمله رسالت‌های نسل بشر است. خیام از آن دسته هنرمندانی است که آثار، به‌ویژه رباعیاتش دچار تحریف فراوان شده است. بی‌شک عوامل متعددی در این رخداد ناخوشایند دخیل بوده‌اند، که شناسایی این عوامل، می‌تواند در رفع موانع و دفع آفات و بهبود روند تمییز و گسترش رباعیات اصیل خیام گامی مؤثر قلمداد شود. در این پژوهش به روش استقرایی- تحلیلی، عوامل و چگونگی تحریف، افزایش، کاهش و... رباعیات خیام در طی قرون مورد بررسی قرار گرفته است. دستاورد پژوهش گویای این است که عوامل تاریخی، خوانندگان اشعار خیام، استنساخ-کنندگان، مصححان، ناشران و حتی خود خیام در ایجاد رباعیات سرگردان و مشکوک دخالت داشته‌اند.این پژوهش می‌تواند زمینه‌ای برای شناساندن نقش مخاطبان یک اثر هنری در سرنوشت آن اثر باشد.

کلیدواژگان: عمر خیام، شعر فارسی، رباعیات، مخاطبان مزاحم، عوامل تحریف.

[۱] دانشیار دانشگاه علّامهٔ طباطبائی؛ رایانامه: sh_tayefi@yahoo.com

نقد جامعه‌شناسانهٔ تصنیف‌های عارف قزوینی

شیرزاد طایفی[۱]
آنیتا خالقی[۲]

چکیده

دنیای امروز، ضرورت انجام پژوهش‌های بینارشته‌ای و خلاء وجود علوم جدیدی را که بدین هدف سمت و سو ببخشند، درک نموده است. جامعه‌شناسی ادبیات از جمله این دانش‌ها است، که از رهگذر آن می‌توان به بازشناسی دقیق و جزء به جزء بستگی‌های متقابل هنر و اجتماع دست یافت. این نوشتار که نتیجهٔ بازخوانی انتقادی تصنیف‌های عارف قزوینی و تحلیل جامعه‌شناختی آن‌ها است، با تکیه بر مطالعات اسنادی و بهره‌گیری از شیوهٔ تحلیل محتوا و تأمّلی در محتوای اجتماعی و سیاسی این اشعار، ضمن نگاهی به جامعه‌شناسی تکوینی و موضوعی بر اساس نظریه‌های گلدمن و لوکاچ و با در نظر گرفتن شرایط اجتماعی روزگار شاعر که با انقلاب مشروطه و دیکتاتوری رضاخان مصادف بوده، به جهان‌بینی عارف و تأثیر تصنیف‌های وی بر جامعهٔ آن روز ایران و دلایل اهمیت ویژهٔ این تصنیف‌ها می‌پردازد. برآیند پژوهش نشان می‌دهد مردمی بودن شاعر، زمینه و ظرفیت مناسبی برای خوانش تصنیف‌های او از دیدگاه جامعه‌شناسی تکوینی و موضوعی فراهم کرده است.

کلیدواژگان: عارف قزوینی، تصنیف، جامعه‌شناسی ادبیات، شعر فارسی، مشروطه.

[۱] دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علّامهٔ طباطبائی؛ رایانامه: sh_tayefi@yahoo.com
[۲] دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه

بازسرایی کاوهٔ آهنگر در شعر معاصر

(با تکیه بر بازسرایی‌های لاهوتی، مصدق و بیکس)

محمد طرغه[۱]

چکیده

بازسرایی ژانری است که میان ادبیات گذشته و حال آشتی برقرار می‌کند. اثرات گذشته را از گرد و غبار فراموشی که بر روی آن‌ها نشسته است، پاک می‌گرداند. ضرورتی که شاعر را وادار می‌کند تا دست به بازسرایی و بازآفرینی بزند، وضع موجود جامعه است؛ چرا که شاعر فضای اجتماعی خود را با فضای جامعه‌ای که داستان، حکایت از آن دارد، در یک راستا می‌بیند.

در این زمینه شاعران ابوالقاسم لاهوتی، حمید مصدق و شیرکو بیکس، فضای جامعه خود را با فضای جامعه کاوهٔ آهنگر در یک راستا دیده و آن را بازسرایی کرده‌اند و با بهره‌گیری از این ژانر مفاهیم اسطوره‌ای و تاریخی را با مفاهیم عینی و ملموس جامعهٔ امروزی درآمیخته‌اند تا پل‌های ارتباطی بین اثرات گذشته و حال را برقرار نمایند.

در این نوشتار ابتدا هر یک از بازسرایی‌ها به تنهایی مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند و سپس با همدیگر مقایسه شده‌اند. شاعران علاوه بر گزین کردن تِم‌های اصلی از متن اولیه، فکر و اندیشهٔ خود را نیز در آن دخیل داده و گاهی اوقات نتیجهٔ داستان را به نفع تفکرات خود هدایت می‌کنند.

کلید واژه‌ها: بازسرایی، ابوالقاسم لاهوتی، حمید مصدق، شیرکو بیکس و کاوهٔ آهنگر

[۱] دانشجوی دوره‌ی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد؛ رایانامه: taraga54@gmail.com

پژوهشی درباره آیین ها و مراسم ازدواج در شاهنامه

سارا طوسی[۱]

چکیده :

یکی از مهم ترین آیین های ازدواج «حق همسر گزینی» زنان از مردان است. حق همسرگزینی، شاخص ترین خصوصیت زنان در این داستان ها، حق اظهار عشق و پیش قدم شدن در انتخاب همسر است و حتی گاهی عروسان، خویشتن را بر مردان عرضه می دارند. با این که میزان صراحت و جسارت آنان در این عروسی ها یکسان نیست و روی هم رفته هرگاه عشق بازی و یا ازدواج موقت، مطرح باشد؛ زنان از حق برگزیدن بیش تری برخوردار هستند؛ ولی در ازدواج های دایمی، این حق تحت الشعاع اراده ی پدر قرار دارد و یا محدود است. مهم ترین اهدافی که برای ازدواج در شاهنامه بیان شده، داشتن فرزندی نیک و سالم است، تا وارث آیین نیاکان باشد. اگر در این گونه داستان ها (داستان های حماسی) گفتگویی از بزم آرایی و مهرورزی و عاشقی در میان آید، بهانه ای است برای بقای نسل پهلوانان و ادامه یافتن جنگ های پایان ناپذیر برای کسب افتخار و سیادت و تأمین رفاه و آسایش و امنیت ملت هاست. ازدواج از کردارها و موضوعات داستان ساز شاهنامه است. گرچه حادثه ای بزمی می نماید، اما جز در چند مورد چون ازدواج های خوش فرجام فریبرز با فرنگیس، شاپور اردشیر با دختر مهرک، ..... در بقیه جاها بدفرجام است. تقریباً می توان گفت نطفه ی غم نامه های شاهنامه میان ایرانیان و بیگانگان صورت می گیرد. و همین ازدواج هاست که سرانجام رویدادهای دردناک این حماسه را رقم می زند. مانند داستان ازدواج رستم با تهمینه که به کشتن سهراب ختم می شود. در پژوهش حاضر، به آیین ها و مراسم ازدواج در شاهنامه به ویژه به ازدواجبا افراد بیگانه می پردازد.

کلید واژه: آیین، ازدواج، شاهنامه، حق همسرگزینی، داستان های حماسی، رستم، تهمینه، سهراب.

[۱]دانشجوی دکتری زبان وادبیات فارسی،واحد نیشابور؛ رایانامه:farangistosi@yahoo.com

درد و رنج زنان در آثار«جلال آل احمد» و «پروانه سراوانی»

فریدون طهماسبی[۱]
فرنوش خرمائی[۲]

چکیده:
در قرن معاصر «درد» و «رنج» زنان یکی از مهم ترین چالش های موجود در خانواده و اجتماع است. نادیده گرفتن زنان، نسبت به موقعیت مردان در حوزه های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، از مشخصه های بارز وجود «درد و رنج» در زنان است. نظام نابرابری حقوق فردی و اجتماعیزنان، در مقایسهدر جوامع سنتی و مردسالارانه و نگرش زن به عنوان جنس دوم در خانه و جامعه از پیامدهای این دیدگاه است. اساس این پژوهش، بررسی یک دورهٔ حدودا پنجاه ساله در آثار« جلال آل احمد» در نیمهٔ اول قرن معاصر و نیز «پرتقال خونی» اثر «پروانه سراوانی» است، که در همین سال های اخیر به صورت تلویحی به مصائب فردی و اجتماعی زنان پرداخته شده است. این پژوهش از دیدگاه های متفاوتی به ماهیت و حقیقت درد و رنج، علت بروز درد و رنج، ریشه های فردی، ریشه های اجتماعی، تبعیض جنسیتی زنان و راهکارهای از کمرنگ تر کردن آلام روحی و جسمی زنان، پرداخته شده است.

کلید واژه:دردورنجزنان، عللوریشهها، ابعاد تاریک و روشن درد ورنج، آثار آل احمد، پرتقال خونی، پروانه سراوانی

[۱]- عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی؛ رایانامه:drftahmasbi@yahoo.com
۲-دانشجویدکتری رشتهزبانوادبیاتفارسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی

بررسی نقش دین دررمان زمین سوخته اثر احمد محمود

بیژن ظهیری ناو[۱]
عسگر صلاحی[۲]
اعظم محمودی[۳]

چکیده

پای‌بندی ملت ما به دین و اعتقادات مذهبی از جمله عواملی است که از دیر باز تا کنون، تمام ارکان زندگی ما ایرانیان،مخصوصاً ادبیات را تحت تأثیر خود قرار داده است.در این نوشتار مؤلفه دین را در رمان زمین سوخته اثر ماندگار احمد محمود مورد بررسی قرار داده‌ایم. در طرح مسئله و مقدمه، جایگاه دین در ادبیات پایداری و ادبیات داستانی دفاع مقدس را به طور خلاصه معرفی کرده‌ایم که مبانی نظری پژوهش ما را شامل می‌شود. در قسمت اصلی این پژوهش مؤلفه دین را در رمان زمین سوخته مورد تحلیل قرار داده-ایم. در ادامهٔ بحث متوجه خواهیم شد که نویسنده،دین و اعتقادات دینی را به عنوان یک عامل مهم در پایداری ملت ما در جنگ تحمیلی عنوان کرده و از مؤلفهٔ دین به عنوان یک عنصر مهم و مؤثر در قالب اعتقادات، سمبل‌ها، طرح شخصیت‌ها و تصویر پردازی‌های داستانبهره‌برداری کرده است.

واژگان کلیدی: مؤلفه دین، ادبیات پایداری، رمان زمین سوخته.

[۱]دانشیار دانشگاه محقق اردبیلی؛ رایانامه: rezalotfi644@yahoo.com
[۲]استادیار دانشگاه محقق اردبیلی
[۳]کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی–ادبیات مقاومت

ریخت‌شناسی داستان آلتونتاش بر اساس مدل ولادیمیر پراپ

علی عابدکهخاژاله[۱]
رمضان مجوزی[۲]

چکیده

تاریخ بیهقی از امهات متون نثر فارسی است و جایگاه ممتاز این اثر برجسته تنها به کارکرد تاریخی و ارزش زبانی آن در مطالعات سبک‌شناسی نیست بلکه از نظر روایی و داستانی نیز بسیار ارزشمند است. در میان حکایت‌های بیهقی، داستان« آلتونتاش» گرچه صحت تاریخی دارد؛ اما با توجه به نوع روایت بیهقی از این داستان و ظرایفی که از نظر ساختاری در دل آن نهفته است؛ قابلیت ریخت‌شناسی و بررسی را دارا است. پشتوانهٔ نظری این تحقیق نظریهٔ ریختشناسی ولادیمیر پراپ ریختشناس روسی است که ساختار قصه-های پریان روسی را به هفت حوزهٔ عمل و سی و یک نقش ویژه تقلیل داده است. اندیشهٔ اساسی در ریختشناسی، توصیف قصه بر پایهٔ اجزای تشکیل دهندهٔ آن و همچنین بیان ارتباط و همبستگی‌ای است که بین این سازه‌ها وجود دارد. هدف این پژوهش بررسی ریخت‌شناسیداستان «آلتونتاش»، نمایاندن اصول خویشکاری حاکم بر داستان وپیدا کردن مهمترین و اساسی‌ترین عنصر تشکیل دهندهٔ آن است که به نظر می‌رسد در این داستان عنصر شرارت و بعد از آن فریبکاری نسبت به سایر عناصر نقش برجسته‌تری را ایفا می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: ریختشناسی، آلتونتاش،ابوالفضل بیهقی، ولادیمیر پراپ.

[۱] علی عابدکهخاژاله، کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی،دانشگاه سیستان و بلوچستان؛ رایانامه: alliabed4633@gmail.com
[۲] رمضان مجوزی، کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان

مطالعهٔ تطبیقی واژهٔ مرگ در اشعار نیما یوشیج و نازک‌الملائکه

علی عابدکهخاژاله[1]

چکیده:
چیستی و ماهیت مرگ موجب پیدایش افکاری متناقض در عرصه‌های مختلف فکری از جمله در شعر و ادب گردیده است و هر کدام از شاعران با تکیه برپایگاه‌های فکری و معرفتی خودبه این پدیده نگریسته-اند. در این جستار کوشیده‌ایم با رویکردی تطبیقی، به بررسی این پدیده، از دیدگاه نیما یوشیج، بنیانگذار شعر نو فارسی، و نازک‌الملائکه، بنیانگذار شعر نو عربی، بپردازیم. یافته‌های این پژوهش نشان دهندهٔ این نکته است که مرگ در اشعار این دو شاعر تقریبا همان معنا و مفهومی را دارد که دین بیان داشته است؛ با این تفاوت که با توجه به خلقیات و شرایط زندگی هر یک از این شاعران، تفاوت‌هایی را در دیدگاهشان نسبت به مرگ می‌بینیم. فضای کلی بر اشعار اولیهٔ نازک‌الملائکه، فضایی سرشار از یأس وناامیدی است و با گذر زمان این دیدگاه اندکی تعدیل می‌یابد. در مقابل نیما با توجه به این که تربیت یافتهٔ محیط سرسبز شمال است؛ به مرگ چون دیگر پدیده‌های زندگی می‌نگرد، در نظر نیما مرگ، تولدی دیگر است و مرگ آگاهانه می‌تواند تنها راه گریز برای جامعهٔ غفلت‌زده باشد.

واژه‌های کلیدی : نیمایوشیج، نازک‌الملائکه، شعر معاصر، مرگ، ادبیات تطبیقی.

[1] دانش آموخته کارشناسی ارشد، دانشگاه سیستان و بلوچستان؛ رایانامه: ariaabed6897@gmail.com

تحلیل ریخت‌شناسانه «قصه دخترای ننه دریا» و «ضیافت» از شاملو بر اساس نظریه پراپ

لیدا عابدی[۱]

چکیده

هدف از پژوهش‌های ریخت شناسانه بر اساس الگوی ولادیمیر پراپ، معمولاً رده‌بندی حکایت‌ها به روش علمی و ساختاری از طریق تجربهٔ آن‌ها به اجزای سازندهٔ آن‌ها و مقایسهٔ آن‌ها با هم است. در تحلیل »پراپ« عملکردها و شخصیت‌ها، اجزای سازندهٔ داستان پریان یه شمار می‌روند. او نخستین بار این شیوه را درباره قصه‌های پریان روسی آزمود.قصهٔ پریان داستانی است که در جهانی غیر واقعی رخ می‌دهد، مکان و شخصیت‌های حقیقی ندارد و سرشار از رخدادهای شگفت و باور نکردنی است.

احمد شاملو استاد تصویر سازی در شعر است و یکی از عارضه‌های موضوع پردازی در شعر، حضور روایت یا داستان گویی است. در این مقاله ابتدا مقدمه‌ای دربارهٔ تعریف و تبیین ریخت شناسی، پیشینهٔ تحقیق و معرفی شعرهای «قصهٔ دخترای ننه دریا وضیافت » از احمد شاملو مطرح شده و سپس اشعار بر اساس الگوی پراپ مانند: وضعیت آغازین، غیبت، کسب خبر و ... و همان طور شخصیت ها و حرکت‌های اشعار مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. این پژوهش بیانگر این است که اشعار شاملو تا حدودی ویژگی‌های قصه‌های عامیانه را دارا است و الگوی ساختاری موافق با الگوی پراپ به دست آمده است.

واژه‌های کلیدی: ریخت‌شناسی، ساختار، روایت، ولایمیر پراپ، احمدشاملو.

[۱] کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه: lida.Abedi@yahoo.com

دادگری در سخنان پادشاهان در شاهنامه فردوسی

لیلا عارفی[۱]

چکیده

ارزش ادبی و اهمیت حماسی و تاریخی شاهنامه بر هیچ ادب آشنای ایرانی و غیر ایرانی پوشیده نیست .فردوسی با سرودن شاهنامه تاثیری عمیق بر زبان فارسی به جای گذاشت و باعث تداوم هویت فرهنگی ایرانیان شد .

سخنان پادشاهان در آغاز و طول پادشاهی ایشان نمایان گر عقاید وآداب و رسوم جامعه ی آن زمان و نیز دیدگاه بزرگان و نحوه ی مدیریت و برنامه ریزی امور مملکت توسط آن هاست .

یکی از مضامین پر چالش و مهم در سخنرانی های پادشاهان در شاهنامه که از بسامد بالایی برخوردار است مضمون دادگری است .پادشاهان در همان ساعات اولیه حکومت خویش اعلام می کردند که از جانب خداوند برای برقراری داد و عدل برگزیده شده اند و می خواهند بر این امراهتمام ورزند.

در این پژوهش مضمون دادگری در سخنان پادشاهان در شاهنامه ی فردوسی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است .

لغات کلیدی: دادگری – سخنان پادشاهان – شاهنامه – فردوسی

[۱] کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه: arefi1351@gmail.com

جلوه زن در کشف الأسراروعدۀالأبرار از دیدگاه میبدی(براساس سوره نساء)

یوسف عالی عباس آباد[۱]

مریم شمسی خانی [۲]

چکیده

مسأله زن و شخصیت و جایگاه و موقعیت او در جامعه و خانواده همواره مورد بحث و تقابل آراء ونظرات بسیاری از پژوهشگران بوده است .

در یک کشور اسلامی معمولاً منابع مورد نیاز برای این گونه پژوهشها کتابهای تفسیری و دینی است که پایه گذار قوانین و مقررات و آداب و رسوم این کشورهاست .

به دلیل اهمیت موضوع زن در مقاطع مختلف زمانی بخصوص عصر حاضر که اعتقادات و باورهای درست و نادرستی در باب زنان رواج یافته و معرکۀ مباحث مختلف گردیده . پژوهشی صورت گرفته بر اساس دیدگاه یکی ازعارفان و مفسران قرن پنجم و ششم هجری ابوالفضل رشیدالدین میبدی در کتاب تفسیریش کشف الاسرار وعدۀ الأبرار در باب زنان ، که جایگاه زن را از منظر خانواده و اجتماع مورد بررسی قرار می دهد .

این مقاله زن را درنوبت سوم کشف الأسرار در سوره نساء از دیدگاه صوفیانه میبدی با استفاده از منابع کتابخانه ای ، به شیوۀ توصیفی - تحلیلی مورد بررسی و تحلیل قرار داده است آنچه درنگاهی کلی دریافت می شود این است که میبدی شخصیت و رفتار زن را ناشی از نوع آفرینش او می داند و به همین سبب در بیان مسائل آنان ، سخنش خالی از هرگونه توهین و تحقیراست و نحوۀ نگرش او اکثراً با ملاطفت و مهربانی همراه است .

کلید واژگان : کشف الأسرار - ابو الفضل رشیدالدین میبدی - زن – تفسیر)

---

[۱] استادیار دانشگاه پیام نور

[۲] دانشجوی کارشناس ارشد دانشگاه پیام نور؛ رایانامه: shamsikhani.maryam@gmail.com

بررسی ماهیت درد و رنج در اشعار پروین اعتصامی

خیام عباسی[۱]
سولماز مظفری[۲]

چکیده

یکی از شاعران برجسته معاصر ایران، پروین اعتصامی است که به عنوان شاعر اخلاق و تربیت شناخته شده است که در اشعار خود بشر و مسائل پیرامون وی را مدّنظر قرار داده و اندیشه‌ها و باورهای خود را در قالب تمثیل و مناظرهبیان نموده است. پژوهشگر پس از بررسی دفتر اشعار ایشان، می‌تواند به جرات ادعا کند پروین از شاعرانی است که به مقوله درد و رنج انسانی و مفاهیم مرتبط با آن توجه کرده و در زندگی خود نیز، درگیر این مفهوم و واقعیت بوده است. در این مقاله تحلیلی و توصیفی پس از بررسی ابعاد مختلف این مقوله در نظام حاکم بر اندیشه و زبان پروین، مجموعه اشعار وی در چهار بخش معناشناسی، وجودشناسی، غایت شناسی و شان اخلاقی درد و رنج طبقه بندی و بررسی شده است. در اشعار پروین می توان مصادیقی برای انواع درد و رنج برشمرد.

کلید واژه ها: درد و رنج، پروین اعتصامی، شعر معاصر

[۱]عضو هیأت علمی گروه جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی شوشتر
[۲]عضو هیأت علمی دانشگاه فرهنگیان شیراز؛ رایانامه: s_mozafari8673@yahoo.com

جایگاه زن با نگاهی بر مقولهٔ عشق در هفت پیکر نظامی

شعله عبدالعلی‌پور[۱]
جواد جنگی[۲]

چکیده

حکیم نظامی گنجوی (حدود ۵۳۰- ۶۱۴ ه . ق) استاد بلامنازع داستانسرایی در ادبیات کلاسیک ایران است و مقلدان او هیچگاه نتوانسته اند مقامی همپای وی پیدا کنند. در این پژوهش، نه همهٔ ابعاد داستانسرایی نظامی، بلکه تنها توجه خاص او به عشق و زنان، به عبارت دیگر «عشق و زن محوری» بررسی می‌شود و مجموعه دیدگاه‌هایی که نظامی نسبت به عشق و زن در شعر خود دارد، با استناد به هفت پیکر او، ارائه می-گردد. با این وجودنگاهپژوهش بیشتر حول محور زن می گردد چراکه هفت پیکر نظامی‌عرصه و صحنهٔ حضور زنانی از همه طبقات و موقعیت‌های گوناگون است. یادآوری این نکته ضروری است که آرا و نظریات نظامی در زمانهٔ خود، از نگاهی روشن و پیش‌بین حکایت می کند که با جامعهٔ بستهٔ آن روزگار سنخیت زیادی ندارد، بلکه در میان شاعران دیگر نیز نظایر بسیاری برای آن نمی‌توان یافت. لیکن این بدان معنا نیست کههفت پیکر نظامی آینهٔ آرمانشهر ادبی زنان است بلکهنظامیحسب اقتضای زمانه‌از نظرگاه اجتماعی در هفت پیکر به زن با یک دید کاملاً منفی می‌نگرد.از طرفی عشق هم که یکی از درون مایه‌های اصلی ادبیات ایران است، در هفت پیکر نظامی با گستردگی زیاد بیان شده است. عشق هفت پیکر عشقی زمینی است که از سوی مردان نسبت به زنان ابراز می‌شود. درهرصورت توجه این نکته ضروری است که هفت پیکر همچون سایر آثار نظامی داستان‌هایی است که از پس قرون به دست ما رسیده و بخشی از واقعیت‌های امروزی را در خود نشان می‌دهد.

کلمات کلیدی: زن، زیبایی، ازدواج، هفت پیکر، عشق

[۱]دانشجوی دکتری دانشگاه ارومیه؛رایانامه: shoelehabdolalipoor@yahoo.com
[۲]دانشجوی دکتری دانشگاه ارومیه

خرده فرهنگ‌ها در قصاید خاقانی
(بررسی جشن‌های ایرانی در شعر خاقانی)

هاجر عبدالغلامی نجف آبادی[۱]

چکیده

در حوزه مطالعات فرهنگی پرداختن به خرده فرهنگ‌ها از عواملی است که می‌تواند راهگشای جامعه شناسان در درک حقله‌های گمشده تاریخی باشد بر این اساس با تحلیل اشعار شاعران برجسته ادب پارسی در این خصوص می‌توان بسیاری از ابهامات تاریخی و اجتماعی را برطرف ساخت. قدرت و اصالت فرهنگ ایرانی سبب شده است تا این فرهنگ هیچ گاه در گذار تاریخ و طی دگرگونی‌ها و تعامل‌های فراوان در فرهنگ‌های دیگر هضم نگردد. یکی از مواردی را که می‌توان عاملی اساسی در گسترش و رشد فرهنگ ایران و ایرانی دانست مقوله شعر است. خاقانی نیز از جمله شعرای خوش قریحه و صاحب شاهکار است که با توجه به محل زندگی و وابستگی به خاندان شروانشاه، تعلیمات عمویش، نبوغ ذاتی و احاطهٔ گسترده‌اش بر شاهنامه و شخصیت‌ها و داستان‌های آن، به خوبی توانسته است عناصر و مولفه‌های فرهنگ ایران را در قصایدش منعکس سازد. شاعر شروان، در قصایدش به خوبی توانسته است خرده فرهنگ‌ها را به نمایش بگذارد. و این گونه است که با پرداختن به جشن‌های ایرانی و ذکر جزییات چنین مراسمی در قصایدش آن‌ها را برای ما پس از گذشت صدها سال جاودانه ساخته است. او با استفاده از ترفند تصویرسازی برای مدح ممدوحان خود به چنان جزییاتی پرداخته است که سبب جاودانگی اعیاد و جشن-های ایرانی شده است.

کلید واژگان : خاقانی شروانی، سده، مهرگان، نوروز، یلدا، عناصر فرهنگی

[۱] دانشجوی کارشناسی ارشد زبان وادبیات فارسی؛ رایانامه: hajarqolami@gmail.com

شگردهای آموزش زبان و ادبیات فارسی در فضای مجازی (از نگاه اساتید دانشگاه مجازی المصطفی)

طاهره عبداللهی پارسا[۱]
محمدسعیدنیا[۲]

چکیده

در عصر حاضر دانش و فناوری با یکدیگر هم مسیر شده‌اند و نمی‌توان یکی از این دو را بدون دیگری درنظرگرفت. فضای مجازی با منابع و امکانات شگفت و عظیمی که در زمینه علم و دانش در اختیار کاربرانش قرار می‌دهد و با ویژگی‌هایی چون بی‌زمانی و بی مکانی، تعاملی بودن و ... ، قابلیت های زیادی در زمینه آموزش و تعلیم و تربیت دارد و امروزه در حال جایگیری در سیستم های آموزشی کشورهای مختلف است. مسئله اصلی در آموزش امروز دسترسی به اطلاعات بیشتر نیست. در حقیقت یکی از چالش های دانشجویان، معنی بخشیدن به حجم محتوایی و جذب هدفمند تمام اطلاعات است. بنابراین در این پژوهش مصاحبه ای با یکی از اساتید دانشگاه های مجازی المصطفی در زمینه آموزش زبان و ادبیات فارسی در محیط مجازی ترتیب دادیم و شگردها و راهکارهای ارائه کارآمدتر در جهت تدریس هرچه بهتر در محیط مجازی را جویا شدیم. از جمله شگردها و راهکارها: ایجاد رغبت با برگزاری مسابقات شعرخوانی، استفاده از ابزار فیلم، ابزار تشویق و برجسته‌سازی متن، ایجاد فضا و زمینه سازی برای بحث، تبادل نظر و آشنایی فراگیران با یکدیگر از طریق دنیای مجازی بود و همانطور که اساتید دانشگاه‌های مجازی اعلام کردند زبان و ادبیات فارسی در این دانشگاه ها روز به روز با استقبال بیشتری روبه‌رو شده است.

واژه‌های کلیدی: آموزش زبان و ادبیات فارسی، آموزش مجازی، شگردهای آموزشی، ابزارها و امکانات آموزش مجازی

---

۱. مدرس و پژوهشگر دانشگاه مجازی المصطفی(ص)؛ رایانامه: t.aparsa@yahoo.com
۲. مدرس و پژوهشگر دانشگاه مجازی المصطفی(ص)

«داستان بیت»در غزل حافظ و تطبیق آن با داستان‌های مینی‌مالیستی

فرزانه عبداللهی[۱]

چکیده

شعر فارسی به جز ایجاد هم‌حسّی و انتقال احساس نویسنده، ظرفیّت‌های دیگری نیز دارد که از آن‌جمله داستانی بودن آن است. به جز شعر روایی، که نوعی از روایت داستانی مستقل است، تک‌بیت‌هاییدر شعر فارسی و به ویژهدر غزل وجود دارند که به تنهایی یک داستان کامل‌اند.دراین مقالهکوتاه‌ترینروایت یعنی تک بیت‌های داستانی را،درغزلحافظ، با ویژگی‌های داستان‌های مینی‌مالیستی تطبیق داده‌ایم. بیت‌هاییکهچون حدّاقل‌های داستانی را در خود دارند «داستان‌بیت» نامیده می‌شوند.برای نشان دادن ویژگی‌های مشترکداستان‌های‌مینی‌مالیستی و داستان‌بیت،کم‌ترین عناصر مشترک لازم یکروایت داستانیرا مبنای کار قرار داده و داستان‌بیت‌ها را بازسازی کرده‌ایم. این بیت‌ها را به دلیلبرخورداریازحدّاقل‌هایداستانی، تم جذّاب، انتخاب برشی مؤثّر از موقعیّت و وجود عنصر غالب گفت‌وگو، می‌توان بخشی از«کهن الگوی» مینی‌مالیسم در شعر و ادبیات فارسی به شمار آورد.

کلمات کلیدی:مینی‌مالیسم،داستان‌بیت،غزلیّاتحافظ.

[۱]کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه:abdollahi_1346@yahoo.com

پرنیان هفت رنگ اندر بَرِ دشمن کند بررسی بلاغتِ توصیف دشمن در تاریخ جهانگشای جوینی

نیلوفر سادات عبدالهی [۱]

چکیده:

تاریخ جهانگشای جوینی از آثار ارزشمند تاریخ نگار و ادیب برجسته عهد مغول، عطاملک جوینی است.او که رفتارهای دور از مدنیّت مغولان را در جریان تهاجم شان به ایران دیده یا از ثقات شنیده بود و از پیشینه تاریخی و اجتماعی این قوم آگاهی داشت، به علاوه از دانش و هوش سرشاری نیز برخوردار بود، پیش از بسیاری صاحب منصبان ،در پی آن برآمد که با اثرگذاری بر این قوم مهاجم،فرهنگ و دین ایرانیان را به خوبی حفظ کند.

از جمله این تلاشها در عرصه ادب و فرهنگ،نگارش کتاب تاریخی بود.این امر نیز خود برخاسته از ذکاوت اوست.زیرا،شرایط اجتماعی آن دوره، برای آفرینش آثار غنایی مناسب نبود،مضاف بر این مغولان به ثبت تاریخ حکومت شان، علاقه فراوانی داشتند.ازین روی، این کتاب به شرح زندگانی و اعمال چنگیز و احفادش در ایران می پردازد.نگارنده نیز به این دلیل که، هدفش حفظِ فرهنگ ایرانی و دین اسلام بوده است،در توصیفات خود از دشمن(که قوم مهاجمِ مغول باشند) سعی دارد سخن را به بهترین وجه آورد.همین توصیفات و در کنار آن بهره گیری از مفاهیمی مانند اهمیت تأیید خداوندی و تأکید برقضا و قدر،در کنار هم موجب میشد تا مغولان به جنگ در راهِ اسلام ترغیب شوند و اثری ارزشمند نیز با بیانی صادق ،در مواردی انتقادی و از عالی ترین نمونه های بلاغت برای آیندگان باقی بماند.

با عنایت به اهمیت بررسی بعد بلاغی تاریخ جهانگشا با تکیه بر مفاهیم و معانی،در این مقاله هنر نویسندگی عطاملک را با محوریت توصیفات فاخر و در حقیقت هدفمند او،حتّی از دشمنان،بررسی و دسته بندی کرده ایم .

کلمات کلیدی:تاریخ جهانگشای جوینی،هنر نویسندگی،عطاملک جوینی،بلاغت،دین اسلام

[۱] دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران؛ رایانامه: NSAbdollahy@ut.ac.ir

بررسی سبک نقیضه پردازی(پارودی) رهی معیری در استقبال از غزل حافظ

امیرعباس عزیزی فر[۱]

چکیده

این مقاله در پی آن است تا علاوه بر ارائه سیر تعاریف نقیضه، به استقبال‌هایی که رهی از غزل حافظ داشته اشاره کند، سؤال این پژوهش آن است که رهی در نقیضه‌ای که از غزل حافظ داشته، چه مقاصدی را دنبال کرده و سبک زبان و محتوای او تا چه میزان با غزل حافظ تناسب دارد. مقاله حاضر به روش مقایسه‌ای-نظری و درچارچوب مطالعه کتابخانه‌ای به انجام رسیده است. به این صورت که برای مبانی کلی پژوهش با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای، موارد کلی مطالعه، سپس با مراجعه به دیوان رهی معیری، موارد استقبال وی از غزل حافظ استخراج، بررسی و مورد تحلیل قرارگرفته است. ابتدا به منظور پرهیز از اطاله کلام، مطلع غزل حافظ ذکر شده، سپس غزل رهی که در استقبال از همان غزل سروده شده، آورده شده است. پس از مطالعه و مقایسه، غزل رهی را انتقادی‌تر، اجتماعی‌تر و بی‌پرواتر از غزل حافظ یافتیم، ازطرفی جهت‌گیری غالب غزل رهی به طبقات بالای اجتماع به ویژه صاحبان مناصب اشاره دارد. بیشتر غزل حافظ در تعریض و گوشه‌زنی به زاهد و صوفی است، گاهی نیز شاعر به اصول و مبانی عقیدتی و مسلکی خود اشاره دارد، درحالیکه چنین رویکردی در غزل رهی دیده نمی‌شود، درغزل رهی شور وطن پرستی و اشاره به جغرافیای محسوس مکانی پررنگ‌تر از غزل حافظ وغزل حافظ جهان شمول‌تر وکُلی‌تر ازغزل رهی است.

کلمات کلیدی: غزل، رهی معیری، حافظ، نقیضه، نظیره‌گویی(استقبال)

[۱]استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی کرمانشاه؛ رایانامه: Azizifar57@yahoo.com

سیمای گرشاسب در گرشاسبنامه و دیگر متون پهلوی

رامیلا عزیزی[۱]

چکیده

این مقاله نشان می‌دهد که گرشاسب در گرشاسب نامه با چه نمودی تعریف شده است و در دیگر متون پهلوی از وی چه تصویری به دست داده اند. مقصود از کند و کاو در این زمینه یافتن چهره ی درست و دقیق گرشاسب از لابلای آثاریست که وی را به معرفی گرفته اند.در یک پژوهش علمی برای رسیدن به هدف تحقیق روش‌های متعددی برگزیده می‌شود .از آنجا که موضوع این تحقیق در مورد سیمای جامی در گرشاسب نامه و دیگر متون پهلوی است ؛ بنابراین علمی‌ترین روش برای رسیدن به مسأله تحقیق روش اسنادی است.

سام نام خاندانی است که ثریت سومین فرد از این خاندان به تهیه عصارهٔ گیاه مقدس هوم می پردازد و به پاداش این کار صاحب دو فرزند می شود اورواخشیه و کرس اسپه. گرشاسب پهلوانیست به ستبری کوه و نیرومندیی صد پیل و متصف به صفت نریمان. دشمنانش از مهیب ترین مظاهر شر و آشوب اند؛ همچون اژدهای شاخدار مردم اوبار، گندور آبزیِ دریا پاشنه و دیگرانی از این سنخ. بنا برآنچه از کتاب های پهلوی برداشت می شود گرشاسپ نامیرایست که هرگز شکست نمی خورد از جاویدانانیست که در روز پسین به فرمان اهورامزدا برانگیخته می شود و جهان را از آشوب می رهاند.

واژه های کلیدی: گرشاسپ ، گندرو ، اژدهای شاخدار ، جاویدان ، فروهر، رستاخیز.

[۱] استاد دانشگاه، ماستر ادبیات و علوم انسانی؛ رایانامه: ramilaazizi.111@gmail.com

بررسی مقامات و احوال عرفانی در اشعار عبدالرّحمان جامی

علی عسکری [۱]
مهرانگیز نوریان راد[۲]
حسین فامیلیان[۳]

چکیده

جامی یکی از بزرگان تصوّف و عرفان اسلامی است که در این حوزه نظرات عمیق و آثار ارزشمندی را به یادگار گذاشته است. دیوان غزلیات و قصاید، مثنوی هفت‌اورنگ و سایر آثارش جلوه‌گاه اندیشه‌های عرفانی او می‌باشد. مقامات و احوال از مباحث مهم و پرکاربرد عرفان است که جامی به طور قابل توجّه هرچند پراکنده در اشعارش به آنها پرداخته و نظراتی را در خصوص آنها ارائه کرده است. این مقاله به بررسی مؤلفه‌های برجسته و شاخص احوال و مقامات عرفانی همچون محبّت، مشاهده، قرب، شوق، توبه، ورع، زهد، فقر، صبر و... در اشعار عبدالرّحمان جامی می‌پردازد. روش تحقیق نظری و بر اساس پژوهش کتابخانه‌ای است.

واژگان کلیدی: جامی، عرفان، مقامات، احوال ، دیوان جامی، مثنوی هفت‌اورنگ.

[۱] استادیار دانشگاه پیام نور بهشهر
[۲] :دانش¬آموختهٔ کارشناسی ارشد پیام نور بابل؛ رایانامه: m.norianrad@gmail.com
[۳] استادیار دانشگاه پیام نور محمود آباد

بررسی و تحلیل روانشناسی موسیقی بیرونی قصاید سلطانی کلهر کرمانشاهی

حجّت اله عسگری کاشانتویی[۱]
رامین صادقی نژاد[۲]
پریسا حقیقی [۳]

چکیده

حسینقلی خان سلطانی کلهر، یکی از شاعران بزرگ دورهٔ قاجار است که شعرش همانند خود او کمتر شناخته شده است. سئوال اصلی این نوشته که به روش کتابخانه‌ای فراهم آمده، آن است که موسیقی بیرونی شعر سلطانی کلهر بیشتر از چه اوزانی (شفّاف، کدر، جویباری، خیزابی، دوری، متناوب الارکان و ...)، شکل یافته است و از نظر روانشناسی چه تأثیری در روحیّات و جذب مُخاطب داشته است؟ بنابراین بررسی وزن شعر و تأثیرگذاری آن بر روان مخاطب و ابعاد مختلف این تأثیرگذاری، موضوع این پژوهش بوده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که سلطانی کلهر، از میان اوزان پُرکاربرد شعر فارسی، بیشتر، بحر رمل را برای سرودن برگزیده و از به کار گرفتن اوزان غریب و نادر پرهیز کرده است. همچنین وی برای جذّابیّت و دلنشینی بیشتر اشعارش، از اوزان جویباری، شفّاف، استفاده کرده است. از حیث روانشناسی نیز به منظور تأثیرگذاری بیشتر بر روحیّهٔ مخاطب، سعی کرده است از اوزان بلند، دوری، مُثمن و متناوب الارکان را به کار بگیرد، چرا که باعث ایجاد شور و نشاط و در نتیجه قابلیّت به یاد سپردن بیشتری از طرف مخاطب دارد.

کلیدواژه‌ها: روان‌شناسی شعر، سلطانی کلهر، قصیده، موسیقی بیرونی شعر، وزن شعر

---

[۱] دانشجوی دورهٔ دکتری رشتهٔ زبان و ادبیّات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر؛ رایانامه: asgarihojjat64@gmail.com
[۲] استادیار رشتهٔ زبان و ادبیّات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر
[۳] کارشناس ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه

بررسی گزاره های منفی مکتب ادبی رمانتیسم در شعر فروغ فرخزاد

(با تامل بر «تولدی دیگر» و«ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد»)

زهراعسگری[۱]:

داودعبدی قیداری [۲]

چکیده :

یکی از جلوه گاههای مکتب ادبی رمانتیسم در ایران،با اندکی تساهل،ادبیات زن نوشت وشعر زنانه است؛در دهه های بیست و سی با ورود جدی زنان به عرصه شعر و شاعری ، این بخش از ادبیات ،در ایران بسیار حائز اهمیت و در خور توجه شد . از این روی رسالت شعر فارسی که لزوماً احساس و احساس گرایی و القای بار عاطفی در کلام بود؛وجوه شباهت و تفارقیرا بین مکتب ادبی رمانتیسم اروپایی پیدا کرد.بنابر این، این پرسش مطرح می شود که:آیا شعر احساسات گرا و عاطفیِ زنانه می تواند تأثیر پذیری از مکتب رمانتیسم ادبی اروپا داشته باشد؟ در این میان فروغ فرخزاد که بخش جدی و مهم شعر زنانه را به خود اختصاص دارد ، شعرش ،از حیث بررسی گزاره های منفی رمانتیسم ،به دلیل حیات پر تنش و ناآرام وی،مهم جلوهمی نمود . این جستار سعی دارد گزاره های منفی و احساسات گرای مکتب ادبی رمانتیسم را در شعر این بانوی شاعر ایرانی بررسی کند و نشان دهد که با توجه به فراز و فرودهای زندگی شخصی وی و همین طور جامعه ی پر التهاب سالهای بعد از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ ایران ،او را به سوی جنبه های منفی مضامین شعر رمانتیک سوق داده است . ما در این مقاله بر روی دو کتاب « تولدی دیگر » و « ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد » تأمل کرده ایم .

واژه های کلیدی : فروغ فرخزاد ، رمانتیسم ، گزاره های منفی،شعر زنانه،نوستالژی،مرگ اندیشی.

[۱] دانشجوی دکتری رشته زبان وادبیات فارسی؛ رایانامه:askarizahra0@gmail.com

[۲] کارشناسی ارشد زبان وادبیات فارسی

بررسی عناصر داستان در سه داستان بازنویسی شده و مقایسه آن با متن اصلی (پیش اثر) شاهنامه فردوسی

داستان کیومرث ، داستان اکوان دیو،رستم پهلوان و فیل بزرگ

مهری عصری[۱]

مریم جلالی

چکیده:

بازنویسی و ساده سازی متون کهن ادبی به زبان قابل فهم برای گروه های سنی مختلف به ویژه کودکان از اهیمت خاصی برخوردار است. شاهنامه ی فردوسی از متون کهن و ارزشمند ادبی است، که علاوه بر تاریخ کهن کشورمان ما را با اسطوره ها و پهلوانان نامی و آداب و رسوم و فرهنگ ها و ارزش های اصیل کشوری صاحب تمدنچون ایران آشنا می سازد.

کودکان این مرزوبوم اولین پله های این عروج خواهند بود!

کلیدواژه ها: بازنویسی، متن کهن، شاهنامه، کودک

[۱]کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه: asry129@gmail.com

زیبایی شناسی در ادبیات کودک زیبایی شناسی شعر عباس یمینی شریف (بررسی آرایه های لفظی و معنایی)

مهری عصری[۱]

چکیده:

دنیای مفاهیم و واژه ها، دنیایی پر از رمز و راز و گسترده است جهانی که برای آن آغاز و پایانی متصوّر نیست. همه چیز در بسته هستی وجود دارد و نامکشوف است. زیبایی نیز عنصر ذاتی جهان و همزاد تمام لحظه های آن بوده است لیکن شناخت آن و دریافت وجوه و نمادهای زیبایی در هر یک از پدیده ها از جایی آغاز شده است.

زیبایی شناسی ادبیات کودک همچون خود ادبیات کودک مقوله ای جوان و نوبنیاد است.

تأمل در امر زیبا در آثار ادبی کودک و نوجوان می تواند موجب ارزش گذاری این ادبیات شود. پرسه ای در شعر عباس یمینی شریف، شاعر شعر کودک، زیبایی این اثر را برای ما برجسته می نماید.

کلیدواژه : ادبیات کودک، زیبایی – شناخت – شعر کودک – شعر عباس یمینی شریف

[۱] کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی – ادبیات کودک و نوجوان؛ رایانامه: asry129@gmail.com

عشق و جنگ در ابومسلم نامه

نازنین علی آباد ایلامی[۱]

چکیده

یکی از رویکردهایی که مورد توجه حماسه‌سرایان قرارگرفته، خلق داستان‌های عاشقانه؛ شرح و توصیف عاشق و معشوق و صحنه‌های رویارویی و تلاش خستگی‌ناپذیر آن‌ها برای رسیدن به همدیگر است. در این پژوهش که به روش توصیفی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شده، سعی بر این بوده است تا ابومسلم‌نامه که اثری حماسی- دینی است و از این مبحث استثناء نیست و با شگردی خاص این رویکرد را به کار گرفته است، از لحاظ داستان‌های عاشقانه مورد بررسی قرار گیرد.

حاصل کار نشان می‌دهد که نویسنده آن با الهام از جنگ‌های صدر اسلام و شاهنامه فردوسی، زنان مسلمان را وارد صحنه‌های نبرد می‌کند. عشق در یکی از این داستان‌ها، در صحنه نبرد بین طرفین به وجود می‌آید؛ در داستان‌های دیگر پس از عاشق شدن، زنان برای رسیدن به مرد مورد علاقه خود، وارد صحنه‌های نبرد می‌شوند و برای رسیدن به هدف خود می‌جنگند و حتی در مقابل خانواده و نزدیکان خود می‌ایستند و به جنگ با آن‌ها می‌پردازند. نویسنده این‌گونه چند داستان عاشقانه خلق می‌کند که سرانجام همه به ازدواج ختم می‌شوند.

واژه‌های کلیدی: ابومسلم‌نامه، عشق، جنگ

[۱] کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه الزهرا تهران،؛ رایانامه: Nazaninaliabadi94@gmail.com

نگاهی به مضامین عرفانی –مذهبی در شعر معاصر تاجیکستان

مرجان علی اکبرزاده زهتاب [۱]

چکیده

با توجه به لزوم بررسی ادبیات فارسی در خارج از مرزهای کشورمان، در پژوهش حاضر، به بررسی سیر تحول مضامین عرفانی-مذهبی در شعر معاصر تاجیکستان پرداخته شده است. می‌دانیم در پی سیطرهٔ شوروی سابق بر این کشور –که بیش از هفتاد سال به درازا انجامید- ادبیات شوروی/تاجیک (رئالیسم سوسیالیستی)شکل گرفت. در این دوره، بسیاری از مضامین مخالف با سوسیالیسم از جمله مفاهیم عرفانی– مذهبی، مورد سانسور شدید حکومت قرار داشت. اما اندک اندک با ایجاد برخی آزادی‌ها از زمان خروشچف در ۱۹۵۳م و به‌ویژه پس از استقلال تاجیکستان در ۱۹۹۱م و افزایش تعاملات فرهنگی با ایران، این مضامین سرکوب شده، دوباره مورد توجه شاعران قرار گرفت و درون‌مایهٔ شعر بسیاری از آنان گشت. در پژوهش پیش روی، مضمون یاد شده با ذکر و بررسی شواهد مثالی چند از شعر شاعران جوان تاجیک، به شیوهٔ تحلیلی و توصیفی، ارزیابی شده است. مضمون مورد نظر به جهت نوپدید بودن آن از عمق قابل توجهی برخوردار نبوده، اغلب به جای شوریدگی‌های عارفانه، جنبهٔ مذهبی و متعبدانه دارد. از دیگر سوی، به لحاظ زبانی نیز، لطافت معمول در اشعار عارفانهٔ فارسی را دارا نیست اما با توجه به تاثیر پذیری از شعر امروز ایران به سوی بالندگی پیش می‌تازد.

واژگان کلیدی: مضمون عرفانی- مذهبی،شعر معاصر،تاجیکستان

[۱] عضو هیات علمی (مربی) دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین- پیشوا/ دانشجوی دکترای آکادمی رودکی تاجیکستان؛ رایانامه: mak294@yahoo.com

سیر تحول مضمون غزل پس از انقلاب اسلامی

مرجان علی اکبرزاده زهتاب [۱]

چکیده

با توجه به تاثیر روند جریان‌های ادبی و مسایل سیاسی اجتماعی،بر غزل معاصر فارسی در این مقاله برآنیم، به تحولات ایجاد شده در مضمون غزل معاصر فارسی بپردازیم. درون‌مایه‌های اصلی غزل پیش از مشروطه، بیشتر حدیث دل‌دادگی و رنج فراق از معشوق ، وصف جمال یار،پند و اندرز و یا عشق عرفانی بوده است اما مقارن با مشروطه، بسیاری از مسایل سیاسی اجتماعی در غزل رخ می‌نماید.

مثل:آزادی،وطن‌پرستی،قانون‌خواهی...پس از آن مدتی غزل به ذات غنایی خود باز می‌گردد، تا این‌که دوباره پس از انقلاب اسلامی (۱۳۵۷) موضوعات سیاسی اجتماعی، به عرصهٔ غزل راه می‌یابد، اما این بار به جهت دگرگونی ارزش‌ها گسترهٔ مفاهیم سیاسی اجتماعی نیز وسعت می‌یابد.در این دوران علاوه بر معشوق زمینی و نیز معشوق عرفانی بسیاری از مفاهیم سیاسی اجتماعی در غزل به چشم می‌خورد. برخی از مهم‌ترین مضامینی که در مقالهٔ حاضر با ذکر شواهد مثال به شیوهٔ تحلیلی و توصیفی، ارزیابی شده،عبارت است از:دلتنگی‌های شاعرانه و دل‌زدگی از دنیا،توجه به محرومیت‌های اقتصادی و تبعیض‌های طبقاتی، عشق به ائمهٔ اطهار و دیگر مظاهر مذهبی،وصف و مدح برخی شخصیت‌های سیاسی اجتماعی، دفاع مقدس و ارزش‌هایی مرتبط با آن:یاد شهدا و شهادت،توصیف شهادت مردم بی‌گناه،فتح خرم‌شهر.

واژگان کلیدی: غزل معاصر، سیاسی اجتماعی،عاشقانه، عارفانه

[۱] عضو هیات علمی (مربی) دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین- پیشوا/ دانشجوی دکترای آکادمی رودکی تاجیکستان؛ رایانامه: mak294@yahoo.com

شخصیتهای صلح طلب در شاهنامه فردوسی

وحید علی بیگی سرهالی[۱]
مریم فردوس آرا[۲]

چکیده

شاهنامه با آنکه اثری حماسی است وداستان پهلوانی‌ها و دلاوری‌ها را بیان می کند و بر اساس ماهیت طبیعی اینگونه از اشعار، صحبت از جنگ و خونریزی در آن دیده می‌شود اما در یک رویکرد متفاوت، جایی برای صلح و آشتی در آن به چشم می‌خورد .در شاهنامه پادشاهان، شاهزادگان و پهلوانانی وجود دارند که نه تنها طرفدار جنگ و خونریزی نیستند بلکه از صلح و آشتی بسیار حمایت می کنند و سعی در گسترش این عمل نیکو دارند. فردوسی در شاهنامه از افراد صلح طلب دشمن در کنار افراد صلح طلب ایرانی اسم برده است و از اعمال آنان برای پیشبرد صلح و آشتی به نیکویی یاد می کند.برای وی تفاوتی نمی کند که چه کسی طرفدار صلح باشد بلکه هرکسی از صلح و امنیت حمایت کند مورد مهرورزی فردوسی قرار می-گیرد. در این پژوهش تمام تلاش خود را به کار بسته ایم تا افرادی را که طرفدار صلح و آشتی هستند و یا کوچکترین حرکت و حرفی در پیشبرد این عمل نیکو داشته باشند را با آوردن شواهد اثر، معرفی کنیم و در این راستا به خوبی به اثبات اهمیت صلح و وجود افراد صلح طلب در شاهنامه رسیده ایم.

کلید واژگان: شاهنامه فردوسی، صلح ، آشتی، افراد صلح طلب.

[۱] دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه؛ رایانامه: Vahid.sarhali@gmail.com
[۲] کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور کرج

تئوری ادبی حزب ناسیونالیسم در ایران

منا علی‌مددی[۱]
حسن شعبان‌زاد [۲]
مریم رامین نیا [۳]

چکیده

ناسیونالیسم یا ملیت‌گرایی یکی از دستاوردهای تمدن اروپایی بود که در قرن نوزدهم میلادی، همزمان با انقلاب مشروطه و همراه با جریان روشنفکری، به ایران نیز راه یافت. یکی از اهداف ناسیونالیسم تشکیل حکومت ملّی با حاکمیت مردم بود و از همان دوران مشروطه روشنفکران به آن توجه داشتند؛ تشکیل حکومت ملی و البته نه مردمی، با روی کار آمدن رضاخان و اقدامات اصلاحگرانهٔ وی محقق گردید.

بنا به پژوهش‌های به دست آمده، ناسیونالیسم با شعار وطن دوستی، تأثیر بسزایی در ادبیات دوران معاصر داشته است. این تأثیر را هم در محتوای آثار ادبی دوران پهلوی (بخصوص پهلوی اول) می‌توان مشاهده نمود، هم در گسترش روزافزون رمان‌های تاریخی؛ ادبیات کودک و کتاب‌های درسی این دوران نیز بر وطن دوستی و پرستیدن مام وطن تکیه داشتند. در این مقاله تأثیر اندیشهٔ ناسیونالیستی بر ادبیات معاصر ایران (دههٔ ۳۰ وو ۴۰) مورد بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: ناسیونالیسم، دوران پهلوی اول، ادبیات معاصر، رمان تاریخی، ادبیات کودک

[۱]استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گنبد کاووس؛ رایانامه: mona_alimadadi@yahoo.com
[۲]دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی
[۳]استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گنبد کاووس

تئوری ادبی حزب توده

منا علی‌مددی[۱]
حسن شعبان‌زاد[۲]
مریم رامین نیا[۳]
مراد اسماعیلی[۴]

چکیده

ادبیات متعهد، با تأکید بر وظیفهٔ هنرمند در انتقال ایدئولوژی خاص، رویکردی مؤثر در ادبیات ایران معاصر است؛ یکی از گروه‌هایی که در دهه‌های ۲۰ و ۳۰، چنین رویکردی نسبت به ادبیات داشت، حزب توده بود. حزب توده که از مهرماه ۱۳۲۰ رسماً فعالیت سیاسی خود را آغاز کرد، تحت تأثیر مارکسیسم شوروی، نسبت به ادبیات، رویکردی واقع‌گرایانه و سوسیالیستی دارد؛ این حزب، با تأکید بر تعهد ادبیات، بر این باورست که رسالت ادبیات، چیزی نیست جز نمایاندن فقر و فلاکت طبقهٔ زیردست در برابر رفاه طبقهٔ حاکم. ادبیات فردگرایانه که واقعیات اجتماعی را در نظر نمی‌گیرد، زمینه را برای رشد هرچه بیش‌تر سرمایه‌داری فراهم می‌کند و رشد سرمایه‌داری به معنی استثمار طبقهٔ کارگر و قدرت روزافزون طبقهٔ نوخاستهٔ بورژوای است.

بر این اساس تنها آن دسته از آثار ادبی ارزشمند هستند که قیام و مبارزات سیاسی را نشان می‌دهند؛ وظیفهٔ ادبیّات چیزی نیست جز به حرکت درآوردن توده‌های زحمت‌کش و رنج‌دیدهٔ جامعه در جهت کسب منافع و آزادی‌های سیاسی و اجتماعی آنها و در نهایت تشکیل جامعهٔ سوسیالیستی که در آن برابری و عدالت حاکم است. بنابراین هنرمند در قبال جامعه متعهد است تا به جای بیان حالات فردی خود، دردهای اجتماعی، اهداف و آرمان‌های خلق را بیان کند.

واژه‌های کلیدی: ادبیات متعهد، حزب توده، رئالیسم، سوسیالیسم، مبارزات سیاسی

---

[۱]استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گنبد کاووس؛ رایانامه: mona_alimadadi@yahoo.com
[۲]دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی
[۳]استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گنبد کاووس
[۴]استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گنبد کاووس

بررسی موضوعی مدح درقصیده های شاعران عصر غزنوی(منوچهری،عنصری،فرخی)با سلجوقی(انوری و معزی)

الهام علی میرزایی[۱]

چکیده

شعرهای مدحی از نخستین موضوعاتی هستند که مورد توجه شاعران پارسی‌گوی از جمله شاعران عصر غزنوی و سلجوقی بوده اند وشکل خاص قصاید ستایشی مدیون سرایندگان این عصر می باشد که زمینه رقابت بین شاعران را فراهم کرده است و شاعران با ستایش قدرتمندان و پادشاهان مخارج زندگی خود را تامین می کردند.با وصف موضوعاتی مانند علم،حلم،بی نظیری،اقتدار،تهنیت،و...رضایت ممدوحان خود را جلب می کردند. از شاعران دوران غزنوی که به ذکر وصف ممدوح پرداخته اند فرخی سیستانی،.عنصری بلخی،.منوچهری دامغانی وشاعران دوران سلجوقی انوری و امیر معزی سرآمد می باشند که این شاعران با گزافه گویی‌ها و اغراق های بی اساس برای بزرگ کردن ممدوح زمینه ثروت خود را فراهم می کردند. در این جستار به این سؤال مطرح شده پاسخ داده خواهد شد که: شاعران این دو عصر، چه درون مایه‌هایی را در قصاید خود برای وصف ممدوح به کار برده اند و در این درون مایه ها به هم شباهت دارند یا خیر؟و بررسی شاعران این دو عصر از آن جهت اهمیت دارد که به خاطر نزدیک بودن این دو عصر،ممکن است از نظر مضامین مشترک خیلی به هم نزدیک باشند.وتحلیل دیوان های این شاعران نشان می دهد که وجوه مشترکی بین وصف های شاعران این دو عصر دیده می شود که از همه واضح تر بزرگی و بخشندگی می باشد.

واژگان کلیدی:مدح،عصر غزنوی،عصر سلجوقی،فرخی سیستانی،انوری

[۱] دانشجوی کارشناسی ارشدرشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ولیعصر(عج) رفسنجان؛ رایانامه: elham.mirzaeeali94@gmail.com

نمودهای انسانیت در اشعار پروین اعتصامی و نازک‌الملائکهٔ

فاطمه علیان[۱]

محمدعلی حاج علیپور

چکیده

پروین اعتصامی و نازک الملائکه دو شاعره معاصر هستند که بنابر شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم وجوه تشابه شخصیتی،خانوادگی و فرهنگی بسیاری با یکدیگر دارند. پروین اعتصامی از مشهورترین شاعران زن در زبان فارسی است و نازک‌الملائکه نیز شاعر زن برجسته عرب می‌باشد. با اندکی درنگ در اشعار هر دو شاعر درمی‌یابیم که بسیاری از سروده‌های آن‌ها حول محور تجلی مآتم بشر می‌چرخد. این مقاله بناست، با ذکر نمونه‌هایی از اشعار دو شاعر تحت عناوینی که مربوط به احساسات انسانی هستند، پاره‌ای از وجوه تشابه و اختلاف را توسط اشعار در زندگی واسلوب و اعتقاد دو شاعر و در نحوه ایراد مفاهیم انسان و انسانیت بررسی و با یکدیگر مقایسه نماید.

کلیدواژه ها: پروین، نازک الملائکه، انسان، شعر، شاعر

[۱] رایانامه: fateme.alian5@gmail.com

تحلیل گفتگوهای متنی و فرامتنیدر افسانه های عامیانهٔ کرمان

صدیقه (پوران) علیپور[۱]
جواد مشکوة[۲]

چکیده

گفتگو در اصطلاح روایت شناسی، به عنوان یک عنصر روایتی، صحبتی است که‌در میان شخصیت‌ها و یا به طور گسترده‌تر و آزادانه در ذهن شخصیتی واحد در اثر ادبی صورت می‌گیرد.گفتگو به کمک شخصیت ها می تواند ضمن پیش بردن عمل داستانی، در انتقال ذهنیت و افکار نویسنده، راوی و شخصیت ها به مخاطب موثر واقع گردد. لذا در امر واقع نمایی داستان نیز دخالت مستقیم دارد.
یکی از گونه های روایت، قصه های عامیانه است که از اذهان مردم برخاسته وعلاوه بر سرگرمی، به انتقال مفاهیم فرهنگی و آموزه های اخلاقی_تعلیمی بپردازد. عنصر گفتگو در این قصه ها به کمک دو نیروی توانشی و کنشی زبان، در واقعی نمودن رویدادها و درگیر کردن ذهن مخاطبان تأثیر بسزایی داشته است. در این مقاله سعی بر این است که به بررسی این موضوع از طریق عناصر متنی و فرامتنی روایت،در پنج قصهٔ عامیانهٔ کرمان بپردازیم.

واژگان کلیدی: گفتگو، شخصیت، توانش و کنش زبان، قصه های عامیانه کرمان.

[۱]استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر
[۲]دانشجوی کارشناسی ارشد فرهنگ و ادبیّات عامه دانشگاه شهید باهنر کرمان؛ رایانامه: Meshkat.javad@gmail.com

اضطراب اخلاقی در الهی نامه و منطق الطیر عطّار نیشابوری

ناصر علیزاده[۱]

فاطمه بختیاری[۲]

چکیده:

براساس یکی از مهمترین و تاثیرگذارترین نظریات زیگموند فروید، وجود آدمی ساختمانی از نهاد سرکش و کودک وار ، خود واقع گرا و برآورنده آمال نهاد و فراخودی اخلاق گرا و مبارزه گر است . هر انسانی در لحظه ای که وجودش تمایل به شر و بدی می کند با تلنگری از سوی فراخود مواجه می شود که سعی می کند او را از مهلکه و آلودگی نجات دهد . در اصطلاح روانشناسی چنین برخوردی (روردرویی نهاد و فراخود)،اضطراب اخلاقی نامیده می شود .

الهی نامه و منطق الطیر عطّار به عنوان یکی از بزرگترین آثار عرفانی به شیوه ای ناخودآگاهانه و تمثیلی ، نهاد و فراخود را در برابر هم قرار داده است و منجر به مباحثه ای شیرین و پیروزمندانه برای فراخود شده است . داستان الهی نامه به صورت طرحی کلی با خلق خلیفه و شش پسرش و داستان منطق الطیر در پاره ای از آن با هدهد موحد و مرغان عذرخواه ، صحنهٔ مجادله ی نهاد و فراخود یا اضطراب اخلاقی را به صورت نمادین و دل انگیز به تصویر کشیده اند.

کلمات کلیدی:الهی نامه،منطق الطیر،نهاد،فراخود،اضطراب اخلاقی .

[۱] استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

[۲]کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه شهید مدنی اذربایجان؛ رایانامه: Bakhtiari.f85@yahoo.com

نقد روانکاوانه رمان «کنسرو غول»، نوشته مهدی رجبی

مصطفی علیزاده[۱]

چکیده:

رمان «کنسرو غول» از موفق‌ترین آثار سال‌های اخیر حوزه ادبیات کودک و نوجوان است. وجود سه نشانه کلان در این رمان، ما را به تأمل و تدقیق در مسائل روان‌شناختی اثر، و در شخصیت اصلی رمان رهنمون می‌سازد: الف- ویژگی‌های روانی و نمودهای روانی شخصیت «توکا»، ب- کابوس‌های تکرارشونده و ج- خیال‌پردازی در خلق غول کنسروی. علاوه بر این سه نشانه کلان، بررسی و تأمل در نشانه‌های دلالت‌گر جزئی از قبیل تحت درمان بودن توکا و مادرش نزد روانشناس، ما را به خوانش روان‌شناختی اثر فرامی‌خواند. در این مقاله قصد داریم که داستان کنسرو غول را با خوانشی روانکاوانه و بر اساس نظریات فروید تحلیل کنیم. شخصیت اصلی رمان کنسرو غول، توکا، پسری تنها و منزوی است که در کودکی پدر خود را از دست داده و نتوانسته با این خلأ کنار بیاید و دچار عدم اعتمادبه‌نفس و افسردگی شده است. توکا در دوره‌ای که پس از مرحله ادیپی است، یعنی در سال‌های پایان کودکی، درست در مرحله‌ای که رقابت ناخودآگاه با پدر، جای خود را به تبعیت و الگوبرداری و همانندسازی با وی می‌دهد، پدر را از دست داده است. بنابراین او اکنون در آغاز نوجوانی و بلوغ دچار اضطراب و در برقراری ارتباط اجتماعی دچار بحران شده است. و این اضطراب، خیال‌پردازی توکا را به‌عنوان یکی از مکانیزم های دفاعی ناخودآگاه روان فعال کرده و منجر به خلق موجودی به اسم غول کنسروی برای توکا شده است.

واژه‌های کلیدی: نقد روانکاوانه، فروید، خیال‌پردازی، مکانیسم دفاعی، کنسرو غول، مهدی رجبی

[۱] کارشناسی ارشد ادبیات کودک و نوجوان؛ رایانامه: mo_alizadeh26@yahoo.com

جنبه های بلاغی تشبیه در گل های دیوان حافظ

مریم علیمرادی[۱]

چکیده:

تشبیه از زیباترین و تخیلی‌ترین شیوه در علم بلاغت است. جلوه‌های بلاغی برخی از تشبیه‌ها، از جمله: تشبیه مضمر، مرکب، تمثیل، مقلوب، تفضیل، بلیغ، بیشتر از انواع دیگر تشبیه‌هاست. حافظ به خوبی، زیبایی‌های بلاغی این‌گونه از تشبیهات را در ذکر انواع گل‌های طبیعت، به کار گرفته است، هربیت که یک طرف تشبیه آن، گل‌هاست، علاوه بر شور و نشاطی که از حضور گل در بیت احساس می‌شود؛ بلاغت موجود درآن، از جنبهٔ نوع تشبیه‌هایی که از هم‌نشینی واژه‌های خاص استفاده شده است حیرت و شگفتی مخاطب را برمی‌انگیزد و حس سرشار از عاطفه را به او منتقل می‌سازد و بدین وسیله حافظ با مهارت خاصِ خود در به کارگیری این‌گونه از تشبیهات، مفاهیم مختلفی را به ذهن مخاطب می‌رساند، که بن‌مایه اصلی این گونه از تشبیهات بیشتر، وصف یار وبرتری و زیبایی محبوب بر زیبایی گل‌هاست.

کلیدواژه‌ها: حافظ، بلاغت، تشبیه، تخیل شعری

[۱]استادیارو عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس؛ رایانامه: b12alimoradi@yahoo.com

بررسی آموزه های دینی در ادبیات کودکان با تکیه بر آثار سید مهدی شجاعی، مجید ملامحمدی و مهدی میر کیایی (دهه ۷۰ و ۸۰)

ماندانا علیمی[۱]
زهره واثقی[۲]

چکیده:
نگارنده در پژوهش خویش می خواهد به بررسی آموزه های دینی در آثار سید مهدی شجاعی و مهدی میرکیایی و مجید ملامحمدی بپردازد و کدام یک از این آموزه ها دارای بسامد بیشتری بوده است؟ و پیامد حاصل از این پژوهش نمایانگر آن است که آموزه های دینی در داستان های این نویسندگان، علیرغم برخی کاستی ها، اغلب با ساختارهای علمی نگارش کتابهای داستانی کودکان مطابقت دارد و نویسندگان با آگاهی بر دانش روانشناسی کودکان و تعمق در شیوه های علمی و تجربی آموزش به کودکان، با نگارش داستانها به اهداف خود نزدیک شده اند و موضوعاتی چون: آموزه های اخلاقی و دینی، ارتباط با خدا و تقویت باورهای مذهبی، رعایت اخلاق و موازین رفتارهای اجتماعی، تقویت روابط اجتماعی، آشنایی با شخصیت های دینی و ... به مخاطبان انتقال داده می شود.

واژگان کلیدی: ادبیات دینی، کودکان، داستان های منثور، آموزه های دینی.

[۱]استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی آزادشهر، واحد گرگان
[۲]دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی موسسه آموزش عالی گلستان غیر دولتی- غیرانتفاعی، گرگان؛ رایانامه: vaseghi2017@gmail.com

بررسی تطبیقی مفاهیم وطن درادبیات مشروطه با تکیه برآثارسیداشرف الدین گیلانی وادبیات دفاع مقدس قیصرامین پور

ماندانا علیمی[۱]
نسرین رجبی[۲]

چکیده:
پژوهش حاضر به بررسی مفاهیم وطن میان ادبیات مشروطه با تکیه برسیداشرف الدین گیلانی و ادبیات دفاع مقدس با تکیه براشعار قیصرامین پور می‌پردازد. ادبیات مشروطه ،با توجه به جهان‌بینی فردی و اجتماعی و فضای حاکم بر دورهٔ تاریخی خود، هر یک به گونه‌ای این مفهوم وطن را در شعر خود به کار بردند.وطن در ادبیات مشروطه دارای مفاهیم متعددی است. همهٔ شاعران این دوره در شعر خود بر وطن-پرستی، مبارزه با استبداد و استعمار، آبادانی وطن، نگاه نوستالوژیک به ایران قبل از اسلام تأکید دارند. مفهوم وطن اسلامی هم در شعر بعضی از شاعران دیده می‌شود.در ادبیات دفاع مقدس وطن اقلیمی، وطن انسانی، وطن اسلامی و وطن‌دوستی در بیشتر شاعران این دوره بخصوص قیصرامین پوردیده می‌شود. برای روش تحقیق این پژوهش در ابتدا به منابعی که در مورد وطن بود، مراجعه کردیم. در این زمینه برای شناخت دقیق، این دو مفهوم هم در ادبیات کلاسیک و هم در عصر حاضر مورد بررسی قرار گرفت. در این میان چون این دو جزو مقوله‌های اجتماعی نیز محسوب می‌شود، در مورد جامعه‌شناسی ادبیات و به خصوص جامعه‌شناسی ادبیات فارسی به طور جداگانه مطالعه شد. از سویی دیگر ادبیات مشروطه و دفاع مقدس ارتباط تنگاتنگی با کنش‌ها، واکنش‌ها، رویدادها و تغییرات عصر خود دارند و برآمده از دوره‌ای تاریخی هستند. از این رو برای شناخت بهتر این دو ادبیات، به مطالعهٔ انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی و چرایی اتفاق و چگونگی فرایند آن پرداخته شد.

کلیدواژه‌ها :وطن، ادبیات مشروطه، سیداشرف الدین گیلانی ،ادبیات دفاع مقدس ،قیصرامین پور.

[۱] گروه زبان وادبیات فارسی،واحد آزادشهر،دانشگاه آزاداسلامی ،آزادشهر،ایران
[۲] دانشجوی کارشناسی ارشد زبان وادبیات فارسی،غیرانتفاعی گلستان،گرگان،ایران؛ رایانامه:
nasrinragabi5@gmail.com

نگاهی به برخی از «استعاره»های برساخته از واژه ی «آب» در مثنوی معنوی

علی عین علیلو[۱]

چکیده:

تصویرهای برساخته از استعاره، با ارائهٔ معانی فراتر از معنای ظاهری، به آثار عارفان عمق و زیبایی بخشیده است. عارفان برای رهایی از تنگنای کلام و گاهی برای پرهیز از سوء فهم عارفان، به تصاویری فراواقع‌نگر پناه می‌بردند. استفاده از «استعاره»، گونه‌ای از شگردهای شاعرانه است که عارفان با آن به غنای معنایی آثار خود کمک کرده‌اند.مولانا به عنوان یکی از عارفان فرا واقع‌نگر، تصویرهای ناخودآگاهی و تأویل‌پذیر با استفاده از «استعاره» ساخته‌است. واژه ی «آب» یکی از واژه‌های پر بسامد مثنوی به شمار می‌رود. مولانا با احاطه قوی که به «علم معانی» داشت، بیش از چهل نوع برداشت «استعاری» از این واژه در مثنوی ارایه کرده‌است. پرداختن به همهٔ این تصاویر، از حوصله یک مقاله خارج است. بر این اساس در مقاله حاضر به چند نوع برجسته که کلان‌فکرهای مثنوی را تشکیل داده‌اند، پرداخته می‌شود.

کلیدواژه‌ها: ادبیات عرفانی، تصویرسازی، استعاره، مولانا، مثنوی

[۱]استادیاردانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن،رودهن،ایران؛ رایانامه: alieynalilou@yahoo.com

« زبان و تصویر لیلی در منظومه ی لیلی ومجنون نظامی »

طیبه غریب[۱]
محسن ذوالفقاری[۲]

چکیده:

موضوع مورد بررسی مقاله حاضر، شگردهای زبان و تصویر لیلی، در منظومه ی لیلی ومجنون نظامی با استفاده از روش کتابخانه ای از طریق توصیفی - تحلیلی می باشد.

این مقاله، ضمن ارائه ی مختصری از زندگی نامه ی نظامی و معرفی منظومه ی لیلی ومجنون به بررسی شگرد های زبانیو تصویر لیلی،وجه غالب توصیف لیلی و عناصر صور خیال می پردازد.طبق بررسی های صورت گرفته، شگرد نظامیدر تصویر پردازی لیلی ،تشبیه واستعاره است.این دو آرایهٔ ادبی کاملا متناسب با ویژگی های اثر غنایی می باشد.

وجه غالب توصیف در ظاهر لیلی،رخسار اوست که نظامی آن را به ماه تشبیه می کند.گویی، نظامی علاوه بر زیبایی ودرخشندگی ماهبه مظهر باروریو نیروی مونث بودن ماه هم توجه داشته است.علاوه بر آن از حیث بسامدی می توان گفت در عناصر خیال، بیشترین بسامد مربوط به عناصر طبیعی(۲۹ مورد)،عناصر نجومی(۲۷ مورد)و عناصر بزمی (۲۶مورد) است.این عناصر ودیگر موارد که برای لیلی، مشبه به واقع شده اند، اکثر قریب به اتفاق به زیبایی وارزشمندیلیلی اشاره دارند که کاملا متناسب با اثر غنایی هستند.

واژگان کلیدی: نظامی، لیلی ومجنون،تصویر،عناصر صورخیال

[۱] کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک؛ tayyebeh.gharib@yahoo.com
[۲]استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک

عناصر تلمیحی در غزلیّات وحشی بافقی

نازنین غفّاری[۱]

چکیده

مولانا کمال‌الدّین وحشی بافقی شاعر نامدار سدهٔ دهم هجری است که مهمترین ویژگی سبکی در محور ادبی اشعارش، سادگی و اجتناب از کاربرد صنایع پیچیدهٔ شعری است. از جمله صنایعی که در غزلیّات او قابل توجّهی‌باشد، صنعت تلمیح است. صنعتی که در عین سادگی و عمومیت، ژرف‌ساختی تشبیهی دارد و می‌توان برای تصویرسازی از آن بهره گرفت.در این نوشتار در پی آنیم تا دریابیم میزان استفاده از تلمیح در غزلیّات وحشی به چه میزان بوده و چه داستان‌هایی در آنها بازتاب بیشتری یافته‌است؟ ضمن آنکه بررسی و طبقه‌بندی تلمیحات موجود در غزلیّات وحشی، تصویری دقیق‌تر از شعر او ارائه خواهد داد و سبک شعری وی را نیز به ویژه در محور ادبی روشن‌تر خواهد ساخت. وحشی بافقی در غزلیّات خود به ترتیب بسامد به داستان‌های پیامبران، داستان‌های عاشقانه، تلمیحات مربوط به عرفا و داستان‌های تاریخی اشاره دارد. از میان قصص پیامبران نیز داستان حضرت یوسف(ع) بیشتر مورد توجّه شاعر قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: وحشی بافقی، تلمیح، غزل، داستان، سدهٔ دهم

[۱] دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان؛ رایانامه: nazanin.ghaffari67@gmail.com

جلوه‌هایی از بن‌مایه‌های ادبیّات پایداری در سروده‌های علیرضا قزوه

محمّد غفوری‌فر[۱]
حسن رحمانی‌راد[۲]
امید وحدانی‌فر[۳]

چکیده

شعر پایداری ایستاده بر ستون‌های اعتقادات ملّی و آیینی مشرق زمین، در سرزمین‌های نزدیک و دور، امّا با عقاید همسان و همسو همواره بر محور مظلومیّت اسلام و محرومیّت انسان در جدال شوم ابرقدرت‌های فرصت‌طلب و ریاست‌جویان دنیادوست، در دو جبههٔ کفر و دین چرخیده-است. شاعر شعر مقاومت با در نظر گرفتن تمام مؤلّفه‌های دخیل در پیشامدهای صد سال گذشته بر اسلام و بلاد مسلمین، همواره این ندای خفته در گلوی زخمی مسلمانان را با صدایی رسا به گوش آزادی‌خواهان رسانده تا تکلیف خود را به عنوان عضوی از پیکرهٔ پارهٔ امّت محمّد(ص) به نحوی احسن ایفا کند. در این میان، شاعر متعهّد و ملتزم بر خود لازم می‌بیند که سلاح خود، شعر را در دفاع از اسلام و حقوق مردم به کار گیرد. از جمله شاعرانی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، شعر خود را در خدمت اسلام و دفاع مقدّس قرار داده، علیرضا قزوه است. وی از زمره شاعرانی است که از ابتدای انقلاب اسلامی در ادبیّات فارسی درخشیده و شعر خود را وقف مضامین و موضوعات ادبیّات پایداری کرده‌است. هدف نگارندگان در پژوهش حاضر پس از معرّفی شخصیّت علیرضا قزوه، بررسی و تحلیل اصلی‌ترین بن‌مایه‌های پایداری موجود در اشعار این شاعر انقلابی است. حاصل این بررسی نشان می‌دهد که قزوه شاعری همیشه معترض است و نمود اعتراضات وی به صورت ویژه در اشعاری که با موضوع دفاع مقدّس سروده، نمایان است. رایج‌ترین بن‌مایه‌های پایداری به کار رفته در اشعار قزوه عبارتند از: اعتراض، وطن، مبارزه، شهادت، ارج نهادن به مقام شهداء، امید به آینده و آرمانگرایی، ترسیم انسان مظلوم و ستمدیده و ...

کلیدواژه‌ها: ادبیّات پایداری، مقاومت، دفاع مقدّس، علیرضا قزوه.

---

[۱] استادیار گروه زبان و ادبیّات عربی، دانشگاه کوثر بجنورد
[۲] دانش‌آموختهٔ دکترای زبان و ادبیّات عربی، دانشگاه فردوسی مشهد
[۳] استادیار گروه زبان و ادبیّات فارسی دانشگاه بجنورد؛ رایانامه: o.vahdanifar@gmail.com

تحلیل سبک‌شناختی «سووشون»، «جزیرهٔ سرگردانی» و «ساربان سرگردان»

مجاهد غلامی[۱]
فاطمه کریمی[۲]

چکیده:
سیمین دانشور ازجمله زنان نویسندهٔ معاصر است که تأثیر بسزایی در ادبیات معاصر ایران داشته است.او در داستان‌هایش در پی بازگو کردن مسائل و دغدغه‌های زنان می‌باشد. در جنب اندیشه و باورهای دانشور، سبک زبانی سه داستان عمدهٔ وی، سووشون، جزیرهٔ سرگردانی و ساربان سرگردان، در جهتدفاع از برخی از حقوق پایمال‌شدهٔ زنان در طول تاریخ و دوران معاصر، بازگو کردن و نشان دادن فساد اداری و اخلاقی، تغییرات نا به‌جا در فرهنگ و زبان و منش زندگی به‌تبع از فرهنگ غرب است.دانشور به زن و دنیای او با تمام حواشی و مشکلاتش اهمیت می‌دهدو این فکر به‌صورت یک ویژگی بارز در آثار او نمودار است. علاوه بر این دانشور در این سه داستان اندیشه، جهان‌بینی و اهداف خود را که بیشتر مربوط به مسائل زنان است، مورد ارزیابی قرار داده است. ما در این مقاله با استفاده از روش سندکاوی، کتابخانه‌ای،مطالعهٔ کتاب‌های مربوط و مقاله‌های موجود در مورد آثار و زندگی دانشور، موضوع موردنظر را به بحث گذاشته‌ایم.

واژه‌های کلیدی:سبک زبانی، نثر معاصر، سووشون، جزیرهٔ سرگردانی، ساربان سرگردان، سیمین دانشور.

---

[۱] استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان
[۲] کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت

نگاهی به زبان بدن در ارتباطات غیرکلامی و متون نوشتاری در آموزش زبان فارسی به‌عنوان زبان خارجی

ابوالقاسم غیاثی زارچ[۱]
فاطمه جعفری[۲]

چکیده

این مقاله قصد دارد به تفاوت‌های زبان بدن در بین ملیت‌های مختلف در آموزش زبان دوم بپردازد. زبان بدن به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم ارتباطی نقش مهمی را در برقراری ارتباط بین زبان آموزان و مدرس و بالعکسدارد. زبان بدن در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است و حرکات اعضای بدن، نوع نگاه کردن، دست دادن، نشستن و لحن صدا مفاهیم مختلفی دارد. مدرس کلاس به‌عنوانآموزش‌دهنده، هراندازه با این تفاوت‌ها آشنایی داشته باشد، می‌تواند ارتباط بهتری را با مخاطبین خود برقرار کند و مفاهیم زبان بدن را به زبان آموزان بیاموزد. این مقاله با مطالعه موردی تفاوت‌های زبان بدن در ملیت‌های مختلف در رده‌های آموزش زبان فارسی به‌عنوان زبان دوم، بر لزوم شناخت عناصر غیرکلامی در دیدارهای حضوری و حتی متون مکتوبتأکید دارد. عناصر غیرکلامی در متون نوشتاری هم می‌توانندتأثیرات مثبت و منفی در یادگیری زبان آموزان داشته باشد.

واژگان کلیدی: زبان بدن، آموزش زبان فارسی، زبان دوم، فرهنگ

[۱] استادیار دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین؛ رایانامه: ghiasizarch@gmail.com
[۲] مربی دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین

نقش مدرس کارآمد در تقویت«توانش ارتباطی»زبان‌آموزان «زبان و ادبیات فارسی» به عنوان زبان دوم

ابوالقاسم غیاثی زارچ[۱]
فاطمه جعفری[۲]

چکیده

معلم به عنوان ضلع سوم مثلث آموزشیِزبان‌آموز، مدرس و منابع آموزشی در تحقق اهداف آموزشی نقش قابل توجهی دارد. آشنایی و تسلط مدرس کلاس به مواد آموزشی فقط بخشی از توانمندی‌های او است. اما چنانچه یک مدرس کارآمد بتواندتوانش ارتباطیزبان‌آموزان را تقویت کند،می‌تواند برسایر مسائل روان‌شناختی و جامعه‌شناختی زبان، تفاوت‌های فرهنگی وتفاوت‌های فردی آنان تأثیر بگذارد. این موضوع در بحث آموزش زبان و ادبیات فارسی به عنوان زبان خارجی، به دلیل تفاوت نگرش‌های فرهنگی و اجتماعی و یا سایر عادت‌های آموزشی زبان‌آموزان اهمیت و جایگاه بیشتری پیدا می‌کند. این مقاله با محور قرار دادن زبان‌آموزان و لزوم توجه مدرس به ویژگی‌هاییادشده، تعدادی از ویژگی‌هایمدرس کارآمد در آموزش زبان فارسی به عنوان زبان دوم و نقش وی در تقویت توانش ارتباطیزبان‌آموزان را بررسی می‌نماید. این مقاله پیشنهاد می‌نماید مدرس علاوه بر تسلط و تخصص در رشته‌ای که آموزش می‌دهد، باید از ویژگی‌های فردی مناسبی نیز برخوردار باشد تا زبان‌آموزان بتوانند با وی ارتباط بهتری برقرار کنند.

کلمات کلیدی: معلم، کارآمد، آموزش زبان و ادبیات فارسی، زبان دوم، توانش ارتباطی

[۱] استادیار دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین؛ رایانامه: ghiasizarch@gmail.com
[۲] مربی دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین

« هنجارگریزی گویشی در خسرو وشیرین و لیلی و مجنون نظامی»

سید محمود رضا غیبی [۱]
حسینقلی صیادی[۲]

چکیده:

برجسته‌سازی در متون ادبی از دو طریق صورت می‌گیرد: اول از طریق عدول و خروج از قواعد حاکم بر زبان خودکار که از آن با قاعده کاهی یا هنجارگریزی نام برده می‌شود و دوم، افزودن قواعدی بر قواعد حاکم بر زبان که منجر به قاعده‌افزایی می‌شود.در قاعده کاهی گویشی، شاعر یا نویسنده در اثر خود، ساخت‌ها یا واژه‌هایی را از زبان یا گویشی غیر از زبان هنجار وارد شعر (یا نثر) می کند.

یکی از ظرفیت‌های بسیار ارزنده هر ملتی، واژگان بومی و محلی آن است که یکباره خواننده را در فضایی ویژه قرار می‌دهد؛ بطوریکه شاعر با بکارگیری ساختارهای گویشی زبان محلی که در زبان هنجار و معیار رایج نیست، به نوعی هنجارگریزی دست می‌زند که با رعایت اصل جمال‌شناسیک و حفظ رسانگی، می‌تواند از نقش ارزنده‌ای در ترسیم فضای حاکم بر ذهن شاعر برخوردار باشد.نظامی، از جمله شاعرانی است که جهت پویایی و فخامت زبان شعری خویش از هنجارگریزی گویشی استفاده کرده است و این نوع هنجار گریزی، جلوه‌ای ویژه در اشعار وی دارد. در این مقاله، نمونه‌های هنجارگریزی گویشی در خسرو وشیرین و لیلی و مجنوننظامی، استخراج و بررسی شده است که حاوی لغات، اصطلاحات، ضرب‌المثلها، کنایات و ترجمه‌های تحت‌اللفظی از زبان ترکی است.

واژگان کلیدی: نظامی گنجوی، آشنایی‌زدایی، برجسته‌سازی، هنجارگریزی گویشی، زبان ترکی.

[۱]استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرند؛ رایانامه:ma_gheibi@yahoo.com
[۲]استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرند

بررسی زبان معیار وگفتاردر شعر کودک دههٔ شصت تا نود

منصوره فاضلی راد[۱]
افسانه درمیانی[۲]

چکیده

زبان معیار یا همان زبان هنجار جامعه مرجعی برای تعیین و درستی املا و تلفظ واژگان و الگوی صرفی و نحوی می باشد که در آموزش و پرورش، رادیو و تلویزیون استفاده می شود. که با رعایت هنجارهای مشخصی می تواند از این زبان استفاده کند. زبان معیار و گفتار در شعر کودک از رهگذر هنجار گریزی در حوزه لغوی در اشعار دهه شصت تا نودتولیدات کانون پرورش فکری کودکان ونوجوانان قابل بررسی می باشد. زایندگی زبان ایجاب می کند که واژگان زبان گفتاری به نوشتاری و حتی گاه نوشتاری به گفتاری راه پیدا کنند و تأثیر این دو از همدیگر به دلیل ذات پویایی زبان می باشد و در شعر کودک نیز نمود پیدا می کند. البته شاعر توانمند در حوزه شعر کودک با آشنایی با پایه واژگانی شعر کودک و استخدام آگاهانه و با گذراندن واژگان از صافی ذهن خلاق خویش می تواند به این مهم دست یابد. بررسی حوزه زبان گفتار و نوشتار در شعر کودک معیاری برای تعیین ساختار زبانی می باشد.

کلید واژه: زبان معیار، زبان گفتار، زبان شعر کودک، هنجار گریزی واژگانی، هنجارگریزی سبکی، هنجارگریزی زمانی.

[۱] کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه: afsaneh.darmiani@yahoo.com
[۲] دکتری زبان و ادبیات فارسی

بررسی تکنیک‌های طنز در داستان «درد دل ملا قربانعلی» جمالزاده

مرضیه السادات فاطمی[۱]
محمد رضا نصر اصفهانی[۲]

چکیده

طنز و طنز پردازی از دیرباز در زبان فارسی در کنار انواع دیگر مانند هزل و هجو ... از راه کارهایی بود که شاعران و نویسندگان فارسی زبان برای بیان مقاصد خود از آن در نوشته‌های خویش استفاده کرده‌اند. جمالزاده نیز به عنوان نویسنده‌ای موفق در زمینهٔ داستان پردازی نوین از این نوع ادبی و شگرد در وسعت بسیار زیادی در نوشته‌های خود استفاده کرده است به گونه ای که جمالزاده را پس داستان نویسی نوین به عنوان یک نویسندهٔ موفق طنز پرداز می‌دانند.هدف این پژوهش بر این است تا با روش تحلیلی - توصیفی به بررسی تکنیک های طنز در یکی از داستانهای کتاب یکی بود یکی نبود جمالزاده با نام «درد دل ملا قربانعلی» بپردازد. این بررسی نشان داد که جمالزاده از عناصری همچون: بزرگ نمایی، کوچک نمایی، فضای گفتگو، لحن و شخصیت برای ایجاد طنز استفاده کرده است. در این میان دو مقوله ی فضا و شخصیت نقش برجسته و بسزایی دارند.

کلیدواژه: طنز، تکنیک های طنز، جمالزاده، درد دل ملاقربانعلی

[۱] دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان.؛ رایانامه: m_fatemi_83@yahoo.com
[۲] دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان

تأثیر انقلاب اسلامی بر شعر شهریار

خلیل فائزی[۱]
ثریا احمد زاده بالدرلو[۲]
حجت فاضلی منش[۳]

چکیده

مقاومت و پایداری همواره با ظلم ستیزی عجین شده است و آن را تداعی می کند. شاعران با سرودن اشعاری در راستای آزادی مردم وبیداری و آگاهی آنان در برابر ظلم وستم،نماینده مردمی مظلوم وستمدیده ای هستند، که از ظلم و جور حاکمان زمان خود به جوش آمده و تصمیم به انقلاب وعدالتخواهی گرفته ،این خواسته خود را در قالب اشعار مربوط به آگاهی، بیداری و مقاومت مردمی و اسلامی در برابر ظلم و ستم بیان می کنند.

سید محمدحسین بهجت تبریزی متخلص به شهریار که ایام کودکیش با جنبش آزادیخواهان مشروطه همراه بود، همزمان با اوج گیری انقلاب اسلامی با زبان شعر، این نهضت را یاری نمود. کلیات اشعارش در زمینه ی شعر پایداری حدود چهل قصیده، غزل و ... و نیز چندین قطعه با موضوعاتی چون عاشورا، انقلاب، دفاع، آزادی، جهاد، بسیج، جبهه، شهادت و ... سروده که مشتمل بر حدود ۸۰۰ بیت است. در این مقاله به روش کتابخانه ای، درون مایه‌های شعر مقاومت و انقلاب در دیوان شهریار استخراج شده و چگونگی تأثیر انقلاب اسلامی بر اشعار شهریار مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، مقاومت، پایداری، شهریار.

[۱]- عضو علمی دانشگاه پیام نور مرکز ارومیه faezikhalil@yahoo.com
[۲]- دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور مرکز نقده
[۳]- کارشناس علوم تربیتی دانشگاه پیام نور ارومیه

ساختار شکنی از تقابل های دوتایی در رمان چراغها را من خاموش می کنم

ناهید فخر شفائی[۱]

چکیده

تقابل های دو تایی واژه ها یا مفاهیمی هستند که از نظر معنایی با هم تفاوت دارند. این تقابل ها را در ارتباطات انسانی و فرهنگ و زبان می توان یافت. بر اساس این تفکر همه چیز در جهان به شکل قطبهای متضاد تعریف می شود مثل تقابل خوب با شر، روز با شب، مرد با زن و تمدن با طبیعت. در این نگرش هر چیزی در تقابل با چیزی دیگر تعریف می شود و به خودی خود فاقد معناست. با وجود این که از ابتدا ی تاریخ فلسفه تقابل ها و تضادهای زیادی مطرح شده است تقابل های دو تایی تنها در تفکر ساختار گرای قرن بیستم است که تا این حد اهمیت پیدا کرده است. این تفکر ریشه در زبان شناسی و به خصوص در نظریات فردینان دو سوسور دارد که در آن یک واژه تنها به خاطر تفاوت‌اش با دیگر واژه‌ها معنی پیدا می کند. فردینان دو سوسور که در نظریات خود در مورد زبان از این اصطلاح استفاده کرده است معتقد بود که زبان نظام تفاوت ها است . او نشان داد که کلمه در ساختار جمله و تفاوتش با دیگر اجزاء جمله معنی پیدا می کند بدون این که درجه تفاوت اهمیت داشته باشد . (جوزف، ۳۰۰) رومن یاکوبسون نیز بر اساس نظریات سوسور فرضیه ای رامطرح کرد مبنی بر این که تقابل های دو تایی در ذات زبان وجود دارد و نظامی است که بر اساس آن واحدهای زبان مثل واج ها ارزش می یابد اما اهمیت کار او در این بود که این تقابل ها را از واج به حیطه معنا گسترش داد. (بردفورد،۷۵) کلود لوی استراوس نیز با بررسی اسطوره ها و افسانه های ملتهای مختلف به این نتیجه رسید که ذهن بشر برای درک پدیده های پیچیده طبیعت و شناخت جهان پیرامونش به این نوع تفکر روی می آورد و بر اساس تفاوت ها و تقابل ها به هستی معنا می دهد. به باور او، اقتضای طبیعت بشر بدون در نظر گرفتن زمان و مکان زندگیش این است که جهان پیرامونش را بر اساس تقابل های دو تایی درک کند و در هر تقابل یک واژه یا مفهوم را به دیگری ترجیح دهد، مثلا پخته بهتر از خام ، خوبی بهتر از بدی و روشنایی بهتر از تاریکی است.(ماکاریکا، ۲۰۰) تقابل های دو تایی اصطلاحی کلیدی در نظریه ساختار گرایی است که نظم و ساختار اثر را روشن می کند و نشان می دهد که معنا چگونه تولید شده است . اما همین تفکر کلیدی در نظریه ساختار گرایی تبدیل به ابزاری می شود در دست منتقدان ساختار شکن که نظم و محدودیت حاکم بر نگاه ساختار گرا را عاملی محدود کننده تلقی می کنند.

کلید واژه:تقابل های دو تایی، ساختار شکنی، وجه برتر، وجه فرودست، سلسله مراتب

[۱]استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان؛ رایانامه: n.shafaie@uk.ac.ir

بررسی و تحلیل بن‌مایه‌های اسطوره‌ای در برزونامه

طیبه فدوی[۱]

چکیده

اسطوره، بیانگر اعتقادات و باورهای مذهبی و غیرمذهبی یک جامعه است و وجه تمایز آن با حماسه در آن است که حماسه، سرگذشت دلاوری‌ها و شجاعت‌های یک گروه و یک جامعه است. در تاریخ ملّت‌ها، اسطوره نقشی بسزا و تأثیرگذار در روحیهٔ مردم داشته است. گاهی آرزوها و امیال دست نیافتهٔ خود را در آیینهٔ اسطوره‌ها جستجو می‌کردند و با خیالی واقع‌گرایانه به آن دست می‌یافتند. این مقاله، در پی دست‌یابی به بن‌مایه‌های اسطوره‌ای در اثر ادبی برزونامه است. برزونامه، منظومه‌ای حماسی مربوط به قرن پنجم هـ‌ق است که در زمان غزنویان و توسط خواجه عمید عطایی رازی معروف به ناکوک سروده شده است. بنا بر نتایج این پژوهش می‌توان گفت که، بن‌مایه‌های اساطیری به کار رفته در این اثر، متنوّع نیست اما تکرار یک عنصر اسطوره‌ای در آن زیاد دیده می‌شود. همین مسأله می‌تواند ساختار ذهنی مؤلّف برزونامه را نشان دهد که دارای ساختاری یک سویه و جزءنگر بوده است. به بیان دیگر، شاید بتوان گفت عدم آگاهی او از دیگر اسطوره‌ها، عامل اصلی نبود تنوّع در به کارگیری اسطوره‌های مختلف در این اثر بوده است.

کلید واژه:برزونامه،اساطیر و اسطوره،حماسه

[۱] استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سنندج؛ رایانامه: t.fadavi@uok.ac.ir

شیوهٔ روایت در دو رمان بوف‌کور و فصل مهاجرت به شمال

مهین‌دخت فرخ‌نیا[۱]
الهام حسینخانی[۲]

چکیده

بررسی دو اثر در کنار هم، اغلب می‌تواند زمینهٔ درک بیشتر آنها را فراهم کند. اگرچه دو اثر مورد تحقیق، از جنبه‌های مختلف، دارای اشتراکاتی هستند اما در این مقاله به لحاظ فرمی و شیوهٔ روایتگری، مورد توجه قرار گرفته‌اند.روایت اشکال مختلفی دارد. این نوشتار بر آن است تا شیوهٔ روایت غیرخطی که در هر دو داستان، مشترک و مشابه است را، همراه با نشان دادن تمایزاتی، توضیح دهد. همچنین سعی دارد بدون هیچ تاکیدی بر جریان سیال ذهن بودن دو اثر، برخی از ویژگی‌های جریان سیال ذهن، مانند: زمان‌پریشی، حوادث و اشیاء رؤیاگونه و چگونگی گفتگو را در آنها بیابد. در این تحقیق از روش تحلیل متن با تکیه بر اسناد کتابخانه‌ای استفاده شده است.

واژه‌های کلیدی: بوف‌کور، فصل مهاجرت به شمال، روایت

[۱] استادیار دانشگاه شهید باهنر کرمان

[۲] دانشجوی کارشناسی زبان و ادبیات تطبیقی دانشگاه شهید باهنر کرمان؛ رایانامه: elham.hosseynkhani68@gmail.com

نقش روزنامه شکوفه در بیداری زنان

فریده فرزی[۱]
عیسی نجفی[۲]
فرزاد فرزی[۳]

چکیده

روزنامه‌ها یکی از منابع اطلاعاتی مهم در دوران معاصر به شمار می‌آیند، که نقش مهمی در بیداری فکری فرهنگی مردم داشته‌اند. اولین روزنامه منتشر شده در ایران کاغذ اخبار بود که حدود۵۷ سال پس ازآن نشریات تخصصی زنان پا به عرصه میدان نهاد. روزنامه‌های زنان را می توان به دو گروه عمده تقسیم کرد، گروه اول: روزنامه‌هایی که از همان ابتدا وارد عرصه سیاست شدند. گروه دوم: ابتدا به طرح مباحث مربوط به زنان پرداختند اما به تدریج وارد عرصه سیاسی شدند که بیشتر آنها توقیف شدند. بارزترین این روزنامه‌ها روزنامه زبان زنان به مدیریت و سردبیری صدیقه دولت آبادی بود. اما در میان روزنامه‌های گروه اول می‌توان به دو روزنامه مهم، دانش و شکوفه اشاره کرد، که در زمره اولین روزنامه-های منتشر شده از سوی زنان هستند. مدیر روزنامه دانش که دکتر کحال بود. دومین روزنامه مهم زنان پس از انقلاب مشروطه، روزنامه شکوفه، به مدیریت مریم عمید در سال ۱۳۳۰ه.ق. در تهران منتشر شد. در پژوهش حاضر در پی آن هستیم که نقش روزنامه شکوفه را در بیداری فکری زنان مورد بررسی قرار دهیم، لذا ابتدا به معرفی روزنامه‌های مهم منتشر شده توسط زنان پس از انقلاب مشروطه می -پردازیم سپس روزنامه شکوفه به طور اختصاصی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

کلمات کلیدی: انقلاب مشروطه، روزنامه شکوفه، نقش زنان، بیداری جامعه،

[۱]- دانشجوی دوره دکتری تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین، farzi.farideh@yahoo.com.
[۲]- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی کرمانشاه، enajafi1@gmail.com
[۳]- دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین farzadfarze@gmail.com

سیمای کنیزان و غلامان در خمسه نظامی

رضا فرصتی جویباری[۱]
مهناز حسنی حمید آبادی[۲]

چکیده

در طول تاریخ، استفاده از بردگان، تحت عنوان غلام و کنیز، همواره و در تمام عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، و نظامی وجود داشته است. شعر و ادبیات فارسی نیز همواره، انعکاس دهندهٔ شرایط زمان بوده و در شعر هر شاعری می‌توان، تا حدود زیادی با وضعیت اجتماعِ عصرش و یا دورانی که در مورد آن داستان پردازی می‌کند، آشنا شد. در مقالهٔ پیش رو، سیمای غلامان و کنیزان در مثنوی‌های نظامی بررسی شده و نتایجی دربارهٔ نحوهٔ تأمین غلامان و کنیزان، وظایف و خدمات آنها، توصیف چهره و پوشش آنان، نحوهٔ برخورد با آنان و ... حاصل شده است. روش تحقیق حاضر به صورت کتابخانه‌ای است و از جمله اهداف نگارش آن، آشنایی با وضعیت غلامان و کنیزان در عصر نظامی است. بی‌شک یکی از اهمیت‌های پژوهش حاضر در شناسایی جامعهٔ عصر شاعر و وضعیت زندگی این قشر اجتماعی است و می‌توان از طریق بررسی شعر نظامی، تا حدودی به وضعیت زندگی غلامان و کنیزان و جایگاه آنها در اجتماع آن عصر، آگاهی حاصل کرد.

واژگان کلیدی: کنیز، غلام، مثنوی، نظامی.

[۱]-استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی- واحد قائمشهر
[۲]-دانشجور دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی- واحد قائمشهر؛ رایانامه: hassani.mahnaz66@gmail.com

خطابه‌های پادشاهان در شاهنامهٔ فردوسی

رضا فرصتی جویباری[۱]
مهناز حسنی حمیدآبادی[۲]

چکیده

در شاهنامهٔ فردوسی، موضوعات گوناگونی وجود دارد که اهمّیت فراوانی دارند و در این میان «خطابه» یکی از موضوعاتی است که از درخشش ویژه‌ای برخوردار است. خطابه، نقش‌های گوناگونی را در داستان‌های حماسی شاهنامه رقم زده و مضامین مختلفی را به خود اختصاص داده است. در مقالهٔ پیش رو، «خطابه‌های پادشاهان» در شاهنامهٔ فردوسی از دو منظر موضوع و لحن بررسی می‌شود. شاهان در مواقع مختلف و در شرایط گوناگون، شروع به خطابه می کردند و مقصود خود را از این طریق به زیردستان منتقل می کردند. در شاهنامه اکثر پادشاهان در هنگام جلوس و به تخت نشستن، شروع به سخنرانی می-کردند و یا درباره عدالت و دادورزی، بخشش به مردمان داد سخن می‌داده‌اند. گاهٔ نیز قبل از شروع جنگ و یا در حین جنگ به خطابه می پرداختند و افراد خود را به کینه‌توزی و خون‌خواهی تشویق می‌کردند. گاه لحن خطابه‌ها آمرانه بود اما غرض امر نیست بلکه در پرده امر بازگو شده است و گاهی نیز که لحظه مرگ آنها فرا می رسید به وصیت زیردستان با لحنی تعلیمی-اندرزی به پند و اندرز آنان می پرداختند گاه موضوع خطابه ها مفاخره است و پادشاه خود را برتر از همه میداندو یا با انجمنی که متشکّل از موبدان، خردمندان، پهلوانان و بزرگان بود در امور مختلف مشورت می کردند. در این مقاله که به شیوهٔ کتابخانه‌ای انجام شده و اهمّیت آن در شناخت وضع سخنوری در ایران باستان و آشنایی با موضوعات و لحن های خطبه‌های پادشاهان در شاهنامهٔ فردوسی است، محور خطبه‌ها مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: خطابه، پادشاهان، فردوسی، شاهنامه، لحن، موضوع

[۱]-استادیار دانشگاه آزاد اسلامی-واحد قائمشهر
[۲]-دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی- واحد قائمشهر-hassani.mahnaz66@gmail.com

جلوه های ادب پایداری در سروده های چند شاعر مازندرانی

رضا فرصتی جویباری[۱]
.رضاکریمی لاریمی[۲]

چکیده

ادب پایداری ادبیّات ستیهندگی،عشق ، حماسه و عرفان است.مبارزه ملّت ها در برابر عوامل استبداد داخلی وخارجی و تجاوز بیگانگان در حوزه ی ادب مقاومت است .در این مقاله به بررسی و تبیین بازتاب ادبیّات پایداری درسروده های چند شاعرمازندرانی (هراتی ، علی پور ، کرم دخت ، سعیدی و قیصری) پرداخته شده است. این پژوهش جستاری در سروده های مقاومت این شاعران است و تلاش دارد جلوه های ادب پایداری را در اشعار شعرا از لحاظ درون مایه ، محتوا وسبک همراه با شواهد شعری به اختصار مورد مدّاقه و مطالعه قرار دهد تا با سیر در آفاق روشن آن تصویری گویاتر به دست دهد.

واژگان کلیدی: ، ادبیّات پایداری و مقاومت ، جنگ و مبارزه ، دفاع مقدّس.

[۱]استادیار ،عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی ، واحد قائم شهر
[۲]دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی ، واحد قائم شهر؛ رایانامه: reza.karimilarimi@yahoo.com

بررسی مقدمهٔ شاهنامهٔ ابومنصوری از لحاظ اصول دیباچه نویسی

سودابه فرهادی[۱]
ایوب امیدی[۲]

چکیده

یکی از مهم‌ترین و شاید جذاب‌ترین بخش‌های هر کتابی در تاریخ کتاب‌نگاری، دیباچه است. مهم از آن‌جهت که گاه اطلاع از مسائل اجتماعی و حوادث تاریخی ادوار مختلف از درون همین دیباچه‌ها به دست می‌آید؛ پس مطالعه و در سطح گسترده‌تر تحقیق و پژوهش و بررسی آن‌ها می‌تواند تامل برانگیز و کاربردی باشد. در گذشته اصولی را تحت عنوان رؤوس ثمانیه عموماً در همهٔ کتب و خصوصاً در کتب منطق به عنوان ملاک‌های مقدمه نویسی در نظر گرفته‌اند. نکتهٔ جالب این است که در مقدمهٔ شاهنامهٔ ابومنصوری، ابومنصور معمری نیز هفت مورد را برای اصول مقدمه نویسی مطرح کرده است. موضوع مقالهٔ پیش‌رو بررسی دیباچهٔ شاهنامهٔ ابومنصوری از لحاظ اصول دیباچه نویسی هم از دیدگاه خود ابومنصور معمری و هم بر اساس رؤوس ثمانیه می‌باشد که در نهایت بابررسی مقدمهٔ ابومنصوری براساس اصول دو دیدگاه مذکور می توان به این نتیجه رسید که این هفت و یا هشت اصل در همان سه اصل: تعریف، موضوع و غرض تألیف، که امروزه در تدوین کتاب‌ها رعایت می شود، خلاصه می گردد؛ البته با این توضیح که ابومنصور معمری نگارش مقدمه را بر اساس اصول پیشنهادی خود پیش برده است؛ اما با بررسی مقدمه بر اساس هشت اصل مطرح در رووس ثمانیه، تنهاچهار اصلِ هدف تألیف، فایدهٔ آن علم، توضیح نام اثر و معرفی نویسنده رعایت شده است.

کلید واژه:مقدمهٔ شاهنامهٔ ابومنصوری، دیباچه ، رؤوس ثمانیه، اصول دیباچه نویسی.

[۱].دانشجوی دکتری ادبیات عرفانی، دانشگاه لرستان.؛ رایانامه:sudabe.farhadi.62@ gmail.com
[۲]. دانشجوی دکتری ادبیات فارسی، دانشگاه شهید بهشتی

تحلیل نشانه‌معناشناختی داستانک‌های معاصر
(بررسی موردی: داستانک‌هایی از کتاب کشف لحظه)

سهیلا فرهنگی[۱]
معصومه ابرکار[۲]

چکیده

داستانک یکی از انواع مهمّ ادبیات داستانی در دنیای امروز محسوب می‌شود که به دلیل ایجاز و حجم کم آن بسیار مورد توجه قرار گرفته است. در این پژوهش با روش توصیفی- تحلیلی و با بهره‌گیری از رویکرد نشانه‌معناشناختی به تحلیل انواع نظام‌های گفتمانی ازجمله نظام‌های تجویزی، القایی، تنشی و... در داستانک‌های معاصر فارسی پرداخته می‌شود. نشانه‌معناشناسی یکی از ابزارهای علمی تحلیل نظام‌های گفتمانی است که سازوکارهای شکل‌گیری و تولید معنا را در متون بررسی و تحلیل می‌کند. بررسی نشانه‌معناشناختی داستانک‌ها مشخص می‌کند که مؤلفه‌های گفتمانی در بیشتر آن‌ها در ارتباطی پیوسته با نشانه‌معناها و عوامل و کارکردهای گفتمانی قرار دارند و گفتمان‌های متنوّع و متعدّدی را در متن ایجاد می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: نشانه‌معناشناختی، گفتمان، داستانک، کشف لحظه.

[۱] استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور؛ رایانامه:farhangisoheila@gmail.com
[۲] کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

تحلیل نشانه‌معناشناختی داستانک‌های معاصر
(بررسی موردی: داستانک‌هایی از کتاب کشف لحظه)

سهیلا فرهنگی[۱]
معصومه ابرکار[۲]

چکیده

داستانک یکی از انواع مهمّ ادبیات داستانی در دنیای امروز محسوب می‌شود که به دلیل ایجاز و حجم کم آن بسیار مورد توجه قرار گرفته است. در این پژوهش با روش توصیفی- تحلیلی و با بهره‌گیری از رویکرد نشانه‌معناشناختی به تحلیل انواع نظام‌های گفتمانی ازجمله نظام‌های تجویزی، القایی، تنشی و... در داستانک‌های معاصر فارسی پرداخته می‌شود. نشانه‌معناشناسی یکی از ابزارهای علمی تحلیل نظام‌های گفتمانی است که سازوکارهای شکل‌گیری و تولید معنا را در متون بررسی و تحلیل می‌کند. بررسی نشانه‌معناشناختی داستانک‌ها مشخص می‌کند که مؤلفه‌های گفتمانی در بیشتر آن‌ها در ارتباطی پیوسته با نشانه‌معناها و عوامل و کارکردهای گفتمانی قرار دارند و گفتمان‌های متنوّع و متعدّدی را در متن ایجاد می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: نشانه‌معناشناختی، گفتمان، داستانک، کشف لحظه.

[۱] استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور؛ رایانامه:farhangisoheila@gmail.com
[۲] کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

باستان‌گرایی نحوی در شعر سیاوش کسرایی

فاطمه فرزانه[۱]

چکیده

باستان‌گرایی (آرکائیسم) یکی از شگردهای آشنایی‌زدایی در نظریهٔ فرمالیست‌های روس است. در این شیوهٔ هنری، شاعر آگاهانه از کاربرد زبان هنجار می‌گریزد و شیوه‌های نحوی و لغوی کهن زبان را در شعر خود به کار می‌بندد. استفاده از ساخت‌های زبانی گذشته به شعر، تشخص و صلابتی حماسی می‌بخشد.این پژوهش بر آن است تا باستان‌گرایی نحوی را در شعر سیاوش کسرایی مورد بررسی قرار دهد.

سیاوش کسرایی متناسب با موضوع شعر خویش، خودآگاه و ناخودآگاه از واژگان و ساخت‌های نحوی باستان‌گرایانه بهره برده است.فعل‌های پیشوندی، حرف‌های اضافه، پیشوند و پسوندها، ادات تشبیه و قیدهای گذشته به نحو بارزی در شعر وی مشهود است.

این پژوهش می‌خواهد به این پرسش‌ها پاسخ بدهد که شاعر چه زمانی، بیشتر ویژگی‌های نحوی کهن را به کار بردهو تا چه اندازه در به کارگیری مناسب این عناصر، موفق عمل کرده است؟

نتایج پژوهش حاضر که مبتنی بر مطالعهٔ مجموعهٔ اشعار سیاوش کسرایی، گزینش شواهد شعری و تطبیق آن‌ها با ویژگی‌های آرکائیسم نحوی است، نشان می‌دهد که کسرایی در مجموعهٔ "مهرهٔ سرخ" و "آرش کمانگیر" که هر دو منظومه حماسی است از باستان‌گرایی نحوی بهرهٔ بیشتری برده است.

واژگان کلیدی: شعر معاصر، باستان‌گرایی، نحو، سیاوش کسرایی

[۱] دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک؛ رایانامه: f.farzane8272@gmail.com

تحلیلی بر داستان «طراران» در کتاب فارسی دهم و مقایسه آن با داستانی از دفتر سوم مثنوی مولوی با تکیه بر نقد عقلانیت

فروزان فقیه[۱]
فرشاد عربی[۲]

چکیده

در حوزه ادبیات تعلیمی، داستان و تمثیل یکی از نغزترین بسترهای القای معانی ژرف و پرمحتواست. پیشینیان ما این مهم را به نیکی دریافته‌اند. لذا امروزه هم، آراستن کتب درسی به این مواریث کهن، مبانی پرورش فکری و اندیشه‌ای کودکان را به نیکویی بنیان می‌ریزد. در کتاب فارسی دهم و در فصل هفتم (بخش روانخوانی) داستانی از لطایف الطوائف، تحت عنوان «طراران» نقل شده است که از جهت محتوا و پیام، تداعیگر حکایت حال معلم و شاگردان در دفتر سوم مثنوی مولوی است. ما در این مقاله، که به شیوه تحلیل محتوا تدوین شده است، ضمن نقل هردو داستان و تحلیل اندیشه گویندگان آنها، به تبیین نقش عقلانیت در ژرف‌ساخت آن دو داستان و نیز تاثیر آن در زندگی آدمی پرداخته‌ایم و همچنین اشتراکات مفهومی، یگانگی درونمایه و وحدت پیام را در هردو داستان نشان داده‌ایم.

واژگان کلیدی: ادبیات تعلیمی، حکایت، طراران، عقلانیت، مثنوی، مولانا

[۱] کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه: maryafaghi@gmail.com
[۲] دکترای زبان وادبیات فارسی

تأثیر قهوه‌خانه‌ها بر ادبیات فارسی تا آغاز دوران مشروطه

مرتضی فلاح[۱]
منیره خواجوئی[۲]

چکیده

در دورهٔ صفوی نهاد قهوه‌خانه از کشور عثمانی وارد ایران شد و سبب گردید تا شاعرانی که پیش از این در دربار پادشاهان صفوی جایگاهی نداشتند، به این مکان جدید روی آورند. از طرفی هم حضور عامهٔ مردم در این قهوه‌خانه‌ها آنها را نیز با شعر و شاعری آشنا کرد. از این زمان به بعد مردم، چه آنها که بی-سواد بودند و چه کسانی که از سواد برخوردار بودند به سرودن شعر پرداختند و به این ترتیب شعر مردمی و قهوه‌خانه‌ای در ایران رواج یافت. این روند در دوره‌های بعد، بویژه دورهٔ قاجاریان نیز همچنان ادامه یافت. در این مقاله تلاش خواهیم کرد ضمن به دست دادن تاریخچه‌ای مختصر از شکل‌گیری و سیر تحولات قهوه‌خانه‌ها در ایران تا آغاز دوران مشروطه به اهمیت آنها در گسترش ادبیات فارسی اشاره کنیم و ویژگی ادب قهوه‌خانه‌ای را از زمان صفویه تا آغاز مشروطه باز نماییم.

واژگان کلیدی: قهوه‌خانه، ادبیات قهوه‌خانه‌ای، سخنوری، نقالی، شعرخوانی

[۱] استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد
[۲] دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد؛ رایانامه:monirekhajouee70@yahoo.com

بررسی روایت برصیصای عابد از سعدی
با تکیه بر نظریهٔ روایت شناسی گرماس

راضیه فولادی سپهر[۱]
زهراسعادتی نیا[۲]

چکیده

روایت‌شناسی شیوه‌ای است که با آن می توان مناسبات درونی اجزای سازندهٔ یک روایت را مورد بررسی قرار داد. داستان‌های کهن قابلیت بررسی با شیوه‌های روایت‌شناسی جدید را دارند. حکایت برصیصای عابد از جمله حکایت‌های کهنی است که در متون مختلف مطرح شده است. سعدی نیز در رسایل، روایت خاص خود را از این داستان بیان می‌کند. این روایت را می‌توان با الگوی روایت‌شناسی گرماس مورد بررسی قرار داد. الگوی گرماس با تأکید بر نقش تقابلی کنشگرها در پدید آمدن هسته داستان، به طرح دو مسئلهٔ مهم تقابل‌های دوگانه و زنجیره‌های روایی می‌پردازد. او تقابل‌های دوگانه را به‌صورت سه جفت دوتایی (فاعل، هدف/ فرستنده، گیرنده/ یاریگر، رقیب) مطرح می‌کند و زنجیره‌های روایی را در سه بخش اجرایی، پیمانی و انفصالی قابل دسته بندی می‌داند. پژوهش حاضر به بررسی روایت سعدی از برصیصای عابد از منظر الگوی گرماس می‌پردازد. در این روایت تقابل‌های دوگانه و زنجیره‌های روایی مورد نظر گرماس قابل بازیابی است.

کلید واژه‌ها: سعدی، گرماس، برصیصا، روایت شناسی

[۱] استادیار گروه علوم پایه، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاداسلامی، تهران، ایران؛ رایانامه: raziyesepehr@yahoo.com
[۲] مربی، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رباط کریم، دانشگاه آزاداسلامی، رباط کریم، ایران

اندیشه‌های معنوی سعدی در مائده‌های زمینی «آندره ژید»
(بررسی تأثیر اندیشه‌های سعدی بر آندره ژید)

محمد فولادی[۱]
مریم رحمانی[۲]

چکیده:

ادبیات تطبیقی یکی از شاخه‌های ادبیات است که به بررسی وجه تشابه و تفارق دو اثر ادبی و کیفیت تجلی یک موضوع در ادبیات یک قوم در قوم دیگر می‌پردازد .این تشابهات که گویای پیوندهای فرهنگی و اجتماعی این اقوام در گذشته‌های دور با یکدیگر است، گاهی مرزهای جغرافیایی و زمانی را در می‌نوردد و می‌توان شاهد تأثیر و تأثر یک شاعر یا نویسنده از فردی دیگر در آن سوی مرزها با بعد زمانی بسیار و با فرهنگی متفاوت بود. سعدی به عنوان معلم اخلاق ، یکی از شاعران بزرگ در عرصه ادبیات جهان است که همین ویژگی باعث تأثیر پذیری بسیاری از ادیبان بزرگ جهان از وی شده است . چنانکه تفاوت فرهنگی ملیت‌های مختلف نتوانست از ارزش و اهمیت اندیشه‌های اخلاقی او در نزد سایر فرهنگ-ها بکاهد.از همین رو با ترجمهٔ آثار او به هر یک از زبانها، خیلی زود جایگاه ارزشمندی را در میان این سرزمین‌ها پیدا کرد. ادیبان فرانسوی از جمله ملیت‌هایی بودند که با ترجمهٔ آثار سعدی خیلی زود با این زبان مأنوس شدند . بنابراین با مطالعهٔ این آثار می‌توان به وضوح شاهد نفوذ اندیشه‌های والای سعدی بر ادبیات این کشور بود. آندره ژید از جمله شخصیت‌های برجستهٔ ادبی فرانسه است که علاوه بر تأثیر پذیری از حافظ و خیام ،از حکمت‌های سعدی نیز بی‌بهره نبوده است .چنان که اندیشه‌های والای سعدی ،این شاعر فرانسوی را نیز تحت تأثیر خود قرار داده است.

در این مقاله نیز سعی می‌شود ضمن بررسی تأثیر پذیری این شاعر فرانسوی از سعدی، به مبانی معنوی‌ای که این شاعر فرانسوی از این معلم اخلاق دست یافته است نیز اشاره شود.

واژگان کلیدی: سعدی ،آندره ژید،ادبیات تطبیقی،مائده‌های زمینی

[۱] دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه قم؛ رایانامه: dr.mfoladi@gmail.com
[۲] دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه قم

بررسی تطبیقی عناصر فرهنگی بومی-محلی در آثار منصور یاقوتی و محمود طیاری

پرند فیاض‌منش[۱]
عشرت ابراهیمی‌پور[۲]

چکیده

ادبیات بومی به ویژگی‌های بومی و شرایط زیستی، فرهنگ،آداب و رسوم، باورها، عقاید و روابط اجتماعی حاکم بر یک منطقه می‌پردازد. بهره‌گیری از عواملی چون؛ نحوهٔ گذران،گویش‌ها و لهجه‌های محلی، روابط و مناسبات اقتصادی، مردم شناسی، زبان و تاریخ، مذهب و جامعه شناسی، ادبیات اقلیمی را تکامل می‌بخشد. «منصور یاقوتی» و «محمود طیاری» از نویسندگان اقلیمی مناطق غرب و شمال ایران هستند که تلاش کرده‌اند با تکیه بر حال و هوای بومی مناطق زیستی خود، به خلق داستان‌هایشان بپردازند و به بهترین شیوه، توانسته‌اند فرهنگ و آداب و رسوم مناطق غرب و شمال ایران را منعکس کنند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که هر دو نویسنده کاملاً با جغرافیای فرهنگی سرزمین مادریشان آشنا بوده‌اند چرا که آداب و رسوم مربوط به تولد نوزاد، بازتاب آیین‌های ازدواج در مناطق غرب و شمال کشور، مراسم‌های مربوط به مجلس ختم و خاکسپاری مردگان، آوازها و ترانه‌های محلی، اشاره به القاب و اسامی بومی، بازتاب پوشش و لباس مردمان مناطق کردنشین و گیلگ، اشاره به خوراک مناطق شمالی و غرب ایران، اشاره به باورها و اعتقادات محلی ، اشاره به ضرب‌المثل‌ها و تکیه کلام‌های محلی از انگاره‌های بومی و محلی فرهنگی است که در آثار داستانی منصور یاقوتی و محمود طیاری بازتاب داشته‌است. افزون بر این، فضایی که یاقوتی و طیاری برای بیان حوادث و اتفاقات داستان‌هایشان برمی‌گزینند، بیشتر در مناطق بومی خود و محیط پیرامون آن می‌باشد که این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با هدف شناخت و تبیین عناصر اقلیمی فرهنگی، در دو جغرافیای متفاوت، آثار داستانی این دو نویسنده را بررسی می‌کند.

واژگان کلیدی: ادبیات اقلیمی، داستان معاصر، منصور یاقوتی، محمود طیاری.

[۱] .استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد کرمانشاه؛ رایانامه: p-fayazmanesh@yahoo.com.
[۲] دانش‌آموختهٔ کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی.

تحلیل انتقادی تناقضات اخلاقی در آموزه‌های قابوس‌نامه

پرند فیّاض منش[۱]

چکیده

ادبیّات اندرزی ازگسترده‌ترین انواع ادبی در ادبیّات فارسی است که از دیرباز به صورت‌های متفاوت و ساختارهای متنوّع در نظم و نثر رایج بوده است. این آثار، واکنشی در برابر رخدادی کلّی و شامل تجربه‌های گروهی در یک برههٔ زمانی و انتقال آن به نسل‌های دیگر است، پس اندرزنامه‌ها نگاهی به گذشته دارد، بیان‌کنندهٔ جریان حال و در آموزش فردای انسان‌ها سهیم است.قابوس‌نامه از آثار تعلیمی و مایه گرفته از آداب و اندرزهای پیش از اسلام و اسلام و بیانگر دنیای نویسنده است که در روزگار ما جایگاهی ویژه دارد. دربارهٔ این اثر، پژوهش‌های بسیاری انجام شده است که هر یک توصیف کنندهٔ آموزه‌های تربیتی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مبتنی بر اخلاق است؛ امّا این مقاله با روش تحلیلی- انتقادی به تناقض‌ها و مباحث مغایر با اخلاق در حوزه‌های مختلف قابوس‌نامه می‌پردازد. هر باب و بند و جملهٔ قابوس‌نامه روایت ایدئولوژی خاصّی است؛ امّا راوی این روایت‌ها، انسانی است با اندیشه‌های متناقض که این تناقض‌ها و مغایرت‌ها با اصول اخلاقی و انسانی، نشان دهندهٔ ذهن انسانی رند و در عین حال آشنا با واقعیّت‌های اجتماع است.

واژگان کلیدی: نقد، ادبیّات تعلیمی، تناقض‌های اخلاقی، قابوس‌نامه

[۱] هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی،واحد صحنه،گروه زبان وادبیّات فارسی،صحنه،ایران؛ رایانامه:
p_fayazmanesh@yahoo.com

تمثیل‌های وحدت وجود در آثار مسلم سنایی و عطّار

مهدی فیاض[۱]
منصوره برزگرکلورزی[۲]
سعید قاسمی پرشکوه[۳]

چکیده

وحدت وجود یک جهانبینی فلسفی ـ عرفانی است که پیشینهٔ تاریخی دارد. قواعد این نظریّه با قواعد عقلانی منجر به پارادکس می‌شود و عرفا برای بیان این تجربهٔ عرفانی نیاز به زبانی تازه دارند.بنابراین، از قوّهٔ خیال استفاده می‌کنند و تلاش می‌کنند تا این نظریّه و تضادهای آن را در قالب تمثیل بیان کنند.اگرچه ابن‌عربی را واضع نظریّهٔ وحدت وجود می‌دانند، امّا قبل از او و شاید از ابتدای شکل‌گیری عرفان، این نظریّه وجود داشته است و ابن‌عربی تنها آن را تدوین کرده، محور اصلی عرفان خود قرار داده است. ابن‌عربی و شاگردانش برای تبیین هرچه بهتر این نظریّه، آن را در قالب تمثیل‌هایی بیان می‌کنند که قبل از آنها نیز در اشعار و گفته‌های دیگر عرفا به‌کار رفته است. از جملهٔ این عرفا می‌توان به حکیم سنایی و عطّار نیشابوری اشاره کرد.سنایی به عنوان پیشروی شعر عرفانی، برای نشان دادن وحدت وجود از این تمثیل‌ها استفاده کرده است و پس از او،عطّارنیشابوری به شکل ظریف‌تری آنها را بیان کرده است و اوج این کاربرد را در آثار مولوی می‌بینیم. این عرفا به خوبی مسئلهٔ وحدت وجود را درک کرده‌اند و با اشعارشان سعی در بیان آن داشته‌اند.مطالب مقالهٔ حاضر به روش توصیفی ـ تحلیلی و به صورت کتابخانه‌ای گردآوری شده است و در پی تبیین برخی از تمثیل‌های مشترکوحدت وجودی در آثار حکیم سنایی و عطّار نیشابوری است.

واژگان کلیدی: وحدت وجود، عرفان اسلامی، تمثیل، عطّار نیشابوری، سنایی غزنوی

[۱]استادیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره)، قزوین
[۲]:دانشجوی دکتری زبان و ادبیّات عرفانی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره)، قزوین؛ رایانامه mansureh.barzegar@gmail.com
[۳]دکترای زبان و ادبیّات فارسی علامه طباطبایی

بررسی نقش زن در اشعار گیلکی شاعران گیلکی سرا بر اساس نظریه ی بازتاب واقعیت

مریم سادات فیاضی[۱]
معصومه کیانپور[۲]

چکیده

بررسی نگرش های مختلف به شخصیت و نقش زن در ادبیات از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، چرا که آگاهی از نقش زن در شعر که نمادی از « زندگی معقول» است، ما را به درک و فهم درستی از نقش و حضور او در اجتماع زمانه‌ی خویش رهنمون می کند. نقش زن در شعر گیلکی می‌تواند مبین جامعه‌ای باشدکه او با توجه به رویکردهای اجتماعی و فرهنگی در آن زندگی می کند. پژوهش حاضر، با هدف مطالعهٔ نقش زن در اشعار گیلکی به دنبال یافتن پاسخی برای این پرسش است که « مهم ترین نقش زن در اشعار شاعران گیلکی سرا بر اساس ساختار جامعه و واقعیت های اجتماعی چیست؟» پیکرهٔ داده‌های پژوهش حاضر به روش کتابخانه‌ای از میان اشعار گیلکیِ محمد بشرا، اباذرغلامی و محمدتقی پوراحمد جکتاجی و مسعود پورهادی گردآوری شده و سپس در ارتباط با موضوع مورد بحث، بر اساس نظریهٔ بازتاب واقعیت به توصیف و تحلیل درآمده است. نگارنده در این نوشتار نشان می‌دهد که با توجه به اقلیم و جغرافیای گیلان، پررنگ ترین نقش زن در اشعار گیلکی در کارِ خانه و کشاورزی و پس از آن مادرانگی و عشق و دلدادگی است.

واژگان کلیدی: زن، اشعار گیلکی، بازتاب واقعیت، کار کشاورزی، عشق و مادرانگی

[۱]استادیار زبان‌شناسی پژوهشکده‌ی گیلان‌شناسی دانشگاه گیلان؛ رایانامه: msfayyazi@guilan.ac.ir
[۲]دانشجوی کارشناسی ارشد ایران شناسی(گرایش فرهنگ مردم، آداب و رسوم و میراث فرهنگی) دانشگاه گیلان

بررسی ضرب‌المثل‌هایِ گیلکیِ مربوط به «ماهی» از منظر فرضیهٔ نسبیت زبانی

مریم سادات فیاضی[۱]
نیره صبرکننده پشتیری[۲]
معصومه کیانپور[۳]

چکیده

نسبیت زبانی مسئلهٔ اصلی مطالعهٔ چگونگی برهم کنش زبان و فرهنگ است. این حقیقت که در تمام زبان-ها تفاوت‌هایی می‌توان یافت که به ساختمان دستوری آنها مربوط نمی‌شود و خاستگاه این تفاوت‌ها را می-توان در تنوعات فرهنگی، آئینی و امثال آن جست. به عبارت روشن‌تر زبان بازتاب فرهنگ اقوام مختلف است. مقاله‌ی حاضر با هدف بررسی مسئله‌ی نسبیت زبانی در گویش گیلکی بر پایه‌ی فرضیهٔ نسبیت زبانی سایپر و ورف، به مطالعه‌ی پیکرهٔ داده‌های برآمده از روش اسنادی و میدانی، به بررسی ضرب‌المثل‌های مرتبط با واژهٔ «ماهی» می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه ساحل‌نشینان دریای خزر باورهای مثبت و منفی خود را با اشاره به ویژگی‌های طبیعی، اجزای بدن، فراورده‌ها، مشاغل، و لوازم ماهیگیری در قالب ۴۴ ضرب‌المثل بیان می‌کنند. نویسندگان از راه قیاس ضرب‌المثل‌های پیش‌گفته با ۱۳ ضرب‌المثل پرکاربرد فارسی درمی‌یابند که ضرب‌المثل‌های گیلکی از منظر موضوع و شمار از تنوع بیش‌تری نسبت به همطرازان فارسی خود برخوردارند.

واژگان کلیدی: ماهی، ضرب‌المثل، نسبیت زبانی، فرهنگ

[۱] استادیار زبان‌شناسی پژوهشکده‌ی گیلان‌شناسی دانشگاه گیلان؛ رایانامه: msfayyazi@guilan.ac.ir
[۲] دانش آموخته¬ی کارشناس ارشد ایران¬شناسی(گرایش فرهنگ مردم، آداب و رسوم و میراث فرهنگی) دانشگاه گیلان
[۳] دانشجوی کارشناسی ارشد ایران شناسی(گرایش فرهنگ مردم، آداب و رسوم و میراث فرهنگی) دانشگاه گیلان

بازتاب اسطوره‌های آفرینش درشعر معاصر وپایداری با تأکید بر اشعار مهدی اخوان ثالث وعلی معلم دامغانی

حسین فیروزی[۱]

چکیده

شاعران با بهره گیری از عناصر اسطوره‌ای در شعر و با تلاش فراوان بر این بوده اند که بتوانند مخاطبان خود را به تحرک واداشته وآنان را با حوادث دوره ی خود آشنا سازند اما شیوه‌ی برخورد شاعران با عناصر اسطوره‌ای در راهبرد اهدافشان یکسان نیست. یکی از این رویکردهای گوناگون کاربرد اسطوره در میان شاعران نوپرداز و معاصر فارسی است. مهدی اخوان ثالث و علی‌معلم دامغانی از شاعران دورهٔ معاصر هستند این دو در اشعارشان از اسطوره و نمادهای آن برای بیان مفاخر ملی ایران فراوان سود جسته‌اند. این مقاله با عنوان «بازتاب اسطوره‌های آفرینش درشعر معاصرو پایداری با تأکید بر اشعارمهدی اخوان ثالث و علی‌معلم دامغانی»که با روش تحلیلی- توصیفی انجام گرفته است، برآن است، به بیان و معرفی اسطوره‌های آفرینش به کار گرفته شده در شعر این دو شاعر همراه با شاهد شعری بپردازد. هدف این نوشتار نشان دادن روند بازتاب اسطوره در ادبیات فارسی نیست، بلکه مسألهٔ اصلی پژوهش، واکاوی چگونگی بازتاب اسطوره در شعر اخوان ثالث و علی معلم به عنوان دو چهره از شاعران برگزیدهٔ شعر نوی فارسی است.

کلید واژه ها : اسطوره، آفرینش، علی معلم، مهدی اخوان ثالث، شعر معاصر

[۱]مدرس دانشگاه بین المللی جامعه المصطفی ، آشتیان، ایران؛ رایانامه: h57f57@gmail.com

بررسی انتقادی موسیقی بیرونی درشعرنیماییقیصر امین‌پور

مهدی فیروزیان[۱]

چکیده:

این جستار پژوهشی آماری و انتقادی دربارهٔ موسیقی بیرونی شعرهای نیمایی قیصر امین‌پور است. ما در بخش نخست این جستار با فراهم آوردن فهرست و نمایه‌ای بسامدی و مستند از وزن‌هایی که در سراسر شعرهای نیمایی امین‌پور به‌کار رفته گونه‌گونی وزنی و وزن‌های پرکاربرد و کم‌کاربرد دیوان وی را آشکار ساخته‌ایم. سپس در بخش‌های دیگر با آوردنِ نمونه‌هایی، شعرهای نیمایی او را بر پایهٔ «بنیاد سطربندی شعر»، «کاربرد لخت‌های کوتاه» و «چگونگی به‌کارگیری اختیارات و ضرورات» بررسی کرده‌ایم که بخش یادشده خود دارای دو بخش است: ۱- اختیار یا ضرورت در لخت‌های آغازین شعر. ۲- پایان لخت‌ها (دربردارندهٔ دو بخش کوچک‌تر: الف- ایستادن در جای یک هجای کوتاه. ب- ایستادن در جای دو هجای کوتاه پیاپی). همچنین با شناسایی برخی کاستی‌ها در قانون‌هایی که به دست پژوهشگران برای شعر نیمایی نوشته شده، چگونگی اجرای این قانون‌ها را در شعر امین‌پور بررسی کرده‌ایم و سرانجام اندک لغزش‌های وزنی راه‌یافته در شعر وی را نشان داده‌ایم.

واژه‌های کلیدی: قیصر امین‌پور، شعر نیمایی، وزن شعر، اختیارات و ضرورات عروضی.

[۱] عضو هیئت علمی دانشگاه تهران؛ رایانامه: firouzian_mehdi@ut.ac.ir

آموزه‌های تعلیمی مشترک شمس تبریزی و زوربا و بازتاب آن در رمان زوربای یونانی اثر نیکوس کازانتزاکیس

هاجر فیضی[۱]

چکیده

ادبیّات تطبیقی، مطالعهٔ ادبیّات در آن سوی مرزهای یک کشور خاص، و مطالعهٔ رابطهٔ ادبیّات با دیگر حوزه‌های دانش بشری است. شناخت بهتر و کامل‌تر شخصیت شمس و اثر او، درک عمیق‌تری از آثار مولانا را نیز به دست می‌دهد. از این رو درک مفاهیم والای آثار هر یک از این دو عارف، وابسته به دیگری است. چه بسا خواننده‌ای تأثیری را که مولانا از حضور شمس پذیرفته، دریابد و با درک عمیق معنای مقالات و همسویی با روح خالق آن، خود را به فضای فکری و روحی آن نزدیک کند. راوی رمان زوربای یونانی یک روشنفکر جوان یونانی است که می‌خواهد، برای مدّتی کتاب‌هایش را کنار بگذارد. او برای راه‌اندازی مجدد یک معدن زغال سنگ به جزیرهٔ کرت سفر می‌کند. درست قبل از مسافرت با مرد شصت و پنج سالهٔ رازآمیزی به نام «الکسیس زوربا» آشنا می‌شود. در طول ماه‌های بعد، زوربا تأثیر بسیار عمیقی بر مرد می‌گذارد و راوی در پایان به درک تازه‌ای از زندگی و لذّت‌های آن می‌رسد.نگارنده در این پژوهش، با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی و با آوردن مصداق‌هایی کوشیده است که اشتراک آموزه‌های تعلیمی شمس تبریزی و زوربای یونانی را با ذکر نقل قول‌هایی از دو کتاب «مقالات» و «زوربای یونانی» هر چه بیشتر بنمایاند.

کلیدواژگان: نیکوس کازانتزاکیس، زوربای یونانی، شمس تبریزی، مولانا، آموزه‌های تعلیمی

[۱] دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه ایران؛ رایانامه:HajarFeyzi@yahoo.com

بررسی سبک شناسی ترکیب بند دختر سالار بر اساس نظریهٔ سبک شناسی لایهای

مهدی قاسم نیا
رضا حیدری نوری
ملک محمد فرخزاد

چکیده

ترکیب بند[1] ۷۲ بیتی دختر سالار ، شعری با بن مایه های ستایشی ـ عاشقانه در مدح کیکاوس اول پادشاه عثمانی است . با تمام سادگی ، در وارای آن زبان استوار ، زبانی بدون پروا وجود دارد که حاصل گفتمانی یک طرفه از شاعر است و ممدوح ناظراست و می شنود . این اثر محصول جامعه ای بسته از زنی آرماگرا است که جهانبینی و اندیشه های خود را ازمحدودیت های فراوان جامعهٔ مرد سالار آزاد می سازد و تابوشکنی می کند و با زبان شعر ممدوح خود را به عدل گستری و ظلم ستیزی فرا می خواند . جدا از مضامین اشعار ستایشی ، رازهای شاعرانه ای در این اثر نهفته است که شعر را در درون متون دیگر ماندگار ساخته است . ویژگی های سبکی با ظرافت خاص از شاعری فارسی زبان ، خارج از ایران برای ممدوحی در سرزمین دیگر (عثمانی) ممیزهٔ او با دیگران است . لایه های سبکی ترکیب بند و کشف روابط های هر کدام ، فهم مخاطب را آسان تر می کند . در این پژوهش کوشش شده است تا دو لایهٔ مهم سبک شناسی ، لایهٔ آوایی و واژگانی در اشعار دختر سالار که نمود بیشتری دارد مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد . دستاورد مقاله آن است که با خوانش دوباره و با نظریات جدید می توان متن را دوباره زنده کرد و بیان کرد که شاعر خارج از سرزمین ایران بر زبان فارسی و ریزه کاری های آن تسلط داشته است و شعری سهل و ممتنع که لایه های آوایی از جمله وزن ، قافیه ، ردیف ، گزینش و روابط حروف و واژها ... و لایه های واژگانی با دلالت های گزینش واژه از جمله : حسی و ذهنی ، عمومیت و خاص بودن و نگاه ایدولوژی شاعر در متن و رمزگان واژه ، ضمن جذابیت اثر آن را ماندگار ساخته است .

واژه های کلیدی : دختر سالار ، ستایشی ـ عاشقانه ، لایه های سبکی ، آوایی ، واژگانی

تمایز انواع«وحدت» در شعر بیدل دهلوی

سعید قاسمی پرشکوه[۱]
منصوره برزگر کلورزی[۲]

چکیده

«وحدت» یکی از موتیوهای شایع در متون عرفانی است و بسیاری از شاعران عارف و عارفان شاعر ادب فارسی در بابِ این موضوع سخن رانده‌اند. بیدل دهلوی نیز از این دسته است و در آثار خود از این موتیو بسیار سخن گفته است. در این جُستار تلاش شده که به شیوهٔ استقرایی، پس از تعریف کلّی و موجز از «وحدت» و «وحدت وجود» بدین پرسش‌ها پاسخ داده شود: ۱ـ وحدت در آثار بیدل از چه نوع است؟ ۲ـ آیا وحدت وجود در آثار بیدل از نوع تشکیکی است یا شخصی؟درپاسخ به این نتیجه دست یافته کهاوّلاً بیدل از شاعرانی است که وجود را اصیل می‌داند، ثانیاً وی به وحدت تشکیکی وجود نیزقائل است، ثالثاً «وحدت وجود» در آثار بیدل دهلوی از نوع «شخصی» است و رابعاًبیدل از وحدت تشکیکی وجود در راستای اثبات وحدت شخصی وجود استفاده می‌کند و در آثار او، این دو موضوع منافاتی با یکدیگر ندارند.

واژگان کلیدی: بیدل دهلوی، عرفان اسلامی، وحدت، وحدت وجود، وحدت تشکیکی وجود،وحدت شخصی وجود.

[۱] کترای زبان و ادبیّات فارسی علامه طباطبایی
[۲] دانشجوی دکتری زبان و ادبیّات عرفانی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره)، قزوین؛ رایانامه: mansureh.barzegar@gmail.com

نگاهی به سیر تاریخی «عنوان» و «عنوان‌گذاری» در ادبیات منثور فارسی

طاهره قاسمی دورآبادی[۱]
علی محمدی[۲]

چکیده

«عنوان»کتاب نخستین برخورد نویسنده و خواننده و اساسی‌ترین رکن کتاب است؛ چراکه، نویسنده در زیر عنوان است که به تألیف کتاب می‌پردازد. در حقیقت، هر مجموعه شعری از نام و عنوان آن آغاز می‌شود. از عنوانی که شاعر برای کتاب خود برمی‌گزیند؛ می‌توان به محتوای کتاب وی پی برد. در تاریخ نثر فارسی دری که از حدود هزار سال پیش آغاز شده، آثار منثورهمه دارای عنوان بودند. اهمیت عنوان برای آثار منثور بیش‌تر از آثار منظوم و شعر است. زیرا ما اشعار بدون عنوان زیادی داریم، اما با توجه به آثار مکتوبی که از سدهٔ چهارم هجری برجای مانده، به ضرس قاطع می‌توان گفت که همهٔ کتاب‌ها دارای عنوان بوده‌اند.در کتاب‌های منثور فارسی سده‌های نخستین، عنوان کتاب‌ها بیش‌تر کوتاه، ساده و بدون سجع و موسیقی است.اما، در دوره‌های بعد یعنی از سده‌های پنجم و ششم هجری بر تعداد کتاب‌های با عنوان‌های مسجع افزوده شده است. هم‌چنین، اغلب عنوان کتاب‌ها،بلندتر شده‌اند. در قرن‌های نهم و دهم، عنوان کتاب‌ها اندکی کوتاه‌تر و اندکی ساده‌ترمی‌شوند. در دورهٔ مشروطه و به تبع آن در دورهٔ معاصر، این عنوان‌ها باز تغییرات محسوسی دارند. عنوان‌ها کوتاه و اغلب انتزاعی می‌شوند و در عین حال، سجع و آرایه‌های ادبی کم‌تری در آن ها دیده می شود. تلاش نویسندگان در این مقاله این‌ست که سیر تغییرات عنوان را در ادبیات منثور فارسی بررسی کنند.

کلید واژگان: عنوان، عنوان‌گذاری، نثر فارسی، بررسی تاریخی.

[۱] دکترای دانشگاه بوعلی سینا همدان؛ رایانامه:taherehghsemi87@yahoo.com
[۲] استاد دانشگاه بوعلی‌سینا همدان

بررسی عنصر رنگ و رنگواره در ادبیات منظوم کودک
(بر پایهٔ آثار مصطفی رحماندوست، عباس یمینی شریف، ناصر کشاورز، شکوه قاسم‌نیا و بنفشه رسولیان)

معصومه قاسمی[۱]
حمید رضایی[۲]

چکیده:
ادبیات کودک و نوجوان، یکی از ارکان اصلی و مهم فرهنگ و ادبیات هر جامعه‌ای است، و یکی از بهترین شیوه های تربیتی به ویژه برای کودکان و نوجوانان، آموزش غیر مستقیم از طریق شعر، شیوهٔ القا و آموزش مفاهیم خاص از طریق شعر است که کودک را برای رویارویی با مسایل مختلف زندگی آماده می‌کند و آموزش های لازم را به او می‌دهد.رنگ به عنوان موثرترین عنصر در حوزه ی محسوسات انسانی در شعر شاعران کودک نقش مهمی بر عهده دارد، شاعران شعر کودک با استفاده از واژه های رنگین تصاویر شاعرانهٔ اشیاء و طبیعت را برای کودکان محسوس تر و قابل فهم تر می‌کند، این امر باعث زیبایی شعر و لذت کودک نیز می‌گردد. معمولاً در شعر کودکان جلوه‌های رنگ در ساختار صفت و موصوف به ظهور می‌رسد و رنگ‌هایی چون سیاه سبز،زرد و قرمز از بسامد بالاتری نسبت به بقیهٔ رنگ‌ها برخوردارند؛ رنگ سیاه بیشتر مربوط به حیواناتی نظیر گرگ،گربه، سوسک، مرغ،کلاغ،غول، دیو و همچنین شب،پر، مو، بیابون، تیغ،آسمان و... رنگ سبز مربوط به جنگل،باغ،سبزه،روستا و....رنگ زرد مربوط به خورشید،میوه هایی مثل سیب،گلابی،هویج،جوجه و... قرمز مربوط به ماهی،گل، کفش،لب،توپ و....می-شود.در این مقاله با بررسی ۱۲۰ اثر از پنج شاعر معروف جلوهٔ رنگ و رنگ‌واره‌ها مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است

.**کلید واژه:** شعر کودک، رنگ، آموزش غیر مستقیم، صفت و موصوف

---

[۱] کارشناس ارشد زبان وادبیات فارسی؛ رایانامه: mghassemi56@gmail.com
[۲] دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور

کج‌اندیشی و افکار خرافه‌آمیز در اشعار قاآنی

حمیدرضا قانونی[۱]
. پروین غلامحسینی[۲]

چکیده

ادبیات عامیانه هر قوم و ملّتی بخش عظیمی از فرهنگ معنوی آن ملّت است که سینه به سینه از نسل‌های قدیم تا به امروز نقل شده و در گذر زمان حافظ هویّت فرهنگی ملّت‌ها بوده است؛ این نوع ادبی شامل عادات، سنن، افسانه‌ها، قصه‌ها، باورها، آیین‌ها، ترانه‌ها، آداب و رسوم و بخش بسیار گسترده‌ای است که پس از آشنایی ایرانیان با نوشتار و ادبیات غرب، مورد توجه قرار گرفت؛ بخش قابل توجه از ادبیات عامیانه ایران، افکار خرافه‌آمیز است که بر زبان عوام جاری است؛ این کاربردها در نثر فارسی و به خصوص در نوع ادبی داستان و رمان بیشتر از شعر بود؛ با این حال در شعر فارسی و به ویژه در شعر شاعرانی که با فرهنگ عامه آشنا بودند گستره‌ی وسیع‌تری یافت. قاآنی به بسیاری از آداب و عقاید زمان خود که بین مردم عامه رایج بود، اعتقاد داشته و به آن‌ها پایبند بوده است؛ وجود نمونه‌های بی‌شمار خرافات و باورهای عامیانه در شعر قاآنی همه نشان از دقّت و توجه او به آداب، عادات و عقاید رایج در زندگی عامهٔ خلق دارد. در این مقاله سعی بر آن است با بررسی اشعار قاآنی و یافتن مواردی از خرافات، آداب و رسوم و باورهای موجود در اشعار او و توضیح و تبیین آن‌هاچهره‌ی ادبیات عامه یا بخش‌هایی از آن در شعر قاآنی روشن شود.

واژه‌های کلیدی: خرافات، کج اندیشی‌ها، اشعار قاآنی.

---

[۱] استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور

[۲] دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه: **parvin2012gh@yahoo.com .**

بررسی تطبیقی کاربرد نمادین «رنگ» و «رنگواره» در اشعار مولوی و علم روانشناسی رنگ

حمیدرضا قانونی[۱]
. پروین غلامحسینی[۲]

چکیده

درباره‌ی قدرت کلمات در زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف، مطالب بسیاری گفته و نوشته شده و همه‌ی آن‌ها، تأیید همین نکته است که کلمات قدرت بسیار دارند و بدیهی است که گاه حیات شعری یک شاعر را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. گاهی شاعر سخن گفتن را از طریق کلماتی که نماد، رمز و سمبول هستند، برای خود یک اصل قرار داده است و از این طریق، بی‌نیاز از شرح موضوعات گوناگون و بسط سخن است. «**رنگ**» بعنوان برجسته‌ترین عنصر در حوزه محسوسات، از دیرباز تا کنون مورد توجَه انسان بوده و همواره روح و روان آدمی را مسحور قدرت خود کرده است. امروزه رنگ مهم‌ترین عنصر در بروز خلاقیت‌های هنری و بهره وری محسوب می‌شود، و شاعران بعنوان زیباشناسان جهان آفرینش از واژگان رنگین در عینی‌تر شدن ایماژهای شاعرانه و گاه در راستای تبیین مفاهیم بیان ناشدنی فضای نمادین اشعار خویش بهره‌ها برده‌اند. در این پژوهش، ابتدا نمادهای موجود مرتبط با موضوع پژوهش، «رنگ و رنگواره»، در شعر شاعر مذکور استخراج و سپس با ارائه مصراع‌هایی که نماد مورد نظر در آن درج شده است، به شرح، توضیح و تبیین نمادهای موجود در اشعار این شاعر پرداخته می‌شود. در بررسی تطبیقی روان‌شناسی رنگ و اشعار مولوی که یکی از نمونه‌های شاخص استفاده از کاربرد رنگ در شعر کلاسیک است، این نتیجه به دست آمد که چهار رنگ از شش رنگ برتر تحلیل شده در اشعار مولوی به جهت مفهوم کاربردی و نمادین، با مفهوم همان رنگ‌ها در روانشناسی رنگ‌ها منطبق است که این نشان از شناخت مولوی نسبت به این علم دارد .

کلید واژه: نماد، رنگ و رنگواره، اشعار مولوی، علم روانشناسی رنگ.

---

[۱] استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور
[۲]. دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه: **parvin2012gh@yahoo.com**:

تحلیل اندیشه‌های سیاسی در اسطوره لهراسب

زهرا قربانی پور[۱]

چکیده

این پژوهش، به بررسی میزان حساسیت فردوسی نسبت به مسائل سیاسی عصر خویش پرداخته است، زیرا علم سیاست از راه پرداختن به اشعار شعرای بزرگی چون فردوسی می‌تواند کمک شایانی برای نشان دادن هدفمندی آثار ادبی کشور عزیزمان ایران باشد؛ بنابراین پژوهش‌هایی که در آن دنیای ادبیات با علوم مختلفی چون سیاست پیوند خورده، گامی است نوین در راستای تحقق این آرمان. در این جُستار برای دستیابی به این هدف، با استفاده از روش بین رشته ای، چرایی عملکرد لهراسب از منظر علم سیاست مورد واکاوی قرار گرفته است. در یک نگاه، در این مقاله اندیشه‌های سیاسی مندرج در بطن داستان «به سلطنت رسیدن لهراسب» کاویده شده است. مهم ترین دستاورد این پژوهش حاکی از آن است که تمام پادشاهان اسطوره ای از جانب خداوند صاحب ملک و سلطنت می شوند و هر اعتراضی علیه شاهان اعتراض به حکم خداست. سلطان همانند خداوند، کارهای زیردستان را هدایت می‌کنند و درواقع شاه خدمتگزار خداوند در زمین است و به همین دلیل شاهان اسطوره‌ای شاهنامه هریک به‌گونه‌ای مینوی تصور شده‌اند؛ بندگان هم به دلیل عقل نارسای خود نمی توانند چنین مسئله ای را تحلیل کنند و این امر علت اصلی تقویت قدرت این شاهان بوده است؛ بنابراین تمام محورها و به ویژه مبانی سیاسی و دینی دوره لهراسب بر اساس همین ایدئولوژی شکل گرفته است.

کلید واژه:روش بین‌رشته‌ای، اسطوره لهراسب، شاهنامه، علم سیاست.

[۱]. دانشجوی دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.؛ رایانامه: zghorbanipour@gmail.com

فرهنگ و ادبیات عامه در ادبیات نمایشی هرمزگان(مطالعه موردی نمایش زار)

فاطمه قلندرزاده دریایی[۱]

چکیده:

ادبیات نمایشی در ایران به دلیل سرشت غیر رسمی اش به نسبت شعر که همواره نظر به نخبگان و ارباب قدرت داشته، رو به عامهٔ مردم داشته است. از این رو بسیاری از مؤلفه های فرهنگ توده و سنت های مردمی را می توان در دل نمایش های غیر رسمی مردم عادی به روشنی دید. برای تدوین تاریخ جامع ادبیات نمایشی ایران ضروری است، نمایش های رایج مردمی را در خرده فرهنگ های قومی نواحی ایران، به خوبی گزارش و ضبط و تحلیل کرد. با توجه به این ضرورت فرهنگی و علمی در این مقاله می کوشیم به روش توصیفی-تحلیلی نمایش زارکه از سنت های نمایشی مردم هرمزگان است از منظر عناصر نمایشی ارسطوکه شامل بیان، چشم انداز، موسیقی، پیرنگ، شخصیت و انگاره است؛ توصیف و تحلیل کنیم. نتیجه آن که تمامی عناصر یاد شده در نمایش زار نمود یافته اند و موسیقی به عنوان برجسته ترین عنصر این نمایش نقش مهمی در دست یافتن به نتیجهٔ این نمایش که به زیر آوردن باد زار، از مرکب خود است، ایفا می کند. این نمایش از منظر عناصر نمایشی دارای بسامد بالایی است و به دلیل اعتقاد به چنین باور و بینشی همچنان در هرمزگان به اجرا در می آید.

واژگان کلیدی : ادبیات عامیانه، ادبیات نمایشی، نمایش زار.

[۱] پژوهشگر و دانش آموخته‌ی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه هرمزگان؛ رایانامه: daryae.fateme@gmail.com

تحول معنایی در سطح واژگان نفثه‌المصدور

شیرین قنبری[۱]
الیاس نورایی[۲]

چکیده :
زبان یکی از ابزارهای ارتباطی است که همواره در گذر زمان دچار تغییر و تحول می شود. اولین سطح زبان که در فرایند تغییر و تحول تحت تاثیر قرار می‌گیرد « واژه » است ؛ یکی از تحولاتی‌که در سطح زبان صورت می‌گیرد ، تحول معنایی واژه‌هاست ؛ بدین گونه که معنای قدیم واژه‌ها چیز دیگر بوده و امروز معنای دیگر را داشته یا بدان اضافه شده و یا اینکه واژه به طور کامل متروک و از بین رفته‌است . نفثه‌المصدور یکی از متون اوایل قرن هفتم است که شهاب‌الدین زیدری نسوی آن را نگاشته ؛ یکی از زوایای که می‌توان به این اثر نگاهی دیگرگونه انداخت تغییر و تحول واژگان در این کتاب است . این پژوهش بر آن است تا به صورت تحلیلی-توصیفی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای تحول معنایی واژه‌های زبان فارسی را در سه گروه مورد ارزیابی قرار دهد و بسامد هر یک از این گروه‌ها را نشان دهد . گروه اول : واژه‌هایی که معنی گذشتهٔ آنها متروک شده، در فارسی امروز به معنی جدیدی به کار می‌روند ؛گروه دوم : واژه‌هایی که در فارسی امروز به کلی متروک شده‌اند . گروه سوم واژه‌هایی که با حفظ معنی گذشتهٔ خود، در فارسی امروز معنی جدید هم گرفته‌اند ؛ این پژوهش نشان دهندهٔ چگونگی تحول و تکامل در واژه‌های نفثه‌المصدور بوده تا ابعاد و گونه‌های آن در این کتاب مشخص گردد .نتیجه تحقیق بیانگر این است که در این اثر واژه ها در هر سه سطح گفته‌شده دچار تغییر وتحول شده‌اند.

واژگان کلیدی : نفثه‌المصدور ، تحول معنایی ، واژگانی .

[۱] کارشناس ارشد ادبیات پایداری؛ رایانامه: gholi.ehsan1365@gmail.com
[۲] دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی

تحلیل منظومهٔ لیلی و مجنون با تکیه بر نظریهٔ مثلث عشقی استرنبرگ

بدریه قوامی[۱]
دریا ساعدپناه[۲]

چکیده

منظومهٔ لیلی و مجنون نظامی در زمرهٔ برجسته‌ترین عاشقانه‌های پارسی به شمار می‌آید. این منظومه از لحاظ ناب بودن عشق، همواره زمینه را برای بررسی و تحقیق در موضوع عشق فراهم کرده‌است. نظریهٔ مثلث عشق استرنبرگ که به بررسی انواع شیوه‌های عشق‌ورزی می‌پردازد، سه مؤلّفهٔ شور، صمیمیّت و تعهّد را در ایجاد و بروز انواع عشق مؤثر می‌داند. در این پژوهش با استفاده از این نظریه، میزان برخورداری هر شخصیّت از مؤلّفه‌ها و نحوهٔ قرارگیری هر یک از آنها در ابعاد عشقی مختلف بررسی شده است. روش تحقیق در این پژوهش از نوع توصیفی_تحلیلی است. نتیجهٔ این تحقیق نشان می‌دهد که مؤلّفهٔ شور در ابتدا در هر دو شخصیّت لیلی و مجنون یکسان بوده، امّا با گذر زمان در شخصیّت لیلی روند کاهشی می‌گیرد. همچنین مؤلّفهٔ صمیمیّت و تعهّد در هر دو شخصیّت نمود یافته است، اگرچه تعهّد در عشق مجنون سهم بیشتری را به خود اختصاص داده است. در مورد ابعاد عشقی نیز هر شخصیّت بعد عشقی خاص خود را تجربه می‌کند. عشق مجنون «آرمانی» است، اما عشق لیلی نسبت به مجنون از بعد «آرمانی» به «رفاقتی» مایل شده است. قرار گرفتن شخصیّت‌ها در بعدهای یکسان، هم‌پوشی مثلث‌های عشقی ایجاد شده را نشان می‌دهد که بنا بر نظریه باید پایانی موفّق داشته باشد، امّا علی‌رغم انتظار با شکست مواجه می‌شود، دلیل این ناکامی را میتوان به روان پریشی مجنون نسبت داد. این تحقیق در زمرهٔ مطالعات بین‌رشته‌ای است و سعی دارد با استفاده از علم روانشناسی منظومهٔ لیلی و مجنون را تحلیل کند.

کلید واژه‌ها: منظومهٔ عاشقانه، نظامی، لیلی و مجنون، مثلث عشقی، استرنبرگ

---

[۱] استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج؛ رایانامه: badriqavami@gmail.com
[۲] دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج

بررسی اندیشه‌های فمنیستی رمان «عادت می‌کنیم»

بدریه قوامی[۱]
مریم دارابی[۲]

چکیده

نقد فمنیستی با تکیه بر آثاری که در رابطه با حقوق زنان، برابری مرد و زن و مسایل مکرر زنان در اجتماع نگاشته شده است، به بررسی مفاهیم مختلف فمنیستی می‌پردازد. داستان یکی از بهترین قالب‌های رساندن پیام‌های هر مکتب فکری به جهان بیرون است،بنابراین نویسندگان با گرایش‌های فمنیستی سعی کرده‌اند به زبانی نمادین و حتی مستقیم در آثار خود به طرح مشکلات زنان بپردازند.

زویا پیرزاد از جمله زنان نویسنده‌ای است که به خوبی مسایل مربوط به زنان را در لابه لای داستانهای کوتاه و رمان‌های خود انعکاس داده است. وی در رمان «عادت می‌کنیم» به طرح زندگی زنان و بازنمایی مشکلات آنها در مواجهه با اجتماع، خانواده، مرد و فرزندان می‌پردازد؛ از این رو، این نوشتار با شیوهٔ توصیفی- تحلیلی به بررسی ویژگی‌های فمنیستی در رمانعادت می‌کنیم می‌پردازد و در خلال آن با تعریف نقد فمنیستی، دیدگاه‌های فمنیستی را از رمان استخراج کرده و با دسته بندی آنها و ارائه شاهد مثال ها به بررسی آنها می پردازد.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بعضی از ویژگی‌های فمنیستی از جمله مردسالاری، مشکلات اجتماعی زنان،عشق وایستادن در برابر هنجارهای جامعه بیشترین نمود را دارند.

کلید واژه‌ها:رمان، فمنیسم، زویا پیرزاد، عادت می‌کنیم

[۱]استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج؛ رایانامه:badriqavami@gmail.com
[۲]دانش¬آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج

بازتاب آموزه‌های قرآنی در رباعیات خیام

سید احمد حسینی کازرونی[۱]
روح الله نبی عبدالیوسفی[۲]

چکیده

حکیم عمر خیام شاعر نام آشنای قرن پنجم(هجری) در پرتو افکار بلند و اندیشه‌های تابناک و اشعار بدیع، صیت شهرتش سراسر جهان را فرا گرفته است. دیدگاه‌ها و نظرات و اقوال در مورد افکار و عقاید او متعدد و گوناگون است. اکثر خیام پژوهان بر این باورند که عقاید او کاوش یک ذهن اندیشمند و یک اندیشهٔ سیّالی است که در لباس زمان نمی‌گنجد، او ذهن پرسشگری است که برای آنچه بیان می‌شود چیستی و چرایی می‌خواهد و شاید به خاطر همین خصوصیّت حکیم باشدکه بارها و بارها، اندیشه و اشعارش با محک زندقه و الحاد سنجیده و به کفر و بی‌دینی محکوم گشته است. امّا قضاوت‌های این گروه فقط بر ظاهر اشعار اوست و با کمی دقّت می‌توان دریافت که اندیشه‌های واقعی حکیم، ژرف‌تر از آن است که صرفاً با تفسیر ظاهری اشعار او قابل بیان باشد. بی‌شک طبع پرسشگر و آزاد اندیش او، جهت یافتن پاسخی برای چیستی و چرایی‌های خود به ناچار یا از روی اختیار بارها و بارها به آیاتی که دایهٔ اعجاز دارند رجوع کرده است، از همین رو با کمی تعمق در رباعیات او می‌توان بازتاب گستردهٔ الفاظ و مضامین قرآنی را در شعر او دریافت نمود.

کلید واژه: خیام، قرآن، رباعیات، مرگ، اسرار الهی

[۱] استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران؛ رایانامه: sahkazerooni@.yahoo.com
[۲] دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.

نگاهی تطبیقی به مؤلفه های ادبیات پایداری در سروده های «حمید مصدق و محمود درویش»

کبری کاس پور توچائی[۱]
سیدمرتضی اسماعیل پورسیفی[۲]

چکیده:
ادبیّات پایداری از مهم ترین سنگرهای فرهنگی ملّت های ستمدیده است که همواره واژهٔ ظلم ستیزی را تداعی می کند. از آن جا که پایداری و مقاومت یکی از موضوعات مهم در ادبیّات هر ملّت است؛ لذا بررسی مؤلفه های این نوع ادبی در شعر دو شاعر نام آشنای ایران و عرب (مصدق و درویش) و همسانی و ناهمسانی فکری آن ها در رویارویی با استبداد و بیدادگری و در برابر آن، پایداری ملت های مظلوم حائز اهمیت است.
حمید مصدق (۱۳۷۷ ـ ۱۳۱۸) از شاعران متعهدی است که هنر و قریحهٔ شعری اش را وقف وطن نموده و اصولاً در سروده هایش، آگاهی در مقابل توطئه های دشمن و ضرورت دفاع از میهن را به مخاطب خاطر نشان می کند. محمود درویش(۲۰۰۸ ـ ۱۹۴۱) نیز در سروده هایش توجه ویژه ای به وطن دارد و طیف وسیعی از مضمون سروده های وی را رهایی از شب تیره و کار ظلم در بر می گیرد. عشق به وطن، مظلومیت مردم در برابر جنایات دشمن، ستایندگی شهید و شهادت و شکوه از نابرابری و بی داد از مضامین مشترک در شعر این دو شاعر است.
از این رو پژوهش حاضر کوششی است تطبیقی که با بهره گیری از روش توصیفی ـ تحلیلی و با استفاده از داده های کتاب خانه ای به بررسی مؤلفه های ادبیّات پایداری در آثار این دو شاعر مطرح ایران و عرب پرداخته و در این راستا کوشیده است تا پس از تبیین مسأله، معرفی اجمالی دو شاعر و بیان شیوهٔ خاص آن ها در این نوع ادبی، با استخراج شواهدی از سروده های هر دو شاعر، امکان مقایسهٔ شعری شان را فراهم سازد؛ بنابراین نتیجه پژوهش حاضر نشانگر نگرش دو شاعر به مؤلفه های پایداری و مقاومت است؛ اگر چه سروده های حمید مصدق به نقد استبداد حاکم بر جوامع بشری می پردازد؛ ولی محتوای ضد استبداد و تجاوز ستیزی در اشعار او از بسامد نظر گیری برخوردار نیست؛ اما در مقابل می توان گفت طیف وسیعی از سرود های محمود درویش دارای فضای استبداد ستیزی، دعوت به مبارزه و ضد اشغال گری است تا آنجا که او را به عنوان شاعر مقاومت فلسطین به جهان معرفی می کند.

واژگان کلیدی: ادبیات تطبیقی، ادبیات پایداری، شعر معاصر، محمود درویش، حمید مصدق.

---

[۱].کارشناسی ارشد زبان وادبیّات فارسی از دانشگاه گیلان ، دبیر دبیرستان شاهد الزهرا(س) شهرستان لاهیجان؛ رایانامه: kobrakaspoor@yahoo.com
[۲]کارشناس مهندسی نرم افزار ، دبیرهنرستان فیض شهرستان لاهیجان.

نقد و بررسی آثار هوشنگ مرادی کرمانی بر اساس نظریه چمبرز

فاطمه کاسی:[۱]

پریوش ابراهیمی[۲]

چکیده

اندیشه خواننده نهفته یا درون متن، بر پایه این نگرش شکل گرفت که برای گفتن یک چیز دو فرد لازم است و نویسنده یا مولف برای آشکار کردن معنای مورد نظر خود روابطی را در اثر خود با خواننده ایجاد می‌کند. ایدن چمبرز براین باور است که برای یافتن این خواننده که او خواننده نهفته اش می‌خواند به روشی نیاز است که در داستان های کودک ونوجوان، کودک را در مقام خواننده به شمار آورد و او را در درون کتاب جای دهد. چمبرز برای شناخت خواننده نهفته و ویژگی‌های او، بررسی چهار عنصر سبک، زاویهٔ دید، طرفداری و شکاف‌های گویا را پیشنهاد می‌کند.این عناصر در کتاب‌های کودک بسیار اهمیت دارند و نویسنده به یاری آنها می‌تواند با خواننده ارتباط برقرار کند و او را به درون متن فرا بخواند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد، خوانندگان نهفته آثار مرادی کرمانی متفکر، سرشار از عشق و معنویتند و ضمن برقراری ارتباط با متن به کشف مفاهیم نهفته آن می‌پردازند، همچنین ژرفای آثار او می‌تواند نوجوانان و بزرگسالان را به خواندن داستان‌هایش برانگیزد و لذت سنین دیگر را به دنبال آورد.

واژه‌های کلیدی: داستان کودک، هوشنگ مرادی کرمانی، ایدن چمبرز، خواننده نهفته

[۱] استادیار دانشگاه پیام نور؛ رایانامه: fateme.casi@gmail.com

[۲] کارشناس ارشد دانشگاه پیام نور

بررسی تطبیقی تصویر حضرت آدم(ع) در خمسهٔ نظامی با مثنوی مولوی

ناصر کاظم خانلو[۱]
اکبر شاملو[۲]
فاطمه آقابابایی[۳]

چکیده

ادبیات در هر ملتی بازگو کنندهٔ خواسته‌ها، دردها و اعتقادات درونی آن ملت است و نحوهٔ بیان این اعتقادات و خواسته‌ها بر دوش شاعران است و آنها موظف هستند تا این رسالت اجتماعی و اعتقادی را بر دوش بکشند. شاعران ایرانی نیز به این مهم پی برده و تلاش کرده‌اند تا اشعارشان را مطابق آیین دینی و اجتماعی مردمشان بسرایند.

یکی از مهمترین جلوه های نمود دینی در اشعار شاعران ،پرداختن به پیامبران و ساخت تصاویر ومضامین از آنهاست. از جملهٔ این شاعران که مورد نظر این پژوهش هستند نظامی و مولوی می‌باشند. اشعار آنها سرشار از ابیاتی است که درآنها به تلمیح انبیا پرداخته شده است و در این اشاره‌ها نیز به اصل قرآنی داستان‌ها توجه داشته‌اند. در پژوهش حاضرتصویر حضرت آدم(ع) بصورت تطبیقی در خمسه ی نظامی و مثنوی مولانا مورد بررسی قرار گرفته است. ابتدا ابیات مورد نظر از خمسهٔ نظامی و مثنوی معنوی استخراج شده و سپس این ابیات با استفاده از روش تحلیل محتوی دسته بندی شده‌اند.

واژگان کلیدی: حضرت آدم(ع)، حکیم نظامی، مولوی، خمسهٔ نظامی، مثنوی معنوی

[۱] استادیار دانشگاه پیام نور همدان؛ رایانامه: Pnu.khanloo@yahoo.com
[۲] استادیار دانشگاه پیام نور همدان
[۳] کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

سلوک در شعر شاعران عارف دورهٔ قاجار

مرضیه کاظمی زهرانی[۱]
مهدی ملک ثابت[۲]
یدالله جلالی پندری[۳]

چکیده

اهمّیّت سیر و سلوک همواره در احوال و اقوال عارفان بزرگ دیده می‌شود به طوری که از آغازین سال‌های ظهور مباحث معرفتی، سلوک و مراحل و درجات آن از اساسی‌ترین مسائل مورد توجّه اهل عرفان بوده است و مشایخ صوفیه و عرفا، نحوهٔ طریقت و چگونگی پیمودن آن را بیان کرده‌اند. در میان پژوهش‌های انجام شده در باب مباحث معرفتی، شعر عرفانی دورهٔ قاجار کمتر مورد توجّه محقّقان قرار داشته است؛ این در حالی است که شاعران عارف دورهٔ قاجار همچون شاعران گذشته بارها از اهمّیّت سیر و سلوک در اشعار خود سخن گفته‌اند. در این پژوهش، کوشش نموده‌ایم تا با بررسی اشعار پنج شاعر برجستهٔ عرفانی‌سرای دورهٔ قاجار(میرزاحبیب خراسانی، حکیم صفای اصفهانی، فروغی بسطامی، صفی‌علیشاه و نورعلیشاه)، به تحلیل جنبه‌های مختلف بحث سلوک از دیدگاه این شاعرن بپردازیم. در این پژوهش بحث سلوک در سه دستهٔ شرایط سلوک، اهداف سلوک و نتایج سلوک مورد بررسی قرار گرفته است و در هر دسته به بیان نظرات شاعران مورد نظر و ارائهٔ نمونه‌های از اشعار آنان پرداخته‌ایم.

واژه‌های کلیدی: سیر و سلوک، شعر عرفانی، دورهٔ قاجار، شاعران عرفانی‌سرا.

[۱]. دکتری زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه یزد؛ رایانامه:d.mk91@yahoo.com
[۲]. استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد.
[۳]. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد.

آستانه حماسه در سر زمین کشمیر
(بررسی اجمالی شاهنامه کشمیر به پیروی از شاهنامه فردوسی طوسی)

سیده فلیحه زهرا کاظمی[1]

چکیده:

در دوره حاکمیت سلاطین غزنوی- علیرغم ایران ستیزی و تمدن سوزی غلامان ترک بویژه با ایرانیان- از آنجا که از لحاظ بلوغ تمدن و فرهنگ و زبان در درجه ای بسیار نازل تر از ایرانیان می دانستند و گویش به زبان ترکی را در عرصه حکومتی برای خود خوب نمی دانستند و چاره ای جز بهره‌گیری از زبان و ادب پارسی که قرنها در درون خود گنجینه هایی ناب و عظیم از دانش و فن کشورداری و دیوان سالاری و وضع قوانین را پرورانده و محفوظ داشته بود - نداشتند . درهمین دوره فارسی در میان ساکنین شبه قاره چنان گسترش و رسوخ یافته بود که مرزهای جغرافیایی- نژادی و حتی قومی و مذهبی را درنوردیده بود تا آنجا که هرکس در صدد بود تا نشانی از تشخص و برازندگی و اصالت در منش- خانواده و نژاد را به رخ بکشاند، به این زبان تکلم می کرد و اگر قابلیت هنری،علمی و ادبی داشت به این زبان قلم فرسایی می نمود-

در این ناحیه نه تنها شاهان و حاکمین مسلمان پشتیبانان راستین زبان و ادب پارسی بودند بلکه حاکمان و بزرگان ادیان دیگر نیز به این زبان سخن گفته و بدان قلم می زدند.شاید گزافه نباشد که از میان خیل گسترده آثار ایرانی پارسی این شاهنامه حکیم فردوسی بود که یکه تاز میدان ادب بود و همگان از این شمع جان افروز حیات و جلوه و هویتی یافته و از این اثر گرانسنگ در دمیدن روح حیات و بزرگی و شجاعت و شرافت به مردم بهره های بی کران جسته اند.این بزرگان از عاشقان شاهنامه و شاهنامه خوانی و شاهنامه سرایی به زبان بی بدیل پارسی بودند و به یقین میدانستند که از این زبان و این شاه‌کار ادبی-حماسی استاد طوس می توانند روح میهن پرستی و شرافت را در میان خلق زنده نگه‌دارند و گذشته نیاکان خود را جاودان سازند و برای همیشه در قلب مردم خود حفظ نمایند. یکی از حاکمان سیک در منطقه کشمیر که فرزانه ای حکیم،علم پرور و ادیب دوست بود وبه ارزش تاثیرگذاری و

[1] رئیس گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ال-سی بانوان لاهور؛ رایانامه:dr.faleeha.kazmi@gmail.com

اهمیت زبان و ادب پارسی و نقش معجزه ستردگی "شاهنامه فردوسی" وثوق کامل داشت-"سکه جیون" حاکم منطقه پهناور کشمیر بود- او در پاسداری وگرامیداشت تاریخ گذشته کشمیر و حاکمان سیک تبار در خطه بویژه دوره طلایی رنجیت سینگ، با به استخدام درآوردن جمعی از نخبگان علمی و ادبی و شاعران سخندان وادی کشمیر که به پارسی شعر می سرودند را در قالب انجمنی ادبی گرد آورد و دستور داد تا به تتبع از شاهنامه فردوسی و به زبان روان و شیرین فارسی- منظومه ای گرانقدر و سترگ بنام"شاهنامه کشمیر" که دربردارنده تاریخ حماسی کشمیر بود را خلق کنند-این انجمن بنام "انجمن پارسی شعرای کشمیر" با عضویت هفت تن از نام آورترین و برجسته ترین سخنوران و ادیبان پارسی گوی کشمیر تشکیل و به خلق این اثر ارزشمند دست یازیدند-

کلید واژه ها: شاهنامه، کشمیر، فردوسی رنجیت سنگ، سکه جیون

نقش بزرگان عرفان اسلامی در وحدت اقوام وتلطیف مذاهب (باتاکیدبردیدگاه مولوی)

فرهاد کاکه رش[۱]

چکیده

بی تردیدعارفان بزرگ اسلامی به ویژه شاعران ونویسندگان عارف که بزرگ‌ترین الگوهای تاریخ‌ساز عرفان و تمدن ایرانی واسلامی درتاریخ وفرهنگ ایران بوده اند ، از پیشروان تفکر انسان دوستی ، اخوت و اتحاد اسلامی تلطیف وتقریب مذاهب در دنیای اسلام بوده و اندیشه های ناب وحدت بخش آن ها درآثار تابناکشان درخششی ویژه داشته و نگاره ای قابل تحقیق است ودراین رویکرد،مولوی جایگاه خاصی داردونوعی نگاه عمیق به سنّت اسلامی، ادبی و عرفانی فرهنگ اصیل خویش است که با تأکید بر دیدگاه های وحدت بخش وپیوند مذاهب وادیان آثارعرفانی چون مثنوی صورت گرفته ومی‌توان به نوجویی و تازگی‌های مطابق با نیاز امروز دست یافت.در این مقاله ی کوتاه با روش توصیفی –تحلیلی، سعی شده است اشارات شاعران عارف به ویژه مولانا بر اساس تمثیلات و تاویل های آن ها دردو موضوع همزیستی مسالمت آمیزدرسایه ی اتحادو دوری ازتعصب وخودخواهی،بررسی و راهکارهای شفا بخش کشف و در اختیار پویندگان تحقیق در آموزه های عرفانی و جویندگان مشرب اتحاد اسلامی و اخوت دینی قرار گیرد .

کلید واژه ها : عرفان،مولوی ، اتحاد اسلامی ، تعصب وخودخواهی

[۱] - استادیار زبان وادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحدم هاباد،ایران؛ رایانامه: farhad_kakarash@yahoo.com

تأثیر شگفت انگیز «حافظ شیرازی» بر «وفایی مهابادی» شاعری شگرف در ادب کردی

فرهاد کاکه رش[۱]

چکیده

بررسی وکشف پیوند های دو سویه ی متن هاودیوان های شعرشاعران،پژوهشگران را به درک بهتری رهنمون و هنرآفرینی، تاثیر و تاثر شاعران و نویسندگاندرفرم ومحتوا می سازد.زبان و بیان حافظ نه تنها بر ادبیات ملّی ایرانی بلکه در گستره ی وسیعی از ادبیات ملل جهان تأثیرگذار بوده است.اگر چه در ادبیات کردی، نام حافظ با «نالی» بیش از هر شاعری ، گره خورده است اما نقش حافظ بر« وفایی » شاعر و عارف کُرد ، دیگر گونه است. این مقال کوتاه تلاشی اندک در تأثیر شگرف زبان و ادبیات فارسی بر زبان ادب کردی پژوهشی است نگارنده درمقاله پیش رو در نظر داردبه روش تحقیقی توصیفی-تحلیلی، با نگاهی به نقش محوری شعر حافظ در ادب ملل جهان ،چند عنصر مهم شعر «وفایی» چون رند، مستی، خود شناسی و ... را که متأثر از «حافظ» است ، بررسی کرده و با نمونه های موفق از تضمین های وفایی از حافظ ، به این نتیجه دست می یابد که «وفایی» کُرد ، از نادره گفتارانی است که بسیار صریح ایده های فکری و موتیف های شعری حافظ را عصرها دورازوی،در شعـــــر می آورد.

کلید واژه ها: حافظ،وفایی، مضمون ، شعرکردی

[۱]استادیارزبان وادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد،ایران؛ رایانامه: farhad_kakarash@yahoo.com

بررسی و تحلیل محتوای کتاب ادبیات فارسی پایهٔ دهم نظام جدید

شمس‌الرحمان کُرد[۱]
محمدامیرمشهدی[۲]

چکیده

کتاب‌های درسی در نظام تعلیم و تربیت و برنامه‌ریزی آموزشی اهمیت زیادی دارند؛ به گونه‌ای که بسیاری از فعالیت‌های یادگیری بر محور این کتب و محتوای آن ارائه می‌گردد. بدیهی است محتوای غنی و پر مغز برای کتب درسی می تواند موفقیت های تحصیلی و شغلی دانش آموزان را در مقاطع گوناگون ادامه تحصیل– از دبستان تا دانشگاه - تضمین کند .تحول نظام آموزشی از (۳-۴-۵) به (۳-۳-۶) ، تغییر در محتوای کلیه کتابهای درسی را نیز به همراه داشت و ادبیات یکی از دروسی بود که لاجرم از این تغییر بی نصیبنماند . در این پژوهش سعی شده کتاب ادبیات فارسی پایهٔ دهم دبیرستان مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار بگیرد.

از آنجا که این کتاب اولین سال انتشار و تدریس خود را سپری می‌کند، نگارندهٔ این سطور بر خود لازم دید در تحقیقی به بررسی محتوای کتاب فارسی دهم شامل : متون نظم و نثر ، موارد دستوری ،آرایه های ادبی ، تمرین‌ها،واژه نامه و فهرست منابع و ماخذ بپردازد. نکات مثبت و منفی را شناسایی کرده و پیشنهادهایی ارائه دهد.

امید است با این قدم کوچک بتوانم در عزم عمومی همگان، در بهبود کیفیت آموزش ادبیات، دین خود را ادا کنم و در جرگهٔ عاشقان زبان و ادبیات فارسی قرار بگیرم.

واژگان کلیدی: کتاب های درسی، ادبیات فارسی، بررسی و تحلیل، متون نظم و نثر.

[۱] دانش آموخته ی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان؛ رایانامه: Mahtab9633@yahoo.com
[۲] دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

ساختار فعل در زمان حال، در گویش روستای زینوند از منطقهٔ چهارقلعهٔ شهرستان بهشهر

فاطمه کرم نژاد[۱]

چکیده:

روستای زینوند به همراه سه روستای دیگرِ چهارقلعهٔ عبدالملکی به صورت جزیره در استان مازندران قرارگرفته است. تفاوت‌های انکارناپذیر گویش این منطقه با گویش غالب استان مازندران، نشان دهندهٔ کوچ قوم دیگری به این منطقه می‌باشد. یکی از دغدغه‌های اصلی مردم این منطقه، شناختن ریشه‌های نژادی و زبانی است. از آنجاییکه منطقه به وسیلهٔ گویش مازندرانی احاطه شده است، گویش این چهار روستا در خطر نابودی قراردارد. با توجه به استفادهٔ روز افزون مردم از رسانه‌ها، تاثیر زبان فارسی معیار بر گویش‌های در خطر نابودی، روز به روز بیشتر نمایان می‌شود. گویش منطقهٔ چهارقلعهٔ عبدالملکی نیز از این قاعده مثتثنی نیست. گویش زینوندی دارای نظام آوایی، صرف و نحو دقیق و مجزا از گویش‌های بومی منطقه بوده و به خصوص، ساخت مصدری آن بسیار متفاوت از فارسی معیار و گویش‌های دیگراست. تأثیر لازم و متعدی بودن فعل در صرف بسیار مورد توجه بوده و جای تعمق دارد. در این پژوهش، ساختار زمانِ حالِ فعل در گویش این روستا، مورد بررسی قرار می گیرد.

کلیدواژه‌ها: گویش زینوندی، فعل، زمان حال،لازم و متعدی

۱. کارشناس ارشد فرهنگ و زبان های باستانی؛ رایانامه:a_karamnezhad@yahoo.com

بررسی تطبیقی بهمن و نرجمیگ در اساطیر زرتشتی و مانوی

زهرا کرم‌نژاد[۱]

چکیده

اساطیر، لبریز از رخدادهایی مقدس، فراواقعی و عمدتاً عجیب، پیرامون قهرمانانوشخصیت‌هایی است که اغلب مورد ستایش مردم قرار می‌گیرند و گاهی موجب ترس آنها می‌شوند. این اسطوره‌ها، دارای ویژگی‌هایی هستند که با کیفیت زمان ما کاملا متفاوتند و زمان رخداد آنها ممکن است در آغاز آفرینش بوده و یا در تاریخی نامعلوم در آینده اتفاق بیفتد. اسطوره‌ها، در واقع رابطی هستند میان انسان‌ها و پدیده‌هایی که ممکن است نتوانند برایش دلیلی پیدا کنند. اساطیر ایران، دارای ابعاد گوناگونی است که در دوره‌های مختلفِ شکل گیری فرهنگ و تمدن، در سرزمینی پهناور به وجودآمده‌اند. اغلب این اسطوره‌ها قالب‌هایی مذهبی، اجتماعی، حماسی و خانوادگی دارند. گاهی اسطوره‌ها تغییر شکل می‌دهند و ممکن است خویشکاری‌شان نیز تغییرکند. اساطیر زرتشتی، مملو از فرشتگان، ایزدان و ایزدبانوانی است که عمدتاً خویشکاری‌هایشان، مورد ستایش مردم بوده است. بدین ترتیب، در اساطیر مانوی، شخصیت‌هایی را می بینیم که از نظر خویشکاری و حتی تصویر ظاهری، شباهت‌هایی با ایزدان وایزدبانوان زرتشتی دارند. بهمن، نماد خرد و از امشاسپندان دین زرتشتی، و نرجمیگ ،از فرشتگان آیین مانوی، در زمرهٔ این شخصیت‌ها هستند. در این پژوهش خویشکاری این دو، شباهت‌ها و تفاوت‌های آنان، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: اساطیر، زرتشتی، مانوی، بهمن، نرجمیگ.

۱.دانشجوی کارشناسی ارشد نسخه شناسی دانشگاه شهید بهشتی؛ رایانامه:p_karamnezhad79@yahoo.com

تحلیل شخصیت‌پردازی در «جزیرهٔ سرگردانی» دانشور بر اساس الگوی کنشگرهای گریماس

موسی کرمی[۱]
طاهره جهاندوست[۲]

چکیده

از آن‌جایی که شخصیت‌های داستان در تداوم پیرنگ داستان نقش بسیار حائز اهمیتی دارند، به‌گونه‌ای که می‌توانند مانند یک الگو، نمایانگر جایگاه انسان در دنیاهای متفاوت فرهنگی و اجتماعی باشند؛ با بررسی شخصیت‌های داستان می‌توان از فضا و جو حاکم بر داستان آگاه شد و به توانایی‌های نویسنده پی برد. این پژوهش با روش توصیفی تحلیل به دنبال بررسی شیوهٔ شخصیت‌پردازی در رمان جزیرهٔ سرگردانی نوشته سیمین دانشور بر اساس الگوی کنشگرهای گریماس بوده است. در رمان جزیرهٔ سرگردانی، شخصیت‌ها عموماً از مردمانی انتخاب می‌شوند که در زندگی نویسنده نقش داشته‌اند و برای خوانندگان رمان نیز تا حد زیادی آشنا و ملموس هستند. این شخصیت‌ها واجد عناصر جامعه‌شناختی عصر نویسنده و همچنین دارای کنشی دوسویه در قالب ساختارهای نحوی الگوی گریماس هستند.

کلید واژه: شخصیت‌پردازی، سیمین دانشور، جزیرهٔ سرگردانی، نظریهٔ گریماس.

[۱]استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور؛ رایانامه: Karami1383@gmail.com
[۲]فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور مرکز بجنورد

فرایند‌اقلیم گویی و اقلیم نویسی در رمان نوجوان
«مطالعه موردی رمان هستی فرهاد حسن زاده»

ندا کریم بخش ساحلی[۱]
محمود رنجبر[۲]

چکیده

فرایند انعکاس اقلیم در آثار ادبی یکی از بحث های جذاب و میان رشته ای نقد ادبی به شمار می رود. این فرایند در ساخت و ایجاد لحن کلی اثر به روش تدریجی و باورپذیر می تواند، سهم حضور مخاطب در پذیرش رویدادها و پیام داستان را افزایش دهد. فرهاد حسن زاده متولد(۱۳۳۶)، از جمله نویسندگانی است که در آثار خود، با انعکاس اقلیم در پس زمینه زمان های خود، رویدادها را بازتابی از فضای اجتماعی و گفتمانی خاص توصیف می کند. حسن زاده با توصیف اقلیم، کنش شخصیت ها و لحن گفتاری فضایی را ترسیم می‌کند که موجب افزایش ظرفیت های محیطی برای رویایی خواننده با مسائل مختلف می شود. در این پژوهش به روشی توصیفی تحلیلی رمان هستی را با بهره گیری از رویکرد جامعه شناسی ادبیات برای واکاوی انعکاس اقلیم مورد بررسی قرار داده‌ایم. نتایج نشان می دهد که حسن زاده با کاربرد مناسب عناصر داستان نویسی، تصاویری ملموس از خصوصیات اخلاقی، رفتاری، شخصیت های داستان را در لایه های متن ایجاد کرده است. فرآیند انعکاس اقلیم در این رمان هسته مرکزی مسئله این مقاله است.

واژگان کلیدی: اقلیم نویسی، فرهاد حسن زاده، عناصر داستان، رمان هستی

[۱] دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات کودک و نوجوان دانشگاه گیلان
[۲] عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان؛ رایانامه: mamranjbar@gmail.com

درد حرص از دیدگاه مولوی

کورس کریم پسندی[۱]

چکیده

یکی از دردهای نازل و فرودین، در دستگاه فکری مولوی، درد حرص است. مولوی، درد حرص مذموم را موجب عدم اعتدال شخصیت، مایهٔ هلاکت و نابودی، پوشانندهٔ حقیقت و ضد عقلانیت معرفی می‌کند. در نقطه مقابل ، درد حرص ممدوح را موجب آبادانی معاش دنیوی ، شکوفایی استعدادهای بالقوه آدمی ، صفا و نورانیت باطنی و تکامل و تعالی انسان می داند . این مقاله به واکاوی درد حرص در اشعار مولوی می‌پردازد و نیز، سیری است در اشارات تأمل برانگیز این عارف بزرگ دربارهٔ ماهیّت درد حرص، انواع درد حرص، عوامل برانگیزانندهٔ درد حرص، عوارض درد حرص، اثرات مثبت و سازندهٔ درد حرص، عوامل درمان کنندهٔ دردحرص و توصیهٔ مولانا دربارهٔ درد حرص، و این که انسان‌ها باید با رعایت حدّ اعتدال در برخورداری از حرص، باعث دوام و قوام این عالم شوند و همچنین با گماردن آن به سوی امور متعالی و برین، زمینه‌های رشد و شکوفایی معنوی خود را فراهم آورند.

امید است که رهنمودهای سازندهٔ مولوی، درون خواننده را از هرگونه دردِ حرص مذموم پاک سازد.

واژه های کلیدی: مولوی، شعر، درد، حرص ممدوح، حرص مذموم

[۱] استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس؛ رایانامه: korospasandi@yahoo.com

تجلّی چهرهٔ آدم (ع) در خداوندنامه

زهرا کریم‌زاده شوشتری نژاد[۱]
محمّد کاظم کهدویی[۲]
کاظم مهتدیانی[۳]

چکیده:
حضرت آدم (ع)، در منظومهٔ خداوندنامه، از ابتدای آفرینش، مورد بررسی قرار می‌گیرد. صبای کاشانی، در پرداختن به این داستان زیبا، به قرآن نظر داشته است. آدم (ع)، در متن مورد پژوهشِ این مقاله، آفریده-ای است خاص، که به دست خدا، موجود شده؛ او، مرحله به مرحله، طی طریق می‌کند تا برای خلیفه اللّهی آماده گردد. آدم (ع) در مسیر تکامل خویش، در معرض ابتلای الهی قرار می‌گیرد و نهایتاً با توبه و اظهار تضرّع به درگاه الهی، جایگاه خویش را می‌یابد.
آدم (ع)، جایگاه معرفت الهی است و به مرور، این محبّت، به پختگی می‌رسد و نجات بخش او می‌گردد. او، طی سلوک خویش، با خالی شدن از غیر حق، سرانجام به مقام خلافت الهی دست می‌یابد.

واژه‌های کلیدی: داستان آفرینش آدم (ع)، خداوندنامه، معرفت الهی، خلافت الهی

[۱] دانشجوی دکتری زبان و ادبیّات فارسی دانشگاه یزد ؛ رایانامه: Z.Karimzadeh@Gmail.Com
[۲] دانشیار گروه زبان و ادبیّات فارسی دانشگاه یزد
[۳] استادیار گروه زبان و ادبیّات فارسی دانشگاه یزد

تحلیل عرفانی داستان یوسف و زلیخا در آثار منظوم سنایی و مولوی

منصوره کریمی‌پور[۱]
عفت نجار نوبری[۲]

چکیده

یکی از جلوه‌های تأثیر قرآن کریم در ادبیات فارسی داستان‌های پیامبران است که در تفاسیر، شرح مبسوط هریک آمده و شاعران با توجه به روایت قرآنی و بیان مفسّران، آن قصه‌ها را به ذوق خویش بیان کرده و جنبه‌ای از آن‌را مؤکد آورده‌اند و از بخشی از روایت، چشم پوشیده‌اند.داستان یوسف پیامبر (ع) بهترین قصهٔ قرآن است که شعرای بسیاری بدان تمسک جسته‌اند و عشق یعقوب و زلیخا به یوسف و حسادت برادران و دسیسهٔ زلیخا را در تعابیر و مضامین گوناگون به تصویر کشیده‌اند. این داستان در کلام شعرای عارف‌پیشه، بیشتر روایت شده و چاشنی «عرفان»، تأویل هنری به شالودهٔ قصه بخشیده است، اما از اصل کلی و روایت اصلی منحرف نشده است.در پژوهش حاضر به شیوه توصیفی-تحلیلی به درون‌مایه‌های عرفانی داستان یوسف و زلیخا در آثار منظوم سنایی و مولوی پرداخته شده است. یافته های تحقیق نشان دهنده آن است که در میان مضامین به کار رفته از داستان یوسف، مضامینی همچون یعقوب و فراق فرزند، صفات مثبت و عرفانی یوسف و مکر برادران یوسف بیشترین فراوانی را دارند. اگرچه مولانا تقریباً دو برابر سنایی به داستان مذکور در آثار منظوم خود اشاره کرده است، اما تمایلات عرفانی سنایی نسبت به مولانا بیشتر است.

کلمات کلیدی:یوسف، زلیخا، درون‌مایه، عرفان، قرآن کریم.

[۱].دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب
[۲]. عضو هیات علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب؛ رایانامه: taravat1347@yahoo.com

بررسی مضامین مشترک در اشعار و نامه‌های فروغ فرخزاد

سعید کریمی قره‌بابا[۱]
نگار کهنی [۲]

چکیده

عاطفه و خیال در شعر به وسیله زبان انتقالمی‌یابد که چیزی جز مجموعه‌ای ازواژگان، مضامین و روابط خاص بین آن‌ها نیست. فروغ فرخزاد از شاعران و نویسندگان معاصر فارسی است که عواطف و احساسات ناب خود را در قالب واژگان و مضامینی زیبا و متنوع به تصویر کشیده است. سروده‌های فروغ از مناظر مختلف مورد توجه محققان بوده است ولی نامه‌هایی را که وی برای همسرش پرویز شاپور نوشته است، تاکنون چندان مورد توجه قرار نگرفته است. در آثار فروغ فرخزاد (دیوان اشعار و نامه‌ها) مضامین مختلفی به کار رفته که قابل مقایسه با یکدیگر می‌باشند و گاه بسیار شبیه به هم‌اند. در این تحقیق بر آنیم که با استخراج مضامین و واژگان مشترک، برخی از آن‌ها را مورد بررسی قرار دهیم. نتایج حاصله نشان می‌دهد که مضامینی چون مرگ، پشیمانی، عشق، اضطراب، گناه، آینه و مرگ بیش‌تر از دیگر مضامین در اشعار و نامه‌های فروغ تکرار شده است.

واژگان کلیدی: شعر معاصر،فروغ فرخزاد، اشعار، نامه‌ها، ، مضمون.

[۱]استادیار دانشگاه پیام‌نور واحد تبریز؛ رایانامه: karimisaid58@yahoo.com
[۲]کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

بازتاب ادبیّات پایداری درسروده های چند شاعرمازندرانی

رضا کریمی لاریمی[۱]

چکیده

در این مقاله به بررسیو تبیین بازتاب ادبیّات پایداری درسروده هایچند شاعرمازندرانی (هراتی ، علی پور ، کرم دخت ، سعیدی و قیصری) پرداخته شده است. بنای کار را در این پژوهشبه توصیف و تحلیل سروده ها از لحاظ درون مایه، محتوا و سبک همراه با شواهد شعری نهاده ایم. بنابراین این مضامین بیشترین بسامد انعکاس را در سروده های شاعران به ترتیب عناوین ذیل داشته است که عبارتند از:

شهادت،سوگنامه ی شهیدان، تجلیل شهیدان، تبیین دغدغه، دلواپسی و اعتراض، نقش رهبری امام خمینی، حضور فرهنگ عاشورا در نمایی تازه، کم رنگ شدن ارزش های شهدا و جنگ، وطن ستایی، توصیف حماسه آفرینی های رزمندگان، تمنّای شهادت، توصیف مفقودالاثرها،معرّفی مبارزان تاریخ ساز، ، تبیین ماندگاری شهدا،توصیف ایستادگی رزمندگان، وصف لحظه ی شهادت،خود اتّهامی، ترسیم سیمای جانبازان،یادکرد آزادگان ، بیان مظلومیّت رزمندگان و ملّت در جنگ، باورهای مذهبی نیروی محرّکه ی دفاع مقدّس، توصیف ویرانی و کشتار دشمن، از دست دادن فرصت شهادت.از نظر محتوایی می بینیم که در سروده های شاعران تنوّع در مضامین وجود دارد و نمود درون مایه ها درآثار هراتی بیش تر ازدیگر شعرا است و تجلّی آن در اشعار قیصری کمتر است. معمولاً زبان سروده ها ساده و روان، بدون پیچیدگی و نزدیک به کلام محاوره همراه با لحن حماسی است و بیش تر به ترتیب در قالب های سپید ، غزل ، رباعی ، نیمایی ، مثنوی ، آزاد ، دوبیتی و چهارپاره سروده شده است.

واژگان کلیدی: ، ادبیّات پایداری و مقاومت ، جنگ و مبارزه ،دفاع مقدّس.

[۱]کارشناس ارشد زبان و ادبیّات فارسی رایانامه:reza.karimilarimi@yahoo.com

شکواییه و اعتراض در اشعار علیرضا قزوه

مرتضی کریمی نیا [۱]
هما هوشیار[۲]
مرضیه زنگنه[۳]

چکیده

ادبیّات دفاع مقدّس بخصوص شعر متعهّد بر پایهٔ فرهنگ ظلم‌ستیزی شیعه و اسلام بنا شده است. از آنجا که شاعران این دوره زمان‌آگاه هستند و اشعارشان متأثّر از اتّفاقات و حوادث اجتماعی گوناگون است؛ شعر دفاع مقدّس نیز در مسیر تکاملی خویش در هشت سال دفاع مقدّس ناظر رشادت‌ها و فداکاری جوانان بوده‌اند و شاهد لحظه لحظهٔ تصویرهای آن جامعه بودند. اعتراض در شعر دفاع مقدّس با هدف و برنامه-ریزی قبلی صورت نگرفته بلکه عکس‌العمل آگاهانهٔ هر انسان متعهّد و مؤمنی است که در مقابل ظلم و ستم، چه فرهنگی چه به‌صورت تهاجم نظامی انجام می‌شود. شاعران این دوره نیز مانند همهٔ دوران پیش، هرگز تاب این ظلم‌ها را نداشتند و بر این مبنا زبان به اعتراض گشودند و ژانر ادبی اعتراض را به عنوان یکی از مضمون‌های اصلی شعر دفاع مقدّس که هدفش بیان دردها و معضلات اجتماعی است، بوجود آوردند. شاعران اعتراض شروع به افشاگری کردند و در این راه آنقدر فریادشان واضح و رسا بود که گاهی تا محاکمهٔ مجرم نیز می‌کشید. این پژوهش با هدف نشان دادن این ژانر ادبی در شعر شاعران دفاع مقدّس می‌باشد که رسالتش بیدار کردن وجدان‌های خوابیده است. شعر اعتراض شعر شهامت و شجاعت است و اصلاً به منافع خویش توجهی ندارد. شاعران دفاع مقدّس در بحبوبهٔ جنگ تنها راه نجات ارزش‌های جنگ را اعتراض دانستند. یکی از پیش‌گامان این نوع شعر علیرضا قزوه، است. شعر اعتراض انواع متفاوتی دارد که مهم‌ترین آنها عبارتند از:اعتراض بر بی‌عدالتی، فراموشی شهدا، اعتراض بر دگرگونی ارزش‌ها، انتقاد بر بی‌اعتنایان به جنگ، اعتراض بر تجمل‌گرایی و... می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: شعر دفاع مقدّس،شکوائیه، اعتراض،علیرضا قزوه

---

[۱]عضو هیات علمی دانشگاه فرهنگیان؛ رایانامه: elmidaneshjo@gmail.com
[۲]دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد همدان
[۳]دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی

شخصیت زن و مشکلات زندگی زنان در کتاب از شیطان آموخت و سوزاند فرخنده آقایی

پرستو کریمی[۱]
ملیحه ملیحه بهمن یار[۲]
سید جمال الدین مرتضوی[۳]

چکیده:
رمان از« شیطان آموخت و سوزاند» اثر فرخنده آقایی از نویسندگان دهه شصت است. در این اثر شخصیت اصلی زن است و نویسنده از خلال وقایع روزمرهٔ زندگی این زن موقعیت اجتماعی زنی ایرانی ویژگی‌های روحی و مشکلات عمدهٔ زندگی زنان را نشان داده‌است. در این مقاله تلاش شده‌است نمود مسائل اساسی‌ای که بر کیفیت زندگی زن مؤثر است، یا مشکلاتی که بیشتر زنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد بررسی شود و نظر نویسنده دربارهٔ هریک از آن‌ها با توجه به متن اثر تحلیل شود و نشان داده شده‌است که طلاق به عنوان برجسته‌ترین مشکل زنان در این کتاب مورد توجه بوده‌است و دغدغهٔ‌های اصلی زنان نیز شامل تحصیلات، کار و یا تلاش برای به‌دست آوردن وام است. شخصیت زن داستان از سویی امیدوار و تلاش‌گر است و از سوی دیگر در موقعیت اجتماعی مناسبی قرار نمی‌گیرد و گرفتار مشکلاتی چون بیکاری، بی‌سرپناهی و بی-احترامی می‌شود. بر این اساس جایگاه وی از حیث میزان برخورداری از نیازها در هرم مازلو بررسی شده‌است و نشان داده شده که نویسنده با وجود بیان همه مشکلات اثر را به سوی پیام امیدواری سوق داده‌است.

کلید واژه:فرخنده آقایی، از شیطان آموخت و سوزاند، شخصیت زن، مشکلات زنان

[۱] استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهر کرد؛ رایانامه: parastou_karimi@yahoo.com
[۲] دانش‌آموخته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهر کرد
[۳] استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهر کرد

تحلیل تأثیر فرهنگی مرکزیت‌زداییِ پسامدرنیستی در متون ادبی

فرزاد کریمی[۱]
حسینعلی قبادی[۲]

چکیده

فرهنگ پست‌مدرن و ادبیات برجوشیده از آن، حاصل نوع جهان‌نگری ویژه، نگرش متفاوت، شیوهٔ ارتباطات انسانی و رویکردجدید آدمی به هستی است. این نگاه، از یک سو تداوم بنیاد مدرنیته است زیرا موقعیت‌های زندگی را همانند مدرنیسم در مسیربهره‌برداری هرچه بیشتر از جهان و طبیعت سوق داده، از سویی دیگر بحران‌های جدی در اندیشه، آرمان‌ها و غایت‌شناسی آدمی را سبب شده است. از ویژگی‌های بنیادین پسامدرنیته سست‌شدن پایهٔ مرکزیت‌هایی است که از دیرباز تکیه‌گاهروحی-روانی و آرامش کیهانی- عقیدتی، نیز سرچشمهٔ اخلاق و جهان‌بینی انسان بوده است. ازدست‌رفتن چنین بنیان‌هایی، بحرانی را در فرهنگ پسامدرن دامن زده که در این مقاله به "بحران مرکزیت" تعبیر شده است.تحقیق در عوامل پیدایش چنین بحرانی و پیامدهای آن در فرهنگ و به‌ویژه ادبیات پسامدرن، دغدغهٔ اصلی پژوهندگان در این جستار است. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی_ تحلیلی است؛توصیفی از شرایط چندمرکزی، تحلیل بازتاب‌های این موقعیت در ادبیات پست‌مدرن و نتایج منفی یا مثبت این روند. مطابق یافته‌های این پژوهش، پست‌مدرنیسم و ادبیات پسامدرن از پذیرش هرگونه عامل مرکزیت‌ساز احتراز می‌کند و در مقابل، خود نیز موجد هیچ‌گونه مرکزیت در آثاری که به این نام شناخته می‌شوند، نیست.

واژگان کلیدی: ادبیات پسامدرن، بحران مرکزیت، پست‌مدرنیسم، معناباختگی

[۱]دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه شیراز؛ رایانامه: frzdkarimi@gmail.com
[۲]استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس

عنوان مقاله:« تحلیل اشعار سهراب سپهری از دیدگاه ادبیات غنایی»

مریم کریمیان[۱]

چکیده:

از دیدگاه ادبیات غنایی، اشعار غنایی شامل شعر هایی می شود که شاعر در آن به بیان احساسات شخصی خود می پردازد. در ادبیات معاصر نمونه های بسیاری از اشعار غنایی دیده می شود. سهراب سپهری (۱۳۵۹-۱۳۰۷) شاعر، نویسنده و نقاش از مهم‌ترین شاعران معاصر ایران است.اشعار سهراب یکی از بهترین نمونه های شهر غنایی در دوران معاصر است.سهراب سپهری دارای احساسات و ادراکات خاص خود است؛ او بسیار صادقانه از احساسات شخصی خود سخن می گوید و این ویژگی، اشعار او را به غنا می رساند. اشعار سهراب سپهری سرشار از احساسات درونی و بیرونی اوست. او از عشق، نفرت، امید ، یأس، شادی ها و دلتنگی ها هایش به راحتی و از اعماق قلبش سخن می گوید.سهراب احساس عناصر طبیعت را درک می کند و احساسات شخصی خود را نیز با استفاده از عناصر طبیعت بیان می کند. احساسات رقیق و ادراکات عمیق او اشعارش را در حیطه ادبیات غنایی قرار می دهد. در این مقاله سعی شده است تا نمونه هایی از اشعار سهراب سپهری از دیدگاه ادبیات غنایی مورد تحلیل قرار گیرد . در این کند و کاو ، تفاوت احساس و ادراک، رمانتیسم و ادبیات غنایی ، موسیقی شعر سهراب ، عشق و عرفان و اندیشه، مرثیه سرایی و دیگر مضامین غنایی مورد بررسی قرار گرفته است.

واژه های کلیدی: ادبیات غنایی، شعر نو، سهراب سپهری.

[۱] دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه: mkarimian12@yahoo.com

بررسی پیوند ایدئولوژی فره شاهی و فره پهلوانی در شاهنامه فردوسی

محدثه السادات رضایی کلاته میرحسن[۱]
دکتر محمود سلیم مظهر[۲]
دکتر سید محمد فرید[۳]

چکیده:

واژه فره به معنای شکوه و فروغ و تأیید ایزدی به کار می‌رود. این واژه انواع متفاوتی دارد مانند فره ایزدی، فره شاهی، فره همگان، فره موبدی، فره پهلوانان و فره ایرانی.

یکی از مهم‌ترین انواع فره، فره شاهی است که لازمه حکومت شاهان به شمار می‌آید. در کنار شاهان فره-مند همواره پهلوانی نامی نیز حضور دارد که در سایه حمایت شاه به وی خدمت می‌کند.

در این جستار پیوند فره شاهی و فره پهلوانی در شاهنامه فردوسی مورد بررسی قرار گرفته است که در واقع فره شاهی در واقع مؤید و تقویت کننده فره پهلوانی به شمار می‌آید، یعنی تا زمانی که پهلوان در خدمت شاه باشد از فره برخوردار خواهد بود و هنگامی که پهلوان از شاه دوری کند فره پهلوانی نیز از وی روی برمی‌تابد زیرا که فره پهلوانی از تأیید فره شاهی به وجود می‌آید و در پیوند مستقیم با آن عمل می‌کند و در حقیقت فره شاهی و فره پهلوانی در یک راستا هستند.

واژگان کلیدی: فره شاهی، فره پهلوانی، شاهنامه فردوسی، پیوند.

[۱]کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی. عضو گروه زبان و ادبیات فارسی
[۲]مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پنجاب لاهور.
[۳]استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پنجاب لاهور.؛رایانامه: farid.persian@pu.edu.pk

جلوه‌های کارکرد طبیعت در نمادهای اجتماعی و عاشقانهٔ فریدون مشیری

فاطمه کلاهچیان[۱]

فرشته حیدری[۲]

چکیده

یکی از مؤثّرترین ابزار تصویرآفرینی ادبی که با عارفانه‌سرایی به شعر فارسی معّرفی شد و در اشعار معاصر نمود و کارکردی تازه و بارز یافت، نماد است. ظرفیت گستردهٔ صورت نمادین برای پذیرفتن و القای مفاهیم معقول و متعدّد، آن را به یکی از مناسب‌ترین فرم‌ها برای بیان ذهنیات و دغدغه‌های شاعران معاصر بدل ساخته است. نقش طبیعت و عناصرش در انواع و دوره‌های گوناگون نمادسازی، همواره تعیین-کننده و قابل بررسی بوده است. پدیده‌های متنوّع طبیعی، کارکردی بی‌نظیر در ملموس ساختن عواطف و اندیشه‌ها دارند. یکی از شاعران برجستهٔ معاصر که از این قابلیت بهره‌مند شده است، فریدون مشیری است. نمادپردازی با طبیعت، یکی از شگردهای محتوایی _ بلاغی مشیری به شمار می‌رود و تحلیل شعر او از این منظر، می‌تواند گامی مهم باشد برای شناختن بیشتر جزئیات نگرش و نحوهٔ استفادهٔ او از این شیوهٔ فرمی. پرکاربردترین پدیده‌های طبیعی در نمادهای شعر مشیری عبارتند از: مجموعهٔ روییدنی‌ها و گیاهان، پرندگان و جانوران، اجرام آسمانی و آب و وابسته‌هایش. مشیری بیشترین نمادهای طبیعی را در زمینهٔ معنایی اجتماعی _ سیاسی به کار می‌گیرد. تعداد اندکی از این نمادها نیز کارکرد عاشقانه می‌یابند.

واژه‌های کلیدی: طبیعت، تصویر، نمادپردازی، شعر معاصر، فریدون مشیری.

[۱]استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی؛ رایانامه: f_kolahchian@yahoo.com

[۲]کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی

نسخه مهمی در دانش پزشکی در کتابخانه سریزدی

سید شهاب کمال الدینی[۱]
سید محمد باقر کمال الدینی[۲]

چکیده

این مقاله می کوشد برای اولین بار کتابی مهم در دانش پزشکی را معرفی کند. این کتاب " جامع اللذّات " با موضوع گیاهان دارویی، مفرحّات و لذّات نفسانی (روحانی) و جسمانی متعلق به قرن ۸ ه، از محمد بن محمود جرجانی است. در بیان انواع اسباب لذّات حسّیه عقلیّه و کیفیّت حفظ صحّت روح و نفس و طریق معالجه انحرافات روحانی و نفسانی مشتمل بر مقدمه، چهار مقاله و خاتمه .

مقدمه در بیان آنچه دانستن آن پیش از شروع مقصود ضروری است«مرتب بر۷باب». مقاله اول: در بیان لذّاتی که نفس را بواسطه قوای ظاهر و باطن حاصل می شود. «مرتب بر هفت باب». مقاله دوم: در اهوایه و مساکن و ملبوسات و مأکولات و مشروباتی که سبب لذّت بود .« مرتب برهفت باب». مقاله سوم: در ریاضت و بیداری و خواب و آسایش و اغراض نفسانیه و استفراغات که موجب لذّت بود .«مرتب بر پنج باب» . مقاله چهارم: در اثبات لذّات عقلیّه و بیان فضیلت آن بر لذّات حسّیه و لذّات عقلیّه .«مرتب برپنج باب» و خاتمه در کیفیت حفظ صحت روح و نفس و طریق معالجه انحرافات. هر یک مرتب بر چهار باب...

شیوه ی تحقیق این مقاله توصیفی- تحلیلی و بر اساس منابع کتابخانه ای است.

کلید واژه ها : دانش پزشکی، جامع اللذّات ، محمد بن محمود جرجانی ، مفّرحات نفس

---

[۱] دانشجوی دانشگاه تهران
[۲] دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور یزد

تاثیر داستان های عاشقانه ی شاه نامه ی فردوسی بر شکل گیری حماسه

لیلی کمالوند[۱]

چکیده

حماسه ی شاهنامه، سرگذشت انسان هاست و انسان آن چنان با لطیفه ی عشق گره خورده است، که در هیچ زمان و مکانی نمی تواند عاری از آن باشد. پس می توان ادّعا کرد، این حماسه ی شگرف هم، هیچ گاه از عشق تهی نبوده است و در شور و شرّ جنگ ها و ستیزها، نغمه ی دل نواز عشق از آن به گوش می رسد. شاهنامه ی فردوسی که بارزترین حماسه ی فارسی است، جنبه ی غنایی و عاشقانه ی آن نیز شاخص و برجسته به نظر می رسد، در شاهنامه ای که غالباً مفهوم حماسه، نبرد، جنگ و کین در اندیشه ها ترسیم می شود، طیف گسترده و شگرف عشق که از آن بهره ها دارد مورد بررسی قرار گرفته است تا تاثیر بی بدیلش را در شکل گیری حماسه شاهد باشیم. و این مبحثی است که شاهنامه شناسان کمتر بدان توجّه کرده اند.

کلید واژه: شاه نامه، فردوسی، داستان، عشق، حماسه

[۱] عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور؛ رایانامه: leyla.kamalvand@yahoo.com

تحلیلی انتقادی بر فضاهای شاعرانه و مؤلفه‌های سازنده‌ی آنها در شعر موسوی گرمارودی (با تأکید بر مجموعه‌ی «تا محراب آن دو ابرو»)

علی اکبر کمالی‌نهاد[1]

چکیده

فضا از عوامل شکل‌دهنده‌ی شعر است و حال و هوایی ایجاد می‌کند که کلیت شعر در آن جای می‌گیرد، جریان شعر را به پیش می‌برد و مخاطب را درگیر شعر می‌کند.در برخی از دوره‌های شعر فارسی دگرگونی‌های زیادی در فضای شعری ایجاد شده است؛ به‌گونه‌ای که شعر در حال و هوا و فضایی متفاوت از دوران پیش از خود سیر کرده است. در دهه‌های اخیر وقوع انقلاب اسلامی و حوادث بعد از آن بخصوص جنگ تحمیلی، تأثیر عمیقی بر شاعران انقلابی نهاد و فضای شعر این دوره را متفاوت ساخت.بررسی این فضاهای شعری و عوامل مؤثّر بر ساخت آنها، خصوصاً در شعر سیدعلی موسوی گرمارودی که از شاعران بزرگ و مطرح انقلاب است، موجب تحلیل بهتر و شناخت عمیق‌تر ما از شعر این دوره است.

بر اساس یافته‌های این مقاله، در مجموعه‌شعر «تا محراب آن دو ابرو»، عاطفه، توصیف، واژگان، تصویر، صفت، تصویر کانونی، روحیات شاعر، موسیقی، لحن، تلمیحات، سادگی و بی‌پیرایگی وروایت مهم‌ترین مؤلفه‌های سازنده‌ی فضای شعر موسوی گرمارودی بودند و فضاهای شعری و حال و هوای حاکم بر سخن او را در این مجموعه تشکیل می‌دادند.

واژگان کلیدی: فضای شعر، موسوی گرمارودی، فضاسازی، تا محراب آن دو ابرو.

[1]مدرس دانشگاه فرهنگیان ؛ رایانامه: alikamali_1386@yahoo.com

تحلیل سبک‌شناسی آوایی در منظومهٔ «ایرج و هوبره»

عارف کمرپشتی[۱]
مریم سلیمان‌پور[۲]

چکیده

ویژگی‌های زبانی در کنار دو سطح فکری و ادبی، نشان دهندهٔ مختصات سبکی آثار ادبی است. ویژگی‌های زبانی خود در سه سطح آوایی، لغوی و نحوی مورد بررسی قرار می‌گیرد. سطح آوایی اثر در واقع همان سطح موسیقیایی است و پرداختن به موسیقی یک اثر، توجه به بدیع لفظی و فنون بلاغت است. منظومهٔ غنایی ایرج و هوبره، سرودهٔ قاسم لاربن است. این منظومه را می‌توان حماسهٔ عشق و جنگ و آخرین منظومهٔ کلاسیک فارسی دانست. این پژوهش از روش توصیفی ـ تحلیلی جهت بحث و بررسی استفاده نموده و کوشیده است تا سبک‌شناسی آوایی در «منظومهٔ ایرج و هوبره» را با توجه به عوامل موسیقی‌آفرین مورد بررسی قرار دهد. یافته‌های پژوهش گویای آن است که در کنار موسیقی بیرونی منظومه، واقع شدن قافیه از نوع سجع متوازی بیش از سجع مطرّف در موسیقی کناری نمود داشته است. موسیقی درونی منظومه نیز، وابسته به آرایه‌های هم‌حروفی به ویژه صامت «ر»، هم‌صدایی در مصوت بلند «آ» و جناس بوده‌است. افزونی بسامد تخفیف در هنجارگریزی آوایی نیز، بیانگر تأثیر آن در هم‌سو شدن با وزن منظومه و روانی موسیقی اثر است.

واژگان کلیدی: سبک‌شناسی، سبک‌شناسی آوایی، لاربن، منظومهٔ ایرج و هوبره.

[۱]استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی بابل؛ رایانامه:aref kamarposhti@gmail.com
[۲]آموزگار ـ کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

بررسی تطبیقی آرمان‌شهر اهورایی در متون دینی- تاریخی شرقی و شاهنامه

ابراهیم کنعانی[۱]
نیره کنعانی[۲]

چکیده

در شاهنامه، سیاوش شاه نیست و پادشاهی ندارد؛ اما در اوستا با عنوان «کَوَی[۳] (= شاه)»، در گروه پادشاهان کیانی قرار دارد: «فروهر پاکدین کی‌سیاوش را می‌ستاییم». (یشت‌ها؛ فروردین یشت، بند۱۳۲و زامیادیشت فقرهٔ ۷۱) آرزوها و آرمان‌های شاه در اندیشه، گفتار و کردار سیاوش دیده می‌شود و از او شهریاری آرمان‌خواه می‌سازد. شهریاری سیاوش، در ارتباط با شهریاران آرمانی قرار می‌گیرد و او را با خویشکاری ویژهٔ آن‌ها پیوند می‌دهد که ایجاد آرمان‌شهر آریایی برای تحقق کشور نیک اهورایی و استقرار آسایش، امنیت و شادی است؛ آنجا که هم قلمرو خدایان هم قهرمانان و نیز نیکبختان است. کاوش در متون دینی- تاریخی زردشتی شرقی نشان می‌دهد که اهورا بهترین پیشوا، جویای شهریاری نیکی و دادگرترین شهریار است. او شهریور یکی از ایزدان مینوی را به عنوان شهریار آرمانی نمایندهٔ خود می‌سازد. شهریور در جهان مینوی، نمایندهٔ آرمان‌شهر بهشتی و در زمین نمایندهٔ آرمان‌شهر دنیایی است که عدالت اهورایی را مستقر می‌گرداند. در شهریاری آرمانی شهریور، خور و مهر از همکاران او می‌باشند که در آرمان‌سازی شهریاری، کارکردی ویژه دارند و سرانجام شهریور را در بنا نهادن آن، یاری می‌رسانند. شهریاری سیاوش همانا نگاره‌ای از شهریار دلخواه و آرمانی اهورامزداست. در پژوهش پیش رو، با بررسی متون مختلف دینی- تاریخی شرقی چون اوستا، مهابهارات، روایت‌های پهلوی، بندهش و شاهنامهٔ فردوسی، انگارهٔ آرمان‌شهر اهورایی را در آن‌ها پی‌گیری کرده‌ایم. بر اساس این، با تبیین ویژگی‌های آرمان‌شهر اهورایی مهر در اوستا، آرمان‌شهر ایندره در مهابهارات، آرمان‌شهر ورجمکرد جمشید، آرمان‌شهر کاووس بر فراز البرزکوه و آرمان‌شهر گنگ‌دژ سیاوش، و مقایسه و تطبیق آن‌ها با آرمان‌شهر سیاوش، در پی پاسخ دادن به این پرسش هستیم که سیاوش چگونه توانسته به عنوان نمایندهٔ شخصیت‌های اسطوره‌ای شهریور ، مهر، جمشید در زمین طرح شود و آرمان‌شهر او چگونه و با چه معیارهایی جلوه‌ای از آرمان‌شهر اهورایی و اسطوره‌ای به شمار می‌آید. نتیجهٔ پژوهش نشان می‌دهد که شهریور، سرچشمهٔ آرمان‌شهر، کشور نیک اهورایی، را از اهورا به مهر و سپس به انسان منتقل می‌کند و در وجود جمشید و در نهایت سیاوش به ودیعه می‌گذارد تا در فرجام جهان، بار دیگر شهریور با بازگرداندن انسان به اهورامزدا به دستور اهورا، انجامین پاداش و پادافره را به او بدهد.

واژگان کلیدی: آرمان‌شهر اهورایی، مهر، جمشید، سیاوش، شاهنامه، متون دینی- تاریخی شرقی.

---

[۱] استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کوثر بجنورد؛ رایانامه: ebrahimkanani@gmail.com
[۲] کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

بررسی جلوه‌های اندیشه در ادبیات متعهد، در ایران و جهان

عطاالله کوپال[۱]

چکیده

از پیدایی خط در جوامع بشری، بیش از پنج هزار سال و از آغاز آفرینش ادبیات مکتوب، بیش از سه هزار سال می‌گذرد. آثار ادبی، بازتاب دیدگاه‌ها و اندیشه‌های نویسندگان آنها و همچنین بازتابی از باورها و عقاید مردم جوامعی بوده است که این نویسندگان در آنها زیسته‌اند. ادبای کهن در سروده‌ها و نوشته‌های خود غالباً به ترسیم آرمان‌ها و آرزوهای بشری پرداخته‌اند و در آثار آنان می‌توان نوعی تعهد به قوم، میهن، باور مذهبی و یا اصول اخلاقی معینی را بازیابی کرد. چنین تعهدی را به عنوان نمونه در اشعار هومر، فردوسی، مولوی، سعدی و یا شکسپیر در میان قدما و به ویژه در آثار ژان پل سارتر در میان معاصران می‌توان جستجو کرد. مباحثی که از پی می‌آید، نظریه‌ها و دیدگاه‌های گوناگون در بارهٔ تعهد و یا عدم تعهد را در ادبیات بررسی می‌کند و نمونه‌هایی از ادبیات متعهد را از دیرباز تا امروز به بوتهٔ نقد و تحلیل می‌گذارد. هدف نویسنده آن است که مفهوم تعهد را از سطح فلسفی، ایدئولوژیک و سیاسی یا اخلاقی در سطح تفکرات شخصی نویسنده بررسی کند و لزوماً تعهد را در معنای جبهه گیری‌های شدید و تند اجتماعی مطرح نکند.

این مقاله بر آن است که مقوله‌ی تعهد در ادبیات را از هنگام ظهور آثار ادبی کهن تا امروز، به بوته ی نقد بگذارد تا به پاسخ این پرسش برسد که اصولاً آیا ادبیات در ذات خود می تواند بدون هر گونه تعهد یا جانبداری از اندیشه و یا مرامی پدید آید و اصولاً آیا نویسنده یا شاعر قادر است اثری بیافریند که عاری از گرایش به سوی اندیشه‌ای خاص باشد؟ نتیجه‌ای که مولف از طرح این گفتار ارائه می‌کند، توافق بر دستیابی به تعریفی شخصی از تعهد در کنار تعریف اجتماعیِ آن است.

واژگان کلیدی: ادبیات،تعهد، هدفمندی، سودمندی در هنر، هنر برای هنر

[۱] عضو هیئت علمی دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج؛ رایانامه: atakoopal2000@yahoo.com

کاربرد اسطوره‌های ملی در واکنش به استعمار و استبداد در جریان شعر نو نیمایی

رحیم کوشش[۱]
فاطمه مدرسی[۲]
زهرانوری[۳]

چکیده

توجه به اسطوره‌های ملیکی از مبانی اصلی در بافت معنایی جریان‌های شعری معاصر است که به نوعی پیوند شعر کهن را با شعر نو ایجاد کرده است مهم‌ترین جریان شعری معاصر، جریان شعر آزاد است که با بنیان‌گذاری شعر نو توسط نیمایوشیج آغاز شد و بدین صورت شعر فارسی از مبانی زبانی، ادبی و محتوایی شعر کهن جدا گشت. مشخصهٔ اصلی این جریان، این است که شاعران به مسائل جامعه متعهد هستند و شعرشان را در خدمت بازگویی حوادث قرار داده‌اند. محور اصلی مسائل جامعه نیز، حضور استعمار و به تبع آن استبداد داخلی است که در شعر آنها به صورت‌های مختلف بازگو شده و استفاده ازنمادهای حماسی شاهنامه دستاویزی برای بیاندرون‌مایهٔ سیاسی‌اجتماعی است. بررسی‌ها نشان می‌دهد:مهم‌ترین نگاهی که شاعران در پرداختن به اسطوره‌های ملیدارند، نگاه سیاسی‌اجتماعی استکه در جهت بازگویی فرهنگ گذشتهٔ ایران در مقابله با استعمار و استبداد استفاده کردند، مواردی از جمله: مبارزه و مقاومت علیه استعمار و امید به پیروزی، یأس و ناامیدی در برابر سلطهٔ استبداد، افسوس خوردن بر گذشتهٔ پرافتخار و جستجوی آرمانشهر، در مبانی فکری این جریان دیده می‌شود در این مقاله با بررسی اشعار شاعران برجسته، اشعاری که با کاربرد نمادهای شاهنامه در بازگویی استعمار آمده، بررسی شده است.

کلیدواژه:اسطوره‌های ملی، شاهنامه، جریان، شعر نیمایی، استعمار، استبداد.

---

[۱]استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه
[۲]استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه؛ رایانامه: Fatemeh.modarresi@yahoo.com
[۳]دانشجوی دورهٔ دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه

وجوه اشتراک اسطوره های هند و یونان

محمد کاظم کهدویی[۱]
الهه ستوده پور[۲]

چکیده:
اساطیر، گذشته و هویت ملی ملت های جهان هستند که در زمان های دور بین اقوام و ملل مشهور بوده اند و سپس به وسیلهٔ ادبیات شفاهی سینه به سینه به شاعران، راویان و حماسه سرایان رسیدند و مدون شدند؛ اساطیر جهان از همسانی و اشتراکات لبریزند و بین اسطوره های شرقی و غربی شباهت های زیادی وجود دارد. دلیل عمدهٔ این همسانی آمیختگی اساطیر اقوام مختلف با یکدیگر و تأثیرپذیری آنها از هم است و یا به این دلیل است که آنها از خانوادهٔ اساطیر آریایی و هند و اروپایی هستند؛ در این پژوهش سعی بر آن است تا به بررسی برخی اشتراکات اسطوره ای این ملل بپردازیم و نشان دهیم که چگونه در بسیاری موارد اساطیر اقوام هند و اروپایی پس از جدایی اقوام هند و ایرانی از هند به اروپا سیر می کند و در نهایت با تفاوتهایی به یونان می رسد، همچنین با نظریهٔ روانکاوی کارل گوستاو یونگ در پی توجیه همسانی اسطوره های جهانی بر می آییم تا به این نتیجه برسیم که علت همسانی اسطوره ها برخاستن آنها از ضمیر ناخودآگاه جمعی مشترک در نوع انسان است.

واژگان کلیدی: اسطوره، اساطیر هند، اساطیر یونان، خدایان هند، خدایان یونان

[۱] دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد؛ رایانامه: Mkka35@yahoo.com
[۲] دانشجوی دورهٔ دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد

بررسی تطبیقیِ عناصرِ داستانِ غزوهٔ احد در خداوندنامهٔ صبا و حملهٔ حیدری باذل

محمدکاظم کهدویی[۱]
زهرا کریم‌زاده شوشتری[۲]
کاظم مهتدیانی[۳]

چکیده:

خداوندنامهٔ صبای کاشانی و حملهٔ حیدری باذل مشهدی، از جمله حماسه‌های مذهبی ارزشمندِ زبان و ادب فارسی به شمار می‌روند که در این پژوهش، داستان غزوهٔ احد در هر دو اثر، از جهت ویژگی‌های داستان-پردازی، چون پی‌رنگ، ساختار، بُن‌مایه، زاویهٔ دید، صدا، زمان و مکان، توصیف، لحن، گفتگو، شخصیّت‌پردازی و درونمایه، مورد بررسی قرار گرفته و وجوه اشتراک و افتراق این داستان‌ها بیان شده است؛ آنچه مسلّم است اینکه این دو اثر، از جهات زیادی به یکدیگر شباهت دارند و از جهاتی نیز دارای اختلافاتی هستند.

غزوهٔ احد، شرح دلاوری سرداران اسلام، بویژه امیرالمؤمنین و حمزهٔ سیّد الشّهداست، همچنین توصیف جنگاوری پیامبر (ص) در برابر کفّار است. در حملهٔ حیدری باذل، شرح مفصّل‌تری از این داستان ارائه شده است. شباهت‌هایی که بین این دو داستان وجود دارد بیانگر آن است که تبیین عقاید مذهبی در قالب داستان، برای هر دو شاعر، بیش از لفظ پردازی، اهمّیّت داشته است.

واژه‌های کلیدی: ادبیّات تطبیقی، عناصرداستان، داستان غزوهٔ احد، خداوندنامهٔ صبا، حملهٔ حیدری باذل.

---

[۱] دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد
[۲] دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه: Z.Karimzadeh@Gmail.Com
[۳] استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد

مقایسهٔ لیلی و مجنون جامی و مجنون و الزای لویی آراگون

مریم کیانی‌فر[۱]
سعید روزبهانی[۲]

چکیده

بیش از یک قرن از مطالعات ادبیات تطبیقی در جهان می گذرد و کارهای قابل تقدیری چه از جهت نظری و تئوریک و چه از جهت عملی در این حوزه صورت گرفته است. در دوران معاصر که ادبیات ملل به هم نزدیکتر شده ، ضرورت مطالعات ادبیات تطبیقی، به ویژه در بین کشورهای مسلمان بیش از پیش حس می شود. از رهگذر یک رشته مقدمات گسترده که در زمینه ی «نقد ادبی» و «تاریخ ادبیات» با کوشش پژوهشگران اروپایی شروع شده بود ظهور علم ادبیات تطبیقی اعلام گردید و کسی که برای اولین بار در سال ۱۸۸۶ در باب این موضوع مطلب نوشت فردی انگلیسی به نام «پانست» بود. کتاب او تحت عنوان ادبیات تطبیقی نقطه آغاز پژوهش های تطبیقی به شمار می آید. در همان سال یک دانشمند سوییسی به نام «راد» پژوهش های خود پیرامون «تاریخ ادبیات تطبیقی» را در ژنو شروع کرده و در آلمان ماکس کوخ مجله ادبیات تطبیقی در سال ۱۸۸۷ منتشر کرده است.

اهمیت ادبیات تطبیقی بدان جهت است که از سرچشمه های جریان های فکری و هنری ادبیات پرده بر می دارد. زیرا هر جریان ادبی در آغاز با ادبیات جهانی برخورد دارد و جهت دهٔ آگاهی انسان یا قومی مساعدت می ورزد. البته این اهمیت تنها به بررسی جریان های فکری و گونه های ادبی مسائل انسانی در هنر مربوط نمی شود. بلکه از تاثیر پذیری شاعران و نویسندگان از ادبیات جهانی نیز پرده برمی دارد. (آذر، ۱۳۸۷: ۲۲) مساله تاثیر پذیری در ادبیات تطبیقی دارا بودن ذوق شاعری و هوشیاری و استنباط خاصی را می طلبد و در این زمینه گاه جزئیات فراموش شدنی ممکن است اهمیت فراوانی پیدا کند. (رک: هنرمندی، ۱۳۵۱: ۲۳ به بعد) واضح است که اگر ادبیات یک ملت از جریانات ادبی ملل دیگر بی خبر باشد و در برخورد با ادبیات دیگر ملل دور بماند از شکوفایی و بالندگی محروم خواهد شد.

[۱] دانشجوی دکترای تخصصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد
[۲] هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سبزوار؛ رایانامه: roozbahani@iaus.ac.ir

انسان مداری در ترانه‌های دهه‌های ۴۰ و ۵۰ با تکیه بر آثار ایرج جنتی عطایی

نعیمه کیالاشکی[۱]
مریم طالبی حسینی[۲]

چکیده

ترانه، صورتی از شعر است که با موسیقی آمیخته شده است و هیئتی واحد را پدید می‌آورد. به دلیل محاورگی می‌توان به واسطهٔ ترانه، وضعیت جامعهٔ انسانی را مورد کنکاش قرار داد. انسان مداری یعنی توجه به امور بشری. اومانیسم نام جنبشی علمی و ادبی است که مقارن دورهٔ رنسانس در فرانسه ظهور کرد و بعدها به صورت پراکنده در آثار هنرمندان جهان نمود پیدا کرد. ترانه‌های ایرج جنتی عطایی در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ مشخصاً انسان آن روزگار را هدف گرفته است با تمام آرمان ها، اهداف و داشته‌ها و نداشته‌هایش. هدف انجام این پژوهش بررسی دیدگاه‌ها و ترانه‌های ایرج جنتی عطایی بوده که از روش مطالعه کتابخانه‌ای و تحلیل محتوایی صورت گرفته است.

در این پژوهش به مفاهیم اومانیسم و اگزیستانسیالیسم، بررسی مفهوم ترانه و ترانه‌نوین پرداخته و در ادامه به زندگی، افکار و ترانه‌های ایرج جنتی عطایی نگاهی موشکافانه داشته و ترانه‌هایی همچون انسان خاص، ماه پیشونی، مشاهیر/ اساطیر، هم غصه و ... را مورد بررسی قرار دادیم. در انتها نیز ره‌یافت‌های نگارندگان از این پژوهش ارائه شده است.

کلیدواژه: انسان، ترانه، ایرج جنتی عطایی، انسان مداری.

[۱] استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس؛ رایانامه: nnkia11@gmail.com
[۲] کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس

تأثیر قرآن بر ترکیباتِ جدید نظامی در مخزن‌الاسرار

گلرخ کیانی[۱]
الیاس نورایی[۲]

چکیده

نظامی در شعر زبانی پیچیده و استعاری دارد و برای بیان مضامین و خلق تصاویر، ترکیباتی به‌کار می‌برد که پیش از او سابقه نداشته است. وجود کلمات مرکب و به عبارت دیگر ترکیب‌سازی‌های بدیع و منحصر به فرد نظامی نشان از احاطه و تسلّط بر سخن و ذوق و استعداد وافر اوست که البتّه سبب اغماض و پیچیدگی شعرش نیز شده است. از سوی دیگر آگاهی و تسلّط نظامی بر علوم و امور دینی و به‌کارگیری لفظی و محتوایی قرآن و حدیث به شیوه‌های گوناگون صبغه‌ای دینی و عرفانی به آثار او بخشیده است.

زیباییِ واژه‌های بدیع و ابتکاری و ترکیباتِ نو در مخزن‌الاسرار، زمانی دو چندان می‌شود که ساخت آنها بر پایه مفاهیم و معانی قرآنی باشد. این ترکیبات با چنان دقّت و ظرافتی به کار می‌روند که تا خواننده در پی یافتن مصادیق این اشارات نباشد به وجود آنان پی نمی‌برد.

از این رو در این مقاله تلاشمی‌شود ترکیبات بدیع و مضامینی که تحت تأثیرِ معنا، محتوا و الفاظ قرآن کریم و احادیث نبوی در کلام نظامی شکل گرفته است، مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد تا گوشه‌ای از هنر نظامی در خلق تصاویر بکر و بدیع نشان داده شود.

کلیدواژه: نظامی، مخزن‌الاسرار، قرآن،ترکیبات و مضامین خاص

[۱]دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان
[۲]دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی کرمانشاه؛ رایانامه:nooraeielyas@yahoo.com

مخاطب محوری در ترجمه رساله قشیریه

گلرخ کیانی[۱]

چکیده

در مقالهٔ حاضر قصد بر آن است تا به بررسی هدفمندی ترجمه در راستایمحوریت مخاطب و رعایت مؤلفه‌های آن در ترجمه رسالهٔ قشیریه پرداخته شود. با این هدف در این مقاله تصرفات شخصی مترجم در برگردان متن عربی رساله قشیریه به زبان فارسی مورد توجه قرار می‌گیرد و بر اساس شاخصه‌های ترجمه خواننده محور، تحلیل و بررسی می‌شود و با تکیه بر نظریه‌ها و سبک‌شناسی ترجمه به این مسأله پرداخته می‌شود که وجود بسیاری از تغییرات موجود در ترجمه رساله قشیریه به صورت حذف و اضافه و تغییر در ساختار و ترتیب اجزای جملات با هدف انتقال معنا و مفهوم به مخاطب و در نظر گرفتن خواننده صورت گرفته است.

کلید واژه: ترجمه، رساله قشیریه، هدفمندی، مخاطب محوری

[۱] دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان

نقد شخصیت شیرین در مواجهه با خسرو از منظر امنیت عاطفی

ایرج کیانی[۱]

چکیده:

در گنجینه‌ی ادبیات منظوم ایران، داستان‌های غنایی- که شرح عشق‌ها و پای بستی‌هاست- گاهی به ناکامی پایان می‌پذیرد و زمانی به خوشی. عاشق و معشوق به هر چه نظر می‌اندازند رخسار دلربای هم را در پیش چشم می‌بینند که نشان از عشق عمیق و امنیت عاطفی دارد. ماجرای خسرو و شیرین از داستان های عاشقانه ای است که در آن شخصیت معشوق از منظر امنیت عاطفی، به خصوص مدارا با ناکامی قابل توجه است. شرایط داستان طوری است که در وجود معشوق به خاطر موانع و سختی های ایجاد شده، عواطف مختلفی دیده می شود.زمینه ساز بخش زیادی از این کنش های عاطفی، خسرو است.در این تحقیق هیجانات مختلف معشوق را بررسی می‌کنیم تا ببینیم امنیت عاطفی چه موقع پررنگ وکجا کمرنگ است و چه موقع مرگ عاطفی اتفاق می افتد.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که «شیرین» علی رغم هوس‌بازی‌های خسرو، خویشتن دار است. زیرا عشق او عمیق و قلبی است، بنابراین از شخصیت سالم و بلوغ روانی برخوردار است و حتی وقتی بوی خیانت را حس می کند تسلیم ناکامی نمی‌شود و با کشمکش های عاطفی مدارا می کند تا وصال را تجربه کند.

کلید واژه: ادبیات غنایی- خسرو و شیرین - امنیت عاطفی- مدارا با ناکامی

[۱] دکتری ادبیات فارسی؛ رایانامه: kianiiraj@yahoo.com

« رام روز از ماهِ مهر، روز بزرگداشت فخرالدّین اسعد گرگانی »

طواق گلدی گلشاهی[۱]

چکیده

فخرالدین اسعد گرگانی، یکی از سرایندگان بزرگ ادب پارسی و از مفاخر ملّی ایران و گرگان است که لطافت طبعش بسان دیبای سپاهانی است و عذوبت گفتارش چون آبِ روان و همچون آب، روان. برگزاری همایشی ملّی، درخور این لطیف‌طبعِ نازنین‌قلم ، حلّه‌گر گوهر خیال و سخن‌پرداز نامی سدهٔ پنجم، امری است ناگریز و ناگزیرِ بزرگ‌مردان خطّهٔ گرگان و بلکه ایران‌زمین. اما متأسفانه این امر تا امروز تحقّق نیافته و روز خاصّی به عنوان روز بزرگداشت این سرایندهٔ نامی تعیین نگردیده است. در این مقاله، با استناد به ابیات منظومهٔ ویس و رامین، پیش‌نهاداتی چند در خصوص روز برگزاری همایش، آمده است: « هرمزِ (روز اوّل)بهمن‌ماه، هرمزِ اسفندماه یا فروردین، رام‌روزِ (بیست و یکم) فروردین‌ماه، رام‌روز از ماه مهر». و در پایان، نگارنده، رام‌روز از ماه مهر را بهترین و مناسب‌ترین روز برای برگزاری همایش دانسته است.

واژه‌های کلیدی : فخر گرگانی، روز بزرگ‌داشت، هرمزِ بهمن‌ماه، هرمزِ اسفندماه یا فروردین، رام‌روزِ فروردین‌ماه، رام‌روز از ماه مهر.

[۱] استادیار،گروه زبان و ادبیات فارسی،دانشگاه فرهنگیان،تهران، ایران؛ رایانامه: tavagh.golshahi@gmail.com

«سیری در اندیشه‌های دینی و اخلاقی مختومقلی فراغی (شاعر پرآوازهٔ ترکمن)»

طواق گلدی گلشاهی[۱]

چکیده

مختومقلی فراغی، شاعر بلندآوازهٔ ایرانی و به قول جمالزاده، فردوسی ترکمن‌هاست که دیوانش سرشار از اندیشه‌های دینی، اخلاقی و اجتماعی است و بی‌گمان افکار و اندیشه‌های او از جایگاه ویژه‌ای در رشد و شکوفایی نسل حاضر برخوردار است. فراغی ، متشرّعی است عارف و عارفی است فرزانه . روان‌شناسی فهیم و مردم شناسی آگاه، متفکّری دیندار و جامعه شناسی تیزبین . معلّم اخلاق و شناسندهٔ گوهر گرانسنگ معرفت.اساس تربیت او بر حکمت عملی است . فردی است میانه‌رو. نه گرفتار باورهای خشک دینی است و نه عرفان محض و بریدن از خلق و انقطاع از هستی ، در نظرش مایهٔ کمال است.در باور او در ساحتِ بندگی و نجوای پروردگار ، چون پیران طریقت ، دل به صافیِ حضورِ قلبی باید پیراست. مختومقلی فراغی ، معلّم اخلاق است و اثر او اثری است اخلاقی. جوانی در باور او ، بهاری است زودگذر. پس تا فرصت هست در اندیشهٔ توشهٔ راه باید بود.این سرایِ سپنجی ، خوابی بیش نیست ، سرایی سراپا کژیّ و ناراستی.به هوش باید بود که بندگیِ نفس ، مایهٔ شرمساری و نگونساری است . فرمانبرِ شیطانِ درون نباید بود.و چه زیباست اگر تنِ لطیفِ روح ، به زلالِ حقیقت بشوییم.در این طوفان حادثات و کشش‌های بلند ناملایمات ، زلالِ آمرزش و پناهی جز آستانِ دوست ، و نوری جز نور ایمان نمی‌توان یافت. روش تحقیق در این پژوهش، از نوع تحلیلی - توصیفی است و هدف از انجام آن آشنا ساختن مخاطبان با این سرایندهٔ نامی وآگاهی از اندیشه‌های اوست. فراغی، پدر ادبیّات ترکمن و احیاگر زبان و ادبیّات ترکمنی است.دیوان شعرش میراث ماندگار دینی- ادبی است و نمایانگر فرهنگ غنی ایرانی - اسلامی و از آنجا که اندیشه‌های بلند دینی و اخلاقی‌اش از قرآن کریم و تعالیم دین اسلام، نشأت گرفته، در عصر حاضر نیز الگوی تربیتی سازنده‌ای به شمار می‌آید که به جهت برخورداری از مایه‌های نغز ادبی تأثیرگذاری بیشتری نیز دارد.

واژه‌های کلیدی : مختومقلی،متشرّع عارف، صوفی ریایی، سرایِ سپنجی، بندگیِ نفس، آمرزش حق.

[۱] استادیار،گروه زبان و ادبیات فارسی،دانشگاه فرهنگیان،تهران، ایران؛ رایانامه: tavagh.golshahi@gmail.com

ساختار شکنی در مکتوبات

وحید گلوی [۱]
ماندانا علیمی [۲]

چکیده :
ادب پارسی که از سرچشمه ی زلال قرآن کریم سیراب شده،لبریز از پند و اندرز و عبرت است.مولانا شاعر نامدار قرن هفتم هجری یکی از چهره های پر فروغی است که در تاریخ و ادبیات فارسی ظهور کرده و آثار ارزشمندی در نظم و نثر از خود به یادگار گذاشته است.در این مقاله با بررسی آثار منثور مولانا و نیز با توجه به محتوا و درون مایه و زبان متنی اش،نمونه هایی از ساختارشکنی های او مورد بررسی قرار می گیرد،همچنین تلاش شده است که در این مقاله از برخی عناصر حاکم بر ساختارشکنی چون:کاربرد مثل ها و ترکیبات غریب و شگرف و کلمات منسوخ،آوردن ضمیر اشاره جاندار برای بی جان،به کار بردن جمله های ناقص و کوتاه که باعث ابهام می شود،قصه در قصه آوردن و به کار گرفتن تشبیه های غریب و دوراز ذهن،و... استفاده شود و این در حالی است که خواننده کلام مولوی در فضای آن محو می شود و هرکس در حد فهم خود از آن برداشت می کند. در این مقاله ساختار شکنی بر اساس تقسیم بندی دستور انوری به صورت فعل،اسم،صفت،ضمیر و... انجام شده تا خواننده ی کلام درک بهتری از مصادیق ساختار شکنی داشته باشد.

واژه های کلیدی: مولوی، ساختارشکنی،فیه مافیه،مکاتیب،مجالس سبعه

[۱] کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه: dr.vahidgalavi@yahoo.com
[۲] استادیارگروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد واحد آزادشهر

نقش مدلول متعالی در تباین حوزه‌های نقد اخلاقی و نقد هرمنوتیک، بر محور داستان «شاهزاده و یاران او»، از کلیله و دمنه

لیلا گلوی[۱]
احمدرضا کیخا فرزانه[۲]

چکیده:
از قرن بیستم وبا ورود ابزارهای شناختی علوم انسانی و حتی علوم حیاتی به حیطهٔ مطالعات ادبی، علاوه بر گسترش، تنوع فراوانی در زوایای ممکن جهت بررسی متن به‌دست آمد. این پدیده از یکسو موجب افزایش امکانات تحقیق ادبی شد، اما از سوی دیگر، خود عاملی شد تا منتقد برای انتخاب شیوهٔ بررسی دچار تردید شود.نکتهٔ کلیدی آن است که هر نظریه و روش(های) مرتبط با آن، به‌مثابهٔ کلیدی عمل می-کند که مناسب هر قفلی نیست. در اینجا محقق نیازمند نگرشی جامع نسبت به نظریات و شیوه‌های انتقادی است تا در مواجهه با متن بتواند مطالعات خود را از مسیرهای کور نجات داده، مناسب‌ترین نظریه و شیوه عملی را برگزیند. در این تحقیق تلاش خواهد شد تا ناسازگاری دو شیوهٔ انتقادی اخلاق محور و هرمنوتیک را در بررسی متونی مانند «باب شاهزاده و یاران او» از کتاب کلیله و دمنهنشان داده شود. در چنین متنی، مدلول متعالی به‌وضوح بر خواننده آشکار و بر وی تأثیر گذار است، حال آنکه مطالعات هرمنومنوتیک در پی اثبات عدم وجود معنای اولیه یا حداقل، امکان عبور از آن معنا برای متن ادبی است.

واژگان کلیدی:مدلول متعالی، نقد اخلاقی، نقد هرمنوتیک، کلیله و دمنه، باب شاهزاده و یاران او

[۱]. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زاهدان؛ رایانامه:leiligalavi@gmail.com
[۲]. دانشیار گروه ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زاهدان

آزمون نظریات مختلف هرمنوتیک در بوتهٔ شعر آزیمندیاس، سرودهٔ پرسی بیش شلی

لیلا گلوی[۱]
احمدرضا فرزانه کیخا[۲]

چکیده:
در باب مغلطه بودن تصور معنای واحد برای یک متن، محققان نظریات متفاوتی را ارائه داده‌اند که اغلب ایده‌ای واحد یا بسیار نزدیک به هم هستند. یکی از نظریه پردازان این حوزه، رولان بارت، نظریه‌پرداز عرصهٔ هرمنوتیک است که معتقد بودهگاهی شاعر به صورت ناخودآگاه، معانی را در شعر خود به ودیعه می‌گذارد که حتی خود نیز از وجود آنها غافل بوده است. از بعدنگرش هرمنوتیکی، این یعنی: خوانش دوبارهٔ متن برای کشف معانی جدید، حتی برای خود شاعر به عنوان پدیدآورندهٔاثر هم امکان دارد. در این پژوهش، به‌وسیله بازخوانی شعر معروفی از پرسی بی شلی، با عنوان آزیمندیاس، از منظر نظریه بارت و سایر نظریه‌پردازان هرمنوتیک پرداخته، نشان داده‌ایم که چگونه این اتفاق حتی برای شاعر بزرگ و با تجربه‌ای چون شلی هم ممکن است، روی دهد. در شعر مذکور، شاعر تلاش کرده است تا با کلامی شاعرانه و در عین حال دقیق، به موضوع فنای ناگزیر و عدم جاودانگی انسان‌ها بپردازد، حال آنکه خود عملاً باعث شده است تا عکس این نیت رخ دهد. شعر او باعث ماندگاری چیزی شد که او قصد نشان دادن فراموش‌شوندگی‌اش را داشته است.

واژگان کلیدی:عدم قطعیت معنا، هرمنوتیک شک و دور شناخت، مغلطه نیت مولف، پرسی بی شلی، آزیمندیاس

[۱]. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زاهدان
[۲]. دانشیار گروه ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زاهدان؛ رایانامه:a.keikha.farzaneh@iauzah.ac.ir

تحلیل مجالس شیخ ابوسعید ابی الخیر»

الهام گنج کریمی[۱]

چکیده:

یکی از راههای پخش و اشاعه تعالیم صوفیه، گسترش مواعظ، اندرزها و توصیه های گران بهای پیران و مشایخ تصوّف است که بر منابر و کرسی ها و حلقه های بحث و درس با حضور شاگردان، طالبان، مریدان و هواداران تشکیل می شد، و به صورت ملفوظات و تقریرات بیان می گردید. به این گونه جلسات و حلقه های بحث و درسِ صوفیان که نوعی سخنرانی مکتوب با لحن گفتاری و خطابی توأم با پند، اندرز و موعظه است و برحسب اشاره شیخ و مراد و یا به استدعای مردم و مریدان تشکیل می گردید، مجلس وعظ می گویند.

شیخ ابوسعید ابی الخیر (متوفی ۴۴۰ ه.ق)، از مشایخ بزرگ عالم تصوف و عرفان در قرون چهارم و پنجم هجری است که در پایان مجاهدات بسیار، سرانجام به تربیت و ارشاد طالبان مشغول شد و در نیشابور، مهنه، طوس و... مجالس وعظ او بسیار مورد توجه علاقه مندان واقع شد. به دلیل اطلاعات وسیع و کثیر در تفسیر قرآن، حدیث، فقه و ادبیات، مواعظ وی همواره سرشار از این گونه مباحث بود و به سبب ذوق لطیف و حدّت ذهن و حسن محاوره، حاضران در مجلس را مجذوب خود می کرد.

ابوسعید ابی الخیر قسمت عمده اندیشه های تربیتی و نظریات عرفانی خود را در ضمن مجلس گویی ها بیان می داشت. تعالیم صوفیانه وی را، لابلای کتب عرفانی مخصوصاً در حکایات و مقاماتی که از وی نقل کرده اند باید بدست آورد .

در این مقاله سعی شده است ابعاد مختلف مجالس شیخ ابوسعید ابی الخیر بر اساس کتاب های حالات و سخنان ابوسعید ابی الخیر(جمال الدین ابوروح) و اسرارالتوحید فی مقامات شیخ ابی سعید(محمّد بن منور)، که در این زمینه بسیار حکایت کرده اند، مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

کلید واژه ها: تصوّف، مجلس گویی، ابوسعید ابی الخیر، نثر فارسی.

[۱] دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد بردسیر و دانشگاه جامع علمی و کاربردی کرمان؛ رایانامه:elham.ganjkarimi@yahoo.com

بررسی مجموعه شعر آینه‌های ناگهان بر اساس رویکرد پیرامتنی ژرار ژنت

الهام گودرزی نیا[۱]
علی صباغی[۲]

چکیده

یکی از امکانات تحقیقی و تحلیلی در شعر معاصر دسترسی به انواع پیرامتن‌هایی است که توأمان یا بیرون از متن اصلی تولیدشده و در اختیار پژوهشگران و مخاطبان قرارگرفته است. در این پژوهش بر آنیم تا با بررسی مجموعه «آینه‌های ناگهان» سروده قیصر امین پور از دیدگاه پیرامتنیت ژرار ژنت بپردازیم. پرسش‌هایی که این جستار مطرح‌شده عبارت است از پیرامتن و انواع آن در مجموعه شعر آینه‌های ناگهان چگونه نمود یافته است؟ شاعر چه اندازه به استفاده از پیرامتن خودنوشت درونی و بیرونی در شعر خود اهمیت داده است؟ پیرامتن‌های درونی و بیرونی تا چه حد به خوانش شعر شاعر کمک می‌کند و چه آگاهی‌هایی به مخاطبان اشعار می‌دهد؟ برای پاسخ به سؤالات تحقیق اطلاعات پیرامتنی مجموعه شعر آینه‌های ناگهان به روش استقرایی گردآوری و داده‌ها به‌دست‌آمده به شیوه توصیفی ـ تحلیلی بررسی و ارزیابی‌شده است نتیجهٔ این بررسی نشان می‌دهد که گونه‌های مختلف پیرامتن در شعر قیصر امین پور متنوع و پرکاربرد نیست و شاعر اهتمام ویژه‌ای در نگارش پیرامتن نداشته است. همچنین پیرامتن‌ها در مجموعه آینه‌های ناگهان همواره با متن شعرها در تعامل‌اند و در بیشتر موارد توضیح امر واضح هستند و به شکل ابتدایی و ساده به‌کاررفته‌اند از همین رو پیرامتن‌ها گاه بسیار جذاب اما اغلب خنثی و یا دست‌کم بسیار ساده هستند. به‌طورکلی به نظر می‌رسد سادگی و روانی اشعار و دوری آن‌ها از ابهام از یکسو و عدم تمایل شاعر به مقدمه نویسی و مصاحبه و ... تنوع پیرامتن‌ها را محدود کرده است و بیشتر پیرامتن بیرونی دیگرنوشت در معرفی شعرها نقش داشته است.

واژگان کلیدی: ژرار ژنت، پیرامتنیت، قیصر امین پور، آینه‌های ناگهان.

---

[۱] دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک
[۲] استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک؛ رایانامه: a-sabaghi@araku.ac.ir

با درنگی بر رابطهٔ کی‌کاووس و رستم

فاطمه گیلانی[۱].

چکیده

از آن‌جا که در سراسر شاهنامه، در رزم و بزم، شاه و پهلوان همیشه در کنار هم هستند، یکی از موضوعاتی که به نظر می‌رسد جای بحث و بررسی دارد، مسالهٔ ارتباط شاهان و پهلوانان و چگونگی و ماهیت آن است.در این مقاله کوشش کرده‌ایم با بررسی مسائلی چون ضعف تدبیر پادشاه کیانی، کی‌کاووس و برخی ویژگی‌های اخلاقی اوچون تندخویی و خودرایی و اعتراض‌هایی که رستم به‌عنوان بزرگ‌پهلوان ایران در برابر آن نشان می‌دهد، رابطهٔ میان شاه و پهلوان را در شاهنامه واکاوی کنیم.در شاهنامه پهلوان خود را خدمتگزار کشور می‌داند و نهاد شهریاری را برای کشور می‌خواهد و به‌همین سبب همیشه گوش به فرمان شاه است. اما پهلوان به‌عنوان نمایندهٔ مردم و وجدان عمومی،هرگاه رفتار و کردار ناخوشایندی از شاه ببیند، در برابر آن خاموش نمی‌شیند و هم چنان، اعتراض خود را اعلان می‌کند. در این زمینه، بررسی برخی رفتارهای نادلپسند کی‌کاووس و عکس‌العمل‌های رستم در برابر آن می‌تواند برای پی بردن به چگونگی تعامل پهلوانان و شاهان در شاهنامه راه‌گشا باشد.

کلیدواژه: تقابل شاه و پهلوان، کی‌کاووس، رستم.

[۱] کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه: f.gilani87@yahoo.com

تحلیل روانشناختی شکوائیه های قصاید خاقانی بر پایه آراء یونگ

علی اصغر لشکربلوکی[۱]

چکیده

یکی از موضوعات بسیار مهم در شعر قرن ششم که آن را از شعر دوره های پیشین متمایز می سازد، شکوه و شکایت است؛ علّت این امر نیز پریشانی اوضاع اجتماعی و سیاسی آن دوره بوده است. شکواییه در لغت، شکایت از غم و ناراحتی ها و پریشانی های زندگی است، در اصطلاح ادب بیانگر نومیدی و گلایه شاعر از روزگار خویش است. خاقانی یکی از بزرگترین قصیده سرایان سدهٔ ششم هجری است. طرحی که در ادب پارسی پی افکند، او را در شمار یکه‌تازان کم نظیر سخن پارسی جای داده است. مضامین بدیع واستوار خاقانی چنان استادانه و با شیوه‌ای ستوده بر جان ادب دوستان می نشیند که از همان ابتدا توانایی های هنرمندانهٔ او را می ستاید. در این مقاله برآنیم، تا با استفاده از تحلیل روانشناسانه یونگ، گوشه هایی از زوایای شخصیتی خاقانی با تکیه بر اشعار شکوائیه وی، بر ما گشوده شود.

کلید واژه ها: آراء یونگ، قصاید خاقانی، شکوائیه، تحلیل روانشناختی.

[۱] کارشناس ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه: elmafroozan@gmail.com

مقایسه‌وبررسی دواثربازنویسی شده‌ازحکایت «دوبط وباخه‌دوست آنان» باتکیه‌بر«لاک‌پشتی‌درآسمان»ازمژگان‌شیخی‌و«پروازسخت‌لاک‌پشت»از ناصرکشاورز

سودابه لطفی نژاد جلالی[1]

چکیده:

بازنویسی یکی از شیوه های تولید در ادبیّات کودکان است. روشی پویاست که با هدف ساده و قابل فهم کردن متون کهن یا معاصر، دشواری‌های زبانی و سبکی متون اصلی را از میان بر می‌دارد.

آنچه نوشتن‌این مقاله راضرورت بخشید مقایسه و بررسی دو اثرازآثاربازنویسی شده ازحکایت « **دوبط وباخه‌دوست آنان**» می‌باشدکه پژوهشگر می‌کوشدتا با بررسی نقاط ضعف وقوت وبا استفاده از تحلیل‌های سه گانه واژگانی ،نگارشی و محتوایی متن باز نوشته به بررسی و مقایسه‌تصاویر وعناصر داستانی با متن اصلی بپردازد

نتایج پژوهش نشان میدهدکه آشنایی با ادبیات کهن، روایت دوباره‌وخلق شخصیّت‌های جدیدوفضا آفرینی مناسب،بیان تصاویر ذهنی خلاّق ،به کارگیری زبان عاطفی،صحنه سازی مناسب،توجّه به گروه سنی کودکان ودایره واژگانی‌آن‌ها، درهنگام پردازش داستان باعث گردید تا «پرواز سخت لاک پشت» به‌عنوان‌اثری خلاق و خواندنی مورد توجّه مخاطبین کودک قرار گیرد. پژوهش حاضر می‌کوشدتابااستفاده‌ازروش تحلیلی وتطبیقی به بررسی ومقایسه «پروازسخت لاکپشت »**ناصرکشاورز**و«لاک پشتی درآسمان»**مژگان شیخی** بپردازد.

کلید واژه: بازنویسی خلاّق،طرح،شخصیّت وشخصیّت پردازی،لحن.

[1]کارشناس ارشد زبان وادبیات فارسی؛ رایانامه: sodabehlotfinezad@yahoo.com

بررسی تطبیقی زندگی آرمانی در اسکندرنامه نظامی و آتلانتیس نو اثر بیکن

پدرام لعل‌بخش[۱]
مهین پورمراد ناصری[۲]

چکیده

این مقاله بر آن است تا از دیدگاه اصول نظریهٔ هم‌عرضی توتوسی در ادبیات تطبیقی به مقایسه دو آرمان-شهر اسکندرنامه و آتلانتیس‌نو بپردازد. ضمن بررسی حکومت، مذهب و اصول اخلاقی ارائه شده دراین دو آرمان‌شهر، نگارندگان این تحقیق بر این نکته تأکید می‌نمایند که در این دو اثر نظامی و بیکن، کوشیده‌اند تا نیازهای اولیهٔ انسان‌ها را در یک جامعهٔ آرمانی ترسیم نمایند. یافته‌های این پژوهش گویای این حقیقت است که علی‌رغم تفاوت‌های بسیاردر نگاه به مذهب و فرهنگ، نظامی و بیکن معتقدند که ایمان مذهبی می‌تواند بارزترین ویژگی شهروندان دریک بهشت زمینی باشد. آنان همچنین بر این باورند که پای‌بندی شهروندان به اصول اخلاقی و رفتار محبت‌آمیزشان با یکدیگر و با بیگانگان پیش‌نیاز جامعه آرمانی انسان‌هاست. نکتهٔ جالب توجه دیگر این که گرچه در هیچ‌یک از این دو جامعه نشانی از قدرت مرکزی حاکم برای اعمال نظم یافت نمی‌شود، مردم از روی میل باطن از قوانین اجتماعی پیروی می‌نمایند.

واژگان کلیدی: نظامی گنجه‌ای؛ فرانسیس بیکن؛ آرمان‌شهر؛اسکندرنامه؛ آتلانتیس‌نو

[۱]استادیار زبان و. ادبیات انگلیسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه
[۲]دانشجوی دکتری زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه شیراز

طرح‌شناسی و شخصیت در فانتزی غول و دوچرخه

سمیه لندی اصفهانی[۱]
مریم بهزادنژاد[۲]

چکیده:
فانتزی گونه‌ای ادبی است که در آن نویسنده پا را از واقعیت فراتر می‌گذارد و به قلمرو تخیل و خیال وارد می‌شود. یکی از کارکردهای فانتزی این است که از منظری به واقعیت ها نزدیک شود که برای کودکان ملموس‌تر،کاراتر و لذت‌بخش‌تر باشد. کتاب غول و دوچرخه نیز فانتزی روانشناختی است که کارکرد یا هدف اصلی آن ساماندهی روانی کودک ازطریق سازوکارهای روانشناختی در بستر کنش‌ها و رخدادهای فانتاستیک است. با طرحشناسی داستان غول و دوچرخه می توان به لایه ظاهری و لایه ژرفساخت داستان پی برد. همچنین طرحشناسی به کشف درونمایه لایه زیرین که درونمایه ای روانشناختی است کمک می کند. داستان دارای دولایه ظاهری و ژرفساختی است: لایهٔ ظاهری، داستانی ماجرایی است که پدر درسا به عنوان نویسنده داستان، برای درسا می نویسد و پیرامون دزد دوچرخه، درسا و غولی که در چنگش اسیر می‌شوند، قرار می‌گیرد؛ دیگر، لایهٔ ژرفساختی داستان است که با هدف ساماندهی ذهنی کودک در مواجهه با به دنیا آمدن کودک جدید در خانواده شکل می‌گیرد. از نمادهای استفاده شده در داستان می‌توان به لایهٔ زیرین داستان دست پیدا کرد و متوجه شد که منظور از دزد همان کودک دوم خانواده است که ذهن درسا را به هم ریخته است و نویسنده با به تصویر کشیدن این داستان درصدد است ساماندهی ذهنی را برای کودکانی که از وجود فرزند تازه در خانه نگران هستند، به وجود آورد. همچنین داستان از منظر شخصیت نیز بررسی شد و از سه گونه شخصیت موجود در فانتزی یعنی واقعی، کهن الگویی و ابداعی، دو گونه کهن الگویی و واقعی را دارا بود.
کتاب غول و دوچرخه داستانی فانتزی با ساختار کوتاه است که از میان برترین کتاب های سال ۱۳۸۸، به عنوان کتاب ویژه بخش تالیف، برگزیده شد. هدف این مقاله، نشان دادن موفقیت و نوآوری های موجود در استفاده از طرح و شخصیت در چنین کتابی است که می‌تواند برای پژوهشگران و به ویژه نویسندگان حوزهٔ کودک و نوجوانان مفید باشد.

کلید واژه: فانتزی، طرح و شخصیت فانتزی، کتاب غول و دوچرخه

---

[۱] کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه: slandi1981@gmail.com .
[۲] کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی.

بازتاب وحدت وجود در آینهٔ غزلیات بیدل دهلوی

محمدابراهیم مالمیر[۱]
عبدالرضا نادری‌فر[۲]
محمود صارمی[۳]

چکیده:
عرفان بیدل، عرفان تجلی و مکتب فکری او وحدت وجود است. می توان او را شارح اندیشه های عرفانی و فلسفی ابن عربی،دانست. سخن گفتن ازمسائل پیچیده و غامض وحدت وجود دشوار است اما خود ابن عربی و به تبع او شارحان و پیروان اندیشه هایش، دست به تمثیل پردازی زده اند تا بتوانند مباحثی چون، وحدت و کثرت، تجلی، خلق و امر، تشبیه و تنزیه و وجود وهمی عالم را توصیف و تبیین نمایند.

بیدل نیز به عنوان یکی از شارحان مکتب وحدت وجود در غزلیات عرفانی خود از تمثیل های متعدد و متنوعی بهره برده است. او در این زمینه علاوه بر استفاده از تمثیل های مشهور (دریا، آینه و ...)، سعی کرده است تا با قدرت خیال و زبان خود، تمثیل هایی نو و بدیع خلق نماید.

کلیدواژگان:وحدت وجود،تمثیل،ابن عربی،بیدل دهلوی.

[۱]دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی؛ رایانامه: dr_ maalmir@yahoo.com
[۲]استادیارگروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی
[۳]کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

مقایسه ی تناسخ در اندیشه ی مولوی و مکتب اکنکار

محمد ابراهیم مالمیر[۱]
زهرا نظری[۲]

چکیده:

نظریه تناسخ ارواح از قرن‌ها پیش در مشرق زمین وجود داشته و با استقبال گسترده فرق و مذاهب گوناگون روبه‌رو بوده است. یونانیان باستان هم تناسخ را می شناختند و آن را به مصریان نسبت می داند، در میان مسلمانان نیز اعتقاد به تناسخ به برخی از فرق غلات ، همچون کیسانیه یا مختاریه نسبت داده شده است.

تناسخ به دو قسم تقسیم می شود: تناسخ مجازی و تناسخ حقیقی؛ که تناسخ حقیقی طبق ادله محکم عقلی باطل است و از نظر آیات و روایات اسلامی به طور کامل مردود می‌باشد. از سوی دیگر امروزه با عرفان‌های کاذب غربی(مانند اکنکار) مواجهیم که، متأثر از مکاتب هندی به تناسخ حقیقی اعتقاد راسخ دارند. پس ضرورت ایجاب می‌کند که این نظریه مورد پژوهش و مطالعه قرار بگیرد. در این مقاله، به بررسی دیدگاه مولانا و فرقه اکنکار دربارهٔ تناسخ می پردازیم و به نقد این اعتقاد ازمنظر متون عقلی و نقلی اسلامی پرداخته می شود.

آنچه اهمیت دارد این است که مولانا به تناسخ ملکوتی در صورت برزخی و تناسخ تمثلی و مسخ باطن عقیده دارد، او معتقد است که از عهد پیامبر به بعد مسخ جسمانی برداشته شده، اما مسخ روحی و باطنی همچنان برقرار است.

واژه های کلیدی: مولانا، مثنوی، اکنکار، تناسخ، تجدد امثال

[۱] استادیار دانشگاه رازی؛ رایانامه:. dr_ maalmir@yahoo.com
[۲] کارشناس ارشد ادبیات فارسی

نقد و تحلیل کارکردهای داستانی در گزیده ای از داستان های مثنوی معنوی

محمدابراهیم مالمیر [۱]
فاطمه هوشنگی [۲]

چکیده:

پژوهش حاضر به نقد و تحلیل عناصر داستان در گزیده ای از داستان های مثنوی اختصاص یافته است. پس از مقدمه که اشاره ای به عناصر داستان: پیرنگ، شخصیت، درون مایه، موضوع، لحن، فضا و صحنه است نگاهی گذرا به مثنوی داشته و سپس به بررسیپانزده داستان از داستان های مثنوی، نقد و تحلیل و ارائه ی داده های آماری پرداخته شده است. داستان ها دارای پیرنگی ساده هستند. زبان مولوی، سادگی و بی پیرایگی لفظی، معنی ژرف سهل و ممتنع، به کارگیری قصه و تمثیل و تبع آن، جهان شمول بودن این شاهکار جاوید ادب فارسی بدان تازگی بخشیده است و آن را از بسیاری جوانب از جمله در ساختار داستانی، قابل بررسی کرده است.فضا و لحن در آغاز داستان ها بیشتر غم آلود و پر از ترس و دلهره است که در پایان به شادی تبدیل می شود. پیرنگ داستان ها نیز ساده اند که از پایان بسته برخوردارند و روابط علی و معلولی بین حوادث قوی است.

کلید واژه ها: پیرنگ، شخصیت، عناصر داستان،، مثنوی، مولوی.

[۱]- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی؛ رایانامه: dr_ maalmir@yahoo.com
[۲]کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی،

بررسی مواد تشبیه به عنوان یک ویژگی سبکی در غزلیات حافظ برخیز معینی کرمانشاهی

محمدابراهیم مالمیر[۱]
فاطمه هوشنگی[۲]

چکیده:

از جمله مهم ترین دستگاه های زبان، دستگاه بلاغی است که شامل همه تزئینات بیانی و بدیعی و به تعبیری همه عناصر جمالی متن می شود. دستگاه بلاغی برجسته ترین و مهم ترین دستگاه زبان ادبی است که می توان روند آفرینش ادبی را در آن ملاحظه نمود. زیرا به نظر می رسد نخستین دگرگونی های سبکی در این دستگاه روی می دهد. اساسی ترین رکن این دستگاه تشبیه است. در این مقالهسعی می شود با استفاده از آماری که از بررسی غزلیات دیوان حافظ برخیز معینی کرمانشاهی در دست است یکی از مباحث تشبیهی، یعنی مواد تشبیه که نشان دهنده نوع بینش معینی کرمانشاهی می تواند باشد، به عنوان یکی از ویژگی های سبکی پرداخته شود. مواد تصویر سازی در تشبیهات معینی کرمانشاهی از کوچکترین و بی اهمیت ترین پدیده های هستی گرفته تا بزرگترین پدیده های خلقت را شامل می شود. او در تصویر سازی هایش خود را مکلف به قید و بند خاصی نکرده و خیلی راحت و زیبا به تصویر سازی و تشبیه می پردازد.

کلید واژه: تشبیه، تصویر سازی، مواد تشبیه، معینی کرمانشاهی، ویژگی سبکی.

[۱] دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی
[۲] کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی؛ رایانامه: hoshangifateme@gmail.com

شَعْر شبگون یا شار گلنار؟

فاطمه ماهوان[۱]

چکیده:

یکی از ابهامات *شاهنامه* واژهٔ شَعر در داستان دیدار شبانهٔ زال و رودابه است. برطبق نظر محقّقان، دو معنی زیر را می‌توان برای واژهٔ شعر در نظر گرفت: ۱ـ گیسو ۲ـ پارچهٔ نازک ابریشمین. این پژوهش سعی دارد تا با همراه کردن نظام نشانه‌ای متنی و تصویری با یکدیگر، ضبط و معنای صحیح این واژه را مشخّص کند.شَعْر واژه‌ای عربی است و همین امر این سؤال را در ذهن محقّقان برانگیخته که چرا فردوسی در کتاب عجم از لفظ عربی «شَعْر» استفاده کرده‌است و چه‌بسا که نگارش این واژه از اغلاط کاتبان باشد. در این پژوهش برای دستیابی به ضبط صحیح واژه شعر/ شار، ابتدا نظام نشانه‌ای متنی را بررسی می‌کنیم تا استدلال پژوهشگران در گزینش ضبط شعر/ شار بر ما روشن شود. سپس به سراغ نگاره‌های مربوط به این مجلس می‌رویم تا دریابیم نگارگران این واژه را چگونه به تصویر درآورده‌اند. برای دستیابی به بینشی دقیق‌تر، یافته های پژوهش را با روش آماری مورد سنجش قرار می‌دهیم. این پژوهش از طریق روش آماری و در نظر گرفتن نظام نشانه‌ای متنی و تصویری ضبط شار گلنار را صحیح می‌داند.

کلیدواژه‌ها: شعر، شار، نگارگری، *شاهنامه*، تصحیح متن

[۱]دانشجوی پسادکتری زبان و ادبیّات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد، ایران؛ رایانامه: fmahvan@yahoo.com

مقایسهٔ تطبیقی طرح، موضوع و ساختار دو داستان از تاریخ بیهقی بر اساس نظریهٔ‌معنا-ساختاری گرماس
(مطالعهٔ موردیداستان دو سپهسالارحاجب غازی و اریارق)

وحید مبارک[۱]

چکیده

تاریخ بیهقی همچون رمانی است که تمام دههٔ حکومت مسعود غزنوی را با مقداری ازاتّفاقات پیش از حکومتش در بر می‌گیرد، در این صورت می‌توانیم بخش‌های مختلف آن را برش‌هایی از یک رمان تلقی کنیم؛ با این نگاه که، تاریخ بیهقی را یک زندگی کامل با تمام جوانبش دانسته ایم و داستان‌های درون آن را برش‌هایی از آن زندگی؛(هرچند که بحث داستان‌های فرعی و مجزای گنجانده شده در درون تاریخ بیهقی امری متفاوت است.)

دوداستان کوتاه اریارق و حاجب غازی برش ها وحلقه هایی از سلسله حوادث دربار مسعودی اند و بیهقی با دقت نظر آنها را نقل کرده است. اریارق سپهسالار محمودی و صاحب الجیش هند است و حاجب غازی(اسفتکین) سپهسالار مسعودی است که نیشابور را در ضبط مسعود می‌آورد و نخستین سپهسالار یاری کنندهٔ مسعود است که وی را در تحکیم سلطنتش یاری می‌کند. با اینهمه، هر دو سپهسالار، فرو گرفته می-شوند. شیوهٔ فروگرفتن آنان و رابطه‌های علّی و معلولی حوادث و یا طرح آنها، با موضوع داستان هر یک از آنان و نیز ساخت و روند کلی داستان‌ها که از آرامش روی به نوسان و سپس تغییر شرایط و دگرگونی دارند، این دو داستان را بسیار شبیه به هم کرده است، چنانکه گویی بیهقی داستان واحدی را البته با کمی جابه جایی تکرار می‌کند. البته با قرار دادن این دو داستان در قالب معنا- ساختاری و در الگوی کنش های تقابل‌های دوگانه ی گرماس که دیدی معنا-ساختاریدارد شباهت الگوها نیز خود را نمایان می‌سازند و قابلیت‌های دو داستان برای تحلیلی معنا-ساختاری رانیزثابت می‌کند.

واژگان کلیدی: داستان، تاریخ بیهقی، شباهت از دیدگاه معنا-ساختاری گرماس، اریارق، حاجب غازی.

[۱] استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی کرمانشاه؛ رایانامه: Vahid_mobarak@yahoo.com

روانشناسی شخصیت پیران ویسه در شاهنامه بر اساس دیدگاه‌های یونگ و آیزنک

وحید مبارک[۱]
مهین پناهی[۲]

چکیده

در شاهنامه، پیران، وزیرکاردان افراسیاب و نجات بخش کیخسرو ومادرش فریگیس و مردی با نژاد و با ویژگی‌های اخلاقی مثبت وسپس منفی است. البته روند این تبدیل وضعیت،کند و آرام است.مهارت فردوسی در داستان پردازی سبب‌شده است که فردوسی با گونه‌های مختلف شخصیت پردازی در داستان، او را یک شخصیت اصلی، پویا، همه‌جانبه و بغرنج و در ابتدا نیک و سپسبدشده معرفی‌کند. یعنی، فردوسی تحول شخصیت و دگرگونی او را درداستان می‌پذیرد.
از دیدگاه تحلیل روانکاوانه و روانشناسی شخصیت، بر مبنای نظریه‌های یونگ وآیزنک، پیران چون نام خویش، فردی با شخصیت متعادل و آمیزه‌ای از برون‌گرایی با درون‌گرایی هم پایدار و هم ناپایدار (تغییرگرا؛ فعّال؛ محتاط؛ اهل معاشرت؛ پاسخ‌دهنده؛ سهل‌گیر؛ کم‌انعطاف؛ باثبات؛ هشیار و رهبر) است که در شاهنامه پدیدارمی‌گردد ولینمی‌تواند از تأثیر وراثت و محیط دور بماند، به‌طوری‌که رهبری دوراندیشانهٔ او در حمایت از سیاوش با غفلت افراسیاب و نیرنگ گرسیوز به عنوان عوامل تاثیرگذار محیط، بر باد می‌رود. پس، با پذیرش تاثیر شدید این دو عامل (تاثیرمحیط و وراثت) است که می‌توان دوگانگی شخصیت او را در شاهنامه توجیه‌کرد که گاهی حامی ایرانیان و کسی چون سیاوش است و باری دیگر، در جنگ دوازده رخ و درجنگ با گودرز و ایرانیان تا پای جان می‌ایستد وآن گونه، اسف‌بار، کشته می‌شود؛ گویی، خوبی، وجود اصلی و بدی، سایهٔ اوست که گاهگاهی خود را می‌نمایاند. این مقاله با مطالعهٔ‌کتابخانه‌ای و به روش توصیف متنوتحلیل محتوا، ابتدا به بررسی شخصیت داستانی پیران که به شناخت روانی و نقدشخصیتی او کمک می‌کند، پرداخته وسپس، روانشناسی شخصیت اورا بر اساس دیدگاه یونگ و آیزنگ نشان داده‌است.

واژه‌های کلیدی :"شاهنامه"،"داستان پیران ویسه"،" نقدروانشناسی"،"یونگ وآیزنک"،" شخصیت".

---

[۱] استدیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی کرمانشاه؛ رایانامه: vahid_mobarak@yahoo.com
[۲] کارشناسی ارشد زبان وادبیات فارسی

خوانش مسائل عصر مغول در اثر تاریخی-ادبی تاریخ جهانگشا و مقایسهٔ آن با پاره‌ای از کتب تاریخی

طاهره مجیدی پور[۱]
وحید مبارک[۲]

چکیده

تاریخ پدیده‌ای پویااز حوادث، پیشامدها، تغییرات در ابعاد مختلف بشری است که با وجود تاریخ‌نگار امکان ثبت و وصف وجوه گوناگون و احوال بشری را در عرصه‌های مختلف امکان‌پذیر می-سازد.عطاءالملک‌جوینی(۶۸۱-۶۲۳) هم تاریخ‌نگاری است که با قلمی گیرا به ذکر حوادث عصر مغول پرداخته‌است. شرایط حاکم بر فضای جامعه از یک‌سو و از سوی دیگر قریحه و ذوق ادبی نویسنده، کتاب *تاریخ‌جهانگشا* را اثری تاریخی-ادبی می‌سازد. این نوشتار بر آن است تا حوادث عصر مغول و شخصیت-های برجستهٔ این قوم را به شیوه‌ای توصیفی-تحلیلی براساس پاره‌ای از کتاب‌های تاریخی با *تاریخ-جهانگشای* جوینی مقایسه و بررسی کند. یافته‌ها نشان‌می‌دهندکه پاره‌ای از حوادث تاریخی به‌ویژه در آغاز حمله و شروع حکومت مغولان در تاریخ‌جهانگشا با سایر کتب تاریخی یکسان آمده‌است، درحالیکه در پاره‌ای از موارد خصوصاً بعد از استیلای مغولان دربارهٔ مسائل مذهبی و دینی و نیز هوس‌رانی‌های حاکمان مغول سکوت کرده‌است؛ ازاین‌روی برای شناخت جامعی از مسائل عصر مغول وجود سایر کتب تاریخی روزگار خود و تاریخ‌معاصر را ضروری می‌سازد.

واژگان کلیدی: تاریخ‌نگار، تاریخ‌مغول، مسائل‌عصرایلخانان، تاریخ‌جهانگشا و عطاءالملک‌جوینی

[۱] دانشجوی دورهٔ کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی؛ رایانامه MAJIDIPOURF@YAHOO.COM
[۲] استادیارگروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی کرمانشاه

بررسی تطبیقی پیرنگ در اساطیر همسوی شاهنامه و ایلیاد (موردکاوی نبرد رستم و اسفندیار با آشیل و هکتور)

فرشته محجوب[۱]

چکیده

پیرنگ یا طرح یا پلات داستان، نوعی قاب بندی و نقش مایه است که وقایع و رویدادهای پیاپی را که قانون علت و معلولی در آن مستتر باشد در برمی گیرد. پیرنگ، چارچوب داستان را شکل می دهد و ساختار کنش ها و حوادث داستانی را براساس نظمی خاص و به کمک شخصیت ها پی می ریزد. بنا بر تعریف ادوارد مورگان فورستر، داستان روایت رویدادهایی است که در توالی زمانی منظم شده باشد. پیرنگ نیز روایت رویدادها است که در آن بر تصادف تأکید شده باشد. برای تحلیل الگوی پیرنگ یک داستان نظریه های متعددی وجود دارد که از عمده ترین آن ها نظریه های «تزوتان تودوروف»، «کلود برمون» و «گریماس» است که با ابداع نظام های مبتنی بر نمایش شکلواره ای برای روایت، هر یک طرحی بر پایهٔ چگونگی روابط بین کوچکترین واحدها پیشنهاد می کنند.

حکومت یونانی باختر در شمال شرقی ایران، نخست در ماوراء النهر و بلخ و آنگاه در درهٔ سند و سپس در دورهٔ پادشاهان سلوکی باعث تاثیرات فرهنگی ماندگار یونانی در ایران و بیش از همه در هنر شده است. در زمرهٔ این تاثیرات حماسهٔ « رستم و اسفندیار » است که متأثر از اسطورهٔ « آشیل و هکتور » یونانی در ایلیاد است. شباهت های میان دو اسطوره به وضوح نشان می دهد که طرح هر دو داستان مشابه است. اسفندیار رویین تن به دستور گشتاسب ، شاه ایران ، برای اسارت رستم به زابل می رود و رستم به یاری سیمرغ اسفندیار را از نقطهٔ آسیب پذیر چشمانش می کشد. در ایلیاد نیز آشیل رویین تن برای بازپس گیری هلن اسپارتی که به وسیلهٔ پاریس ربوده شده به همراه سپاه یونان به تروا حمله می کند و در این نبرد هکتور، برادر پاریس را می کشد و خود به راهنمایی آپولون با تیری که به وسیلهٔ پاریس بر پاشنهٔ پایش که نقطهٔ ضعف او است می خورد کشته می شود.

پژوهش حاضر بر اساس الگوهای موجود در باب پیرنگ به واکاوی عناصر متشکلهٔ هر یک از دو حماسهٔ رستم و اسفندیار و آشیل و هکتور خواهد پرداخت. حاصل این جستار آن است که پیرنگ هر دو داستان از شش سلسلهٔ متوالی تشکیل می شود که هریک به چندین تعادل و قضیه مشابه تقسیم می گردد و طرح هر دو نیز برمبنای زمان گاهنامه ای تنظیم شده است.

کلیدواژه : رستم، اسفندیار، آشیل، هکتور، شاهنامه، ایلیاد

[۱] استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور؛ رایانامه: f.mahjoub1354@yahoo.com

بررسی زبان شناختی عناصر انسجام متن در زبان فارسی از دیدگاه تحلیل کلام « موردکاوی مثنوی معنوی و غزلیّات شمس »

فرشته محجوب[۱]

چکیده

آنچه متن را یک پارچه می کند و از نوشته های پراکنده متمایز می سازد انسجام است. انسجام متن حاصل روابط جمله ها با یکدیگر است و مفهومی است که به اتّصال جملات اشاره دارد. این اتّصال زمانی رخ می دهد که یک عامل در بخشی از سخن به عاملی در بخش دیگر پیوسته باشد. در این حالت رابطهٔ انسجامی به وجود می آید و متن شکل خواهد گرفت.در شعر نیز پیام شاعرانه به کمک ادراک انسجام درونی شعر و ارتباط عناصر ادبی آن با یکدیگر عینیت می‌یابد. بر اساس زبان شناسان نظریه پردازی همچون هالیدی، عناصر انسجام متن به سه دستهٔ « دستوری، واژگانی و پیوندی » تقسیم می شود که هر کدام شامل چند زیرمجموعه است.

جستار حاضر به تحلیل زبان مولانا در مثنوی معنوی و غزلیات شمس بر اساس شاخص های انسجام زبان خواهد پرداخت. از استنتاج حاصل از این امر و بر اساس تحلیل داده های مستخرج، می توان دریافت با آنکه زبان مولانا از پیوستگی خاصی برخوردار است با این وجود این انسجام در مثنوی و دیوان شمس به روش های متفاوتی ایجاد شده است.

شاخص ترین گونهٔ انسجام در غزلیات شمس « تکرار » است. این تکرار گاه بدون اشارهٔ مستقیم و تنها با تکرار واژه هایی با یک مؤلفهٔ معنایی مشترک باعث آفرینش تصویر می شود و گاه با کاربرد واژه های متضاد، واژه های فراگیر یا عناصردستوری یا بااستمرار خطی مبتدا باعث یکپارچگی و وحدت مفهومی کلام می گردد. در بسیاری از غزل ها نیز ابیات با یک واژه آغاز می شود و این بافت ارگانیک با تکرار واژهٔ مذکور در آغاز ابیات سبب انسجام می شود زیرا مبتدا یا آغازهٔ ابیات یکسان است.پس از « تکرار »؛ « جایگزینی » از عناصر شاخصی است که در محور عمودی غالب غزلیات شمس دیده می شود.

[۱]استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور؛ رایانامه:f.mahjoub1354@yahoo.com

در مقابل به دلیل آنکهمثنوی یک متن تعلیمی و روایی است که به شیوهٔ حکایت در حکایت تنظیم شده، مانند بیشتر متون همسان، یکسان بودن مبتدا یا آغازه در سراسر روایت، نوعی پیوستگی ایجاد می کندکه سبب می شود ذهن خواننده با متن درگیر باشد. در مثنوییپیوستگی که از نوع تداعی معانی باشد نمودی در ظاهر متن ندارد و کمتر به چشم می آید. ارتباط هر روایت با روایت بعدی، بیشتر ذهنی است و از این رو کمتر می توان ارتباط هر روایت با روایت دیگر را دریافت.از نظر گونه های فراوانی عوامل انسجام در مثنوی، نخست انسجام واژگانی و سپس تداعی معانی و تمثیل و پس از آن پیوند است.

کلیدواژه: مولوی، مثنوی معنوی، غزلیات شمس، انسجام کلام، متن

تحلیل اندیشه وحدت وجود در دفتر اول مثنوی

رامین محرمی[۱]
مالک قاسمی [۲]
پیام فروغی‌راد[۳]

چکیده

اندیشه وحدت وجود یکی از اندیشه های مطرح در تاریخ عرفان اسلامی است و تعداد کمی از اصطلاحات صوفیه به اندازه این اصطلاح شهرت دارد. اولین تعریف مشروح و روشن این اصطلاح را غالباً به *ابن عربی* منسوب می کنند، شخصیتی که تأثیر زیادی بر عارفان بعد از خود گذاشت و عرفان را به صورتی نظری تدوین کرد. او معتقد است هیچ چیز جز خدا وجود ندارد و وجود مطلق از آنِ خداست. البته این تعریف بر گرفته از شعار *لا اله الّا الله* است و مسلماً قبل از ابن عربی افرادی بوده اند که چنین برداشتی داشته اند و نمی‌توان گفت که هر کس که چنین برداشتی دارد از او تأثیر پذیرفته است. در این مقاله که به بررسی و تحلیل اندیشه وحدت وجود در دفتر اول مثنوی خواهیم پرداخت، برآنیم تا مشخص کنیم که اولاً آیا مولانا قائل به اندیشه وجودی است یا خیر؟ اگر به این اندیشه اعتقاد دارد؛ آیا در بیان آن از ابن عربی تأثیر پذیرفته است یا خیر؟ دو دیدگاه در این مورد وجود دارد، دیدگاهی که معتقد است مولوی از ابن عربی تأثیر پذیرفته است و دیدگاهی که معتقد است سخنان مولوی موافق سخنان ابن عربی است نه این که متأثر از آرای ابن عربی باشد. دیدگاهی نیز اخیراً مطرح شده است که مولانا را بیشتر وحدت شهودی می داند تا وحدت وجودی. که در این مقاله به بررسی این دیدگاه‌ها با استفاده از ابیات دفتر اول مثنوی خواهیم پرداخت.

کلید واژه: وحدت وجود، وحدت شهود، ابن عربی، مولانا، مثنوی

---

[۱] دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی
[۲] کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی
[۳] دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی؛ رایانامه: foroghirad@uma.ac.ir

تحلیل تطبیقی کلان‌دوره‌های آفرینش و نخستینه‌ها در شاهنامهٔ فردوسی و بهشت گمشدهٔ میلتون

رامین محرمی[۱]
چیمن فتحی[۲]
چیمن فتحی[۳]

چکیده

در طبقه‌بندی اساطیر اقوام مختلف، اسطورهٔ آفرینش جایگاه ویژه‌ای دارد چراکه بن‌مایهٔ آفرینش، بنیادی‌ترین سویهٔ اسطوره‌هاست و اساس جهان‌بینی هر مذهبی برآن نهاده شده است. این اسطوره دربردارندهٔ مباحث یا کهن‌الگوهایی است که تقریباً در همهٔ روایت‌های اساطیری دنیا از جمله حماسه‌های اساطیری، جایگاه ویژه‌ای دارند. هدف این جستار تشریح تطبیقی کلان‌دوره‌های آفرینش اساطیری و بررسی توصیفی و تحلیلی نمودهای نخستین آفریده و نخستین زوج(زن و مرد) بشر در کهن‌الگوی آفرینش ایرانی و مسیحی با تکیه بر دو حماسهٔ اساطیری *شاهنامهٔ فردوسی* و *بهشت گمشدهٔ* جان میلتون انگلیسی است. روش تحقیق، کیفی و رویکرد غالب ناظر بر تحلیل‌ها رویکرد نقد اسطوره‌ای گاه با تکیه بر گزاره‌های روانشناختی و گاهی رویکرد توصیفی با تکیه بر گزاره‌های دینی است. نتیجهٔ تطبیق تحلیل‌ها، رسیدن به پیوندگاه‌های محکم این دو اثر بزرگ حماسی در باور یگانه‌انگار و توحیدی دو شاعر؛ حضور دو سویهٔ نیکی و بدی در جریان آفرینش هستی؛ بازتاب خِرَد چونان نخستین آفریدهٔ خداوند؛ و پذیرش تأویل روانشناختی یونگی در کهن‌الگوی نخستین زوج بشر چونان جلوه‌های مختلف یک وجود واحد(دو کهن‌الگوی آنیما و آنیموس) است.

واژه‌های کلیدی: اسطورهٔ آفرینش، شاهنامه ، بهشت گمشده، اسطورهٔ نخستین آفریده، اسطورهٔ نخستین زوج بشر

---

[۱] دانشیارزبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی
[۲] دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی
[۳] دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی

مؤلفه های ملی و دینی در شعر دو پرچمدار جنبش مشروطه و انقلاب اسلامی (ملک الشعرای بهار و سید حسن حسینی)

فاطمه محسنی گردکوهی[۱]
علی محمد موذنی[۲]

چکیده :
در یک سدهٔ اخیر در تاریخ معاصر ایران وقایع و رخدادهای فراوانی روی داده است اما بی‌شک دو انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی در زمرهٔ مهمترین وقایع تاریخ معاصر ایران به شمار می‌روند.اساسی‌ترین اهداف داخلی و خارجی هر دو انقلاب عبارت بود از ادارهٔ کشور براساس قانون، مبارزه با استبداد داخلی و خارجی مقابله با نفوذ بیگانگان، استقلال طلبی و آزادی‌خواهی و تحقق این اهداف در جنبش مشروطه در بستر هویت ملی و در انقلاب اسلامی در بستر هویت مذهبی امکان‌پذیر گردید.پیش از نهضت مشروطه و انقلاب اسلامی زمزمه های تغییر در میان نخبگان به گوش می رسید سروده‌های گویندگان این دو دوره، سرشار از درون مایه های نو چون آزادی، استقلال، بازگشت به خویش و وطن دوستی و فداکاری و ایثار و توصیف الگوهای مذهبی برای مبارزه بود.در میان این گویندگان، بهار با آگاهی عمیق از سنت های شعر فارسی و درک درست از مسائل اجتماعی – سیاسی و سید حسن حسینی با زبان ساده و خلق تصاویری نو، از شاعران پیشرو این دو دوره به شمار می روند که سهم قابل توجهی در بالندگی ادبیات نهضت مشروطه و انقلاب اسلامی داشته‌اند.بررسی مؤلفه های ملی و مذهبی در شعر و زبان این دو گوینده نشان دهندهٔ شباهت‌های حرکت‌های اجتماعی در ایران در سدهٔ اخیر است و این نکته در زبان گویندگان این ادوار به روشنی خود را باز می‌تاباند. البته تمایزی که در زمان شاعران این دو دوره مشاهده می شود تفاوت در اولویت ها و تأکید بر هویت دینی یا ملی در آن‌هاست.در این پژوهش نگارنده قصد دارد با بررسی مؤلفه های ملی و مذهبی در شعر بهار و سیدحسن حسینی، اشتراک آرمان‌ها و اهداف نهضت مشروطه و انقلاب اسلامی را بکاود تا آرمان های دیرینهٔ ملت ایران رخ بنماید.

کلید واژه : مؤلفه های ملی ، مؤلفه های دینی ، نهضت مشروطه ، انقلاب اسلامی ، بهار و سید حسن حسینی.

[۱] دکترای زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه: Fatemeh mohseni 57 @ yahoo.com
[۲] دکترای زبان و ادبیات فارسی

«بررسی تطبیقی قصّه‌های کلاسیک، با رویکرد قصّه‌درمانی (قصّه‌های تعلیمی، عرفانی، حماسی)»

شاهرخ محمدبیگی[۱]
سمیه رضایی[۲]

چکیده

از زمانی‌که بشر قدم به عرصهٔ هستی گذاشت،از قالب قصّه و داستان، برای جلب مخاطب و تأثیر بیشتر بر او استفاده کرده است. خواننده یا شنوندهٔ داستان، با هم‌ذات‌پنداری با قهرمان آن، به تجربیّاتی دست می‌یابد که بی‌تردید در نوع نگرش او به جهان هستی، تأثیر گذار خواهد بود؛ تا جایی که روش درمانی به نام قصّه درمانی به وجود آمده است. قصّه‌های متون کلاسیک فارسی قابلیّت بازنویسی بسیاربه زبان سادهٔ امروزی را دارند. این قصّه‌ها که در ژانرهای مختلفیبه وجود آمده‌اند، می‌توانند، برای درمان ناهنجاری‌های اخلاقی،به‌خصوص در کودکان بسیارمفید باشند. در این پژوهش،کلیله و دمنه، مرزبان‌نامه و سندبادنامه، از گروه ژانرهای تعلیمی، مثنوی و قصّه‌های شیخ عطار که زیرمجموعهٔ ژانر غنایی هستند، و قصّه‌های شاهنامه، از نوع حماسی انتخاب گردید؛ به این دلیل که متون نام‌برده، نمونه‌هایی منحصر به فرد از انواع یادشده می‌باشند.سپس مقایسه‌ای میان آنان از نظر تنوّع مولّفه‌ها و نوع آن‌ها صورت گرفت و نهایتاً این نتیجه حاصل شد که پیام‌های هر ژانر نسبت به ژانرهای دیگر، نقاط اشتراک و افتراقی دارند؛ اما مشخّصه‌ای که در یک ژانر غالب است و در درجهٔ اول اهمّیّت قرار دارد، در ژانرهای دیگر، این‌گونه نیست. مؤلّفه‌های بارز در نوع تعلیمی، «تصمیم‌گیری بر اساس عقل و منطق» در نوع عارفانه، «مکافات عمل و دیدن جزای گناهان» و در ژانر حماسی«ارائهٔ الگوی اعتماد به نفس و شجاعت» می‌باشد.

کلید واژه: قصّه، قصّه درمانی، ادبیّات کودک، انواع ادبی، تعلیمی، عرفانی، حماسی، مؤلّفه‌های درمانی.

[۱] دانشیار بخش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز؛ رایانامه: journalhz@gmail.com
[۲] دکترای زبان و ادبیات فارسی

بررسی پیوند نمادهای حیوانی و مضامین سیاسی-اجتماعی در اشعار میرزاده عشقی

سمیرا محمدزاده[۱]

رامین محرمی [۲]

چکیده

در ادبیات فارسی، همچون ادبیات سایر زبان‌ها، شاعران و نویسندگان به دلایل بسیاری از جانوران کمک گرفته‌اند. که این امر علاوه بر جذاب‌تر نمودن مطالب در نزد خوانندگان، فهم موضوعات را برای آنان آسان‌تر می‌کند.درحقیقت می‌توان گفت تمثیل حیوانی معروف‌ترین نوع تمثیل است که شاعران کمابیش در آثار خویش به گونه‌های مختلف به کار برده‌اند؛ درواقع امروزه هدف از به کار بردن تمثیل حیوانی بیشتر جنبه اجتماعی تعلیمی دارد؛ در ادبیات و داستان‌های کودکانه نیز کاربرد زیادی دارد. با پنهان کردن شخصیت انسانی خود در پشت سر قالبهای حیوانی برای موعظه ، حکمت، عبرت‌آموزی و برجستگی جنبه‌های سمبولیک اخلاقی، راهی تازه یافتند. اشعار هر شاعر و نویسنده‌ای متأثر از خلق و خوی و محیط اجتماعی اوست.ما در این مقاله به بررسی پیوند نمادهای حیوانی و مضامین سیاسی-اجتماعی در اشعار میرزادهٔ عشقی می‌پردازیم که ضمن بررسی ویژگی‌های اخلاقی و جامعه‌ای که میرزاده عشقی در آن زندگی می‌کرد به بررسی بیشترین و پرکاربردترین نمادهای حیوانی به کار رفته در دیوان او نیز می‌پردازیم.در دیوان عشقی «شیر» نماد قهرمانان «سگ» نماد دشمنانی که جرأت حمله ندارند و فقط پارس می‌کنند «روباه» نمادانگلیس که شخصیتشان حیله‌گری و خباثت است و «خر» نیز نماد خدمتگزاران نادان و خیانتگر جامعه است.

کلیدواژه: حیوانات، فابل، مضامین سیاسی و اجتماعی، میرزاده‌عشقی، شعر مشروطه.

[۱] دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه محقق اردبیلی؛ رایانامه:s72.mohammadzade@gmail.com

[۲] دانشیار دانشگاه محقق اردبیلی

بررسی ویژگی‌های زبانی اشعار عمادی شهریاری

هوشنگ محمدی افشار[۱]
مجاهد غلامی[۲]
زهرا طیّاری[۳]

چکیده

عمادی شهریاری، ازجملهشاعرانقرنششمهجریاستکهبه‌رغم شهرتی که در زمان خود داشته است، امروزه آن‌چنان‌که شایسته است، شناخته‌شده نیست. بررسی اشعار عمادی نشان می‌دهد که وی، شاعری تواناست و ترکیب‌سازی‌های بدیع و برجسته در شعر ش نمایانگر این است که به‌اندازۀکافیبرزبانتسلّطدارد. به نظر می‌رسد عمادی همانند دیگر شاعران قرن ششم، به کاربرد لغاتعربی و اصطلاحات علمی و نجومی در اشعارش توجّه داشته و با آموزه‌های عرفانی نیز بیگانه نبوده است. در این جستار برای آشنایی با سبک این سخنور و پاسخ به این سؤال که مهم‌ترین ویژگی زبانی متمایز عمادی نسبت به دیگر گویندگان هم‌عصر وی کدام است، به روش توصیف و تحلیل‌محتوا، اشعارش در سه سطح موسیقی، واژگانی و نحوی موردبررسی قرارگرفته است. دستاوردهای این بررسی بیان‌گر آن است که شاعر در افزایش موسیقی درونی کلام، از میان انواع آرایه‌های لفظی، به ترتیب از موازنه، جناس و واج‌آرایی، بیش‌ترین استفاده را برده است. کاربرد لغات عربی و اصطلاحات علمی، در اشعار عمادی به‌گونه‌ای نیست که فهم شعرش را دشوار سازد؛ بلکه برخلاف هم‌عصرانش ازجمله خاقانی و انوری، لغات و اصطلاحاتی را به‌کاربرده است که برای عموم مخاطبان قابل‌فهم باشد.

واژگان کلیدی: عمادی شهریاری، سبک‌شناسی، ویژگی‌های زبانی.

---

[۱]-استادیار زبان و ادبیّات فارسی و عضو هیأت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان؛
[۲]-استادیار زبان و ادبیّات فارسی و عضو هیأت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان
[۳]-دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان؛ رایانامه: zahratayyarei95@gmail.com

جلوه‌های پایداری در اشعار ملک‌الشّعرای بهار و خلیل‌الله خلیلی

هوشنگ محمدی افشار[۱]

نسیمه رمضانی سربندی[۲]

چکیده

ایران و افغانستان، دو کشوری که دارای پیشینهٔ فرهنگی، تاریخی، زبانی، ادبی و مذهبی مشترکی می‌باشند، در سده‌های اخیر آبستن حوادث متعددی نظیر انقلاب مشروطه و نفوذ بیگانگان به ایران و همچنین کودتای مارکسیستی و جنگ‌های داخلی در افغانستان بوده‌اند که منجر به شکل‌گیری و بالندگی ادبیات پایداری و مقاومت در این سرزمین‌ها شده است. محمدتقی بهار و خلیل‌الله خلیلی نیز به نوبهٔ خود جایگاه والایی در عرصه شعر پایداری این دو سرزمین دارند.

این پژوهش با تکیه بر مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی به بررسی جلوه‌های پایداری دو شاعر مذکور و تعیین تفاوت‌ها و اشتراکات موضوعی آن‌ها پرداخته است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد: اشعار پایداری این دو شاعر در دو دستهٔ پایداری انسانی- جهانی و بومی- ملی جای می‌گیرند و شامل مضامینی همچون انتقاد از جنگ و کشتار در سراسر گیتی، انتقاد از به کار بردن سلاح‌های اتمی، انتقاد از تهاجم خارجی و نفوذ و دخالت بیگانگان در کشور، تعهد نسبت به سایر ملت‌ها به ویژه ملل مسلمان، تعهد نسبت به وطن و سرزمین مادری، نفی استبداد و خودکامگی، به تصویر کشیدن فقر، نبود عدالت و اوضاع نامساعد جامعه، ستایش آزادی و آزادگی و ... هستند.

واژه‌های کلیدی: جلوه‌های پایداری، ملک‌الشعرای بهار، خلیل‌الله خلیلی

[۱] عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیّات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان؛ رایانامه: h.afshaar@gmail.com

[۲] دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیّات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان

بررسی تطبیقی عناصر اجتماعی و انسانی در شعر نیمایوشیج و ناظم حکمت

هوشنگ محمدی افشار[۱]

فاطمه یزدی‌زاده[۲]

چکیده

فضای اجتماعی پرآشوب و دردآلود زمانهٔ نیمایوشیج و ناظم حکمت به عنوان دو شاعر برجسته و متعهد، باعث شده است که آن‌ها مضامین اجتماعی را بخشی از درون‌مایه‌های اشعار خود قراردهند .در واقع دردهای مشترک جامعهٔ انسانی باعث به وجود آمدن مضامین مشترک اجتماعی و انسانی شده است. نگارندگان این مقاله با بررسی تطبیقی اشعار این دو شاعر متعهّد بر مبنای مکتب آمریکایی پرداخته اندکه معتقد است بررسی تاثیرات متقابل میان ادبیّات ملل لزوماً نیازی ندارد به یافتن مدارک تاریخی و شواهد قطعی برای وجود ارتباط؛ بلکه عوامل دیگری چون زمینه‌ها و روحیّات انسانی در جامعهٔ بشری میان بسیاری از ملّت‌ها ممکن است مشترک باشد و باعث ایجاد مضامین مشترک و شباهت‌ها شده باشد. به نتایج زیر دست یافته است:
مضامین مشترکیچون وطن دوستی، انتقاد از نابرابری‌های اجتماعی، فقر و محرومیّت در جامعه، انتقاد از فضای اختناق‌آمیز، عدم آزادی و ... در شعر هر دو شاعر نمود یافته است و در نهایت این پژوهش به روش تحلیلی و توصیفی به نگارش در آمده است.

واژه‌های کلیدی: نیما یوشیج، ناظم حکمت، عناصر اجتماعی و انسانی، ادبیات تطبیقی.

[۱]عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان؛ رایانامه: h.afshaar@gmail.com
[۲]دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیّات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان

آیین جنگ و رویارویی با دشمن در قابوس‌نامه، سیاست‌نامه، مرزبان‌نامه و کلیله و دمنه

حمزه محمدی ده‌چشمه[۱]
فریبا معینی نجف‌آبادی[۲]

چکیده

ملّت‌ها با آئین‌ها، آداب و رسوم و باورهای خاصّ فرهنگ و محیط خود پایدارند و به زندگی ادامه می‌دهند.در آثار گذشته ایران، جسته و گریخته به جنبه‌های مختلف آئین‌ها توجّه شده است. ادبیّات کلاسیک فارسی، سرشار از داستان‌های عامیانه است و این داستان‌ها منبع مهمّی برای مطالعه و تحقیق در زمینه آئین‌ها و رسوم و فرهنگ مردم گذشته می‌باشد.آئین‌های قوم ایرانی مجموعه باورها و سنّت‌های مردمی است که از دیرباز آن را خلق کرده و در طول اَعصار، زنده و پابرجا گذاشته‌اند. آئین‌های ملّت ایران دارای ارزش‌ها و نوآوری‌های است که با جستجوی آن می‌توان به عظمت آن پی برد. یکی از این آئین‌ها، آئین جنگ است.نگارندگان در این مقاله سعی خود را بر این نهاده‌اند تا خصوصاً آئین جنگاوری و مقابله با دشمن را در چهار اثر گران‌قدرِ ادبیّات فارسی (قابوس‌نامه، مرزبان‌نامه، سیاست‌نامه و کلیله و دمنه)، به تصویر بکشند. اهمّیّت این پژوهش در آن است که مطالعه و تحقیق در زمینه آئین‌های مردم از اهمیّت زیادی برخوردار است؛ زیرا باعث آشنایی بیشتر مردم با فرهنگِ خودی و اصالت آن می‌شود. همچنین از آن‌جا که فرهنگ مردم هر ملّت، انعکاسِ ذوق و هنر و شیوه تفکّر و خُلق و خوی آن ملّت است، موجب آشنایی افراد با اوضاع زمان، طرز زندگی و در نتیجه تحوّل و تکامل فکری و اجتماعی ملّت‌ها در دوره‌های مختلف و نیز موجب حفظ ارزش‌ها و میراث کهن ملّی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: دشمن، جنگ، کشورگشایی، کلیله و دمنه، سیاست‌نامه، قابوس‌نامه، مرزبان‌نامه

[۱] مدرّس زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور شهرکرد؛ رایانامه:hamzehm661@gmail.com
[۲]دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد شهرکرد

نقش «نیستی» در مفهوم‌سازی وادی‌های سلوک در منطق‌الطیر

علیرضا محمدی کله‌سر[۱]
سوسن موسایی گله[۲]

چکیده

مفهوم «نیستی»عنصر بنیادین اندیشهٔ عرفانی عطاراست که به شکل سلبی و در تقابل با هستی در آثار وی توصیف شده است. تقابل هستی و نیستی در چهار وجه و به‌صورت تقابل‌های «تعلق/ رهایی از تعلق»، «تعین/ رفع تعین»، «مقصد اندیشی/ راه اندیشی» و «جزو/ کل» نمود پیدا می‌کند. یک سوی این وجوه، متعلق به هستی و سوی دیگر آن متعلق به نیستی است.هدف مقالهٔ حاضرنشان دادن این نکته است که تلقی عطار از وادی‌های سلوک در منطق‌الطیر نیز بر بنیان مفهوم نیستی بنا شده است. بنابراین، توصیفات عطار از هریک از این وادی‌ها بر یک یا چند وجه از وجوه چهارگانهٔ نیستی تکیه دارند. می‌توان گفت اگرچه این وادی‌ها در ظاهر چینشی ترتیبی و سلسله‌مراتبی دارند، همگی بر محور مفهوم نیستی تعریف شده‌اند. این نکتهٔ روش‌شناختی در عرفان عطار موجب شده تا در کلّساختار منطق‌الطیر، به‌ویژه تعریف وادی‌ها، ارتباطی نظام‌مند میان مفاهیم، اصطلاحات و وادی‌ها پدید آید.

کلیدواژگان: عطار، نیستی، تقابل، روش‌شناسی، اصطلاحات عرفانی.

[۱] استادیار دانشگاه شهرکرد؛ رایانامه: a.mohammadi344@gmail.com
[۲] دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه شهرکرد

نقد فرمالیستی بر شعر باغ من
(اخوان ثالث)

نریمان محمدی گلباغی [۱]

چکیده :

یکی از شاهکارهای شعری اخوان ثالث دفتر شعر زمستان است. دراین دفتر مجموعه ای از اشعار ناب اخوان وجود دارد.یکی از این اشعار،شعر«باغ من»است، در این شعر ،شاعر از واژگانی استفاده کرده است که نشان دهنده نوعی خفقان در جامعه زمان شاعر می باشد ،و همچنین از لابه لای این واژگان حس غربت و تنهایی برای ما القاء می شود.در این متن علائم سجاوندی به طرزی ارائه شده است که نشان دهنده توقف،ایستایی و سکون است،که تلاش برای شکستن آن انجام نمی شود.البته جسته و گریخته تلاش هایی صورت می گیرد ولی این کوشش ها کم و گاها با حرکت کند صورت می گیرد و درنهایت با نقطه های پایانی در آخر سطرها این تلاش ها متوقف می شود و عملا راهی در جهت برون رفت نشان داده نمی شود. در نهایت حس ساختن با شرایط موجود برای ما از روی ظاهر کلمات ایجاد می شودو گویای این مطلب است که ما باید با شرایط بسازیم و به تنهایی نمی توان کاری را از پیش برد. که در این مقاله با شرح جزئیات به آن پرداخته شده است.

کلید واژه: نقد فرمالیستی،اخوان ثالث،باغ من،علائم سجاوندی،صورخیال،نمودارواژگانی.

[۱] کارشناس ارشد ادبیات تطبیقی؛ رایانامه: nmg09106042177@yahoo.com

تجلّی مضامین رضوی در شعر فارس کرمانشاهی

(بررسی موردی مدحیه شمس الشموس ثامن الاطهار)

مجید محمدی[۱]
ایمان قنبری اقدم[۲]
فرشته جمشیدی[۳]

چکیده

حضور مبارک امام رضا (ع) در ایران از جمله مسائل مهمی در تاریخ این سرزمین محسوب می‌شود که تأثیری غیر قابل انکار بر عرصه ادبیات دینی این دیار داشته‌است و شاعران در هر گوشه از این سرزمین، با سرودن اشعاری در قالب مدح و مرثیه، آثاری بس گرانبها را خلق کرده‌اند. در این میان شاعران کردزبان با سرودن اشعاری از این دست جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده‌اند. علی اصغر قهرمانی متخلص به «فارس کرمانشاهی» از جمله محبّان اهل بیت (ع) است که مدایح و مراثی زیبای وی درباره این بزرگواران، جلوه‌ای زیبا به اشعار وی بخشیده‌است. ترجیع بند زیبای وی با عنوان «مدح و منقبت شمس الشموس ثامن الاطهار» از جمله اشعار زیبای فارس کرمانشاهی در مدح امام رضا (ع) است.بررسی‌ها صورت گرفته از این مدیحه نشان می‌دهد که شاعر در آن به ذکر مضامین متعددی همچون رأفت و مهربانی به عنوان صفت برجسته امام، عشق خالصانه نسبت به امام، زیارت حرم مطهّر امام رضا (ع) و فضیلت آن، و بیان داستان خواندن نماز باران توسط امام رضا (ع) در زمان ولیعهدی مأمون پرداخته‌است؛ که این امر از سویی نمایانگر ارادت خالصانه این شاعر متعهد نسبت به امام رضا (ع) و از سوی دیگر نشان دهندهٔ آگاهی کامل وی نسبت به زندگانی آن حضرت است.

کلمات کلیدی: شعر شیعی، فارس کرمانشاهی، امام رضا (ع)، شعر کردی

---

[۱] استادیار گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه رازی کرمانشاه؛ رایانامه: Mohammadimajid44@gmail.com
[۲] کارشناس ارشد زبان و ادبیات عرب دانشگاه رازی
[۳] کارشناس ارشد زبان و ادبیات عرب دانشگاه رازی

سبک‌شناسی تحمیدیه‌های آثار منثور سلسلهٔ نعمةاللهی

محمد محمدی[۱]

محمدجواد عرفانی بیضایی[۲]

چکیده

پدیدآورندگان آثار ادبی در آغاز سخن، به ستایش و ثنای پروردگار و ذکر نعمت‌های الهی تبرک جسته و به روان پیامبر اکرم (ص) و خاندان ایشان درود می‌فرستند. این فرآیند در اصطلاح، تحمیدیه نام گرفته است.

بررسی تحمیدیه در آثار پدید آمدهٔ دوره‌های مختلف تاریخی و یا در میان آثار نویسندگان با داشتن یک مشرب فکری یا مذهب خاص، منجر به کسب نتایج جالب و کشف ویژگی‌های سبک‌شناسانه می‌شود.

در آثار شاعران و نویسندگان، گاهی به ویژگی‌های مشترکی برمی‌خوریم که حاکی از پیروی آن شاعران و نویسندگان از یک روش خاص یا به عبارتی از یک سبک، در پدید آوردن آثار ادبی است. این وحدت رویه و سبک یکسان در سطوح مختلف زبانی، فکری و ادبی قابل تحلیل و بررسی است.

با مطالعهٔ تحمیدیه در ۱۲۸ اثر منثور از عارف و صوفی بزرگ قرن هفتم، شاه نعمةالله ولی کرمانی و مشایخ سلسلهٔ نعمةاللهی، به منظور یافتن ویژگی‌های سبکی آنها، این نتیجه حاصل شد که تحمیدیه‌ها غالباً کوتاه و به زبان عربی بوده و در این میان، پنج اثر دارای تحمیدیهٔ مفصل به زبان فارسی است.

پس از به دست آوردن بسامد ویژگی‌های تحمیدیه‌های مورد نظر مشخص گردید که برخی از ویژگی‌های مشترک تحمیدیه‌های یاد شده بیانگر سبکی خاص است. از جمله این که عبارات متن، غالباً به نثر مسجع و آهنگین است و در همگی، استناد به آیات قرآن و روایات، فراوان به چشم می‌خورد.

واژگان کلیدی: تحمیدیه، تصوف، عرفان، سبک‌شناسی، سلسلهٔ نعمةاللهی

---

[۱]. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات دانشگاه فردوسی؛ رایانامه: mo.mohammadi7443@gmail.com

[۲]. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور

تشبیه و استعاره در منظومهٔ حماسی «جهانگیرنامه»

محتشم محمدی[۱]
امین سرانجام[۲]

چکیده:
صور خیال را نه تنها بر مبنای بررسی آن‌ها در آثار ادبی؛ بلکه بر اساس انواع ادبی نیز می‌توان مورد بررسی قرار داد. این که در هر یک از انواع حماسی، غنایی، عرفانی و...، هرکدام از گونه‌ها و اقسام صور خیال از چه جایگاه و چه بسامدی برخوردارند، هم می‌تواند از حیث تعیین ویژگی‌ها و مختصات انواع ادبی مفید واقع گردد و هم می‌توان با استفاده از این مباحث، جایگاه یک اثر ادبیِ خاصّ را بر اساسِ نوعِ ادبی که به آن تعلق دارد، مورد نقد و ارزیابی قرار داد. در این مقاله با توجه به این که «تشبیه» و «استعاره»، در نوع ادبی حماسه و منظومه‌های حماسی، نسبت به سایر اقسام صور خیال (مجاز و کنایه)، موقعیت متفاوت‌تری داشته و بسامد و تنوع کاربرد هر یک از آن‌ها نیز در تشخیص میزان پایبندیِ سراینده به معیارهای حماسه‌سرایی و تعیین ارزش ادبی منظومه‌ها نقش مهمی ایفا می‌کند، منظومهٔ حماسی «جهانگیرنامه»، سرودهٔ قاسم مادح (اواخر قرن ششم و یا قرن هفتم ه.ق(؟)) را مورد بررسی قرار داده و در مجموع، جایگاه و موقعیّت این دوصورتِ برجستهٔ خیال در این منظومه را با ژانر حماسه تطبیق داده‌ایم.

کلیدواژه‌ها: حماسه، صور خیال، جهانگیرنامه، تشبیه، استعاره.

[۱] . استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سلمان فارسی کازرون؛ رایانامه: MOHTASHAM@KAZERUNSFU.AC.IR
[۲] . دانشجوی دکتری دانشگاه سلمان فارسی کازرون

جلوه‌های ادب پایداری در شعر سایه

یداله محمّدی[۱]

چکیده

هوشنگ ابتهاج در سال ۱۳۰۶ در رشت متولّد شد و سال ۱۳۲۱ به تهران رفت. او پس از کودتا در شرکت سیمان تهران به کار مشغول شد. سایه در مهرماه ۱۳۶۰ مجموعهٔ «تا صبح شب یلدا» و در بهمن همین سال مجموعهٔ «یادگار خون سرو» را به چاپ رساند. یادگار خون سرو حاوی چندین شعر کلاسیک در قالب‌های مختلف ازجمله چهارپاره، دوبیتی، رباعی، غزل، قطعه، مثنوی و تعدادی شعر نو است.

روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است. داده‌ها به شیوهٔ کتابخانه‌ای و سندکاوی با استفاده از روش تحلیل محتوا بررسی شده‌اند.

نتیجه نشان می‌دهد خلاف باور کسانی که معتقدند سایه پس از کودتا چندان حرکت و جنبشی از خود نشان نداد و شعری نسرود، مسائل سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه طبع او را شکوفا و او را وادار به سرودن نموده است. هم‌چنین محتوای بیشتر اشعار پیش از انقلاب او بیانگر یأس و ناامیدی شاعر، نگرانی او از اوضاع و احوال جامعه و تأسّف و حسرت او از غفلت توده‌های مردم است؛ ولی در اشعار پس از انقلاب او روحیّهٔ مثبت و شادی دیده‌می‌شود.

واژه‌های کلیدی: ابتهاج، زمان و مکان، محتوا، صور خیال، تأثیرپذیری.

[۱] دانشجوی دکتری زبان و ادبیّات فارسی دانشگاه کردستان؛ رایانامه :mohamadi2263@yahoo.com

بازخوانی جنگ و شهدا در شعر «قیصر امین پور»

مهدی محمدی[۱]

چکیده

در سال‌های دفاع مقدس، شعر به عنوان سلاحی اثرگذار، در صحنه حضور داشت و حماسه‌ها و مقاومت‌ها را می‌ستود و ثبت می‌کرد. جنگ (۱۳۶۷-۱۳۵۹ ه.ش.) به پایان رسید ولی پیامدهای آن، همچنان در زندگی مردم باقی ماند. قیصر امین پور(۱۳۸۶-۱۳۳۸ ه.ش.) با حضور در جبهه‌ها، از نزدیک با رزمندگان اسلام در ارتباط بود؛ همین امر باعث شد تا او همواره پیشروِ قافلهٔ شاعران انقلاب و دفاع مقدس باشد.

قیصر همواره خود را وام‌دار شهدا و جنگ می‌دانست و در آثار خویش می‌کوشید تا با به کارگیری عنصر عاطفه و احساس و همچنین زبان ساده و بی‌آلایش حقّانیّت و مظلومیّت شهدا را در جنگ به تصویر بکشد. هدف از این پژوهش که با روش توصیفی-تحلیلی انجام پذیرفته، بررسی شاخص جنگ و شهدا در شعر قیصر می‌باشد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که حزن و اندوه و نکوهش خود، عشق به انسان، وجود نماد و سمبل، وطن پرستی و صلح از مهم‌ترین موضوعاتی است که قیصر در شعر جنگ خود با محور قراردادن شهدا به آن پرداخته است.

واژگان کلیدی: قیصر امین پور، جنگ، شهدا، وطن پرستی.

[۱] استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور؛ رایانامه: Mehdi.mohammadi@pnu.ac.ir

دیدگاه صورت پرستی در "دیوان اسیر" فروغ فرخزاد

احمد محمدی[۱]
مریم مرادی[۲]

چکیده:
فروغ فرخزاد از جمله شاعران پیرو نیما است که هسته ی اصلی شعر او بر گردِ عشق می گردد. گفتمانِ عشق در شعر ادبیات معاصر، از زبان شاعران نیمایی در قیاس با قالبِ شعر کلاسیک فارسی متفاوت است.سروده های نیماییِ معاصر، متاثر از مدرنیته و شرایط اجتماعی و فرهنگی خاص دوران پس از نیما است. از آنجا که عشق در ادبیات عرفانی ما یکی از مراحل هفتگانه سلوک است هم نشینی برخی از سروده های فروغ فرخزاد در دیوان اسیر با اشعار و نظریات بزرگان مکتب جمال پرستی می تواند در پی شناختِ شعر او پیرامون عشق معنوی باشد. این مقاله می کوشد با روش کتابخانه ایو با بهره گرفتن از دیدگاه صورت پرستیو استفاده از نظرات عارفان این مکتب، رسیدن به عشق آسمانی از گذرگاه عشق و احساسات زمینی را در شعر این شاعر معاصر مورد کاوش قرار دهد.

کلیدواژه ها: عشق؛ سلوک؛ فروغ فرخزاد؛ "دیوان اسیر"

[۱]کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی؛ ahmad.hermaan@yahoo.com
[۲]دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی

پی‌گیریِ تقابلِ خرد، فرّه و آذر با دیو آز از اوستا تا داستان‌های اساطیری و حماسی شاهنامه

عبّاس محمّدیان[۱]
حسن توفیقی[۲]

چکیده

نگاهی به مفاهیم خرد، فرّه و آذر در *اوستا* و متون پهلوی نشان می‌دهد که این سه واژه از سویی وابستگی بسیار نزدیکی با هم دارند و از سوی دیگر همگی در تقابل با دیو آز هستند. پیگیری این وابستگی و تقابل در متن *شاهنامه* نیز امکان‌پذیر است. در داستان‌های *شاهنامه* درون‌مایهٔ آزمندی و گسستن فرّ پس از بی‌خردی شخصیّت‌ها، درون‌مایه‌ای پربسامد و محور بسیاری از حوادث تلخ داستان‌ها است؛ به گونه‌ای که می‌توان بزرگ‌ترین شکست‌های ایران و غم‌بارترین تراژدی‌های *شاهنامه* را حاصل حضور دیو آز دانست؛ پادشاهان و پهلوانان آزمند از خردورزی دورند و چون در متون زردشتی، خرد نگهبان فرّه است، فرّ از آن‌ها گسسته می‌شود. این مقاله بر آن است تا پس از بررسی مفاهیم فرّ، خرد و آذر در *اوستا* و متون پهلوی و روشن ساختن ارتباط بین آن‌ها، تقابل آن‌ها را با دیو آز نشان دهد و سپس همین تقابل را در داستان‌های اساطیری و حماسی *شاهنامه*، از پادشاهی جمشید تا پایان کار رستم دنبال کند.

واژه‌های کلیدی: خرد، فرّه، آذر، آز، *اوستا*، *شاهنامه*.

[۱] دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری؛ رایانامه: mohammadian@hsu.ac.ir
[۲] دانشجوی دکتری زبان و ادبیّات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری

بررسی وجوه گفتمانی نقد تصوّف در کتاب «کشف الاشتباه»

عبّاس محمّدیان[۱]
محمّدمهدی خطیبی[۲]

چکیده

تاریخچهٔ گرایش‌های زاهدانه و عرفانی را می‌توان به زمان پیامبر اسلام (ص) رساند. این گرایش ها که در آغاز پیدایی، بیشتر به شیوه های انفرادی و سازمان نیافته پدیدار شده بود، به تدریج در سراسر دنیای اسلام گسترش یافت.بعدها نام تصوّف بیشتر جریان های سازمان یافتهٔ زاهدانه و عرفانی در مذهب اهل تسنّن و گاه اسلام شیعی را در بر گرفت.تحلیل گفتمان که در زبان فارسی به سخن کاوی، تحلیل کلام و تحلیل گفتار نیز ترجمه شده است ، یک گرایش مطالعاتی بین رشته‌ای است که در پی تحوّلات معرفتی در علوم اجتماعی و انسانی ظهور کرد.از مهم‌ترین اهداف تحلیل گفتمان، می‌توان بهنشان دادن رابطهٔ بین نویسنده ، متن و خواننده، روشن ساختن ساختار عمیق و پیچیدهٔ تولید متن یعنی «جریان تولید گفتمان »،نشان دادن تأثیر بافت متن،آشکار ساختن رابطهٔ بین متن و ایدئولوژی و .... اشاره نمود.کتاب «کشف الاشتباه» یکی از مهم‌ترین آثار ذبیح‌الله عسکری محلّاتی است که در ادامه و تکمیل کتاب «السّیوف البارقه» به نگارش در آمده است. موضوع کتاب در کجروی اصحاب خانقاه(صوفیان)،به زعم مؤلّف آن است. نوشتار حاضر بر آن است تا چگونگی شکل‌گیری گفتمانِ کجروی صوفیان را در کتاب «کشف‌الاشتباه» مورد واکاوی قرار داده،وجوه مختلف گفتمانی را بر اساس نظریّه‌های فوکو، لاکلا و موف ، بررسی نماید.هدف عمدهٔ تحلیل این است که تکنیک و روش جدیدی را درمطالعهٔ متون به‌دست دهد.

کلید واژه‌ها:تحلیل گفتمان، صوفیّه، گزاره، کشف‌الاشتباه، محلّاتی.

[۱] دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری؛ رایانامه:mohammadian@hsu.ac.ir
[۲] دانشجوی دکتری زبان و ادبیّات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری

ذهن و سیلان آن در سه داستان کوتاه معاصر فارسی
(شب شک، آرامش قشنگ و خمیازه در آینه)

علیرضا محمودی[۱]
مریم رخشانی پور[۲]

چکیده

یکیاز شیوه‌هاینوین روایت در داستان‌نویسی، «جریان سیّال ذهن» نام دارد. این تکنیک روایی در بردارندهٔ ویژگی‌های متعددی چون: زاویهٔ دید درونی، پرش‌های زمانی، حاکم بودن فضای وهمی و ذهنی و نظایر آن‌هاست. نویسندگان ایرانی، پس از آشنایی با آثار رمان‌نویسان مطرح قرن بیستم، این شیوه را وارد ادبیات منثور ایران کردند و نه تنها در رمان، بلکه در داستان کوتاه نیز جهت به تصویر کشیدن دنیای ذهن شخصیت‌ها از آن بهره گرفتند. در این پژوهش به که به شیوهٔ توصیی- تحلیلی صورت پذیرفته، تلاش گردیده است تا به بررسی مؤلفه‌های جریان سیّال ذهن در سه داستان کوتاه معاصر فارسی: شب شک(هوشنگ گلشیری)، آرامش قشنگ(عباس معروفی) و خمیازه در آینه(شهریار مندنی پور) پرداخته شود. نتیجهٔ این بررسی حکایت از کاربرد برخی از مؤلفه‌های شیوهٔ جریان سیّال ذهن در دو داستان شب شک و آرامش قشنگ دارد. امری که بی‌شک در اقبال مخاطبان به خوانش این متون تأثیر مستقیمی داشته است.

کلید واژه‌ها: جریان سیّال ذهن، داستان کوتاه، نویسندگان معاصر فارسی، روایت.

۱- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه زابل؛ رایانامه:mahmoodi2009@gmail.com
۲- کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

تحلیل ساختار روایتی فرهاد و شیرین وحشی بافقیبر پایهٔ نظریهٔ گریماس

علی‌رضا محمودی[۱]
الهام دیانتی[۲]

چکیده

روایت شناسی به عنوان بزرگترین ارمغان ساختارگرایی، یکی از مهمترین حوزه‌های نظریهٔ ادبی مدرن محسوب می‌شود. در قرن بیست میلادی، ساختارگرایان به پیروی از پراپ، در صدد ارایهٔ الگوی کلی در ساخت انواع روایت برآمدند. در همین زمینه، گریماس، مشهورترین نظریه‌پرداز روایت، از دامنهٔ محدود مطالعات پراپ فراتر رفت و با ارائهٔ الگوی کنشی و زنجیره‌های روایتی خود، تلاش کرد تا به دستور کلی زبان روایت دست یابد و هر روایت را با ساختار روایی خاص خود تجزیه و تحلیل کند. او الگوی کنشی خود را به گونه‌ای طراحی کرد که با تمام روایت‌ها قابل تطبیق باشد. بر همین اساس، در این پژوهش تلاش گردیده تا ساختار روایتی داستان فرهاد و شیرین وحشی بافقی، به عنوان نمونه‌ای از منظومه‌های غنایی عاشقانه، برمبنای نظریهٔ گریماس مورد مطالعه قرار گیرد و ساختار طرح اصلی روایت با تغییر وضعیت‌ها براساس تقابل‌های دوگانه و زنجیره‌های روایی و همچنین الگوی کنشی روایت تحلیل و بررسی شود. ا نتیجهٔ این تحقیق نشان از آن دارد که الگوی کنشی گریماس در تحلیل روایت منظومهٔ غنایی شیرین و فرهاد مفید و قابل تطبیق بوده، طرح داستان از ساختار و انسجام روایی خاصی برخوردار است.

واژگان کلیدی: گریماس، ساختار و روایت، عناصر روایی، گزاره‌های‌روایی، فرهاد و شیرین.

[۱]- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه زابل
[۲]- کارشناس ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه: dianaty594@gmil.com

بررسی تطبیقی جهان بینی فردوسی درشاهنامه و سرود رولان

شهلا محمودیان[۱]

چکیده

رسالت خطیر ادبیات تطبیقی ، تشریح خطِ سیر روابط و مناسبات میان ادبیات ملل و تأکید و توسعه مبادلات فکری ، ادبی و فرهنگی است. پتانسیل و ظرفیت ادبی شاهنامه فردوسی قابل سنجش با دیگرآثار حماسی جهان است. از این روی شاهنامه، اثر سترگ فردوسی که حماسه ملی و طبیعی است، با سرود رولان « شانسون دورولان » کهن ترین و بهترین حماسه فرانسه، قابل سنجش و تطبیق است . بنابراین هدف مقاله حاضر سنجش و بررسی وجوه افتراق و اشتراک میان جهان بینی این دواثر حماسی گرانسنگ یعنی؛ رولان و شاهنامه ی فردوسی است . ارتباط تنگاتنگ ادبیات ملل با اسطوره و حماسه به عنوان گونه ای از فرهنگ عامه، پیش از ظهور ادبیات پدید آمده و مشابهات اسطوره و حماسه با وجود همه تفاوت های بین انسان ها و فرهنگ ها، از جمله موضوعاتی است که نمی توان آن را نادیده انگاشت.سرشاری ادبیات جهان از عناصر حماسی اسطوره ای در نمونه های انتخابی در این مجال، در ادبیات ایران و فرانسه با شاهنامه و سرود رولان قابل مشاهده است.در این پژوهش سعی شده است مفاهیم ، پیشینه تاریخی ، بررسی جهان بینی ، تفاوت دیدگاه و خصوصیات مشترک حماسی این دو اثر جاویدان و کهن مورد بررسی قرار گیرد و ادبیات تطبیقی، روش شناسی این پژوهش بوده که دو اثر را به بوته نقدکشانده است و این که مسأله جهان بینی به عنوان جان مایه ی اصلی بررسی این دو اثر حماسی مورد توجه قرار گرفته است که وجوه تشابهات و تفاوت ها نیز از اینمسأله ناشی شده اند.

واژگان کلیدی: شاهنامه ، سرود رولان، اسطوره ، حماسه ، جهان بینی

[۱]: دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه :Smahmodian bahar@gmail.com

بررسی عدد هفت در دیوان خاقانی با تکیه بر روانشناختی تحلیلی

لیلا مختاری نیا[۱]

چکیده

شاعران بنا به تاثیری که اعداد در زندگی آدمی داشته اند، به آن ها توجه خاصی کرده و در کلام خویش آن را منعکس ساخته اند . خاقانی نیزیکی از شاعرانی است که اعداد به ویژه عدد هفت در شعر وی دارای بسامد بالایی می باشد . این عدد از دیر باز به علت تاثیر بیش از اندازه ی خود ،مورد توجه اقوام ، آیین ها و مکاتب مختلف بشری بوده است . هدف این جستار بررسی این عدد از دیدگاه روانشناختی بوده که در طول تحقیق نگارنده با ارتباط برقرار کردن آن با ناخودآگاه جمعی و کهن الگوی ماندالا و خویشتن به یافته های جدیدی نائل شد و در نهایت ثابت شد باورهای قومی واساطیری به خوبی در کلام خاقانی منعکس شده است . هم چنین دو کهن الگوی ماندالا و خویشتن و عدد هفت که به عنوان یکی از اشکال این کهن الگوها می باشد ؛ به نوعی نمودار کمال و تمامیتی هستند که خاقانی به آن مرحله رسیده و سپس در کلام خویش آن را متجلی ساخته است .

کلید واژه ها : عدد هفت ، روانشناختی تحلیلی ،شعر خاقانی ، ناخود آگاه جمعی ، ماندالا و خویشتن

[۱] دانشجوی دکتری ادبیات فارسی ، واحد دزفول؛ رایانامه: l.mokhtariniya@gmail.com

اهمیت تربیت شهروندی در کتب فارسی مقطع بنیادی

خدایار مختاری[۱]
احمد رفیع [۲]
ابوالفضل ایرجی [۳]

چکیده

تربیت شهروندی ؛یعنی نظام آموزشی شهروندانی تربیت کند که ضمن دلبستگی به سرزمین خود و رعایت قانون، در برابر اقتدار طلبی ها ایستاده و به نقد بپردازند. پژوهش حاضر با هدف بررسی میزان توجه به مؤلفه های تربیت شهروندی یعنی دانش، مهارت و نگرش ویژه شهروندی در کتب فارسی خوانداری دوره بنیادی صورت گرفته است. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه کتب فارسی خوانداری دوره بنیادی است و با توجه به ماهیت موضوع پژوهش کل جامعه آماری به عنوان نمونه در نظرگرفته شده است. جهت گردآوری داده ها چک لیست تحلیل محتوا مورد استفاده قرار گرفت. نتایج حاصل از تحقیق بیانگر آن است که از مجموع ۴۳۳ واحد ضبط شمارش شده، ۴۶ واحد به دانش ویژه شهروندی، ۱۷۵ واحد به مهارت ویژه شهروندی و ۲۱۲ واحد به نگرش ویژه شهروندی اختصاص دارد؛ این در حالی است که شاخص های مربوط به مؤلفه های تحقیق به صورت نامتوازن مورد توجه قرارگرفته و کتب درسی نیز به یک نسبت به مؤلفه های شهروندی نپرداخته است. با توجه به یافته های پژوهش حاضر بازنگری برنامه درسی کتاب های فارسی دوره بنیادی در راستای توجه بیشتر به مؤلفه ها و شاخص های کمتر مورد توجه، ضروری به شمار می آید.

واژگان کلیدی: تربیت، شهروندی، کتب فارسی، مقطع بنیادی

[۱]عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان-پردیس شهید باهنر اصفهان؛ رایانامه: yamohammad1346@yahoo.com
[۲]دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان-پردیس شهید باهنر اصفهان
[۳]دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان-پردیس شهید باهنر اصفهان

تعابیر شاعرانه از اشخاص‌دینی در شعر قیصر امین‌پور
(با بهره‌گیری از نظریهٔ زبان شعر رومن یاکوبسن)

مسروره مختاری[۱]

علیرضا پورمحمد بسطام[۲]

چکیده

یکی از مشخّصه‌های شعریِ شاعران انقلاب و ادبیّات پایداری، پرداختن به شخصیت‌های دینی و مذهبی است. «**قیصر امین‌پور**» از جمله مهم‌ترین شاعران معاصر است که به دلیل برخورداری از اندیشه‌های دینی و انقلابی، تصاویر بدیع و شگرفی از شخصیّت‌های دینی ارائه و افق‌های تازه‌ای پیشِ‌چشمانِ مخاطبان مجسّم کرده‌است. این ویژگی علاوه بر قوّت بخشیدن به ادبیّتِ سروده‌ها، بر اثربخشی اشعار این شاعر افزوده‌است. تحقیق حاضر با استفاده از روش تحلیلی – توصیفی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای، به استخراج و تحلیل مهم‌ترین شگردهای تصویرپردازی این شاعر از شخصیّت‌های دینی پرداخته‌است. حاصل پژوهش نشان می‌دهد که شاعر با بهره‌گیری از عناصر بلاغی و علم بیان از جمله؛ تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه و استعاره‌گونه‌ها مانند: تمثیل، نماد و... تصاویر ادبیِ زیبا و بدیعی خلق کرده‌است. قریحهٔ والای این شاعر، باعث شده است که سراینده از هنجار معمول در زبان گفتار فاصله بگیرد. مطابق با نظر نظریه‌پردازان فرمالیست و ساختارگرا، اشکال آشنایی‌زدایی و هنجارگریزی معنایی مهم‌ترین دستاویز شاعر در خلق تصاویر شاعرانه از شخصیّت‌های دینی بوده است. از میان صور خیال یاد شده، استفاده از استعاره، و از میان شخصیّت‌های دینی، ارائهٔ تصاویر و تعابیر شاعرانه از امام حسین و امام دوازدهم علیهم‌السّلام، بسامد بالایی را به خود اختصاص داده‌است.

کلیدواژه‌ها: شعر معاصر، قیصر امین‌پور، تعابیر شاعرانه، شخصیّت‌های دینی و مذهبی.

[۱] هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی؛ رایانامه: mmokhtari@uma.ac.ir
[۲] کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی

ابن یمین، معلّم اخلاق
(بر مبنای نظریهٔ جامعه‌شناسی ادبیات گولدمن)

مسروره مختاری[۱]
محبوبه وطن‌خواه[۲]

چکیده:
ادبیات هر عصری آیینه‌ای است که احوال حاکم بر آن زمان را منعکس می‌کند. اشعار ابن یمین فریومدی بیانگر تفکّر و تعمق وی در مسائل روزگارش است. اگرچه دربارهٔ آثار این شاعر، تحقیقات باارزشی صورت گرفته است، غور در سروده‌های حکیمانهٔ ایشان، در عصر امروز، برای داشتن ارتباط اجتماعی سالم و اخلاق‌مدار ضروری به نظر می‌رسد. این جستار، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با بهره-گیری از روش توصیفی – تحلیلی و نظریهٔ جامعه‌شناسی ادبیاتِ »لوسی‌ین گولدمن« مهم‌ترین مؤلفه‌های اخلاق اجتماعی را در اشعار ابن یمین مطالعه کرده‌است. ستایش بخشندگی و دوری از بخل و خسّت، منّت‌ناپذیری و توصیه به قناعت، ستایش تواضع و دوری از تکبّر، عدالت‌خواهی، توصیه به نیکی و پرهیز از بدی، ذمّ مردم‌آزاری، سفارش به مشورت، ستایش دوست و دوستی، توصیه به هم‌نشینی با نیکان و دوری از هم‌نشینی با بدان و... از مهم‌ترین اندرزهای ابن یمین به جامعهٔ عصر خویش است. حاصل سخن این که: مطالعه در اشعار این شاعر نشان می‌دهد که ابن‌یمین به مسائل اجتماعی و اخلاقی جامعهٔ خویش توجّه خاصّی داشته و همچون جامعه‌شناس، مسایل جامعهٔ خویش را از زوایای مختلف نگریسته و با سرودن اشعار اخلاقی، اجتماعی و تعلیمی رسالت خود را برای رسیدن به جامعهٔ آرمانی انجام داده است.

کلیدواژه‌ها: جامعه‌شناسی ادبیّات، ادبیات تعلیمی، ابن یمین فریومدی، قطعات اخلاقی، لوسی‌ین گولد-من.

[۱]استادیار زبان و ادبیّات فارسی دانشگاه محقّق اردبیلی؛ رایانامه: mmokhtari@uma.ac.ir
[۲]دانش¬آموخته¬ی زبان و ادبیّات فارسی و دبیر آموزش و پرورش شهرستان نمین

تطبیق کهن‌الگوی آنیما و جنبه‌های آن در اشعار قیصر امین‌پور

فاطمه مدرسی[۱]
فرزانه مجاوری[۲]

چکیده

کهن‌الگو یا آرکی‌تایپ طرح کلّی رفتارهای بشری است که ریشه در ناخودآگاه جمعی دارد. در روان-شناسی تحلیلی یونگ،کهن‌الگوهای مهمّ عبارتند از: سایه، پرسونا، خود، آنیما و آنیموس. این صور مثالی برای رسیدن به مرزهای خودآگاهی در نمادهای گوناگون جلوه‌گر شده و در آثار هنرمندان نمود پیدا کرده‌اند. آنیما از مهم‌ترین کهن‌الگوها است که به روان زنانهٔ یک مرد اشاره دارد و استعدادی موروثی است که به واسطهٔ آن، مرد امکان تجربهٔ انگارهٔ زن را می‌یابد. آنیما، مظهر طبیعت زنانه و روح مونّث مردان است، کهن‌الگویی است که هم نمود مثبت دارد و هم نمود منفی. این مقاله بر آن است تا با برشمردن خصوصیّات این کهن‌الگو و تأثیرات مثبت و منفی آن، اشعار قیصر امین‌پور را مورد بررسی قرار و نشان دهد که این شاعر معاصر تا چه حد تحت تأثیر مادینه جان خود یا همان آنیما بوده است. براساس نتایج به دست آمده مشخص شد امین‌پور از دو جنبهٔ مثبت و منفی آنیمای وجودش تأثیرپذیرفته و این تأثیرپذیری در اشعار وی نیز نمود داشته است. این مقاله توصیفی - تحلیلی است و اطّلاعات آن به شیوهٔ کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

واژگان کلیدی: اشعار امین‌پور، یونگ، ناخودآگاه جمعی، کهن‌الگو، آنیما

[۱]استاد تمام دانشگاه ارومیه
[۲]کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه: mojaverifarzaneh@yahoo.com

روابط غیرکلامی در غزلیات شمس

فاطمه مدرسی[۱]
اله یار افراخته[۲]

چکیده

غزلیات شمس یا دیوان کبیر که اوج غزل زبان فارسی است،از نظر علوم ارتباطات نیز امتیازات فراوان دارد. نگارندگان دراین مقاله سعی کرده‌اند تا با نگاهی نو و میان رشته‌ای غزلیات شمس رااز منظر علوم ارتباطات به ویژه ارتباطات غیرکلامی تحلیل نمایند و نشان دهند که مولوی ازانواع ارتباطات غیرکلامی بهره گرفته‌است، به همین سبب غزلیاتی پرشور، زیبا و تصویری سروده است. انواع رفتارهای غیرکلامی مثل؛حرکات و اشارات بدن، زمان، مکان، مصنوعات، پیرازبان، موسیقی، رفتارهای چهره و تماس‌های بدنی مورد تحلیل قرارگرفته وطبقه بندی و رمزگشایی شده‌اند. ارتباطات غیرکلامی درغزلیات شمس یا جانشین ارتباط کلامی شده‌اند یا، همراه و هماهنگ با پیامهای کلامی(مکّمل) شده‌اند یا، به منظور تقویت و برجسته کردن پیام کلامی(تأکیدی)به کار رفته‌اند یا تعامل‌های کلامی را کنترل و سازماندهی می‌کنند که ظرفیت نمایشی وتصویری غزلیات را بالا برده است. بدین ترتیب مشخص می‌شود که زبان بدن یک زبان رمزی و بی‌سر وصداست،بیشتر کارکردهای جانشینی،مکّمل بودن و تأکید کردن را درکنار گفت و گوهای کلامی در غزلیات شمس دارد.

واژگان کلیدی: مولوی، ارتباط غیر کلامی، زبان بدن، غزلیات شمس، رمزگشایی.

[۱] استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه؛ رایانامه: Fatemeh.modarresi@yahoo.com
[۲] دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی – عرفانی دانشگاه ارومیه

جستاری در اسطوره شهرناز و ارنواز در اساطیرایرانی و هندی و تحلیل خویشکاری آنان در شاهنامه

فاطمه مدرسی[۱]
مژگان یحیی زاده[۲]

چکیده

طوایف آریایی هند، تمدن و فرهنگ ودایی و طوایف آریایی ایران، تمدن و فرهنگ اوستایی را پی‌ریزی کردند. بررسی و شناخت اسطوره‌های ایران و هند، بستری مناسب برای شناخت و مقایسه مشترکات فرهنگی دو تمدن می‌باشد. با کاوش در کهن الگوی خدایان اسطوره ای و تعیین خویشکاری قهرمانان آن و مقایسه با همتایان هندی، در می یابیم که خدایان و قهرمانان حماسه و اسطوره های اقوام هند و ایرانی چه خویشکاری های مشترکی دارند که البته این امرمی تواند نظام های اجتماعی، بافت فرهنگی و اخلاقی جامعه عصر خود را به نمایش گذارد.در این پژوهش سعی شده است تا با روش تطبیقی و تحلیلی – توصیفی وبا هدف مطالعه مبانی نظری خویشکاری ها و شکل ساختاری داستانشهرناز و ارنواز در شاهنامه بهبررسی اسطوره ای و کهن الگو آن ها در اساطیر و تطبیق با اساطیر و خدایان هندی و ایرانیبپردازد وبرآیند تحقیق نشان می دهد که خدایان و قهرمانان حماسه و اسطوره های ایرانی مانند شهرناز و ارنواز، کهن الگوی مشترکی با اسطوره های هندی دارند و خویشکاری آنان با ایزدان اسطوره ای مطابقت می نماید.

کلید واژه: اساطیر،ایزد بانو، شهرناز، ارنواز، خویشکاری،هندو اروپایی.

[۱] استاد تمام گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه؛ رایانامه: Fatemeh.modarresi@yahoo.com
[۲]دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه

بررسی تطبیقی نمادهای مرسوم و مستور
در داستان‌های کوتاه غلام‌حسین ساعدی و سیمین دانشور

فاطمه مدرسی[۱]
ساسان نجفی[۲]

چکیده

این مقاله به بررسی تطبیقی نمادهای مرسوم و مستور در داستان های کوتاه سیمین دانشور و غلامحسین ساعدی می پردازد. یافته های پژوهش نشان می‌دهند کارکرد نماد مرسوم در داستان‌های دانشور از دو جهت قابل بررسی است. دانشور کوشیده از تمامی ظرفیت های آن واژه بهره ببرد. در حالت کلی نمادهای مرسوم برای دانشور بیشتر از اینکه حکم ابزار بیان مسائل پنهانی اجتماعی را داشته باشد، محور مرکزی و غالب آثار اوست و وی از طریق این عنصر اساسی، حرف‌های دیگری را بیان می‌کند. اما کارکرد این نمادها در آثار ساعدی به دلیل تعداد اندک آن، چنان قابل تأمل نیست، با این حال نماد پرچم که یکی از آشناترین نمادهاست، اساساً خاصیت سیاسی خود را حفظ کرده است. نماد مستور در داستان‌های ساعدی نمود بیشتری دارد. در مورد نمادی مانند لاشهٔ مرغ این نماد محصول شرایطی است که بر داستان حاکم است اما در مورد دندیل، این نماد مستور است که خصایص اساسی اثر را تعیین می‌کند. در مقابل دانشور بیشتر در پی القای شرایط فرامتنی است. نمادهایی مانند چراغ و گیتی تنها به شخصیت های داستان مربوط نیست. یعنی با اینکه نماد ابداعی یا مستور است اما ارتباط خود را با نا خودآگاه جمعی حفظ کرده است.

واژگان کلیدی: ساعدی، دانشور، داستان کوتاه، نماد مرسوم، نماد مستور

[۱]. استاد رشته زبان و ادبیات فارسی؛ عضو هیات علمی دانشگاه ارومیه
[۲]. کارشناس ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی؛ دانشگاه ارومیه؛ رایانامه: sasan_najafi12@yahoo.com

نماد پردازی چاه در حماسه های ملی

سهیلا مرادقلی[۱]

چکیده :

نمادگرایی در طول حیات بشر ثابت کرده‌است که بیشترین تأثیر را در انتقال و جایگزینی مفاهیم در ذهن مخاطبان داشته‌است؛ از جملهٔ آن،نمادپردازی در واژهٔ چاه است. چاه در تمام سنت‌ها به نوعی مقدّس است چراکه بر گرفته از سه نظم کیهانی‌است؛ آسمان، زمین و زیر زمین و سه عنصر آب ، خاک و باد. همچنین پیوند دیرینه‌ای که چاه به همراه آب دارد سبب نوعی دوگانگی و تناقض در بکارگیری معنای آن شده‌است؛ زیرا از یک‌سو با آب کهنمادی از پاکی و زلالی و زندگی‌است ارتباط دارد و از سوی دیگر به دلیل تاریکی و ارتباط آن با جایگاه مردگان، نماد پلیدی، سیاهی و مرگ به حساب می‌آید. واژهٔ چاه در حماسه نیز بسامد بالایی دارد و همچنان دوگانگی و چند معنایی در آن موج می‌زند. این جستار بر آن است با آوردن نمونه هایی از چاه در چند حماسهٔملی؛ از جمله کمدی الهی، بهشت گمشده، گیل گمش، مهابهارت، ایلیاد و شاهنامهٔ فردوسی، این واژهٔ چند قطبی را معنا و به نماد پردازی آن از منظر فرهنگ و اساطیر کهن بپردازد که در آن صورت، پس از جمع کردن تفسیرهای متضاد از چاه،دیگر نه معنای دام و مرگ؛ بلکه معنای رهایی و تولدِ دوباره و حیاتی جاوید را نوید می‌بخشد.

کلید واژه ها : چاه ، نماد ، حماسه ، اسطوره ، مرگ ، حیات جاوید

[۱]- دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد ؛رایانامه:
soheila_moradgholi@yahoo.com

قلمروگریزی اقلیتی ناصرخسرو
(بر اساس دیدگاه ژیل دلوز)

پروین مرادی ابسردی[۱]
علی تسلیمی[۲]
محمود رنجبر [۳]

چکیده:
اقلیت‌شدگی از مهم‌ترین مفاهیم ارائه شده توسط ژیل دلوز و فلیکس گتاری است؛ مفهومی با تأکید بر آری گفتن به نیروهای زندگی‌بخش و کنشگر و نفی نیروهای واکنشگر همچون کینه‌توزی و وجدان معذب که افسردگی، اندوه، احساس گناه، بیگانگی و تنهایی را به انسان تحمیل می‌کنند. طبق نظریهٔ دلوز و گتاری، چینه‌های اصلی که انسان را مقیّد می‌سازند، معنامندی، تفسیر، سوژه‌سازی و انقیاد هستند؛ آن‌ها نفوذ در هنر و زبان و ادبیات اقلیت را از جمله تأثیرگذارترین ابزار برای ویران کردن این چینه‌های اکثریتی می‌دانند که با آن می‌توان قلمروهای حاکم را درنوردید و با تفکری ریزومی و پویا با نیروهای واکنشگر و منفی جنگید و اساس ایستایی و تفکر درختی را ویران کرد.
با بررسی زبان و محتوای قصاید ناصرخسرو که شاعری پارسی‌گو و اسماعیلی بوده است و مذهب وی همواره به عنوان مذهبی اقلیتی شناخته شده است، می‌توان تا حدودی به شباهت‌ها و تفاوت‌های «درک عامی از اقلیت» و تعریف «اقلیت در رویکرد دلوز و گتاری» دست یافت.

کلیدواژه‌ها: اقلیت‌شدن، ژیل دلوز، قلمروگریزی، بازقلمروگذاری، ناصرخسرو

[۱]دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان؛ رایانامه: parvinak.shaer@yahoo.com
[۲]دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان
[۳]استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان

شهدی از شکرستان هفت بند ملاحسن کاشی در جوابیه های محمد بن ابراهیم ذکاء قناد کابلی

ابوالفضل مرادی رستا[۱]

چکیده:

هفت بند مولانا حسن کاشی(متوفی ۷۲۶ق) به عنوان نماد شعر شیعی و منقبت حضرت علی ع جایگاه فاخر و ویژه در شعر مدحی و آیینی دارد. سرایندگان بسیاری، سعی در اقتفا و تبعیت از سروده وی داشته اند. این پژوهش بر آن است تا یکی از سرایندگان ناشناخته در جوابیه سرایی بر شعر کاشی را مورد تحقیق قرار داده و وی را به فرهنگ مکتوب علمی معرفی نماید. در نتیجهٔ این پژوهش اولاً محمد ابراهیم ذکاء از سرایندگان شعر آیینی شیعی در شبه قاره و کشور افغانستان که تا کنون در صفحه های فرهنگ مکتوب ناشناخته مانده است، مورد تحقیق و معرفی قرار گرفته است و دیگر این که دو مورد از سروده هایی که در اقتفا و تبعیت از شعر ارزشمند ملاحسن کاشی سروده شده است شناسایی شده و مورد تحقیق قرار گرفته است . و همچنین در این مقاله، آشکار گردید که محمد ابراهیم ذکاء به عنوان یک جوابیه سرا، تمام توان و طبع شاعرانه خود را مصروف داشته است تا بتواند جوابیه ای در خور خلق نماید. افزون بر متابعت های ساختاری و مضمونی، خلاقیت ها و نوآوری ها ابتکاراتی از سوی محمد ابراهیم ذکاء صورت گرفته است که به اندکی از آن ها اشاره شده است. یکی از ره آوردهای این تحقیق، شناخت ابعادی تازه از آداب و رسوم مربوط به قشر منقبت خوان، در حاشیه آشنایی با زندگانی این شاعر مداح اهل بیت ع می باشد.

کلید واژه: محمد ابراهیم ذکاء، هفت بند، ملاحسن کاشی، ادبیات فارسی، مدح و منقبت

[۱]عضوهیأت علمی دانشگاه فرهنگیان پردیس طالقانی قم؛ رایانامه: abolfazlmoradi2@gmail.com

معرّفی نسخهٔ خطّی «ضیاء العین فی مراثی الحسین علیه السلام»

مریم مرادی[۱]

چکیده

ضیاء العین منظومه‌ای است تاریخی و مذهبی از «محمد رحیم میرزا ابن عباس میرزای ولی»، متخلص به «عشیقی»، شاهزادهٔ با فضل و دانش دورهٔ قاجار که در مرثیه اباعبدالله، حسین‌بن‌علی در سال ۱۲۶۶ه ق، نگارش یافته است و با وجود تمام ارزش‌های فرهنگی و تاریخی اش ناشناخته باقی مانده است. گرداوری این کتاب را محمد تقی دزفولی به سال ۱۲۹۱ هجری قمری انجام داده ودر دیباچه‌ای بر کتاب نگاشته، به معرفی نویسنده و احوالات و مراتب او در علم و فضل و کمال پرداخته است. این نسخه محتوی مراثی شاعر در قیام امام حسین علیه السلام است و فضای فکری و گفتمان ادب آئینی دورهٔ قاجار را به روشنی پیش چشم پژوهشگران روشن می‌سازد.

هدفاینپژوهشمعرفی،تبیین وآشنایی با این اثر ارزشمند و اشاره به اهمیت احیاء آثاری از این دست است که بعضی در طول تاریخ ادبیات فارسی، مغفول واقع شده‌اند و در شناخت فرهنگ و ادب دینی و ملی و بخصوص احیاء نوع حماسه‌های مذهبی، نقش بسزایی دارند و گامی مؤثر درغناءواعتلایادبیاتآئینیبه شمار می‌آیند. امید است که معرفی و احیاء این آثار بتواند در شناخت گفتمان‌های ادبی و فرهنگی غالب در دورهٔ تالیف اثر راهگشا باشد.

واژگان کلیدی:ضیاءالعین، نسخه خطی، مقتل منظوم، ، محمد رحیم میرزا قاجار

[۱]دانشجوی دکتری ادبیات فارسی علامه طباطبایی؛ پژوهشگر مؤسسه ادب پژوهی شیعی (سلیس)؛
رایانامه:Moradi.maryam.292@gmail.com

بررسی عنصر گفت و گو در حکایت‌های مرزبان نامه

بایرام مراد مرادی[۱]

چکیده

از شیوه‌های مهم برای تعلیم و تربیت و سرگرم کردن افراد در زمان گذشته، استفاده از انواع مختلف داستان به خصوص حکایت بوده است که این حکایت‌ها، از جنبه‌های مختلف به ویژه داستانی قابل بررسی است. در این پژوهش هدف این است که ویژگی‌های عنصر گفتگو در حکایت‌های کتابمرزبان‌نامه از آثار فاخر فارسی (قرن هفتم) با روشی تحلیلی -توصیفی بررسی شود.شیوه های بازنمایی گفتار، گفتار مستقیم، گفتار غیرمستقیم، بازنمایی دیدگاه راوی، درونمایه، شخصیّت‌پردازی و ایجاد تنش از طریق گفتگو، از جمله مسایل بررسی شده در این پژوهش هستند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در مرزبان نامه بیشتر از شیوهٔ بازنمایی گفتار به صورت غیرمستقیم استفاده شده است تا بدین صورت راوی، اندیشهٔ خود را در کنار اندیشه شخصیّت‌ها بیان کند. مهمترین کاربرد گفتگو در این اثر در کنار ارائهٔ درونمایه، شخصیّت‌پردازی اشخاص حکایت‌ها به خصوص نشان دادن نوع تیپ آن‌هاست. همچنین نوعی تنش و کشمکش در گفتگوها به خصوص در نقطهٔ اوج حکایت‌ها ترسیم می‌شود که این امر نه تنها خواننده را به خواندن حکایت ترغیب می کند؛ بلکه باعث برجسته شدن موضوع مورد نظر می گرددکه درونمایهٔ داستان است.

واژگان کلیدی:مرزبان نامه، گفتگو، گفتار مستقیم، گفتار غیرمستقیم، شخصیّت‌پردازی

[۱]**کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی و دبیر ادبیات دبیرستان‌های شهرستان راز و جرگلان؛ رایانامه:** moradi.bairam@gmail.com:

مقایسه تطبیقی متن تاریخی(جهانگشای جوینی) با متن عرفانی(کشف الاسرار وعده الابرار میبدی)

مریم مرادی[۱]
وحید مبارک[۲]
احمد محمدی[۳]

چکیده:
هر اثر ادبی بازتابی از شرایط اجتماعی و فرهنگی مردمان، در ادوار مختلف است. ساختارشناسی متن و محتوا؛ می تواند ما را به نقطه تلاقی این دو، که پیام نویسنده است، نزدیکتر نماید. در کتاب تاریخ جهانگشا، نگاه مورخ و ادیب نامی عطاملک جوینی صرفاً منحصر به تاریخ نیست، بلکه با استفاده از ابزارهای ادبی در لابلای گزارشهای تاریخی به شناساندن اوضاع اجتماعی دورهٔ مغول و ایلخانان نیز پرداخته است. از دیگر سوی بر پایه ی اینکه عرفان، نوعی جهانبینی و شناخت صادقانه به پدیده های زندگی است، نوبت سوم کتاب عرفانی و تفسیری کشف الاسرار، اثر گرانقدر رشیدالدین میبدی در دوران شکوفایی و رشد نثر فارسی در قرن ششم،مطمح نظر قرار گرفته است. این جستار تلاشی به منظور تحلیل رمز و رازهای عرصه زبانی و تصویری و شناسایی سطح نویسندگیِ نثر عرفانی و تاریخی در قرون ششم و هفتم هجری قمری است. سعی بر آن شده بر اساس روش کتابخانه ای به تحلیل تطبیقیِ متن و محتوای این دو اثرِ برجسته ی ادب پارسی بپردازیم.

واژگان کلیدی: تاریخ جهانگشای جوینی، کشف الاسرار، عطاملک جوینی، رشیدالدین میبدی

[۱]دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی
عضو هیات علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی؛ رایانامه: Vahid_mobarak@yahoo.com [۲]
[۳]کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

تصحیح بیتی از گلستان سعدی

سید امیرحسین مرتضایی [۱]
سید جواد مرتضایی [۲]

چکیده

یکی از اصول اساسی در تصحیح متن توجه به ضبط غریب است. در بسیاری از موارد ضبط غریب و ناآشنا صحیح و اصیل است و متأسفانه بسیاری از ناسخان به آن توجه نداشته و واژهٔ ناآشنا را به زعم خود نادرست انگاشته و آن را به واژه‌ای آشنا بدل ساخته و برخی مصححان نیز به این نکته توجه نکرده‌اند. در این بیت از گلستان سعدی:

«دلقت به چه کار آید و تسبیح و مرقع خود را ز عمل‌های نکوهیده بری دار»

به جای واژهٔ «تسبیح»، در سه نسخهٔ قدیمی و معتبر کلمهٔ «مسحی» آمده است. در کلیات سعدی تصحیح محمد علی فروغی هم ضبط اخیر آمده است. نویسندگان در این مقاله با توجه به: ۱- اصالت ضبط سه نسخهٔ معتبر خطی ۲- محور هم نشینی کلمات در بیت ۳- شواهد برون متنی ۴- دلیل واژه شناسی؛ ضبط «مسحی» را معتبر می‌دانند.

کلید واژه‌ها: گلستان، تصحیح، تسبیح، مسحی، نسخه، ضبط غریب.

[۱] دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد؛ رایانامه: amirhoseinmortezaei@gmail.com
[۲] دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

بلاغت نوین در داستان‌های بیژن نجدی

سید امیرحسین مرتضایی[۱]

چکیده

ادبیات معاصر ایران از اسلوب‌ها و ساختارهای متداول بلاغت سنتی فاصله گرفته‌است. نویسندگان و شاعران معاصر ضمن توجه به مضامین و موضوعات جدید، شگردهای نوینی در حوزهٔ صورخیال به طور خاص و بلاغت به طور عام بکار می‌گیرند که شایسته تأمل و بررسی است. نویسندهٔ این مقاله کوشیده‌است، دو نمود شاخص فاصله‌گیری بلاغی بیژن نجدی را از اسلوب‌های بلاغت سنتی توضیح دهد. بدین منظور، پس از معرفی مختصر این داستان‌نویس، مبانی تأثیرگذار و مولد فاصله‌گیری او از بلاغت سنتی تعریف و تفسیر شده‌اند. سپس دو نمود فاصله گیری نجدی از بلاغت سنتی ارائه شده‌است. این دو نمود، «تجسم بخشی و تشخیص» و «تشبیه نامتعارف» است. شواهد این فاصله گیری‌ها در آثار او نشان داده شده‌است. در این بخش هرکدام از شواهد فاصله‌گیری مربوط به دو بخش که از متن داستان‌ها به طور جداگانه بررسی شده‌اند. به نظر نویسنده، گرایش خودآگاه یا ناخودآگاه به پست‌مدرنیسم و زیبایی‌شناسی جدید عامل اصلی فاصله‌گیری بیژن نجدی از بلاغت و زیبایی شناسی سنتی و کاربرد شگردهای بلاغی جدید در آثار اوست.

کلمات کلیدی: بیژن نجدی، بلاغت، زیبایی‌شناسی، پست‌مدرنیسم.

[۱] دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد؛ رایانامه: amirhoseinmortezaei@gmail.com

تعادل یا تقابل اخلاق و هنر در اشعار انوری

رحمان مشتاق مهر[۱]
آمینه فیضی[۲]

چکیده

پایبندی به«اخلاق و بیان مسایل اخلاقی» از موضوعات مهم شاعران زبان فارسی به شمار می‌آید. این که شاعر یا نویسنده تا چه حد توانسته به این تعهد پایبند باشد همواره مورد توجه بوده است . با توجه به آن که انوری همواره میان دو قطب وجودیش یعنی «گرایش به نیکی» و «گرایش به مادیات» در کشاکش بوده است، ودر ذل حرص و طمع شعر می‌سرود،عذاب جرجیس ورفتن به جهنم را بهتر از سوال کردن و ایستادن پیش مرد خسیس می‌داند اما متاسفانه گرایش به مادیات بر جنبهٔ نیکی شعرش چربیده است و هرگز نتوانست از زرق و برق دنیوی و گرایش‌های مادی چشم فرو بندد و شعر را در خدمت اخلاقیات به کار گیرد،او در عصر خویش به مقام و منزلت وشهرت نیز دست یافت؛ اما چون مانند سیف فرغانی ، ناصرخسرو و...دردش درد دین وملت نبود نام وآوازه‌اش همچون حبابی در گذر زمان از بین رفت؛ زیرا به مسئولیت خطیرش در قبال جامعه عمل نکرد.این مقاله برآن ا ست که تقابل اخلاق وهنر را در اشعار انوری مورد بررسی و تبیین قرار دهد.

کلید واژه ها : انوری،هنر، اخلاق، تعهد

[۱]استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان.
[۲]دانشجوی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان؛ رایانامه: aminahfeizi23@gmil.com

بررسی مضامین مرد در اشعار طاهره صفارزاده

آرش مشفقی[۱]
حمید قهرمان پور[۲]

چکیده:
طاهره صفارزاده شاعر معاصر به عنوان یکی از شاعران دورهٔ پهلوی و انقلاب اسلامی، اشعاری با مضامین و تصاویر پویایی بر جای گذاشت. آنچه سبب شد وی به ویژه پس از انقلاب مورد توجه قرار بگیرد پیوند او با انقلاب و همسویی شعرهایش با روحیهٔ مذهبی مردم در آن دوره بود. افکار وعقاید صفارزاده که در اشعار او تبلور می‌یابد نشان از باورهای عمیق او به اعتقادات مذهبی دارد. با وجود این مرد در اغلب اشعار صفارزاده نمادی از « هوس و امیال نفسانی» است.

این مقالهٔ به روش کتابخانه ای به بررسی مضامین مرد دراشعار طاهره صفارزاده می پردازد و ضمن آن نگرش این شاعرمعاصرزن را باوجود مردسالاری موجود در کشورهای‌شرقی تحلیل می‌کند که چگونه ویژگی‌های مرد در این جامعه را به شعر در می‌آورد. نگاه تند و منفی او به شخصیت مرد، در اشعار او به چشم می‌خورد. نگاهی که نشات گرفته از شخصیت و رفتار اجتماعی مرد در جامعه معاصر شاعر است اما گاه به خاطر رشادت‌های رزمندگان در جبهه‌های نبر علیه باطل از مردان نوجوانی صحبت می‌کند گوی سبقت را از همدیگر می‌ربایند.

کلید واژه: شعر معاصر، طاهره صفارزاده، مرد سالاری، مضامین مرد

[۱] استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب، ایران؛ رایانامه: moshfeghi.arash@gmail.com
[۲] دانشجوی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب

بررسی شیوه های روایت در آثار حسین سناپور

آرش مشفقی[۱]
اصغر خلیلی[۲]

چکیده

شیوه‌های روایت در داستان‌های فارسی و تکنیک‌های رایج آن یکی از عمده‌ترین عناصر داستانی است که نگاه نویسنده به فضای اطراف خود را مشخص می‌کند. نویسنده با استفاده از شیوه‌های روایت است که به تحلیل داده‌های اجتماعی، تاریخی، سیاسی و فرهنگی می‌پردازد.امروزه داستان نویسان معاصر به دنبال کشف و خلق شیوه‌های نوین داستان‌نویسی در تمام عناصر آن و به‌ویژه نوگرایی در عرصه‌ی روایت داستان هستند. ازجمله این نویسندگان حسین سناپور، نویسندهٔ خلاق و پرکار معاصر است. حسین سناپور در آثارش به دنبال یافتن زاویهٔ دید مناسب و درخور داستانش است که از دید وی هر داستان زاویهٔ دید خاص خود را دارد و این هنر نویسنده است که داستانش زاویه دید مناسب را بیابد.

۱- این پژوهش به شیوهٔ توصیفی و تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای به بررسی شیوه‌های روایت در آثار حسین سناپور می‌پردازد. نتایج پژوهش نشان‌می‌دهد که زاویه ی دید در آثار داستانی حسین سناپور بیشتر به صورت اول شخص، دانای کل نامحدود و دانای کل محدود به کار رفته است همچنین نویسنده در برخی رمان‌ها و داستان‌هایش با استفاده از تک گویی درونی و جریان سیال ذهن به تغییر زاویه دید می‌پردازد که با این شیوه بر تأثیر داستان‌هایش می‌افزاید. زاویه دید در اکثر رمان و داستان‌های سناپور پیوسته در حال تغییر و نوسان است به گونه‌ای که می‌توان گفت به‌استثنای چند داستان کوتاه، زاویه دید در میان شخصیت‌های داستان و به ترتیب از زاویه دید اول شخص به دانای کل نامحدود و تک‌گویی درونی در گردش است.

کلید واژه‌ها: شیوه‌های روایت، زاویه ی دید، تک‌گویی درونی، جریان سیال ذهن، حسین سناپور

[۱] استاد یار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی بناب
[۲] دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی بناب؛ رایانامه: asghar.khalili95@gmail.com

بررسی جریان‌های نوی شعر معاصر

آرش مشفقی[۱]
سیدحسن شریفی[۲]

چکیده

با این که از آغاز نوگرایی در شعر وادب در ایران بیش از سده‌ای نگذشته، و با این که ادب پژوهان در زمینهٔ نخستین کوشش‌های نوپردازانه کتب و رسالات و مقالات بسیاری نوشته‌اند؛ به دلیل گستردگی فعالیت‌های نوگرایانه هنوز جای سخن باقی است. برخی نوگرایی در هنر و ادب را به پیروی از اسلوب‌های فرنگی متهم و آن را امری وارداتی و به دور از ارزش‌های فرهنگ بومی تلقی می‌کنند. دسته‌ای اعتقاد دارند که ماهیّت وذات هنر و ادب میل به نوشتن دارد و فعالیت‌های قرن اخیر از ذات هنر وادب سرچشمه گرفته است و چیزی از جنس غرب زدگی وفرنگی مأبی نیست.از همین رهگذار با کوشش‌هایی در شعر معاصر رو به رو هستیم که نه به سادگی می‌توان ازکنارآن گذشت و نه می‌توان صحت راه آن را به سهولت تبیین کرد. در این معنی اتفاق نظر هست که اگر کسی همهٔ هنر را در تقلید محض از سنن پیشینیان بداند، معنی هنر را ندانسته است . به ویژه آن که نقد شعر به طور کلّی در میان ادیبان ما در محدودهٔ سلایق فردی سرگردان است و هنوز نگاهی اصولگرایانه به شعر و نقد آن نینداخته‌ایم. ما در پاسخ به این پرسش که جای واقعی عنصر «شعریت شعر» کجاست؛ سخنی دلچسب یا کمتر شنیده‌ایم یا اصلاً نشنیده‌ایم. در این نوشته به روش کتابخانه‌ای سعی شده است تا حد ممکن به موارد و پرسش‌های یا د شده پاسخ داده شود.

[۱]استایار گروه زبان وادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب
[۲]کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه: hasansharifi226@gmail.cim

نگرش عالمتاج قایم مقامی به مرد از خلال آثارش

آرش مشفقی[۱]
حمید قهرمان پور[۲]

چکیده:
عالمتاج قایم مقامی(ژاله) شاعر معاصر، زنی که درگیر هوی و هوس خویش نیست. افکار وعقایدش که در اشعار و گفتگوهای او تبلور می‌یابد باورهای عمیق او را در ارتقای جایگاه زن نشان می دهد. اما در مورد مرد بر خلاف شاعران زن افکاری کاملاً متفاوت دارد. دردهای زنان را که در جامعه از طرف مردان بر آن‌ها تحمیل شده بیان می‌کند.

پژوهش حاضر به بررسی مضامین مرد در اشعار عالمتاج قایم مقامی می‌پردازد و نشان می‌دهد نگرش این شاعر معاصر باوجود مردسالاری موجود در کشورهای شرقی، نسبت به مرد چگونه است؟ مرد در اشعار این شاعر هم عامل تکامل زن و هم سلطه گر و از بین برندهٔ حقوق زن معرفی شده است. همچنین به تفاوت‌های مردان و زنان نیز اشاره دارد و مرد را به سبب زورگویی‌ها و ظلم‌هایی که در حق زن روا می‌دارد نکوهش می‌کند. او مردان را به بدی توصیف می‌کند؛ مردانی که دانسته و به عمد زنان را آزار و اذیت می‌کنند و مردان را گاهی موجود مغرور, زن آزار, بی مهر و بی عاطفه و... نشان داده و خواسته است که زنان نیز مثل مردان از حق و حقوق مساوی برخوردار باشند .

کلید واژه‌ها: شاعر معاصر زن، عالمتاج قایم مقامی ، مرد سالاری، مضامین مرد

[۱]استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب، ایران؛ رایانامه: moshfeghi.arash@gmail.com
[۲]دانشجوی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب

هنجار گریزی واژگانی در اشعار محمّد علی بهمنی

آرش مشفقی[۱]
نسرین جبارخلجی بناب[۲]

چکیده

هنجارگریزی واژگانی یکی از شیوه‌های مؤثر در جهت آشنایی‌گریزی و برجسته‌سازی زبان شعری است که با استفاده از آن، شاعران توانمند و خلاق با آفرینش و کاربرد واژگان جدید، زبان خود را تازگی و تأثیرگذاری بیش تری می‌بخشند. در این شیوه که از دید فرمالیست ها فراهنجاری واژگانی نامیده می شود، شاعر برای ایجاد رستاخیز در زنجیرهٔ کلام، واژگانی را وارد زبان شعر می‌کند که تا آن زمان وجود نداشته است. واژگان ابداعی زمانی کارکرد هنری و زیبایی شناسانه دارند که باعث سستی و رکاکت لفظ نشده و در هم نشینی با سایر واژگان از نوعی وحدت و انسجام نیز برخوردار باشند. محمّدعلی بهمنی از غزل سرایان معاصر است که در این زمینه طبع آزمایی کرده و با خلق واژگان نو بر تازگی کلام خود افزوده و به ایجاز در سخن دست یافته است. در این پژوهش، شیوهٔ ابداع واژگان در اشعار او مورد کندوکاو قرار گرفته و معلوم شده است، بیش ترین نوآوری در زبان شعری بهمنی در حوزهٔ واژگان بوده و پربسامدترین واژگان ابداعی در غزل های بهمنی انواع واژگان مرکّب هستند که با استفاده از روش‌های ترکیب و اشتقاق دستور زبان فارسی ساخته شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: آشنایی‌زدایی، هنجارگریزی واژگانی، فرمالیست ها، محمّدعلی بهمنی

[۱] ستادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب، ایران؛ رایانامه: moshfeghi.arash@gmail.com
[۲] کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

آسیب‌شناسی اجتماعی« زهد صوفیانه » از نگاه سعدی

ندا سادات مصطفوی[۱]

چکیده

تصوف، طریقهٔ زاهدانه‌ای است منشعب از عرفان که با ورع و اعراض از دنیا در قرن دوم آغاز شده است.پیروان تصوف سعی داشتند که به سنت پیامبر(ص) و صحابه،با تقوا و زهد،قلب خود رااز اغراض دنیوی پاک کنند تا به حقیقت دست یابند. «زهد» مورد نظر عارفان،اعراض کلی از دنیا نبوده است؛قطع تعلق نسبت به دنیا بوده است. اما صوفیه به تدریج، این اصل عرفانی-«ترک تعلق نسبت به دنیا»- رابه «ترک دنیا » تغییر دادند.آنها «زهد عارفانه » راکه از نوع «زهد اسلامی »بود؛به«رهبانیت»نزدیک کردند و موجب انواعآفات اجتماعی شدند.سعدی با آگاهی از نتایج تلخ «زهد صوفیانه» به مبارزه فکری با آن پرداخته و با یادآوری تعهدات اجتماعی انسان،عبادت اصلی را خدمت به خلق معرفی کرده است.

این مقاله ضمن بررسی علل اجتماعی-سیاسی انحراف «زهد عارفانه » به«زهد صوفیانه»، برای یافتن حقیقت زهد در عرفان،به اندیشه‌های انتقادی و آسیب‌شناسانه سعدی پرداخته استتا از رهگذر اندیشه‌های این عارف راستین،حقیقت زهد که یکی از اصلی‌ترین اندیشه‌های عرفان و اسلام است، روشن شود.

کلیدواژه :تصوف،عرفان،سعدی، زهد، جامعه‌گریزی، رهبانیت.

[۱] دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کاشان؛ رایانامه: mostafavisada@yahoo.com

نقد روش‌شناسی دو مقالهٔ علمی- پژوهشی در حوزهٔ عرفان‌پژوهی با موضوع درد

ندا سادات مصطفوی[۱]

رضا روحانی[۲]

چکیده

روش‌شناسی، نگرش انتقادی و تحلیلی نسبت به فرآیند عمومی انجام یک تحقیق است که امروزه به عنوان یکی از اصولی‌ترین روش‌های نقد در علوم انسانی به کار گرفته می‌شود. . این مقاله بر آن است تا با این روش علمی به بررسی و نقد دو مقالهٔ نا هم طراز(قوی و ضعیف) از جهت به کارگیری روش‌های پژوهشی بپردازد تا ضمن نقد ظرفیت‌ها و کاستی‌های این دو مقاله در تقابل هم، به الگویی کارآمد و علمی نیز برای نگارش مقالهٔ علمی-پژوهشی دست یابد. این پژوهش با رویکردی تحلیلی- انتقادی، ذیل هفت محور اصلی، انجام می‌گیرد: «روش انتخاب موضوع مقاله»،«روش تنظیم عنوان اصلی مقاله»،«روش عنوان‌بندی مباحث داخلی مقاله»،«روش نگارش چکیده مقاله»، «روش مقدمه‌نویسی در مقاله»، «طبقه‌بندی، تحلیل و پردازش اطلاعات» و «سبک نثر و ویژگی‌های نگارشی». بر اساس بررسی‌های انجام گرفته در مجموع مباحث این پژوهش، چنین برداشت می‌شود که به رغم وجود برخی کاستی‌های روشمند، مقالهٔ«بررسی و تحلیل درد و رنج‌های بشری در اندیشهٔ مولوی»می‌تواند به عنوان الگویی مناسب برای تبیین و تعلیم آیین نگارش مقالهٔ علمی-پژوهشی به دانشجویان و محققان معرفی گردد.

کلیدواژه: روش‌شناسی. نقد. مقالهٔ علمی-پژوهشی. آیین نگارش.

[۱] دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کاشان؛ رایانامه: mostafavisada@yahoo.com

[۲] دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کاشان

بررسی و تحلیل شخصیت پردازی در سنگ صبور نوشته ی صادق چوبک

سولماز مظفری[۱]
شهلا رستمی[۲]
کیوان زارعی[۳]

چکیده

رمان سنگ صبور نوشته صادق چوبک، داستان نویس مشهور معاصر است و از آن نظر که به درون‌کاوی شخصیت ها و طبقات مختلف جامعه پرداخته، در رده رمان های اجتماعی به حساب می آید. چوبک در آثار خود به تجسّم و توصیف برش ها و مقاطعی حسّاس از زندگی دست می زند، زندگی انسان هایی که گرفتار جبر اجتماعی و اقتصادی شده اند، سایه ای سنگین از فقر اقتصادی و فرهنگی بر زندگیشان چنبره زده، که رهایی و نجاتی برای خود نمی بینند و برخی از آنها در لجن هوا و هوس هم گرفتار آمده اند. رمان سنگ صبور، بیشتر حول زندگی شخصیت های فقیر، معمولی و گرفتار فقر فرهنگی سال های دهه چهل می گردد. در این رمان به طور هنرمندانه ای از توصیف، گفتگو، کنش، نام و محیط در پرداخت شخصیت ها استفاده شده است. به نظر می رسد که صادق چوبک در شخصیت پردازی قهرمانان خود، بیشتر بر استفاده از توصیف و گفتگو تاکید داشته است.

کلید واژه ها: سنگ صبور، صادق چوبک، شخصیت پردازی، رمان،ادبیات داستانی.

[۱]دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید رجایی شیراز؛ رایانامه: s_mozafari8673@yahoo.com
[۲]مدرس دانشگاه
[۳]کارشناس مسئول نیروی انسانی اداره آموزش و پرورش ناحیه ۲ شیراز

بررسی ماهیت درد و رنج در اشعار پروین اعتصامی

سولماز مظفری[۱]
شهلا رستمی[۲]

چکیده

یکی از شاعران برجسته معاصر ایران، پروین اعتصامی است که به عنوان شاعر اخلاق و تربیت شناخته شده است که در اشعار خود بشر و مسائل پیرامون وی را مدّنظر قرار داده و اندیشه‌ها و باورهای خود را در قالب تمثیل و مناظره بیان نموده است. پژوهشگر پس از بررسی دفتر اشعار ایشان، می‌تواند به جرات ادعا کند پروین از شاعرانی است که به مقوله درد و رنج انسانی و مفاهیم مرتبط با آن توجه کرده و در زندگی خود نیز، درگیر این مفهوم و واقعیت بوده است. در این مقاله تحلیلی و توصیفی پس از بررسی ابعاد مختلف این مقوله در نظام حاکم بر اندیشه و زبان پروین، مجموعه اشعار وی در چهار بخش معناشناسی، وجودشناسی، غایت شناسی و شان اخلاقی درد و رنج طبقه بندی و بررسی شده است. در اشعار پروین می توان مصادیقی برای انواع درد و رنج برشمرد.

کلید واژه ها: درد و رنج، پروین اعتصامی، شعر معاصر

[۱] هیأت علمی دانشگاه فرهنگیان شیراز؛ رایانامه: s_mozafari8673@yahoo.com
[۲] دکترای زبان و ادبیات فارسی و مدرس دانشگاه

بررسی مضامین دینی و مذهبی در اشعار کتاب های فارسی دوره ابتدایی

فائزه مظلومی[۱]

چکیده

دنیای کودک، دنیایی حساس و مهم، به لحاظ تأثیر تربیتی و دینی است و شعر به عنوان یکـی از ابزاهای تربیتی، در این میان نقش مهمی ایفا می کند. با توجه به اهمیت آموزش دین مبین اسلام وسفارش پیامبر اعظم(ص) که کودکانمان را از سن هفت سالگی با دستورات قرآنی تربیت کنیم، تا کم کم این تربیت دینی دروجود آنها نهادینه شود. هدف از نگارش این مقاله نقد و بررسی کتابهای دوره ی ابتدایی و جستجوی آموزش مفاهیم دینی و مذهبی در آنان است. روش ایـن پژوهش، توصیفـی و از نوع تحلیل محتوا بوده است . در قسـمت تجزیه و تحلیل داده ها ، ابتدا از روش کتابخانه ای و مطالعهٔ مجلات،کتب و مآخذ، اطلاعات اولیهٔ کلی جمع آوری شد. سپس بااستفاده از روش تحلیل محتوا، موارد خاص در بین اشعار کتاب های ابتدایی مورد بررسی قرارگرفت. کتابهای فارسی ابتدایی شامل ۵۹ شعر منتخب از شاعران کودکان و نوجوان است که از این تعداد در کلاس اول 12 شعر ، دوم 8 شعر ، سوم 11، چهارم ۸ شعر ،پنجم ۹شعر و ششم ۱۱ شعر آمده است . این شعرها مورد نقد و بررسی قرار گرفت وبا جستجوی مفاهیم دینی و مذهبی سفارش شده ی دین اسلام در این شعر ها به این نتیجه رسیدیم : حضور این آموزش در سال اول بسیار خوب شروع شده و هر چه رو به کلاس بالا تر می رویم این آموزش کمرنگ تر شده است. حال آنکه لازم است هر چه کودکانمان به مرحله نوجوانی نزدیک می شوند ، تناسب بین نیاز ها و آموزش ها برقرار شود.

واژه های کلیدی: فارسی دوره ی ابتدایی ، مفاهیم دینی و مذهبی ، شعر کودک و نوجوان.

[۱] دانشجوی کارشناسی رشته علوم تربیتی ،دانشگاه فرهنگیان ، پردیس امام جعفر صادق(ع) بجنورد؛ رایانامه: mazloomi3177@yahoo.com

بررسی انسجام و پیوستگی در شعر آرش کمانگیر سیاوش کسرایی برپایه نظریه انسجام هلیدی و حسن

امیرحسن مغیث [۱]
فیروز فاضلی [۲]

چکیده :
متن پژوهی در ادوار مختلف مورد توجه محققان بوده است و با انجام چنین تحقیقاتی ، متون شکل گسترده تری می یافتند زیرا پژوهشگر بر مبنای فهم و درک خود مطالب آن را توضیح می داد و گره‌هایش را می گشود و البته صرفاً دانش و بینش محقق بود که در این راه زمینه ساز توصیف و تفسیر می شد.با پدید آمدن اندیشه های نو در علوم و خصوصاً در زبان و ادبیّات ملل و نضج یافتن علم زبان شناسی در قرون اخیر ، نظریات گوناگونی درباره چگونگی دستیابی به عمق معنایی متون ارائه می شود که در این میان تحلیل متن در مرکز این بازخوانی ها قرار گرفته است. الگوی انسجام هلیدی و حسن (۱۹۷۴و ۱۹۸۵) یکی از ابزارهای جدید در تحلیل و بررسی متون است و می توان وجود یا عدم انسجام متن را اثبات نمود.
یکی از شاهکارهای ادب معاصر ، شعر «آرش کمانگیر» سیاوش کسرایی دارای بیانی ساده و برخوردار از ظرافت های زبان فارسی نوین که اثری ارزشمند و ماندگار گردیده است . در این مقاله به بررسی عوامل انسجام بخش متن در « آرش کمانگیر » با توجه به نظریه انسجام هلیدی و حسن(غیر ساختاری) می‌پردازیم تا ضمن ارائه نگاه جدیدی در شناخت این اثر حماسی ، الگویی با معیارهای زبان‌شناسی در سنجش انسجام متن ارائه کرده باشیم زیرا آنچه که در بلاغت سنتی با عنوان انسجام به کار می رود ، بیشتر در قالب جمله است و در داوری در باب متن به ارائه معیارهای دقیقی نمی انجامد و بیشتر در قالب ارزشگذاری کیفی بیان می شود .روش تحقیق این مقاله توصیفی – تحلیلی با رویکرد انسجام شناسی و استفاده از الگوی هلیدی و حسن است .

کلید واژه : بلاغت ، انسجام ، روش ، شعر آرش کمانگیر.

---

[۱] عضو هیأت علمی دانشگاه فرهنگیان؛ رایانامه: ah_moghiss@yahoo.com
[۲] عضو هیأت علمی دانشگاه گیلان

عارف و مقام رضا در امهات کتب عرفانی با محوریت مثنوی معنوی

امیرحسین مغیث[۱]
محمدکاظم یوسف پور[۲]

چکیده

یکی از مقامات محوری در سیروسلوک که می‌تواند محل تلاقی چند مقام وحال دیگر باشد،«مقام رضا» است که در امهات کتب صوفیه مورد توجه قرار گرفته و هریک از عرفا آن را در تقسیم‌بندی‌های گوناگون ارائه کرده‌اند . تأکید برطی این مرحله در تمامی منابع مشهود است و اکثریت کتبی که در حوزه عرفان نظری نگاشته شده‌اند، این وضعیت روحانی را جزو مقامات به حساب آورده‌اند.

این مقاله دربردارنده آراء عرفا در خصوص «مقام رضا» است و از این که زمینه‌ساز درک اختلاف و تشابه است ، دارای اهمیت می باشد . در این میان مثنوی مولانا به عنوان متن عرفانی به بیان حالات مختلف عارف در «مقام رضا» پرداخته‌است و بیان می‌دارد که چه حالاتی بر وی عارض می‌شود که راه تسلیم می‌سپرد و شکایتی ندارد . در پایان این بررسی به این نتیجه می‌رسیم که رضایت‌مندی عارف همیشه جنبه اختیاری و داوطلبانه ندارد و در پی کشف و شهودی به این مقام دست نمی‌یابد بلکه نتیجه عجز و ناتوانی در برابر قضای الهی است . شیوه تحقیق این مقاله توصیفی – تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است .

[۱] هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان(پردیس شهید مقصودی)؛ رایانامه:
ah_moghiss@yahoo.com
[۲] دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان

شخصیت‌پردازی رمان پسامدرن؛ مطالعهٔ موردی: فرانکولا، کتاب اعتیاد و من کاتالان نیستم

سروناز ملک[۱]
غلامرضا پیروز[۲]

چکیده

در داستان‌های رئالیستی شخصیت‌ها به‌گونه‌ای ساخته و پرداخته می‌شوند که واقعی جلوه کنند و خواننده بتواند با آنها همذات‌پنداری کند، اما در داستان‌های پسامدرن هر آنچه وجه بازنمایی واقعیت را کمرنگ کند، برجسته می‌شود. بنابراین، شخصیت‌ها ویژگی هایی دارند که آنها را از شخصیت‌های داستان‌های رئالیستی متمایز می‌کند. این مقاله بر آن است تا شگردهایی را که نویسندهٔ پسامدرن با استفاده از آنها شخصیت‌هایش را خلق می‌کند، در سه رمان (*فرانکولا*، *کتاب اعتیاد* و *من کاتالان نیستم*) بررسی و مشخص کند کهنویسندگان این داستان‌ها از خلق این شخصیت‌ها چه اهدافی را دنبال می‌کنند؟ بررسی ها نشان می‌دهد این نویسندگان با خلق شخصیت‌های مجازی، خنثی، التقاطی، سرگردان میان خیال و واقعیت و روان‌گسیخته می‌کوشند رابطهٔ میان داستان و واقعیت را به چالش بکشند تا شوق خواننده را برای ارجاع داستان به واقعیت و همذات‌پنداری با شخصیت‌های داستاناز بین ببرند. از سوی دیگر، هویت‌های چندگانه، سیال و ناپایدار این شخصیت‌ها جلوه‌ای از هویت انسان در دوران پسامدرن است و از جنس واژه بودن این شخصیت‌ها رابطهٔ میان زبان و واقعیت را به چالش می‌کشد و بر عدم قطعیت جایگاه هستی‌شناختی‌شان تأکید می‌ورزد.

واژه‌های کلیدی: رمان پسامدرن، عناصر داستان، شخصیت‌پردازی.

[۱] دکترای زبان و ادبیّات فارسی، مدرس دانشگاه؛ رایانامه: malek.sarvenaz@yahoo.com
[۲] دانشیار گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران

توسعه یافتگی سیاسی از منظر فردوسی

صفا ملکی[۱]

چکیده

توسعه‌ی سیاسی از مفاهیم جدید جامعه شناختی است که در اصطلاح به معنای افزایش ظرفیّت و کارایی یک نظام سیاسی و گذر از حالت نامطلوب به مطلوب است و در سایه‌ی امنیّت و آرامش ناشی از برقراری اعتماد میان حاکمان و مردم حاصل می‌شود.

مطالعه‌ی جوامع قدرتمند صنعتی و اقتصادی جهان امروز به وضوح نشان می‌دهد که عامل اصلی توسعه یافتگی نه منابع مادّی بلکه توانایی‌ها، برنامه‌ریزی‌ها، انسجام و عقلانیّت موجود در داخل جامعه است.

با توجّه به اهمیّت و تأثیری که توسعه یافتگی سیاسی در پیشرفت جوامع دارد و اعتقاد به غنای آثار ادبی گذشته و وجود مبانی بسیاری از مفاهیم فرهنگی، اجتماعی و سیاسی امروز در این آثار بر آن شدیم مفهوم توسعه‌ی سیاسی را در اندیشه‌ی فردوسی و داستان‌هایی از اثر ارزشمند او بررسی کنیم.

بی‌تردید دستیابی به تمام شاخصه‌های این نوع توسعه در جامعه‌ی هزاره‌ی قبل مورد انتظار نیست امّا به دلیل عقلانیّت حاکم بر اندیشه‌ی فردوسی، مبانی اصلی این تفکّر را در این اثر بی‌بدیل به وضوح می‌توان دید:

واژگان کلیدی: توسعه یافتگی سیاسی، شاهنامه‌ی فردوسی، اسکندر، کید، فور.

[۱] دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز ؛رایانامه: safamaleki50@gmail.com

صدای عدالت علی (ع) در اندیشه‌ی نظامیگنجوی

صفا ملکی[۱]

چکیده

جهان امروز غرق در بیدادگری‌ها و تشنهٔ عدالت است. عدالت به معنی برخورداری از شرایط یکسان برای همه نیست بلکه در معنی بودن در جایی است که شایستهٔ آنی.

این برداشت و تعریف جامع از عدالت را در اندیشه و کلام دو اندیشمند بزرگ به وضوح می‌توان دید، پیشوای عدالت پیشگان جهان، علی (ع) و حکیم بی بدیل شعر فارسی، نظامی گنجوی. در هر دو اندیشه حکومت عادلانه، مهم‌ترین رکن، در تحقّق جامعهٔ سعادتمند است.

اهمیّت علی (ع) در مبحث عدالت، از این روست که علی (ع) فقط نظریه پرداز عدالت نیست؛ او عدالت را از خود و حکومتش شروع کرد. اندیشه و حکومت او الگوی مجسّم و عملی دادپیشگی است. توجّه به نمودهای مختلف دادگری چون عدالت فردی و اجتماعی، دنیوی و اخروی، سیاسی و اقتصادی و ... در اشعار و حکایات گرانقدر آثار نظامی نیز بوضوح مشهود است. بررسی و تطبیق این دو اندیشه بیانگر این حقیقت است که عدالت، اندیشهٔ واحدی است، در هر زبان و شکل و زمانی که باشد. این جستار بر آن است که شباهت‌ها و نکات مشترک این دو اندیشه را در نهج البلاغه و خمسهٔ نظامی مورد تحلیل و بررسی قرار دهد.

واژگان کلیدی: عدالت، حکومت، علی (ع)، نظامی گنجوی.

[۱]دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز؛ رایانامه: safamaleki50@gmail.com

رؤیاواره در شعر حافظ

مجید منصوری[۱]
حمید غلامی[۲]

چکیده

رؤیا یکی از مفاهیم مهم و کلیدی در ادبیات عرفانی است. رؤیاواره‌ها در مرز میان رؤیا و بیداری اتفاق می‌افتند که سرانجام منجر به کشف و شهودهای عارفانه می‌شوند. جریان شکل‌گیری رؤیاواره در اشعار حافظ، پیوندی مستقیم با مبادی دینی و بن‌مایه‌های کهن‌الگویی و اسطورهٔ بازگشت دارد. حافظ دررؤیاواره‌های خود، با استمداد از ناخودآگاه فردی و جمعی و با بازگشت به «عهد ازل» و «عالم الست» قدم در عرصهٔ آفرینش آدم می‌گذارد. به منظور حصول به این امر، دنیای زمان‌مند و مکان‌مند درنوردیده می‌شود و شاعر بیرون از قید زمان و مکان به نظارهٔ آفرینش می‌نشیند. حافظ برای بیان تأثیرگذارتر این مولفه‌ها، از نماد و رمز و عناصر زیبایی‌شناسی دیگر استفاده کرده است؛ برای نمونه کلمات«دوش» و «سحر» در شعر حافظ،بیان دیگری از روزگار الست و فضایی است کهرؤیاواره در آن اتفاق می‌افتد و در بیشتر مواردی که حافظ کلمهٔ دوش و سَحَر را آورده، پیام یا بشارتی به زبان ادبی از جانب معشوق ازلی به همراه می‌آورد.در این پژوهش تلاش گردیده با روشی تحلیلی- استنادی و با مراجعه به کتب تحلیلی دست اول در این حوزه به واکاوی، برجسته کردن و بررسی ابعاد و افق‌های مختلف موجود در رؤیا و اسطورهٔ بازگشت مبادرت نماییم،اگرچه ابعادی از پژوهش انجام شده در آثار دیگر مورد مداقه قرار گرفته؛ اما بررسی این مقوله با رویکرد اسطوره‌شناسی و روان‌شناسی مغفول مانده است که در این تحقیق در حد حوصله، به آن پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها:رؤیا، رؤیاواره، واقعه، کشف، شهود، دوش، الست، ازل.

[۱]استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بوعلی سینا همدان؛ رایانامه: majid.mansuri@gmail.com
[۲]دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک

ترتیب عددی- رمزیشاهان و شاهزادگاندر شاهنامهٔ فردوسی

زهرا منصوری[۱]
محمّد ایرانی[۲]

چکیده

برخی اعداد در طول تاریخ زندگی بشر با رمز و رازهایی همراه بوده و به عنوان وسیله‌ای برای بیان عقاید اسرارآمیز انسان به‌کاررفته‌اند؛ گاه ارزش کمّی آنها فراموش شده و ویژگی کیفی و معنوی‌شان در کانون توجّه جای گرفته است؛ از جمله اینکه در فرهنگ و باور مردمان،اعتقاد به خوش‌یمن و بدیمن بودناعداد خاصی مطرح می‌گردد. در ادبیّات فارسی نیز این عقاید به شیوه‌های گوناگون بازتاب یافته است؛ امّا از جملهنمودهای جالب توجّه، قرارگرفتن معنادار برخی از شاهان و شاهزادگان شاهنامهٔ فردوسی در جایگاه عددی خاص است که به طرزی شگفت، ارتباطی میان آنها و مفهوم رمزی اعدادی که نمایندهٔ آنهاست، برقرار است؛به گونه‌ای که هریک از آن اعداد خاص، به همراه اعتقادات اساطیری پیرامونی خود، با مشخّصات اصلی هریک از شخصیّت‌های نماینده‌اش در شاهنامه، پیوندی استوار و ناگسستنی یافته است.نگارندگانکوشیده‌اند تا در جُستار حاضر، با نظر به رمزوارگی برخی اعداد، پیوندها و پیوستگی‌های میان آنها را با ترتیب قرارگرفتن شاهان و شاهزادگان در شاهنامهٔ فردوسی بیابند و بیان کنند. نتیجهٔ این پژوهش نشان می‌دهد که ارتباط معناداری میان برخی از اعداد مانند:یک، دو، سه، چهار، پنج، شش، هفت، دوازده، سیزده، چهل و پنجاه و خصوصیّات بارز هر یک از شخصیّت‌هایی که نمایندگان آن اعداد محسوب می‌شوند یعنی: کیومرث، سیامک، هوشنگ، طهمورث، جمشید، ضحّاک، فریدون، کیکاووس، سیاووش، نوشینروان و یزدگرد برقرار است؛ درواقع هریک از اعداد مذکور با اعتقادات غالباً اساطیری خاصی که پیرامونشان شکل گرفته با مشخّصات اصلی هریک از شخصیّت‌های نمایندهٔ خود، پیوندی استوار و ناگسستنی دارند.

واژه‌های کلیدی: اعتقادات اساطیری، مفهوم رمزی اعداد، شاهنامهٔ فردوسی،شاهان و شاهزادگان.

---

[۱] دانشجوی دکتری زبان و ادبیّات فارسی دانشگاه رازی کرمانشاه؛ رایانامه: zahra.mansouri@yahoo.com
[۲] دانشیار گروه زبان و ادبیّات فارسی دانشگاه رازی کرمانشاه

علم و مراتب آن در مثنوی مولانا

حسین منصوریان[۱]
رضا کریمی لاریمی[۲]

چکیده

علم و دانش از منظر مولانا از اهمّیّت و جایگاه ویژه و والایی برخوردار است به طوری که در جای جای مثنوی ، از فضیلت و ارزش و تأثیر علم و عالمان صحبت به میان می آورد. . و برای هریک از علوم و صاحبان آن ویژگی هایی را بر می شمرد. علم در مثنوی در معنایی گسترده و فراگیر به کار رفته است به گونه ای که از نازل ترین مرتبه ی آگاهی تا عالی ترین مرتبه ی آگاهی بشر را در بر می گیرد . با این همه ، در هیچ جای مثنوی ، مولوی علم و دانش را به طور مطلق نفی و نهی نکرده است. گاهی در ارزش والای آن سخن ها گفته است گاهی هم عالمان مغرور و مدّعی را مرد انتقاد تند قرار داده است. بنابراین دراین مقاله به بررسی و تبیین معنای علم در لغت و اصطلاح و سابقه و انواع آن ، تعریف علم و اقسام آن از منظر عرفا ، علم و مبانی آن از دید مولوی و تقسیم بندی علوم به دو نوع علوم ظاهری و علوم باطنی و ویژگی ها و شاخه بندی های هر کدام از آن ها پرداخته شده است .

کلید واژگان: مثنوی معنوی، مولوی ، علم ، معرفت ، بینش و علوم ظاهری و باطنی.

[۱] دانشیار ،عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی ، واحد قائم شهر ، ایران؛ رایانامه: reza.karimilarimi@yahoo.com
[۲] دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی ، واحد قائم شهر ، ایران

رد پای کین در شاهنامه

محمود مهدوی دامغانی[۱]
الهه رحمانیان[۲]

چکیده

یکی از کردارهای حماسه، جنگ و دلاوری است و جوهر واقعی داستان‌های رزمی، بی‌گمان کین خواهد بود. در این مقاله، به استناد ابیات شاهنامه، کین‌ورزی، علل و انگیزه آن و ریشه‌یابی کین در ایران باستان مورد بررسی است. به طور کلی کین‌توزی در شاهنامه به دوران اساطیری و پهلوانی اختصاص دارد. آنچه در این پژوهش به عنوان جلوه‌های کین و رد پای کین در شاهنامه مطرح شده است عبارتند از :

- کین‌ورزی در ایران باستان به عنوان یک فریضه و واجب محسوب می‌شده است.
- کین‌توزی در بسیاری از داستان‌ها، رنگ اهورایی و الهی به خود گرفته است.
- در باور ایرانیان باستان ، آنجا که کسی از خویشان کشته شده ؛ نتواند انتقام بگیرد، سرانجام خدا کین وی را بازپس خواهد گرفت.
- کین‌توزی به عنوان یک آیین و سنت دیرینه، تلقی می‌شده است.
- کینه توختن، امری دادگرانه انگاشته شده است.

و با اندکی تأمل به بیان آموزه‌های دین مبین اسلام در مورد کین‌ورزی پرداخته شده و با این گفتار برخی باورهای ایرانیان باستان در این رابطه منسوخ و باطل شمرده شده است انچه از این مقاله استنباط می شود راه جویی در جهت رسیدن به پایگاه اولیه انسانی وحاکم شدن ارزش های ملی ومذهبی است.

کلید واژه‌ها: کین توزی ، جنگ، حماسه، ایران باستان، شاهنامه.

---

[۱] استاد دانشگاه
[۲] دانشجوی دکترای ادبیات غنایی؛ رایانامه: rahmanian48@yahoo.com

بررسی کارکرد دوگانهٔ زبان «سخن و سکوت» در کلام و اندیشهٔ مولانا

ملیحه مهدوی[۱]

چکیده:

زبان در تکامل شخصیت انسان نقش مهمی ایفا می‌کند و کارکرد دوگانهٔ آن یعنی سخن و سکوت، هریک به تنهاییمی‌تواند سبب تعالی یا تنزّل او شود. حضرت مولانا درباره ی خاصیت دوگانهٔ زبان صفت «کشف» و «کنف» را بیان می‌کند و با ویژگی‌های «گویایی» و «خموشی»؛ «گنج» و «رنج» به توصیف آن می‌پردازد. هنگامی که مریدان خود و خود را به سکوت و خاموشی فرا می‌خواند از ارزشمندیسخن غافل نیست اما جان هوشمند و بی قرار او، هنگامی که به مرحلهٔ بیان معانی ژرف حقایق الهی می‌رسد مخاطبی که گنجایش درک آن سخنان را داشته باشد نمی‌یابد پس از ادامه ی سخن باز می‌ماند و سکوتبه عنوان آخرین مرحله ی کوشش او برای بیان معرفت ناب حق- تعالی- جلوه‌گر می‌شود. رازهایی که او از آن سخن می‌گوید از فرط عظمت در قالب الفاظ نمی‌گنجد و ظرفیت محدود افهام بشری یارای درک آن را ندارد و «دهانی به پهنای فلک می‌خواهد». هنگامی که مولانا به مرحلهٔ فنا می‌رسد و جذب انوار حق می‌شود در پی نوعی مکاشفه و الهام درونی سخن می‌گوید و معانی غیبی به اضطرار از دل او می‌جوشد امّا صفات بشری او را از سیر در عرش به عالم فرش باز می‌گرداند و وادار به سکوت می‌کند.از سویی حرمت و قداست موهبت کلام را دریافته و از سوی دیگر محدودیت فکری مخاطبان و عوام او را از ادامه ی سخن باز می دارد. گاه نیز با وجود «سازگاری مخاطبان دردرک مفاهیم و معانی مندرج در نطق و سکوت» خاموش شده، مستغرق بحر الهی می‌گردد.او سرّ الهی را نه گفتنی و نه شنیدنی بلکه دریافتنی می‌داند. به اعتقاد او زبان در شرح مکنونات غیب ناتوان است. سخن و سکوت مولانا هر دو محصول کشف و شهود اوست.

واژه‌های کلیدی: نطق، سخن، سکوت، معرفت، اسرارحق.

[۱].گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی. علی¬آباد کتول؛ رایانامه: ma.mahdavi1394@gmail.com

بازتاب خویشتن در بررسی تطبیقی قصّهٔ خیر و شر و دو مسافر

مینا مهرآفرین[۱]
حافظ حاتمی[۲]

چکیده

از میان انواع ادبیّات عامّه و عامیانه، قصّه‌ها را می‌توان به عنوان نخستین و ارزشمندترین آفرینش ذهن و زبان بشر دانست که در ژرفای معنای خویش، آموزه‌هایی ژرف و برجسته دارند. از این منظر، قصّه‌ها ابزاری مهم برای تزکیه، تربیت و تعالی روحی- روانی و جسمانی مخاطب‌اند. ازآن‌جایی‌که منشأ قصّه‌ها، اغلب تجلّی ذهن ناخودآگاه جمعی است و در نقل سینه‌به‌سینه و گذار و گذر، گاهی با ترجمه و اقتباس و در جامهٔ بازآفرینی، ظاهری دگرگونه یافته‌اند، در پژوهش‌های مطابقه‌ای فرآورده‌های ادبیّات عامّه ، می‌توان به وجوه شباهت‌ها و خویشاوندی‌های قابل‌توجّهی دست‌یافت. در ادبیّات آلمان، نمونه‌ای از قصّه‌ها و افسانه‌های برادران گریم و در ادبیّات فارسی، داستان خیر و شر از هفت پیکر نظامی گنجه‌ای و بازخوانی آن در مجموعهٔ قصّه‌های صبحی (فضل‌الله مهتدی) نمایندگانی از ادبیّات عامّهٔ شرق و غرب‌اند که ظرفیّت‌های متعدّدی از دیدگاه کاوش‌های تطبیقی و مقابله‌ای دارند. این پژوهش بر آن است تا با روشی اسنادی، توصیفی و تطبیقی، تفاوت‌ها، ویژگی‌های مشترک و عناصر سازندهٔ این قصّه‌ها را بررسی و تحلیل کند.

کلید واژگان: ادبیّات عامّه، ادبیّات تطبیقی، قصّه، نظامی گنجه‌ای، برادران گریم، صبحی مهتدی.

[۱] دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیّات کودک و نوجوان؛رایانامه: Godis_withme101@yahoo.com
[۲] استادیار گروه زبان و ادبیّات فارسی دانشگاه پیام نور

نگاهی به تجلّی اسطوره در شعر نادر نادرپور

قاسم مهرآور گیگلو[۱]

چکیده

اسطوره‌ها در هر سرزمینی بخشی از هویت، تمدّن و فرهنگ آن سرزمین به شمار می‌روند و شاعران با بهره‌گیری از آنها افزون بر اینکه شعر خود را هنرمندانه‌تر می‌سرایند، می‌توانند دغدغه‌ها، دل مشغولی‌ها و خواسته‌های خود را از طریق آنها با زبانی غیر مستقیم به جامعه منتقل کنند. از ویژگی‌های شعر دورهٔ معاصر بهره برداری شاعران از عناصر اسطوره‌ای است. نادرپور از شاعران معاصر ادب پارسی است که اشعارش با یاری گرفتن از شخصیت‌های اساطیری مانند رستم، کاووس، سیاوش و ضحاک و موجودات اساطیری مانند سیمرغ، کوه البرز، شیطان و... سیری را از ایستایی به سوی دو معنایی یا چند معنایی پشت سر گذاشته است و در نتیجه زبان شعریش باعث جایگزین کردن اجزای عینی با اجزای ذهنی اسطوره گردیده است. این پژوهش بر آن است تا به روش توصیفی – تحلیلی تجلّی اسطوره در شعر نادرپور را مورد بحث و مداقّه قرار دهد.

واژگان کلیدی: اسطوره، شعر معاصر، زبان نمادین، شعر نادرپور.

[۱] دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی؛ رایانامه: ghasemmehravar@uma.ac.ir

نگاهی به کاربرد تکیه در شعر سلمان هراتی

قاسم مهرآور گیگلو[۱]

چکیده

سلمان هراتی (۱۳۶۵-۱۳۳۸) از شاعران متعهد صاحب سبک معاصر در حوزهٔ ادبیات پایداری و انقلاب اسلامی است. در این پژوهش برآنیم تا به روش توصیفی- تحلیلی تکیه را در اشعار او مورد بحث و مداقّه قرار دهیم. از شگردهای کلام سلمان هراتی در اشعارش وجود تکیه و آهنگ آشکار در کلمات و جملاتش است. تکیه، عبارت است از برجسته کردن آوایی قسمتی از کلام – به عنوان بخش مهم‌تر – نسبت به قسمت‌های دیگر همان کلام، یا در تقابل با کلام دیگر. یعنی گوینده برای این‌که منظور و مقصود خود را از کلمه یا جمله به شنونده و مخاطب برساند، قسمتی که مورد نظر وی است، با شدّت بیشتر و آهنگ خاصّی بیان می‌دارد. همین امر از پدیده‌های ساختاری، دستوری و بدیعی جالب در اشعار سلمان - هراتی است. با توجه به اینکه شعر هراتی، شعری ایدئولوژیک و مذهبی است از تکیه و آهنگ به عنوان عوامل آوایی سخن، به منظور تأثیر بر مخاطب، به نحو احسن بهره برده است.

واژگان کلیدی : تکیه، آهنگ، شعر سلمان هراتی.

[۱] دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی؛ رایانامه: ghasemmehravar@uma.ac.ir

بررسی عنصر تشخیص و رابطهٔ آن با عناصر بومی در جلد اول رمان کلیدر

مریم مهربان[۱]

چکیده

کلیدر، اثر محمود دولت‌آبادی، به عنوان مفصل‌ترین رمان فارسی شناخته می‌شود. این رمان را می‌توان نقطهٔ اوج مجموعه آثار پیشین دولت‌آبادی به حساب آورد که اغلب آنها، داستان‌هایی کوتاه دربارهٔ مردم زجرکشیده و رنجور دهات خراسان است. یکی از ویژگی‌های برجستهٔ این رمان، نثر ادبی و گاه شاعرانهٔ آکنده از صنایع بیانی و بدیعی است. آنچه در این پژوهش مطمح نظر قرار گرفته، صنعت تشخیص در جلد نخست این رمان است که تحت سه شاخصه‌های فرهنگی ـ اجتماعی، جغرافیایی و اقتصادی استخراج و دسته بندی شده‌اند. این صنعت دستاویزی برای نویسنده شده تا در آینهٔ تشخیص بتوان اقلیم بومی خراسان را به نظاره نشست. برخلاف توقع قدما از صناعات بلاغی، دولت‌آبادی به مدد قدرت نویسندگی خود نشان داد که صور خیال، تنها وسیله‌ای برای آراستن کلام نیست، بلکه می‌توان از آنها برای اهداف عالی‌تر که در این رمان، بازتاب اقلیم نویسنده است، بهره جست. سطوری که در متن رمان صرفاً بیانگر عنصر تشخیص به عنوان صنعت‌سازی و نه چیز دیگر است، به زحمت به تعداد انگشتان یک دست می‌رسد. در مقابل، عباراتی که هم دربردارندهٔ تشخیص و هم دارای چاشنی اقلیم گرایی است، شمار غالب تعداد تشخیص‌ها را به خود اختصاص می‌دهد.

واژگان کلیدی: دولت‌آبادی، رمان کلیدر، تشخیص، بومی گرایی

[۱]دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه قم؛ رایانامه: m90.mehraban@gmail.com

بررسی زمینه های عقده ی حقارت در آثار مولانا

مریم مهرارا [۱]

چکیده:

در ادبیات فارسی دری شاعری را نمی توان یافت که از حیث وسعت اطلاعات و اندیشه، شدت هیجان، غلیان احساسات، تنوع مضامین، درک عمیق از مسائل اجتماعی و وقوف بر روان آدمی با مولانا همسری کند، امروز مولانا در نزد اکثریت غربی ها یکی از بزرگترین معلمان معنوی جهان است و به همین جهت است که اشعار او را ترجمه می کنند.(اته.تاریخ ادبیات ایران) این مقاله پژوهشی توصیفی تحلیلی است درباره ی " بررسی عقده ی حقارت در آثار مولانا از آنجا که یکی از ابعاد قابل پژوهش در آثار این مرد بزرگ و شاعری وارسته گونه های روانکاوی به ویژه عقده ی حقارت است. هدف از انجام این پژوهش شناخت و بررسی بیشتر نشانه های عقده ی حقارت در آثار اوست چرا که همه ی هنرها در طول تاریخ اعم از شعر، نقاشی و ... نماد صورت درونی انسان است. در این پژوهش پس از بررسی مبانی نظری و تحلیل اشعار مولانا دریافتیم که احساس حقارت همچون سکه ی دو رویی است که یک طرف آن سعادت و سربلندی را در پی داردو روی دیگر آن ضعف و عقب ماندگی را.

کلید واژه: عقده، حقارت، تحلیل روانشناختی اشعار مولانا

[۱] دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات تطبیقی دانشگاه بین المللی امام خمینی؛ رایانامه:
Amirhosseinfeizi77@yahoo.com

قواعد دستوری بازمانده از زبانهای ایرانی باستان درساخت افعال ماضی متعدی در گویش دالینی

راضیه موسوی خو[۱]

چکیده

گویش دالینی یکی از گویش های جنوب غربی ایران است که امروزه گویش رایج مردم در روستای دالین می باشد. این روستا در استان فارس، حدفاصل شیراز و اردکان قرار دارد.گویش دالینی جزء شاخه ی ایرانی نو غربی است. تا کنون پژوهشی در زمینه بررسی زبان شناختی گویش دالینی صورت نگرفته است. هر چند که در زمینه برخی گویش های مختلف استان فارس از جمله گویش اردکانی ، لارستانی، سیوندی، و برخی گویش های دیگر آن مناطق تحقیقاتی صورت گرفته است. اما در مورد گویش دالینی تنها پژوهش صورت گرفته پایان نامه کارشناسی ارشد نگارنده بوده است. مواد زبانی این تحقیق در تابستان۱۳۹۱ از میان مردم این روستا و به خصوص خاندان رئیسی و اسدی دالینی از طریق تحقیقات میدانی و کتابخانه ای جمع آوری شده است. قسمت های عمده گویش های استان فارس و بوشهر به گروه زبان های جنوب غربی ایران تعلق دارند. در برخی از این گویش ها، ویژگی مهمی از جمله ساخت ارگاتیو که از لحاظ تاریخی، ادامه ی صورت تحول یافته ی ساخت مجهول دوره باستان است، در افعال ماضی متعدی در تقابل با افعال لازم ماضی که خود بازمانده زبان فارسی میانه است، به جای مانده است. در این مقاله به بررسی ساخت افعال ماضی متعدی در گویش دالینی می پردازیم افعال ماضی متعدی دالینی، همچون زبان پهلوی، به کمک عامل و ماده ماضی ساخته می شود. عامل همیشه پیش از ماده ماضی می آید و می تواند اسم (مفرد یا جمع) یا ضمایر شخصی متصل یا ضمایر منفصل غیر صریح یا غیر فاعلی باشد.آنچه به فارسی امروزی نرسیده است.

در زبان پهلوی در صورتی که جمله مفعول صریحی داشته باشد، که ذکر شده یا مستتر باشد، پس از ماده ماضی، صیغه ای از افعال مضارع معین h- که از نظر شخص و عدد با مفعول صریح مطابقت می کند، ذکر می شود. در گویش دالینی، در صورتی که جمله مفعول صریحی داشته باشد، که ذکر شده یا مستتر باشد، مفعول به دو صورت یا قبل از عامل (پیش از فعل ماضی ساده متعدی) و یا بعد از فعل به صورت ضمیر شخصی متصل می آید و از فعل کمکی h- استفاده نمی شود.

کلمات کلیدی : گویش دالینی، زبان پهلوی، ارگاتیو، فعل ماضی، فعل متعدی،ضمایر شخصی.

[۱] دانشجوی دکترای فرهنگ و زبانهای باستانی ایران؛ رایانامه: humamusavi66@gmail.com

نمودهای عاطفه در نفثه المصدور

سیدجلال موسوی [۱]

چکیده

متون نثر فنی به دلیل بکارگیری فنون و آرایه‌های ادبی، جنبه ادبی جالب توجهی پیدا کرده‌اند. علاوه بر این عوامل، در برخی از این متون، نظیر نفثه المصدور، عنصر تأثیرگذارِ دیگری به نام عاطفه نیز بر جنبه ادبی این منابع افزوده است. هر چند حضور عاطفه در این متون به تأثیرگذاری کلام بر مخاطب انجامیده اما نکته مهم در مواجه با عنصر عاطفه، ترسیمِ نحوهٔ بیان و چگونگی نمودِ آن در متن است. بر این اساس در این مقاله نمودهای برجستهٔ عاطفه در کتاب نفثه المصدور زیدری، که تحت تأثیر هیجانات ناشی از مصائب یورش مغول ایراد شده، با عنایت به دو حوزهٔ تخیل و زبان این متن، ذکر و بررسی شده است. طبق بررسی صورت گرفته، صورخیالی نظیر اغراق، تشبیه و تشخیص در حوزه تخیل، و جملات کوتاه، جملات پرسشی، قیدهای حاوی اغراق و عنصر تکرار، در حوزهٔ زبانِ نفثه المصدور در تطابق با فضای عاطفی این متن، دارای بسامد است.

کلیدواژه: نفثه المصدور، زیدری، عاطفه، تخیل، زبان.

[۱] استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور – ایران؛ رایانامه: mousavy@yahoo.com.

گرایش اسماعیلی ناصرخسرو نماد انتقاد سیاسی

معصومه موسیوند[۱]

لیلا هاشمیان[۲]

چکیده

ناصرخسرو یکی از بزرگترین شاعران صاحب سبک و صاحب اندیشه در قرن پنجم هجری، نمایندهٔ یک نسل است. نسلی که شروعش با استیلای ترکان غزنوی آغاز می‌شود و ادامه‌اش هجوم بی‌امان ترکان بیابان‌گرد سلجوقی را در پی دارد. حکومت هایی که عملا با دم تیغ و با تمسک به خلافت ننگین عباسی، مشروعیت سلطنت خود را کسب کرده بودند. در این دوران، فضای حاکم بر ایران و به طور خاص در بین متفکران، اندیشمندان و شاعران، فضای انتقاد و اعتراض است. اعتراض‌اندیشی در این دوره، در قالب شیوه‌های گوناگونی چون گرایش به تصوف و تزهد،گرایش به اندیشه‌های فلسفی و همچنین گرایش به فرقه‌ها و نحله‌های مذهبی متفاوتینمود پیدا می‌کند. در این میان ناصرخسرو، به عنوان یکی از پیشگامان فرقهٔ اسماعیلیه، پرچمدار مبارزه علیه حکومت سلجوقیان و حامیان آنها یعنی عباسیان است. در این پژوهش با بررسی علل و عوامل گرایش ناصرخسرو به فرقهٔ اسماعیلیه، این تغییر عقیده و مذهب، نماد بارز انتقاد سیاسی وی از حکومت ترکان سلجوقی و عملکرد دولتیان ودرباریان در نظر گرفته شده است.

واژگان کلیدی: ناصرخسرو، اسماعیلیه ، سلجوقیان، عباسیان، انتقاد سیاسی

---

[۱] کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بوعلی سینا

[۲] دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بوعلی سینا همدان؛ رایانامه: masumemusivand@yahoo.com

بررسی تطبیقی قیام مردمی در دو داستان کاوه آهنگر و ویلهلم تل

نرگس مولوی[۱]

چکیده:

مکتب امریکایی ادبیات تطبیقی، امکان بررسی دو متن از دو فرهنگ مختلف را فراهم می کند. متون کهن و اسطوره ای، بسیاری از پدیده های اجتماعی را در خود جای داده اند که یکی از آن موارد، قیام مردمی و ایستادگی در برابر ظلم است.

یافتن وجوه مشترک میان اسطوره های اقوام هم ریشه، نقش بسزایی در ایجاد همگرایی میان ملل ایفا می کند. کاوه آهنگر و ویلهلم تل قهرمانان اسطوره ای هستند که علیه نیروی مستبد حاکم قیام کردند و بدین لحاظ اشتراکات بسیاری دارند. شرایط اجتماعی و سیاسی جامعه نویسنده، در نوع آفرینش ادبی او دخیل است، به گونه ای که ساختار معنادار متن متناسب با روحیه جامعه بیان می شود؛ این موضوع را در اشعار فردوسی و نمایشنامه شیلر می توان دریافت که با توجه به شرایط اجتماعی ایران در زمان فردوسی، نیازمند بازسازی هویت ایرانی بوده اما شیلر در سال های پس از انقلاب فرانسه و شرایط حاکم بر اروپا نیازمند ثبات و آرامش بوده است. این موارد را می توان در آفرینش ادبی دو آفرینشگر مذکور مشاهده نمود که طبق نظریه ارسطو در مورد وقوع انقلاب، قیام کاوه علیه ضحاک، قیامی انقلابی است ولی نبرد ویلهلم تل فاقد شرایط لازم برای به وقوع پیوستن یک انقلاب است.

واژه های کلیدی: ادبیات تطبیقی، اسطوره، قیام مردمی، انقلاب.

[۱] دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات تطبیقی دانشگاه فردوسی مشهد؛ رایانامه: n.molavi1365@gmail.com

نقدی بر داستان اندکی سایه اثر احمد بیگدلی

زهرا میرشکار اصفهانی[۱]
مرتضی رشیدی[۲]
محبوبه خراسانی[۳]

چکیده:
خلق ادبیات داستانی شامل قصه، رمانس، رمان، داستان کوتاه و آثار وابسته به آنها امری است که به صورت اتفاقی و در یک لحظه به دست نمی آید. نویسنده با قدرت تخیل خویش با کمک ابزارهای مفید "عناصر داستان" تمامی شخصیت ها ، صحنه ها، وضعیت ها و موقعیت ها، غم ها و شادی ها و امیدها و ترس ها را در هم می آمیزد تا بتواند حادثه ای بیافریند. نوشتار حاضر به نقد و بررسی اجمالی کتاب" اندکی سایه" از داستان های نویسنده معاصر ایران- احمدبیگدلی- با مروری بر عناصر داستان می پردازد. بیگدلی از داستان‌نویسان پرکاری است که هم در عرصه داستان و هم زمینه نمایشنامه نویسی آثار قابل توجهی دارد. کتاب "اندکی سایه "که در این پژوهش به آن پرداخته شده، موفق به کسب جایزه کتاب سال ۱۳۸۶ گردیده است.

کلمات کلیدی: نقد ادبی، داستان ایرانی، احمد بیگدلی، اندکی سایه.

[۱]دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف¬آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف¬آباد، ایران
[۲]گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف¬آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف¬آباد، ایران؛ رایانامه:
Najafdan@gmail.com
[۳]گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف¬آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف¬آباد، ایران

بدایع مولانا در انواع تشبیهات درمثنوی

سید رضی میرصادقی[۱]

چکیده :

تشبیه یکی ازامکانات آفرینش صور خیال است که از انتخاب دو نشانه ، از محور جانشینی، که وجه شبه مشترک دارند وترکیب آنها در محور همنشینی حاصل می شود.

ازمنظر های مختلف، تشبیه انواع مختلف دارد: از نظر ساختمانی، باذکر یاحذف ارکان تشبیه،ارائه ی آن به صورت فشرده یا گسترده . از منظر طرفین تشبیه؛ یعنی محسوس یا معقول بودن ، مفرد یامقیّد یا مرکب بودن آنها، چگونگی ذکرطرفین؛ یعنی جدابودن مشبّه ها از مشبّهٌبه ها یا در کنار هم بودن آنها. از جهت آشکار یاپنهان بودن تشبیه، کاربرد تشبیه بدلی. از نظر وجه شبه نیز ؛ مثلاً اگر وجه شبه در دوطرف تشبیه یا دریکی از آنها وجود حقیقی عدم وجود حقیقی در هردوطرف یا یکی از آنها، باشد؛ یا از نظر سهولت دریافت وجه شبه یا دشواری دریافت آن، انواعی پیدا می کند.

در این تحقیق که به روش توصیفی وتحلیلی براساس ساختارگرایی با بررسی تک تک ابیات مثنوی انجام شده، علاوه بر نشان دادن شاهد مثال هایی ازانواع تشبیهاتی که درمیان اهل ادب معمول است ودر مثنوی نیز به کار رفته ؛به همراه ، تعدادی از انواع تشبیهاتی که حاصل تصرّفات مولانا در تشبیهاتِ معمول است ، تعدادی نیز،ابداعیِ خود مولاناست ودر کتابهای بیان دیده نمی شود و نویسنده ی مقاله بااستقصا وبررسی ابیات مثنوی به آنها پی برده، ونامگذاری آنها نیز از نگارنده است؛ ازجمله ی آنهاست: « تشبیه کنایی»،«تشبیه بدلی کنایی»،«تشبیه تفضیل قیاسی»،«تشبیه قیاسی»، «تشبیه نسبی» که با شواهد مثال آورده شده اند.

واژه های کلیدی: مثنوی، تشبیه، بدایع، تشبیه قیاسی، تشبیه نسبی، تشبیه کنایی

[۱] استادیار زبان وادبیات فارسی،دانشگاه آزاد اسلامی واحد خدابنده ؛رایانامه: razi.mirsadeghi@gmail.com

سیر تحول ردیف از آغاز تا امروز

معصومه میرناصری[۱]

چکیده

ردیف یکی از عناصر مهم بلاغت ایرانی است که پیشینه آن به اشعار پیش از اسلام میرسد. این عنصر علاوه‌بر تأثیر موسیقیایی، کمال بخش شعر و مایه قدرت نمایی شاعران در گذشته بوده است. همچنین در ایجاد تداعی معانی و خلق صور خیال شعری نقش اساسی دارد و شاعر از همنشینی قافیه و ردیف میتواند فضاهای متنوع و مضامین مختلف بیافریند. این عنصر اصیل ایرانی است کمتر مورد توجّه شاعران و ناقدان قرار گرفته و غریب مانده است. این نوشتار برآن است خاستگاه اصلی ردیف و تحولات آن رادر طول سیر خود از جهت کمی و کیفی بررسی نمایند. در بررسی اولیه روشن شد که ردیف یکی از عناصر بلاغت ایرانیان است و پیشینه آن به اشعار ایران پیش از اسلام میرسد اما کاربرد آن در حدود قرون پنجم و ششم و به خصوص در سبک عراقی به اوج خود میرسد چرا که قالب برتر سبک عراقی غزل استو بافت موسیقیایی غزل متناسب با به کارگیری ردیف است. اما هرچه ردیف به سمت شعر معاصر پیش میرود کاربرد و نوآوری در آن نسبت به سبک عراقی کمتر میشود چرا که با ورود شعر نیمایی و تمایل به آزادی از قید و بند وزن و قافیه توجه به ردیف کمتر میشود و آرایه تکرار جای آن را میگیرد.

.

کلمات کلیدی: ردیف، موسیقی، تکرار، ردیف فعلی.

[۱] کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ایلام؛ رایانامه:masomeh.mirnasri@yahoo.com

بررسی عنصر زمان در روایت" توبهٔ نصوح"براساس نظریهٔ ژرار ژنت

محمد میر[۱]

حسنیه نومسلمان [۲]

چکیده

زمانمندی روایت، به معنی گزینش‌های بسیار در عرصهٔ زمان و کنش برای ایجاد پیرنگی مطابق خواست نویسنده است، نه مطابق با زمان تاریخی و تقویمی که خارج از دنیای روایت در جریان است. لذا، عنصر«*زمان*» در روایت یکی ازمباحث مهم واساسی است که اخیراً مورد توجه روایت‌شناسان مختلف قرارگرفته است. از میان نظریه‌پردازان بنام درعرصهٔ روایت‌شناسی، ژرار ژنت، ساختارگرای فرانسوی، با ارائهٔ نظریـهٔ زمان روایی در سه محور نظم، تداوم و بسامد در پیشبرد روایت داستانی نقش مهمی را ایفا کرده است. مولانا در مثنوی معنوی، به عنوان یک اثر عرفانی_تعلیمی از تمام ظرفیت‌های ادبی_روایی عنصر زمان برای افزایش تأثیرگذاری بهره برده است. در این پژوهش توصیفی_تحلیلی نشان داده می‌شود که چگونه عنصر زمان در آثار کلاسیک از جمله داستان *توبه نصوح*در مثنوی قابل بررسی است. نتیجه حاکی از آن است که مولوی در حکایت *توبهٔ نصوح*به عنوان نمونه‌ای جذاب و گیرا برای افزایش تعلیق و انتظار در خواننده با استفادهٔ مناسب از تغییردر نظم تقویمی زمان، تفصیل، تکرار و توصیف در شرح برخی از افعال، نوع خاصی از زمانمندی را ایجاد کرده و یکی از علل محبوبیت روزافزون مثنوی معنوی، برهم زدن و قراردادن مخاطب درچالش زمانی است.

واژگان کلیدی: روایت‌شناسی، زمان، ژرارژنت، مولانا، مثنوی معنوی، *توبه نصوح*.

[۱] دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه زابل؛ رایانامه: m38_mir@yahoo.com

[۲] دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه زابل

دیدار با خدا در آثار عین القضات همدانی

معصومه سادات میرجعفری[۱]
علیرضا فولادی[۲]

چکیده

مسئله رویت و دیدار با خدا از موضاعاتی است که در اسلام و ادیان قبل از اسلام مطرح بوده و تاکنون هم برای آن پاسخ مشخصی ارائه نشده است و نظرات متکلمان و فلاسفه و علما در این باره در هر دوره با هم متفاوت بوده است.

عده‌ای به دیدار خدا هم در دنیا و هم در آخرت معتقدند. عده‌ای دیدار را مختص به آخرت و عده‌ای دیدار خدا را در هر دودنیا منتفی می‌دانند.

چگونه دیدن هم از جمله مسائل این موضوع است.

عین‌القضات همدانی؛ از عرفای قرن پنجم، در قسمت‌های مختلفی از کتاب‌های " تمهیدات" و "نامه‌ها " به این مسئله پرداخته است. با مطالعه آثار وی به طور کلی بحث دیدار با خدا را می‌توان در چند مقوله بررسی کرد:

۱. عوامل دیدار خدا
۲. موانع دیدار خدا
۳. رؤیت خدا با واسطه
۴. دیدار با چشم سر یا چشم دل؟

متن پیش رو ضمن ارائه مختصر آراء و عقاید ادیان در این‌باره، دیدگاه عین‌القضات همدانی را در کتاب‌های تمهیدات و نامه ها مورد بررسی قرار می‌دهد.

کلید واژه ها: عرفان اسلامی، کلام اسلامی، خدا، رؤیت، عین‌القضات همدانی

---

[۱] دانشجوی دکتری دانشگاه کاشان؛ رایانامه: m.mirjafare@gmail.com
[۲] دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کاشان

مقایسه کارکرد وساختمان فعل درسیاست نامه وقابوس نامه

سارا میرزایی [۱]
الیاس نورایی [۲]

چکیده

سادگی و روانی برجسته ترین ویژگی روح بلند آثار تعلیمی و اندرزی در زبان فارسی است. هر فعل، مهمترین رکن جمله و پایه آن است که ساختمانی ساده یا غیر ساده دارد. دلالت بر کار می کند یا نمی کند. بررسی ساختمان فعل در یک اثر، می تواند گویای نحوه ی انتقال مفاهیم آفریننده اثر و حتی دغدغه های وی برای برقراری ارتباط مؤثر با مخاطبش باشد. کیکاوس وشمگیر در کتاب قابوس نامه با بیان اندرزهای گوناگون سعی در آموزش مؤثر امور به خوانندگان دارد.و مبنای کلامش را با بیان مفاهیم ذهنی و مقصود خود، بر ساختمان فعل های ساده قرار می دهد و خواجه نظام الملک نیز در سیاست نامه خود که برای پادشاهان و نحوه و شیوه عمل آنها و نصیحتشان برای پیشبرد امور سیاسی نوشته است مبنای کلامش را بر ساختمان فعل های ساده قرار داده است. اما این سادگی نسبت به قابوس نامه کمتر است . و هر جا که مفهوم پیچیده تر می شود به فعل مرکب و پیشوندی روی می آورند اما درصد فعل های مرکب و پیشوندی در سیاست نامه بیشتر نمایان می شود .ساختمان افعال می توانند حرکت و سکون و درون گرا یا برون گرا بودن نویسنده اثر و جامعه ای که اثر در آن نوشته شده را نیز به مخاطب نشان دهد. و آن گونه که از افعال بر می آید هر دو نویسنده آثار روحیه ای برون گرا دارند اما در قابوس نامه و افعالش این برون گرایی کمتر است .و در سراسر این دو کتاب میان نفس عمل با ساختمان افعال آن، رابطه ای منطقی برقرار است.

واژگان کلیدی : هدفمندی، ساختمان فعل، تعلیم و قابوس نامه، سیاست نامه.

[۱] دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات پایداری دانشگاه رازی؛ رایانامه: sarahmirzaie73@gmail.com
[۲] دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی

معرفی جُنگ منحصر بفرد

علی (پدرام) میرزایی[۱]
محمد رستمی[۲]

چکیده

جُنگ ها مجموعه اشعاری هستند که با نیت های خاصی گردآوری و تدوین شده است. گاه در این جُنگ ها اشعاری یافت می شود که دردواوین و منظومه های شعرا یافت نمی شود. از سویی دیگر تنوع و چیدمان اشعار نیز در جُنگ ها حایز اهمیت خاص است و آگاهی های فراوان زبانی،ادبی و فرهنگی در اختیار خوانندگان قرار می دهد.از جُنگ های موجود در کتابخانهٔ گنج بخش، نسخه منحصر بفردی به شماره **۴۵۹** وجود دارد که به احتمال، مولف وکاتب آن یک شاعر صاحب ذوق ناشناخته به نام **ندیم**است. در این مقاله بخشی از این جُنگ که حایز اهمیت بیشتری است به شرح معرفی می گردد. این جنگ حاوی ابیاتی است که ندیم آنها را برای کاتبانو پژوهندگان حوزه فصاحت و بلاغت (برای تعلیم و توفیق در خصوص برقراری ارتباطات مناسب و مؤثر در اجتماع)،گزینش و گردآوری کرده است.

کلیدواژه: جُنگ، نسخه خطی،ندیم،گنج بخش

[۱]عضو علمی دانشگاه پیام نور؛ رایانامه:p_mirzaie@pnu.ac.ir
[۲]کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

بررسی کارکرد حذف در نفثةالمصدور

پدرام میرزایی[۱]
بشیر نیکدل کلاشمی[۲]

چکیده :
نفثةالمصدور اثری مهم و تاریخی است که به نثر مصنوع و متکلف نوشته‌شده‌است که در میان ادبا از جایگاه ممتازی برخوردار است. این اثر و بسیاری از آثار تاریخی و ادبی قدیم تا به‌اکنون از منظر زبان-شناسی گفتمانی بررسی نشده‌اند و یا دست‌نخورده مانده‌اند؛ لذا در این مقاله محققان برآنند تا کارکرد یکی از مقوله‌های زبانی دستور نقش‌گرای "هلیدی" را که در این متن، شاخص است، با استفاده از این مدل تحلیل وبررسی‌کنند. این مقولهٔ زبانی که مقوله‌ای نحوی می‌باشد، "حذف" است و علاوه بر دستور زبان، در معانی و زبان‌شناسی نیز تحلیل و بررسی شده‌است. در این مقاله ابتدا مبحث حذف از منظر دستورنویسان و محققان علم معانی مطرح می‌شود و سپس این مقوله از دیدگاه زبان‌شناسی نقش‌گرای "هلیدی" نیز محک زده می‌شود و با استفاده از دیدگاه مؤخر، به بررسی حذف و انواع آن، با ذکر شواهد در متن **نفثة**المصدور پرداخته می‌شود. همچنین با بررسی شواهد، این نتیجه حاصل می‌شود که ابهاماتی در متون متکلف در حالات متنی مختلف وجود دارد که خواننده را درپاره‌ای از مواقع در بلاتکلیفی قرار می-دهد و محققان در این اثر با بررسی مقولهٔ حذف توانسته‌اند، رهنمودهایی را در جهت رفع ابهامات، مبذول دارند.

کلمات کلیدی : حذف و انواع آن، **نفثة**المصدور، دستور زبان، علم معانی و زبان‌شناسی نقش‌گرا، هلیدی.

[۱]دانشیار دانشگاه پیام¬نور تهران¬جنوب؛ رایانامه: Ali.pedrm.mirzaie@gmail.com
. [۲]دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی

بررسی آکوستیکی فرایند واجی همگونی در گویش کلاردشت

عاطفه‌سادات میرسعیدی[۱]
زهرا قانع[۲]

چکیده

در مقالهٔ حاضر فرایند واجی همگونی[۳] در گفتار گویشوران منطقهٔ رودبارک کلاردشت مورد بررسی آکوستیکی[۴] قرار گرفت. بدین منظور، تحلیل آکوستیکی دررابطه با متغیرهای فیزیکی شدت[۵] صوت، دیرش[۶]، سازهٔ اول[۷] (F1)، سازهٔ دوم[۸] (F2)، و سازهٔ سوم[۹] (F3) آواهای همجواری انجام گرفت که در آنها فرایند همگونی اعمال می‌گردد. در این راستا، تعداد ۳۵ واژهٔ ضبط شده تجزیه و تحلیل آکوستیکی شد. این بررسی شامل تحلیل ویژگی‌های آکوستیکی هر یک از آواهای مورد نظر در بافت همگون شده در واژه‌های گویش کلاردشت در مقایسه با فارسی معیار است. نتایج تجزیه و تحلیل‌ها در این تحقیق نشان می‌دهد که در زیربنای فرایند واجی همگونی در گویش کلاردشت نوعی همگونی آکوستیکی در متغیرهای فیزیکی شدت، دیرش، سازهٔ اول، دوم، و سوم وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: همگونی ، شدت صوت، دیرش، سازهٔ اول، سازهٔ دوم، سازهٔ سوم، طیف‌نگاشت صوتی[۱۰]، گویش کلاردشت

۱عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان خوراسگان؛ رایانامه: Atefemirsaeedi@gmail.com
[۲]دانشجو دکتری زبانشناسی دانشگاه اصفهان

[1]- assimilation
[2]- acoustic
[3]- intensity
[4]- duration
[5]- first formant
[6]- second formant
[7]- third formant
[8]- spectrogram

بررسی ویژگی های سبکی حکایت خلیفه و اعرابی از مولانا بارویکرد سبک شناسی انتقادی

سید رضی میر صادقی[۱]

چکیده :

این مقاله در پی آن است که به بررسیکاربردی سبک شناسی گفتمان انتقادی،درحکایت«خلیفه و اعرابی» اثرمولاناپردازد.تا از طریق این بررسی به ایدئولوژی پنهان درحکایت دست یابد. سؤال اصلی دراین مقاله، این است که ایدئولوژی پنهان درحکایت خلیفه و اعرابی چیست؟با چه مؤلفه های سبکی می توان به آن دست یافت؟ برای پاسخ دادن به این پرسش، ابتدا به تعاریف مختلف سبک وسبک شناسی انتقادی پرداخته ایم. زمینه ی اصلی این مقاله آن است که؛ میان کاربرد زبان درحکایت خلیفه و اعرابی و نابرابری جنسیتی،از نظر قدرت و منزلت ، ارتباط مستقیمی وجود دارد.

این پژوهش به روش لایه ای انجام گرفته است؛ یعنی ابتدا، لایه های بیرونی و بافت موقعیتی متن بررسی شده، سپس به دو لایۀ روایی متن، که شامل «کانون سازی»و«میزان تداوم کانون سازی» است؛ پرداخته ایم، پس از آن، در ارتباط با لایه های بیرونی،لایه های «واژگانی»و «نحوی» و «بلاغی»را به عنوان مؤلفه های سبکی برجسته، مورد توجه قرار داده ایم.درتجزیه های پایانی به این نتیجه می رسیم که این مؤلفه های نحوی و بلاغی و واژگانی، بخصوص، تقابل و قطبیت کلام، در کشف ایدئولوژی پنهان متن موثر است. البته این نکته را نیز باید یادآور شد، که هدف این پژوهشازکاربردسبک شناسی انتقادی در تجزیه و تحلیل این حکایت، رسیدن به تفسیر و درک عمیق ازمتن است.

واژه های کلیدی: سبک شناسی انتقادی،تحلیل گفتمان،کانون سازی،ایدئولوژی، مؤلفه های سبکی

[۱]استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی،ایران،زنجان،خدابنده؛ رایانامه: razi.mirsadeghi@gmail.com

محدودیت کاربرد نشانهٔ جمع «ها» با کلمات فارسی مختوم به «ها»

مائده السادات میرطلائی[۱]
وحید مواجی[۲]

چکیده:

این نوشته به بررسی محدودیت موجود در جمع بستن واژه‌های فارسی مختوم به «ها» با نشانهٔجمع «ها» می-پردازد. واژه‌های فارسی که هجای آخرشان «ها»است را مورد بررسی قرار دادیم و مشاهده کردیم که هیچ‌کدام با «ها» جمع بسته نمی‌شوند. در این واژه‌ها از نشانه‌های جمع دیگری استفاده می‌شود. مانند «-ان». در این میان واژهٔ «اژدها» را انتخاب کردیم و به صورت تاریخی به روند تحول این واژه و شیوه‌های جمع بستن آن توجه کردیم. در پایان به این نتیجه رسیدیم که این محدودیت کاربرد به علت محدودیت‌های آوایی در ساخت واژه اتفاق می‌افتد.تلفظ عناصر تکراری در یک واژه برای سخنگویان دشوار است. در این واژه نوعی بازتحلیل صورت گرفته که در آن «ها» که عضوی از کلمهٔ اژدها بوده به منزلهٔ تکواژ جمع در نظر گرفته شده و واژهٔ«اژدر» به وجود آمده است. هم چنین واژهٔ« اژدر» در مواردی با نشانهٔ «-ان» جمع بسته شده است.

کلیدواژه‌ها: جمع فارسی، نشانهٔ جمع «ها»، محدودیت آوایی.

[۱] دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه بوعلی سینای همدان؛ رایانامه: maede_mirtaaei@yahoo.com
[۲] دانش.آموختهٔ کارشناسی ارشد زبان‌شناسی رایانشی، دانشگاه صنعتی شریف

میزان انطباق هجای تکیه‌بر وزنی و هجای تکیه‌بر واژگانی در اشعار عامیانهٔ کردی کرمانشاهی

مائده السادات میرطلائی[۱]
نسرین آژیده[۲]

چکیده:
در این نوشته می‌کوشیم تا ارتباط بین هجای تکیه‌بر وزنی و هجای تکیه‌بر واژگانی را در پایان هر شطر در اشعار عامیانهٔ کردی کرمانشاهی بررسی کنیم. بدین منظور پیکره‌ای حاوی ۱۲۰ مصراع شعر عامیانهٔ کردی کرمانشاهی را از کتاب ترانه‌های سرزمین مادری، موزونی (۱۳۹۲) گردآوردیم و پس از بررسی آنها دریافتیم که با در نظرگرفتن یک استثنا و سه ضرورت وزنی، می‌توان انطباق تکیهٔ واژگانی و تکیهٔ وزنی را در اشعار کردی کرمانشاهی توجیه کرد.در این پژوهش فرض را بر این می‌گذاریم که همیشه هجای تکیه‌بر وزنی با هجای واژگانی تکیه‌بر منطبق است، اما گاهی به موارد عدول از قاعده برخورد می‌کنیم. موارد عدول از قاعده را به راحتی با یک استثنا و سه ضرورت زیر می‌توان توجیه کرد: استثنا اینکه همواره هجایِ پایانی در شطرِ پایانیِ مصراع، چه تکیهٔ واژگانی بگیرد چه نگیرد، دارایِ تکیهٔ وزنی است؛ اما در شطرهای غیرپایانی وضعیت اینگونه نیست و فقط در حدود پنجاه درصد موارد، تکیهٔ وزنی و تکیهٔ واژگانی منطبق بر هم هستند. در اینجاست که سخن از سه ضرورت به میان می‌آید: ۱) به ضرورت وزن می‌توان گروه واژه‌بست را به عنوان کلمات واژگانی در نظر گرفت و واژه‌بست را نیز دارای تکیهٔ وزنی کرد، ۲) به ضرورت وزن، گاهی می‌توان شناسه‌های فعل را تکیه‌بر کرد، ۳) به ضرورت وزن می‌توان هجاهای غیر پایانیِ واژه را به شرطی که از نظر کمیت سنگین باشند، تکیه‌بر وزنی کرد. از آنجا که هجای پایانی شطر دوم، طبق استثنایی که گفتیم، همواره ضرب‌آواست، محاسبات ما نیز عمدتاً روی هجاهای پایانی شطر نخست متمرکز خواهد بود، گرچه آمارهایِ مربوط به هجاهای پایانی شطر دوم را عرضه خواهیم کرد.

کلیدواژه: تکیهٔ وزنی، تکیهٔ واژگانی، ضرورت‌های وزنی، اشعار عامیانهٔ کردیکرمانشاهی.

---

[۱] دانشجوی دکتری زبان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا
[۲] دانشجوی دکتری زبان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا؛ رایانامه: Azhidehn@gmail.com

نقد فمینیستی سمفونی مردگان عباس معروفی و زن شیشه‌ای راضیه تجار

رقیه میرمرادی[۱]
محمد میر[۲]

چکیده

فمینیسم نهضت طرفداری از حقوق از دست رفته زنان می‌باشد که ندای آزادی زنان را از بعضی اشکال تبعیض‌های بر اساس جنسیت سرداد و در پی اعتراض به موقعیت فرودست زنان، تلاش نموده تا به بیان ظلم‌هایی که در جوامع مردسالار علیه زنان روا شده و می‌شود بپردازد، فمینیست‌ها با هدف برابری زنان در مقابل مردان و داشتن حق فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی در مقابل مردان از جمله حق رای و کار در محیط‌های اجتماعی و اقتصادی شروع به فعالیت کردند.رمان هم به عنوان یکی از زمینه هایی که توانست افکار و تجربیات آنها را در خود جای دهد زمینه‌ای فراهم کرد تا زنان در آن از احساسات خود سخن بگویند در این پژوهش که با هدف نقد فمینیستی سمفونی مردگان عباس معروفی و زن شیشه‌ای راضیه تجار صورت گرفته، سعی بر آن است که با روش توصیفی_تحلیلی ردپای فمینیسم و چگونگی تاثیری که فمنیسم بر آثار این دو نویسنده گذاشته است واکاوی شود. در بررسی آثار مورد مطالعه چنین به نظر می-رسد که هر دو نویسنده به فمینیسم توجه دارند و به بیان تجربه‌ها و عواطف زنانه و همچنین ظلم به زنان در نوشته‌های خود می‌پردازند.

واژه های کلیدی: فمینیسم، داستان، زن، عباس معروفی، راضیه تجار

[۱]دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه زابل؛ رایانامه: r.mirmoradi@gmail.com
[۲]دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه زابل

کهن الگوی سفر قهرمان در قصه ی حسن کچل

سیدمجتبی میرمیران[۱]
فاطمه پورکریمی شیرایه[۲]

چکیده

با توجه به آرای اسطوره محور روانشناسی تحلیلی کارل گوستاو یونگ، قصه‌های اساطیری یا قصه‌های پریان دارای ظرفیت‌هایی هستند که می توان از منظر روانشناسانه به‌کشف و رمزگشایی آن‌ها پرداخت. یونگ درونمایه و هویت اصلی قصه‌های اسطوره‌ای را بر مبنای سفری به ناخودآگاه می‌داند. سفری که طی آن قهرمان قصه به شکلی خودآگاه به ملاقات و کشف ناخودآگاه خود می‌رود و با گذر از فراز و فرودها با این بخش از وجود خود به هماهنگی و یگانگی می‌رسد و در بازگشت از این سفر به انسانی کامل و کامروا تبدیل می‌گردد که توانسته است به کردار و صفات بد و ضعف‌های خود خاتمه دهد و در بازگشت سعادت و آرامش را با خود به ارمغان می‌آورد.

داستان حسن کچل از جمله قصه‌هایی است که دارای ساختار و بیانی ساده است اما در زیرساخت معنایی‌اش مفاهیم اسطوره‌ای را به همراه دارد.

در این نوشتار که به روش کتابخانه‌ای تهیه و تنظیم گردیده به تحلیل و واکاوی داستان حسن کچل با تکیه بر آرای یونگ و کمبل پرداخته شده است. و نتیجه‌ی به دست آمده نشان می‌دهد که عناصر داستان مذکور منطبق با نظریهٔ سفر قهرمان کمبل پیش رفته و به انجام رسیده است.

واژگان کلیدی: کهن الگو، یونگ، سفر قهرمان، کمبل، حسن کچل

[۱]عضو هیأت علمی دانشگاه گیلان؛ رایانامه: Mirmiran@guilan.ac.ir
دانشجوی کارشناسی ارشد ایران شناسی دانشگاه گیلان [۲]

بررسی تفاوتها در ورسیون های یک افسانهٔ دگردیسی شده (سه خواهر)

سید مجتبی میرمیران[۱]
سحر اسکندری[۲]

چکیده

ورسیون یا نسخه‌ی بدل - ورژن - روایتها کمک زیادی به بازگویی ناگفته‌ها در افسانه‌ها می‌کند و حتی می‌توان با کمک آن ها جاهای خالی را قدری پر کرد و به نکات جدیدی پی برد. یکی از نمونه‌های این داستانها افسانه‌هایی است که سه خواهر در آن نقش دارند و نسخه‌های زیادی در گیلان و دیگر شهرها درمورد آن روایت شده است. هدف از انجام این تحقیق بیان ناگفته‌های موجود در این داستان‌هاست. روش گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای‌ست و پیکره‌ی آن شامل سه ورسیون از مجموعه داستان‌های سه خواهر است. در این مقاله تلاش می‌شود که علاوه بر بیان ناگفته‌ها، به تفاوت‌های میان این نسخه‌ها پرداخته شود. در این داستان‌ها دختر کوچکتر به مثابه‌ی یک قهرمان با گذراندن موفقیت‌آمیز دگردیسی‌ها در سه مرحله و تجدید حیات به کمال می‌رسد و تولد تازه‌ی او هم‌زمان با بلوغ جنسی و زمان ازدواج اوست که در دو ورسیون با برادر و یک ورسیون با شاهزاده پیوند می‌یابد. این سه ورسیون با وجود شباهت‌های بسیار به دلایلی از جمله فراموشی راوی و یا حذف‌های هدف‌دار اخلاقی به طور گوناگون بیان می‌شوند که در این مقاله با بازگویی این موضوعات به تحلیل آن می‌پردازیم.

کلیدواژه: ورسیون، افسانه، سه خواهر، ناگفته‌ها

[۱]عضو هیأت علمی دانشگاه گیلان؛ رایانامه: : mirmiran@guilan.ac.ir
[۲]دانشجوی کارشناسی ارشد ایران شناسی

سیمای صور خیال در آینه شعر کودک
با تکیه بر آثار "اسدالله شعبانی"

مریم میری[۱]
محمد جعفری[۲]

چکیده

تخیّل ، سرچشمه ی الهام و آفرینش ادبی می باشد و صور خیال در ادبیات به ویژه در شعر کودک جایگاه مهمی دارد. ازین رو شاعر کودکان با پردازش عناصر سازندۀ خیال به شعر خود تحرک و پویایی بخشیده ،در پرورش نیروی تفکر و عاطفه و احساس مخاطب نقش پر رنگی دارد . در این پژوهش، به بررسی صورخیال در شعر کودک با نگرشی به شعر اسدالله شعبانی، به عنوان یکی از شاعران برجسته در عرصه ی ادبیات کودک پرداخته می شود. شعر شعبانی با حفظ شاعرانگی خود، برای کودکان نوشته شده، با دنیای پاک آنها عجین است و از جنبه های زیبائی شناختی وآراستگی قوی برخوردار می باشد اما به گونه ای که شادی طبیعی کودکان را در ساختار شعر متوقف ننماید و تحت سلطه ی عقل و در خدمت اهداف از پیش تعیین شده قرار ندهد . مواد و عناصر مورد استفاده در اشعار او که از طبیعت، جانوران، اشیا، شخصیت ها،رنگ ها، بهداشت ، خوراک ، پوشاک و دهها عنصر دیگر مایه گرفته، متناسب با نیازهای روحی و جسمی کودک انتخاب شده اند . تشبیهات گسترده و فشرده و استعاره های مکنّیه از نوع تشخیص ، نقش اصلی را در القای آنچه هدف و مقصود شاعر است، ایفا می کند و پس از آن استعاره های مصرحه ، مجاز ، کنایه ، حس آمیزی و تناقض های زیبا و محسوسی که مطبوع طبع و ذائقه ی کودک می باشد .

کلید واژه: شعر کودک – صور خیال – عناصر سازنده خیال - اسدالله شعبانی

[۱] مدرس زبان و ادبیات دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید مطهری سیستان و بلوچستان؛ رایانامه: Miri . Maryam 82@ yahoo. Com
[۲] کارشناس ارشد حقوق

واکاوی تطبیقی تصویرگری های رباعیات منسوب به خیام

میلاد میناکار[۱]
ابوالقاسم دادور [۲]
امیرحسین چیت سازیان[۳]

چکیده

از میان مردان ادب و فرهنگ سرزمین مان ایران، گزافه نخواهد بود که خیام را یکی از دیریاب ترین شان بنامیم. عمده شهرت جهانی خیام را باید در ترجمهٔ انگلیسی نسبتاً آزاد ادوارد فیتزجرالد از رباعیات منسوب به او دانست. متعاقب ترجمهٔ فیتزجرالد طیف گوناگونی از هنرمندان تصویرگر در صدد بازنمایی رباعیات بر آمدند. پاره ای از هنرمندان در تصویرگری خویش، بعضاً روح کلی یک رباعی را محور کار خود قرار داده اند و پاره ای در بازنمایی خود متمرکز بر یک یا چندین واژه از ابیات گشته اند. برخی به بازنمایی معنای ظاهری ابیات پرداخته اند و برخی رویکردی نمادین تر اتخاذ نموده اند. پژوهش پیش رو به واکاوی تطبیقی تصویرگری های رباعیات_ بر اساس سه رباعی با ترجمهٔ انگلیسی ادوارد فیتزجرالد_ می پردازد و اهداف اصلی آنواکاوی چگونگی بازنمایی مفاهیم رباعیات منسوب به خیام در آثار مصور تنی چند از هنرمندان و واکاوی تأثیر مکاتب هنری، محیطفرهنگی وسنتزیباییشناختی بر آفرینش این آثارمی باشد. پژوهش حاضرتوصیفی-تحلیلیمی باشد که گردآوری اطلاعات آن به روش کتابخانه ای صورت گرفته است.

کلید واژه ها: خیام، رباعیات، ادوارد فیتزجرالد، تصویرگری، واکاوی تطبیقی

[۱]. دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنر دانشگاه کاشان؛ رایانامه: Minakarmilad@gmail.com
۲. استاد گروه پژوهش هنر دانشگاه الزهرا
۳. دانشیار گروه پژوهش هنر دانشگاه کاشان

اصول بلاغی لفظی و معنایی مؤثر در زیبایی رباعیات خیام

امیر نادربیگی[۱]
صادق ارشی[۲]
رضا پارسا سرشت [۳]

چکیده

بررسی زیبایی‌هایی که در بلاغت رباعیات خیام وجود دارد و باعث زیبایی هر چه بیشتر شعر او شده است مسأله‌ای است که نویسندگان این مقاله را بر انجام چنین پژوهشی بر انگیخته است. ازجمله آن زیبایی‌های بلاغی طردوعکس، تضاد وتکرار و...است که بر زیباییشعر خیام–آن چنان که محتوای زیبایی نیز دارد– افزوده است. از آن جا که غافلگیری و نتیجه‌گیری در رباعی هم تأثیر بسیار در زیبایی شعر خیام دارد، این مسأله را مدّنظر داشته‌ایم.

هدف نویسندگان این مقاله نشان دادن زیبایی‌های ظاهری رباعیات خیام است که به طرز شگفت انگیزی در زیباتر کردن مضمون هم تاثیر بسزایی داشته است.

در بسیاری از پژوهش‌هایی که بر مبنای رباعیات خیام انجام گرفته است،به زیبایی‌های معنایی پرداخته‌اند واز زیبایی‌های لفظی رباعیات سخنی نگفته‌اند. این بی‌توجهی نشان می‌دهد که اکثر محققین دلیل زیبایی اشعار خیام را عوامل معنایی می‌دانند.

نگارندگان معتقدندکه علاوه بر عوامل معنایی، عوامل لفظی و غافلگیری هم باعث زیبایی اشعار خیام است گرچه عوامل معنایی به دلیل تأثیر زیاد بر مخاطب،او را از توجه به عوامل لفظی بازمی‌دارد.عواملی که باعث زیبایی شعر خیام شده است به دو دسته عوامل لفظی و معنایی تقسیم می‌گردد. عوامل لفظی عبارتند از تضاد،تکرار،جناس،مراعات النظیر،طردوعکس و... و عوامل معنایی که باعث زیبایی شده است معنی زیبا و منحصربه فرد وغافلگیری که در اکثر رباعیات اتفاق می‌افتد زیبایی اشعاررا بیشترمی‌کند.آن دسته از رباعیاتی که هردو عامل لفظی و معنایی را باهم دریک رباعی دارند زیباترین رباعیات می‌توان شمرد که همراه با غافلگیری این زیبایی دو چندان می‌شود.

واژگان کلیدی:خیام، زیباییهای لفظی، بلاغت، غافلگیری، نتیجه گیری.

---

[۱]کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی
[۲] دانشجوی دکترای دانشگاه پیام نور تهران
[۳]کارشناسارشددانشگاه پیام نورکرج؛ رایانامه: reza.parsa64@yahoo.com

نقدی بر نظریهٔ اشتقاق اصطلاح کابالیسم از اسم خاصّ « قابیل»: خطای ریشه‌شناسی عامیانه

عبدالرضا نادری‌فر[۱]
محمدابراهیم مالمیر[۲]
کمال ملکیان[۳]

چکیده

مقالهٔ حاضر جُستاری انتقادی است دربارهٔ مردود دانستن نظریهٔ اشتقاق اصطلاح کابالیسم[۴] از اسم خاصّ «قابیل». در این مقاله نگارنده می‌کوشد با استفاده از اصول زبانشناسی و ریشه‌شناسی نشان دهد که از نظر ریشه‌شناسی، واژگانِ «قابیل» و «کابالا» (و مشتقات آن یعنی کابالیسم، کابالیست و سایر واژگان هم‌ریشه با آن) از ریشه‌هایی متفاوت و با معانیِ متفاوت اشتقاق یافته و تنها شباهت‌های آوایی بین این دو واژه موجب خطای فوق گشته به گونه‌ای که اکنون هرگونه تشکیک در این باره نادرست خوانده می‌شود. تفکّر رایج در میان منتقدان و آگاهانِ کابالیسم آن است که این اصطلاح مشتق از نام «قابیل» فرزند اول حضرت آدم (ع) دانسته و از آن رو پدیداری آن را نیز تداوم جریان و نگرش قابیلی دانسته و به همین خاطر کابالیسم را از جمله مکتب‌های عرفانی فاقد اعتبار می‌دانند. یافته‌ها نشان می‌دهند که برداشت فوق فاقد هرگونه اعتبار زبانشناختی و ریشه‌شناسیِ واژگان بوده و در واقع نوعی نگرش زبانشناسی عامیانه می‌باشد. همچنین بررسی‌های معنایی و آوایی نشان می‌دهند که واژگان «قابیل» و «کابالا» از دو ریشهٔ کاملاً متفاوت بوده و هیچ ارتباط معنایی و واژگانی بین آنها برقرار نیست. کابالیسم از نظر واژگانی مشتق از واژهٔ عبریِ «کبالا» یا «کابالا» به معنای «دریافت» بوده و از نظر اصطلاحی به معنای «سنّت» است. صورت معرّب آن همان فعل «قَبَلَ» با مفهوم «پذیرفتن و دریافتن» هم اکنون در زبان عربی به کار می‌رود. تغییرات آوایی در صورتِ عربی واژهٔ «کابالا» به صورت نظام‌مند مؤیّد نادرست بودن برداشت ریشه‌شناختی نادرست و رایج است.

کلید واژه‌ها: کابالا، قابیل، کابالیسم، ریشه‌شناسی، زبانشناسی، ریشه‌شناسی عامیانه.

---

[۱] استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی کرمانشاه؛ رایانامه: Abdolreza.naderifar@gmail.com
[۲] دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی کرماشاه
[۳] دانشجوی دکتری رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی کرمانشاه
[۴] Kabbalism.

مقایسه وتحلیل استعارهٔ عشق درغزلیات حافظ وبیدل
(برپایه معنی شناسی شناختی)

عبدالرضا نادری‌فر[۱]
محمدابراهیم مالمیر[۲]
محمود صارمی[۳]

چکیده:
استعاره های شناختی در انتقال معنی و حسی کردن مفاهیم انتزاعی همچنین در فرایند تکلم انسان نقش مهمی را ایفا می کنند. انسان برای اندیشیدن و سخن گفتن ناگزیر از استعاره بهره می گیرد، به ویژه آنگاه که موضوع فکری او مسائل عمیق عرفانی، فلسفی، دینی ، ادبی و نظایر آن باشد.
یکی ازاین مفاهیم انتزاعی والبته عرفانی که همواره مورد توجه سخنوران بوده،مفهوم عشق است.مقاله حاضرضمن بررسی ۵۰ غزل از ابتدای دیوان حافظ وبیدل، قصددارد ابعادگوناگون این مفهوم را ازدیدگاه معنی شناسی شناختی مورد تحلیل ومقایسه قرار دهدتاوجوه اشتراک وافتراق دردیدگاه دوشاعر بزرگ ازدومکتب عراقی وهندی دراین خصوص مشخص ونمایانده شود.

کلید واژگان: استعاره، معنی شناسی شناختی،عشق،حافظ،بیدل.

[۱]استادیار کروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی؛ رایانامه: Abdolreza.naderifar@gmail.com
[۲]دانشیار کروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی
[۳]کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

بررسی آراء مولوی و کارلوس کاستاندا در زمینهٔ فلسفهٔ خلقت موجودات زنده: تحلیل انتقادیِ شیوه‌های استدلال

عبدالرضا نادری‌فر[۱]
محمدابراهیم مالمیر[۲]
کمال ملکیان[۳]

چکیده

مقالهٔ حاضر می‌کوشد تا با تحلیل آراء مولانا دربارهٔ چرایی حیات و مرگِ موجودات زنده در مثنوی معنوی و مقایسهٔ آن با آموزه‌های موجود در آثار کارلوس کاستاندا، کارآموزِ مکتب شمنهای مکزیک، قدرتِ اقناع‌کنندگی آراء معرفت‌شناختی در آثار این دو سالک رازآشنا را از منظر شیوهٔ استدلال و تأثیر آن بر پذیرش نظریِ این آراء بررسی کند. شیوه‌های استدلال در هر کدام از دیدگاه‌های فوق مبتنی بر رویکرد معرفت‌شناختیِ آنها بوده و قدرت آنها در باورپذیرکردنِ این آراء و اقناعِ مخاطب نیز مسبوق به همان اصول معرفت‌شناختی است. استدلال‌های مولوی در این زمینه تکیه بر تأویل و تفسیر متون داشته و از این رو دریافت‌های دستِ دوم محسوب می‌شوند؛ حال آنکه استدلال‌های موجود در آثار کاستاندا بر اساس نوعی دریافت شهودی مستقیم است که آن را «دیدن» می‌نامد. تحلیل‌ها نشان می‌دهد که قدرت اقناع‌کنندگی استدلال‌های هستی‌شناختی در آثار کاستاندا از لحاظ نظری بسیار قوی‌تر و باورپذیرتر از مولوی می‌باشد؛ با این حال نوعی شباهت در نتیجه‌گیری دربارهٔ فلسفهٔ خلقت انسان در آراء آنها مشاهده می‌شود.

واژگان کلیدی: مولوی، کاستاندا، چرایی خلقت، استدلال، مثنوی معنوی

[۱]استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی؛ رایانامه: Abdolreza.naderifar@gmail.com
[۲]دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی
[۳]دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی

بررسی هنجارهای سبکی غزلیّات بیدلبر اساس رویکرد فرمالیستی

سکینه نجاتی رودپشتی[۱]

چکیده

در یک تعریف کلی از زبان، آن را نظامی از رمزهای آوایی می‌دانند و ارزش هر رمزی به قراردادی است که گفتمان آثار ادبی دوره‌های مختلف بر اساس آن شکل می‌گیرد و به عبارتی دقیق‌تر با زبان رمزی، انتقال اندیشه بر پایهٔ روابط معنایی موجود میان دو واحد هم‌نشین که پیوستگی معنایی بنیادینی میان واژه‌ها را به وجود می‌آورد در نحوهٔ ارتباط گوینده با خواننده مشخص می‌شود. غزلیّات بیدل نیز جزو آثاری است که قابلیت متن آن با استفاده از زبان رمزی و پیوستگی مفهومی نشان داده می‌شود.کارکرد زبان و تبلور آن در متون ادبی، نگاه‌های مختلف مکاتب ادبی را در حوزهٔ نقد و تحلیل به وجود آورده است. یکی از مشهورترین مکاتب نقد ادبی، نقد فرمالیستی است.

از دیدگاه فرمالیست‌ها، کاربرد زبان در ادبیات کاملاً با دیگر علوم متفاوت است. در ادبیات به ویژه شعر، رابطهٔ کلمات با معناها یک به یک نیست.منتقدان این نوع نقد در تحلیل آثار ادبی مطالعهٔ درونی اثر، به دور از همه عوامل بیرونی، مسائل فرعی، زمینه‌های اجتماعی و سیاسی و ... را پیشنهاد می‌کنند و به استقلال اثر معتقدند و در واقع می‌خواهند با واقعیت موجود در متن اثر، واقعیت جهان بیرون را بشناسند. غزلیّات بیدل نیز با رویکرد فرمالیستی، واقعیت‌های پنهان موجود در متن راکه سبب دشواری آن گردیده، بهتر نمایان می‌کند.

این مقاله تلاش می‌کند با استفاده از رویکرد فرمالیستی، برخی از پیچیدگی‌های اشعار بیدل را با نگاهی تحلیل‌گرانه، با شناسایی مختصّات زبانی و ادبی که در فهم اشعار دشوار او راهگشا خواهد بود، مورد بررسی قرار دهد .

کلید واژه‌ها : هنجارهای سبکی، رویکرد فرمالیست، مختصّات زبانی و ادبی ، بیدل

[۱] دکترای زبان و ادبیّات فارسی و مدرس دانشگاه فذهنگیان؛ رایانامه: nejati_b@yahoo.com

تحلیل زاویهٔ دید و شخصیت‌پردازی در رمان «چه کسی باور می‌کند رستم» بر اساس رویکرد نقد مضمونی

سکینه نجاتی رودپشتی[۱]
عبدالرضا مدرس زاده[۲]

چکیده

بررسی نوع و مؤلفه‌های شکل دهندهٔ روایت از اساسی‌ترین پژوهش‌ها در ادبیات روایی است. هنر رمان مدرن با روی آوردن به زمان ذهنی از واقعیت‌مداری به سوی رؤیا و فرا واقعیت گام نهاد. با توجّه به این نکته که مؤلفهٔ شخصیت، نقش اصلی جهان متن رمان مدرن را به خود اختصاص می‌دهد، شخصیت‌پردازی در مقابل دیگر شاخصه‌های رمان، مانند طرح و زاویهٔ دید، عامل اصلی جداکنندهٔ این رمان از رمان‌های پیشامدرن شده است.

این پژوهش می‌خواهد بگوید که ادبیات روایی در دیدگاه مدرنیستی رمان «چه کسی باور می‌کند» مرز بیان واقعیت و اضطراب‌ها و تنش‌های ذهنی بشر است و بررسی ویژگی‌های روایتی چون تک‌گویی درونی، زمان ذهنی و شخصیت‌پردازی ضد قهرمانانه، نشان می‌دهد که نویسندهٔ رمان « چه کسی باور می-کند رستم» با پناه بردن به خاطره و شک و بدبینی و تک گویی‌های درونی می‌خواهد، شخصیت‌هایی را وارد گفتمان‌های ادبی کند که سرگشته و چندپاره‌اند. نویسنده می‌خواهد با فاصله گرفتن از هنر رئالیستی بیگانگی، تنهایی، تعارض با خود و رهایی از رئالیسم سنتی در وجود انسان مدرن را بهتر نشان دهد. این رمان با دور شدن از گفت‌وگوها و روی‌آوردن به تک گوئی با زاویهٔ اول شخص و گاه دوم شخص خطابی، شکل خاطره و یادداشت پیدا می‌کند. تلاش برای دست یابی به چیزیِ وجود که می‌توان آن را «منِ خویشتن» نام نهاد در دنبال کردن جهان خود ساختهٔ نویسنده برای رسیدن به حقیقت وجودی، همهٔ ماهیت رمان مدرن «چه کسی باور می‌کند رستم» را شکل می‌دهد.

کلید واژه‌ها: رمان مدرن، زاویهٔ دید، تک‌گویی، شخصیّت، تحلیل مضمونی.

---

[۱] دکترای زبان و ادبیّات فارسی و مدرس دانشگاه فرهنگیان ؛ رایانامه: nejati_b@yahoo.com
[۲] دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی کاشان

«ریخت‌شناسی قصه‌های کلیله و دمنه»

عفت نجار نوبری[۱]

چکیده

ریخت‌شناسی قصه به مطالعهٔ کوچک‌ترین اجزای سازندهٔ قصه (شخصیت و خویش‌کاری) می‌پردازد. پژوهشگر با تأمل در روابط و توالی شخصیت‌ها و خویش‌کاری‌ها، طرح منسجمی از قصه‌ها را ارائه می‌دهد. در پژوهش حاضر به تجزیه و تحلیل ۵۸ قصهٔ موجود در کتاب کلیله و دمنه پرداخته شده و ریخت قصه با تعیین و توالی اجزای سازنده نشان داده می‌شود. شخصیت‌ها در پنج سطح ۱- قهرمان، ۲- شریر، ۳- یاریگر، ۴- فرستنده، ۵- شاهد طبقه‌بندی می‌شوند. اساس تعیین خویش‌کاری‌ها جفت‌های متقابل است. با این نگاه خویش‌کاری‌ها در پنج جفت ۱- وضعیت ابتدایی – وضعیت پایانی، ۲- مأموریت – انجام مأموریت، ۳- درخواست یاری – یاری‌رسانی، ۴- کشمکش – پیروزی، ۵- کار دشوار – انجام کار دشوار طبقه‌بندی می‌شوند. بر طبق پنج جفت متقابل فوق، حرکت در قصه‌های کرامت به سه صورت ۱- با جفت کشمکش – پیروزی، ۲- با جفت کار دشوار – انجام کار دشوار، ۳- ترکیبی اتفاق می‌افتد. با توجه به یافته‌های تحقیق قصه‌های کلیله و دمنه ساختاری ساده دارند و مهم‌ترین نکته در آنها یاری‌رسانی و کمک است که با چاشنی تعقل عجین شده و ماهیت رئالیستی دارند.

کلمات کلیدی: کلیله و دمنه، ریخت‌شناسی، ولادمیر پراپ، شخصیت، خویش‌کاری.

[۱]- عضو هیات علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب؛ رایانامه: taravat1347@yahoo.com

مرگ اندیشیدر مقامات حریری و تأثیر آن بر مقامات حمیدی

محمدرضا نجاریان[۱]

الهه ستوده‌پور[۲]

چکیده:

کهن ترین هراس و آرزوی انسان از دیرباز، هراس از مرگ و آرزوی جاودانگی بوده به همین دلیل مرگ در کنار زندگی، همواره در کانون آثار برجستهٔ هنر و ادبیات جهان قرار گرفته است. مقامه نویسی فنی است که در آن نویسنده پیش از آنکه هدفی از درونمایهٔ نوشته داشته باشد، به آرایه های صوری و ظاهری سخن توجه دارد ؛ مقامات حریری نیز از این ویژگی ها برکنار نیست، با وجود این انعکاسی وسیع از باور های دینی و مسائل اجتماعی و اخلاقی در این اثر نمود یافته است. یکی از بن مایه هایی که در مقامات حریری و همچنین در مقامات حمیدی که به تقلید از آن نگارش یافته، بازتاب وسیعی داشته مرگ اندیشی است که نشان دهندهٔ اهمیت این کهن الگو در ناخودآگاه جمعی نوع انسان و وسعت ظهور آن در آثار ادبی است. در این مقاله با مقایسهٔ بن مایهٔ مرگ در مقامات حمیدی و حریرینتیجه می‌گیریم که این دو نویسنده در تعامل با مرگ شیوه ای واقع گرایانه و متعادل را پیش می گیرند و با نگاهی دینی به مرگ ، مخاطب را از روز حساب و آتش جهنم بیم می دهند؛ آنها مرگ را هادم اللذات می خوانند و به شیوه های مختلف هراس خود نسبت به مرگ را آشکار می کنند، اما حریری بیشتر پیری و تاریکی قبر را وصف می کند در حالی که حمیدی بر بی اعتباری و ناپایداری دنیا و یاد درگذشتگان تکیه دارد.

کلیدواژه ها: مرگ، مقامه نویسی، حریری، حمیدی، تقلید، کهن الگو.

[۱]استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد

[۲]دانشجوی دورهٔ دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد؛ رایانامه: e.setode@gmail.com

درون مایه اشعار معینی کرمانشاهی

محمدرضا نجاریان[۱]

محبوبه رحیمیان[۲]

چکیده:

رحیم معینی کرمانشاهی(۱۳۰۱ -۱۳۹۴)، شاعر، ترانه سرا، روزنامه نگار و نقاش بوده و مدتی از ایام جوانی در فعالیت‌های سیاسی نیز نقش داشته است و بعد از مدت کوتاه وارد سیاست و هیچ گروه و دستهٔ ادبی نشد.او در مجموعهٔ «ای شمع‌ها بسوزید» به مضامینی چون: احساسات شخصی، حسب حال عاشقانه، فلسفی، تعلیمی،عرفان اشاره دارد و در مجموعهٔ «خورشید شب» درونمایه‌هایی چون: وصف، حسب حال عاشقانه،تعلیمی، عرفانی برمی‌خوریم. درونمایه‌های دیگری مانند وطن خواهی، مفاخره، اخوانی، مرثیه و سوگواری در اشعار او دیده می شود. معینی برای کلمات قداست ویژه‌ای قائل است. از این رو هیچ گاه حتی آن زمان که از ظلم و ناراستی ارباب سیاست به تنگ آمده است حرمت زبان را زیر پا نمی‌گذارد و شکایت خود را در لفافهٔ طعن و کنایه و استعاره بیان می‌کند.

در این مقاله سعی شده است که بر اساس دو مجموعهٔ ای شمع‌ها بسوزید، خورشید شب و دیگر آثار معینی، نیز گفتگوی حضوری با شاعر سطح فکری این سخن سرا تا حدی آشکار گردد.

واژه های کلیدی: رحیم معینی کرمانشاهی، درون مایه، شعر معاصر، ای شمع‌ها بسوزید، خورشید شب.

[۱]استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد

[۲]کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد؛ رایانامه: m_rahimian112@yahoo.com

بررسی ساختار موسیقی بیرونی وکناری اشعار داوری شیرازی

محمد رضا نجّاریان[۱]

فاطمه السادات روشن مقدم [۲]

چکیده

داوری شیرازی(۱۲۳۸-۱۲۸۳ق)، از جمله شاعران برجستهٔ عصر بازگشت ادبی است. توجّه ویژهٔ او به موسیقی شعر، به گونهای استکه می‌توان موسیقیِ شعر داوری را، ستون فقرات شعر او دانست.از جمله جلوه های مختلف موسیقی شعر می‌توان به موسیقی بیرونی (وزن عروضی) و موسیقی کناری(قافیه و ردیف)آن اشاره کرد که بخشی از زیبایی شعر است. دقّت داوری در انتخاب وزن‌های زیبا و گوش‌نواز، همچنان به موسیقی کناری گواه این است که او در ایجاد جلوه‌هایموسیقی شعر موفق بوده است.اوزان و بحور عروضیدیوان داوری نشان می‌دهد که از انواع وزن‌ها استفاده نموده که شعر او را آهنگین و تأثیرگذار کرده است؛ او پیوندی را که میان موسیقی بیرونی با موضوع و مضمون شعر وجود دارد، حفظ کرده-است.هدف اصلی این تحقیق،بررسی ساختار موسیقی بیرونی وکناری اشعار داوریاست. یافته های پژوهش نشان می دهد که این شاعر در حوزهٔ موسیقی بیرونیاز اوزان پر کاربرد هزج، رمل، رجز، مضارع، مجتث، سریع، خفیف و ... همچنین در کاربرد موسیقی کناریاز انواع قافیه و ردیف‌ها بهره برده است.

کلیدواژه‌ها: داوریشیرازی، موسیقی بیرونی، موسیقی درونی،دیوان اشعار، وزن، بحر.

[۱].- استاد گروه زبان وادبیات فارسی دانشگاه یزد؛ رایانامه: reza_najjarian@ yazd.ac.ir

[۲]دانشجوی کارشناسی ارشد زبان وادبیات فارسی دانشگاه یزد.

رویای صادقه در کتاب خاک های نرم کوشک

محمدرضا نجاریان [۱]

زهرا خاکباز [۲]

چکیده

مسئله خواب و رویا همواره مورد توجه جوامع انسانی بوده و هست.محققان در رشته‌های مختلف، به مقولهٔ خواب پرداخته اند و اظهار نظرهای زیادی دربارهٔ آن شده است. ادبیات نیز از سایر حوزه ها مستثنا نیست و رویای صادقه تاثیر بسزایی بر آن داشته است. یکی از مسائلی که در مجموعه کتاب‌های این حوزه مشهود است، بحث رویای صادقه است. کتاب خاک های نرم کوشک به قلم سعید عاکف یکی از برجسته ترین آثار ادبیات دفاع مقدس است که حول شخصیت شهید عبدالحسین برونسی است.در این کتاب رویاهای صادقه ای از قول خود شهید و یا اطرافیان یافت می شود.

در این نوشتار رویاهای صادقه موجود در کتاب خاک های نرم کوشک به سه قسمت شامل:

۱. رویاهای مربوط به مددرسانی اهل بیت(ع) به دفاع مقدس
۲. رویاهای مربوط به مددرسانی اهل بیت(ع) به شهید و در طول آن به جبهه
۳. رویاهای مربوط به شخص شهید برونسی

تقسیم می‌شوند و بطور مفصل به هر مورد پرداخته می‌شود.

کلمات کلیدی: ادبیات پایداری، دفاع مقدس، رویای صادقه، خاک‌های نرم کوشک.

[۱] دانشیار گروه زبان وادبیات فارسی دانشگاه یزد

[۲] دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات پایداری دانشگاه یزد؛ رایانامه: bineshan313@gmail.com

بررسی نشانه ها و دلایل کفرگویی در سه شاعر معاصر (۱.مهدی اخوان ثالث، ۲. احمد شاملو ، ۳. فروغ فرخزاد)

- امیر نجفی چناری[۱]
- فاطمه مدرسی[۲]

چکیده:

کفر از اصطلاحات کلیدی قرآن است که در طول تاریخ و در حوزه‌های مختلف اسلامی از نظر مفهوم و مصداق تغییراتی فراوان داشته و معنی‌های گوناگون یافته است وکفرگویی یکی از مضامین شعر معاصر است که پیشینهٔ آن به زندقه و شطح می‌رسد.کفر گویی در شعر معاصر و در میان شاعرانی نمود پیدا کرده است که هر یک قله‌ای برای شعر معاصر فارسی قلمداد می‌شوند. در این مجال ما برآنیم که بدانیم چرا شاعران کفر می‌گویند؟ و چرا اعتقادها کمرنگ می‌شوند؟ بر این اساس نشانه ها و دلایل کفرگویی در برخی از شاعران معاصر را از دیدگاه عرفانی، اجتماعی، روانشناسی و ادبی مورد بررسی قرار داده‌ایم و تلاش کرده‌ایم بدانیم کفرگویی چه دلایلی دارد؟ و از زندقه و شطح و طامات، تا کفر و الحاد، برزخ شاعران کجاست؟! برای این منظور خط اصلی تحلیل خود را سه شاعر برجستهٔ بعد از نیما، یعنی اخوان، شاملو و فروغ قرار می‌دهیم و پیش از آن اما به جلوه‌های کفر در شاعران دورهٔ کلاسیک اشاره کرده و ردّ پای کفر را در شاعران دروهٔ مشروطه جستجو کرده‌ایم.

روش انجام تحقیق توصیفی- تحلیلی است که با تحلیل شواهد درون متنی به روش کتابخانه‌ای انجام گرفته است و به نتایجی همچون تاثیر پذیری از دیگر شاعران و نویسندگان و نیز؛ جنبه‌های روانی و اجتماعی موثر در کفرگویی رسیده‌ایم.

کلید واژه: کفر، شیطان، یأس، عصیان، شک، خدا، ایمان

---

[۱]- استاد گروه زبان وادبیات فارسی دانشگاه ارومیه
[۲]- کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه:amir.mosatfer67@gmail.com

بررسی ساقی‌نامه رضی الدین آرتیمانی

عیسی نجفی[۱]
فرزاد فرزی[۲]

چکیده:
ساقی‌نامه‌ها و مغنّی‌نامه‌ها از قرن نهم تا دوازدهم از پرطرفدارترین انواع شعر فارسی بوده و نمونهٔ کامل و مفصّل آن بیشتر در قالب مثنوی بحر متقارب سروده شده است. این نوع شعر امکان خوبی به شاعر می‌داده است تا به بهانه‌ی می و میخانه و مستی، فارغ از ممنوعیّت‌ها و محدودیّت‌ها، ناگفتنی‌های روزگار خود را در قالب نکوهش روزگار و اهل آن بر زبان آورده و یادکرد او از می و میخانه و ساقی، بهانه‌ای بوده برای اعتراض و انتقاد از آنچه او نمی‌خواهد و ناروا می پندارد. از این منظر، ساقی نامه شعری اجتماعی، آرمان خواهانه و بلکه شورشگرانه است. اکثر شاعران در دوره صفویه در این نوع شعر به طبع آزمایی کرده‌اند و ساقی‌نامه‌ای دارد از این رو دوره صفوی دوره رواج و تثبیت ساقی‌نامه‌هاست. اما در این میان ساقی نامه رضی‌الدین آرتیمانی به سبب جذابیت و دلنشین بودن مضامین آن مورد توجه بسیاری ادبیان قرار گرفته-است و بسیاری از محققان از ساقی‌نامه وی به عنوان ساقی‌نامه‌ای جذاب و دلنشیندر میان ساقی‌نامه‌های ادب فارسی نام برده‌اند و شهرت رضی الدین را در گرو ساقی‌نامه‌اش دانسته‌اند در این پژوهش به بررسی ویژگی‌ها و مضامین ساقی‌نامه وی می‌پردازیم.

واژگان کلیدی: شراب، ساقی‌نامه، رضی الدین آرتیمانی.

[۱]-استادیار گروه زبان و ادبیات زبان فارسی دانشگاه رازی؛ رایانامه: enajafi1@yahoo.com
[۲]- دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بین المللی امام خمینی(ره) قزوین.

جایگاه زن و خانواده در شعر رشید یاسمی و یدالله بهزاد

عیسی نجفی[۱]
فراست پیروزی نژاد[۲]

چکیده

یکی از مهمترین مؤلفه‌های شعر معاصر توجه به زن و جایگاه او در خانواده و جامعه است که برآیند تحول در اوضاع و احوال اجتماعی، سیاسی، اقتصادی جامعه و آشنایی با فرهنگ و تمدن غرب و مظاهرآن بود.آثار ادبی شاعران و نویسندگان آیینهٔ تمام نمای فرهنگ، آداب و رسوم، باورها و اعتقادات مردم یک جامعه است. یکی از راه‌های شناختموقعیت و جایگاه زن در جامعه و نحوهٔ منش و برخورد با او، مطالعهٔ آثار ادبی شاعران و نویسندگان است؛ چرا که آثار آنان از آداب ورسوم و فرهنگ حاکم برجامعه تأثیر پذیرفته و این اوضاع و احوال را انعکاس می‌دهد و در مقابل بر لایه‌های مختلف جامعه نیز تأثیر می‌گذارد. رشید یاسمی و یدالله بهزاد از شاعران متعهد ادب فارسی هستند که سعی می‌کنند رسالت شاعرانه را در شعر خویش به انجام برسانند؛ لذا شعر این دو شاعر سرشار از تعالیم و اندیشه‌های انسان‌دوستانه است. نگاه هر دو شاعر به هویت زن و ارزش‌های وجودی او،هر چند که از تحولات و دگرگونی در معانی و مضامین ادب معاصر تأثیرپذیرفته؛ اما بیشتر از رهگذر نوع دوستی ومنش والای آن دو معنا می‌یابد وقابل بررسی است.با بررسی کلیت شعر هر دو شاعر درمی‌یابیم که توجه به وضعیت نامناسب زن در جامعه و باورهای کلیشه‌ای و غلط و دست و پاگیر دربارهٔ آنان و سعی در اصلاح فرهنگ جامعه و ضرورت تعلیم و تربیت و رشد و پیشرفت زنان، از مهمترین مفاهیم و موضوعات شعرهر دو شاعر است که در این مقاله به آن پرداخته‌ایم.

واژگان کلیدی:زن و جایگاه او، رشید یاسمی، یدالله بهزاد، ادب معاصر.

---

[۱] استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی

[۲] دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کردستان؛ رایانامه: farasat_2012@yahoo.com

شناخت‌شناسی مثبت‌انگارانهٔ شعر عصرغزنوی و سلجوقی

اسماعیل نرماشیری[۱]

چکیده

اگر از روی واقعیت علمی به شعر درباری دوره‌های غزنوی و سلجوقی بنگریم به نیکی در می‌یابیم که شعر درباری این دو دوره مشحون از نکات و کارکردهای مثبت است . شاعران با استفاده از ابزار شعر توانسته‌اند ضمن ستایش سلاطین و امرا در مواقع مقتضی اندیشه و افکار ایرانی را نیز نضج و ترویج دهند و به موازات آن با بیان نکات اخلاقی و انسانی بر رفتار و شیوهٔ عمل امرا وشاهان نیز مؤثر واقع شوند. زبان شاعرانه به شاعران درباری این دوره‌ها فرصت داده تا با کم‌ترین تعارض از قدرت متمرکز دربار جهت صیانت آثار علمی ، فرهنگی و ادبی استفاده برند و فرمانروایان و امرا را جهت پذیرش میراث عظیم ملی نیز مجاب سازند. البته عمل به چنین شیوه‌یی مستلزم حذاقت و موقعیت‌شناسی بوده که شاعران به‌خوبی از عهده‌ی آن برآمده‌اند.پس این مقاله از طریق روش مطالعه‌ی کتاب‌خانه‌یی با استفاده از دو قراءت اکتشافی و پس-کنشانه نمودهایی از کارکردهای مثبت شعر درباری تنی چند از شاعران نامبردار دوره‌های غزنوی و سلجوقی را برای شناخت علمی بیش‌ترو تعقیب این فرضیه که شعر درباری مقوله‌یی اندیشیده شده با درک موقعیت شناسانه به نظر می رسد مورد خوانش قرار داده است.

کلید واژه‌ها : موقعیت‌دربار، کارکرد شعر، اندیشهٔ شاعرانه،غزنوی و سلجوقی

[۱]استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ولایت؛ رایانامه: toordan@yahoo.com

اتّحاد عاشق و معشوق در ظرف حکایات لیلی و مجنون

زهرا نصر اصفهانی[۱]
سروناز کمالی[۲]

چکیده

اتّحاد بین عاشق و معشوق یکی از اصول مهم عرفانی است که عرفا آن را غایت و هدف نهایی سیر و سلوک دانسته‌اند. این حقیقت والای عرفانی در کتب تعلیمی صوفیه با تعابیر مختلف تشریح شده است. حکایت عشق لیلی و مجنون اگرچه در اصل خود یک صورت بیشتر ندارد که با اندکی تغییر در متون ادبی به کار رفته اما ذهن خلاق عارفان از آن، حکایت‌های فرعی متعددی ساخته و پرداخته تا به عنوان تمثیل در رفع اشکال مخاطب و القاء موضوعات عالی عرفانی به او مؤثر باشد، حکایت‌هایی که هیچکدام در اصل ماجرا موجود نیست. مبحث اتحّاد عاشق و معشوق یکی از این موضوعات عرفانی است که به عنوان مظروف در ظرف حکایت لیلی و مجنون جای گرفته و شعرا و نویسندگانی که آثارشان صبغهٔ عرفانی دارد از جمله عطار، مولوی، جامی، غزّالی و .... از آن بهره برده‌اند تا این حقیقت عالی عرفانی را به شیوهٔ تمثیل به مخاطبان خود ارائه کنند. در این مقاله ضمن تشریح موضوع اتحّاد در متون عرفانی، آثار ادبی و عرفانی از این منظر مورد بررسی قرار گرفته و حکایت‌های عشق لیلی و مجنون که برای تبیین موضوع اتحّاد، مورد استفادهٔ تمثیلی شعرا و نویسندگان قرار گرفته، تحلیل و بررسی شده است.

کلمات کلیدی: متون عرفانی، اتحّاد، عاشق و معشوق، لیلی و مجنون.

[۱] دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، اصفهان، تهران؛ رایانامه: nasrzahra@yahoo.com
[۲] دانشجوی کارشناسی ارشد، رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، اصفهان، تهران

آسیب‌شناسی یک آسیب‌شناسی:
مطالعه‌ای در ضرورت تحقیقات جامعدربارهٔ خرید و فروش نوشته‌های علمی

مهرداد نصرتی[۱]

چکیده:

مسألهٔ خرید و فروش نوشته‌های علمی، به‌خصوص، پایان‌نامهٔ مقاطع تحصیلات تکمیلی و آسیب‌شناسی آن، معضلی انکارناپذیر است که هرچند گاه ذهن مسئولین و در پی آن، صفحات رسانه‌ها و افکار مردم را اشغال و ایجاد نگرانی می‌کند. هرچند از دیرباز محققان در کتب و رسائل خود فصلی را به موضوع سرقات ادبی اختصاص داده و آن را بررسی کرده‌اند، اما نه‌تنها یکایک، بلکه همهٔ این مطالعات در جمع هم راهگشای حل معما نبوده است، چرا که سرقات ادبی بحث مفصلی است که تحقیقات مجزا و دقیق می-طلبد و دیگر آنکه شیوه‌ها و شکل‌های سرقت ادبی تابعی از زمان و عصر خود است و همراه آن متحول و حتی تکمیل می‌شود. از آنجا که لازمهٔ حل معضل، شناسایی کامل آن است، این پژوهش بر آن است تا ضرورت انجام چنین تحقیقی را یادآور شود. در اثنای برآورد این هدف، تلاش خواهد شد تا در حد بضاعت این مقاله، انواع کالا یا خدماتی که در حوزهٔ مذکور ممکن است مورد معامله قرار گیرد، در کنار معرفی و دسته‌بندی انواع خریداران و همچنین اعضای جامعهٔ فروشندگان آن معرفی و به انگیزه‌های احتمالی ایشان اشاراتی بشود. همچنین برخی نکات محوری مطرح می‌گردد که در تصحیح نگرش مسئولین به معضلینقش خواهد داشت که از جنس مباحث فرهنگی است و حل مشکلات آن ساز و کارهای فرهنگی دارد.

کلمات کلیدی: نوشتهٔ علمی، کتاب پژوهشی، پایان‌نامه، مقاله، خرید و فروش

[۱].مدرس مدعو و دکتری گروه ادبیات فارسی دانشگاه یزد؛ رایانامه: Drnosrati@gmx.com

نظام‌بخشی به انواع نقد خویشتن در عرصهٔ خلّاقیت‌های ادبی

مهرداد نصرتی[۱]
یدالله جلالی پندری[۲]

چکیده:
نقد ادبی را دانش یا هنری می‌دانند که عهده‌دار بررسی و ارزیابی ارزش آثار ادبی است. به دیگر سخن، نقد ادبی عبارت است از پژوهش‌های زیباشناختی، ساختاری و معرفت‌شناختی، در بهترین و والاترین نوشته‌های بشری."نقد خویشتن" و یا "خودانتقادی"، نقدی است که پدیدآور بر آثار، روش و یا نگرش خویش در حوزهٔ ادبیّات انجام دهد. به‌عبارت دیگر، هرگاه شاعری شعر خویش و یا نویسنده‌ای نثر خود را مورد بررسی، بازبینی، تفسیر و... قرار دهد و یا باورها و جایگاه خود را در حوزهٔ ادبیات تحلیل کند، به نقد خویشتن یا خودانتقادی پرداخته‌است. این عملِ اختیاری، باعث رفع عیوب اثر، ارتقاء متن و یا تسهیل امر تفسیر و تأویل نزد مخاطب می‌گردد. خودانتقادی به‌صورت عملی از دیرباز در ادبیات وجود داشته، با این‌حال، نظام بخشیدن به این نوع نقد و آماده‌سازی آن برای ارائه به‌منزلهٔ یک نگرش راهبردی، چندسالی است که توسط پژوهشگر مقالهٔ حاضر مطرح شده است. از آنجا که لازم است تا انواع نظام‌یافتهٔ خودانتقادی به پژوهندگان معرفی گردد، در این مقاله تلاش خواهیم کرد تا به این نیاز پاسخ دهیم. نقد خویشتن از نظر کلی، بسته به محل ظهور، روش و شیوه، منظر، انگیزه، مبنا و منشاء قابل بررسی و تقسیم‌بندی است. همچنین، خودانتقادی ادبی از نظر محورهای سه‌گانهٔ نقد، یعنی متن، پدیدآور و خواننده نیز گونه‌های مختلفی پیدا می‌کند. در این تحقیق، انواع مذکور همراه با شواهدی برای هریک، که از میان اشارات شاعران و نویسندگان ایرانی(و گاهی خارجی) در خلال شعر، داستان، مقدمه‌های آثار و مصاحبه-های ایشان استخراج شده‌است، مورد مطالعه قرار گرفته است.

کلمات کلیدی: نقد ادبی، نقد خویشتن، انواع خودانتقادی

---

[۱]مدرس مدعو و دانشجوی دورهٔ دکتری زبان و ادبیّات فارسی، دانشگاه یزد.؛ رایانامه:
mehrdadnosrati@stu.yazd.ac.ir
[۲]استاد گروه زبان و ادبیّات فارسی دانشگاه یزد

آموزه‌های اخلاقی ابوسعید ابوالخیر در اسرارالتوحید

منیره نصری حسنی[۱]

چکیده

توجه به آموزه‌های اخلاقی به عنوان یکی از مبانی تعالیم عرفانی از مواردی است که عرفا و صوفیان به آن توجه شایانی داشته اند. تأمّل در اقوال و احوال مشایخ نشان می‌دهد که تعلیم و تربیت مریدان و مخاطبان خاص و عام، با هدف ترویج هنجارهای اخلاقی بر محور ارزش‌ها و اندیشه‌های عارفانه و تعلیمات صوفیانه در مسیر کمال و سعادت آدمی، هدف و رسالت اصلی تصوف اسلامی بوده است. بنابر اهمیت موضوع پژوهش حاضر و با رهیافت توصیفی- تحلیلی و با استفاده از روش کتابخانه‌ای و تکنیک تحلیل محتوایی و به شیوهٔ سندکاوی، ضمن مطالعهٔ جایگاه اخلاق و عرفان نشان می‌دهد که: ابوسعید ابوالخیر (۳۵۷- ۴۴۰) عارف نامی و بزرگ قرن پنجم در کتاب «اسرار التوحید» که از مهمترین متون منثور عرفانی است، با توجه به مقصد کلام و مقتضای حال مخاطب و با تمسک به حکایات و داستان‌های تمثیلی، تعلیمات صوفیانه و نکته های دقیق عرفانی و اخلاقی را با گفتاری عوامانه و به بهترین نحو بیان می‌کرده است.

واژه‌های کلیدی : اخلاق، عرفان، ابوسعید ابوالخیر، محمد بن منوّر، اسرار التوحید.

[۱] کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه: nasri.monir@yahoo.com

واکاوی درساختار دستوریِ بند هجدهم از وندیداد دهم

پونیا نظربلند.[۱]
معصومه باقری حسن کیاده[۲].
مهرو آقاعبّاسی.[۳]

چکیده

وندیداد نوزدهمین نَسک از بیست‌ویک نسک و تنها نَسک اوستای دورهٔ ساسانی است که به‌صورت کامل به دست ما رسیده است. پیروان دین زرتشت از گذشته‌های دور در تفسیر و ترجمهٔ متون دینی همّت گماشته‌اند. بخش‌هایی از این تلاش که امروزه در دسترس است، ترجمه و تفسیری به زبان پهلوی از اوستاست که زند نامیده می‌شود. متن زند گرچه تقریباً ترجمهٔ واژه به واژه از اوستا ارائه می‌دهد، ولی گاه برداشت شخصی و تفسیرموبدان را نیز نشان می‌دهد. آنچه به عنوان تفسیر برآن افزوده شده، خالی از ابهام نیست وگاه حتّی فهم آن ناممکن می‌شود. از آنجا که وندیداد دربرگیرندهٔ مطالبی دربارهٔ اعمال دینی و شرایع زرتشتی است، برای موبدان زندنویس آشناتر از بخش‌های دیگر اوستا بوده است؛ از این رو زند وندیداد را می‌توان کامل‌تر و دقیق‌تر اززندسایربخش‌هایاوستادانست. بند هجدهم از فرگرد دهم وندیداد، که این پژوهش بدان پرداخته، حاوی مطالب فقهی و آیینی بسیاری است که در این پژوهش سعی بر آن شده است که با تکیه بر مقایسهٔ تطبیقی و ساختار دستوری و واژگانی به بررسی و واکاوی این آیین ها نیز بپردازد. نگارش این مقاله به شیوهٔ کتابخانه ای صورت گرفته که در طی آن این نتایج حاصل شد: الف) جملات و ساختار نوشتاری در متن بسیار ساده، کوتاه، دارای سبک خشک و یکنواخت است که در مقایسه بادیگر متون اوستایی، ساختار صرفی متفاوتی دارد که این نشان دهندهٔ ساده شدن دستور زبانی است. ب) در متن پهلوی میتوان تأثیرات سبک نگارشی زبان اوستایی را دید. ج) نویسندهٔ متن زند، بر معنای متن اوستایی تسلّط و آگاهی داشته است و در متن زند ترجمهٔ واژه به واژه ارائه نموده است.

واژگان کلیدی: اوستا، وندیداد، زند، فرگرد دهم،بند هجدهم.

---

[۱]کارشناس ارشد فرهنگ و زبان¬های باستانی، دانشگاه شهید باهنر، کرمان؛ رایانامه: pn.nazarboland@gmail.com
[۲]استادیار گروه فرهنگ و زبان¬های باستانی، دانشگاه شهید باهنر، کرمان
[۳]کارشناس ارشد فرهنگ و زبان¬های باستانی، دانشگاه شهید باهنر، کرمان

بررسی سبک شخصی دو بخش اصلی و افزودهٔ تذکرهٔ الاولیای عطّار براساس روش تحلیل آماری کیوسام (Cusum)

احمدرضا نظری چروده[۱]
شهریار مشکین[۲]

چکیده:
تنها اثر منثور عطّار (۵۳۷؟- ۶۲۷؟ق.)، کتاب تذکرهٔ الاولیا در شرح حال هفتاد و دو تن از عارفان و مشایخ صوفیه است. پس از عطّار، نویسنده‌ای ناشناس قسمت‌هایی بدین کتاب افزوده است که پُرمایگیِ بخش اصلی را ندارد. ادیبان و منتقدان ادبی، مطابق با سلیقهٔ خود و به کمک شمّ زبانی بدین مسأله پی برده‌اند؛ امّا نگارندگان مقالهٔ حاضر، با استفاده از یکی از روش‌های تجزیه و تحلیل آماری موسوم به کیوسام که یکی از روش‌های سبک‌سنجی و تحلیل متون زبانی است، در راستای اثبات علمی این قضیه، کارآیی شیوهٔ مذکور را در باب مسألهٔ تشخیصِ مؤلّف در متون فارسی محَک زده‌اند. درواقع، هدف از این پژوهش آن بوده است که با اِعمال روش کیوسام یا جمع تصاعدی، متن دو بخش اصلی و افزودهٔ تذکرهٔ الاولیا را با یکدیگر مقایسه کرده، این فرضیه را به اثبات برساند که مؤلّفِ زندگی‌نامه‌هایی که پس از شرح حال حسین‌بن منصور حلّاج در کتاب عطّار آمده، عطّار نیست.

واژگان کلیدی: زبان‌شناسی، سبک‌سنجی، روش تحلیل آماریِ کیوسام، تشخیص مؤلّف، تذکرهٔ الاولیا

[۱]استادیار دانشگاه آزاد اسلامی- واحد آستارا؛ رایانامه: acharvadeh@gmail.com
[۲]دانش¬آموختهٔ زبان و ادبیّات فارسی- دانشگاه خوارزمی

ادبیّات اعتراض در آثارفرّخی یزدی و احمد مطر

احمدرضا نظری چروده[۱]
شهریار مشکین[۲]

چکیده

مشکلات و درگیری‌های سیاسی و اجتماعی‌ای همچون وجود دولت‌های مستبد و زورگو، دخالت‌های استعمارگران غربی در امور داخلی کشورها، معضلات عدیدهٔ اجتماعی مانند فقر، وجود اقشار مستضعف و ستمدیده در جامعه مانند کارگران و کشاورزان، از جمله مسائل مشترکی است که در دورهٔ معاصر، شاعران دو کشور ایران و عراق با آن دست به گریبان بوده، در مورد آن شعر سروده‌اند. در میان شاعران معاصر فارسی‌زبان، فرّخی یزدی از معدود شاعرانی است که جان خویش را در راه دفاع از حقوق ملّت ستمدیدهٔ ایران از دست داده است. جسارت فرّخی در بیان حقیقت تا آن اندازه بود که به شدّت خشم حاکمان خودرأی را برانگیخت تا آنجا که به زندانی کردنش بسنده نکرده، لب‌های وی را دوختند. در عراق نیز، احمد مطر، شاعری است که زندگی خویش را وقف ملّت‌های عرب کرده و در اشعارش، مردم خفتهٔ عرب را مخاطب قرار داده است. وی تودهٔ مردم عرب را از خطر حاکمیت و فرمانروایی تباهی و فساد، زنهار می‌دهد. مخاطب شعر مطر، تمام ساکنان غفلت‌زدهٔ سرزمین‌های عربی هستند؛ چرا که شعر او، تصویرگر عشق و ارادت او به مردم است. در جُستار حاضر که به روش کیفی و تحلیل محتوای اشعار اعتراض‌آمیز فرّخی و مطر صورت گرفته است، نگارنده به شیوهٔ تطبیقی، مضامین مشترک دو شاعر را مورد بررسی قرار داده است. نتایجِ به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که اعتراض به حاکمان جور و جهل مردم و اوضاع آشفتهٔ جامعه، سازه‌های اصلی اندیشه‌های انتقادی فرّخی و مطر را تشکیل می‌دهد.

واژگان کلیدی: فرّخی یزدی، احمد مطر، ادبیّات اعتراض، ظلم‌ستیزی.

---

[۱]استادیار دانشگاه آزاد اسلامی استار
[۲]دانش آموخته دانشگاه خوارزمی؛ رایانامه: shahryar.meshkin@yahoo.com

هنجارهای ترجمه "ماهی سیاه کوچولو" صمد بهرنگی به انگلیسی

فاطمه‌زهرا نظری رباطی[۱]
فاطمه زند[۲]
زینب شیخ حسینی[۳]

چکیده

ادبیات کودک همواره یکی از صحنه‌های تغییر در حوزه ترجمه آثار ادبی بوده است. این ژانر ادبی به واسطه مخاطب خاص خود و تأثیرگذاری آن بر روی کودکان از جنبه ایدئولوژیکیو تربیتی از حساسیت و اهمیت خاصی برخوردار است. یک بخش ازاینژانر ادبی، داستان‌های کلاسیک هستند که به واسطه قدمت خود به منظور زنده نگه داشتن اثر، به دلیل تغییر شرایط اجتماعی و سیاسی هر عصر نیازمند تغییراتی می‌باشند. *ماهی سیاه کوچولو*(۱۳۴۷) نوشته صمد بهرنگی یکی از این دست داستان‌هاست. پژوهش توصیفی-مقابله‌ای حاضردر پی یافتن هنجارهای اعمال شده در ترجمه اخیر انگلیسی این اثر در جهت هماهنگ‌سازی با نیازهای عصر حاضر است. بدین منظور ترجمه انگلیسی اثر توسط آذر اثری با نسخه فارسی آن در چهارچوب نظری "هماهنگ‌سازی نظام‌مند" شویت در ترجمه ادبیات کودک مقایسه شد. پس از بررسی مشخص گردید که این اثر کوتاه شده در ترجمه با توجه به هنجارهای معرفی شده شویت برای زنده ماندن متن و هماهنگ‌سازی آن با نیازهای اجتماعی و فرهنگی عصر حاضر مخاطب کودک تغییراتی یافته است که شامل: تغییر و حذف توصیفات، تغییر طرح داستان و حذف و تغییر برخی مؤلفه‌ها به دلایل ایدئولوژیکی بود.

واژگان کلیدی: ترجمه، هنجار، ماهی سیاه کوچولو، شویت

[۱]مربی، مترجمی زبان انگلیسی، دانشگاه حضرت نرجس (س) رفسنجان؛ رایانامه: Fateme_Zand_1361@yahoo.com
[۲]مربی، مترجمی زبان انگلیسی، دانشگاه حضرت نرجس (س) رفسنجان
[۳]استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حضرت نرجس (س) رفسنجان

بررسی تحلیل گفتمان سفرنامه های عتبات دوره قاجار

مهران نظری‌نسب[۱]
منوچهر جوکار[۲]

چکیده

سفرنامه‌ها به واقع، گنجینه‌ها و اسنادی ارزشمند و دستِ اوّل از برخی رخدادهای تاریخی، اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و ادبی شمرده می‌شوندکه از جنبه‌های گوناگون قابل بررسی و واکاوی‌اند. در این مقاله، سفرنامه‌های عتبات دورهٔ قاجار به روش تحلیلِ گفتمان مورد بررسی قرار گرفته است. تحلیل گفتمان، رویکردی میان رشته‌ای است که ریشه در زبان‌شناسی دارد. اصطلاح «تحلیل گفتمان» را نخستین بار در سال ۱۹۵۲ میلادی زبان‌شناس معروف انگلیسی، زلیک هریس مطرح کرد. زلیک هریس تحلیل گفتمان را صرفاً رهیافتی فرمالیستی و ساختارگرایانه به جمله و متن می‌دانست. با استفاده از این رهیافت، عوامل درون‌زبانی و برون‌زبانی یعنی اوضاع و شرایط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، مذهبی و تاریخی ، موقعیّت نهادی و نگرش‌های سفرنامه‌نویسان که در نگارش و ایجاد متن سفرنامه‌ها، تأثیرگذار بوده‌اند، مورد بررسی و موشکافی قرارگرفته و نشان داده شده است که این عوامل تا چه میزان چند و چون حوزه‌های زبانی و سبک ادبی این سفرنامه‌ها را تحت تأثیر قرار داده است.

کلید واژه‌ها: تحلیلِ گفتمان، سفرنامهٔ عتبات، دورهٔ قاجار.

[۱] کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز ؛ رایانامه: nazari65a2@yahoo.com
[۲] استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید چمران اهواز

اعتراض به نظام مرد سالاری در میان شاعران زنِ معاصر ایران و مصر (بررسی موردی: اشعار پروین اعتصامی و عائشه تیموری)

فاروق نعمتی[۱]

چیکده

اعتراض نسبت به دیدگاه‌های ظالمانه و تبعیض‌آمیز پیرامون زن و محروم نمودن او از حقوق فردی و اجتماعی‌اش، بر مبنای دیدگاه‌های سنتی و مبتنی بر مرد سالاری، همواره یکی از موضوعات مهم، در عرصه شعر و ادب معاصر فارسی و عربی بوده است، و در این میان، ادبا و شعرای زن، نقشی اساسی در این زمینه ایفا نموده‌اند. این گروه، تمام توان هنری، ادبی، و احساس انسانی خویش را به کار گرفتند تا پایه و اساس "مردانه نگریستن" به امور و از جمله ادبیات را بر هم بزنند و نظام اجتماعی و سیاسی مرد محوری را دستخوش دگرگونی سازند، و در این راه توفیق‌های چشم‌گیری کسب نمودند. این گرایش، هرچند گاهی دچار افراط گردید، اما تحولی بنیادین و مثبت، در دفاع از حقوق پایمال شده زنان به شمار می‌رود. شاعر مشهور ایرانی، پروین اعتصامی، و شاعر نامدار مصری، عائشه تیموری، از پرچمداران این نهضت آزادی-بخش به شمار می‌روند. این دو، در آثار هنری خویش، گاه به صورت صراحت و گاه نیز با اشاره، زبان به انتقاد از ناهنجارهای رفتاری نسبت به زنان گشودند و بر حقوق مشروع و قانونی آنان تأکید کردند. ولی آن چه، به نوشته‌های این دو ادیب برجسته، جان بخشیده و به آنها مهر ماندگاری زده است، تنها محتوای انتقادی نظرات آنها نیست، بلکه جنبه‌های هنری آثار آنان است که به آن دیدگاه‌ها، جلوه‌ای ویژه بخشیده است. آن دو، با خلق آثار ادبی خود توانسته‌اند، یک پدیده اجتماعی را از مرزهای جغرافی عبور دهند، به آن رنگی به شدت عاطفی ببخشند، و با خارج ساختن قالب تک جنسیتی در شعر، روح زنانه را در کالبد ابیات خود بدمند. این مقاله، دیدگاه‌های اجتماعی، انتقادی، این دو شاعر نامدار زن را، در خلال شعر و ادب آنها، وارسی می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: شعر زنان فارسی و عربی، پروین اعتصامی، عائشه تیموری، نظام مردسالاری

[۱] . استادیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه پیام نور؛ رایانامه: faroogh.nemati@gmail.com

منشات خاقانی، دل نوشته‌های متکلف و فنی اما هنری و زیبا

سیدایوب نقشبندی[۱]

چکیده:

منشات خاقانی شروانی (۵۲۰ – ۵۹۵ هـ‌ق) مجموعه نامه‌هایی است که خاقانی با نثری فنی و زیبا برای حاکمان، عالمان و نزدیکان خود نگاشته است، این نامه‌ها، از جنبه‌های ادبی، اجتماعی و هنری دارای اهمیت و شایان بررسی و توجه می‌باشد. همچنین آنها را می‌توان جزو منابع مهم در خاقانی شناسی و جامعه‌شناسی دوره شاعر به حساب آورد. منشأت، جلوه‌های زیبایی از نثر فنی قرن ششم را برای ما ترسیم می‌کند که در نهایت پختگی و آراستگی، در قالب نامه ارائه و تحریر یافته است. بعضی از نامه‌های خاقانی دل نامه‌هایی هستند که اطلاعات قابل توجهی در مورد نویسنده و جامعه‌ای که در آن زندگی کرده است در اختیار ادب دوستان قرار می‌دهد. در این مقاله، اهمیت و ارزش منشأت، به عنوان نمونه‌ی برجسته و بارز هنر نثر نویسی شاعری توانا، بیان می‌گردد تا علاقه‌مندان، در زمینه خاقانی پژوهی آن اثر را بیشتر مورد توجه و مدنظر خود قرار دهند.

واژگان کلیدی: منشات، خاقانی، نثرفنی، نامه.

[۱] هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان کردستان؛ رایانامه: ayub_naqshbandy@yahoo.com

خداوندنامه صبا حماسه‌ای مهجور

(بررسی مولفه‌های حماسه و حماسه دینی در خداوندنامه فتحعلی‌خان صبا)

نسترن نکومنش فرد[۱]

چکیده

خداوندنامه فتحعلی‌خان صبا با این‌که درباره پیامبر اسلام صلوه‌الله علیه و امام علی علیه‌السلام، زندگانی و جنگ‌ها، و افراد مرتبط با ایشان سروده شده، اما مورد بی‌مهری قرار گرفته، تا کنون حتی تصحیح و چاپ نشده، و پژوهش‌های اندکی درباره آن صورت گرفته است. این پژوهش که بهانه‌ایست برای پرداختن به این اثر قابل توجه، ابتدا مولفه‌های یک اثر حماسی مانند تسلط اغراق و مبالغه، فراوانی تشبیه و استعاره، به کار بردن نام ادوات جنگی، واژه‌های خشن، رجزخوانی، و ...را در خداوندنامه بررسی کرده و سپس به مولفه‌هایی پرداخته که این اثر را در ردیف حماسه‌های دینی قرار می‌دهند. برای مثال استفاده از روایات دینی، معجزه، حضور ملائکه، امدادهای غیبی، دعوت به دین، حضور شیطان، و ... از مولفه‌هایحماسه دینی هستند که در خداوندنامه وجود دارند. این پژوهش که با روش اسنادی و تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته، مولفه‌های حماسه و حماسه دینی را در متن اثر جستجو کرده و برای هر کدام شواهد مثال آورده و نشان می‌دهد کدام عناصر حماسی و مولفه‌های حماسه دینی در این اثر حضور دارند که بر اساس آن‌ها می‌توان گفت خداوندنامه یک حماسه دینی است.

واژگان کلیدی: خداوندنامه، فتحعلی‌خان صبا، حماسه، حماسه دینی

[۱] دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید بهشتی – تهران؛ رایانامه:
nekoomaneshfard.n@gmail.com

بررسی عناصر اربعه(آب، باد، خاک، آتش)در آثار هوشنگ ابتهاج

الیاس نورایی[۱]
سمیرا خانجانی[۲]

چکیده:

عناصر چهارگانهٔ طبیعت(آب، خاک، باد، آتش) در فرهنگ اساطیری ایرانیان و حتی دیگر فرهنگ‌ها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است به گونه‌ای که از این عناصر به عنوان سرمایهٔ هستی و یاور آفریدگار در امر آفرینش یاد می‌شود. پس به خاطر تقدس و برجستگی این عناصر در فرهنگ ایرانیان، ادبیات فارسی و آثار شاعران ایرانی سرشار از تصویرهایی است که از این عناصر ارائه شده‌است. از این رو نوشتار حاضر برآن است تا با روش توصیفی –تحلیلی ضمن اشاره به جایگاه هر یک از این عناصر در فرهنگ اساطیری ایرانیان، بازتاب عناصر اربعه را در آثار هوشنگ ابتهاج مورد بررسی و تحلیل قرار دهد و مشخص نماید تا چه حدودی باورهای اساطیری و شرایط اقلیمی در تصویرسازی این شاعر موثر بوده‌است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که افزون بر تأثیرگذاری باورهای باستانی و اساطیری در ارائهٔ تصاویر مختلف و متنوع از عناصر اربعه، جریان سمبولیسم اجتماعی هم در نحوهٔ نمادپردازی از این عناصر در اشعار هوشنگ ابتهاج بی‌تأثیر نبوده‌است و او متناسب با فضای حکومتی و سیاسی حاکم بر جامعه(دورهٔ پهلوی) با استفاده از عناصر چهارگانه تصاویری متنوعی ارائه داده‌است؛ این شاعر گاهی خاک را به عنوان نماد سرزمین ایران به کار می‌برند، در جایی دیگر آب و بارن را نماد آزادی و رهایی به تصویر می‌کشند و باد و تندر و طوفان را مظهر و نشانهٔ خشم و خروش جامعه و رمز قیام و مبارزه می‌دانند.

واژگان کلیدی: شعر معاصر،اسطوره، عناصر اربعه، هوشنگ ابتهاج.

[۱] .دانشیار دانشگاه رازی، گروه زبان و ادبیات فارسی،رایانامه::nooraeielyas@yahoo.com
[۲] .کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

مقایسه ساختار داستان خیروشر هفت پیکر نظامی با داستان شهریار بابل با شهریارزاده مرزبان نامه برپایه نظریه‌های روایت و تقابل‌های دوتایی.

الیاس نورایی[۱]
جبار خدامرادی[۲]

چکیده:

مقایسه ساختار داستان خیروشر هفت پیکر نظامی با داستان شهریار بابل با شهریارزاده مرزبان نامه برمبنای نظریه‌های روایتو تقابل‌های دوتایی.

داستان خیروشر از داستان‌های فرعی گنبد ششم، نشستن بهرام گور روز پنج شنبه در گنبد صندلی و افسانه گفتن دختر پادشاه اقلیم ششم هفت پیکر نظامی است.همچنین داستان شهریار بابل با شهریارزاده از داستان‌های فرعی مرزبان نامه است.پژوهنده ساختار این دو داستان را براساس تقابل‌های دوتایی مقایسه و بررسی کرده است، بنا به نظریه تقابل گرایان داستان‌های زیادی که در ظاهر روایت ساده ای دارند تقابل‌های ژرفی را جستجو می‌کنند. داستان خیروشر و شهریار بابل با شهریارزاده هردو دارای تقابل‌های دوتایی هستند و هردو دارای ساختار یکسانی‌اند. گذشتگان ما به کمک همین تقابل‌های دوتایی اندیشه و تفکر خود را در روایت‌ها و قالب‌های مختلف بیان کرده‌اند.

شیوهٔ کار ر این پژوهش در آغاز معرفی نظریه تقابل‌های دوتایی و صاحب نظران آن و پژوهش‌هایی که در این سیر صورت گرفته است و بعد مقایسهٔ عناصر مشترک دو داستان و بیشتر استدلال‌ها بر پایهٔتقابل‌های دوتایی هردو داستان است که از لحاظ ساخت شباهت‌های زیادی با هم دارند و در ژرف ساخت هردو داستان هدف واحدی را دنبال می‌کنند. هرچند ظاهر داستان از لحاظ کوتاه و بلندی، نظم و نثر، واژگان و ساختار جملات فرق دارند اما هردو داستان برپایه تقابل‌های دوتایی ساخته شده‌اند و تقابل‌ها نظام مند است و یک هدف دارد و هردو داستان از لحاظ ژرف ساخت تقابل‌ها و روساخت یکسان‌اند و واحد عمل می‌کنند.

کلید واژگان: روایت داستانی، خیروشر، شهریار بابل با شهریارزاده، تقابل‌های دوتایی

[۱]دانشیار گروه زبان وادبیات فارسی دانشگاه رازی
[۲]کارشناس ارشد زبان وادبیات فارسی دانشگاه کردستان؛ رایانامه: jabarkhodamoradi@gmail.com

خوانشدریایی‌ها؛ نگاهی به مجموعه شعر رؤیایی

لیلا نوروزپور[۱]
همایون جمشیدیان[۲]

چکیده

شعر حجم را رؤیایی شعر نخبگان می‌داند. درک این نوع شعر به علت تصاویر پیچیده و نیز ارتباط عناصر تشکیل‌دهنده آن با کل یکپارچه شعر دشواراست. رابطه بین عناصر صوری شعر حجم، گاه بسیار انتزاعی است. این مقاله در پاسخ به این پرسش است کهچه عناصری فرم مجموعه شعر «دریایی‌ها» از یدالله رؤیایی را شکل داده است به بیان دیگر چگونه اشعار آن، فراتراز اینکه خود یک شعر مستقلند، ساختار منسجمی را در کل مجموعه پدید می‌آورند. بر اساس مدعای شاعران حجم‌گرا، فرم عنصر اصلی شعراست. در این نوشتار پس از بیان مقدماتی درباب شعر حجم، نشان داده می‌شود که درسه سطح واژگان شعری، تصویر و محتوا فرم این مجموعه چگونه شکل گرفته‌است. عنوان این مجموعه، پیش از خوانش، مجموعه مفاهیم دریا را در ذهن خواننده برمی‌انگیزد تا همچون چارچوبی تمام مفاهیم صریح و ضمنی را در خود جای دهد. قوی‌ترین ارتباط فرمی در این مجموعه از رهگذر انتخاب واژه شکل گرفته و واژگان در روابط معنایی ترادف، رابطه جزء و کل و مجاورت با سرواژه دریا پیوند دارند. در سطح تصاویر نیز عموماًدریا، به تعبیر حجم‌گرایان سکوی پرتاب به ماورای واقعیت است و کمتر کاربرد استعاری دارد. در سطح محتوا نیز تقابل سرزمین خود با دیگری، آزادی با زندگی مبتنی بر عرف و عادت، تقابل آرزو و واقعیت در حس رمانتیکی پیوستن به طبیعت، و سرانجام تحرک و شادمانی در تقابل با خستگی و توقف و رکودِ انسان مفاهیمی هستند که اشعار این مجموعه را پیوند می‌دهد.

کلیدواژه: شعرحجم، یدالله رؤیایی، دریایی‌ها، فرم.

[۱]استادیار دانشگاه گلستان؛ رایانامه: l.nowruzpur@gmail.com
[۲]استادیار دانشگاه گلستان

مراسم عروسی روستای دیوان از توابع شهرستان بندرلنگه و ترانه های آن

اسدالله نوروزی[۱]
ساقی رحیمی[۲]

چکیده:

قسمت عمدهٔ زندگی ما را آداب و رسوم، باورها، ترانه ها و اعتقاداتی تشکیل می دهند که ریشه در روزگاران کهن دارد. رسم عبارت از تجربه یک قوم و ملت است که شعور مردم بسیاری طی قرون و سالیان متمادی آن را درست و به جا و کارآمد دیده است.

مقاله حاضر به بیان آیین عروسی در روستای دیوان [استان هرمزگان] و معرفی ترانه هایی که در این مراسم خوانده می شود، می پردازد. نگارنده به روش توصیفی هریک از این مراحل را که شامل حنابندان، سرتراشان، نثور، حاضر، رخت پوشان، بردن داماد به خانه عروس، فاله خوردن، پای رنج و ... می شود، شرح داده است و ترانه های مخصوص هریک از این مراسم را معرفی می کند.

گرچه پایبندی به این رسوم نزد مردمان قدیم بیشتر از جوانان امروزی است؛ ولی این مراسم که آمیزه ای از مراسم ازدواج گذشته و حال در روستای یاد شده است، هنوز هم با شکوه فراوان برگزار می شود و روح شادی و نشاط همچنان بر فرهنگ این مردم حاکم است.

نتایج حاصل از این پژوهش آشنایی با فرهنگ ازدواج در منطقه مذکور، مراسم و ترانه های آن و حفظ آن از خطر زوال و نابودی است.

کلید واژه: حنابندان، عروسی، نثور، فاله، پای رنج.

[۱] دکترای زبان و ادبیات فارسی، عضو هئیت علمی دانشگاه هرمزگان؛ رایانامه: asadollahnowruzi@gmail.com
[۲] دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه هرمزگان

مکانیسم دفاعی واپس‌روی در سروده‌های مهدی اخوان ثالث

علی نوری[۱]
احمد کنجوری[۲]
اصغر پیریان شریف[۳]

چکیده

منتقدان ادبی، در دهه‌های اخیر، از مطالعات و پژوهشهای میان رشته‌ای (Interdisciplinary study) بسیار بهره می‌گیرند. یکی از مهم‌ترین و پرکاربردترین موارد مطالعات بینارشته‌ای، نقد روانشناسانه متون ادبی است. انسان، در برخورد با موانع، تعارضها و فشارها، اغلب ناخودآگاه به مکانیسم‌ها و ساز وکارهای دفاعی روی می‌آورد. مکانیسم‌های دفاعی، شیوه‌های روانی مقابله با ناکامی هستند. یکی از مهمترین مکانیسمهای دفاعی، «واپسروی» است. منظور از واپسروی (regression)، بازگشت به یک گفتار، یک خیال یا یک رفتار معنی‌دار است که قبلاً تجربه شده است. در این مکانیسم، رفتار فرد به مرحله پایین‌تری پسروی می‌کند. علت پسروی رفتار این است که قبلاً آن رفتار مورد استفاده قرار گرفته و مفید واقع شده است. در این مقاله برآنیم که با دیدی روانشناختی و با روش تحلیلی-توصیفی، مکانیسم دفاعی واپس‌روی را در سروده‌های مهدی اخوان ثالث بررسی کنیم؛ بنابراین پس از مقدمه‌ای درباره روانشناسی ادبیات و نظریات فروید و دیگران درباره مکانیسم‌های دفاعی، انواع واپسروی را در سروده‌های اخوان ثالث نشان داده و دسته‌بندی کرده‌ایم و سپس هریک را در حد ضرورت بررسی نموده‌ایم. از مهمترین گونه‌های واپسروی در شعر اخوان می‌توان به واپسروی در نگرش و جهان‌بینی، واپسروی در گزینش واژگان، واپسروی نحوی و واپسروی ساختاری اشاره کرد.

کلیدواژگان: اخوان ثالث، فروید، مکانیسم دفاعی، واپس‌روی

[۱] دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لرستان؛ رایانامه: nooria67@yahoo.com
[۲] دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لرستان
[۳] کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه آزاد تهران مرکز

صورت دیگری از عنصر منفی‌ساز فعل

روح‌الله نوری[۱]
وحید مبارک[۲]
عباس سعدی[۳]

چکیده

در زبان فارسی برای منفی کردن فعل، از تکواژ «نَ» (**na=**) استفاده می‌شود مانند: نرفته‌بود، نخوان. در امر منفی، به جای «نـ» تکواژ «مـ» (**ma=**) نیز می‌آید: مرو، مخوان . گاهی به جای دو تکواژ یاد شده یک تکواژ مستقل ازنوع صفت بر سر فعل می‌آید و کارکرد عنصر منفی‌ساز را بر عهده دارد. در معنای این واژه، نفی نسبی وجود دارد اما افادهٔ نفی مطلق می‌کند و خود در جمله نقش نحوی ندارد؛ مانندواژهٔ «مشکل» در بیت زیر از طبیب اصفهانی:

مرنجان دلم را که این مرغ وحشی ز بامی که برخاست مشکل نشیند

در مصراع دوم واژهٔ «مشکل» دارای نقش نحوی نیست، وعنصر منفی‌ساز فعل به حساب می‌آید. زیرا «مشکل نشیند» به معنای «نمی نشیند» است. در این پژوهش با بررسی کارکرد این نوع از عنصر منفی‌ساز فعل درچند شاهدمثال، نگارندگاندر پی روشن‌تر شدن موضوع برآمده‌اند.

کلید واژه‌ها: فعل، عنصر منفی‌ساز، جایگاه نحوی.

[۱]کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه: xatesevom@yahoo.com
[۲]عضو هیأت علمی دانشگاه رازی کرمانشاه
[۳]دانشجوی دکترای زبان و ادبیات عرب

تأویل، برخلاف گشتار، از امکانات زبان می‌کاهد

روح‌الله نوری[۱]
وحید مبارک[۲]
عباس سعدی[۳]

چکیده

بیشتر دستورنویسان دو اصطلاح «گشتار» و «تأویل» را از نظر معنا و کارکرد برابر دانسته‌اند. گشتار فرآیندی است که طی آن با اعمال تغییراتی برژرف‌ساخت جمله، در جهت به کارگیری امکانات زبان برای بیان دقیق معنا، روساخت جمله حاصل می‌گردد. اما تأویل (برگرداندن) که براساس آن جمله‌واره‌های وابسته، در قالب سازه‌ای مفرد به درون جمله‌وارهٔ هسته برگردانده می‌شود، فرآیندی است برخلاف گشتار که طی آن از امکانات زبان کاسته می شود.در این پژوهش نگارندگان پس از بررسی تفاوت معنایی و کارکردی گشتار و تأویل، با ارائهٔ نمونه‌هایی از روساخت جمله‌ها به همراه صورت تأویل شدهٔ آن‌ها، به بررسی کاهش امکانات زبانی در ساخت‌های تأویل شده می‌پردازند.

کلید واژه‌ها: گشتار، تأویل، امکانات زبان.

[۱] کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه: xatesevom@yahoo.com
[۲] عضو هیأت علمی دانشگاه رازی کرمانشاه
[۳] دانشجوی دکترای زبان و ادبیات عرب

ملازمه عقل و بندگی در مثنوی با تأکید بر قصه موسی و شبان

منصور نیک پناه[۱]
ابراهیم نوری[۲]
کاظم حسن زاده[۳]

چکیده:
سخن گفتن از مولانا و اثر ماندگارش مثنوی پایان ناپذیر است. علی الخصوص بعضی از حکایاتش که یک دنیا سخن را در مجموعه کوچک جمع کرده است. داستان موسی و شبان از این دست قصه‌هاست. اصولا با بررسی مثنوی مولوی متوجه تناقض در گفتار شاعر در باب عقل و علم می‌شویم. از یک طرف به شدت از عقل دفاع می نماید، از سوی دیگر در طرد و رد عقل حکم می نماید. این مقاله با روشی توصیفی و تحلیلی به این موضوع به دست آویزی داستان موسی و شبان پرداخته می‌شود. در عین حال اشاره‌ای به گونه‌های علم در آثار مولوی و تاثیر معرفت و شناخت در نیل به اهداف عالیه مردان خدا خواهیم داشت. بنا به اینکه گاه ظاهر حکایت موسی و شبان دست مایه گروهی برای تشکیک در مبانی اسلام می گردد.داستان موسی و شبان نمایانگر مراتب معرفت بنده به خدا و به عبارتی بیانگر سطوح معرفت و عبودیّت باشد.از دیدگاه ایشان دارندگان ایمان تقلیدی، خطرات زیادی پیش روی دارند که موجب لغزش آنان از طریق هدایت می‌گردد. در عین حال بیانگر مراتب شریعت و طریقت در این حکایت می باشیم. در عین حال بیان بندگی عامیانه و عشق به خالق هستی را می توان از لابلای حکایت استنباط نمود.

کلید واژه ها: مثنوی مولوی، موسی و شبان، مراتب بندگی، عشق.

۱-استادیار مجتمع آموزش عالی سراوان؛ رایانامه: Mansour.nikpanah@yahoo.com
۲-استادیار دانشگاه سیستان و بلوچستان
۳-کارشناس ارشد ادبیات و دبیر آموزش و پرورش

تحلیل الگوهای اسطوره‌زدایی دراثر «آرش در قلمروی تردید» از نادر ابراهیمی

مریم نیک‌قلب کسمایی[۱]

چکیده

اسطوره در شکل‌های مختلف، از آیین‌ها و مناسک گرفته تا باورها و بینش اسطوره‌ای، همواره در زندگی بشر حضور داشته است. ردپای اسطوره را در مفاهیم مهمی چون مطالعات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زندگی بشر نیز می‌توان دید. با این‌حال، در دوره‌های مختلف، تاریخ بشری شاهد فرایند اسطوره‌زدایی نیز بوده است. پژوهش پیش رو با روش توصیفی ـ تحلیلی و با رویکرد اسطوره شکنانه و اتکا بر مطالعات کتابخانه‌ای به انجام رسیده است از میان عناصر اسطوره‌ای الگوهای قهرمان، قربانی، پهلوان اژدرکش، خیر و شر، کمال‌گرایی و اسطوره‌گرایی نماد را برگزیده‌ایم و داستان «آرش در قلمروی تردید» اثر نادر ابراهیمی که نمونهٔ بازآفرینی شدهٔ اسطورهٔ «آرش کمان گیر در روایات باستانی» است را انتخاب کرده‌ایم و چگونگی اسطوره‌شکنی الگوهای اساطیری منتخب را در داستان مذکور بررسی خواهیم کرد. مهمترین نتیجهٔ به دست آمده یأسی است که به دلیل شرایط سیاسی دههٔ چهل بر ایران حاکم است که شکست بینش اسطوره‌ای را منجر گردیده است. در این جستار برآنیم تا به ابعاد جدیدی از ادبیات داستانی بپردازیم.

کلید واژه: بینش اسطوره‌ای، شکست اسطوره، آرش کمان گیر، نادر ابراهیمی.

[۱] دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه: maryam_nikghalb@yahoo.com

بررسی چند نکتهٔ بلاغی در ساختار سبکی مصیبت‌نامهٔ عطار

عباس نیکبخت[۱]
سبیکه اسفندیار[۲]

چکیده

عطار در اثر مصیبت‌نامه که شرح صیرورت سالک در مسیر تکاملی طریقت است، به بیان اندیشه‌های عرفانی و آموزه‌های اخلاقی در پرتو حکایات، شخصیت‌ها و اموری می‌پردازد که حامل معانی و مفاهیم متعالی و ویژه هستند. حکایات مصیبت‌نامه را از آن جهت که بهانه و بستری برای مفاهیم بلند عرفانی است، باید تمثیل‌هایی نامید که به مدد رمز، اندیشه‌های عطار را ملموس می‌سازند. تمثیل دیوانه، محمود و ایاز و لیلی و مجنون از این زمره است که البته هریک از این شخصیت‌ها خود رمزی از عاشق و معشوق هستند. برخی از رمزهای عرفانی که خاص مصیبت‌نامه است، برخاسته از امور طبیعی در زمین و آسمان است چون دریا، آسمان، پرنده و... برخی دیگر نیز که در شخصیت‌های حکایات جلوه‌گر می‌شوند، رمزهای انسانی می‌باشند. علاوه بر رمز و تمثیل که عرصه‌های بلاغی جهت بازنمودن نظریات عرفانی عطار است و باید آنها را به جهت منحصربفرد بودن از زمرهٔ سبک شخصی او قلمداد کرد، استفادهٔ خاص از صنعت حسن تعلیل و تکرار نیز قابل توجه است. عطار برای هبوط انسان به زمین و لزوم سرگشتگی آدمی در طریق حق چندین دلیل ذکر می‌کند که هریک با حال و مقام موضوع مورد نظر مناسبت دارد و به اعتقاد عرفانی عطار بازمی‌گردد؛ همچنین در تکرار مفاهیم داستان پیامبران، بخصوص حضرت موسی به شیوهٔ قرآنی نظر دارد. در این مقاله سعی شده که در یک نگاه کلّی به بررسی چند ویژگی بلاغی در اثر مصیبت نامه پرداخت که البته سازندهٔ سبک شخصی عطار می‌باشند و اگرچه بسامد برخی از برخی دیگر کمتر است، اما استفادهٔ خاص از آنها به عطار متعلق است.

کلمات کلیدی : مصیبت نامه، بلاغت، تمثیل، رمز، تکرار، حسن تعلیل.

---

[۱] استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان
[۲] دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان و عضو باشگاه پژوهشگران جوان دانشگاه آزاد بابل. رایانامه: xeizaran@yahoo.com

استغنا و حیرت در مثنوی معنوی و بازتاب آنها در مثنویهای سلطان‌ولد

داود واثقی خوندابی[۱]
مهدی ملک ثابت[۲]
محمّدکاظم کهدویی[۳]

چکیده

مولانا جلال‌الدّین عارف واصلی است که صحبت بسیاری از اکابر طریقت را دریافته و در عرصهٔ عرفان به مقامات والایی دست یافته است؛ وی حاصل تجربیات علمی و شهودی خود را در آثارش سترگش خصوصاً مثنوی معنوی بیان کرده و راه سعادت را به سالکان راه حقیقت نشان داده است. اولین کسی که از آثار مولوی تقلید کرد، فرزند و مریدش سلطان‌ولد بود که به تشریح و تبیین آموزه‌های پدرش خداوندگار پرداخت و از اسرار کبریایی گفتار او پرده برداشت؛ وی اگر چه شارح افکار مولاناست، لیکن در عرصهٔ عرفان به تجربیات و مقامات والایی رسیده و به تعبیر خودش در سلک معشوقان حرم کبریایی قرار گرفته است.
نگارندگان در این جستار به بررسی وادیهای استغنا و حیرت در مثنوی معنوی می‌پردازند و بازتاب این مفاهیم را در مثنویهای سلطان‌ولد(ابتدانامه، رباب نامه و انتها نامه) آشکار می‌سازند. بر اساس نتایج این پژوهش مشخص می‌شود که مولانا و سلطان‌ولد استغنا را مختص خداوند و فقر را درخور انسان دانسته‌اند؛ در نظرگاه آنها فقر اختیاری سرّ خداوندی و اصل حقیقت است؛ علاوه بر این، دین شناسی مولانا و سلطان‌ولد مبتنی بر حیرت زایی است؛ البته حیرتی که از شهود جمال حضرت معشوق حاصل شود، نه حیرت جاهلان که بر اثر تصادم شکوک است. حیرت عارفانه می تواند انسان را به دانش حقیقی برساند و به بارگاه قرب الهی هدایت کند.

کلید واژه‌ها: مولوی، سلطان‌ولد، مثنوی معنوی، مثنویهای سلطان‌ولد، استغنا، حیرت.

---

[۱] دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد؛ رایانامه: d.vaseqhi@gmail.com
[۲] استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد
[۳] دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد

واکاوی شخصیّت در گلستان سعدی با توجه به نظریهٔ شخصیّت شناسی یونگ

ابراهیم واشقانی فراهانی[۱]
سمیه پراور[۲]
رامین خسروی چشمه‌کبودی[۳]

چکیده:
در میان آثار فاخر و پند آموز زبان فارسی، گلستان سعدی جایگاهی ویژه دارد. سادگی و روانی زبان در عین عمق معانی، شهرتی بی‌بدیل را برای سعدی رقم زده‌است. به سبب همین ژرف‌نگری‌های سعدی است که طبقات گوناگون اجتماعی به فراخور جایگاه خود از گلستان سعدی بهره برده‌اند. اقبال طبقات گوناگون مردم به گلستان سعدی، در حقیقت نشانگر طرح و تصویر کردن درست و به‌جای این طبقات در گلستان است. سعدی در سرزمین‌ها و جوامع گوناگون سیروسفر داشته و مشاهدات و تجربیات متنوعی را کسب کرده شخصیّت‌های گوناگون را آزموده و شناخته‌است و افزون بر این شناخت وسیع شخصیّت، با شیوه‌های مناسب و موّفق نیز به پردازش و تصویر کردن شخصیّت در گلستان خویش پرداخته‌است. امروزه با استفاده از معیارهای دانش‌های نوین، می‌توان به‌خوبی از آنچه سعدی در این حوزه انجام داده‌است، پرده‌برداشت و یکی از این دانش‌ها، روان‌شناسی به‌ویژه نظریهٔ شخصیّت یونگ است. یونگ از جملهٔ روان‌شناسانی است که با تأکید بر مراحل شکل‌گیری و بررسی انواع گوناگون شخصیّت‌های انسانی، موضوع شناخت انسان را به گونه‌ای دیگر مطرح می‌کند و شیوه و ابزاری نوین را برای تحلیل آثار ادبی ایجاد می‌کند. با توجه به وسعت و تنوّع شخصیّت‌ها در گلستان سعدی و برای شناخت بهتر و تازه‌تر گلستان از دریچهٔ گونه‌های شخصیّت، در این مجال برآنیم که شخصیّت‌های گلستان را به روش تحلیلی- توصیفی و بر اساس نظریهٔ شخصیّت یونگ بررسی کنیم.

واژه‌های کلیدی: سعدی، گلستان، یونگ، شخصیّت.

---

[۱]استادیار وعضو هیات علمی دانشگاه پیام نور
[۲]کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور
[۳]کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی

بررسی و طبقه بندی افعال در زبان ترکی آذری با تاثیر بذیری از زبان فارسی

هنگامه واعظی [۱]
معراج نوعی هشجین [۲]
سید محمد رضی نژاد [۳]

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی افعال ترکی آذری بر مبنای چارچوب ون ولین(۲۰۰۵) و کرافت(۲۰۱۲) می پردازد. هدف از چنین بررسی ای این است که بدانیم در زبان ترکی آذری چند طبقهٔ فعل مشاهده می شود و اینکه هر یک از طبقه های اصلی از چند زیر گروه تشکیل شده است و آیا طبقاتی از این افعال از زبان فارسی تاثیربذیری دارد؟ مرور پیشینه پژوهش نشان می دهد که در راستای طبقه بندی نحوی-معنایی، در زبان ترکی آذری پژوهشی انجام نشده است. از این رو پیکره ای متشکل از ۱۴۵ مدخل فعلی از فرهنگ واژگانی بهزادی(۱۳۸۲)جمع آوری شده است. بررسی مدخل های فعلی در زبان ترکی آذری نشان می دهد که افعال در این زبان به دو گروه اصلی، ایستا و غیر ایستا تقسیم می گردند. در گروه اول، افعال ایستا به دو زیر گروه افعال ایستای پایدار و ایستای گذرا طبقه بندی می شود. در گروه دوم افعال غیر ایستا به چهار زیر گروه، افعال لحظه ای، پایا، کنشی و کنشی-پایا تقسیم می شود. افعال لحظه ای متشکل از افعال برگشت پذیر، برگشت ناپذیر و تکرار پذیر است. افعال کنشی و کنشی-پایا نیز به دو گروه مستقیم و غیر مستقیم در این زبان تقسیم می گردد. بنابراین طبقه بندی افعال ترکی آذری نشان می دهد علاوه بر اینکه طبقه بندی پنج گانه ون ولین را شامل می شود، هر یک از آنها به زیر طبقاتی نیز تقسیم می گردند و در این میان برخی فعل ها ازجمله فعل های مرکب از زبان فارسی تاثیربذیری داشته است.

کلیدواژه: زبان ترکی آذری، ایستا، لحظه ای، پایا، کنشی

[۱] دانشیار گروه زبان و ادبیات دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت
[۲] دانش آموختهٔ زبان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت؛ رایانامه: noei.mn914@gmail.com
[۳] دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی

معانی ثانوی پرسش در اشعار قیصر امین‌پور

امید وحدانی‌فر[۱]
زهرا داوری[۲]

چکیده

هدف از پرسش در زبان خبری، آگاهی و اطّلاع یافتن است. جملات پرسشی در بلاغت در شمار جمله‌های انشایی محسوب می‌شوند. این نوع جملات در آثار ادبی به دلایل متعدّد در معنی اصلی خود به کار نمی‌رود. ازاین‌رو دارای غرض ثانوی و فرعی است. قیصر امین‌پور (۱۳۳۸ - ۱۳۸۶) یکی از شاعران برجستهٔ دورهٔ معاصر به ویژه دوران انقلاب اسلامی است. وی به اقتضای حال و تأثیر بیشتر بر مخاطبان اشعارش گاهی خبر، امر، نهی، عاطفه و ... را در قالب پرسش در میان شعرهای خود مطرح نموده‌است. در این پژوهش نویسندگان به بررسی معانی ثانوی جملات پرسشی در اشعار امین‌پور پرداخته‌اند تا جایگاه این نوع از جملات انشایی و اغراض ثانوی آن در اشعار این شاعر بهتر مشخّص گردد. برای انجام این پژوهش چهار اثرآینه‌های ناگهان، به قول پرستو، تنفّس صبح و دستور زبان عشقامین‌پور مورد مطالعه قرار گرفت و از میان جملات انشایی، جملات پرسشی استخراج شد و سپس به شیوهٔ توصیفی – تحلیلی به بررسی اغراض ثانوی هر یک از پرسش‌های موجود در چهار اثر مذکور پرداخته شد. پس از بررسی اغراض ثانوی هر یک از پرسش‌ها، دسته‌بندیخاصّی صورت گرفت. بررسی اشعار امین‌پور از این منظر نشان داد که هرگاه او خواسته‌است مقصود خود را در تأکید،انکار، تقریر، ملامت، تشویق، تأسّف، تعجّب، اظهار عجز، استرحام، آرزو و نظایر آن به طور آشکار بیان کند و یا هرگاه که با غرض هشدار و تنبّه خاطر مخاطبان و همچنین به منظور تأثیربخشی زیاد کلامش بر آن‌ها، این مقاصد را در قالب جمله‌های پرسشی ذکر کرده‌است.

واژه‌های کلیدی: بلاغت،پرسش، معانی ثانوی، شعر معاصر، قیصر امین‌پور.

[۱]استادیار زبان و ادبیّات فارسی دانشگاه بجنورد ؛ رایانامه: o.vahdanifar@gmail.com
[۲]شاعرکودک

تأمّلی نو در ساختار و معانی ثانوی مقوله‌های علم معانی
(مطالعهٔموردی معانی ثانویهٔ نهی تحذیری)

فرشید وزیله[۱]
عبدالرضا نادریفر[۲]

چکیده

مقالهٔ حاضر برای اولین بار برای نمونه یکی از مقوله‌های علم معانی، یعنی «نهی» را مورد بحث و بررسی خود قرار داده تا از این رهگذر معلوم شود نتایج بررسی و حتی گاهی شاهد مثال‌های بسیاری از این آثار تکراری می‌باشد، به گونه‌ای که پس از جمع‌بندی و حذف موارد تکراری به این نتیجه می‌رسیم که این معانی ثانوی در ۱۶ عنوان مشترک مطرح شده‌اند و تنها رضانژاد با افزودن ۲۰ عنوان دیگر به آنها توانسته است تعداد معانی ثانوی نهی را به ۳۶ عنوان (با حذف عناوین مشابه و تکراری، ۳۳ عنوان)افزایش دهد.

این در حالی است که در دید نخست می‌توان با لحاظ نمودن دسته‌بندی موضوعی، معانی ثانوی نهی مورد اشارهٔ این آثار را به سه موضوع نهی ارشادی، نهی تحذیری و نهی دعایی دسته‌بندی کرد و سپس با دقّت بیشتر و نظریه‌پردازی می‌توان به تعداد این عناوین و معانی افزود و در نهایت، ضمن رعایت اسلوب عنوان گذاری علمی و با مسمّی به ارائهٔ عنوان جدید و تعریف برای این عناوین پرداخت.

از این‌رو در دسته‌بندی موضوعی مدّ نظر این مقاله، ۱۳ عنوان از عناوین مطرح شدهٔ نهی در سایرکتب بلاغی را در مقولهٔ «نهی تحذیری» قرار داده و فقط در این مقوله ضمن ارائهٔ تعریف، ۲۱ معنای مجازی برای نهی تحذیری بر شمرده‌ایم.

از آنجا که ذکر تمامی این معانی و شواهد آنها در این مقال نمی‌گنجد، با ذکر شواهدی از غزلیات حافظ به بحث و بررسی درباره « نهی تحذیری» پرداخته‌ایم.

کلید واژه: بلاغت؛ معانی؛ معانی ثانوی؛ نهی؛ تحذیر؛ دیوان حافظ

[۱]استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد صحنه
[۲]استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی؛ رایانامه: Abdolreza.naderifar@gmail.com

اسطوره در آثار احمد شاملو و مهدی اخوان ثالث بر اساس رویکرد بینامتنیت

غلامرضا هاتفی مجومرد[۱]

چکیده

از مهم‌ترین عوامل تحلیل در حوزهٔ ادبیات تطبیقی بررسی شباهت‌ها و تأثیرگذاری آثار بر یکدیگر و چگونگی تحقق یا انتقال یک موضوع و درون‌مایه است ولی خوانش بینامتنی دغدغهٔ فرا رفتن از بررسی منابع مشابه و تأثیر و تأثر را دارد؛ یک متن بر پایهٔ گفتمانی از پیش موجود بنا می‌شود و سپس آن گفتمان را از آن خود می‌کند و حتی موجب دگرگونی معنای متن محوری می‌شود. با توجّه به تأثیر اسطوره‌ها بر یکدیگر،این پژوهش کوشیده‌است، تا به مقایسهٔ اسطوره‌های آثار شاملو و اخوان ثالث بپردازد. هدف تحقیق حاضر بررسی بینامتنی اسطوره و کارکردهای آن در آثار دو شاعر معاصر است. پرسش محوری پژوهش حاضر این است که چگونه می‌توان با تکیه بر الگوی تحلیل بینامتنیت، نقش اسطوره‌ها در آثار شاملو و اخوان‌ثالث را مورد بررسی قرار داد؟ یافته‌های این تحقیق نشان داد که مشابهت‌های اسطوره-شناختی و کارکردهای مشترک بینامتنی در حوزه محتوا، مضامین، ساختار و سبک، قابل مشاهده است. حضور چهرهٔ مرگ و احساس گناه گریزناپذیر قهرمانان و تکرار مضامینی همچون تاریکی، ترس و سخن از ناامیدی و مرگ و حرکت مداوم شخصیت‌های داستانی بر لبه عقل و جنون در این داستان‌ها از جمله طرح های اسطوره‌ای مشترک در آثار دو شاعر مذکور به شمار می‌آید.

واژگان کلیدی: اسطوره، احمدشاملو ، مهدی اخوان ثالث، بازآفرینی، بینامتنیت

[۱] مدرس دانشگاه فرهنگیان یزد؛ رایانامه:hatefi25@yahoo.com

مواضع استعمارستیزی در اشعار احمد شاملو و معروف رصافی

مرتضی هادیان[۱]
مرتضی میر قربانی گنجی[۲]
کمال الدین آرخی[۳]
فرزاد فرزی[۴]

چکیده:
ایران و عراق دو کشور همسایه با پیشینه‌ی تاریخی نزدیک به هم هستند. این دو کشور در تاریخ معاصر، مورد توجه استعمارگران بوده‌اند. استعمار انگلستان، آمریکا و روسیه همواره در اوضاع سیاسی این کشورها مداخله می‌کردند و وضعیت داخلی شان را تحت تأثیر قرار می دادند. از طرف دیگر حاکمیت استبدادی وابسته به استعمارگران نیز اوضاع و شرایط سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی ایران و عراق را نابسامان کرده بود . این پژوهش برآن است که تاریخ معاصر سیاسی ایران و عراق را تبیین نماید و نقش و حضور استعمارگران را در دو کشور ایران و عراق را آشکار سازد تا مواضع استعمارستیزی احمد شاملو و معروف رصافی را بررسی کند و پژوهشی تازه در ادب پایداری ایران و عراق ارائه نماید. و تفاوت و شباهت دیدگاه آنان را مشخص نماید.احمد شاملو- شاعر ایرانی- و معروف رصافی- شاعر عراقی- میهن‌شان را دوست دارند. در برابر استعمار و استبداد وابسته و دست نشاندهٔ استعمار واکنش نشان داده و بخش هایی از سروده هایشان را به مخالفت با استعمار، پدیدهٔ کودتا، اعتراض به استبداد اختصاص داده‌اند. آنان در مواضع استعمارستیزی دارای دیدگاه‌های متفاوت و مشابهی هستند.

واژگان کلیدی:احمد شاملو، معروف رصافی، استعمار، ایران، عراق.

[۱]دانشجوی دکتری زبان وادبیات فارسی ، دانشکده ادبیات و زبان¬های خارجی دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب
[۲]دانشجوی دکتری زبان وادبیات فارسی ، دانشکده ادبیات و زبان¬های خارجی دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب
[۳]دانشجوی دکتری زبان وادبیات فارسی ، دانشگاه زاهدان
[۴]دانشجوی دکتری زبان وادبیات فارسی ، بین المللی امام خمینی (ره) قزوین؛ رایانامه: farzadfarze@gmail.com

واکاوی رفتارهای فرهنگی و اجتماعی در گویش گیلکی شرق گیلان

سیده زهرا هاشمی نیاکوهی[۱]

چکیده

زبان یک پدیدهٔ اجتماعی است که مخلوق جامعه هم هست و جلوه‌های گوناگون خود را از ارزش های جامعه به ارث می برد و کهن ترین اندیشه‌های قومی و ملی را به نسل آینده بسپارد.

اگر بپذیریم که مهم‌ترین نقش زبان در هر جامعه‌ای ایجاد ارتباط و تعامل اجتماعی با دیگران است، چون انسان موجودی اجتماعی آفریده شده است، در هر تعامل و تکاملی باید پیامی رد و بدل شود و گفتار به عنوان ابزار این تعامل در خدمت انسان قرار می‌گیرد.

سرزمین گیلان از گذشته‌های دور تا چند قرن پیش به دو بخش تقسیم می‌شد بخش غربی یعنی سمت راست سفیدرود را بیه پس و بخش شرقی یا سمت چپ آن را بیه پیش می‌نامیدند. شرق گیلان شامل شهرهای آستانه، لاهیجان، لنگرود، رودسر و... است که با توجه به ساختارهای محیطی از جمله وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دارای گوناگون و تنوع واژگانی است. این پژوهش بر آن است تا با بررسی برخی اصطلاحات و کنایات و باورهای مردم شرق گیلان با رویکردی میدانی به شناسایی اندیشه‌ها و فرهنگ جامعه از طریق زبان بپردازد.

کلیدواژه: زبان، گویش گیلکی، فرهنگ، رفتارهای اجتماعی

[۱]کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان و دبیر زبان و ادبیات فارسی آموزش و پرورش شهرستان لاهیجان؛ رایانامه: szahrahashemy@gmail.com

نقدی برنحوه ارائهٔ ادبیات‌داستانی در کتاب‌های درسی ادبیات‌فارسی متوسطه دوم

روح اله هاشمی[۱]
سکینه عباسی[۲]

چکیده

یکی از بخش‌های ارزشمند ادبیات هر قوم و ملتی، ادبیات داستانی آنهاست که از رهگذر آموزش آن اندیشه و ذهن هر گروه سنی شکوفا می‌شود؛چرا که داستان به منزله یکی از ابزارهای اصلی آموزش می‌تواند مهارت‌های شناختی و توانایی پرسش‌گری را در مخاطب، بویژهکودک و نوجوان بالا ببرد و در نتیجه آنها را در برآورد استدلال‌ها، درک روابط علت و معلولی، کشف مفاهیم و تحلیل آنها و در نهایت نتیجه‌گیری درست از رویدادها یاری کند، ضمن آنکه فرهنگ و تاریخ و اندیشه ادوار مختلف زندگی یک قوم و جهان را به او انتقال می‌دهد. از این رو گنجاندن ادبیات داستانی به عنوان یکی از مواد درسی در آموزش گروه سنی متوسطه یک ضرورت است.در این پژوهش کوشیده شده که رویکرد مؤلفین کتب درسی در بازتاب ادبیات داستانی، به عنوان ابزار آموزش اندیشه و تفکر به گروه سنی نوجوان، مورد نقد و بررسی قرار گیرد تا نقاط ضعف و قوت آن آشکار گردد. حاصل کار نشان می‌دهد که نحوه ارائه و آموزش تمام بخش‌های ادبی موجود در کتاب‌های درسی ادبیات فارسی متوسطه، همچون نحوه ارائه ادبیات داستانی یکسان است. به بیانی دیگر سنت آموزش ادبیات در کتب درسی تفاوتی با روش های قدیمی نکرده و تنها حیطه دانشی نوجوانان را به طور کوتاه‌مدت پویا می‌کند و کمک چندانی به حیطه‌شناختی آنها نمی‌کند. نیز حوزه تعاریف داستان و عناصر آن نارسایی‌های جدی دارد که باید اصلاح گردد.

کلیدواژه ها: ادبیات داستانی، گروه سنی نوجوان، آموزش تفکر، کتاب‌های درسی ادبیات فارسی متوسطه دوم.

[۱]کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه: ruh_56@yahoo.com
[۲]دکترای زبان و ادبیات فارسی

بررسی داستان سیاوش بر پایه نظریه تمایل محاکاتی رنه ژرار

لیلا هاشمیان[۱]

معصومه موسیوند[۲]

چکیده

شاهنامه مجموعه باورها، اعتقادات، تمایلات و خواسته‌های پیشینیان در روزگاری کهن و یا به تعبیری تازه-تر تبلور ناخودآگاه جمعی ایرانیان می‌باشد که برای شناخت مفاهیم و پیامهای نهفته در این متن حماسی اسطوره‌ای نیاز به کند و کاوهایی عمیق‌تر و آگاهانه‌تر می‌باشد. با توجه به مکاتب ادبی نو و نظریات روانشناسانه صاحبنظران امروزی، پژوهشگران و منتقدان بسیاری به بررسی و تحلیل اساطیر روی آورده‌اند؛ چه، نقد و بررسی مفاهیم کهن و اسطوره و حماسه بر پایه موازین علمی روان شناختی نوین اگر نه همهٔ حقایق را بازگو می کند، اندیشه و دیدگاهی نو را فرا روی خوانندگان قرار می‌دهد و مسأله را از ابعاد دیگری می‌نمایاند. در این میان رنه ژرار متفکر معاصر فرانسوی صاحب نظریهٔ «تمایل محاکاتی» که یکی از نظریه‌های مهم انسان‌شناسی در سدهٔ بیستم میلادی است، مدعی است، منشاء اکثر منازعات و خشونت‌ها در تاریخ، میل محاکاتی است، اغلب جوامع بشری، برای کاستن از شدت و حدّت این تنازعات، قربانی‌ای «بلاگردان» را وجه‌المصالحهٔ اربابان قدرت قرار می‌دهند. در این پژوهش داستان سیاوش را از این منظر مورد بررسی قرار می‌دهیم.

واژگان کلیدی: رنه ژرار، میل محاکاتی، بلاگردان، سیاوش، قربانی

[۱] دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بوعلی سینا همدان؛ رایانامه: dr-hashemian@yahoo.com

[۲] کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بوعلی سینا

تحلیل و بررسی معانی ثانوی جملات استفهامی در غزل های فخرالدین عراقی

فریده یاسمی[۱]
سید اسعد شیخ احمدی[۲]

چکیده

زبان هنر انسان، تنها وسیله ی ارتباط نیست، بلکه با تکیه بر وجهی از ارتباط می توان به اغراض فراتر از ظاهر دست یافت. دانش معانی با واکاوی سخن در موقعیت های مختلف به بررسی نقش هایی غیر از انتقال پیام می پردازد . این شاخه سنتی از علوم ادبی که نسبت به بیان و بدیع کمتر محور پژوهش های ادبی قرار گرفته است، یافته های بسیار خوبی از جنبه ها و لایه های پنهان سخن را می نمایاند .

در این پژوهش بر آن شدیم تا غزلیات فخرالدین عراقی را که بخش پرشور اشعار اوست و معانی و مقاصد متنوعی در پس آنها نهفته است ، مورد بررسی قرار دهیم و با بررسی جملات پرسشی به روش توصیفی – تحلیلی اغراضی را که هنرمندانه مدنظر شاعر بوده است بیابیم و به پاسخ سوالات پژوهش دست یابیم . جامعه آماری پژوهش ۳۰۹ غزل و حجم نمونه ۱۶۹ غزل است .

نتیجه نشان می دهد که عراقی به ۳۵ غرض ثانویه در جملات پرسشی ، توجه داشته است . پرکاربردترین کارکردهای ثانوی جملات پرسشی به این ترتیب است : تمنّی و آرزو ، استفهام انکاری ، منافات و استبعاد ، تحسین و تعظیم، اظهار بی تابی ، توبیخ و ملامت و تعجب و حیرت . کم کاربردترین آنها هم معانی ثانوی: تقاضا و کسب اجازه ، اثبات عقیده خود و بطلان عقیده مخاطب ، حصر، تفخیم و کار بیهوده است . اظهار و بیان معانی متعدد به طور توأمان در یک جمله پرسشی توسط گوینده صورت گرفته است .

کلید واژه ها :فخرالدین عراقی ، معانی ، اغراض ثانوی ، استفهام .

[۱] کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کردستان؛ رایانامه: farideyasemi@yahoo.com
[۲] استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کردستان

علت پیدایش اسطوره وبررسی آن از دیدگاه روانشناسی

ندا یانس[۱]
کامران پاشایی فخری[۲]

چکیده:
یافته ها و دستاوردهای انسان آغازین و دیرینه، اسطوره را می سازد، یعنی انسان آغازین همواره تلاش نموده است که به پرسشهای اساسی خود دربارهٔ جهان و انسان پاسخ مناسب بدهد. او سعی کرده است که همواره رازهای هستی را درگشوده و آنها را بازنماید. اسطوره گونه‌ای از جهان بینی باستانی است.اسطوره ها بخشی از ملیت، تمدن و فرهنگ هر ملتی را تشکیل می دهند و به مرور زمان تبدیل به نمادهای ملی می شوند. رویا و اسطوره خصایص مشترک بسیار با هم دارند. همچنین شناخت . تفسیر و توجیه اسطوره ها یکی از زمینه های کاری روان شناسان و روان کاوان است زیرا اسطوره برخاسته از ژرفای وجود است.در این مقاله سعی شده است اسطوره و علت پیدایش آن از دیدگاه روان شناسی و روان کاوی بررسی شده و ارتباط آنها رابیان کندوعلت ادامه حیات اسطوره های پیشین در دوره معاصر که به چشم می خورد بررسی شود.

کلمات کلیدی: اسطوره، بازتاب ها و کارکردهای اساطیری،اسطوره و روانشناسی،رویا و اسطوره.

[۱] باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران؛ رایانامه: neda.yans.2016@gmail.com
[۲] دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

تعارض میان فردی در داستان «لهراسپ و گشتاسپ» با تکیه بر نظریات علم مدیریت تعارض

نازیلا یخدان ساز[۱]
پروانه عادل زاده[۲]
کامران پاشایی فخری[۳]

چکیده

انسان‌ها برای برقراری ارتباط و تعامل با هم‌دیگر ناگزیر از داشتن رفتارها و اعمالی هستند که تفاوت‌های ذاتی و بعضاً اکتسابی این رفتارها، تعارضات میان آن‌ها را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. تعارض از تقابل دو خواسته و گاه دو فکر بروز می‌کند؛ بدین معنی که هرگاه دو یا چند نفر از افراد به دلیل اختلاف در نیازها، خواسته‌ها، اهداف و ارزش‌ها در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند. از این رو تفاوت‌ها، خطرات و انگیزه‌های متمایز از یکدیگر در افراد، بافت سازمانی را در برابر تعارض‌های سازمانی اجتناب‌ناپذیر می‌کند. «مدیریت تعارض» یکی از رویکردهای مهم رفتار سازمانی در صدد کنترل و کاهش این تعارضات است. شاهنامه فردوسی به عنوان اثری گرانسنگ و بی‌بدیل حماسی، اگر در چند خصیصه بارز خلاصه شود مسلماً مهم‌ترین خصیصه‌اش «تضاد و کشمکش» و تبعات مثبت و منفی حاصل از آن که به عنوان بن‌مایه‌ای ژرف بر سراسر داستان‌های این اثر هنری، سایه افکنده است خواهد بود. این جستار بر آن است تا داستان «لهراسپ» را با توجه به نظریه‌های علم «مدیریت تعارض» و چگونگی انطباق تضاد میان‌فردی لهراسپ و گشتاسپ با نظریات این گروه ، مورد تحلیل و بررسی قرار دهد. هدف این تحقیق ، نشان دادن دیدگاه‌های در خور توجه و برجسته فردوسی و ارائه راهکار و شیوه‌های مبتنی بر کنترل و حل تضادها و تعارضات میان‌فردی پیشامده در شرایط گوناگون است که می‌تواند الگویی قابل ملاحظه برای مدیران امروزی باشد.

واژگان کلیدی: مدیریت تعارض، تعارض میان فردی، فردوسی، شاهنامه، لهراسپ و گشتاسپ.

[۱] دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی¬ واحد تبریز؛ رایانامه: n.yakhdansaz@gmail.com
[۲] دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد سلامی واحد تبریز
[۳] دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد سلامی واحد تبریز

بررسی و تحلیل منظومهٔ غنایی شاهرخ و گلرخ

احمدرضا یلمه‌ها[۱]
مهدیه ولی محمدآبادی[۲]

چکیده

میراث مکتوب باقیمانده از گذشتگان جزء مهمی از فرهنگ و تمدن کشور ماست. آثار ادبی هر ملت آینهٔ تمام نمای فرهنگ و تمدن آن ملت است.آثار ادبی بیانگر عواطف انسانی، مسائل روانی و درونی و نشان دهندهٔ هنرهای کلامی و در نهایت ایجاد روح التذاذ ادبی است. با وجود گذشت یک سده از آغاز احیاء و تصحیح نسخ خطی تنها بخش اندکی از گنجینهٔ نفیس و ارزشمند داستان های غنایی چاپ شده و در اختیار ادب دوستان قرار گرفته است. و چه بسا شاعران و نویسندگان بزرگی که هنوز خود و آثارشان در پردهٔ خمول و گمنامی باقی مانده اند، ادیبانی که روح بلندشان به آنان اجازه داده تا با بهره گیری از تخیّل و کلام در پهنهٔ ادب و هنر جولان دهند . شاهرخ و گلرخ، از جمله داستان‌های روایی است که در قرن دوازدهم توسط نویسنده‌ای چیره‌دست به رشته تحریر درآمده‌است و تاکنون در غبار فراموشی و نسیان باقی مانده‌است. کوشش نگارندگان بر آن است که در این مقاله ضمن معرفی این اثر، توجه خوانندگان را به ارزش‌های داستانی آن معطوف سازند.

کلید واژه‌ها : ادبیات غنایی، داستان، شاهرخ و گلرخ، نسخه خطی، قرن دوازدهم، مولانا ابوالمجدمحمود جیلانی.

[۱]استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان- ایران؛ رایانامه: ayalmeha@yahoo.com
[۲]دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان

سیری در اندیشه های کنفسیوس و سعدی در باب آموزش

خانم دکتر یو گویلی[۱]

چکیده:

در تاریخ آموزش و پرورش چین، اولین فردی که با صرف تمام عمر نیرو به امور آموزشی و پرورش پرداخته ،کنفسیوس است و کتاب جاویدانی با نام «لونیو» از وی به جا مانده که گفتار و اندیشهٔ کنفسیوس و بعضی شاگردانش در آن شامل شده است. تاریخ تالیف این کتاب بعد از فوت کنفسیوس صورت گرفته و شاگردانش در دوران مختلف گفتار و اندیشهٔ وی را جمع آوری کرده اند. کتاب لونیو اندیشه عظیم کنفسیوس را شامل می شود. هر چند که بیش از دو هزار سال گذشته ولی نور اندیشه بشری در زمینه آموزشی می درخشد. هدف عملیات آموزشی کنفسیوس این است که آموزش و پرورش برای همهٔ بشر است و این تفکر به پیشرفت و توسعهٔ آموزشی چینی نقش مهمی ایفا می کند.

سعدی در زمان حیات خود به عنوان سخنور و شاعر، شهرت زیادی پیدا کرد و حتی در هندوستان، آسیای صغیر و آسیای میانه نیز او را می‌شناختند و اشعارش را می‌خواندند.

بوستان سعدی کتابی است اخلاقی و آموزشی، و یکی از آثار منظوم وی، و یکی از شاهکارهای ادب فارسی به شمار می‌آید و سعدی آرمانشهر مطلوب خود را در آن به تصویر کشیده‌است.

سعدی کتاب گلستان را در سال ۶۵۶ هجری قمری؛ یعنی یک سال پس از بوستان نوشته و یکی از کتابهای درسی مسلمانان چینی هم به حساب می آید. تفکر آموزشی کنفسیوس و سعدی به بشر در اصلاح اندیشه و کردار تاثیرات زیاد کرده اند. در این مقاله از سه زاویه به کنفسیوس و سعدی نگریسته شده است. هر دو بر پرورش آداب یادگیری شاگردان، شیوهٔآموزشی، تهذیب نفس و انسانیت در شاگردان تأکید دارند، شایسته است تمام افرادی که در امر آموزش فعالیت دارند، به عنوان منبعی ارزنده به آنها مراجعه کنند.

کلمات کلیدی: سعدی، کنفسیوس، آموزش، اخلاق.

[۱] دانشیار دانشگاه مطالعات زبانهای خارجی پکن دانشکده آسیا و آفریقا؛ رایانامه: ۱۶۹۲۶۵۸۶۲۶۲@qq.com

تحلیل شناختی استعارهٔ آیینه در غزلیات صائب

محمدکاظم یوسف پور[۱]
الهام رجبی[۲]

چکیده:
استعاره در زبان‌شناسی‌شناختی ابزاری برای شناخت نظام تفکری انسان است.کلان‌استعاره‌ها و طرح‌واره‌های استعاری نشان از اندیشه و تجربهٔ افراد دارند.شناخت و دسته‌بندی زیرساخت‌های استعاری متن، از طریق کلیدواژه‌ها مارا در دست‌یابی به شبکه‌ای مفهومی از کاربرد مضامین و شناخت عمیق متن یاری می‌کند. دیوان صائب یکی از آثار ادب فارسی است که در آن می‌توان از طریق کلیدواژه‌ها، به زیرساخت‌های مفهومی غزلیات او راه‌یافت، درحالی‌که عموم بررسی‌ها صرفاً بر توصیف و بازگویی این مفاهیم متمرکز شده‌اند. باتوجه به پرکاربرد بودن واژهٔ آیینه و گستردگی همبسته‌های مفهومی آن در غزلیات صائب، این پژوهش درنظر دارد با تمرکز بر استعارهٔ شناختی «آیینه»، ضمن دسته‌بندی انواع استعاری آن، به کارکردها، تحلیل بافت استعاری واژه و در نهایت زیرساخت شبکه‌ای و مفهومی آن دست‌یابد. پژوهش حاضر با تمرکز بر کلیدواژهٔ «آیینه»، ضمن دسته‌بندی و معرفی ویژگی‌های عشق در غزلیات صائب به کارکردهای مفهومی آن نیز دست‌یافته‌است. قدرت‌مندی، الوهیت، دشواری و خطرناکی راه عشقدر توصیف مفهوم عشق، زیبایی، قدرتمندی، آسیب‌زننده بودن و نابودگری در وصف معشوق و ضعف، خودکم‌انگاری و علاقه‌مندی شدیددر توصیف عاشق کاکردهای شناختی استنباط شده از نگاشت‌های استعاری متن هستند و بیشترین بسامد و اهمیت را داشته‌اند.

کلیدواژه:استعارهٔمفهومی، صائب، آیینه، دل، عشق

[۱] دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان
[۲] دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان؛ رایانامه: e.rajabi7@gmail.com

اصول بازنویسی داستان‌های متون کهن فارسی به منظور استفاده در برنامه فلسفه برای کودکان

عاطفه یوسفی[۱]

چکیده

فلسفه برای کودکان برنامه‌ای کاربردی در راستای آموزش تفکر به کودکان است. از آنجا که در این برنامه داستان مهم‌ترین ابزار آموزشی به شمار می‌رود، برای اجرای هرچه بهتر آن در دست داشتن منابعی بومی و متناسب با آداب و فرهنگ سرزمینمان ضروری است. در پژوهش حاضر که با روش کتابخانه‌ای و اسنادی انجام شده لزوم و چگونگی بازنویسی متون ادبی و داستانی فارسی به منظور استفاده در برنامه فلسفه برای کودکان مورد بررسی قرار گرفته است. برای بازنویسی این متون بدین منظور، باید به اصول نویسندگی برای کودکان و نوجوانان و ویژگی‌های داستان‌های فلسفی توجه داشت. طبق آرای پژوهش-گران حوزهٔ کودک، داستان‌هایی برای کودکان مناسب است که به لحاظ موضوع و محتوا با روحیات و تجربیات کودک متناسب باشد و سطح زبانی و ادبی آن با توانایی‌های کودک مطابقت کند. پس از رعایت این موارد باید به معیارهای داستانی فبک پرداخت. برخی از مهمترین ویژگی‌هایی که برای این داستان‌ها ذکر شده عبارت است از: مقبولیت ادبی، عقلانی و روان‌شناختی، کندوکاو پذیری، میزان بالای گفت‌وگو و محتوای فلسفی. پس از بازنویسی داستان‌های ادبی طبق معیارهای گفته شده، باید پرسش‌هایی در آخر هر داستان طرح کرد تا باعث جهت‌گیری فکری کودکان شود و آن‌ها را به تفکر و تعمق بیش‌تر وادارد.

واژگان کلیدی: فلسفه برای کودکان؛ داستان فلسفی؛ ادبیات کودک؛ بازنویسی متون ادبی

[۱] دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی؛ رایانامه: utls_yousefi@yahoo.com

بازخوانی داستان شیر و گاو (کلیله و دمنه) بر اساس مبانی داستانی فلسفه برای کودکان

عاطفه یوسفی [۱]
مصطفی موسوی[۲]

چکیده

کلیله و دمنه از جمله آثار ادبی و سرشار از مفاهیم اخلاقی و آموزه‌های تربیتی است که در قالب داستان به رشتهٔ تحریر در آمده. شخصیت‌پردازی، سبک ویژه روایی و داستان پردازی در این کتاب، سبب افزایش کاربرد آن در دیگر حوزه‌ها می‌شود. مقاله حاضر حاصل بررسی داستان "شیر و گاو" بر اساس معیارهای داستان‌های فلسفی کودکان است که با استفاده از روش کتابخانه‌ای و اسنادی انجام گرفته. این داستان از حیث غنای ادبی، روانشناختی، فلسفی، کندوکاو پذیری و الگوسازی گفتاشنودی مورد بررسی واقع گردید. بر اساس یافته‌های این پژوهش، داستان مورد نظر از غنای فلسفی، ادبی و روانشناختی لازم برخوردار است و به دلیل وجود میزان بالای عنصر گفت‌وگو قابلیت الگودهی گفتاشنود تأملی را نیز دارد. ولی به دلیل ارایه نتایج نهایی و پند و اندرز، قابلیت کندوکاو پایینی دارد. همچنین زبان ادبی داستان با سطح خوانایی کودک همخوان نیست؛ بنابراین لازم است به منظور طرح این داستان در کلاس‌های فلسفه برای کودکان، ضمن بازنویسی این اثر به زبانی ساده، کلیهٔ نصایح و نتیجه‌گیری‌های اخلاقی آن حذف شود.

واژگان کلیدی: *کلیله و دمنه*، داستان شیر و گاو ، فلسفه برای کودکان، داستان‌های فلسفی

[۱] کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی؛ رایانامه: utls_yousefi@yahoo.com
[۲] عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران